

کتاب

اسم: صریحات - روشهای مقدماتی مطالعه و تحقیق الواح و آثار قلم اعلیٰ

مؤلف: صادق عرفانیان

تاریخ نشر: شهرالشرف ۱۵۸ بدیع * دسامبر ۲۰۰۱

آغاز کتاب

©Copy Right. Sadegh Erfanian

ISBN: 978-1-59584-536-8

تقدیم به

جناب ملا حسین بشرویه ای اول من آمن
«جوهر کل وجود» محل اشراق شمس ظهور
«لولا ما استوی الله علی عرش رحمانیته
و ما استقر علی کرسی صمدانیته»
با رجاً اینکه به عزّ قبول فائز گردد

و نیز تقدیم به یاران ارجمند و شهدای جوان اعضای لجنه جوانان بهائی طهران و
لجنه ملی جوانان بهائی ایران
جناب اردشیر اختری

جناب شیوا محمودی جناب کامبیز صادق زاده
جناب امیر حسین نادری جناب روح الله تعلیم

و نیز تقدیم خالصانه به جمعی از معاریف فضلا و اساتید و باسلان و مبلغان مهد امرالله
جناب علیمراد داودی جناب بدیع الله فرید
جناب حسین نجی جناب قدرت الله روحانی
جناب کمال الدین بخت آور جناب محمود مجذوب

جناب هاشم فرنوش جناب مسیح فرهنگی

و نیز تقدیم به محبوبی گرامی استاد و فاضل ارجمند آیت فروتنی بازمانده از جمیع آن

محبوبان جناب دکتر محمد افنان

و نیز تقدیم به منسوب و یار از دوران کودکی ایّام مهاجرت در شهر زابل ، شهید فی سبیل

الله که جام بلا را چون شهد لاجرعه سرکشید و پای کوبان و خندان به ملکوت ابهی شتافت

جناب فدرس شبرخ

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالى
((اقْرَأُوا الْاِلَاحَ لِتَعْرِفُوا مَا هُوَ الْمَقْصُودُ
فِي كِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ))
کتاب مستطاب اقدس بند ۳۶

((ای بندگان مثل ظهور قدس احدیتم مثل بحریست که در قعر و
عمق آن لثالی لطیفه منیره ازید از احصا مستور باشد و هر طالبی
البته باید کمر جهد و طلب بسته بشاطی آن بحر در آید تا قسمت
مقدّره در الواح مختومه مکنونه را علی قدر طلبه و جهده اخذ نماید .
حال اگر احدی بشاطی قدسش قدم نگذارد و در طلب او قیام
ننماید هیچ از آن بحر و لثالی آن کم شود و یا نقصی بر او وارد آید .
... ای بندگان تالله الحقّ آن بحرا عظم و موج بسی
نزدیک و قریب است بلکه اقرب از جبل ورید . بآنی بان
فیض صمدانی و فضل سبحانی و جود کرم عزّابھائی
واصل شوید و فائز گردید .))

مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر صفحه ۳۲۵

«قد سکن الغلام فی سجن عکا
والمخلصون یجدون
عرف القمیص من ارجائها»

آثار قلم اعلیٰ جلد اول (کتاب مبین) صفحه ۳۷۷

(أُولَئِكَ عِبَادٌ أَخَذَهُمْ
سُكْرُ خَمْرٍ مَعَارِفَكَ عَلَى
شَأْنٍ يَهْرَبُونَ مِنَ الْمَضَاجِعِ
شَوْقًا لِّذِكْرِكَ وَتَنَائِكَ)

﴿ مَا قَدَّرْتَ عِزًّا إِلَّا فِي ﴾

﴿ عِلْمِ كِتَابِكَ وَلَا نُورًا ﴾

﴿ إِلَّا فِي مَعْرِفَةِ آيَاتِكَ ﴾

اذكار المقرئين مجلد ثانى

ص الف

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار بسمی الذي به ارتفع علم الهداية بين البرية
۳	مقدمه
۵	وسایل تمهید در تحقیق
۶	مقصود از تحقیق
	روش اول - تاریخ ، مخاطب ، شان و محل نزول لوح
۹	* تاریخ و محل نزول لوح
۱۰	
۱۱	* مخاطب لوح . طبقه بندی مخاطبین
۱۳	* الواح و آثاری که توسط قلم اعلیٰ به نام و اسمی تسمیه شده است : " لوح " . " آیه " . " آیات " . " سوره " . " کتاب "
۱۵	" کلام الله " . " کلمة الله " . " صحيفة الله "
	* آثار و الواحی که در سایر الواح مبارکه بنامی ذکر شده است
۱۷	* نوع کلام
۱۸	* لحن خطاب
۱۹	* شان الواح : در سوره هیکل : قل انا نزلنا الايات على تسعة شئون كل شان منها
	مشخصات کتب و مآخذ
۲۰	
	روش دوم - شناخت لغات و الفاظ در الواح
۲۳	معنی حقیقی لغت . اقسام لفظ و معنی . حقیقت و مجاز
۲۴	
۳۰	خارج شدن معانی لغوی به معانی شرعی

ص ب

- ۳۰ لغات و الفاظی که در مبادی و اصول بکثرت نازل شده است
- ۳۱ لغات و الفاظی که دارای معانی متعددند . نمونه : نار
- ۳۴ الفاظ و کلمات مخفی المعنی
- معانی " عام " و معانی " خاص " الفاظ و لغات
- ۳۴
- ۳۶ ماخذ لغت ، نمونه هائی از الفاظ و لغات
- ۳۸ شناخت کلمه و لغت با مراجعه به سایر الواح مبارکه
- ۴۰ تحقیق و تحلیل
- ۴۴ مراجع و ماخذ تحقیق در لغات و الفاظ
- ۴۷ مشخصات کتب و ماخذ
- ۵۰ روش سوم - شناخت و انواع بیان
- ۵۱ نوع اول - اوامر و نواهی
- ۵۱ نوع دوم - در اعلان مظهریت و ربوبیت و اثبات آن
- ۵۲ نوع سوم - در ذکر عبودیت
- نوع چهارم - در مراتب و مقام شهدای امر
- ۵۳
- ۵۳ نوع پنجم - در ذکر ادیان : مذاهب : تاریخ و رسوم اقوام
- وقایع شرح احوال مردمان در دوره حیات مبارک
- ۵۵ منابع مطالعه و تحقیق در مسائل اجتماعی ، و مذهبی ایرانیات و علمای
- اسلام در عصر رسولی
- ۵۸ نوع ششم - بیان در اصول و مبادی روحانی در امر بهائی
- ۵۸ * تعریف مبادی
- ۵۸ * طبقه بندی بیانات مبارکه در مسائل اصول و مبادی روحانی
- ۵۹ * بیان در مسئله الوهیت ، علت العلل عالم وجود ، خلقت و عوالم آفرینش

ص ت

- ۶۰ * اسماء (اسماء الله : اسماء الحسنی)
- ۶۰ * صفات الهی در الواح مبارکه ، صفات سلبيه و ثبوتیه (جمالیه)
- ۶۱ * نمونه هائی از صفات خدا در ادعیه محبوب ، اذکار المقربین و الواح
- ۶۱ * طرق حصول به عرفان و معرفت حق - توحید حقیقی
- ۶۲ * اصل معنی توحید - جوهر توحید
- ۶۲ * عوالم آفرینش و خلقت (آیات تکوینی)
- ۶۴ * معنی و مقصود از خلقت از عدم
- ۶۴ * مقصد از خلقت
- ۶۵ * منابع و مآخذ مطالعه در مسئله الوهیت در آثار مقدسه امر بهائی
- ۶۶ * بیان در تعبد انسان در کسب معرفت مظاهر الهی
- ۶۶ * بیان در ضرورت دین و لزوم ارسال وحی الهی و نبوت
- ۶۷ * بیان در اینکه مظاهر الهی صاحب عصمت کبری اند
و اصل ما یفعل ما یشاء بودن صاحب امر
- ۷۰ * ایمان و عرفان به امر الهی منوط به تائید الهی و داشتن انقطاع صرف و ...
- ۷۱ * منابع و مآخذ مطالعه در موضوع عصمت کبری
- ۷۲ * بیان در مقام و رسالت حضرت بهاء الله جلّ اسمه الاعلی و
حضرت ربّ اعلیّ جلّ ذکره و ارتباط دو ظهور اعظم
- ۷۲ * نمونه هائی از بیانات مبارکه در بیان مقام مبارک حضرت بهاء الله
- ۷۳ * نمونه هائی از بیانات مبارکه در بیان مقام مبارک حضرت ربّ اعلیّ
- ۷۳ * نمونه هائی از بیانات مبارکه در بیان ارتباط دو ظهور اعظم
- ۷۵ * بیان در وحدت انبیاء الهی و ادیان
- ۷۵ * بیان در تعلیم وحدت نوع بشر و صلح عمومی

ص ث

- ۷۶ * دستور العملهای نازله در الواح مبارکه برای ایجاد وحدت نوع بشر
- ۷۶ * عامل و وسیله الهی برای ایجاد وحدت در عالم

۷۶	* مرجع قانون گذار و ناظر حاضر در همه اعصار آتیه در استقرار صلح و وحدت عالم
۷۶	* عوامل و عناصر متشکله در استقرار وحدت عالم
۷۷	* دستورات و احکام ، اوامر و نواهی نازله در استقرار وحدت
۷۸	* مجری وحدت و صلح
۷۸	* بیان در ترک تعصبات دینی ، نژادی ، ملی و سیاسی
۷۹	* بیان در تساوی حقوق رجال و نساء
۷۹	* بیان در تحری حقیقت و ترک تقلید
۷۹	* بیان در باره روح انسان ، مجرد بودن نفس ناطقه و بقای آن
۸۲	* بیان در عهد و میثاق
۸۲	* مبحث الفاظ : عهد - میثاق
۸۲	* مقصود از عهد و میثاق در امر بهائی و تبیین آن در الواح تبیینی
۸۴	* عهد و میثاقی که خدای متعال با بندگانش بسته است
۸۵	* عهد و میثاقی که در آن مسئله جانشینی و ولایت ، تاویل و تفسیر تبیین آیات الهی و اداره امور روحانی و مدنی جامعه و پیروان امر عنوان گردیده است
۸۵	* روشهای تحقیق در عهد و میثاق (چهار تحقیق)
۹۰	* بیان در مسئله جبر و اختیار - قدر و قضای الهی
۹۰	* مبحث الفاظ و معانی لغات
۹۱	* جبر و اختیار ، قضا و قدر در معارف اسلامی

ص ج

۹۴	* نمونه هائی از آثار مبارکه در قدرت و اراده الهی و نامحدود بودن آن
۹۶	* در اراده انسان (نمونه هائی از آثار مبارکه)
۹۹	* معتقدات اهل بها در مسائل قضا و قدر ، جبر و اختیار
۱۰۱	* بحثی تحقیقی در دو فقره از آیات الهی در جبر و اختیار ...
۱۰۳	* بیان در معنی آزادی و حد آزادی برای انسان
۱۰۴	* تبیین و معنی آزادی و اقسام آن

- ۱۰۵ * بیان در معانی و مقصود از جنت ، نار ، قیامت و معاد
- ۱۰۵ * بیان در طلب مغفرت و آمرزش و اینکه باید از حق طلب آمرزش کرد نه غیر از او
- ۱۰۶ * بیان در رعایت احترام علمای سایر ادیان
- ۱۰۶ نوع هفتم - اصول و مبادی اداری
- ۱۰۷ * اصل اول : مؤسس تشکیلات و مؤسسات بهائی شارع امر اعظم است
- ۱۰۷ * اصل دوم : سریان و جریان قوه قدسیه متتابع از دو ظهور الهی در مؤسسات اداری بهائی
- ۱۰۸ * اصل سوم : اساس تصمیمات متخذه در مؤسسات اداری بهائی بر مبنای شور و رای اکثریت بوده و کل موظف باطاعت اند
- ۱۰۸ * اصل چهارم : نظم اداری بمتابه صدفی از برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است
- ۱۰۹ نوع هشتم - بیان در ذکر معرضین و ناکثین و خسران معاندین امرالله
- * طبقه بندی اعدای امر و معاندین
- ۱۱۰ * آیات و الواح نازله در انداز و خسران اعداء امرالله

ص ح

- ۱۱۱ * تحقیق در مسائل در نمونه هائی از بیانات مبارکه
- ۱۱۲ نوع نهم - بیان در ذکر کتب آسمانی قبل
- ۱۱۳ نوع دهم - تمثیلات ، اشعار ، و قصص اقوام قبل در الواح مبارکه
- ۱۱۳ نوع یازدهم - بیان در امر تبلیغ
- ۱۱۳ * طبقه بندی بیانات الهیه در امر تبلیغ
- ۱۱۳ * بیانات الهیه در امر به تبلیغ
- ۱۱۴ * بیانات مبارکه در روش تبلیغ و معرفی امر الهی به عالم
- ۱۱۷ * بیانات مبارکه در مقام مبلغ
- ۱۱۷ * شرائط مبلغین
- ۱۱۸ نوع دوازدهم - در جنت و دوزخ و معاد و عوالم بعد از مرگ

- ۱۱۹ نوع سیزدهم - بیانات مبارکه در عدل - عدالت - قسطاس اعظم
تعدیل معیشت - بیت العدل - شفقت - انصاف - مدارا -
ارکان استقرار عدل الهی - مؤسسات امریه و اجرای عدالت
- ۱۲۰ * مبحث الفاظ و لغات
- ۱۲۱ * قسطاس
- ۱۲۲ * بیت العدل - رجال بیت العدل - شفقت
- ۱۲۲ * انصاف - مدارا
- ۱۲۲ * عدل و عدالت در اسلام
- ۱۲۳ * عدل در قرآن کریم
- ۱۲۳ * اهل سنت و جماعت و شیعیان در انتظار استقرار عدل الهی ...
- ۱۲۴ * احادیث نبوی در انتظار استقرار عدل و ظهور مهدی عادل
در میان مذاهب سنی در کتب معتبره احادیث

ص خ

- ۱۲۵ * احادیث مروی از ائمه هدی در انتظار ظهور حضرت قائم
و استقرار عدل بر کره ارض
- ۱۲۸ * ارکان استقرار عدل الهی و مؤسسات امریه در اجرای عدالت
- ۱۲۹ * بیانات مبارکه در عدل و عدالت - لوح رضوان العدل
- ۱۳۱ * نمونه هایی از بیانات مبارکه در مسئله عدل و انصاف
- ۱۳۱ * تعالیم و نصائح الهیه به اهل عالم
- ۱۳۲ * تعالیم الهیه در عدل و داد به حکام و روسای ارض
- ۱۳۲ * ینبوع عدل و عدالت در امر بهائی
- ۱۳۳ * مجریان اصلی عدالت در عالم
- ۱۳۳ * طرق اجرای عدالت و مراجع و مؤسسات عدلیه در امر بهائی
- ۱۳۳ * تبیین حضرت عبدالبهاء در مسئله عدل - مجازات و مکافات
- ۱۳۴ * تبیین حضرت ولی امرالله جل سلطانه در عدل و مجازات و مکافات
- ۱۳۴ نوع چهاردهم - شهادتهای در الواح مبارکه
- ۱۳۴ * مبحث الفاظ و معانی

- ۱۳۴ * اقسام شهادت‌های در الواح - نمونه هائی از بیانات مبارکه
- ۱۳۵ نوع پانزدهم - بیانات مبارکه در علم - علم الهی - علم شیطانی
علوم و فنون و صنایع - علومیکه بحرف ابتدا شود و بحرف منتهی
گردد - دانائی - عالم حقیقی و جاهل
- ۱۳۶ * تقسیم بندی علم در ایقان
- ۱۳۶ * تقسیم بندی دیگر علم در آثار مبارکه
- ۱۳۷ * تقسیم بندی دیگر علم در الواح حضرت عبدالبهاء
- ۱۳۷ * معیار عالم و جاهل بودن انسان

ص د

- ۱۳۸ * تعریف علم در کتب لغت و معارف اسلامی
- ۱۳۹ نوع شانزدهم - امتحانات الهیه و فتن
- ۱۳۹ * مبحث الفاظ
- ۱۳۹ * امتحانات الهیه در ادیان قبل
- ۱۳۹ * در مسیحیت
- ۱۳۹ * در اسلام : قرآن - کتب علوم قرآن - کتب حدیث
- ۱۴۱ * فتن و امتحانات الهیه در امر بهائی
- ۱۴۱ * مبحث الفاظ : فتنه - فتن - امتحان - امتحانات الهیه
- ۱۴۱ * امتحان و افتتان بنا به اراده الهی است
- ۱۴۲ * نمونه هائی از بیانات مبارکه در فتن و امتحانات الهیه و علت آن
- ۱۴۴ نوع هفدهم - بیان در اعطای القاب و نام الواح و آثار نازله
- ۱۴۴ * القاب به خویش در آثار مبارکه
- ۱۴۴ * القاب به الواح و آثار مبارکه
- ۱۴۴ * القاب به حضرت عبدالبهاء
- ۱۴۵ * القاب به انبیاء و اولیاء ظهورات قبل
- ۱۴۵ * القاب به مومنین و خادمین امرالله
- ۱۴۶ * القاب به ناکثین عهد و اعداء امر الهی
- ۱۴۶ * القاب به اراضی و شهرها

- ۱۴۷ نوع هیجدهم - بیانات مبارکه در باره : گوش - اذان - سمع - شنیدن
شنوائی - اصغاء - چشم - دیدن - بینائی - بصر

ص ذ

- ۱۴۹ * بصر
- ۱۴۹ * چشم - دیدن - دل
- ۱۵۰ * گوش - اذان - سمع - شنیدن - شنوائی - اصغاء
- ۱۵۱ نوع نوزدهم - بیانات مبارکه در باره : مائده - طعام - آب - ماء - چشمه - عین - عیون - کوثر - رحيق - شراب
خمر - باده - جام - ساقی - ساغر - خُم
- ۱۵۱ * رزق - مائده - طعام
- ۱۵۱ * آب - ماء - چشمه - عین - عیون - کوثر
- ۱۵۳ * رحيق - شراب - خمر - باده - جام - ساغی - ساغر - خم
- ۱۵۳ * ماخذ بعضی از الفاظ فوق در قرآن
- ۱۵۳ * نمونه هائی از بیانات مبارکه
- ۱۵۵ نوع بیستم بیانات مبارکه در بشارت بظهور خویش و وعده ظهور
من یظهره الله و نزول کتاب و شرع جدید
- ۱۵۸ نوع بیست و یکم قلم - اصبع - اصابع
- ۱۵۸ نوع بیست و دوم بیان در اینکه احبا باید عامل باشند به آنچه
مورد رضای خدا و مظهر الهی است
- ۱۵۹ نوع بیست و سوم بیانات مبارکه در اینکه قوای عالم قادر به جلوگیری
و توقف در پیشرفت امر جدید نیست
- ۱۶۰ نوع بیست و چهارم طرد اعداء داخلی امرالله
- ۱۶۰ نوع بیست و پنجم بیانات مبارکه در معرفت سلطان قدم ، تعالیم و نصایح
مشفقانه کلی در تزکیه نفس و ترقی و تعالی انسان و
آسایش اهل عالم نازل شده است

ص ر

- نوع بیست و پنجم بیانات مبارکه در رسیدن وحی الهی ۱۶۲
- نوع بیست و هفتم بیانات مبارکه در باره " سجن " ، " سجن طاء " ۱۶۴
- مشخصات کتب و مآخذ
- روش چهارم - حجّت و استدلال در الواح ۱۶۶
- * روش های استدلال در آثار ۱۷۸
- * اقسام حجّت یا استدلال در کتب منطق : قیاس - تمثیل - استقراء ۱۷۹
- * قیاس - برهان ۱۸۰
- * برهان لمی - انی . تعریف : قضیه - دلالت - مفهوم و مصداق ۱۸۱
- * تعریف مترادف و متباین - تعریف نوع - جنس - فصل ۱۸۲
- * استدلال عقلی - استدلال نقلی ۱۸۳
- * استدلال به وجود خدای متعال به روش استدلال ۱۸۳
- نقلی و قیاس بطریقه برهان انی
- * استدلال بروش نقلی و برهان لمی ۱۸۴
- * قیاس برهانی که مواد قیاس از مقبولات ادیان است ۱۸۴
- * خطابه حضرت عبدالبهاء در معبد بزرگ یهودیان سانفرانسیسکو ۱۸۴
- استدلال به اینکه دین سبب ترقی و تعالی عالم انسانی است
- * برهان بروش قیاس در احکام ۱۸۵
- مشخصات کتب و مآخذ

ص ز

- روش پنجم - آیات اعزاز و اکرام - تذلیل و تحقیر ۱۸۸
- آیات لعن و نفرین
- * نمونه هائی از بیانات مبارکه ۱۸۹
- مشخصات کتب و مآخذ ۱۹۳
- روش ششم - علوم عقلی ۱۹۴
- * روشهای پیشنهادی تحقیق : صفات ذات ، صفات فاعلی ۱۹۶
- * تحقیق در الفاظ و معانی ۱۹۶

۱۹۶	* تحقیق در الفاظ قدیم - حادث و ارتباط آن با خلقت عالم
۱۹۶	* مجردات و عوالم تجرید
۱۹۶	* نفس ناطقه - روح انسانی
۱۹۸	* حدوث نفس ناطقه
۱۹۸	* اعتقادات اهل بها
۱۹۸	* حدوث نفس در معارف اسلامی
۱۹۸	* اخلاق . کیفیات نفسانی . مکارم نفس . مقام انسان . انسان کامل . حیات بهائی و اجرای حدود
۱۹۹	* مبحث الفاظ و آشنائی با اصطلاحات اخلاقی
۱۹۹	* مراتب استکمال نفس و تذهیب اخلاق - مومن حقیقی
۲۰۱	* امر الهی در کتاب مستطاب اقدس
۲۰۱	* مراتب رسیدن و فوز به سعادت
۲۰۲	* کیفیات نفسانی
۲۰۳	* مبحث لغات و الفاظ
۲۰۴	* کیفیات نفسانیه

ص س

۲۰۵	* تحقیق در " هوی " - " وهم "
۲۰۷	* نمونه هائی از بیانات مبارکه در باره کیفیات نفسانیه
۲۰۸	* فطرت : در کتب لغت و آثار مبارکه
۲۰۸	* مقامات نفس در الواح مبارکه
۲۰۹	* برای حصول معرفت الله انسان باید شان خود را بشناسد
۲۰۹	* کتب و مراجع تحقیق در علم النفس و روح در معارف اسلامی
۲۱۱	* مشخصات کتب و مآخذ
۲۱۳	* روش هفتم - تفسیر - تاویل و شرح معضلات و متشابهات در کتب مقدسه
۲۱۴	* تاویل
۲۱۵	* تفسیر

۲۱۵	* چه کسانی علم تاویل را میدانند (در اسلام)
۲۱۶	* مقصود و معنی تاویل در دیانت بهائی
۲۱۷	* مراتب تاویل
۲۱۷	* نمونه هائی از بیانات مبارکه در تاویل کتب ادین قبل
۲۲۱	* فرق میان آیات محکم و متشابه
۲۲۱	* کدام آیات تاویل پذیرند
۲۲۱	* منابع و مراجع تحقیق
۲۲۲	مشخصات کتب و مآخذ
۲۲۴	روش هشتم - آیات انذار و خوف وعید
۲۲۵	طبقه بندی آیات انذار
۲۲۵	* انذار عام در عاقبت حال معرضین به ظهور اعظم

ص ش

۲۲۵	* انذار خاص - انذار به علماء و فقهای ادیان
۲۲۶	* انذار به امراء ملوک و روسای ارض
۲۲۶	* انذار به اهل بیان و ناکشین عهد اعلیٰ
۲۲۷	* انذار به عاقبت حال انسان پس از اقبال به مظهر امر و بعد تخلف و سرپیچی از تعالیم الهی و احکام شریعت الله
۲۲۷	* خشیه الله - تقوی الله - نمونه هائی از بیانات مبارکه
۲۲۸	* خطابه حضرت عبدالبهاء در خوف مکافات
۲۳۱	مشخصات کتب و مآخذ
۲۳۲	روش نهم - آیات در بشارت وعد
۲۳۳	* طبقه بندی آیات در بشارت وعد
۲۳۳	* بشارت وعد
۲۳۴	* بشارت در پیشرفت و تقدم تعالی امرالله و عالمگیر شدن امر بهائی
۲۳۴	* بیانات و الولحی که رضایت الهی و ایمان به مظهر امرالله را با کلمه " طوبی " آغاز و یا در متن و در خاتمه لوح به مومنین وعده

فرموده اند

۲۳۶	* بشارات در ترقی علوم و صنایع و علت آن
۲۳۷	مشخصات کتب و مآخذ
۳۳۸	روش دهم - اوامر و نواهی در الواح
۲۴۰	* مباحثی که بنظر میرسد لازم به تحقیق است : تکلیف - امر - نهی
۲۴۰	* مبحث الفاظ و لغات
۲۴۰	* تکلیف
۲۴۱	* اقسام تکلیف

ص ص

۲۴۱	* امر
۲۴۲	* الفاظ و کلماتی که در الواح قلم اعلی معنی حکم و امر را دارند
۲۴۳	* اقسام امر
۲۴۴	* تقسیم بندی دیگری در اقسام اوامر الهی
۲۴۸	* نمونه هائی از " نصایح قلم اعلی " که با افعال امریه نازل گردیده
۲۴۹	مشخصات کتب و مآخذ
۲۵۱	روش یازدهم - در معرفی مقامات ظهورین و ارتباط دو ظهور اعظم
۲۵۲	* در معرفی مقام مبارک و ظهور جدید
۲۵۲	* در معرفی مقام حضرت رب اعلی
۲۵۲	* اعلان ظهور و تحقق بشارات و وعود الهی در ادیان قبل
۲۵۴	* در معرفی مقام حضرت عبدالبهاء
۲۵۵	* ارتباط دو ظهور اعظم
۲۵۶	* منابع و مآخذ مطالعه برای تحقیق در ارتباط دو ظهور
۲۵۷	مشخصات کتب و مآخذ
۲۵۸	روش دوازدهم - اصطلاحات عرفانی در آثار مبارکه
۲۶۰	* نمونه هائی از اصطلاحات و بیانات عرفانی در الواح
۲۶۵	مشخصات کتب و مآخذ

روش سیزدهم - ذکر مقامات انبیاء الهی - اولیاء و معرضین ظهورات قبل ۲۶۶

- ۲۶۷ * در بیان اینکه در انسان دو جهت الهی و نفسانی وجود دارد و نام بردن بعضی از نفوس در ادیان قبل و ذکر علل
- ۲۷۳ * در بیان تشابه معرضین صدر اسلام و امر بهائی

ص ض

- ۲۸۰ مشخصات کتب و مآخذ
- ۲۸۲ روش چهاردهم - سوگندهای الواح
- ۲۸۳ * نمونه هائی از فقراتی از الواح که حق قسم یاد نموده است
- ۲۸۴ * سوگندهای قرآن
- ۲۸۴ * مقصود از سوگند و قسم
- ۲۸۵ * مبحث الفاظ و اقسام قسم
- ۲۸۵ * نمونه هائی از قسم های در قرآن
- ۲۸۶ * سوگندهای در الواح قلم اعلی
- ۲۸۶ * نمونه هائی از سوگندهای در الواح مبارکه
- ۲۸۸ * نمونه هائی از الواح که در مسائل مختلف مظهر حق تعالی قسم یاد کرده است
- ۲۸۸ * نمونه هائی از قسم های در الواح که برای هدایت اهل بیان و جلب و آگاه نمودن آنان به موعود بیان قسم یاد نموده اند
- ۲۸۸ * نمونه هائی که برای اطمینان بخشی مومنین در استقامت در امر و خدمت بامر الهی قسم یاد کرده اند
- ۲۸۹ * قسم برای تاکید در بقای روح و ترقیات روحانیه و ورود به عوالم بعد برای مومنین و غیر مومنین
- ۲۸۹ * قسم های مبارک در الواح در مواضع مختلف
- ۲۹۱ * نظری تحقیقی و تحلیلی در بیاناتی که در آن قسم دیده می شود
- ۲۹۳ مشخصات کتب و مآخذ

۲۹۵ روش پانزدهم - أسالیب الواح مبارکه

۲۹۶ فصاحت و بلاغت - ایجاز - اطناب - لحن

ص ط

۲۹۷ * تعریف علم بلاغت (معانی و بیان)

۲۹۸ * تعریف علم معانی - تعریف علم بیان - تعریف علم بدیع

۲۹۹ * مباحثی که در علم معانی - تعریف علم بیان مورد بحث قرار میگیرد

۲۹۹ * فصاحت - صنعت ایجاز - صنعت اطناب - حقیقت

۳۰۰ * مجاز - تشبیه - استعاره

۳۰۱ * تفسیر - جمع - تفریق - جمع و تفریق - اشاره - فقره -

سهل و ممتنع - بیانات مبارکه در باره سهل و ممتنع

۳۰۲ نمونه هائی از الواح مبارکه : ایجاز - اطناب - مجاز - تشبیه

۳۰۳ - ۳۰۴ * تشبیه محسوس به معقول - تشبیه معقول به محسوس

۳۰۴ * تشبیه محسوس به محسوس - تشبیه معقول به معقول

۳۰۵ * جمع - تفریق - مقامات جمع و تفریق

۳۰۷ نمونه هائی از فصاحت و بلاغت در بیانات مبارکه

۳۰۸ * اطوار الواح

۳۰۹ * لحن الواح

۳۰۹ مراحل چهارگانه حیات مبارک در گاد پاسز بای

۳۱۱ * سبک و لحن و اسلوب الواح در مراحل نه گانه حیات مبارک

۳۲۱ مشخصات کتب و مآخذ

۳۲۴ روش شانزدهم - کلمات و آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی در الواح

۳۲۵ بیانات حضرت ولی امرالله در باره اسلام در توقیع " قد ظهر يوم الميعاد "

۳۲۶ بیانات حضرت ولی امرالله در باره اسلام در توقیع " ظهور عدل الهی "

۳۲۷ روشهای پیشنهادی تحقیق

۳۲۷ موارد و علت ذکر آیات قرآن و احادیث اسلامی

ص ظ

- ۳۲۷ * در اثبات حقانیت امر مبارک از طریق استدلال نقلی
- ۳۲۷ * در مقامات جمع و فرق انبیاء الهی و ارتباط آنان با ایزد متعال
- ۳۲۷ * در شرح توحید و عرفان حضرت احدی
- ۳۲۸ * در خیر آخرت و معاد و حیات انسان در عالم ملک و ملکوت
- ۳۲۸ * نصایح و تعالیم روحانی ، احکام و حدود
- ۳۲۸ بیانات در الواح که در آن نقل آیات قرآن گردیده است
- ۳۲۸ نمونه هائی از بیانات مبارکه
- ۳۲۸ * نمونه های یک کلمه از کلمات قرآن در الواح
- ۳۲۹ * نمونه های دو کلمه از کلمات قرآن در الواح
- ۳۳۳ * قسمتی یا جزیی از آیه شریفه قرآن در لوح نازل شده است
- ۳۳۶ * مضمون آیه و الفاظ آیه قرآن در لوح آمده است
- ۳۴۰ بیاناتی که در آن نقل احادیث و اخبار اسلامی است
- ۳۴۰ * نمونه هائی از آثار مبارکه در آن نقل احادیث و اخبار اسلامی
- ۳۵۰ علم حدیث
- ۳۵۳ * کتب معتبره حدیث در نزد اهل سنت و جماعت
- ۳۵۴ * کتب معتبره حدیث در نزد مذهب شیعه
- ۳۵۶ * نظرات علمای مذهب شیعه در باره احادیث مورد قبول اهل تسنن
- ۳۵۷ * نظرات علمای مذهب سنی نسبت به سایر مذاهب اسلام
- ۳۵۸ * نظرات علمای مذهب شیعه نسبت به سایر مذاهب اسلام
- ۳۵۹ فهرست نمونه هائی از احادیث ذکر شده در الواح قلم اعلیٰ
- ۳۶۶ نمونه هائی از احادیث و اخبار در معارف شیعه در باره ظهور " قائم "
- نزول " روح الله عیسی " - شرع جدید - طول سلطنت قائم - زمان ظهور و

ص ع

- شرایط ظهور مهدی - علامات خروج قائم - اصحاب قائم جوان و از
- مستضعفین عبادند - در زمان ظهور قائم مردم جاهلند - رجوع ائمه
- مشخصات کتب و مآخذ

روش هفدهم - متشابهات

۳۷۹

مقدمه

۳۸۰

۳۸۱

متشابهات در معارف اسلامی و ماخذ آن - محکم و متشابه

۳۸۲

روش تحقیق متشابهات در الواح مبارکه . نمونه : تحقیق در " عرش "

۳۸۴

طبقه بندی متشابهات در الواح مبارکه

۳۸۵

* نوع اول - اسماء الله و آیات صفات ذات

۳۸۶

* نوع دوم - در مسائل عالم بعد و حیات ابدیه

۳۸۹

* نوع سوم - کلمات متشابه در تعالیم اخلاقی و تهذیب روح و نفس

۳۹۰

* نمونه هائی از کلمات متشابه در الواح نازل

۳۹۱

* نمونه هائی از تاویل متشابهات در کتب تورات و انجیل و قرآن که

در الواح مبارکه نیز نازل شده و به ظهور جدید تصریح شده است

۳۹۴

* مقصود از متشابهات در کتب الهیه

۳۹۵

* نمونه هائی از تاویل متشابهات در کتب : تورات ، انجیل و قرآن

در الواح قلم اعلی : خاتم النبیین - عصا - ثعبان - ید بیضاء -

شمس - قمر - نجوم - ملائکه - جنت - بهشت - نار - جهنم -

ابن - موت - حیات - رزق - مائده - طعام - یوم خمسين الف سنه -

لقاء الله - ایام الله - سماء - سموات - ضیق - تنگی - ابر - غمام

ارض - تبدیل ارض - قیامت - ساعت - اشراط الساعة -

انفطار سماء - انشقاق سماء - دخان - حشر - نشر - بعث -

ص غ

قبر - معاد - صراط - اولی الامر

۴۳۱

منابع تحقیق در متشابهات قرآن

۴۳۲

مشخصات کتب و ماخذ

۴۳۷

روش هیجدهم - کلمات و عبارات و اصطلاحات در احادیث

و معارف مذهب شیعه در الواح مبارکه

۴۳۸

نمونه هائی از اصطلاحات و الفاظ

۴۳۹	مآخذ و مراجع برای تحقیق و مطالعه
۴۴۰	روش نوزدهم - تفسیر و تاویل و شرح و ارتباط مسائل و مطالب در الواح
۴۴۱	برای اخذ معانی و ادراک کلمات و آیات الهی باید به مبدء امر و منزل آیات و الواح تبیینی مراجعه شود " مباد در معنی آیات مابین احبای الهی اختلاف شود "
۴۴۳	نمونه هائی از امّهات مسائل در امر که تاویل و تفسیر آنها در سایر آثار قلم اعلیٰ نازل گردیده است
۴۴۳	* در مسئله الوهیت
۴۴۵	* نمونه های توضیح لوحی در لوحی دیگر
۴۴۶	* شرح و مقصود از بعضی الفاظ و عبارات در الواح مبارکه
۴۴۶	* " امکان را مسخر نمائید "
۴۴۷	* " مقصود از نصرت " - " ارض "
۴۴۸	* " حکمت " - " ارض " - " مقصود از علماء "
۴۴۹	* " وادی نبیل " - " جهلای ارض "
۴۵۰	مشخصات کتب و مآخذ
۴۵۱	فهارس ششگانه

ص ف

۴۵۲	فهرست منتخباتی از مندرجات کتب عهد قدیم و عهد جدید
۴۵۳	فهرست آیات قرآن
۴۵۶	فهرست احادیث
۴۵۹	مشخصات کتب و مآخذ

ص ۱

﴿بسمی الذی به ارتفع علم الهدایة بین البریة﴾

کلام را با نعت و حمد و ستایش به آستان بی نیاز حضرت احدیت و " مظهر نفس الله المهيمنة على العالمين " حضرت بهاء الله الاعظم الافخم الاكرم و حضرت ربّ اعلى باب الله الاعظم ذكر الله الاكبر الاكرم الافخم و تحيت و ثناء مركز عهد جمال ابهى حضرت عبدالبهاء سرّ الله الاقوم الذى من طاف حوله الاسماء وديعه الهى در میان خلق در این دور اعظم و حضرت شوقى افندى آيت الله و غصن ممتاز ولى امرالله و تحيت ابدع ابهى و اظهار رقيت و بندگی به آستان مصدر كل خير بيت العدل اعظم آغاز نموده و رجای تاييد مينمايد .

بدوا مييايستی اذعان و معترف به اين حقيقت بود که ما بهائيان همه مفترض الطاعة به اوامر الهی در آثار و نصوص مبارکه ايم و ميدانيم که به استناد بيان مبارک حضرت بهاء الله جلّ کبريائه جملگی مقرر و معترفيم به محدوديت و مقدورات عقول و افکارمان در اخذ و کسب مقاصد حقيقي در آثار مبارکه . در لوحی ميفرمايند قوله تعالى ١: " قسم بامواج بحر معانى که از ابصار مستور است که احدی قادر بر وصف اين ظهور اعظم على ما هو عليه نبوده و نيست لذا بايد كلّ بايکديگر برفق و مدارا و محبت سلوک نمايند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد يا نرسيده باشد بايد بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمايند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلى و علوى مشاهده نمايند اصل اليوم اخذ از بحر فيوضاتست ديگر نبايد نظر بکوچک و بزرگی ظروف باشد يکى کفى اخذ نموده و ديگرى کاسى و همچنين ديگرى کوبى و ديگرى قدرى " و نيز در لوحی ديگر نازل قوله العزيز ٢: " فوالله يا اسمى انه

١ - مجموعه اقتدارات صفحه ٢٢١. ٢ - لئالى حکمت جلد ٢ صفحه ٢١ .

كان فى ارض الطا قائما تلقاء وجهى و نزلنا عليه الايات و هو يكتبها و يرسلها الى العباد و كذلك كان الامر فى سرّ السرّ و ما اطلع بذلك احد الا الله ربّى و ربّ العالمين " - با علم و آگاهی به اين حقيقت معلوم که در بيانات الهی مسطور است ، در کتاب مستطاب اقدس امر الهی است که در بحور بيانات مبارکه تغمّس نمائيم تا اينکه واقف و مطلع به اسرار و حکمت الهیه گرديم . و نيز در کتاب اقدس نازل قوله تعالى ١: " اغتمسوا فى بحر بيانى لعلّ تطلعون بما فيه من لئالى الحكمة و الاسرار " و چون اين حکم الهيست و مطيع به اجراى اين آيه محکم مبارکه هستيم ، اين بنده کمترین به خود اجازه داد که با قلت سواد و عدم تخصص ولى با مسئلت و رجای تاييد اين رساله را که حاوى پيشنهادات مقدماتی در

روشها و اسلوب کلی مطالعه الواح حضرت بهاء الله جل ذكره است تهیه نموده و نام آن را " صریحات " که از " صریر قلم اعلی " نازل در الواح مبارکه استفاده شده است انتخاب نمود و امیدوار است که مورد پسند احبای الهی عموماً و جوانان عزیز بهائی خصوصاً قرار گیرد بفضلله و منه .

باید اقرار کنم که این بیان مبارک در لوح صیام مناسب حال این عبد بینوا است قوله جل ذكره ۲ : " فَآهٍ آهٍ يَا مَقْصُودِي عَمَّا فَاتَ مَنِّي فِي خِدْمَتِكَ وَ طَاعَتِكَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الَّتِي مَا رَأَتْ شِبْهَهَا عِيُونُ أَصْفِيَاءِكَ وَأَمْنَائِكَ أَيْرَبُ اسْأَلُكَ بِكَ وَ بَمَظْهَرِ أَمْرِكَ الَّذِي اسْتَقَرَّ عَلَيَّ عَرْشِ رَحْمَانِيَّتِكَ بَأَنْ تُوفِّقَنِي عَلَى خِدْمَتِكَ وَ رِضَائِكَ ثُمَّ أَحْفَظْنِي عَنِ الَّذِينَ أَعْرَضُوا عَنِ نَفْسِكَ وَ كَفَرُوا بِآيَاتِكَ وَ أَنْكَرُوا حَقَّكَ وَ جَاحَدُوا بَرَهَانَكَ وَ نَبَذُوا عَهْدَكَ وَ مِيثَاقَكَ " از احبای الهی رجا و التماس دعای خیر مینماید .

عبد بی مقدار صادق عرفانیان

سنه ۱۵۷ بدیع

۱ - بند ۱۸۲ . ۲ - رساله تسبیح و تهلیل ص ۵۵ دعاء حین افطار

ص ۳

مقدمه این مقاله در صدد است که تا حدود مقدور متدولوزی و روشهای مقدماتی مطالعه و تحقیق در الواح مبارکه را با شرحی ساده و در کمال اختصار به احبای الهی تقدیم نماید . ذکر چند نکته مهم بنظر ضروری میرسد : (۱) این مجموعه برای احبای گرامی و جوانان عزیز بهائی که در مراحل مقدماتی تحقیق و آشنائی با الواح مبارکه اند تنظیم گردیده و از اساتید و فضلاء و محققین ارجمند تمنای صمیمانه دارد چنانچه این اوراق ملحوظ نظر عنایتشان واقع گردید به دیده اغماض و شفقت در آن بنگرند و نگارنده را مرهون راهنمایی های حکیمانه و عالمانه خود فرمایند (۲) روشها و طرق پیشنهادی با ذکر مثال و نمونه تنظیم گردید تا برای خواننده عزیز مطالعه روشها آسانتر گردد . مقصود از ذکر مثالها و نمونه ها ، تنظیم قاموس بر الواح مبارکه نیست که آن از این حقیر کمترین بر نیاید و محلش نیز این رساله نیست . (۳) روشها و طرق پیشنهادی بصورت های متفرق و پراکنده در آثار و نوشتجات علماء و فضلاء ارجمند بهائی عموماً و در قاموس های ایقان ، لوح قرن و لوح سنه ۱۰۵ بدیع و نیز کتاب نفیس محاضرات تالیف فاضل جلیل القدر جناب عبدالحمید اشراق خاوری خصوصاً مندرج است . با این تفاوت که تحت متدولوزی و روش تحقیق در الواح عنوان نگردیده است

۴) روشهای پیشنهادی در تحقیق حاصل مطالعات و آموخته های شخصی نگارنده و نیز آموزش نزد بعضی از اساتید بهائیت و مستند به هیچیک از نصوص مبارکه نیست مگر آنکه در هر مورد خاصی به آن اشاره گردیده . احبای عزیز و محققین جوان و گرامی بهائی مخیرند که با چشم عطوفت به آن بنگرند و مورد استفاده قرار دهند و یا اینکه خود روشهای بدیع و جامعی ابداع فرموده و این کمترین را نیز از استیفاء آن محروم نفرمایند .

پیش نویس « صریرات » را حضور دانشمند معظم و یار روحانی و خادم امرالله جناب دکتر محمد افنان برای راهنمایی و مساعدت تقدیم نمودم . پاسخ ایشان سرشار از محبت

ص ۴

و بنده نوازی و مشوق این عبد در تکمیل و اتمام این مجموعه بود . از ساحت اقدس جمالقدم جل جلاله سلامتی و تندرستی ایشان را رجا و مسئلت مینمایم . از دوست عزیز و دیرین و یار روحانی و مطلع در آثار مبارکه و ادیب هوشنگ سنائی که در جمله بندی و تنظیم آن بر این عبد منت نهاد و نیز از برادر عزیزم ضیاء الله عرفانیان که زحمت غلط گیری و مطابقه با نصوص مبارکه و مراجع و مآخذ را با حوصله و دقت کامل و صرف اوقات زیاد بعهده گرفت نهایت امتنان را دارم . و بالاخره از همسر با وفا و روحانی و پر حوصله فلورا عرفانیان (یاورم) که ماهها و سالها با تحمل و حوصله و عطوفت کامل دوری این حقیر ناچیز را در اوقات تالیف و تنظیم « صریرات » تحمل نمود قلبا و روحا ممنون و سپاسگزارم و از ساحت رب مجید توفیق و تایید و الاطاف لانهایه از درگاه حضرت احدیت برای او سائل و آملم " انا کل لك ساجدون و من رحمتك آملون " .

مآخذ و مراجع مطالعه و نمونه های درج شده به این شرح تنظیم گردیده است :

- ۱) مآخذ الواح مبارکه در هر نمونه بصورت (شماره ماخذ : " متن نص و آیات ")
- ۲) ماخذ و ترجمه آیات شریفه قرآن از کشف الایات طبع طهران و برنامه کامپیوتری المشحف استفاده گردیده است و شماره آیه و سوره بصورت (شماره آیه : شماره سوره) درج گردیده است . در کتب تفسیر قرآن مورد استفاده ، شماره آیات همان شماره هائی است که در کتب تفسیر نوشته شده و نگارنده سعی به تطبیق آن با شماره آیات در کشف الایات در این رساله ننموده است .
- ۳) مراجع و مآخذ " احادیث و روایات و اخبار " که در الواح مبارکه نقل گردیده در

صورت امکان از کتب اربعه و معتبره مذهب شیعه اثنا عشری و کتب سته اهل سنت استفاده گردیده است .

(۴) بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله بزبان انگلیسی بدون ترجمه و مضمون آن نقل

ص ۵

گردیده تا اصالت آن حفظ و نیز احبای فارسی زبان نیز از حلاوت بیانات و هیمنه کلمات و الفاظ در توقیعات و الواح مبارکه بهره مند گردند .

(۵) سایر مراجع و مآخذ مورد استفاده از قبیل کتب تاریخ ، تفسیر و کلام و منطق و نظایر آن تا حد امکان از تالیفات و کتب معتبر قرون قبل و در دسترس این عبد بوده (از تالیفات کتب اسلامی مولفین معاصر باستثنای مؤلفین اروپائی و امریکائی اجتناب گردید) و قبل از نقل ، شماره آن در فهرست مآخذ و مراجع هر روش نوشته شده است .

(۶) مشخصات کامل کتب و مآخذ و مراجع مراجعه در انتهای این رساله تهیه شده است .

وسائل تمهید در تحقیق

بنظر میرسد که محقق در بدو تحقیق لازم است که چند نکته اساسی را جزء مبانی تحقیق خود قرار دهد و همواره در مراحل مطالعه و تحقیق به آن آگاهی تام داشته باشد و آن نکات اینست : مقرر به کوتاهی فکر خود بوده تا در همه اوقات مستعد اخذ معانی کلمات وحی باشد ، و با معلوم گردیدن یک موضوع ابواب تحقیق را بر خود مسدود ننماید و همواره آنرا برای آموختن سایر نادانسته ها مفتوح نگاه دارد ، همواره خود را متعلم بداند که همه دانسته ها را همه دانند نه یک نفس ، مانند غواصی مبتدی که قصد ورود به عمق دریا میکند تا صید صدف از اعماق دریا کند ، خود را با هنر و علم غواصی آشنا و به ابزار و آلات غواصی مجهز مینماید . غواص در الواح نیز میبایستی خود را بطریقی مشابه آماده سازد ، از جمله صاحب صبر و حوصله و تحمل بسیار باشد و از اینکه نتواند فائز به درک اسرار شود و به فهم همه مسائل و معضلات مستوره واقف نگردد نا امید و دل نگران نگردد . در هر سعی و اهتمامی میبایستی متشبث به عنایات جمال قدم جلّ ذکره الاعظم بود و رجا نمود که او را به عنایاتش فائز و مشمول قبول این دعای مبارک فرماید قوله تعالی ۱ : عَلَّمَنِي يَا اَلٰهِي حَرْفًا مِّنْ مَّكَانٍ عَلَمِكَ وَ مَخَازِنِ

وحیک و مواقع امرک و مطالع حکمک^۱ ، و در صورت توقف در فهم هر نوع مسئله که نتوان جواب آنرا در سایر نصوص و الواح مرکز تبیین یافت دست رجاء و مسئلت و استدعای هدایت و راهنمایی به ساحت رفیع بیت العدل اعظم بلند نماید که جز آن دیوان الهی در این عالم خلق ملجاء و معاذی نیست .

مقصود از تحقیق

بنظر میرسد که مقصود از تحقیق و کلیه مساعی و مجاهدات از برای حصول به کمال معرفت و قوام یافتن ایمان و راسخ بودن در حب حضرت مقصود و پرهیز از لغزش در امتحانات الهیه و فوز به این حقیقت ، که تعالیم این امر اعظم اسنی سبب فلاح و رستگاری عالم علیل کنونی است (این مقاصد در مناجاتی از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء بیان گردیده است قوله الاحلی^۲ : " بحبک نجاتی و بعرفانک حیاتی و بعونک ثباتی و بفیض غمام جودک رواء غلتی و بزال عین فضلک برد لوعتی و بدریاق حکمتک شفاء علتی ") ، و چون محقق به این مرحله از کمال رسید لازم است که در مورد محقق مومن بامر مبارک ، اینگونه بیان مطلب گردد : شخص محقق اگر آنچه از اسرار و رموز الواح را که پنهان است دریابد و ادراک کند و آنرا با قوت و نیروی دریابنده (بمصداق^۳ : خلقتک بانامل القدرة و اودعت فیک جوهر نوری ... لان صنعی کامل ") و فضل بی منتهی و رحمت واسعه جمال کبریائی حاصل گردد - اگر رابطه این دانایی و معرفت به آن معارف و لئالی مخزونه اثری در انسان حاصل و مشاهده نگردد ، حاصل آید که حالت قبل از دانائی و بعد از آن در او یکسان باشد و آن نرسیدن به معرفت این بیان حضرت عبدالبهاء است^۴ : " بهائی را بصفت شناسند نه باسم و بخلق پی برند نه بجسم " ،

۱. اذکار المقربین ج ۱ ص ۴۵ چاپ طهران سنه ۱۰۴ بدیع ۲. اذکار المقربین ج ۲ ص

۵۵ چاپ طهران سنه ۱۰۴ بدیع ۳. مجموعه الواح مبارکه ، کلمات مکنونه عربی صفحه ۲۰

چاپ مصر ۴. مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ثانی صفحه ۱۱۴.

در اینصورت لازم آید که محقق جوهر کلام و حقایق معانی را بدانسان که منظور صاحب

کلام و وحی الهیست معرفت حاصل ننموده باشد ، پس لازم است اثر کلام الهی پس از تحقیق و حصول علم به آن در ادای کلام و سخن گفتن و رفتار و روش تعقل و تفکر و چگونگی قضاوت در امور ، در حیات فردی و اجتماعی عموماً و در خدمات روحانی و وظائف ایمانی و وجدانی در تشکیلات و موسسات اداری بهائی خصوصاً مشاهده گردد . این قسمت به طراز بیانی از قلم اعلیٰ در ایقان شریف مزین میگردد قوله الاعلیٰ ^۱ : " مقصود از تلاوت کتب و قرائت صحف در هر عصری ادراک معانی آن و بلوغ بمعارج اسرار آن بوده و الا تلاوت بی معرفت را البته فائده کلی نباشد " .

اینک باختصار به دو مقصد و هدف در مطالعه الواح اشاره میگردد :

مقصد اول و آن اینست که به غلظت ایمان افزوده گردد و خود را بلا شرط تسلیم اراده الهی و مُقرّ به ^۲ : " یفعل ما یشاء " و مجری احکام و تعالیم امر مبارک نموده و فنای در این دو بیان الهی گردید ^۳ : " لیس لاحد لم و بم " و " اعملوا حدودی حبّاً لجمالی " ، و قصد از مطالعه را به این مقصود قرار دهد که مشمول قبول این مناجات از قلم اعلیٰ گردد قوله تعالیٰ ^۴ : " استلک یا اله الوجود و مالک غیب و الشهود برایات آیاتک و اعلام قدرتک و سلطانک بان تجعلنی ثابتاً راسخاً قائماً مستقیماً علی امرک الذی به ارتعدت فرائض العلماء و اضطربت افئدة الفقهاء و دلّت اقدام الحکماء " . و نیز به این دعای نازله از قلم اعلیٰ متشبهت گردد قوله الاعلیٰ ^۵ : " الهی الهی ندائک اجذبتنی و فضلک انقذتنی و آیاتک اخذتنی و نور امرک هداننی الی صراطک المستقیم استلک بامواج بحر بیانک و تجلیات شمس ظهورک بان تجعلنی فی کلّ الاحوال ثابتاً علی امرک و راسخاً فی حبّک " . در این دو مناجات که نمونه از صد ها مناجات و ادعیه از این قبیل است ، عبد آنچه که از

۱ . ایقان صفحه ۱۳۴ . ۲ . تجلی دوم از لوح تجلیات ۳ . لوح مقدس اشراقات و بند ۴ . کتاب مستطاب اقدس ۴ . رساله تسبیح و تحلیل ص ۲۱۱ تالیف جناب عبدالحمید اشراق خاوری چاپ طهران سنه ۱۰۵ بدیع ۵ . همان مآخذ مناجات ۲ ص ۲۱۱ .

درگاه احدیت مسئلت مینماید ، قرار دادن او در صقع و مرتبه از کمال ایمان و ثبات در عهد و میثاق و خدمت به آستان جمال کبریائی و تمسک جستن بعروة الوثقی و امر مبارک است - پس برای سالکین سبیل معرفت و ایمان چون در این منهج مشی نمودن و

بزیارت آیات دُرّیات پرداختن ، مجاهدت در تهذیب نفس و استکمال در معرفت مظهر ظهور الهی می باشد و طاعتیست فردی ، مورد بحث و مقصود از تهیه این رساله نیست .

مقصد دوم کشف اسرار و معانی مستوره در الواح در حدودی که در آثار و نصوص الهی اجازه آن داده شده است ، در معانی و بیان مقصود مبارک از انزال لوح و تطبیق آن با سایر الواح مبارکه و استخراج حقایق مکنونه و رموز پنهان و آشکار ، به آن قسم که عاری از تاویل و تفسیر و استنباط و استنتاج شخصی باشد .

پس از توضیح این دو مقصد باید گفت که قصد از انشاء این رساله مختصر ، هدف مقصد دوم است که جنبه عمومیت دارد و تحقیق و تدبر در آیات بروشهایی که طبقه بندی مسائل در کلیات مقصود است . در روشهای پیشنهادی و ذکر انواع به اصول و ریشه ها اکتفا گردیده و لازم بذکر این نکته است که هرکدام از روشها و تقسیمات فرعی میتواند خود سرفصل مطلبی جداگانه قرار گیرد که تدبر در آنها و بررسی جامع و عمیق آن خارج از توانائی و بالاخره انجام آن با توجه به کثرت آیات و الواح مقدسه دست نیافتنی است . خاصه که عقل جزئی و محدود انسان چگونه تواند که کوتاهی ها و قصّر در ادراک حقایق را به اقل تقلیل دهد و عاقبت الامر از این مساعی سربلند و با دست پریرون آید . روشها و طرق پیشنهادی در مرحله تحقیق میتواند یک یا تعدادی و یا کلیه آنها بستگی به مطالب مندرجه در لوح بکار رود .

ص ۹

روش اول

تاریخ - مخاطب - شان - محل نزول و نام لوح

ص ۱۰

یکی از روشهایی که مدرسین و محققین در مدارس عالیّه شناخت مذاهب و ادیان به آن توجه خاصی قائلند ، مخاطب ، محل و تاریخ هر نوع نوشته ای است که منتسب به یک دیانتی است . در این مرحله از تحقیق ، اطلاعات مفید و مقرون بحقیقت از شرائط اجتماعی ، اوضاع و احوال و معتقدات مذهبی مردم آن برهه از زمان و تاریخ ، صاحبان حکومت و قدرت ، علمای متنفذ و صاحب رای برای محققین فراهم میگردد . تا بتواند

در تاثیر دین و آئین جدید بر روی اقشار عامّه و سایرین مطالعه و تحقیق قریب
بیقین نمایند . بنظر میرسد که این روش تحقیق مورد تأیید مولای بی همتا حضرت ولی
امرالله جل سلطانہ نیز قرار گرفته و نمونه کامل آن توجیہات و شرح احوال و حالات
اهل ایران (عامّه ، علماء اسلام و حکومتیان) در دوره عصر رسولی در اثر فنا
ناپذیر و بدیع الرّوش در تاریخ ادیان ، گاد پاسزبای (قرن بدیع) است .

تاریخ و محلّ نزول لوح

بطور کلی تاریخ و محلّ نزول الواح جمال مبارک جل عظمتہ در دو مرحلہ از چهار
مراحل حیات مبارک است که حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در گاد پاسزبای بآن
اشارہ فرمودہ اند . و برای ہر مرحلہ از مراحل چهارگانہ حیات مبارک وجہ خاصی را
بیان فرمودہ اند کہ در اینجا بدو مرحلہ کہ ارتباط مستقیم با نزول الواح الہی
دارد اشارہ میگردد باین شرح :

۱) مرحلہ ثالث حیات مبارک در زندان چہار ماہہ سیاه چال طهران و اظہار امر خفی

۲) مرحلہ رابع حیات مبارک ، تبعید بعراق عرب

فاضل یگانہ و خستگی ناپذیر و جلیل القدر جناب عبدالحمید اشراق خاوری ، با

اقتباس و استفادہ از گاد پاسزبای و سایر منابع ، تعداد یکصد و دوازده لوح از
امّہات الواح نازلہ را با ذکر مرحلہ از تاریخ حیات مبارک ، محلّ نزول و شأن نزول،

ص ۱۱

طبقہ بندی و در کتاب گنج شایگان درج فرمودہ است ، تحقیقات علمی و اساسی و
روشہای بدیعی در این زمینہ توسط محقق عالیمقام و دانشمند معظّم جناب ادیب
طاہر زادہ عضو محترم بیت العدل اعظم در کتاب ظهور بہاء اللہ تالیف ایشان
درج گردیدہ است .

منابعی کہ مطالعہ آن سودمند و حاوی اطلاعات فراوان است باین شرح است :

۱ - قرن بدیع

۲ - بہاء اللہ شمس حقیقت (تالیف ایادی امرالله حسن بالیوزی)

۳ - تاریخ حیات حضرت بہاء اللہ (تالیف محمد علی فیضی)

۴ - شأن نزول الواح ملوک و سلاطین (تالیف محمد علی فیضی)

۵ - قسمتهائی از کتاب ادوارد براون کہ تناقضی با آثار مبارکہ عہد و میثاق و

تاریخ امر ندارد بنام :

مخاطب لوح طبقه بندی مخاطبین

مخاطب در الواح مبارکه به چندین وجه نازل شده است :

وجه اول : مخاطب خاص از معشر مومنین و اهل بها است : خطاب مبارک به فرد خاص ، با الفاظ و کلماتی مانند : یا ایها المومن و یا باسم خاص مانند : یا جلیل ۲ ، " نبیلی ۳ " و " یا ایها المقبل الی الافق الاعلی و الشارب ریحی المختوم ۴ " و غیره .

نمونه : در لوح کلمات فردوسیّه : " یا حیدر قبل علی " خطاب به جناب حاج میرزا حیدر علی اصفهانی که در متن لوح نازل شده است .

وجه دوم : مخاطب خاص از معشر علمای معرضین ، و یا از امرای مبغضین است : در آغاز و یا در متن لوح نام مخاطب ذکر شده است مانند : " یا ایها المعروف بالعلم و القائم علی شفا حفرة الجهل ۵ " و " یا باقر ۶ " ، " یا ایها المعرض بالله ۷ " و " یا ایها المشرك بالله ۸ "

ص ۱۲

نمونه دیگری از بیانات مبارکه که خطاب به علما و زاهد نمایان است گنجینه ثمینه کلمات مکنونه است که در لوح سلطان ایران در ضمن قسمتی از کلمات مکنونه به مخاطبین آن نیز اشاره میفرمایند قوله جل بیانه ۹ : " بعضی از علماء که این بنده را تکفیر نموده اند . . . و از مقصود مطلع نشده اند و مع ذلک قالوا ما ارادوا و يفعلون ما یريدون هر دعوی را برهان باید محض قول و اسباب زهد ظاهره نبوده ترجمه چند فقره از فقرات صحیفه مکنونه فاطمیّه صلوات الله علیها که مناسب اینمقام است بلسان پارسی عرض میشود تا بعضی از امور مستوره در پیشگاه حضور مکشوف شود و مخاطب این بیانات در صحیفه مذکوره که بکلمات مکنونه الیوم معروفست قومی هستند که در ظاهر بعلم و تقوی معروفند و در باطن مطیع نفس و هوی " .

وجه سوم : مخاطب امراء و ملوک ارض است : خطابات به صورت جمعی و یا فردی به سلطان و رئیس مملکتی بوده که در آن الواح و خطابات ، دعوت آنان به امر جدید و یا شرح مصائب وارده به هیکل مبارک و احبای الهی نازل شده است مانند : " اَنْ يَأْ مُلُوكَ

الْأَرْضِ اسْمَعُوا نِدَاءَ اللَّهِ ۱۰ " ، " يَا أَيُّهَا الْمُلُوكُ ۱۰ " ، " أَنْ يَا مُلُوكَ الْمَسِيحِيَّةِ
 ۱۱ " ، " يا ملك باریس نبأ القسیس ۱۲ (لوح خطاب به ناپلئون سوم) : " ان يا
 ملك الروس ان استمع نداء الله الملك القدوس ۱۳ " (لوح خطاب به امپراطور روسیه
) ، " ان يا رئیس اسمع نداء الله الملك المهيمن القيوم ۱۴ " ، خطاب به ناصرالدین
 شاه قاجار ۱۵ : " يَا مَلِكَ الْأَرْضِ اسْمَعْ نِدَاءَ هَذَا الْمَمْلُوكِ ... يَا سُلْطَانُ إِنِّي كُنْتُ
 كَأَحَدٍ مِنَ الْعِبَادِ ... يَا سُلْطَانُ قَدْ خَبْتُ مَصَائِيحَ الْأَنْصَافِ " ، خطاب به امپراطور نمسه
 (اطریش) ۱۶ : يا ملك النمسة كان مطلع نور الاحدية فى سجن عكاء " . و خطاب به
 ویکتوریا ملکه انگلیس ۱۷ : " يا ايتهيا الملكة " .
 وجه چهارم : مخاطب اسم عام و گروه و یا از معشر مومنین بامر مبارک است (اهل
 بها) : اینگونه خطابات با کلماتی مانند : " يا احباء الله ۱۸ " ، " يا حزب الله
 ۱۹ " ، " ای دوستان ۲۰ " " يا اهل بهاء ۲۱ " ، " يا ايها الناظر الى افق الامر
 ۲۲ " ، " يا احباء

ص ۱۳

الرحمن فى ميلان ۲۳ " و " ای اصحاب ایران ۲۴ " ، در متن یا در ابتدای لوح نازل
 شده است .
 وجه پنجم : مخاطب اسم عام و از معشر غافلین ، غیر مومنین و غیر مقبلین است :
 مانند " ای عباد غافل " و " ای بی دانشها " ۲۵ " و " یا معشر العلماء ۲۶ " و
 نظایر آن .
 وجه ششم : مخاطب منزل آیات و خطاب بنفس مقدس خویش است : مانند : " يا قلم
 اعلى ۲۷ " . و " يا قلم الوحى ذكِرْ مَنْ حضر كتابه تلقاء الوجه " ۲۸ (لوح رئیس)
 وجه هفتم : مخاطب اهل عالم و در نصیحت و دعوت امر الهی است و با الفاظی نظیر :
 " يا اهل ارض ۲۹ " ، " يا ملاء الارض ۲۹ " ، " ای بنده یزدان " ۳۰ ، " ای بنده
 گان " ۳۰ ، " يا ابن الانسان ۳۱ " و نظایر آن در کلمات مکنونه ، که در آن تعالیم
 و نصایح اخلاقی و در تزکیه نفس و غیره نازل گردیده است .
 وجه هشتم : مخاطب از مومنین ادیان گذشته است که خطابات در دعوت بامر جدید
 است مانند : " يا ملاء الفرقان ۳۲ " ، " يا ملاء الأبن ۳۳ " .

الواح و آثاری که توسط قلم اعلیٰ به نام و اسمی تسمیه شده است

جمال قدم جل جلاله در بعضی از آثار نازلہ کلمات وحی را به : " لوح " ، " آیه " ، " آیات " ، " سوره " ، " کتاب " ، " کلام الله " ، " کلمة الله " ، " صحيفة الله " نام برده و تسمیه فرموده اند . این اسماء را لازم است با نامہائی کہ بعضی از الواح مبارکہ به نامہائی در میان احبای الہی مشہورند مانند لوح احمد و نظایر آن کاملاً متمایز نمود زیرا نام بعضی از الواح مبارکہ تسمیه شدہ توسط قلم وحی است و در متن لوح و یا اینکه توسط شارع امر در سایر الواح بدان اشارہ شدہ است . اینک میپردازد بہ نمونہ ہائی از این قبیل از بیانات مبارکہ تسمیه لوح مبارک از قلم وحی نازل شدہ است .

الواحی کہ عنوان و نام لوح را در شروع آن تسمیه فرمودہ اند
نمونہ اول ، " هذا لوح الروح " ، در لوح امنعی آغاز لوح را با نامگذاری آن آغاز
فرمودہ

ص ۱۴

اند . قوله تعالى وشانه ۳۴ ، " هذا لوح الروح قد نزل بالحق وجعله الله روحاً حياً حيواناً ليحيى به افئدة العالمين " .
 نمونہ دوم ، ۳۵ : " هذا لوح الاحباب قد نزل من لدى الله العزيز الوهاب " .
 نمونہ سوم ، ۳۶ : نام لوح پس از آغاز بہ اسمی تسمیه شدہ است " هذا لوح الامر قد نزل من لدن مالک القدر " .
 نمونہ چهارم ، " لوح اقدس ، ۳۷ : " هذا اللوح الاقدس نزل من ملكوت المقدس " .
 نمونہ پنجم ، ۳۸ : " لوح السحاب قد نزل من لدى الله مالک الرقاب " .
 نمونہ ششم ، ۳۹ : " هذا لوح نزل من شطر السجن للذى اقبل الى الوجه " .
 آثار مبارکہ کہ در شروع آن کلیہ کلمات نازلہ را " سوره " و نام آن را نیز ذکر فرمودہ اند
 نمونہ اول ، ۴۰ : " هذا سورة الهجر نزلناها بالحق ليظهر بها مظلوميتي بين الارضين والسموات " .
 نمونہ دوم ، ۴۱ : " هذه سورة الدم قد رشحنا من بحر الغيب ليكون آية ظهوري بين الخلائق اجمعين " .
 نمونہ سوم ، ۴۲ : " هذه سورة الاعراب قد نزلت من لدن منزل القديم " .
 نمونہ چهارم ، ۴۳ : " سورة الغصن " .

نمونه پنجم ، ۴۴ : " سورة الامين قد نزلت من لدى الله العزيز الحكيم بسم الله الابدی بلا زوال هذا كتابٌ من لدى الله المهيمن القيوم " .

بیاناتی که در آغاز آن کلیه کلمات نازله را " کتاب " ذکر فرموده اند .

قوله تعالى ۴۵ : " هذا كتابٌ من لدى القيوم الى الذين فازوا بانوار اليوم اذا اتى الغلام فى ظلل الغمام بقدرة و سلطان " .

ص ۱۵

الواحي که آغاز آن با نامی خاص شروع شده است

نمونه اول ، در آغاز لوحی است قوله العزيز ۴۶ : " هذه مدينة الرضا بسم الله العلى الاعلى " .

نمونه دوم ، ايضا در آغاز لوحی است قوله العزيز ۴۷ : " هذا رضوان الاقرار قد نزل من الله المهيمن القيوم بسم الله الاقدس الامنع الابهى " .

نمونه سوم ، و نیز در آغاز لوحی است قوله العزيز ۴۸ : " هذا رضوان العدل بسم الله العادل الحكيم " .

نمونه چهارم ، در لوحی عنوان لوح را با " صحيفة الله " و آغاز لوح را با کتاب که از جانب خدای به ایشان نازل شده است آغاز فرموده اند قوله العزيز ۴۹ : " صحيفة الله المهيمن القيوم هو المعزى المشفق الكريم كتاب انزله المظلوم لمن آمن بالله المهيمن القيوم لتجذبه نفحات الوحي الى الافق الاعلى " .

نمونه پنجم ، آغاز لوح مقدس اشراقات " هذه صحيفة الله المهيمن القيوم " .

بیانات مبارکه که آن را لوح و مندرجات آنرا " کلام الله " عنوان فرموده اند

در لوحی نازل قوله العزيز ۵۰ : " هو الباقي كلام الله ولو انحصر بكلمة لا تعادلها كتب العالمين انك لا تحزن بما اختصرنا اللوح لان فيه يرى كتاب عظيم هذا لوح امتزج بملح الله اذا ذقت و وجدت قم و قل لك الحمد يا اله العالمين " .

آثاری که در سایر الواح مبارکه بنامی ذکر شده است

نمونه اول ، سوره ملوک ، این عنوان و نام توسط قلم وحی نازله در سوره هیکل در لوح دیگری به این نام برده شده است . در لوحی در جواب عریضه یکی از احبای الهی الواحی را که بملوک ارض نازل و خطاب شده است " سوره ملوک " و نیز فقرات سوره را

" آیات " ذکر فرموده اند قوله العزيز ۵۱ : " و آنچه سؤال شده بود از آیه منزله در هیکل که بملوک خطاب شد ... در سوره ملوک آیات مذکوره باختصار ذکر شده " -

ص ۱۶

و در لوح شیخ محمد تقی نجفی آنرا " الواح ملوک " نام برده اند قوله العزيز : " و مقصود از آنچه بیان شد از الواح ملوک و غیره آنکه آنجناب بیقین مبین بدانند که این مظلوم امرالله را ستر ننمود و بآنچه مامور بود امام وجوه عالم بافصح بیان ذکر نمود و القاء فرمود " .
نمونه دوم ، " لوح پاپا " در همان لوح مبارک خطاب به پاپ را " لوح پاپا " ذکر فرموده اند قوله العزيز ۵۱ : " و اینکه از آیه منزله در لوح پاپا سؤال نمودید ... " .
نمونه سوم : " سوره رئیس " ، " سوره ملوک " ، در لوح هفت پرسش لوح خطاب به عالی پاشا و نیز خطابات به ملوک و سلاطین را سوره رئیس و سوره ملوک نام برده اند قوله العزيز ۵۲ : " اگر آنجناب سوره رئیس و سوره ملوک را بیابد و بخواند از آنچه سؤال نموده بی نیاز گردد و بخدمت امر الهی قیام نماید قیامیکه ظلم عالم و قوت امم او را از نصرت مالک قدم منع نکند " - در لوح منیع دیگری نیز اشاره به دو لوح مذکور فرموده اند قوله العزيز ۵۳ : " آیات بشائی نازل که عالمرا احاطه کرده و بیّنات اعلامش در لوح رئیس و سور ملوک مرتفع و هویدا " .
نمونه چهارم : " سوره هیکل " ، در لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی نجفی به سوره هیکل اشاره فرموده اند قوله العزيز : " در اظهار امر بهیچوجه توقف ننموده و بحضرات ملوک و سلاطین ایدهم الله تعالی القاء نمود آنچه را که سبب آسایش و اتحاد و اتفاق و عمار عالم و راحت امم است . از جمله دو کلمه از ناپلئون ثالث اصغاء شد و آن سبب شد که در ادرنه لوحی با و ارسال نمودیم جواب نفرمودند ... از این بیان ایشان معلوم شد مقصود این عبد را اصلاح امور ظاهره دانسته اند لذا آیاتی باسم ایشان در سوره هیکل نازل " .
نمونه پنجم ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی لوح تجلیات را " کتاب تجلیات " نام برده اند قوله الاعلی : " در تجلی سوم از کتاب تجلیات ذکر نمودیم سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقاة است از برای صعود تحصیلش بر کل لازم " .

نمونه ششم ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی لوح خطاب به ناصرالدین شاه را نام برده اند قوله الاعلی : " لعمر الله این مظلوم قادر بر ستر نبوده انه اظهر ما اراد و هو المقتدر المختار این کلمات عالیاتکه در لوح حضرت سلطان نازل بعضی از آنرا مکرر ذکر مینمائیم تا آنجناب یقین مبین بدانند که آنچه ذکر شده من عند الله بوده " .

نمونه هفتم ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی لوح خطاب به " باقر و محمد حسین " را " لوح برهان " نام برده اند قوله العزیز : " و بعد از شهادت بعضی از شهداء لوح برهان از سماء امر مالک ادیان نازل " .

لازم به ذکر این مطلب است که بعضی از الواح مبارکه توسط بیانات مبارکه تبیینی به نامی خوانده شده است - در الواح مندرجه در آثار قلم اعلی بعضی از الواح در فهرست الواح در آثار قلم اعلی جلد ۴ به نام هائی نامیده شده اند که این نامها در متن الواح زیارت میشود مانند : (۱) سورة الاصحاب ، لوح طلعة الحب ، لوح مهدی که به نام مخاطب آن نامیده شده (۲) لوح ک . ظ . (لوح فواد) : که به اعزاز شیخ کاظم سمندر قزوینی نازل شده و به لوح ک . ظ . مشهور و در فهرست آثار قلم اعلی به نام لوح فواد درج شده است . برای تفصیل بیشتر مراجعه فرمائید به گنج شایگان تالیف فاضل جلیل القدر جناب عبدالحمید اشراق خاوری .

نوع کلام

در مطالعه الواح مبارکه بنظر میاید که کلام الهی به چند وجه نازل شده است :

وجه اول : انتباه و انداز و آگاه نمودن اعمال و سوء رفتار مخاطب است (که از دسته معرضین ، مغرضین و معاندین امر الهی است) . مخاطب را اخبار به ذلت و هبوط و خسران مال او مینمایند و در الواح متعددی ، مخاطب را نصیحت و دعوت بامر نیز فرموده اند . چند نمونه از این کلام آورده میشود :

- (۱) قوله العزیز ۵۴ : " یا باقر لا تطمئن بعزک و اقتدارک مثلكَ کمثل بقية اثر الشمس على رؤس الجبال سوف يدركها الزوال من لدى الله الغنى المتعال " .
- (۲) قوله العزیز ۵۵ : " یا معشر العلماء بكم انحط شان الملة و نکس علم الاسلام و

ثُلُّ عَرْشِهِ الْعَظِيمِ " .

وجه دوم : دعوت مخاطب به توبه و بازگشت و اقبال بسوی حق و بخشیدن او در صورت توبه و انابه است . خطاب به باقر نجفی قوله الاعلیٰ ۵۶ : " ارجع الی مولک لعلْ یُکْفِرُ عَنْکَ سِئَاتِکَ " .

وجه سوم : مخاطب مومن بامر مبارک است ، لحن لوح سرشار از عطوفت الهی و اطمینان بخشی است ، مانند این بیان مبارک . قوله تعالیٰ ۵۷ : " یا ایها الجلیل ... اشکرالله بهذا الفضل الاعظم و الکرم الذی احاط علی العالم " .

وجه چهارم : مخاطب از مومنین بامر و خطاب در نصیحت و امر به تبلیغ و نظایر آنست .

لحن خطاب

لازمه شناخت و تحقیق در لحن های خطاب در الواح مبارکه آنست که دسترسی بکلیه الواح و آثار نازله موجود و ممارست کامل به نوع و انشای آثار وجود داشته باشد . مطالعه مقدماتی و زیارت الواح نازله نشان میدهد که سه وجه از لحن های الواح مبارکه بسهولت قابل تمیز است .

وجه اول : الفاظ و کلمات قهریه خطاب بفرد یا جمعیت و گروه خاص و یا عام (خطاب به غیر مومنین و مغرضین) نظیر این بیان مبارک خطاب به رقصاء (تسمیه امام جمعه اصفهان باین نام بعلت اعمال و رفتارش نسبت به امر مبارک و مومنین امر قوله الاعلیٰ ۵۸ : " سوف تاخذک نفحات العذاب کما اخذت قوما قبلک انتظر یا ایها المشرک بالله " .

ص ۱۹

وجه دوم : الفاظ و کلمات تحقیر آمیز که لحن انتباه نیز دارد ، مانند این بیان مبارک ، قوله جل بیانه ۵۹ : " یا ایها المعروف بالعلم و القائم علی شفا حفرة الجهل " خطاب به آغا محمد خان کرمانی در لوح قناع . و نیز بیان مبارک خطاب به رقصاء در لوح برهان قوله عز بیانه ۸ : " یا ایها الجاهل المحجوب " .

وجه سوم : الفاظ و کلمات لطیفه و عنایت آمیز که مخاطب مومن بامر مبارک و از مجاهدان فی سبیل الله است ، چند نمونه از این گونه خطابه در الواح مبارکه :
(۱) در لوح طرازاات قوله الاعلیٰ : " یا ایها الشارب رحیق بیانی من کأس عرفانی " .
(۲) در کلمات فردوسیة قوله الاعلیٰ " یا حیدر قبل علی علیک ثناء الله و بهائه " .

۳) در لوح العالم به دو تن از اجله مومنین و خادمین امرالله قوله العزيز ۶۰ :
 " حمد و ثنا سلطان مبین را لائق و سزا است که سجن متین را بحضور حضرت علی قبل
 اکبر و حضرت امین مزین فرمود و بانوار ایقان و استقامت و اطمینان مزین داشت
 علیهما بهاء الله و بهاء من فی السموات و الارضین " .

شان الواح

در سوره هیکل شان آیات را بیان فرموده اند .
 در سوره هیکل میفرمایند قوله الاحلی ۶۱ : " قل انا نزلنا الایات علی تسعة شئون
 کل شأن منها يدل علی سلطنة الله المهيمن القيوم . شان منها یکفین فی الحجية
 من فی السموات و الارض ولكن الناس اکثرهم غافلون و لوشننا لنزلنا علی شئون
 اخرى التي لا یحصی عدتها المحصون ... من نسب آیات الله بالسحرانه ما امن
 باحد من رسل الله قد ضلّ سعيه فی الحیوة الباطلة " .

ص ۲۰

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف	نام کتاب و مؤلف
۱	قرن بدیع ج ۲ ص ۸۸ . اصل توقيع مبارک بزبان انگلیسی ص ۱۰۷ - ۱۰۹
۲	لوح مبارک اشراقات ، اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۶۷ و ۷۱ و ۷۵
۳	لوح حکماء . مجموعه الواح مبارکه ص ۵۲ ، چاپ مصر .
۴	لوح مبارک اشراقات . اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۵۷
۵	لوح قناع . مجموعه الواح مبارکه ص ۶۷ . چاپ مصر .
۶	لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ۵۳ و ۵۶ . چاپ مصر .
۷	لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ۵۷ . چاپ مصر .
۸	لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ۶۴ . چاپ مصر .
۹	۱ . ق . اعلی ج ۱ ص ۸۰ .
۱۰	سورة الملوک ص ۲ و ۳ طبع محفل ملی بهائیان پاکستان .
۱۱	سورة الملوک ص ۱۳ طبع محفل مای بهائیان پاکستان .
۱۲	لوح خطاب به ناپلئون سوم . ۱ . ق . اعلی ج ۱ ص ۴۷ .
۱۳	لوح خطاب به امپراطور روس . ۱ . ق . اعلی ج ۱ ص ۵۸ .

- ١٤ لوح رئيس . ا . ق . اعلى ج ١ . ص ١١٣ .
- ١٥ لوح سلطان . ا . ق . اعلى ج ١ ص ٦٦ ، ٦٧ ، ٦٩ ، و ٨٩ .
- ١٦ كتاب مستطاب اقدس بند ٨٥ .
- ١٧ ا . ق . اعلى ج ١ ص ٦١ .
- ١٨ لوح حكماء . مجموعه الواح مبارکه ص ٣٨ . چاپ مصر .
- ١٩ لوح كلمات فردوسيه ، لوح اشراقات . اشراقات مجموعه الواح مبارکه .

ص ٢١

- ٢٠ لوح العالم . مجموعه الواح مبارکه ص ٣٨٧ . چاپ مصر .
- ٢١ لوح كلمات فردوسيه . اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ٥٩ .
- ٢٢ لوح اشراقات . اشراقات مجموعه الواح مبارکه .
- ٢٣ اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٠٥ .
- ٢٤ لوح العالم . مجموعه الواح مبارکه ص ٢٨٦ ، چاپ مصر .
- ٢٥ لوح كلمات فردوسيه . اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ١٣٨ و ١٣٩ .
- ٢٦ لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ٥٩ ، ٦٠ ، ٦٢ ، چاپ مصر .
- ٢٧ لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ٦٣ . چاپ مصر
- ٢٨ مجموعه الواح مبارکه ص ٩٥ . چاپ مصر .
- ٢٩ مجموعه الواح مبارکه اشراقات ص ١٢٥ و ٢٠٥ .
- ٣٠ مجموعه الواح مبارکه ص ٣٤٨ و ٢٥١ . چاپ مصر .
- ٣١ مجموعه الواح مبارکه ص ١٨ . چاپ مصر .
- ٣٢ مجموعه الواح مبارکه اشراقات ص ١٨١ .
- ٣٣ لوح اقدس . ا . ق . اعلى ج ١ ص ١٤٠ .
- ٣٤ ا . ق . ا . ج ٤ ص ١٥٠ .
- ٣٥ ا . ق . ا . ج ١ ص ٩٦ .
- ٣٦ ا . ق . ا . ج ١ ص ١٩٩ .
- ٣٧ ا . ق . ا . ج ١ ص ١٣٨ .
- ٣٨ ا . ق . ا . ج ١ ص ١٤٩ .
- ٣٩ ا . ق . ا . ج ١ ص ٤٢٨ .

٤٠ ا. ق. ا. ج ٤ ص ٢٤ .

٤١ ا. ق. ا. ج ٤ ص ١ .

ص ٢٢

٤٢ ا. ق. ا. ج ٤ ص ٦١ .

٤٣ ا. ق. ا. ج ٤ ص ٤٢٤ .

٤٤ ا. ق. ا. ج ١ ص ١٧٠ .

٤٥ ا. ق. ا. ج ١ ص ٤٢٨ .

٤٦ ا. ق. ا. ج ١ ص ١٣٥ .

٤٧ ا. ق. ا. ج ٤ ص ٤٢ .

٤٨ ا. ق. ا. ج ٤ ٢٩٩ .

٤٩ اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٢٧ .

٥٠ ا. ق. ا. ج ١ ص ٤٣٢ .

٥١ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ٣٢٦ و ٢٢٧ .

٥٢ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٤٦ .

٥٣ اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٥٠ .

٥٤ لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ٦١ . چاپ مصر .

٥٥ لوح برهان مجموعه الواح مبارکه ص ٦٢ . چاپ مصر .

٥٦ لوح برهان مجموعه الواح مبارکه ص ٥٧ . چاپ مصر .

٥٧ لوح اشراقات . اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ٦٧ .

٥٨ لوح برهان . مجموعه الواح مبارکه ص ٦٣ . چاپ مصر .

٥٩ لوح قناع . مجموعه الواح مبارکه ص ٦٧ . چاپ مصر .

٦٠ لوح العالم . مجموعه الواح مبارکه ص ٢٨٥ . چاپ مصر .

٦١ آثار قلم اعلیٰ ج ١ ص ١٩ .

ص ٢٣

روش دوم

شناخت لغات و الفاظ در الواح

ص ۲۴

شناخت لغات و الفاظ در الواح

معانی کلمات و لغات و مفاهیم الفاظ بکار برده شده در الواح مبارکه را بروشهای پیشنهادی ذیل میتوان مورد تحقیق و مطالعه قرار داد .

معنی حقیقی لغت معنی حقیقی لغت ، کلمه و یا لفظ را میتوان در کتب معتبر لغتنامه ها جستجو و پیدا نمود . مفهوم لغت و لفظ بکار رفته در لوح در این مرحله ، عبارتی مقدماتی و عبارتی نهائی ، برای اخذ مقصود مبارک از انزال لوح ، کفایت میکند و مقصود حاصل میگردد - در این مرحله لفظ و معنی هر دو وحدت دارند یعنی فقط یک لفظ است و یک معنی .

اقسام لفظ و معنی در کتب کلاسیک درسی چنین تعریف شده است ۱ -
" هرگاه لفظی متعدد باشند ، و معنی ، یکی باشد ، مترادف نامیده می شود چون اسد ، ضیغم و لیث و هرگاه بعکس صورت قبلی ، معانی متعدد و لفظ یکی باشد و این لفظ در هر بار برای یکی از معانی وضع شده باشد ، مشترک نامیده می شود و این مانند عین که برای چشم و چشمه ... و غیره وضع شده است ... یا معانی دیگر به مدد قرینه بکار رود ، حقیقت و مجاز است چون اسد که در حیوان درنده حقیقت است و در انسان شجاع ، مجاز " - یک نمونه از الفاظ مترادف که به کثرت در الواح نازل بکار رفته و در مسائل ایمانی ، اقبال و اعراض به امر و نظایر آن مشاهده می شود الفاظ : قمیص ، ثوب ، خَلَع ، رداء و لباس است و مقصد از آن اینطور که بنظر میرسد برای تسهیل در فهم مسائل مجردات است و نیز با اسلوبی خاص در بیانات مبارکه نازل شده و در نوع پانزدهم باختصار بررسی و تحقیق شده است .

حقیقت و مجاز ۲ استعمال لفظ در معنی موضوع له آن ، حقیقت است و در غیر موضوع له که با موضوع له علاقه و وابستگی دارد ، مجاز است " .

ص ۲۵

چهار نمونه از این قبیل کلمات ذکر اسم های " جباره " ۱ " فراعنه " ، " مدینه " " شجره " و نظایر آن در الواح است که هر سه اسم عامند و در معنی ظاهری و حقیقی در کتب آمده است . نمونه دیگری که از مرتبه خاص و مقامی که بی مثال و تشبیه در امر بهائی کلمه " قلم اعلی " در الواح نازل شده است که تحقیق و بررسی آن موافق نصوص مبارکه ضرورت دارد .

جبار در لغت نامه ها اسم جمع جبار بمعنی گردنکشان ، طاغیان ، شجاعان دلاوران ، پادشاهان مستبد ، سلاطین با عظمت و جبروت .
فراعنه مفرد آن فرعون بمعنی عنوان هر یک از پادشاهان مصر ، هر شخص ستمکار و تهاکار .

مدینه ۳ در لغت به معنی شهر ، شهرستان ، شهر بزرگ . و جمع آن مداین .
مدائن . مَدْن

شجره در لغت به معانی (۱) یک درخت (۲) نسب نامه (۳) انسان کامل نوشته شده است .

اسمهای فوق در الواح مبارکه در مواضع متعددی استعمال شده و در هر مورد به معنی حقیقی و مجاز بکار رفته است مانند بیانهای ذیل قوله تعالی ۴ : " لَعْمَرُالله هر نفسی باصغاء فائز شد سطوت جباره و شوکت فراعنه او را از مشرق نور احدیه و مطلع آیات قدمیه محروم نساخت بیقین کامل و نور مبین ظلمت اوهام او را محو نمود اوست فارس مضمار بیان " . در ادامه لوح مبارک معانی و مقصود از جباره و فراعنه را که در الواح مبارکه نازل گردیده بیان میفرمایند قوله الاعلی ۴ :
" فراعنه و یا جباره که در الواح نازل شده و یا بشود مقصود ارباب عمائمند یعنی علمائیکه ناس را از شریعه الهی و فرات رحمت رحمانی منع نموده اند " .
مدینه به معنی حقیقی که آن (شهر) و یا (نام گذاری برای شهری) باشد

ص ۲۶

مانند : (۱) " مدینه طیبه شیراز " در لوح سنه ۱۰۵ بدیع ، (۲) مدینه کبیره " (مقصود شهر اسلامبول است ۵) در لوح ابن ذئب نازل : " در مدینه کبیره جمعی را بر مخالفت این مظلوم برانگیختند " . (۳) " مدینه محصنه " (عکا) در لوح ابن ذئب : " نغمه حضرت داوود را بشنو میفرماید (من یقودنی الی

المدينة المحصنة (مدینه محصنه عکاست که سجن اعظم نامیده شده و دارای حصن و قلعه محکم است " .

(۴) مدینه الله (شیراز) : " در لوح اعمال حج بیت شیراز نازل قوله تعالى ۶ : " وَ الثَّنَاءُ عَلَيْكَ يَا مَدِينَةَ اللَّهِ وَ مُوْطِنَ أَسْمَائِهِ وَ مَخْزَنَ صِفَاتِهِ " . (۵) بمعنی شرعی آن در ذیل شماره ۴ بررسی کوتاهی خواهد شد .

شجره، در الواح مبارکه ، بنظر میرسد که به پنج وجه و مقصود نازل شده است .
وجه اول ، شریعت الله ، وجه دوم ، مظهر ظهور و صاحب شریعت . وجه سوم ،
مومنین و محبین به امر مبارک . وجه چهارم ، معرضین و معاندین امرالله . وجه
پنجم ، عهد و میثاق در امر بهائی - در آثار مبارکه حضرت ربّ اعلیٰ جل ذکره و در
الواح قلم اعلیٰ و حضرت عبدالبهاء به کثرت لفظ شجره بکار رفته است . با توجه به
بیانات مبارکه در ایقان شریف ، بنظر میرسد که مأخذ آن در دو آیه بسیار مشهور در قرآن کریم است که
هر دو آیه شریفه در ایقان مبارک نقل گردیده است ۷ .

(۱) در سوره ابراهیم آیه ۲۴ / ۱۴ نازل گردیده قوله تعالى : " مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ " . (۲) در سوره نور آیه ۳۵ نیز نازل گردیده قوله تعالى : " اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ ... " .

البته احبای عزیز الهی آگاهی کامل دارند که این آیه قرآنی در تبیین مقامات حضرت ربّ اعلیٰ جل ذکره و جمال قدم جل اسمہ الاعظم توسط بیان مبارک

ص ۲۷

حضرت عبدالبهاء در لوحی در مکاتیب جلد دوم صفحه ۲۵۰ در بیان اولین وظیفه
انسان در اقرار به معرفت و مظهریت آن دو نفس مقدس ذکر گردیده است و نیز
در توقیع دور بهائی نیز حضرت ولی امرالله جل سلطانه بهمان مقصود استعمال
گردیده است . توجه یاران را به آن دو اثر گهربار جلب مینماید .

مبحث لغت و معنی لفظی شجره در لغتنامه ها : (۱) در لغتنامه دهخدا در باره
معانی شجره با استخراج از کتب معتبره لغت چنین نوشته شده است ۸ :
شجر . درخت با تنه باریک باشد یا درشت مقاومت سرما را تواند یا عاجز آید از

آن و هرچه ساق دارد از نبات ... و گویند که شجر آنستکه خود با تنه بالا رود خواه باریک باشد یا ستر و در برابر زمستان مقاومت تواند یا از آن عاجز آید . و نیز گفته اند که شجر آنستکه دارای ساق سخت باشد چون درخت خرما و مانند آن و آنرا شجر خوانند چون شاخهای آن در یکدیگر فرو رفته است . جمع اشجار شجرة . یکی شجر . ج ، شجرات . مونث شجر - شجرة نامه ، شجرة النسب . نسب نامه فهرست اسامی اجداد و ندران کسی - متصوفه ، انسان کامل را اصطلاح نمایند ، شجرة طوبی ، درخت طوبی ، و طوبی درختیست در بهشت . رجوع به طوبی شود .

وجه اول ، شجره بمعنی شریعت الله :

نمونه اول : در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۹ : " و چون مومنین و محبین بمنزله اغصان و اوراق این شجره مبارکه هستند لهذا هرچه بر اصل شجره وارد گردد البته بر فرع و اغصان و اوراق وارد آید " .

نمونه دوم : در ایقان اشاره به شریعت حضرت موسی است قوله تعالی ۱۰ : " و بعد زمان او منقضی شد تا نوبت بموسی رسید . و آن حضرت بعضای امر و بیضای معرفت از فاران محبت الهیه با ثعبان قدرت و شوکت صمدانیه از سینای

ص ۲۸

نور بعرضه ظهور ظاهر شد . و جمیع من فی الملک را بملکوت بقا و اثمار شجره وفا دعوت نمود " .

نمونه سوم : در لوح منیعی در آغاز آن به مخاطب لوح میفرمایند قوله العزیز ۱۱ : " ان یا محمد بشر نفسک بما نزل علیک کتاب قدس کریم " در ادامه لوح میفرمایند " و ظهرت نار الاحدیه فی هذا الشجرة المرتفعة التي احاطت کل العالمین " وجه دوم شجره به معنی مظهر امرالله و صاحب شریعت : در آثار مبارکه مظهر الهی به شجره و سدره نامیده شده است .

نمونه اول : در زیارتنامه حضرت اعلی و جمال قدم است :

" صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى السَّدْرَةِ وَأَوْرَاقِهَا وَأَغْصَانِهَا وَأَفْئَانِهَا " .

نمونه دوم در لوح قناع خطاب به حاج محمد کریم خان کرمانی اعلام امر جدید را میفرمایند ۱۲ : " قل ان افتح البصر ان الامر علا و ظهر و الشجر ينطق باسرار القدر " .

نمونه سوم : در ایقان اشاره به امر جدید الهی میفرمایند ۱۳ : " و اینمظلوم یک فقره آن را ذکر مینمایم " و نعمتهای مکنونه سدره مخزونه را لوجه الله بر عبادالله مبذول میدارم .

نمونه چهارم : در ایقان ، حضرت موسی را شجره طیبه نامیده و ذکر فرموده اند ،
قوله جل بیانه ۱۰ : " و جمیع من فی الملک را بملکوت بقا و اثمار شجره وفا دعوت نمود و شنیده شد که فرعون و ملاء او چه اعتراضها نمودند و چه مقدار احجار ظنونات از انفس مشرکه بر آن شجره طیبه وارد آمد " .

وجه سوم ، شجره به معنی مومنین به امرالله : در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۱۴ : " جمیع شما اشجار رضوان قدس منید که بدست مرحمت خود در ارض مبارکه غرس فرمودم و بنیسان رحمت بی زوال خود تربیت نمودم و از حوادث

ص ۲۹

کونیه و خطرات ملکیه بملائکه حفیظه حفظ فرمودم حال از مُغَرَّس و حافظ و مربی خود غفلت ننمائید " .

وجه چهارم ، شجره به معنی معرض بالله و کسی که به مخالفت امر قیام میکند :
نمونه اول : در کتاب مستطاب ایقان تاویل آیه ۴۳ در سوره دخان ۴۴- ۴۳/۴۴ را در باره حاجی کریم خان کرمانی معرض و عدو عنود و لدود حضرت رب اعلی بیان فرموده اند ۱۵ : " و در مراتب علم و جهل و عرفان و ایقان او در کتابی که ترک نشد از آن امری ذکر شده اینست که میفرماید (إِنَّ شَجَرَةَ الرَّقُومِ . طَعَامُ الْإِثْمِ) . - برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به قاموس ایقان و رحیق مختوم .

نمونه دوم : در باره ملا جواد برغانی از مومنین اولیه که بعد معرض گردید (شرح اعراض او در تاریخ نبیل مذکور است) و در آثار حضرت رب اعلی بعلت اعراضش به شجره کفر در بیانی موسوم گشت ۱۶ : " اللهم اللعن شجرة الکفر و اصلها و فرعها " .

وجه پنجم ، بمعنی عهد و میثاق الهی در رحیق مختوم تحقیق شده است ۱۷ :
در کلمات مکنونه فارسیه که از قلم جمال قدم در بغداد در سنه ۱۲۷۴ قمری بنص حضرت عبدالبهاء نازل گردیده مذکور است . قوله تعالی : " ای دوستان آیا فراموش کرده اید آن صبح صادق روشنی را که در ظل شجره انیسا که در فردوس اعظم غرس شده جمیع در آن فضای قدس مبارک نزد من حاضر بودید ... " در الواح مبارکه

حضرت عبدالبهاء در باره شجره انیسا میفرمایند ، قوله جل ثنائه " هو الله ای دوستان راستان شمس حقیقت چون از افق لامکان بر جهان امکان باشعه ساطعه اشراق فرمود و فیض قدیم جهان حادث را احاطه نمود اول تجلی و اول اشراق پرتو نور میثاق بود که از ظل شجره انیسا بر آفاق درخشید ... " و در لوحی دیگر فرموده اند ، قوله الاحلی : " یا من تعلق باهداب میثاق الله اعلم ان العهد

ص ۳۰

الذی اخذه الله فی ظل شجرة انیسا هو عروة الوثقی ... " .

خارج شدن معانی لغوی بمعانی شرعی بعضی از الفاظ معانی اصطلاحی و

وضع شده در الواح و کتب مقدسه دارند . مانند الفاظی از قبیل : مدینه ، صوم ، صلاة ، زکوة ، حقوق الله ، نسخ ، بدا ، امر ، نهی ، سنت ، اذن ، حدود (جمع حد) و حدودات (جمع در جمع) ، عهد و میثاق ، انقطاع ، استغناء ، غنی ، تقوی ، انصاف ، مظهر و نظایر آن - اینگونه الفاظ از معانی لغوی خود خارج و به معانی شرعی بکار رفته است و در الواح مبارکه قلم اعلی و الواح تبیینی مقصود و معنی آنها در معارف امر بهائی کاملاً توضیح و شرح داده شده است - مأخذ اینگونه الفاظ در قرآن کریم ، کتاب مستطاب بیان و کتاب مستطاب اقدس ام الکتاب شریعت بهائی ، الواح نازله از قلم اعلی و نیز الواح وتوقیعات مبارکه است . یک نمونه از این قبیل الفاظ که دارای معنی شرعی و مجاز است لفظ مدینه است که در آثار مبارکه به معنی کتاب و شرع جدید آمده است . در ایقان شریف نازل قوله جل بیانه ۱۸ : " و جمیع علوم مکنونه را از اطوار ورقه شجره آن مدینه استماع نماید . و از تراب آن مدینه تسبیح و تقدیس رب الارباب بگوش ظاهر و باطن شنود . " و این مدینه در راس هزار سنه او ازید او اقل تجدید شود و تزیین یابد . " و آن مدینه کتب الهیه است در هر عهدهی . "

لغات و الفاظی که در مبادی و اصول بکثرت نازل شده است

بعضی از الفاظ در الواح مبارکه در بیان اصول و مبادی بکار رفته و بنظر اینطور میرسد که لازم است در نهایت روشنی و هیچگونه ابهامی به مقصود اصلی و معنی

حقیقی از بیان آن لفظ آشنائی و درک کاملی حاصل نمود . چند نمونه از این قبیل الفاظ عبارتند از: " یفعل ما یشاء " ، " عصمت کبری " ، " تقوی الله " ، " خشیه الله " ، " بشارت وعد و خوف وعید " ، " عرفان مشرق وحی " ، " جنت و نار " ، و نظایر آن .

ص ۳۱

این قبیل الفاظ در بخش سوم و سایر بخش ها باجمال بررسی گردیده است .

لغات و الفاظی که دارای معانی متعددند

در الواح مبارکه با الفاظ و لغاتی آشنا میشویم که دارای معانی متعددند و بمناسبت محل استعمال و تبیان مسائل معانی مختلف ، مترادف یا متضاد دارند . بعنوان نمونه کلمه " نار " است . نار ، در لغت به معنی : آتش و جوهری است لطیف نورانی سوزنده ۸ - در معارف اسلامی و آثار مبارکه نار دارای معانی دیگری خارج از معنی ظاهری آن است .

نار ، در آثار مبارکه به چند وجه نازل شده است : **وجه اول** : بمعنی حرارت حبّ .

نمونه اول : در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۲۰ : " أَنْ يَا عَبْدُ قَدْ سَمِعْنَا نِدَائَكَ وَأَجَبْنَاكَ بِجَوَابٍ تَعْجَزُ عَنْهُ عُقُولُ الْعَارِفِينَ ... وَ تَكُونُ نَارًا فِي حَبِّكَ لِيَحْتَرِقَ عَنْهَا حُجُبَاتُ الَّذِينَ هُمْ أَحْتَجِبُوا فِي أَيَّامِ اللَّهِ وَ كَانُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ "

نمونه دوم در ایقان نازل قوله الاعلی ۲۱ : " بر اولی العلم معلوم و واضح بوده که چون نار محبت عیسوی حجابات حدود یهود را سوخت " .

نمونه سوم : در لوح کل الطعام نازل قوله الاعلی ۲۲ : " ان یا ایها السائل الجلیل و المتوقد بنار الخلیل ایقن بانی من اول یوم الذی ایدنی الله بالتصديق علیه و الاقرار بامرہ الی حیثند ما ارید ان اجیب احدا من العباد ولكن لما وجدت فی قلبک نارا من حجة الله و قبسا من نور مظهر نفسه لذا قد تموجت ابحر مودتی لحبی " .

وجه دوم: بمعنی آتش سوزنده با اثر مخرب (آتش عناد و بغض) :

نمونه اول : در سورة العنصن نازل قوله جل بیانه ۲۳ : " وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ اللَّهِ تَشْتَعِلُ فِي صُدُورِهِمْ نَارُ الْبَغْضَاءِ " .

نمونه دوم : در کتاب مستطاب اقدس در بند ۸۹ نازل قوله تعالی : " یا ایها

النقطة الواقعة في شاطئ البحرين قدر استقر عليك كرسى الظلم و اشتعلت فيك نار البغضاء " .

نمونه سوم : در لوح سلطان ۲۴ : مندرجات ، و ردیه های معرضین را به الواح ناریه ذکر فرموده اند قوله جلّ بیانه : " باری ای سلمان . براحبای حق القاکن که در کلمات احدی بدیده اعتراض ملاحظه نمائید بلکه بدیده شفقت و مرحمت مشاهده کنید . مگر آن نفوسیکه الیوم در ردّ الله الواح ناریه نوشته بر جمیع نفوس حتم است که بر ردّ من ردّ علی الله آنچه قادر باشند بنویسند . كذلك قُدر من لدن مقتدر قدیر .

وجه سوم: نار به معنی دوزخ و جهنّم . مقصود از دوزخ در آثار مبارکه بتفصیل نازل شده است : نمونه اول : در سورة البیان در عاقبت حال معرضین به امر جدید میفرمایند قوله الاعلیٰ ۲۵ : " انّ الذینهم کفروا بالله و سلطانه اولئک غلبت علیهم النفس و الهوی و رجعوا الی مقرّهم فی النار " . نمونه دوم : در تجلی اول در لوح تجلیات ، در عقوبت عدم اطاعت از اوامر و نواهی الهی میفرمایند قوله جلّ بیانه : " اوامرش حصن اعظم است از برای حفظ عالم و صیانت امم نوراً لمن اقرّ و اعترف و ناراً لمن ادبر و انکر " .

وجه چهارم: نار به معنی و مقصود از منبع نور الهی که به علت شدت حرارت از آن نور ساطع میشود که سبب هدایت است .

نمونه اول : در مناجاتی میفرمایند قوله الاعلیٰ ۲۶ : " امروز نور ناطق و نار متکلم و خورشید حقیقی مُشرق " .

نمونه دوم : در لوح حکمت مخاطب لوح را امر به تبلیغ امرالله فرموده اند قوله عز بیانه ۲۷ : کن مبلغ امرالله ببيان تَحَدُّثُ به النار فی الاشجار و تنطق انه لا اله الا انا العزيز المختار " .

نمونه سوم : در تفسیر و توجیه آتش ، در لوحی میفرمایند ۲۸ : " و چون

حرارترا که مایه حرکت و صعود و سبب وصول به مقصود بود اختیار نمود . لذا آتش حقیقی را بید معنوی بر افروخت و بعالم فرستاد تا آن آتش الهیه کل را

بحرارت محبت رحمانیه بمنزل دوست یگانه کشاند و صعود و هدایت نماید . "

نمونه چهارم : در لوحی از الواح عید اعظم رضوان نازل گردیده قوله تعالی ۲۹ :

"وَانْصَعَقَتِ الْأَرْوَاحُ مِنَ النَّارِ الْإِنْجَذَابِ وَإِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ عَجَابٌ ... وَ
أَشْرَقَتْ أَنْوَارُ الْوَجْهِ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّحَابِ وَأَنَّ هَذَا لَنُورٌ عَجَابٌ
... وَ أَحْرَقَتْ بِنَارِ الْوَجْهِ كُلَّ الْأَسْمَاءِ . "

نمونه پنجم : در صلات کبیر است. قوله تعالی : "بِأَنَّ تَجْعَلَ صَلَاتِي لِتُحْرِقَ حُجْبَاتِي الَّتِي مَنَعَتْنِي عَنْ
مُشَاهَدَةِ جَمَالِكَ ..."

وجه پنجم: اوراق ناریه : نامه ها و مراسلاتی که توسط ناقضین عهد ابهی توسط

ناقض اکبر و برادران وی و جمال بروجردی به احبای الهی ارسال میشد در الواح
مرکز عهد و میثاق و حضرت ولی امرالله جل سلطانه و نیز در مکالمات و تحریرات ثابتین بر عهد
و پیمان به " اوراق ناریه " نام برده شده است . برای مزید اطلاع مراجعه فرمائید
به الواح و توقیعات مبارکه و نیز به خاطرات نه ساله و تاریخ بهجت الصدور .

وجه ششم: حرارت ادای صلاة که انسان از درگاه ربّ البریه طلب رفع حجاب از شناسائی حق میکند.

صلاة کبیر : "تَجْعَلَ صَلَاتِي نَارًا لِتُحْرِقَ حُجْبَاتِي الَّتِي مَنَعَتْنِي جَمَالِكَ وَ نُورًا يَدُلُّنِي إِلَى بَحْرِ وَصْلِكَ"

نار در معارف اسلامی نار ، در قرآن کریم و احادیث نبوی به معانی مختلف آمده

است - به اختصار معانی آن به شرح ذیل است :

الف : نار بمعنی آتش : قرآن ۶۹ : ۲۱ " قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ " (ترجمه : گفتیم ای
آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم) .

ب ، نار بمعنی آتش و نور : سوره اعراف ۱۲ : ۷

ج ، نار بمعنی عدم عرفان و شهادت بواحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد ص

- در حدیثی از حضرت رسول اکرم ص از انس منقول است ۳۰ : " بینما نحن مع

رسول الله ص فی سفر ، اذ سمع رجلاً یقول : الله اکبر الله اکبر ، فقال النبی

ص علی الفطرة ، قال : اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله ،

فقال النبی ص : خرج هذا من النار . "

ص ۳۴

الفاظ و کلمات مخفی المعنی

الفاظ و کلماتی که معانی حقیقی آنها با معانی لغوی متفاوت اند ، تحت عنوان متشابهات در روش هفدهم باختصار مورد تحقیق قرار گرفته است . نمونه هائی از الفاظ و لغاتی از این قبیل باین شرح است : حجابات موهوم . ایام و ایامک ، لقاء . حشر . مکلم . صباغ . صبغة الله . قبر و مراقد . من دخل فيه و نجی . خلیج اسماء . ذروه علیا . محی رمم . تغرّادات حمامات فردوس اعلیٰ . شعرات ، شعری . بعث .

معانی عام و معانی خاص الفاظ و لغات

در آثار مبارکه با الفاظ و لغاتی مواجه میشویم که دارای معانی خاص و عامند . نمونه ای از این قبیل الفاظ که اهمیتی خاص در معارف امریهائی دارند عبارتند از : ممکنات ممکنات ، جمع ممکنه و در کتب لغت و فرهنگ لغات باین شرح آمده است : الف ، فرهنگ معین ۳۱ : ممکنات ، جمع ممکنه . کلیه موجودات عالم بجز موجود واحدی که مبداء کل است . موجودات ممکنات ذاتی و واجبات غیری هستند که آن غیر آنها را از عدم و مرحله قوت بفعل آورده . ب ، التعریفات جرجانی ۳۲ : (الممكنة العامة) هی التي حکم فیها بسلب الضرورة المطلقة عن الجانب المخالف للحکم فان کان الحکم فی القضية بالایجاب کان مفهوم الامکان سلب ضرورة السلب و ان کان الحکم فی القضية بالسلب کان مفهومه سلب ضرورة الایجاب فانه هو الجانب المخالف السلب فاذا قلنا کل نار حارة بالمكان العام کان معناه ان سلب الحرارة عن النار لیس بضروری . (الممكنة الخاصة) هی التي حکم فیها بسلب الضرورة المطلقة عن جانبی الایجاب و السلب فاذا قلنا کل انسان کاتب بالامکان الخاص

ص ۳۵

او لا شیء من الانسان بکاتب بالامکان الخاص کان معناه ان ایجاب الكتابة للانسان و سلبها عنه لیس بضروری لکن سلب ضرورة الایجاب امکان عام سالب و سلب ضرورة السلب امکان عالم موجب فالممكنة الخاصة سواء كانت موجبة او سالبة یكون ترکیبها من ممکنین عامّین احدهما موجبة و الاخری سالبة فلا فرق بین موجبها و سالبها فی المعنی بل فی اللفظ حتی اذا عبرت بعبارة ايجابية كانت موجبة و اذا عبرت بعبارة سلبية كانت سالبة .

"ممکنات" در نمونه هائی از بیانات مبارکه

نمونه اول : ممکنات بمعنی عام ۳۳ : " علت آفرینش ممکنات حُب بوده " .

نمونه دوم : ممکنات به معنی عام در زیارتنامه نازل شده و قوله الاعلیٰ ۳۴ : " وَ أَشْهَدُ أَنَّ بِحَرَكَتِهِ مِنْ قَلَمِكَ ظَهَرَ حُكْمُ الْكَافِ وَالنَّونِ " .

نمونه سوم : ممکنات به معنی خاص (انسان) : در زیارتنامه نازل قوله عز اعزازه ۳۴ : " وَ بِكَلِمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ فُصِّلَ بَيْنَ الْمُمَكِّنَاتِ وَ صَعَدَ الْمُخْلِصُونَ إِلَى الذَّرْوَةِ الْأَعْلَى وَالْمُشْرِكُونَ إِلَى الدَّرَكَاتِ السُّفْلَى " .

لقاء الله مراجعه کنید به روش نوزدهم

حکمت « حکمت » در آثار مبارکه به چند وجه نازل شده است . ابتدا به ریشه و مآخذ لغت اشاره میشود و بعد چند نمونه از بیانات الهیه که وجوه مختلفه حکمت در آنها دیده میشود درج میگردد .

الف در کتب لغت : در فرهنگ معین : ۱ - عدل ، داد ۲ - علم ، دانش ، دانائی ۳ - حلم بردباری . ۴ - راستی ، درستی ، صواب . ۵ - کلام موافق حق ۶ - پند و اندرز . ۷ - فلسفه ، در فرهنگ علوم عقلی : ۱ - معرفت حقایق اشیاء . ۲ - حکمت عبارت از معرفت واجب و صفات و اسماء او است " الحکمة معرفة الوجود الواجب " ، در التعریفات جرجانی ۳۵ : الحکمة : علم يبحث فيه عن حقائق الاشياء علی

ص ۳۶

ما هی علیه فی الوجود بقدر الطاقة البشرية فهی علم نظری غیر آلی - الحکمة الالهية : علم يبحث فيه عن احوال الموجودات الخارجية المجردة عن المادة التي لا بقدرتنا واختیارنا و قيل هی العلم بحقائق الاشياء علی ما هی علیه .
ب : ریشه و مآخذ " حکمت " : در معارف و کتب یهود لفظ " حکمت " بکار رفته است و تلفظ آن (hokmah) و در امثال سلیمان نبی بکثرت بکار رفته است مانند باب اول شماره ۱ و ۲ ، باب پنجم شماره ۱ : " ای پسر من بحکمت من توجه نما ، و گوش خود را بفطانت من فراگیر " . محققین میگویند که لفظ حکمت یک لفظ عبری است و اینکه از سایر فرهنگها بعاریت گرفته شده و یا در معارف یهود اول بار آمده است مآخذ صحیحی در دسترس نیست . برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به :

The New Testament Background by C. K. Barrett. Harper San Francisco. 1995.

مأخذ لغت تحقیق دیگری که برای حصول اخذ معنی لغت و لفظ بکار برده شده در لوح کمک قابل ملاحظه خواهد نمود ، جستجو در یافتن ماخذ لفظ و لغت در لسانی است که لوح مبارک به آن نازل گردیده است .

تحقیق اول : قسمتی از یکی الواح مبارکه ، برای نمونه بررسی میگردد . در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۳۶ : " و بعد امر مبرم از سماء امر الهی شد که اهل سرادق عظمت و اهل حجابات قدرت و ملاء کروبین و حقایق صافین جنت خلد را بانوار جمال تزیین نمایند و بفرش سندس و استبرق قدسی فرش نمایند . " برای نمونه سعی بتحقیق معانی و ماخذ دو لغت سندس و استبرق که در بیانات مبارکه بکار برده شده است میگردد . این دو لغت نمونه از لغاتی است که در قرآن

کریم در سوره الانسان نازل گردیده است : ۷۶/۲۱ قوله تعالی : " عَلَیْهِمْ ثِیَابٌ سُندُسٍ خُضِرٌ **وَإِسْتَبْرَقٌ** " و در سوره الرحمن میفرمایند ۵۴/۵۵ قوله تعالی : " **مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرَشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ** " الف : در کتاب الاتقان فی علوم القرآن تألیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی از

ص ۳۷

علمای معتبر اهل سنت در قرن نهم هجری ، در فصل سی و هشتم ، لغاتی را که در قرآن به لغت غیر عرب استعمال گردیده جمع آوری و تحقیق نموده ، نغانی و ماخذ این دو لغت باین شرح است ۲۷ :

استبرق : ابن ابی حاتم از ضحاک آورده که در لغت عجم دیبای ضخیم است . سندس : جوالیقی گفته : به فارسی دیبای نازک را گویند ، و لیث گفته : اهل لغت و مفسرین اختلاف ندارند در اینکه مُعرب است ، و شیدله گوید این واژه هندی است .

ب : شرح مبسوطی در معانی و تحقیق ماخذ این دو لغت در لغت نامه دهخدا نوشته شده است و قسمتهائی از آن به این شرح است :

الاستبرق ۳۸ : غلیظ الدیاج ، فارسی معرب - استبرق یا استبرک از درختان کائوچوکی ایران است و در نقاط گرمسیر و سواحل جنوبی ... دیده شده است . درختچه با بوته ای است که بارتفاع پنج گز میرسد . گویند با این گیاه در دوره هخامنشی دیبای شوشتری میکرده اند ، یعنی جامه استبرق .

سندس ۲۹ : سندس کلمه یونانی است . دیبا . قسمتی از دیبای بیش قیمت بغایت

رقیق و باریک و لطیف و نازک که بیشتر لباس بهشتیان از آن باشد . خلاف استبرق که دیبای سترست .

ج : برای تحقیق در سایر لغات مشابه میتوان به کتاب المغرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم ، تالیف منصور جوالمیقی مراجعه نمود .
(۷) تحقیق معنی لغت در کتب تفسیر و معارف اسلامی : روش دیگری از تحقیق ، مراجعه به کتب تفسیر و رسالات ، شروع و مباحث کلامی در معارف اسلامی است .
علمای تفسیر و علوم قرآن بر مبنای اعتقادات مذهبی و کلامی ، تفاسیر و شروح و لغتنامه های بسیاری نوشته اند . این نوع مراجع تا آنجا که مابینت با اصول و

ص ۳۸

مبادی و معتقدات امر بهائی و نیز تناقضی با تاویلات موجوده در آثار قلم اعلی و الواح تبیینی در معارف امر بهائی نداشته باشند به تزئید نعلومات و آگاهی محقق کمک خواهد نمود . ولی همواره باید در نظر داشت که بر اساس نصوص مبارکه و یادداشت شماره ۱۲۰ کتاب مستطاب اقدس دارای هیچگونه سندیتی نخواهند بود .

شناخت کلمه و لغت با مراجعه به سایر الواح مبارکه

روش دیگری در تحقیق معانی لغات و الفاظ ، مراجعه به آثار قلم اعلی و الواح حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله است . در این روش . در زیارت سایر الواح مشاهده شده است که تکرار یک لغت و یا لفظ در مواضع دیگر شامل شرح مسئله و مطلب از قلم مبارک و قلم تبیین بوده و معنی آن لغت و یا لفظ در آثار تبیینی معنی اصلی خواهد بود و مقصد از بکار بردن آن در الواح مبارکه مستفاد میگردد . و این سعی و نتیجه حاصل شده برای اهل بهاء سندیت قاطع و بلا شبهه دارد .

در آثار مبارکه بکثرت این قبیل الفاظ نازل گردیده است که به دو نمونه از آنها اشاره میگردد .

نمونه اول : صبغ ، صباغ ، صبغة ، صبغة الله : ابتدا بمعانی هریک اشاره میگردد . صبغ در لغت بمعنی رنگ و رنگ کردن و تعمید دادن است (فرهنگ معین) . و صباغ بمعنی رنگ ساز و رنگرز (صیغه مبالغه از صبغ در لغتنامه دهخدا ثبت شده است) . و صبغة ، بمعنی ماده ای که با آن چیزی را رنگ کنند ، رنگ ، دین و ملت

(فرهنگ معین) و صبغة الله در لغت نامه دهخدا بمعانی ملت و دین محمدی، دین، نام یکی از متصوفه و غیره.

در الواح مبارکه الفاظ و کلمات (۱): "یوم الصبغ" و "صبغ الله" (لوح الاحباب) و (۲) "صبغ الله" و "صبغ هوی" (لوح سلمان) و (۳): "صبّاغ من فی

ص ۳۹

الامکان «و صبغ الهی» (لوحی با عنوان ای عبدالله سباق میدان معانی) در متن الواح مبارکه نازل شده است. معانی و مقاصد از این قبیل الفاظ بکار رفته با توجه و دقت در متن الواح اینگونه بنظر میرسد که با معانی لغوی آن قرن داشته و قلم مبارک خود در متن الواح مقصود از آنرا بنحوی بارز و روشن بیان فرموده‌اند. نمونه های (۱) و (۲) را در این قسمت درج نموده و نمونه سوم در روش شانزدهم

تحقیق شده است. (۱) در لوح الاحباب قلم اعلیٰ میفرماید ۴۰: "ان یا قلم الوحی ذکر الصّبّاغ قل اتی یوم الصبغ طوبی لمن تصبغ بصبغ الله انه انقطاعه عما سویه کذلک حکم القلم الاعلیٰ من لدن ربّک العزیز الحکیم صبغ العباد باسم مالک الایجاد کذلک أمرت من لدن ربّک العزیز الحمید".

(۲) در قسمت‌هایی از لوح سلمان در شرح مثنوی مولوی: چونکه بیرنگی اسیر رنگ شد * موسی با موسی در جنگ شد * مقصود از رنگ را بیان میفرمایند قوله الاعلیٰ ۴۱: "ملاحظه در فرعون زمان کن که اگر غنا و قدرت ظاهره نبود ابدا بمحاربه با جمال احدیه قیام نمی نمود * چه که در فقدان اسباب عاجز بوده و خواهد بود و کفر در او مستور * پس خوشا حال نفوسیکه اسیر رنگ دنیا و ما خلق فیها نشده اند و بصبغ الله فائز گشته اند یعنی برنگ حق در این ظهور بدیع در آمده اند * و آن تقدیس از جمیع رنگهای مختلفه دنیا است و جز منقطعین بر این رنگ عارف نه چنانچه الیوم اهل بها که بر سفینه بقا راکنند و بر قلزم کبریا سائریک دیگر را میشناسند و دون این اصحاب احدی مطلع نه * و اگر عارف هم شوند همان مقدار که اعمی از شمس ادراک مینماید * " و در ادامه لوح میفرمایند: "ای سلمان * ملاحظه در امرالله نما که یک کلمه از لسان مظهر احدیه ظاهر میشود و آن کلمه در نفس خود واحد بوده و از منبع واحد ظاهر شده ولکن بعد اشراق شمس کلمه از افق فم الله بر

عباد در هر نفسی علی ما هو علیه ظاهر میشود * مثلاً

ص ۴۰

در یکی اعراض و در یکی اقبال * و هم چنین حبّ و بغض و امثال آن * و بعد این محب و مبغض بمحاربه و معارضه قیام مینمایند و هر دو را رنگ اخذ نموده چه که قبل از ظهور کلمه با یکدیگر دوست و متحد بوده اند و بعد از اشراق شمس کلمه مقبل به لون الله مزین شده * و معرض بلون نفس و هوی * و اشراق همین کلمه الهیه در نفس مقبل بلون اقبال ظاهر شده و در نفس معرض بلون اعراض مع آنکه اصل اشراق مقدّس از الوان بوده * در شمس ملاحظه نما که بیک تجلی در مرایا و زجاجات تجلی مینماید و لکن در هر زجاج بلون او در او جلوه مینماید * چنانچه مشهود است و جمیع دیده اید * باری سبب جدال معرض و مقبل لون و رنگ شده و لکن مابین این دو رنگ فرقی است لایحصى * این بصیغ الله ظاهر شده * و آن بصیغ هوی * و صیغ مومن مقبل مجاهد صیغ رحمن بوده * و صیغ معرض منافق صیغ شیطان * آن رنگ سبب و علت تطهیر نفوس است از رنگ ما سوی الله * و این علت آرایش نفوس است برنگهای مختلفه نفس و هوی * .

تحقیق و تحلیل بیانات مهیمه در لوح الاحباب وجوه خبریه و امریه دارد . از ظاهر بیان اینطور فهمیده میشود که مقصود از " ذکر الصّباغ " خطاب به خود شانسست ، و " يوم الصبغ " يوم ظهور مبارک ، و " صبغ العباد " بیان امریه و نیز خطاب به خود است . چنانچه در خاتمه این فقره از متن لوح میفرمایند : قوله العزیز : " کذلک امرت من لدن ربک العزیز الحمید " . مقصود اینست که با استعانت و مراجعه بسایر الواح مبارکه معنی و مقصود از این قبیل الفاظ بدون اینکه احتیاج به تعبیر و استنباط لازم شود حاصل میگردد . بیانات مبارکه در لوح سلمان ، و معنی ظاهری لغوی " صبغ " در لغتنامه ها ، و شرح به تفصیل معانی صبغ و صباغ در لوح مذکور ، و نیز لوح دیگری که در روش شانزدهم در این مورد آورده شده معانی اصلی و دقیق این قبیل الفاظ و عبارات برای احبّای الهی بیان شده است .

ص ۴۱

نمونه دوم : نصرت - در لغتنامه ها به معانی : یاری کردن ، یاری ، پیروزی ، معاونت و حمایت آمده است . و نیز در متون ادبی و متون ادب فارسی به نوعی

از حمایت از دین که توأم با حمله پیروزی است آمده است بعنوان مثال در لغتنامه دهخدا نوشته شده ۴۲ : " از سر صدق و یقین و برای نصرت دین حمله کردند ... در نصرت دین جان برکف دست نهاده " . بنظر میرسد برای تمیز در میان معانی نصرت که در الواح مبارکه بکثرت نازل گردیده ، و نیز برای اینکه از لفظ نصرت تعبیر به فتح بوسیله جدال و منازعه نشود قلم اعلی در الواح بسیاری مقصود از بکار بردن نصرت در بیانات الهی را بیان و تشریح فرموده اند . در لوحی میفرمایند قوله الاعلی ۴۳ : نصرتیکه در کتب و صحف و الواح این مظلوم مسطور بحکمت و بیان بوده و همچنین باعمال و اخلاق لعمرالله اقوی جنود عالم اخلاق مرضیه و اعمال طیبه بوده و هست و سیف تقوی احد از سیف حدید است لوکتتم تعلمون " . و در مناجاتی نازل قوله العزیز ۴۴ : " توئی آن مقتدری که بحرکت قلم امر مبرمت را نصرت فرمودی " .

نمونه سوم : قُل : یک معنی قُل بگو است مانند این آیه شریفه در قرآن در سوره مائده آیه ۵/۶۸ " قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ " - در یکی از الواح مبارکه معنی و مقصود دیگری از آنرا بیان فرموده اند قوله الاعلی ۴۵ : " در اول این آیه قل مقدر است که چنین میشود قل لوکان القدیم هو المختار الی آخر و چون از بیان رحمن معنی قل مفهوم میشود لذا ذکر نشد و این مقام ظهور کمال فصاحتست " .

نمونه چهارم : حجاب : مقصود از حجاب : در لوحی در معنی حجاب میفرمایند قوله تعالی ۴۶ : " ابصار عالم و آذان امم از برای مشاهده و اصغای این ایام خلق شده ولکن اکثریرا حجاب از مشاهده و اصغاء منع کرده ، و این حجاب حجاب اکبر است و مقصود علمای ارض " .

ص ۴۲

نمونه هائی از الفاظ و لغاتی که در آثار مبارکه استعمال گردیده و در کتاب الاتقان ماخذ و معانی آنها توضیح داده شده و نیز تناقضی با مقصود و مفاهیم آثار مبارکه در آن مشاهده نشده عبارتند از ۳۷ :

جهنم : گویند : عجمی است ، و بقولی فارسی و عبری و اصل آن : " گهنام " میباشد .
دُری : به زبان حبشه یعنی درخشنده . مانند " کوکب دُری میثاق " در الواح حضرت ولی امرالله.
الرحمن : عبرانی و اصلش با خاء میباشد .

سُرادق : فارسی معرب است که اصل آن سرادر یعنی دهلیز میباشد . و دیگری گفته :
حقیقت این است که این کلمه فارسی و اصل آن سَرِ دَار یعنی : پرده منزل است
(و در بعضی از چاپها اصل آن سراپرده ذکر شده که شاید بحقیقت نزدیکتر باشد) .
شطر : به زبان حبشه یعنی روبروی .

غِیْض : به زبان حبشه یعنی کاسته شده . مانند بیان مبارك در کتاب عهدی و کتاب مستطاب اقدس . قوله
العزیز : "اذا غیض بحر الصوال و قضی کتاب ..."
فردوس : فردوس به زبان رومی باغ است ... به زبان نبطی درخت انگور است و اصل
آن " فرداسا " میباشد .

قِسْطاس : به زبان رومی عدالت است . قسطاس به زبان رومی ترازو است .
کافور : این کلمه فارسی معرب است - و در لغتنامه دهخدا نوشته شده ۴۷ :
(جمع کوافیر . گیاهی است خوشبوی که گلش مانند گل اقحوان باشد . به هندی
او را کبود گویند و آن صمغ درختی است که منبت او بیشتر جزائر و سواحل
باشد . و او در میان جرم درخت منعقد شود و در بعضی مواضع از درخت بیرون

ص ۴۳

آید . در لوحی از حضرت بهاء الله است قوله الاعلیٰ ۴۸ : " مِنْ اَنْهَارِ کَافُورِ
صَمْدِیْتِکَ فَاشْرِیْنِیْ یَا اَلْهَی " . و در کتاب مستطاب بیان فارسی نیز استعمال
گردیده است .

مشکاة : به لغت حبشه روزنه است - و در قرآن کریم بمعنی چراغدان است .
وراء : (لغتنامه دهخدا) ۴۹ : به زبان نبطی به معنی پیش است . (زبان قوم نبط
قومی که در بطایح میان عراق عرب و عراق عجم ، یا به سواد عراق ساکن بوده اند
و اینان مردمی غیر عرب بوده اند که عربیت گزیده اند .

ص ۴۴

مراجع و مآخذ تحقیق در لغات و الفاظ که میتواند سودمند واقع شود

کتاب تفسیر و علوم قرآن

۱ - الاتقان فی علوم القرآن : تالیف عبدالرحمن سیوطی : ترجمه سید مهدی حائری

قزوینی .

- ۲ - تفاسیر قرآن مانند : تفسیر بیضاوی ، جواهر الاسرار ، روح المعانی ، روح البیان ، کشاف ، تفسیر طبری .
- ۳ - المفردات فی غریب القرآن : تالیف راغب اصفهانی .
- ۴ - تفسیر غرائب القرآن و رعایب الفرقان : تالیف نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری .
- ۵ - وجوه قرآن : تالیف حبیبش تفلوسی ، بکوشش دکتر مهدی محقق .
- ۶ - لسان التنزیل : نوشته شده در قرن ۴ یا ۵ هجری باهتمام دکتر مهدی محقق .
- ۷ - اللغة فی القرآن الکریم : لجنه من اللغویین . چاپ بیروت .
- ۸ - البیان فی غریب القرآن : تالیف : ابوالبرکات بن الانباری .
- فرهنگ نامه ها و لغتنامه ها
- ۹ - کشاف اصطلاحات فنون : تالیف محمد اعلی بن علی تهانوی .
- ۱۰ - القاموس المحيط : تالیف مجدالدین محمد یعقوب فیروز آبادی .
- ۱۱ - آداب اللغة العربیّه و تاریخها : تالیف محمد محمدی ، انتشارات دانشگاه طهران
- ۱۲ - لغت فرس : تالیف ابو منصور احمد بن علی اسدی طوسی - بتصحیح فتح الله مجتبائی - علی اشرف صادقی

ص ۴۵

- ۱۳ - برهان قاطع .
- ۱۴ - لغت نامه دهخدا : تالیف علامه دهخدا .
- ۱۵ - فرهنگ معین : تالیف دکتر محمد معین .
- ۱۶ - التعریفات : سید علی بن محمد جرجانی .
- ۱۷ - لسان العرب : ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور الافریقی المصری
- ۱۸ - المعرّب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم ، تالیف لابی منصور الجوالیقی .
- ۱۹ - المعجم الوسیط .
- کتب منطق و فلسفه
- ۲۰ - منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقیقی) : باهتمام مهدی محقق و توشی هیکوایزوتسو : انتشارات دانشگاه طهران و دانشگاه مک نیل کانادا

- ۲۱ - شرح غررالفرائد (شرح منظومه حکمت حاج ملا هادی سبزواری . امور عامه و الهیات در دو جلد (قسمت اصطلاحات و تعبيرات) : باهتمام مهدی نحقق و توشی هیکو ایزوتسو : انتشارات دانشگاه طهران و دانشگاه مک نیل کانادا .
- ۲۲ - ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا (قسمت : تفسیر معانی لغات و بیان اصطلاحات فلسفی) ج ۱ و ۲ : نگارش : دکتر حسین ملکشاهی .
- ۲۳ - فرهنگ علوم عقلی : تالیف دکتر سید جعفر سجّادی .

ص ۴۶

کتب عرفان و تصوف

- ۲۴ - فرهنگ اصطلاحات و تعبيرات عرفانی : تالیف دکتر سید جعفر سجّادی .
- ۲۵ - شرح شطحیات (فصل ۵۴۵) : تالیف شیخ روزبهان بقلی شیرازی .
- ۲۶ - لوائح (قسمت فهرست لغات و اصطلاحات و معانی آنها) : تالیف عبدالرحمن جامی .
- ۲۷ - منطق الطیر شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ، قسمت تعلیمات و توضیحات باهتمام سید صادق گوهرین ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

ص ۴۷

مشخصات کتب و مأخذ

ردیف	نام کتاب و مولف
۱	اصول فقه ص ۸۰ - ۷۹ تالیف دکتر محمد علی فیض ،
۲	همان مأخذ ص ۸۳
۳	لغتنامه دهخدا ج ۴۰ ، ص ۵۳ .
۴	اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶۶ .
۵	رحیق مختوم ج ۲ ص ۵۰۳ الی ۵۰۵ .
۶	لوح اعمال حج بیت مکرم شیراز . رساله تسبیح و تهلیل ص ۷۰ .
۷	ایقان صفحات ۱۸ و ۴۲ .
۸	لغتنامه دهخدا ج ۲۷ ص ۲۶۳ .
۹	مجموعه الواح مبارکه ص ۳۴۳ . چاپ مصر .

۱۰	ایقان ص ۹ - ۸ .
۱۱	لثالی حکمت ج ۲ ص ۱۸ - ۱۷ .
۱۲	مجموعه الواح مبارکه ص ۷۲ ۰ چاپ مصر .
۱۳	ایقان ص ۱۸ .
۱۴	مجموعه الواح مبارکه ص ۳۱۹ . چاپ مصر .
۱۵	ایقان ص ۱۴۷ .
۱۶	اسرار الآثار جلد ۴ ص ۱۹۱ . تالیف فاضل مازندرانی .
۱۷	رحیق مختوم جلد ۲ ص ۱۰ .
۱۸	ایقان ص ۱۵۲ الی ۱۵۴ .
۱۹	لغتنامه دهخدا ج ۴ ص ۹۴ .
۲۰	لثالی حکمت ج ۳ ص ۲۳ .

ص ۴۸

۲۱	ایقان ص ۱۶ .
۲۲	مائده آسمانی ج ۴ ص ۴۴۵ - ۴۴۴ .
۲۳	ایام تسعه ص ۳۶۱ .
۲۴	مجموعه الواح مبارکه ص ۱۵۳ . چاپ مصر .
۲۵	۱ . ق . ۱ . ج ۴ ص ۳۹۸ .
۲۶	ادعیه محبوب ص ۳۸۳ .
۲۷	لوح حکمت ، مجموعه الواح مبارکه ص ۴۴ . چاپ مصر .
۲۸	مجموعه الواح مبارکه ص ۲۴۷ . چاپ مصر .
۲۹	ایام تسعه فصل پنجم مطلب دوم ص ۲۵۱ .
۳۰	مُسْنَد ج ۴ حدیث ۱۳۱۲۰ ص ۱۲۶ ، تالیف امام احمد بن حنبل .
۳۱	فرهنگ معین ج ۴ ص ۴۳۶۲ .
۳۲	التعریفات ص ۱۰۱ .
۳۳	ادعیه محبوب ص ۴۰۹ .
۳۴	ایام تسعه ص ۳۲۸ .
۳۵	التعریفات جرجانی ص ۴۱ .

- ۳۶ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۳ . چاپ مصر .
 ۳۷ الاتقان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۴۷۵ و ۴۷۹ .
 ۳۸ لغتنامه . دهخدا ج ۶ ص ۲۱۲۰ .
 ۳۹ لغتنامه دهخدا ج ۲۶ ص ۶۶۰ .
 ۴۰ ا. ق. ا. ج ۱ ص ۱۰۶ .
 ۴۱ مجموعه الواح مبارکه ص ۱۴۸ الی ۱۵۱ . چاپ مصر .
 ۴۲ لغتنامه دهخدا ج ۴۴ ص ۵۵۲ .

ص ۴۹

- ۴۳ اشراقات مجموعه الواح مبارکه . ص ۳۱ .
 ۴۴ ادعیه محبوب ص ۲۵۷ .
 ۴۵ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۳۲۷ .
 ۴۶ لئالی حکمت ج ۳ ، لوح ۱۹۲ ص ۳۲۹ .
 ۴۷ لغتنامه دهخدا ج ۳۵ ص ۳۲۵ .
 ۴۸ لئالی حکمت ج ۱ ص ۵ .
 ۴۹ لغتنامه دهخدا ج ۴۳ ص ۳۱۸ .

ص ۵۰

روش سوم شناخت و انواع بیان

ص ۵۱

شناخت و انواع بیان

مقصود از " بیان " در این روش ، نص مبارک در لوح و یا قسمتهائی از لوح است که مطلب یا موضوعی در آن قسمت نازل شده است . در تحقیق مقدماتی ، پیشنهادات طبقه بندی و انواع " بیان " باین شرح است :

نوع اول : اوامر و نواهی : این نوع از بیانات مبارکه در روش دهم تحقیق شده

است .

نوع دوم : در اعلان مظهریت و ربوبیت و اثبات آن : بنظر میرسد که بیانات مبارکه در اثبات ظهور به چهار وجه نازل شده است :

وجه اول : در اعلان رسمی و اظهار حقایق عالیه و ثمینه و جواهر اسرار الهی که با اعلان ظهور به عالم انسانی عنایت شده است . دو نمونه از این قبیل بیانات به این شرح است :

نمونه اول ۱ : " میقات امم منقضى شد و وعده های الهی که در کتب مقدسه مذکور است جمیع ظاهر گشت * و شریعة الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم بتجلیات انوار رب مزین * طوبی لمن تفکر فیما نزل فی کتب الله المهیمن القیوم * .
نمونه دوم ۲ : " لو انتم فی اسرار الظهور تتفکرون " .

وجه دوم : نقل آیه و یا آیاتی از کتب مقدسه قبل که اهل عالم را تشویق به تفکر میفرمایند تا به اهمیت و منزلت امر الهی آشنا شوند .

نمونه اول ۳ " ای دوستان الهی تفکر نمائید و با آذان واعیه اصغای کلمة الله کنید تا از فضل و رحمت او از زلال استقامت بیاشامید و بر امر الله مثل جبل راسخ و ثابت باشید * در کتاب اشعیا میفرماید * (ادخل الى الصخرة و اختبئ في التراب من امام هیبة الرب و من بهاء عظمته) * اگر نفسی در این آیه تفکر نماید بر عظمت امر و جلالت قدر يوم الله مطلع میشود * و در آخر آیه مذکوره میفرماید * (و یسمو الرب وحده فی ذلک

ص ۵۲

الیوم) * امروز روزی است که ذکرش در کل کتب از قلم امر ذکر گشته * " .
وجه سوم : در استدلال به حقانیت ظهور و دعوت جدید .

در آثار بسیاری در اثبات امر و حقانیت ظهور حضرت اعلی و نیز ظهور نیر اعظم و مبارک خودشان الواح مهیمنی که در نحوه استدلال و احتجاج بروشهای نقلی و عقلی از صلابت و استحکام بيمثیلی برخوردار است نازل گردیده که در نوع چهارم در آن تحقیقی باختصار شده است .

وجه چهارم : در اینکه در يوم ظهور حق باراده خود ظاهر میشود نه باراده ناس :
در لوحی در اینکه ظهور مظاهر الهیه بروش و نوعی است که با آنچه که ناس بر آن

طریق انتظار موعود الهی را دارند بکلی مغایرت دارد . و این سبب میشود که مظهر جدید را انکار کنند . اصل بیان مبارک اینست قوله جل بیانه ۴ : " تفکر فرمائید که سبب چه بوده که در ازمنه ظهور مظاهر رحمن اهل امکان دوری میجستند و بر اعراض و اعتراض قیام مینمودند * اگر ناس در این فقره که از قلم امر جاری شده تفکر نمایند جمیع بشریعه باقیه الهیه بشتابند و شهادت دهند بر آنچه او شهادت داده ولکن حجات اوهام انامرا در ایام ظهور مظاهر احدیه و مطلع عز صمدانیه منع نموده و مینمایند چه که در آن ایام حق بانچه خود اراده فرموده ظاهر میشود نه باراده ناس " .

نوع سوم : در ذکر عبودیت

بیانات مبارکه در ذکر عبودیت ، توأم با الفاظ و عباراتی است که ارتباط مقام عالی و مرتبه بشریت را واضح و صریح نشان میدهد . ذکر عبودیت و رقیّت و بندگی در مقابل خدای خالق از جانب بنده مخلوق در آثار و ادعیه مبارکه موجود است که در نوع هفتم در مبحث الوهیت به آن اشاره گردیده است . الفاظی که در آنها به وضوح این قبیل بیانات مبارکه شناسائی میشود عبارتند از : (۱) " اسئلک " . (۲) " از تو سؤال مینمایم "

ص ۵۳

(۳) " اشهد " . (۴) " شهادت میدهم که " . (۵) " بیاناتی که با شکر به درگاه الهی آغاز میشود مانند : " بچه لسان ترا شکر نمایم " و نظایر آن بلسان عربی در متن ادعیه مبارکه " و بكلِّ فَمٍ اشکرك " (۶) " الها " و " الهی الهی " . و امثال آن به کثرت در ادعیه مبارکه درج گردیده است .

نمونه هائی از این قبیل از بیانات الهیه در اظهار عبودیت و بندگی مظهر الهی در مقابل ذات اقدس الهی که در الواح و ادعیه مبارکه بکثرت نازل شده عبارتند از : نمونه اوّل : در لوح اشراقات میفرمایند قوله جلّ بیانه : " ای رب انا الذی شهد قلبی و کبدی و جوارحی و لسان ظاهری و باطنی بوحدانیتک و فردانیتک و بانک انت الله لا اله الا انت قد خلقت الخلق لعرفانک " .

نمونه دوّم : در لوح سلطان ایران خطاب به ناصرالدین شاه میفرمایند قوله جل بیانه ۵ : " يا مَلِكِ الْأَرْضِ اسْمَعْ نِدَاءَ هَذَا الْمَمْلُوكِ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَفَدَيْتُ نَفْسِي فِي سَبِيلِهِ " .

نوع چهارم : در مراتب و مقام شهدای امر در لوح رضوان العدل در باره مقام

و منزلت شهدای امر میفرمایند قوله الاعلیٰ ۶ : " و الذین هم اشد شهدوا فی سبیل الله فی هذه الایام اولئک من اعلی الخلق و كانوا ان یذکروا الله جهره بحیث ما منعتهم کثرة الاعداء عن ذکر الله بارئهم الی ان استشهدوا و كانوا من الفائزین و فی حین ارتقاء ارواحهم استقبلهم قبائل ملاء الاعلیٰ کلها برایات الامر کذلک قضی الامر بالحق من لدن مقتدر حکیم " .

نوع پنجم : در ذکر ادیان ، مذاهب ، تاریخ و رسوم اقوام ، وقایع و شرح احوال مردمان در دوره حیات مبارک

وجه اول : تاریخ ادیان و ذکر انبیای قبل و تاریخ قواعد و تحریر و غیره . در لوحی میفرمایند ۷ : " و اینکه سؤال شده بود که چگونه ذکر انبیای قبل از آدم ابوالبشر و

ص ۵۴

سلاطین آن ازمنه در کتب تواریخ نیست عدم ذکر دلیل بر عدم وجود نبوده و نیست نظر بطول مدت و انقلابات ارض باقی نمانده و از این گذشته قبل از آدم ابوالبشر قواعد تحریر و رسمیکه حال مابین ناس است نبوده و وقتی بود که اصلاً رسم تحریر نبود قسم دیگر معمول بوده " .

وجه دوم : در بیان زوال کاخ های تاریخی : در لوح قناع مخاطب لوح حاجی محمد کریم خان کرمانی از روسای شیخیه ، معاند و خصم لدود امر در ابتدای ظهور را متذکر به بیوفائی دنیا فرموده و تاریخ دو قصر خورنق و سدیر را به او یاد آوری میفرمایند که کجا است بنای خورنق و سدیر ؟ . این فقره از لوح مبارک اینست قوله جل بیانه ۸ : " بشنو نصح این مسجون را و بازوی یقین سد محکم متین بنا کن شاید از یاجوج نفس و هوی محفوظ مانی و بعنایت خضر ایام بکثر بقا فائز شوی و بمنظر اکبر توجه نمائی * دنیا را بقائی نه و طالبان آنرا وفائی مشهود نه لا تطمئن من الدنيا فکر فی تغییرها و انقلابها * این من بنی الخورنق و السدیر * " .
(برای تفصیل بیشتر مراجعه فرمائید به کتاب حبیب السیر تألیف خواند امیر ، جلد اول صفحه ۲۳۳ و کتاب محاضرات تألیف فاضل جلیل القدر اشراق خاوری و روضة الصفا تألیف میر خواند ، جلد اول) .

وجه سوم : در بیان احوال ، آداب و معتقدات مذهبی مردم ایران در عصر رسولی :
نمونه اول ، در کلمات فردوسی میفرمایند قوله عز بیانه : " اهل ایران اکثری بکذب

و ظنون تربیت شده اند کجاست مقام آن نفوس و مقام رجالیکه از خلیج اسما گذشته اند و بر شاطی بحر تقدیس حرگاه افراشته اند باری نفوس موجوده لایق اصغاء تغردات حمامات فردوس اعلی نبوده و نیستند . "

نمونه دوم ، در لوح العالم در ذکر تدنی و هبوط روحانی امت اسلام در موطن جمال قدم ، میفرمایند قوله جل بیانه : " آیا چه شده که اهل ایران مع اسبقیتشان در علوم و

ص ۵۵

فنون حال پستتر از احزاب عالم مشاهده میشوند . "

منابع مطالعه و تحقیق در مسائل اجتماعی ، اخلاقی و مذهبی اهل ایران و علمای اسلام در عصر رسولی

۱۰ مولفین ایرانی : مورخین و نویسندگانی که در دوره عصر رسولی به تالیف کتب تاریخی و نقل وقایع قرن نوزدهم میلادی (قرن سیزدهم هجری) پرداختند ، تالیفاتی است که عموماً توسط مورخینی که وقایع نگاران رسمی دولتی بوده که تدوین تاریخ و ذکر وقایع آن دوره و تاریخ نویسی وسیله رزق معاش آنان بوده است . وقایع را آنگونه بتحریر آورده اند که مُراد حکومتیان و علمای وقت بوده و بدیهی است که اینگونه تالیفات عاری از حقایق و وقایع تاریخی است . دو علت و سبب دیگر نیز به بی ارزشی و عدم اعتبار اینگونه کتب افزوده است ، وجود حکومتهای مستبد و دیگری بخصوص اعتقادات مذهبی که هر یک از آن در قلب وقایع تاریخی کمک شایانی به بی اعتباری اینگونه تالیفات نموده است . اینگونه کتب از نظر جوامع تحقیقی محل اعتبار نیستند و بسیاری از وقایع و تحریراتشان فاقد صحت و ارزش تاریخی است ، و به چند نمونه از آن اشاره خواهد شد . کتب بعضی از مولفین ایرانی که شرح حوادث ، وقایع و مسائل اجتماعی را کم و یا باغراق برشته تحریر در آورده اند و توسط بعضی از مستشرقین اروپائی نیز مورد استفاده قرار گرفته عبارتند از :

۱) ناسخ التواریخ : تالیف میرزا محمد تقی سپهر ملقب بلسان الملک مجلدات ۱، ۲، ۳ و ۴ . مطالب آن در ذکر وقایع دوره سلاطین قاجاریه و بالخص ذکر وقایع امر مبارک و علل آن بی نهایت مخدوش و عاری از حقیقت است . در ذکر وقایع امر مبارک هیچگونه اشاره به خصومت و عناد علمای وقت نسبت بامر مبارک ننموده و این را علت سه چیز

است که بدان اشاره رفت : اول اعتقاد مذهبی مورخ بدین اسلام که او را از نقل حقایق

ص ۵۶

باز میداشت ، دوم مقبول قرار گرفتن تاریخ و مندرجات آن از نظر و خاطر سلطان ۹ و روسای حکومت و علمای اسلام که در مورد اخیر میتوان گفت که مورخ در صورت نقل حقایق مواجه با از دست دادن شغل و نیز مورد تکفیر و فتوای روسای مذهبی و صاحبان اجتهاد قرار میگرفت . و علت سوم عدم آگاهی به حقایق و علل وقایع و حوادث وقت و نیز تحقیق کامل در حقانیت امر جدید .

نظر و قضاوت امر در باره مندرجات ناسخ التواریخ نسبت بدیانت بابی و بهائی : در

لوحی نسبت به جعلیات و قلب حقایق مندرجه در این تاریخ میفرمایند قوله الاعلی ۱۰ : " و صاحب ناسخ التواریخ در باره حضرت اعلی نوشته آنچه را که هیچ زندیقی ننوشته از حق میطلبم عباد را موید فرماید تا بعدل و انصاف در آثار و ما ظهر عنده ملاحظه و تقرّس نمایند " .

۲) روضة الصفای ناصری جلد ۱۰ : تالیف رضاقلی خان هدایت (شش جلد اول تالیف میرخواند و جلد هفتم تالیف خواند میر در قرن نهم ه . ق . و رضاقلی خان هدایت جلد هشتم و نهم و دهم را در قرن سیزدهم ه . ق . نوشته است) این تالیف نیز ، در ذکر وقایع و شرح احوال مردم ایران ، بهمان روش مغرضانه مولف ناسخ التواریخ نگاشته شده و جعلیات و اکاذیب فراوان در آن در ارتباط وقایع و حوادث امر مبارک وجود دارد که مغیر با حوادث و تاریخ امر بهائی است . ذکر وقایع و نگارش حوادث ، عاری از استنادات تاریخی است و در هیچ موردی ، مولف نامی از مراجع اصلی وقایع که بالطبع منابع ذکر حوادث از میان مومنین و خانواده شهدای امر و بابیان در دوره صدر امر نیز بوده اند بمیان نیاورده است . مندرجات تاریخ وی در ارتباط با وقایع امر مخدوش و مغرضانه و مطامح مولف انحصارا جلب رضایت و ستایش طبقات روحانیون و امراء و حکام وقت بوده و فاقد تجزیه و تحلیل و علل درونی وقایع بروشهای علمی و متداول در نزد مورخین گذشته و حال است .

ص ۵۷

۳) قصص العلماء : تالیف میرزا محمد تنکابنی

این اثر در تاریخ علمای اسلام نوشته شده و قسمت کوتاهی را به تاریخ علمای شیخیه و حضرت باب اختصاص داده است . مندرجات آن قسمتی نقل جعلیات و افکیات سایر مورخین و آنچه مؤلف به آن افزوده نیز درج اکاذیب بوده و عاری از حقیقت و مغایر مندرجات تاریخ نبیل و مقاله شخصی سیاح و گادپاسز بای است و دارای هیچگونه سند و مدرک قریب به واقعیتهای تاریخی نیست .

۲، مولفین غربی : تعدادی از کتبی که نویسندگان اروپائی اقدام به درج وقایع تاریخی و اجتماعی ایران بخصوص وقایع قرن نوزدهم و شرح احوال و آداب و سنن ایرانیان را نموده اند در آن اشاراتی به وقایع صدر امرالله نیز گردیده است - حضرت ولی امرالله جل سلطانیه در ترجمه تاریخ نبیل بزبان انگلیسی نیز بعنوان مراجع تاریخی در تاریخ نبیل از آنها نام برده اند اشاره میگرد . از گروه مولفینی که دارای مشاغل سیاسی و روزنامه نگاری بوده و در طول مدت اقامت در ایران ، ملاحظات ، مشاهدات و تجربیاتشان را برشته تحریر در آورده اند . از مشهور ترین آنان میتوان از مولفین ذیل و کتب آنها نام برد .

1) Persia and the Persian Question By the Hon George N . Curzon , M . P.

۱) هان جورج . ن . کورزن : مؤلف در مقدمه کتاب ماموریت روزنامه نگاری و تحقیقاتی خود را برای روزنامه تایمز لندن به دو مقصود باختصار شرح داده است . هدف اصلی ، تحقیق در اوضاع سیاسی ایران و حکومت ، و هدف جنبی را جمع آوری اطلاعات در امور کلی و اجتماعی ایران در آن دوره عنوان نموده است (سال ۱۸۸۹ میلادی بمدت شش ماه) . کورزن حاصل مطالعات خود را در دو جلد تنظیم نموده است ، مؤلف تجربیات و مشاهدات و مطالعات را ضمن سفر به ایالات و شهرهای ایران در باره مسائل ، مذهبی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و رجال سیاسی وقت برشته تحریر در آورده است .

ص ۵۸

این کتاب توسط شرکت Longman , Green and Co در لندن و نیویورک در سال ۱۸۹۲ به طبع رسید و در حال حاضر خارج از چاپ است . این کتاب در کتابخانه های دانشگاههای اروپا و امریکا و ایران برای مطالعه موجود است .
قسمتهائی از این تالیف که میتواند مورد استفاده و تحقیق قرار گیرد عبارت است از

: فصول ۱۲، ۱۴، ۱۵ از جلد اول، اختصاص به تشریح و تحلیل آداب و سنن ایرانیان، وضع حکومت، قوانین مدنی و قانون گذاران، ماموران دولتی، نفوذ مذهب، علماء اسلام، و ذکری در باره امر مبارک شده است که تا حدود قابل ملاحظه ای به تحقیق در شناخت مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی در دوره عصر رسولی کمک خواهد نمود.

General Sketch of the History of Persia By : Clements R markhan .

(۲) تاریخ عمومی ایران : تالیف کلمنت ر . مرکوم

نوع ششم : بیان در اصول و مبادی روحانی در امر بهائی
در مقدمه لازم است که مفهوم اصول (جمع اصل) و مبادی (جمع مبداء) برای تحقیق روشن باشد . سپس به آنچه از مسائلی که در آن از این قبیل آیات الهی نازل شده اشاره گردد .
تعریف : مبادی جمع مبداء مصدر میمی است از بدء ، بمعنی آغاز کردن و مقدم داشتن
۱۱ . و مبادی : اصلها و اساسها ۱۲ .

طبقه بندی بیانات مبارکه در مسائل اصول و مبادی روحانی : (۱) بیان در مسئله الوهیت و خداشناسی (۲) بیان در تعبد انسان در کسب معرفت مظاهر الهی (۳) بیان در ضرورت دین و لزوم ارسال وحی الهی و نبوت (۴) بیان در اینکه مظاهر الهی صاحب عصمت کبری / عصمت ذاتی (و نیز یفعل ما یشاء اند (۵) بیان در مقام و رسالت حضرت بهاء الله و حضرت رب اعلی و ارتباط دو ظهور اعظم (۶) بیان در وحدت

ص ۵۹

انبیای الهی و ادیان (۷) بیان در وحدت نوع بشر و صلح عمومی (۸) بیان در ترک تعصبات دینی، نژادی، ملی و سیاسی (۹) بیان در تساوی حقوق رجال و نساء (۱۰) بیان در تحرری حقیقت و ترک تقلید (۱۱) بیان در مجرد بودن نفس ناطقه و بقای آن (۱۲) بیان در عهد و میثاق (۱۳) بیان در مسئله جبر و اختیار و قضای الهی (۱۴) بیان در معنی آزادی و حد آزادی برای انسان (۱۵) بیان در وجود و بقای روح (۱۶) بیان در معانی و مقصد از جنت، نعیم و نار، قیامت و معاد .
اینک میپردازد به تحقیق چند نوع از این طبقه از آیات الهی :

بیان در مسئله الوهیت ، علت العلل عالم وجود ، خلقت و عوالم آفرینش

(الف) الوهیت : آیات و الواحی که در عرفان و طرق عرفان حضرت باریتعالی نازل شده مشتمل است در مسائل : حقیقت ذات الوهیت ، وحدانیت خداوند ، صفات و اسماء الهی و

شهادتهای در الواح و صلوات به یگانگی و فردانیت خداوند است . بطور کلی این قسم از آثار نازل را میتوان بشرح ذیل طبقه بندی نمود :

وحدانیت خدا : الواح نازل در این موضوع بکثرت در آثار موجود است . وحدانیت و فردانیت خدا در الواح مبارکه بصورتهای شهادت بوحدانیت خدا و نیز در متن مناجاتها و ادعیه نازل شده است . نمونه هائی از این قبیل بیانات مبارکه عبارتند از :

در مناجاتی میفرمایند قوله جل بیانه ۱۳ : " شهادت میدهم بوحدانیت و فردانیت تو و باینکه از برای توشبه و مثلی نبوده و نیست " .

و نیز در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه ۱۴ : " باسم دوست یکتا " ، " بنام یکتا خداوند مهربان " و " بنام خداوند یکتا " و " بنام یکتا خداوند بیهمتا " .

و نیز ادای شهادت در صلوات وسطی : " شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفَرْدَانِيَّتِكَ وَأَنَّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ " .

ص ۶۰

اسماء و صفات خدای متعال (اسماء الله – اسماء الحسنی)

در الواح مبارکه اسماء و صفات الهی بکثرت نازل گردیده ، و در آثار بسیاری نیز بیانات تشریحی نازل گردیده است . اسماء الله ، اشاره به " اسماء الحسنی " نازله در قرآن کریم سوره اعراف آیه ۷/۱۸۴ قوله تعالی : " وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا ، و در سوره طه آیه ۲۰/۸ قوله تعالی : " اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى " (ترجمه : خدا است نیست خدائی مگر او مراوراست نامهای نیکو) . و نیز در حدیث نبوی ۱۶ : " أَنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا " برای تفصیل مراجعه کنید به روش شانزدهم) است . چند نمونه از آثار مبارکه در اشاره به اسماء الحسنی به این شرح است : در لوح صیام میفرمایند ۱۷ : " أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَجَلَّيْتَ عَلَى كُلِّ الْأَشْيَاءِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى فِي هَذَا الظُّكْهُورِ الَّذِي أَظْهَرْتَ جَمَالَكَ بِاسْمِكَ الْأَبْهَى " .

در لوح دوم از دعاهاى صبح بعد از بیدار شدن میفرمایند ۱۸ : صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى مَنْ جَعَلْتَهُ قِيُومًا عَلَى أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى " .

صفات الهی در الواح مبارکه بیان در صفات الهی ، صفات ثبوتیه و سلبيه ، اشاره به اسماء الله است . صفات سلبيه اشاره به آیات قرآن کریم در معرفت خداوند است . مانند این آیه شریفه در سوره شوری (آیه ۹) قوله تعالی : لیس کمثله شیئی . در مناجاتها ، ادعیه

مبارکه و الواح بکثرت نازل شده است . در مناجاتی میفرمایند ۱۹ : " شهادت میدهم

بوحدانیت و فردانیت تو و باینکه از برای توشبه و مثلی نبوده و نیست " .
 صفات سلبيه که سلب نواقص از ذات باری است در آثار مبارکه بکثرت نازلشده است و
 باختصار عبارتند از : خداوند شریک ندارد ، خداوند مثل ندارد ، خداوند را جهتی
 نیست ، خداوند محتاج به غیر نیست ، خداوند دیده نمیشود .
 صفات ثبوتیه (جمالیه) در بیانات مبارکه عموماً و ادعیه و مناجاتهای قلم اعلی

ص ۶۱

خصوصاً و نیز در قرآن کریم نازل شده است . تعداد این اسماء بنا به حدیث نبوی
 نود و نه اسم و صفت است که با اسماء الله معروفند و تعدادی از آنها عبارتند از ۲۰ :
 قدرت ، علم ، حیات ، اراده ، ادراک ، قدیم ازلی ، متکلم ، صادق ، جواد ، ملک ،
 خیر محض ، حکیم ، جبار ، قهار ، قیوم ، بصیر ، غفور ، کریم ، رحیم ، غفار و نظایر آن .
 نمونه هائی از اسماء الحسنی و صفات خدا (سلبيه و ثبوتیه) در ادعیه محبوب اذکار
 المقربین و الواح مبارکه :

صفات ثبوتیه نمونه اول ۲۱ : " توئی مالک عطا و سلطان ملکوت بقا " . نمونه دوم ۲۲
 : " توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و دانا " . نمونه سوم ۲۳ : " انک انت
 المتعالی الغفور الرحیم " . نمونه پنجم ۲۵ : صفات ثبوتیه و سلبيه " انک انت
 المقتدر القوى الغالب العليم الحکیم لا اله الا انت العزيز الکريم " . نمونه ششم
 ، اشاره به اسماء الحسنی و صفات ثبوتیه و سلبيه ۲۶ : " ای رب انر ابصار قلوبهم
 بنور معرفتک و زین هیاکلهم بطراز اسمائك الحسنی فی ملکوت الانشاء انک انت
 المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزيز الحکیم " . نمونه هفتم ، صفت ثبوتیه
 و صفت سلبيه ۲۷ : " بسم الله الباقي بلا زوال " .

طرق حصول به عرفان و معرفت حق - توحید حقیقی الواح نازله در این مسئله
 بکثرت نازل شده و به دو نمونه از الواح قلم اعلی که جامع همه مسائل در الوهیت است
 اکتفا میگردد . نمونه اول : در لوح تجلیات است ، قوله تعالی : " تجلی اول که از
 آفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حق جل جلاله بوده و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر
 بمعرفت اسم اعظم " . تجلی دوم استقامت بر امر الله و حبه جل جلاله بوده و آن
 حاصل نشود مگر بمعرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر باقرار بکلمه یفعل ما
 یشاء هر نفسی به این کلمه علیا تمسک نمود و از کوثر بیان مودع در آن آشامید او

خود را مستقیم مشاهده نماید بشانیکه کتب عالم او را از ام الكتاب منع نکند .

ص ۶۲

اصل معنی توحید - جوهر توحید

نمونه دوم ، در لوحی میفرمایند قوله تعالی ۲۸ : " اصل معنی توحید اینست که حق وحده را مهیمن برکل و مجلی برمرایای موجودات مشاهده نمایند کلرا قائم باو و مستمد از او دانید اینست معنی توحید و مقصود از آن ... و جوهر توحید آنکه مطلع ظهور حق را با غیب منیع لایدرک یک دانی باین معنی که افعال و اعمال و اوامر و نواهی او را از او دانی من غیر فصل و وصل و ذکر و اشاره اینست منتهی مقامات مراتب توحید " .

عوامل آفرینش و خلقت (آیات تکوینی)

این نوع از آیات نازله در مسائلی از قبیل : وجود ، عدم ، خلقت و مقصد از خلقت انسان است . این مسائل تا حدودی که در فهم و ذهن نگارنده میگذرد . لحن کلام بنهج ستایش خالق و تحمید مالک اسماء است . و نوع کلام در شرح و توضیح مسائل خلقت و رابطه خالق و مخلوق است . چند نمونه از آیات نازله در خلقت انسان که اشاره نیز به صفات اراده ، قدرت و خالقیت خداوند است ، باین شرح است :

نمونه اول ۲۹ : " الها معبودا این نهالیست تو غرس نمودی ... جودت وجود را موجود فرمود " (موجود نمودن از صفات فعلیه خداوند) .

نمونه دوم ۳۰ : " الها کریم رحیم توئی آن سلطانی که بیک کلمه ات وجود موجود گشت " (اشاره به کلمه " کن " در قرآن کریم است و اشاره به آیات تکوینی است) .
مسائلی که میتواند مورد تحقیق قرار گیرد و از امهات اصول و مبادی روحانی در امر بهائی است عبارتند از : قدرت الهی ، اراده الهی ، رحمت خداوند ، قهاریت و انتقام و قصاص خداوند : علم خداوند و نظایر آن است . چند نمونه از الواح و آیات و سوره هائی که با این قبیل از عبارات شروع و در آغاز و متن و یا در خاتمه الواح و

ص ۶۳

مناجاتها نازل گردیده عبارتند از : نمونه اول ۳۱ : " إِنَّكَ كُنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا " ؛
نمونه دوم ۳۲ : " بیدک ملکوت کل شیئی " نمونه سوم ۳۳ : " توئی آن علیمیکه

هیچ امری از تو مستور نبوده و نخواهد بود " ، نمونه چهارم ۳۴ : " جانها از تو و
اقتدارها در قبضه قدرت تو " ، نمونه پنجم ۳۵ : " ای توانا ناتوانانرا توانائی
بخش " ، نمونه ششم ۳۶ : " قدرتت را قدرت عباد منع ننمود " ، نمونه هفتم ۳۷ :
" اِنَّ مَنْ يَدِكَ زِمَامُ الْكَائِنَاتِ وَ اَزِمَّةُ الْمُمْكِنَاتِ " ، نمونه هشتم ۳۸ : " بسم
الله المقتدر المحيط " نمونه نهم ۳۹ : " هو البطّاش ذوالباس الشدید " نمونه دهم
۴۰ : " یا من فی قبضتک زمام الانشاء " ، نمونه یازدهم ۴۱ : " توئی توانا و توئی
دانا و بینا " ، نمونه دوازدهم ۴۲ : " حرکت نمیکند شیئی مگر باذن و اراده او و
خطور نمینماید در قلوب امری مگر آنکه حق باو محیط و عالم و خبیر است " .
در مطالعه این نوع از آیات مبارکه الفاظی در آیات الهی بکار رفته است مانند :
وجود ، عدم ، بادیه های عدم ، مقصود از آفرینش و امثالهم ، این الفاظ که خارج از
معانی ظاهری لغوی آن مبین مسائل و حقایق مجرده در ارتباط انسان و خالق او
خداوند متعال است . تا حدودی که در فهم و ذهن نگارنده میگذرد در مناجاتها و
الواح مبارکه ، شان آیات بنهج ستایش خداوند ، بیان جود مالک اسماء و نیز در شرح
و توجیه مسائل ، حقیقت و مقصد از خلقت و رابطه خالق و مخلوق است . چند نمونه از
این قبیل آیات مبارکه درج میگردد :

نمونه اول : بیان مبارک در صفات فعلیه و اراده خداوند متعال ۴۳ : " الها معبودا
این نهالیست تو غرس نمودی ... جودت وجود را موجود فرمود " ، نمونه دوم ۴۴ :
(الها کریم رحیم) توئی آن سلطانی که بیک کلمه ات وجود موجودگشت " . (بنظر
میرسد که اشارن مبارک به کلمه " کُنْ " در قرآن کریم است) .

۲) بیان مبارک در مسئله واجب الوجود (خداوند) و ممکن الوجود (مخلوقات) ۴۵ :

ص ۶۴

" پروردگارا وجود کل از جودت موجود " .

۳) بیان مبارک در حادث بودن انسان و خلقت از عدم محض : نمونه اول ۴۶ :

" (الها بی نیازا کریم رحیم ملکا مالکا) * همه عباد تواند و از کلمه تواز عدم
بوجود آمده اند "

نمونه دوم ۴۷ : " * (ای پسر جود) * در بادیه های عدم بودی و ترا بمدد تراب امر
در عالم ملک ظاهر نمودم " .

معنی و مقصود از خلقت از عَدَم برای اطلاع و درک معانی خلقت لازم است که به تفسیر و تبیینات مشروحی که حضرت عبدالبهاء در تفسیر حدیث قدسی کنت کنز بیان فرموده اند ، به مکاتیب عبدالبهاء جلد دوم مراجعه نمود .

نمونه سوم : در بیان مبارک دیگری در مسئله خلقت و ایجاد و عدم انقطاع خلقت در لوحی میفرمایند قوله تعالی ۴۸ : " و برشحه مطفحه از قمقام بحر مشیت سلطان احدیتش خلق لانهایه بمالا نهاییه را از عدم محض بعرضه وجود آورده لم یزل بدایع جودش را تعطیل اخذ ننموده و لایزال ظهورات فضلش را وقوف ندیده . از اول لا اول خلق فرموده و الی آخر لا آخر خلق خواهد فرمود " .

مقصد از خلقت در مطالعه و بررسی اجمالی در آثار طبع شده و در دسترس و نیز تبیینات حضرت عبدالبهاء و آیات خلقت در قرآن کریم و احادیث اسلامی ، بنظر میرسد که اراده به خلق انسان را سه مقصود است (بدون تقدم یکی بر دیگری) : مقصد اول : معرفت حق جل جلاله است . در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه ۴۹ : " شکی نبوده و نیست که مقصود از آفرینش معرفت حق جل جلاله بوده " . و نیز در ادامه همین لوح ارفع اعلی اشاره مشروحی به آیه اول کتاب مستطاب اقدس میفرمایند ۵۰ : " حال باید خالصا لوجه المقصود انسان تفکر نماید که سبب اقبال نفوس بمشارق وحی و مطالع الهام در قرون و اعصار چه بوده و علت اعراض چه * اگر بعرفان اینمقام فائز شوی بکل خیر فائزی " .

ص ۶۵

و نیز در لوحی در اینکه مقصد از خلقت معرفت خدا است میفرمایند قوله تعالی ۵۱ : " شکی نبوده و نیست که کل در حقیقت اولیه لعرفان الله خلق شده اند من فاز بها المقام قد فاز بکل الخیر و اینمقام بسیار عظیم است بشانیکه اگر عظمت آن بتمامه ذکر شود اقلام امکانیه و اوراق ابداعیه کفایت ننماید و ذکر اینمقام را بانتهای نرساند " (بنظر میرسد بیان مبارک شرحی بر آیه اول کتاب اقدس است) . مقصد دوم : علت آفرینش ممکنات حُب است : در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه (۵۲) " علت آفرینش ممکنات حب بود چنانچه در حدیث مشهور مذکور که میفرمایند (کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف) " . و نیز در کلمات مکنونه

عربی نازل شده است قوله عزبیانه ۵۳: "يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ أَحْبَبْتُ خَلْقَكَ فَخَلَقْتُكَ" و نیز در همان مأخذ میفرمایند: "يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ كُنْتُ فِي قَدَمِ ذَاتِي وَأَزَلِّيَّةً كَيْنُونِي؛ عَرَفْتُ حُبِّي فِيكَ خَلَقْتُكَ". و نیز مراجعه فرمائید به تفسیر کنت کتاز قلم اعلای حضرت عبدالبهاء روح العالمین له الفدا در شرح و تفسیر حدیث قدسی ۵۴.

مقصد سوم: علت آفرینش انسان عبادت خدا است: حضرت عبدالبهاء در لوحی، حکمت الهی در تسلسل نسل انسانی و ازدواج را برای پرستش و عبادت خدا بیان فرموده اند این است بیان مبارک قوله الاحلی ۵۵: "ای خداوند بیمانند به حکمت کبرایت اقتران در بین اقران مقدر فرمودی تا سلاله انسان در عالم امکان تسلسل یابد و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیت همواره مالوف گردند وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ". در بیان مبارک نقل آیه ۵۶/۵۱ سوره الذاریات قرآن کریم در مقصد از خلقت انسان است.

منابع و مأخذ مطالعه در مسئله الوهیت در آثار امر مقدس بهائی

الف: در الواح نازله از قلم اعلی: در الواح مبارکه ذیل طرق حصول معرفت ذات احدیت، توحیه و تعریف توحید و اسماء الهی و معرفت مظاهر الهی و ارتباط مظاهر مقدسه و ذات غیب هویه به تفصیل نازل گردیده است:

ص ۶۶

(۱) کتاب مستطاب ایقان. (۲) لوح ۵۶: مدینه التوحید. (۳) لوح ۵۷: "هو الباقی البهی الابهی". (۴) لوح ۵۸: "هو الله البهی الابهی". (۵) لوح ۵۹: "هو الله العزيز الجمیل". (۶) لوح ۶۰: "باسم محبوب عالمیان". (۷) "اصل کل الخیر" ۶۱ و (۸) لوح ۶۲: "هو الله تعالى شأنه العظمة و الکبرياء". (۹) لوح صیام ۶۳: "بسم الله الاقدم الاقدس"، (۱۰) لوح ۶۴: "هو الباقی الظاهر" (اعمال حج بیت بغداد)، (۱۱) لوح ۶۵: "امواج". (۱۲) قسمتی از لوح مبارک در مائده آسمانی جلد نهم صفحه ۹.

ب: در آثار حضرت عبدالبهاء: مکاتیب حضرت عبدالبهاء و مفاوضات گنجینه لایتناهی در میان آثار امر در مبحث الوهیت و جود و عدم و خلقت و مسائل نظیر آن است. چند نمونه از این الواح مبارکه عبارتند از: (۱) لوح مبارک در صفحه ۲ مکاتیب جلد ۱. (۲) همان مأخذ صفحه ۱۸۸. (۳) همان مأخذ صفحه ۱۳۴.

بیان در تعبّد انسان در کسب معرفت مظاهر الهی

آیه اول کتاب مستطاب اقدس قوله تعالى : ان اوّل ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی كان مقام نفسه فی العالم الامر و الخلق من فاز به فقد فاز بكل الخیر والذی منع الله من اهل الضلال ولویأتی بكل الاعمال .

بیان در ضرورت دین و لزوم ارسال وحی الهی و نبوت

در لوح اشراقات است قوله الاعلی : " دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز مانند " .

ص ۶۷

بیان در اینکه مظاهر الهی صاحب عصمت کبری اند ((عصمت ذاتی)) و اصل ((یفعل ما یشاء بودن صاحب امر))

در الواح مبارکه دو صفت ذاتی و ممیزه مظاهر الهی تصریح کامل شده است . یکی " یفعل ما یشاء " بودن و دیگری دارا بودن " عصمت کبری " . نظر باینکه تاکیدات قلم اعلی در این دو اصل در متون بسیاری از الواح مبارکه بکثرت نازل و از جمله شرایط ایمان را اعتقاد مومنین به این دو اصل لایتنزع از اعتقادات اساسی در امر بهائی اعلان فرموده اند - بنظر میرسد که این مسئله سرچشمه و مبداء اصل اطاعت در عهد و میثاق الهی است . مراتب و درجات ایمان و رشد روحانی انسان بستگی کامل به این دو اصل محکم دارد . و نیز برای مومنین به امر مبارک در روشن شدن بسیاری از مسائل پیچیده و اسرار الهی در متون آثار و نصوص مبارکه مساعد انسان است ، تحقیقی باختصار در حدود امکانات این رساله به شرح ذیل بعمل آمده است :

۱) یفعل ما یشاء در لوح تجلیات معرفت کامل بمظاهر الهی را مشروط باقرار یفعل ما

یشاء بودن خداوند و مظهر او قرار فرموده اند . در تجلی دوم میفرمایند قوله جل بیانه : " تجلی دوم استقامت بر امر الله و حبه جل جلاله بوده و آن حاصل نشود مگر بمعرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر اقرار بکلمه مبارکه یفعل ما یشاء هر نفسی باین کلمه علیا تمسک نمود و از کوثر بیان مودع در آن آشامید او خود را

مستقیم مشاهده نماید بشانیکه کتب عالم او را از ام الكتاب منع نکند حبّذا هذا
المقام الاعلى و الرتبة العليا و الغاية القصوى " - " يفعل ما يشاء " اشاره به
آیات بسیاری در قرآن مجید و کتاب مستطاب اقدس است .

۲) عصمت کبری : یکی دیگر از اصول و مبادی امر مقدس بهائی دارا بودن عصمت ذاتی در
مظاهر مقدسه است . در لوح اشراقات در معنی و مقصود از عصمت کبری میفرمایند قوله
عزّیانه : فاعلم للعصمة معان شتى و مقامات شتى ان الذى عصمة الله

ص ۶۸

من الزلّ يصدق عليه هذا الاسم فى مقام وكذلك من عصمه الله من الخطأ و
العصيان و من الاعراض و الكفر و من الشرك و امثالها يطلق على كلّ واحد من
هؤلاء اسم العصمة و اما العصمة الكبرى لمن كان مقامه مقدسا عن الاوامر و
النواهي و منزها عن الخطأ و النسيان انه نور لا تعقبه الظلمة و صواب لا يعتر به
الخطأ لويحكم على الماء حكم الخمر و على السماء حكم الارض و على النور حكم
النار حق لا ريب فيه و ليس لاحد ان يعترض عليه او يقول لم و بم و الذى اعترض انه
من المعرضين فى كتاب الله ربّ العالمين انه لا يسئل عما يفعل و كلّ عن كلّ يسئلون
- انه اتى من سماء الغيب و معه راية يفعل ما يشاء و جنود القدرة و الاختيار و
لدونه ان يتمسك بما امر به من الشرائع و الاحكام لويتجاوز عنها على قدر شعرة
واحدة ليحبط عمله " .

مقصد اول : طرق حصول معرفت کامل به خدا : باستناد لوح تجلیات باین شرح است :
معرفت خدا حاصل نشود مگر بمعرفت اسم اعظم - کسب معرفت کامل منوط باقرار کلمه
"فعل ما يشاء" است - "ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق از آنچه
از او ظاهر شده و همچنین عمل بآنچه امر فرموده " . در بیان دیگری تاکید فرموده
اند که برای انسان کمال روحانی و شناخت توحید حقیقی منوط بعرفان کلمه مبارکه
"فعل ما يشاء" است . در لوح العالم میفرمایند قوله جل بیانه : " یا حزب الله
اليوم باید انظار کل بافق کلمه يفعل ما يشاء وحده متوجه باشد چه اگر احدی باین
مقام فائز گردد او بنور توحید حقیقی فائز و منور و من دون آن در کتاب الهی از
اصحاب ظنون و اوهام مذکور و مرقوم " .

مقصد دوم : بنا باستناد بیان مبارک در تجلی اول ، عارف کامل کسی است که تصدیق

میکند بانچه از جانب اسم اعظم ظاهر شده و عمل میکند بانچه امر فرموده

ص ۶۹

است . یکی از آن اصول و اوامر ، ایمان و قبول بلا شرط عصمت کبری است که در ذات مظاهر الهی ، خداوند برای آنان مقرر فرموده است - خلاصه مسائل و اصول در اصل کلی ((عصمت کبری)) باین شرح است : صاحب و دارای عصمت کبری مصون از خطا و نسیان است - قبول احکام و اوامر او بلا شرط و ریب ولو اینکه حکم او بظاهر با عقل انسان درست در نیاید (عقل جزئی انسان نمیتواند مبنای سنجش بیانات الهیه قرار گیرد)
۰ چنانچه میفرمایند " لویحکم عَلَى الماء حکم الخمر و علی السماء حکم الارض و علی النور حکم النار حق لا ریب فیہ " . و چون این بیانات مبارکه مقایسه گردد با تعلیم : ((دین باید مطابق علم و عقل باشد)) با مقیاس عقل ظاهری و قاصر انسان در آن نعوذ بالله تناقضی آشکار مشاهده میشود . پس لازم است از این نوع سنجش و قیاس پرهیز نمود - اصل دیگر در بیان مبارک اینست که باید ایمان و یقین حاصل شود باینکه مظهر الهی : " انه اتی من سماء الغیب و معه رایة یفعل ما یشاء " . و اصل دیگری که مکمل و وجه تنبیه و انذار دارد این قسمت از بیان مبارک است : " لو یتجاوز عنها علی قدر شعرة واحدة لیحبط عمله " .
در این قسمت یک نمونه از بیانات مبارکه در خصوص اینکه آنچه از قلم و زبان صاحب ظهور و شریعت الهی نازل میشود حقیقت محض است و برای اهل بهاء حجت و در ظاهر مخالف اعتقادات رایجه در میان امت های یهود ، نصاری و مسلمین است و نیز تغایر کاملی با مندرجات تورات و تاریخ یهود دارد ، فقراتی از بیانات حضرت رب اعلی جل ذکره است که در لوحی از قلم اعلی به آن اشاره فرموده اند و زینت عصمت کبری در وجود مقدس حضرت اعلی جل ذکره را مبنای سنجش مندرجات قرار داده اند نه اعتقادات قوم را - در این لوح مبارک ، ابتدا فقره از بیان مبارک حضرت ربّ اعلی را در مقام عصمت کبری برای مظاهر ظهور و مهابط وحی الهی شاهد میاورند که حکم مظاهر الهی حق است قوله جل بیانه ۶۶ : " نقطه اولی میفرماید اگر او

ص ۷۰

برسماء حکم ارض نماید و یا بر ارض حکم سماء لیس لاحد ان یقول لِم و بِمَ " . در

دنباله لوح مبارک ، قسمتی از بیانات حضرت رب اعلی را شاهد میاورند در اینکه بعضی از مردم منظورشان اعراض به مظهر الهی است ، قوله الاعلی ۶۶ : " از فضل و عنایت حقّ جلّ جلاله اولیاء یعنی نفوسیکه از اصحاب سفینه حمراء و از اهل بهاء محسوبند شبهات اهل عالم ایشان را از حقیق مختوم و اسم قیوم منع ننماید و محروم نسازد بعضی از خلق در هر حال نظرشان بر اعراض و اعتراض است چنانچه الی حین چند کرّه اهل بیان سؤال نموده اند که حضرت داود صاحب زبور بعد از حضرت کلیم علیه بهاء الله الابهی بوده ولكن نقطه اولی ما سوئه فدا انحضرت را قبل از موسی ذکر فرموده و این فقره مخالف کتب و ما عند الرسل است قلنا اتق الله ولا تعترض علی من زينه الله بالعصمة الكبرى و اسمائه الحسنی و صفاته العلیا سزاوار عباد آنکه مشرق امر الهی را تصدیق نمایند در آنچه از او ظاهر شود چه که بمقتضیات حکمت بالغه احدی جز حق آگاه به یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو المقتدر القدیر " . و این توضیح و تاکید که همراه با یک نمونه از آنچه که بنظر میرسد با معتقدات و باورهای مذهبی ادیان بزرگ عالم و نیز با مندرجات کتب آنان مغایرت دارد و در آثار این امر اعظم موجود است ، معتقدین به عصمت کبری را در امتحان قرار میدهد و البته مومنین و معتقدین به اصل عصمة کبری ، بیان مشرق الهی را تصدیق میکنند و به آن بدرجه یقین ایمان دارند ولو اینکه : " مخالف کتب و ما عند الرسل است " .

ایمان و عرفان به امر الهی منوط به تایید الهی و نیز داشتن انقطاع صرف و توکل و

توسل به خدا است در لوحی نازل قوله العزیز ۶۷ : " ای حسین بر اثر قدم غلام قدم گذار و مشی کن و ابدا از امورات وارده محزون مباش فوالذی نفسی بیده که اگر عوالم لایتناهی الهی منحصر باین عالم بود و نعمتش مخصوص آنچه در دنیا عند اهلش مشهود است ابدا خود را در بلایای لایحصى معذب نمیساختم ... قسم بقلم قدم

ص ۷۱

که در هر نفسی اقل من ذره شعور باشد بذکر این بیان و تفکر در آن ابدا بدنیا اعتنا ننماید و از وجود و فقدانش محزون نگردد و همچنین موقن شود بامریکه احدی موفق نشده الا من ایده الله علی عرفانه و فتح بصره بمشاهدة اسراره " - و نیز آیات الهی در اول کتاب مستطاب ایقان است که رسیدن به شاطی بحر عرفان را منوط به انقطاع صرف و توکل و توسل سالک به خدا بیان فرموده اند .

منابع و مآخذ برای مطالعه در آثار مبارکه عبارتند از (۱) کتاب مستطاب اقدس ،
 (۲) لوح اشراقات ، (۳) الواح مندرجه در اقتدارات (مجموعه الواح مبارکه) ، (۴)
 مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، (۵) مفاوضات . در تحقیقات مولفین و نویسندگان بهائی :
 متممات ام الکتاب مقاله چهارم ، رساله جامع تالیف محقق ارجمند دکتر وحید رافتی
 در آهنگ بدیع سال ۳۲ شماره ۳۴۴ ، کتب سودمند در معارف اسلامی (آن قسمت از
 مطالبی که مغایرتی مستقیم با نصوص و تبیینات مبارکه در آنها مشاهده نشود)
 عبارتند از : (۱) عصمة الانبیاء تالیف امام فخر رازی ، (۲) گوهر مراد تالیف ملا
 عبدالرزاق لاهیجی ، (۳) کشف اصطلاحات الفنون تالیف محمد اعلی بن تهانوی . (۴)
 اسرار الحکم (باب ششم فصل در عصمت) تالیف ملا هادی سبزواری . اصول الدین
 ، تالیف ابو منصور عبدالقاهرین طاهر التمیمی البغدادی (اصل السابع فی معرفة الانبیاء) .

ص ۷۲

بیان در مقام و رسالت حضرت بهاء الله جل ذکرة الاعلی و حضرت ربّ اعلی جل ذکرة و ارتباط دو ظهور اعظم

بیانات مبارکه نازله از قلم اعلی در مسائل فوق که به نظر دیگری ادعای رسالت و
 نسخ قرآن کریم و ادعای بحقیقت پیوستن کلیه مواعید الهی در کتب قبل است از حد
 احصاء خارج و در صراحت و محکمی بیان از شیوه خاصی برخوردار است . مطالعه و تحقیق
 و کوشش در تزئید رشد روحانی برای درک این قبیل از بیانات مبارکه و تبیینات حضرت
 عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله از جمله مسائلی است که در دستخط های بخصوص دهه
 اخیر قرن بیستم و بالاخص پیام رضوان سنه ۱۵۴ بدیع صادره از ساحت رفیع بیت العدل
 اعظم در سعی به مطالعه و درک مبانی امر بهائی از اهمیت خاصی برخوردار است . چند
 نمونه از این قبیل از بیانات مبارکه زیب این قسمت میگردد .

نمونه هائی از بیانات مبارکه در بیان مقام حضرت بهاء الله

نمونه اول ۶۸ : " قل لا یری فی ظهوری الا ظهور الله ولا فی قدرتی الا قدرة الله لو انتم من العارفين "

نمونه دوم ۶۹ : " قل قد قدر مقادیر الاشياء فی هذا الهیکل المخزون المشهود و کتوفیه علم السموات و
 الارض و علم ما کان و ما یکون " .

نمونه سوم ۷۰: " قد تجلی الله من افق السجن عليك يا ايها المقبل الى الله فائق الاصبح " .
 نمونه چهارم ۷۱: " قد ظهرت الكلمة التي سترها الابن انها قد نزلت على هيكل
 الانسان في هذا الزمان تبارك الرب الذي هو الاب قد اتى بمجده الاعظم بين الامم " .
 نمونه پنجم ۷۲: " قد ظهرت ملكوت الله واستقر على العرش محبوب العالمين به
 فتحت ابواب اللقاء على وجوه النبيين والمرسلين كل استمدوا بذكره و استفرحوا
 باسمه العزيز المنيع " .

ص ۷۳

نمونه ششم ۷۳: " قل تالله قد اشرق الامر كالشمس في وسط الزوال " .

نمونه از بیانات مبارکه در بیان مقام مبارک حضرت ربّ اعلی

در لوحی از الواح صیام میفرمایند قوله جل بیانه ۴۷: " كَبِّرِ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى مَظْهَرِ
 هُؤْيَتِكَ وَ مَطْلَعِ أَحَدِيَّتِكَ وَ مَعْدِنِ عِلْمِكَ وَ مَهْبِطِ وَحْيِكَ وَ مَخْزَنِ إِيْهَامِكَ وَ مَقَرِّ سُلْطَنَتِكَ وَ مَشْرِقِ
 أُلُوهِيَّتِكَ النَّقْطَةِ الْأُولَى وَ الطَّلَعَةِ الْأَعْلَى وَ أَصْلِ الْقَدِيمِ وَ مُحْيِي الْأُمَمِ " .

نمونه هائی از بیانات مبارکه در بیان ارتباط دو ظهور اعظم

در ابتدا باید گفت که ارتباط معنوی مظاهر ظهور در آثار مبارکه و بالاخص در ایقان
 شریف به تفصیل بیان گردیده است و جنبه تعمیم برای همه مظاهر مقدسه الهی دارد .
 آنچه که جاذب قلوب صافیه و محقق در آثار است ارتباط خاصی است که در دو ظهور
 بظاهر مستقل حضرت باب اعظم و جمال مبارک در الواح حضرت بهاء الله مشاهده میگردد
 که آن از معانی ظاهری متون آیات به صراحت و به آسانی مفهوم و قابل استنتاج است .
 در بدو امر لازم است چند نمونه از بیانات حضرت رب اعلی در ارتباط دو ظهور آورده شود .
 نمونه اول : در کتاب مستطاب بیان فارسی در باب التاسع و العشر من الواحد الثاني
 میفرمایند قوله عز بیانه : " ملخص این باب آنکه آثار ظهور حقیقت در هر ظهور تحفه
 است من قبل الله از برای او در ظهور بعد او که ظهور نشأه اخرای اوست ... و همین
 قسم آنچه در بیان متکون شود از شئون محبوبه تحفه است از قبل نقطه بیان بسوی من
 یظهره الله که ظهور اخرای بیان باشد " .

نمونه دوم: " در کتاب مستطاب بیان فارسی الباب الاول من الواحد الرابع
 میفرمایند قوله عز بیانه : " بعد از غروب این شمس غیر از من یظهره الله مقتدر
 بر این نحو از ظهور الله نیست " .

اینک میپردازد به ارائه چند نمونه از بیانات حضرت بهاء الله جل ذكره :

ص ۷۴

نمونه اول ، در سورة الدم از الواح نازله در ادرنه نازل قوله جل بيانه ۷۵ : " هل من ناصر ينصر جمال الاولی فی طلعة الاخری و هل من معين يعين نقطة الاخری فی جماله البهی الابهی " .

نمونه دوم ، در لوحی خطاب به نبیل است قوله الاعلی ۷۶ : " اليوم يوم نصرت امرالله است بحکمت و بیان ناظر باصل امر باشید و از دوشش معرض که شاید سبب هدایت و اجتماع امم بر شاطی بحر اعظم گردید هیچ فضلی باین فضل معادله ننموده و نمینماید ظهور قبلم و مبشر جمالم جميع بیان را در این ظهور اعظم معلق به کلمه بلی فرموده " .

نمونه سوم ، در سورة الاصحاب بیان مهیمن دیگری مخاطبا لاهل البیان نازل گردیده قوله الاعلی ۷۷ : " قل يا ملاء البیان تالله قد ظهر علی فی قميص اخری و انه قد سمی فی ملکوت الاسماء بالحسین و فی جبروت البقاء بالبهاء و فی لاهوت العماء بهذا الاسم الذى ظهر علی هیکل الغلام فتبارک الله احسن الخالقين " .

نمونه چهارم ، در لوح وفا نازل قوله تعالى ۷۸ : " قل تالله ان هذا لنقطة الاولی قد ظهر فی قميصه الاخری باسمه الابهی و اذا فی هذا يشهد و یری و انه علی کل شیء محیط " .

نمونه پنجم ، در کتاب بدیع در ارتباط دو ظهور نازل قوله جل ذكره ۷۹ : " قد نزل البیان لنفسی و انی حينئذ اقرئه فی کل الاحیان و ما نزل فی حينئذ انه لهو البیان لو انتم تعرفون ما نزل حينئذ لیکون شاهدا علی ما نزل من قبل و ما نزل من عنده لیکون دلیلا علی ما ينزل حينئذ من قلم الله المقتدر العزيز المحبوب یا قوم انی نفسه و هو نفسی و انه قد فدى نفسه لنفسی و انی قد اخذت نفسی و روحی علی یدی لانفقهما فی سبيله ثم فی حبه و رضائه و يشهد بذلك کل الذرات لو انتم تسمعون " .

برای مزید اطلاع مراجعه فرمائید به لوح رضوان الاقرار و سورة البیان در آثار قلم اعلی جلد ۴ ، کتاب بدیع و سایر آثار مبارکه .

ص ۷۵

بیان در وحدت انبیا الهی و ادیان

بیانات مبارکه در خصوص وحدت انبیاء الهی در متون الواح نازله عموماً و در ایقان شریف به تفصیل نازل شده است . جوهر آن بیانات عالیه در تفسیر و شرح مقامات جمع و فرق و اتحاد مظاهر الهی بیان گردیده است و طالبین میتوانند به کتاب مستطاب ایقان صفحات ۱۷ و ۱۲۵ و قاموس ایقان جلد چهارم صفحات ۱۵۱۷ الی ۱۵۲۰ مراجعه فرمایند . رساله جامع و تحقیقی دانشمند شهید فی سبیل الله علیمراد داودی تحت عنوان " اصول اعتقادات اهل بهاء " که توسط لجنه ملی نشر معارف امری ایران منتشر شده است اعانت کافی مینماید برای درک مسائل مربوط به مقامات جمع و فرق و اتحاد مظاهر الهی به آن اثر نفیس مراجعه فرمایند .

بیان مبارک در وحدت انبیاء الهی در ایقان شریف قوله جل بیانہ ۸۰ : " باری این انوار از یک مصباح ظاهر شده اند . و این اثمار از یک شجره روئیده اند * فی الحقیقه فرقی ملحوظ نه و تغییری مشهود نه ((کل ذلك من فضل الله يؤتیه من یشاء من خلقه)) انشاء الله از ارض نفی احتراز جوئیم * و ببحر اثبات درآئیم تا عوالم جمع و فرق و توحید و تفریق و تحدید و تجرید الهی را ببصریکه مقدس از عناصر و اضداد است مشاهده کنیم * " " اینست که نقطه بیان روح ما سواه فداه شمس احدیه را بشمس مثال زده اند که اگر از اول لا اول الی آخر لا آخر طلوع نماید همان شمس است که طالع میشود * حال اگر گفته شود این شمس همان شمس اولیه است صحیح است و اگر گفته شود که رجوع آن شمس است ایضا صحیح است * " .

بیان در تعلیم وحدت نوع بشر و صلح عمومی

در لوح العالم (دنیا) نازل قوله الاعلی " قلنا و قولنا الحق عاشروا مع الادیان کلّها بالروح و الرّیحان از این بیان آنچه سبب اجتناب و علّت اختلاف بود از میان برخاست و در ارتقاء وجود و ارتفاع نفوس نازل شد آنچه که باب اعظم است از برای تربیت اهل عالم " .

ص ۷۶

دستور عملهای نازله در الواح مبارکه برای ایجاد وحدت نوع بشر

در مطالعه و تحقیق در تعالیم اجتماعی امر بهائی ، نازله در الواح مبارکه با مطالب و تعالیمی در آثار مبارکه آشنا میشویم که در آنها طرق استقرار وحدت در جوامع انسانی را با اجرای اوامر و احکام نشان داده اند . در این تجزیه و تحلیل به یاری تائیدات جمال کبریائی این طرق را شناسائی و در این قسمت به اختصار ارائه

میگردد :

عامل و وسیله الهی برای ایجاد وحدت در عالم تعالیم مبارکه حضرت بهاء الله و تبیینات و شروح و جزئیات طرح نقشه الهی در الواح حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله .
(برای تفصیل کامل مراجعه کنید به قسمتهائی از دو توفیق مبارک بزبان انگلیسی) :

Sources of the Baha'i World Order

It would, however , be helpful and instructive to bear in mind certain basic " principles with reference to the Will and Testament of 'Abdul - Baha , which together with the Kitab-i- Aqdas , constitutes the chife depository wherein are enshrined those priceless elements that Divine Civizationalion , the establish of which is the primary mission of the Baha'i Faith. "

(The World Order of BahaUllah , page 3)

Distinguishing Features of Baha'i World Order

I consider it my duty to warn beginner in the Faith that the promised glories " of the Sovereignty which the Baha'i teachings foreshadow , can be revealed only in the fullness of time , that the implications of the Aqdas and the Will of ' Abdul-baha , as the twin depositories of the constituent elements of that Sovereignty ."

(The World Order of Baha'u'llah , page 16)

مرجع و قانون گذار و ناظر حاضر در همه اعصار آتیه در استقرار صلح و وحدت عالم

این بارگران و مسئولیت عظیم در الواح قلم اعلی و حضرت عبدالبهاء به یگانه ملجاء و پناه عالم بیت العدل اعظم محول شده است .

عوامل و عناصر متشکله در استقرار وحدت عالم (۱) انسان تربیت شده در ظل تعالیم امر بهائی . (۲) اجرای حدود (۳) اطاعت از وصایای شارع امر بهائی توسط روسای ارض . (۴) وحدت در تعلیم و تربیت . (۵) تساوی حقوق رجال و نساء . (۶)

ص ۷۷

تعدیل معیشت و اجرای عدالت در عالم . (۷) وحدت لسان و خط . (۸) صلح عمومی . (۹)

وحدت عالم انسانی .

دستورات و احکام ، اوامر و نواهی نازل در استقرار وحدت این قبیل از بیانات

و الواح مبارکه تا مرتبه که قابل ادراک در حدود امکانات محدود نگارنده است ، میتوان به دو بخش تقسیم نمود : الف ، تعالیم الهی در حذف و از بین بردن و یا تقلیل عواملی که سبب اختلاف و علت بروز مناقشات در میان اهل عالمند ، مانند : وجود ظلم و فقر و گرسنگی و عدم تربیت روحانی و فقر علوم ظاهری و تربیت اطفال و غیره . نمونه هائی از این قبیل بیانات مبارکه عبارتند از : (۱) در لوح تجلیات نازل قوله الاعلی ۸۱ : " تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است علم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقّات است از برای صعود تحصیلش بر کل لازم و لکن علومیکه اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومیکه بحرف ابتدا شود و بحرف منتهی گردد و صاحبان علوم و صنائع را حق عظیم است بر اهل عالم ... فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزّت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط " (۲) طراز ششم در لوح طرازات است قوله الاعلی ۸۱ : " دانائی از نعمتهای بزرگ الهی است تحصیل آن بر کل لازم " . (۳) " در کلمات فردوسیّه نازل قوله الاعلی ۸۱ : " کلمة الله در ورق نهم از فردوس اعلی ... رجال بیت عدل را وصیت مینمائیم و بصیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال امر می فرمائیم باید در جمیع احوال بمصالح عباد ناظر باشند " ۰ (۴) در لوح اشراقات نازل قوله الاعلی ۸۱ : " اشراق هفتم قلم اعلی کل را وصیت می فرماید بتعلیم و تربیت اطفال و این آیات در اینمقام در کتاب اقدس در اول ورود سجن از سماء مشیت الهی نازل کتب علی کل اب تربیه ابنه و بنته بالعلم و الخطّ و دونهما عمّا حدد فی اللوح و الذی ترک ما امر به فللامناء ان یاخذوا منه ما یکون لازما لتربیتهما ان کان غنیّا و الا یرجع الی بیت العدل انا جعلناه ماوی الفقراء و المساکین ان الذی ربّی ابنه او ابنا

ص ۷۸

من الابداء کانه رنی احد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی الی سبقت العالمین . " ب : تعالیم الهی در ایجاد امکانات در عالم برای رسیدن به صلح و وحدت ، مانند ، استقرار عدل و بهره وری جوامع بشری از امکاناتی که خداوند برای همه انسانها در عالم خلق فرموده و نیز وحدت لسان و خط ، این قبیل از تعالیم در الواحی مانند

اشراقات و لوح العالم و تجلیات و بشارات و کلمات فردوسیه و طرازات و لوح مقصود نازل شده است که احبای الهی به آن الواح ثمینہ آشنائی کامل دارند مانند (۱) در لوح کلمات فردوسیه نازل قوله عز بیانه ۸۲: " کلمة الله در ورق ششم از فردوس اعلی - سراج عباد داد است او را بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد در این کلمه علیا بحر حکمت الهی موج دفاتر عالم تفسیر آنرا کفایت نماید " . (۲) در لوح العالم نازل قوله جل بیانه ۸۲: " اس اعظم که اداره خلق بآن مربوط و منوط آنکه ... (چهارم) جمیع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند جزئی از آنرا برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دیعه گذارند و باطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود . (پنجم) توجه کامل است در امر زراعت این فقره اگرچه در پنجم ذکر شد ولکن فی الحقیقه دارای مقام اول است " .

مجری وحدت و صلح مجری وحدت و استقرار صلح عمومی بیت العدل اعظم است . در لوح العالم (دنیا) نازل قوله الاعلی ۸۳: (اول) باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود * این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اس زحمت و و مشقت است " .

بیان در ترک تعصبات دینی ، نژادی ، ملی و سیاسی ماخذ اصلی این قبیل از تعالیم مبارکه تبیینات حضرت عبدالبهاء در خطابات ، مفاوضات و مکاتیب حضرت عبدالبهاء و رساله مدنیہ و توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله ارواحنا فداہ است کہ برای مقصد حقیقی از ظهور حضرت بهاء الله ، ضرورت دارد برای هر مومنی کہ قصدش

ص ۷۹

مشارکت در تحقق وحدت عالم انسانی است این قبیل تعالیم تبیین شده را به کمال دقت مطالعه و به آن عمل نماید . این قبیل از بیانات مبارکه در کتاب پیام ملکوت جمع آوری و درج شده است .

بیان در تساوی حقوق رجال و نساء توضیح در این قسمت نیز مانند قبل در نوع هشتم بیان است .

بیان در تحری حقیقت و ترک تقالید بنظر میرسد این دو تعلیم کہ از جمله مبادی

روحانی در امر مبارک است ، اولین بار در ایقان شریف تعلیم آن از قلم اعلیٰ نازل شده است . در آغاز کتاب مستطاب ایقان شرایط سالکین سبیل تحقیق و ایمان به مظهر الهی را دقیقاً تعلیم میفرمایند قوله جلّ بیانه : " سالکین سبیل ایمان * و طالبین کؤس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شئونات عرضیه پاک و مقدس نمایند * یعنی گوش را از استماع اقوال * و قلب را از ظنونات متعلقه بسبحات جلال * " و چشم را از ملاحظه کلمات فانیه * " زیرا که اگر عبد بخواهد اقوال و اعمال و افعال عباد را از عالم و جاهل میزان معرفت حق و اولیای او قرار دهد هرگز برضوان معرفت رب العزه داخل نشود " .

در این قسمت از بیان فوق بنظر میرسد که تعلیم ترک تقالید و عدم اقتدا به دیگران را یکی از اصول روشهای تحقیق برای متحری و جوپای حقیقت بیان فروده اند . متون ایقان شریف نشان دهنده بارز این تعالیم الهی است و در ضمن استدلالات کلامی و نقل آیات قرآن و احادیث و کلمات بزرگان اهل معرفت و ذکر و نقل تاریخ ادیان اشاراتی مستقیم در تائید این مطلب است .

بیان در باره روح انسان ، مجرد بودن نفس ناطقه و بقای آن الواح مبارکه و در دسترس در این مسئله بکثرت موجود و به تفصیل حقایق مجرد در مسائل بقای روح و حیات بعد از مرگ و سیر آن در عالم ملکوت در کلمات مقدسه شارع امر بهائی بیان

ص ۸۰

گردیده است - در تالیفات نفیسی مانند امر و خلق و مائده آسمانی استخراج و درج گردیده است . در این قسمت نمونه هائی آورده میشود با بحثی باختصار در آن مسائل به این شرح : الف : بیان مبارک در اینکه عالم بعد موجود و در انسان مشعر ادراک عوالم بعد از مرگ قرار داده نشده تا آنرا ادراک نماید . در لوحی میفرمایند قوله تعالی ۸۴: " انبیا و مرسلین عرفان اینمقام را ستر نموده اند لاجل حفظ عالم فی الحقیقه اگر نفسی در آنچه از قلم اعلیٰ در این مقامات جاری شده تفکر نماید یقین مبین میداند که مشعر ادراک آن عالم در اینعالم قرار داده نشده تا ادراک نماید و بر حقیقت عارف شود ولکن آنقدر ذکر میشود که ارواح مجرد که حین ارتقاء منقطعاً عن العالم و مطهرا عن شبهات الامم عروج نمایند لعمرالله انوار و تجلیات آن ارواح سبب و علت ظهورات علوم و حکم و صنایع و مایه بقای آفرینش است فنا آنرا

اخذ ننماید و شعور و ادراک و قوت و قدرت او خارج از احصای عقول و ادراک است انوار آن ارواح مربّی عالم و امم است اگر این مقام باسره کشف شود جمیع ارواح قصد صعود نمایند و عالم منقلب مشاهده گردد . " و نیز در بیان دیگری نازل شده است قوله جلّ بیانه ۸۵ : " اینکه از حقیقت نفس سؤال نموده آنها آیه الهیه و جوهره ملکوتیه التي عجز کل ذی علم عن عرفان حقیقتها و کل ذی عرفان عن معرفتها ... و انّ النفس علی ما هی علیه آیه من آیات الله و سرّ من اسرار الله و او است آیت کبری و مخبری که خبر میدهد از عوالم الهی در او مسطور است آنچه که عالم حال استعداد آنرا نداشته و ندارد . "

در بیان مبارک چند مسئله اساسی مشاهده میشود : (۱) بنا باستناد قلم اعلی علم و ادراک به عالم بعد به انسان داده نشده است . این بیان مبارک را میتوان به آیه شریفه در قرآن کریم مرتبط ساخت . در سوره بنی اسرائیل آیه ۸۵ / ۱۷ در جواب یهودان این آیه نازل شد قوله تعالی : " وَ یَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّی وَ مَا أُوتِیْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلًا " . (۲) انسان را تشویق به تفکر در الواح مبارکه میفرمایند تا انسان در این تعمق و تدبیر به این

ص ۸۱

نتیجه برسد که برای انسان قوه که ادراک حقیقت مجرّده روح را بنماید بودیعه گذارده نشده است . (۲) بیان مبارک نشان میدهد که هیچگونه شرح و یا بیاناتی در اینکه قوه ادراک کیفیت و وجود روح در قوای جسمانی و دماغی انسان از قلم اعلی مطلبی نازل نشده است . در اینصورت ، درک بیان مبارک در پی بردن به حقیقت و وجود روح و عوالم بعد منوط به قبول آن بقوه ایمان ، به شارع امر و آیات الهی است . حمد خدا را که عیون تبیین از قلم معجز شیم حضرت عبدالبهاء به جریان و سریان آمد و آنچه لازم و ضروری برای آگاهی یافتن به مسائل معضل و غامض در عوالم و مباحث مجرّرات است در الواح مرکز میثاق چون درری گهربار و سرجی پر انوار فرا راه عالم انسانی قرار داده شد تا بدان وسیله بتواند قدر و منزلت خود را بشناسد و به ارزشهای معنوی انسان حقیقی واقف گردد تا مصداق بیان مبارک گردد . شان او و منزلت او را در کتاب عهدی و ایقان شریف با بیانی فصیح اعلام فرموده اند قوله جلّ بیانه : " انسان حقیقی بمثابه انسان لدی الرحمن مشهود " . و نیز در ایقان میفرمایند قوله عزّ بیانه ۸۶ : " آنچه در آسمانها و زمین است محال بروز صفات و اسمای الهی

هستند چنانچه در هر ذره آثار تجلی آن شمس حقیقی ظاهر و هویدا است که گویا بدون ظهور آن تجلی در عالم ملکی هیچ شیئی بخلعت هستی مفتخر نیابد " " خاصه انسان که از بین موجودات باین خلع تخصص یافته * و باین شرافت ممتاز گشته چنانچه جمیع صفات و اسمای الهی از مظاهر انسانی بنحواکمل و اشرف ظاهر و هویدا است * و کل این اسماء و صفات راجع باوست * اینست که فرموده (الانسان سرّی و انا سرّه) .

ب : بیان مبارک در بقای روح مومنین و حرکت صعودی آن بعد از مرگ

چند نمونه از این قبیل از آیات الهی که در مقام مومن و حیات باقیه او پس از مرگ
 نازل شده درج میگردد : (۱) در لوحی در باره حیات مومن پس از مرگ و رسیدن به مقامات میفرمایند قوله جل بیانه ۸۷ : " ان الموت باب من ابواب رحمة ربک به یظهر ما

ص ۸۲

هوالمستور عن الابصار و ما الموت الا صعود الروح من مقامه الادنی الی المقام الاعلی " . (۲) در لوحی در باره اینکه مومن حیّ است و حیات او ابدی است میفرمایند قوله عز بیانه ۸۸ : " مومن در رفرف امتناع قرب و سدره ارتفاع قدس حیّ است بحیات ابدیه باقیه و موت او را اخذ نمیکند " ، در ایقان شریف بیاناتی مبین و توجیهی کامل در معنی و مقصود از " حیات ابدیه باقیه " نازل گردیده است قوله تعالی ۸۹ : " هرکس از جام حب نصیب برداشت از بحر فیوضات سرمدیه و غمام رحمت ابدیه به حیات باقیه ابدیه ایمانیه یافت * و هر نفسیکه قبول نمود بموت دائمی مبتلا شد * " . و نیز در قرآن کریم در باره شهدا و زنده بودن آنان پس از شهادت در راه خدا نازل شده قوله تعالی : " **وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْیَاءٌ وَلَکِنْ لَا تَشْعُرُونَ** " (سوره بقره آیه ۱۵۴/۲) .

بیان در عهد و میثاق

مبحث الفاظ معنی لغوی و مقصود از کلمات " عهد و میثاق " در کتب لغت عهد (۱) در لغتنامه دهخدا معانی زیادی از لغتنامه ها و فرهنگنامه ها جمع آوری شده به این شرح ۹۰ : وصیت ، پیمان و معاهده و شرط ، میثاق ، سوگند ، نگاه داشت حق حرمت ، شناخت ، ملاقات ، دیدار و رویت ، روزگار ، روز و زمان و عصر ، وفا نگاه داشتن مودّت . (۲) در التعریفات جرجانی از کتب معتبره شرح الفاظ و لغات

نوشته شده ۹۱ : " حفظ الشیئی و مراعاته حالاً بعد حالی " ۰ (۳) عهد در تورات و کتب عهد قدیم و نیز در قرآن کریم در سوره های متعددی نازل گردیده و به چند نمونه اکتفا میگردد : در سوره اعراف آیه ۷/۱۳۴ قوله تعالى : **" قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ "** ، و در سوره طه آیه ۲۰/۱۱۴ نازل قوله تعالى : **" وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ "** ، سوره بقره آیه ۲۷/۲ ، و سوره رعد آیه ۲۵/۱۳ ، و نیز در سوره بقره آیه های ۴۰ و ۷۴ میفرمایند قوله تعالى : (۴۰) **" يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ "** و (۷۴) **" فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ "** .

ص ۸۳

میثاق (۱) در لغتنامه دهخدا در ذیل میثاق نوشته شده ۹۲ : عهد و پیمان ، عهد استوار ، قرارداد ، آنچه عهد را بر آن استوار کنند چون سوگند و مانند آن .
(۲) میثاق به معانی و مقاصد متفاوتی در قرآن کریم نازل شده است و به چند نمونه از این قبیل آیات الهی اکتفا میشود و طالبین میتوانند برای تفصیل به تورات و کتب عهد قدیم و قرآن و کتب تفسیر مراجعه فرمایند : در سوره بقره آیه های ۲۵ و ۶۰ و ۲/۸۳ میفرماید قوله تعالى : (۲۵) **" الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ "** و (۶۲) **" وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ " ، و (۸۳) " وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ... "** ، و در سوره آل عمران آیه ۳/۸۱ قوله تعالى : **" وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ "** ، و در سوره احزاب آیه ۳۳/۷ میفرماید قوله تعالى : **" وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا "** ، و در سوره رعد آیه ۱۳/۲۰ میفرماید قوله تعالى ، **" الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا يَقْضُونَ الْمِيثَاقَ "** ، و در سوره حدید آیه ۵۷/۸ میفرماید : قوله تعالى : **" وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لَتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ "** .

مقصد از عهد و میثاق در امر بهائی و تبیین آن در الواح تبیینی تحقیق در عهد و

میثاق در آثار مبارکه را میتوان به دو قسمت بظاهر ممتاز از یکدیگر و در حقیقت و

مقصد غائی و نهائی که در هر دو وحدت کامل موجود است تقسیم بندی نمود . و بنظر

میرسد که راه دیگری برای فهم مسائل مطروحه در عهد و میثاق ، بجز مراجعه کامل به آثار تبیینی وجود ندارد . و این ضرورت ، در طول حیات امر مبارک بتجربه باثبات رسیده است - افرادی که بنظر میرسید در معارف امر مبارک

-ص ۸۴

صاحب رای و عقیده اند - در موارد بسیاری چون توجهشان به کلمات و تبیینات مرکز تبیین حضرت عبدالبهاء و جانشین ایشان بر سرپر کرسی ولایت عظمی یعنی حضرت ولی امرالله جل سلطانه ، معطوف نگردیدند . بنا براین با قاطعیت و هیچگونه شبهه میتوان گفت که در مطالعه آثار مبارکه ، موضوع تبیین و اینکه ، استخراج مقاصد اصلی بیانات الهیه و تاویل الواح از حقوق بلا شک و انحصاری حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله است ، هیچگونه تحقیقی ولو اینکه در نهایت دقت و بروشهای علمی متداوله انجام پذیرد در صورتیکه موافق الواح تبیینی نباشد ، فاقد تغمّسی است که حکم آن در کتاب مستطاب اقدس برای فهمیدن و درک معانی الواح مبارکه نازل گردیده و کوششی است بی ثمر و بی اعتبار .

اول - عهد و میثاقی که خدای متعال با بندگانش بسته است این عهد و میثاق عمومی

است و آن شناسائی حق تعالی و مظاهر ظهور و اجرای اوامر و احکام او است که تسلسل ادیان و لا ینقطع بودن ارسال رسل و وحی الهی از جانب خداوند و قبول و اطاعت آن فرض است . و حکم آن در ام الكتاب نازل گردیده قوله تعالی ۹۳ : " ان الذین نکثوا عهدالله فی اوامره و نکصوا علی اعقابهم اولئک من اهل الضلال لدی الغنی المتعال " . و نیز در کتاب مستطاب اقدس نازل گردیده قوله تعالی ۹۴ : " تمسکوا باوامرالله و احکامه و لا تکنوا من الذین اخذوا اصول انفسهم و نبذوا اصول الله ورائهم بما اتبعوا الظنون و الاوهام " . و در آیه دیگری نازل شده قوله تعالی ۹۵ : " کل شیئ تحقّق بامره المبرم اذا اشرقت من افق البیان شمس الاحکام لکل ان یتبعوها ولو بامر تنفطر عنه سموات افئدة الادیان * انه یفعل ما یشاء و لا یسئل عما یشاء و ما حکم به المحبوب انه لمحبوب و مالک الاختراع * " . تبیین حضرت ولی امرالله در میزان و مراتب پذیرش اصول و مبادی امر بهائی و اینکه میزان ایمان انسان بستگی تام بقبول بلا شک مبادی روحانی و اصول امر مبارک دارد - در یکی از مراسلات از طرف هیکل مبارک ، در جواب سؤال از شرایط پذیرش افرادی که

درخواست عضویت در هر جامعه بهائی را مینمایند

ص ۸۵

میفرمایند :

He has noted with care what you had written him regarding the question of admittance of applicants into the cause . This is certainly a matter which calls for utmost tact , wisdom and considration on the part of Bahá'i Assemblies . While , as he himself has repeatedly stressed , a uniform procedure should be adopted and followed whereby every applicant should be required to express his whole - hearted and unconditional acceptance of the essential verities of the Cause , "

(from : directives from the Guardian , page 46)

دوم - عهد و میثاقی که در آن مسئله جانشینی و ولایت ، تاویل و تفسیر آیات الهی

و اداره امور روحانی و مدنی جامعه و پیروان امر عنوان گردیده است در این نوع از

تحقیق با دو مسئله بسیار مهم که از جمله اصول اعتقادات و مبادی روحانی است مواجه میشویم : (۱) عصمت موهوبی تفویض شده از جانب شارع امر به جانشین بعد از خود و (۲) کلمات نازله در مرتبه ، مقام ، شرح دایره وظائف و حدود اختیارات و قیادت و اداره ملکی و ملکوتی جانشینان شارع امر بعد از صعود و مفارقت ظاهری از این عالم است . پس از ذکر این مقدمه باید گفت که بنظر میرسد تحقیق در عهد و میثاق را میتوان به چهار روش تحقیق نمود باین شرح :

روش های تحقیق در عهد و میثاق

تحقیق اول در عصمت موهوبی مرکز تبیین و جانشینان ایشان حضرت شوقی افندی ربّانی

ولی امرالله و بیت العدل اعظم رافع امر حضرت بهاء الله . چون دانسته شد که دارای عصمت کبری فی ذاته مصون از خطا است " من عصمه الله من الخطاء والعصیان " و منزها عن الخطاء والنسیان " (لوح اشراقات) . جانشینی برای خود انتخاب مینماید و او را حفظ و حراست مینماید از خطا و اشتباه . و این مسئله با عقل و استدلال بروش قیاس اقترانی نیز موافق است که گفته شود : هر صاحب عصمتی از خطا مصون است (موضوع) . جانشین حضرت بهاء الله باستناد الواح و نصوص مبارکه دارای

عصمت است (حد وسط) . بنا براین دلالت میکند بر اینکه : حضرت عبدالبهاء مصون از خطا است (مطلوب یا نتیجه) . ماده قیاس در این برهان از مقبولات (بیان مبارک حضرت بهاء الله در عصمت کبری) است .

ص ۸۶

تحقیق دوم حضرت عبدالبهاء روح العالمین له الفداء آنچه فرموده و کلیه مسائلی را که در امر مبارک تفسیر و تاویل فرموده اند میزان و مقیاس اصلی برای فهمیدن و پی بردن بمعانی ظاهر و باطن آیات و احکام الهی ، مسائل در نظم اداری بهائی ، روشهای ایجاد و اتساع موسسات نظم اداری و نیز تفسیر و تاویل آیات قرآنی و تورا و انجیل است . متمم و مکمل آن ، تبیینات حضرت ولی امرالله در کشف حقایق مستوره در الواح حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و سایر کتب مقدسه قبل است . برای رسیدن و حصول بعرفان حقیقت عهد و میثاق در این روش ، لازم است که آیات و نصوص مبارکه شارع امر بهائی ، الواح حضرت عبدالبهاء در باره مقام و مسئولیتهای هیکل مبارک و نیز تبیینات حضرت ولی امرالله را در باره مقام و منزلت حضرت عبدالبهاء در کتاب دور بهائی (ترجمه) و اصل توقیع بزبان انگلیسی دقیقاً مطالعه و به آن یقین حاصل نمود .

تحقیق سوم حضرت ولی امرالله : الواح وصایا و آنچه که از قلم مبارک و معصوم حضرت شوقی افندی در توقیعات مبارکه صادر شده یگانه وسیله آگاهی به دایره مسئولیتهای و مقام مبارک است .

تحقیق چهارم تحقیق در تفویض کلی اختیارات و اداره امور اداری روحانی جامعه بهائی به یک مجلس شور بنام بیت العدل عمومی

اول : نمونه هائی از الواح مبارکه در این خصوص عبارتند از :

(۱) " امور ملت معلق است برجال بیت عدل الهی ... ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی بر کل اطاعت لازم " (اشراق هشتم در لوح اشراقات) و (بشارت سیزدهم در لوح بشارت) . بر طبق این دو نص صریح الهی کلیه امور منوط و معلق میگردد به تصمیم و اراده بیت العدل اعظم . در اینصورت هیچ امری مستثنی نیست جز امر تبیین . و نیز باید

بخاطر داشت که بر اساس این بیان الهی تاسیس بیت العدل عمومی بقلم شارع امر

ص ۸۷

بهائی ایجاد گردیده و منشاء تاسیس آن وحی الهی است . و چون تاسیس آن بقلم شارع و کلام وحی است موسسه و یا مجلسی از مجالس کنونی و آینده عالم را نمیتوان با این مجلس الهی مقایسه نمود و این از اصول و مبادی ایمانی است .

(۲) " امور سیاسه کل راجعست ببیت عدل و عبادات بما انزله الله فی الکتاب " (اشراق هشتم در لوح اشراقات) و نیز میفرمایند : " امور سیاسیه راجعست ببیت عدل و عبادات بما انزله الله فی الکتاب " (بشارت سیزدهم در لوح بشارت) .

(۳) مسئولیت حفظ اهل عالم به بیت العدل واگذار شده است : " رجال بیت عدل را وصیت مینمائیم و بصیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال امر میفرمائیم " (ورق نهم از کلمات فردوسیة) .

(۴) " ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی " (اشراق هشتم در لوح اشراقات) و (بشارت سیزدهم در لوح بشارت) . این بیان مبارک منشاء دارا بودن عصمت موهوبی و مصون از خطا بودن بیت العدل است .

(۵) بیت العدل اعظم مجری صلح عمومی و استقرار وحدت عالم انسانی است : در لوح العالم نازل قوله الاعلیٰ ۸۳ : " اس اعظم که اداره خلق بآن مربوط و منوط آنکه (اول) باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود * این فقره لازم و واجب است " .

دوم " الذی جعل الله مصدر کلّ خیر و مصونا من کلّ خطا " (لوح وصایا)

در این بیان مبارک دو مسئله و موضوع را میتوان تحقیق نمود :

موضوع اول : خداوند بیت العدل عمومی را " مصدر کلّ خیر " قرار داده است . تحقیق در کلمه " خیر " و مقصود از آن و نیز اینکه ، آنچه از بیت العدل صادر میشود همه " خیر " است .

ص ۸۸

موضوع دوم : " مصوناً من کلّ خطا " اساس الهی بودن تصمیمات و اوامر صادره از بیت العدل و تاثیر آن در اداره امور عالم .

(۲) " بیت العدل آنچه بالاتفاق و یا باکثريت آراء تحقق یابد همان حق و مراد

الله است و هر چه تقرّر یابد همان نصّ است " (الواح وصایا) . در این بیان مبارک نیز دو موضوع را میتوان تحقیق نمود :

موضوع اول : مصون از خطا بودن رای که باکثرت آراء است .

موضوع دوم : تصریح حضرت عبدالبهاء در اینکه رای صادره نص است . باستناد بیان این مبارک که تاکید و تبیین الواح حضرت بهاء الله در مرتبه رای و اوامر بیت العدل عمومی است - متمسکین بحبل میثاق ، فرامین و دستخطهای بیت العدل اعظم را از هر قسم و گونه که باشد در مرتبه نصوص مبارکه ، بدیده گذارده ، اطاعت نموده و بلا شک و با ایمان کامل بآن گردن اطاعت خم مینمایند و بمصداق قرآن کریم «طوعاً» ، اینست مفهوم آزادی حقیقی .

(۳) " آنچه قرار دهند من عندالله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقط عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحده فقد جحد الله و من انكره فقد انكر الله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابتعد عن الله عليه غضب الله عليه قهر الله و عليه نقمة الله " چند نمونه از مواضعی که میتواند مورد تحقیق قرار گیرد عبارتند از :

موضوع اول : " آنچه قرار دهند من عندالله است " .

موضوع دوم : مخالفت ، عناد ، عصیان ، اعراض ، نزاع ، جدال ، جحد ، انکار ، اعتزال ، اجتناب و ابتعاد (دوری جستن) با بیت العدل عمومی منع گردیده و در ردیف مخالفت و اعراض با خداوند متعال است و بدیهی است که انسان متدین و معتقد به خدای یگانه با خدای خود بارتکاب چنان اعمالی مبادرت نخواهد کرد .

ص ۸۹

(۴) این مجمع مرجع کل امور است " : این بیان مبارک که مرجعیت بلا منازع هرامری از امور را به بیت العدل اعظم ارجاع فرموده اند ، تبیین و تاکید مجدد بیان شارع امر بهائی در بشارت سیزدهم و اشراق هشتم از الواح بشارات و اشراقات است . و باستناد الواح حضرت بهاء الله و الواح وصایا انحصاراً دو مسئله تبیین و عبادات که بکتاب الله راجع گردیده مستثنی شده و این تحلیل موافقت کامل دارد با اساسنامه تدوین شده بیت العدل اعظم الهی .

(۵) "مجلس شور سیاسی عمومی ملکی و ملکوتی" حضرت عبدالبهاء در لوحی تعمیم

اختیارات اداره امور عالم و بهائیان را به صراحت بیان فرموده اند قوله الاحلی ۹۶:

"اما مشورت مجلس شور سیاسی عمومی ملکی و ملکوتی * یعنی بیت عدل آن بانتخاب

عمومست * و آنچه اتفاق آراء یا اکثریت آراء در آن شورا" تقرر یابد معمول به است

* "بر اساس این بیان مبارک ، امور ملکی و ملکوتی در ید اختیار و قدرت بلا منازع

این مرجع اعلی است و باستناد بیان مبارک در الواح وصایا ، بهائیان موظفند که

فرامین و دعوتهای بیت العدل اعظم را با جان و دل و آغوش باز قبول و اطاعت نموده

و اعتزال (گوشه گیری) از آن فرامین و تصمیمات نگیرند که گوشه گیری و اعتزال از

خداوند است . یک تحقیق بسیار مهم در این مسئله میتوان نمود و آن مقایسه اداره

امور توسط مسئولین ادیان گذشته (مانند موسسات وابسته به کلیساهای شرق و غرب و

دارالخلافة در اسلام) و در این امر اعظم است .

سوم : در توقیعات حضرت ولی امرالله قوله الاحلی ۹۷ : " و چون بیت عدل عمومی از

حیز آمال بحیز شهود قدم نهد و صیتش در کل اکناف و اقالیم مرتفع و مشتهر گردد

آنوقت این هیئت مجلله که بر اساس متین و رزین تمام ملت بهائی در شرق و غرب

مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمد و مستفیض بوضع و اجرای مشروعاتی

متقنه و اقداماتی کلیه و تاسیساتی باهره پردازد و باین واسطه امرالله

ص ۹۰

صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز شود " .

بیان در مسئله جبر و اختیار - قدر و قضای الهی تعالیم روحانی و مبادی اعتقادی

در امر بهائی در مسئله جبر و اختیار و قضا در الواح قلم اعلی و نیز در مکاتیب

حضرت عبدالبهاء و مفاوضات به تفصیل از قلم مرکز تبیین بیان و در کتاب امر و خلق

جمع آوری گردیده که مراجعه بان بیانات مبارکه برای تحقیق در این مسئله لازم و

ضروری است . برای تحقیق در بیانات مبارکه بنظر میرسد که آشنائی و مطالعه اجمالی

در مسئله جبر و اختیار و آزادی اراده در انسان و مسائلی از این قبیل که در ادیان

گذشته و آیات قرآنی و احادیث معتبره در کتب حدیث و قرابت بعضی از آن مسائل طرح

شده خصوصاً در معارف مذهب شیعه و نصوص مبارکه (از ذکر و مثال از معارف مسیحی

بعلت اختصار و عدم اصطلاحات و استناد آنها در الواح مبارکه صرفنظر گردید) ،

کمک میکند به آشنائی با اصطلاحات و الفاظی که در آثار امر بهائی بکار رفته است .
نظر باینکه در این رساله در تحریر هیچیک از قسمتهای آن مقصود شرح کامل و حتی به
اجمال مسائل بیشمار در الواح مقدسه نیست بلکه پیشنهاد در روش و شناخت بیان است .
لزوم اشاراتی مقدماتی در مسائل قضا و قدر ، جبر و اختیار و مبانی تاریخی و کلامی
آن ضروری بنظر میرسد .

مبحث الفاظ و معانی لغات (۱) جبر ۹۸ : کسی را بکاری بزور گماشتن ، ناچار کردن .

طریقه ای که پیروان آن (جبریه) معتقدند که اعمال انسان باراده خدای تعالی
انجام گیرد و بندگان هیچگونه اختیاری از خود ندارند . (۲) اختیار ۹۹ : گزیدن ،
انتخاب کردند ، آزادی عمل ، قدرت بر انجام دادن کار باراده خویش ، مقابل اجبار .
(۲) قضا . قضاء ۱۰۰ : حکم الهی ، مشیت باری تعالی ، حکم الهی از آن جهت که مقدم
بر " قدر " است سرنوشت ، تقدیر آسمانی . (۴) قدر ۱۰۱ : فرمان حکم ، حکم

ص ۹۱

خداوند در مورد بندگان ، سرنوشت ، تقدیر جمع آن ، اقدار ، القدر ۱۰۲ : خروج
الممکنات من العدم الى الوجود واحدا بعد واحد مطابقا للقضاء والقضاء في الازل و
القدر فيما لايزال والفرق بين القدر والقضاء هو ان القضاء وجود جميع الموجودات
في اللوح المحفوظ مجتمعة والقدر وجودها متفرقة في الاعدان بعد حصول شرائطها .
و نیز از اصطلاحات متکلمین و به معنی تفویض آمده است . معنی تفویض در کتب لغت به
این شرح است ۱۰۳ : واگذار کردن (کاری بکسی) ، مسلکی که پیروان آن معتقدند خدا
بانسان آزادی و اختیار داده و هرکس در اعمال خود قادر و مختار است .
قدریه : در میان فرق اسلام معتقدین به اختیار و تفویض اند . و در التعريفات جرجانی
در ذیل معنی قدریه نوشته شده ۱۰۴ : هم الذين يزعمون ان كل عبد خالق
لفعله ولا يرون الكفر والمعاصي بتقدير الله تعالى .

جبر و اختیار ، قضا و قدر در معارف اسلامی

(۱) آیاتی از قرآن مجید که بنظر متکلمین اشاعره و فرقه مجبره در تایید به جبر و
اینکه هر چه هست و هر چه اتفاق می افتد به اراده خدا است عبارتند از :
نمونه اول ، " قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ " **سوره توبه آیه**
۹/۵۱ (ترجمه : بگو هرگز نمیرسد ما را مگر آنچه نوشت خدا بر ما) .

نمونه دوم ، " فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ " سورة فاطر آیه ۳۵/۸ (ترجمه : پس بدرستی که خدا را میگذارد آن را که میخواهد و هدایت میکند آنرا که میخواهد) لازم به ذکر این مطلب است که متکلمین شیعی برای الفاظ اضلال و هدایت سه معنی برای هریک بنا به استناد به سایر آیات قرآن کریم (شرح و تفصیل آن خارج از موضوع این بحث است) قائلند و طالبان میتوانند به کتبی نظیر شرح کشف المراد و نظایر آن مراجعه فرمایند .

ص ۹۲

نمونه سوم ، " ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ " سورة انعام آیه ۶/۱۰۲ . و نیز سوره غافر (مؤمن) آیه ۴۰/۶۲ .

نمونه چهارم ، " وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ " سورة صفات آیه ۳۷/۹۶ (ترجمه : و خدا آفرید شما را و آنچه را میسازند) .

نمونه پنجم ، " وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا " سورة دهر (الانسان) آیه ۷۶ / ۳۰ (ترجمه : و نمیخواهید مگر که خواهد خدا) .

نمونه ششم ، " وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا صُمُّوا وَبِكُمْ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَاءُ اللَّهُ يُضِلُّهُ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ " سورة انعام آیه ۶/۳۹ (ترجمه : کسی را که میخواهید خدا را میگذارد و کسی که میخواهد میگردانش براه راست)

(۳) آیاتی در قرآن که به اعتقاد متکلمین معتزله و قدریون در آنها نشان میدهد که انسان مختار در افعال خویش است :

نمونه اول ، " وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى " سورة نجم آیه ۵۳/۳۹ .

نمونه دوم ، " مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ " سورة نساء آیه ۴/۱۲۳ .

نمونه سوم ، " وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ " سورة كهف آیه ۱۸/۲۸ .

نمونه چهارم ، " فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ " سورة بقره آیه ۲/۷۹ .

(۴) احادیث نبوی در تایید به جبر و اینکه سرنوشت و مقدرات انسان از قبل تعیین

شده است : احادیث در این موضوع در کتب معتبره حدیث نقل گردیده و در اینجا به چند

نمونه از این قبیل از احادیث نبوی که نشان میدهد بر رد آراء موافقین به اختیار

و نیز از سرنوشت از قبل مقدر شده برای انسان .

نمونه اول ، در رد عقاید معتقدین به اختیار (قَدَرِيَّة) ۱۰۵ : " عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ وَ

سلم قال ((الْقَدَرِيَّةُ مَجْهُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ : اِنْ مَرَضُوا فَلَا تَعُوذُهُمْ . وَاِنْ مَاتُوا فَلَا تَشْهَدُوهُمْ)) " .
نمونه دوم ، حدیث در نفی معاشرت و مجالست معتقدین به اختیار ۱۰۶ : " لا

ص ۹۳

تُجَالِسُوا أَهْلَ الْقَدَرِ ، و لا تفاتحوهم " .

نمونه سوم ، در اینکه مقدرات انسان و خلقت او از قبل تعیین شده است ۱۰۷ : " اِنَّ
خَلَقَ اَحَدَكُمْ يُجْمَعُ فِي بَطْنِ امَةٍ اَرْبَعِينَ مِثْلَ ذَلِكَ ، ثُمَّ يَبْعَثُ اِلَيْهِ مَلَكٌ فَيُؤَمِّرُ
بَارِعَ كَلِمَاتٍ : فَيَكْتُبُ رِزْقَهُ وَاَجَلَهُ وِعَمَلَهُ ثُمَّ يَكْتُبُ شَقِيَّ وَ سَعِيدَ ، ثُمَّ يَنْفِخُ فِيهِ الرُّوحَ
، فَاِنَّ اَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ اَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا اِلَّا ذِرَاعٌ ، وَاَوْ
قِيْدُ ذِرَاعٍ ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا ، وَاِنْ اَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ
بِعَمَلِ اَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا اِلَّا ذِرَاعٌ ، اَوْ قِيْدُ ذِرَاعٍ ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ
الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ اَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا " .

(۵) احادیث ائمه در مذهب شیعه که " امر بین الامرین است " :

نمونه اول ، حدیث منقول از حضرت صادق (ع) در جواب سؤال از جبر و قدر (بمعنی
تفویض و اختیار) ۱۰۸ : " لَا جَبَرَ وَلَا قَدَرَ وَلَكِنْ مَنَزَلَةٌ بَيْنَهُمَا ،
فِيهَا الْحَقُّ الَّذِي يَبْنِيهِمَا لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا الْعَالِمُ اَوْ مَنْ عَلِمَهَا اِيَّاهُ الْعَالِمُ " .

نمونه دوم ، حدیث دیگری از حضرت صادق (ع) ۱۰۹ : " لَا جَبَرَ وَلَا تَفْوِيضَ وَلَا كُنْ اَمْرَيْنِ اَمْرَيْنِ " .

نمونه سوم ، حدیث منقول از حضرت صادق ع ۱۱۰ : " مردی گوید بامام صادق عرض کردم :

خدا بندگانرا بر گناه مجبور ساخته ؟ فرمود : نه ، گفتم : پس کار را بانها

وا گذاشته ؟ فرمود : نه ، گفتم پس حقیقت چیست ؟ فرمود : لطفی است از پروردگارت میان

این دو مطلب . " (ترجمه حدیث در پاورقی کتاب التوحید شیخ صدوق)

(۶) عقاید و مذاهب و فرق اسلام در مسئله جبر و اختیار برای مطالعه مراجعه کنید

به کتب اصول و کلام ، ملل و نحل شهرستانی و الفرق بین الفرق عبدالقاهر تمیمی و

کتاب التوحید شیخ صدوق باب نفی الجبر و التفویض و باب القضاء و القدر و کتب مشابه .

ص ۹۴

نمونه هائی از آثار مبارکه در قدرت و اراده الهی و نا محدود بودن آن ، قضا و قدر

و حدود توانائی انسان

نمونه اول ، در یکی از دعا‌های صبح بعد از بیدار شدن نازل گردیده قوله الاعلی ۱۱۱:

" اَيُّ رَبٍّ قَدَّرَ لِي مِنْ قَلَمِكَ الْاَعْلَى خَيْرَ الْاٰخِرَةِ وَالْاَوَّلَى اَشْهَدُ اَنَّ فِي قَبْضَتِكَ زِمَامَ الْأُمُورِ
تُبَدِّلُهَا كَيْفَ تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ أَنْتَ الَّذِي بِأَمْرِكَ تُبَدِّلُ الدَّلَّةَ بِالْعِزَّةِ وَالضَّعْفَ بِالْقُوَّةِ وَالْعَجْزَ
بِالْإِقْدَارِ وَالْاضْطِرَابَ بِالْإِطْمِينَانِ وَالرَّيْبَ بِالْإِيقَانِ "

نمونه دوم ، ایضا در یکی از دعا‌های صبح بعد از بیدار شدن نازل گردیده قوله

الاعلی ۱۱۲: " ثُمَّ اعْصِمْنَا يَا مَحْبُوبَ الْإِبْدَاعِ وَمَقْصُودَ الْإِخْتِرَاعِ بِعِصْمَتِكَ الْكُبْرَى مِنَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ
مَظَاهِرَ الْخَنَاسِ وَيُوسُوسُونَ فِي صُدُورِ النَّاسِ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ "

نمونه سوم ، در یکی از الواح حفظ از امراض و بلا‌یا نازل گردیده قوله الاعلی ۱۱۳:

" يَا مَنْ بِيَدِكَ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ "

نمونه چهارم ، در یکی از کلمات عالیات نازل گردیده قوله الاعلی ۱۱۴: " و توای

مالک من و رجای من از ملکوت عزّت نازل فرمودی حکم قضا را و از سرادقات قدرت امر

مبرم قدر را بر ساختن بیتی تا در او ساکن شود نفوس مضطربه و در او مستریح شود

عقول مجرده و بنا فرمودی او را از خاکهای پاک و پاکیزه که از ذره از آن تراب خلق

شد حقائق عالین و افتده مقدسین و بر ارکان ربوبیه مستقر فرمودی رکنهای او را و

به آفتابهای مشرقه از افق جمال زینت بخشیدی او را و مطرز فرمودی او را بذهب

صافیه و ابواب او را مزین فرمودی بیاقوت بدیعه که از جوهر هویه خلق شده بود و

مرصع فرمودی دیوارهای او را بلئالی منیعه که از لطیفه بحر احدیه ظاهر گشته بود و

چون تمام شد بنای او و ظاهر شد آیات او و هویدا شد علامات او امر فرمودی که جمیع

آنچه در آسمانهای قدرت تو سائر بودند و در هواهای عزت تو حرکت مینمودند

ص ۹۵

طائف شوند حول او را و زائر شوند تراب او را و مقبل شوند ابواب او را مردود شد

هرکه مکث نمود و مقبول شد هرکه اقبال نمود پس چون تمام شد وقت او و منقضی شد

امر او ابرهای بلا از مشرق سطوت و غضب برخاست و ملائکه قهر بحر فی ناطق شد که

لرزه بر ارکان بیت افتاد بقسمی که منهدم شد ارکان او و برو افتاد سقهای او و

منعدم شد علمتهای او گویا هرگز بنا نشده بود و بلند نگشته بود بحدیکه فراموش شد

اسم او و متفرق شد تراب او و معدوم شد رسم او پس وای وای از آنچه ظاهر شد و

هویدا گشت این است از بدائع تقدیرهای بلند توای آقای من و حمد میکنم تو را بر

نیکوئی قضای شیرین تو ای پروردگار من " .

نمونه پنجم ، در یکی از ادعیه مبارکه نازل شده قوله الاعلی ۱۱۵ : " جانها از تو
و اقتدارها در قبضه قدرت تو * هرکه را بلند کنی از ملک بگذرد و بمقام
" **وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۱)** " رسد و هرکه را بیندازی از خاک پست تر بلکه هیچ از او بهتر
* ... ای توانا ناتوانانرا توانائی بخش ... " . (۱) بنظر میرسد بیان مبارک در ادعیه محبوب اشاره به آیه
۱۹/۵۷ سوره مریم در قرآن است .

نمونه ششم ، و نیز در یکی از ادعیه نازل گردیده قوله الاعلی ۱۱۶ : " قدرت را
قدرت عباد منع نمود " .

نمونه هفتم ، در لوحی نازل که خلق الله در قبضه قدرت الهی محاط اند ۱۱۷ :
" هَؤُلَاءِ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ وَ فِي قَبْضَةِ قُدْرَتِكَ مُحَاطُونَ بِمَشِيَّتِكَ وَ ارَادَتِكَ ... " .
نمونه هشتم ، در لوح سلمان اشاراتی است واضح بر اینکه اراده غالبه الهیه محیط بر
اشیاء است . در این لوح اِمنع ابهی ، جمال کبریائی در متن لوح علتی را که اراده
مطلقه الهیه سبب تغییر و دگرگونی در روحيّات و استعدادات انسانی در هر ظهور
الهی است بیان میفرمایند . قسمت‌هایی از لوح مبارک درج میگردد ، قوله عزّیانه
۱۱۸ : " آنچه در ارض مشاهده مینمائی ولو در ظاهر مخالف اراده ظاهریه هیاکل امریه
واقع شود ولکن در باطن کل باراده الهیه بوده و خواهد بود اگر نفسی بعد از ملاحظه این لوح

ص ۹۶

در کلمه مذکوره تفکر نماید بحکمی مطلع شود که از قبل نشده چه که صورت کلمات مخزن
حقند و مودعه در آن لالی علمیه سلطان احدیه * و ید عصمت الهیه ناس را از اطلاع
بآن منع میفرماید * و چون اراده الله تعلق گرفت و ید قدرت ختم آنرا گشود بعد
ناس بآن ملتفت میشوند * مثلاً در کلمات فرقان ملاحظه نما که جمیع خزائن علمیه
جمال قدم جلّ و عز بوده و جمیع علماء در کل لیالی و ایام قراءت مینمودند و
تفاسیر مینوشتند مع ذلک قادر بر اینکه حرفی از لآلی مستوره در کنوز کلماتیه ظاهر
نمایند نبوده اند * و اذا جاء الوعد دست قدرت ظهور قبلم ختم خزائن او را علی
شأن الناس و استعدادهم حرکت داد * لذا اطفال عصر که حرفی از علوم ظاهره ادراک
نموده بر اسرار مکنونه علی قدرهم اطلاع یافتند بشانیکه طفلی علمای عصر را در
بیان ملزم مینمود * اینست قدرت ید الهیه و احاطه اراده سلطان احدیه * اگر نفسی

در این بیان مذکور تفکر نماید مشاهده مینماید که ذره از ذرات حرکت نمیکند مگر باراده حق و احدی بحر فی عارف نشده مگر بمشیت او * " . (برای درک بیشتر بیان مبارک میتوان به تبیین حضرت عبدالبهاء در موضوع بهار روحانی و بروز استعدادات و قابلیتات انسانی در هر ظهور جدیدی مراجعه نمود) .

در اراده انسان ، نمونه هائی از آیات الهی که مبین آنست که انسان دارای اراده و اختیار در مقابل قبول و یا اعراض دعوت مظاهر الهی ، کسب کمالات و رزائل و انجام عمل نیک و بد است

توضیح این نکته ضروری بنظر میرسد که در مطالعه این قبیل از آیات الهی با الفاظی مواجه میشویم که اطاعت و تمکین و سرپیچی و اعراض انسان در مقابل بیانات الهیه و اوامر و نواهی بعهده و اراده انسان موکول و منوط است . در آیاتی که در آن انسان را به عملی و یا ترک عملی امر و تشویق فرموده اند برای آن اجر و پاداش (نوید وعد) قرار داده اند و برای اعراض به دعوت حق و سرپیچی از اوامر الهی جزای اخروی

ص ۹۷

(خوف و عید) و نیز حکم قصاص برای سرپیچی و تخلف از احکام الهی نازل شده است و چون این قبیل از آیات الهی در نهایت صراحت و درک و فهمیدن آن آسان است به چند نمونه اکتفا میشود .

نمونه اول ۱۱۹ : " **جهد نما تا ظاهر شود از تو ما بقی بیه ذکرک بدوام الملک و الملکوت** " .

نمونه دوم ۱۲۰ : " **مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْرِفَهُ بغيره لَا يَعْرِفُهُ أَبَدًا** " .

نمونه سوم ۱۲۱ : " **ضَعْ هَوَاكَ ، وَخُذْ أَمْرَ مَوْلَاكَ** " .

نمونه چهارم ۱۲۲ : " **در بحر غفلت و نادانی مستغرق بودم لسان فضل مرا اخذ نمود و به عنایت مرا اخذ کرد ... از ذکر غافل شدم و توازن من غافل نشدی** " .

نمونه پنجم ۱۲۳ : " **طوبی از برای نفوسیکه در ظل سدره طوبی ماوی گرفته اند ، و نیکوست حال عبادیکه از ریح بیان رحمن آشامیده اند ، و طوبی از برای رجالیکه سطوت ابطال ایشان را از غنی متعال منع ننمود ، و طوبی از برای اولیائی که بنور ایقان منورند و در ظل سدره آرمیده اند ، طوبی از برای حزبیکه از عالم گذشته اند**

و بافق اراده مالک قدم ناظرند ، و طوبی از برای اصحابیکه مترصد اجرای اوامرالله بوده و هستند ، صائمند بامرش آکلند بأذنش قائمند بر خدمتش و ناطقند بشنايش متنفسند بحبش ، طوبی از برای عشاق که از آفاق و بحر و برگزشتند و بذروه علیا و غایه قصوی فائز گشتند ، طوبی از برای حزیکه احزاب عالم ایشانرا از اصغاء حقیف سدره منتهی محروم نساخت ، نعیم از برای نفوسیکه بتراب سجن مزینند ، طوبی از برای قدومیکه باین ارض فائز شد و از هواء آن عرف آیات الهی را استشمام نمود ، و طوبی از برای نفوسیکه در راه دوست یکتا حمل بلایا نمودند ، ایشانند جبال فضل حق جل جلاله . یا حزب الله امروز تیر بیان مشرق و دریای رحمت رحمانی موج ، نیکوست حال نفسی که باقبال فائز شد و باستقامت مزین گشت ، طوبی از برای عبادیکه در این پیدا

ص ۹۸

بکلمه مبارکه لَبَّيْكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِ ناطق گشتند ، و طوبی از برای رجالیکه از کوثر این ارض نوشیدند و در ظل اشجار آرمیدند ، طوبی از برای مسافرین که در این عصر یوم نهم شهر صیام نیر اعظم از اعلی افق عالم بآن توجه نمود و پرتو افکند ، نعیم از برای مهاجرین که باذن توجه نمودند و مشقتهای سفر را حمل کردند تا آنکه فائز شدند بآنچه که در کتاب الهی از قلم اعلی مذکور و مسطور است ، صد هزار " از برای نفوسیکه مترصد آمرند و زحمت صوم را لوجه الله حمل نموده اند ، بقلیل قناعت کرده اند و از کثیر در سیل خیر گذشته اند ، بحر رحمت از برای نفوسیکه اوهامات عالم ایشان را منع نمود و حجابات امم از تقرّب باز نداشت ، ببازوی یقین سدهای ظنون را شکستند و بافق اعلی توجه نمودند ، بحر نور از برای عبادیکه باعمال و اخلاق حق را نصرت نمودند " .

نمونه ششم ۱۲۴ : " ایاکم ان تتوقفوا فی هذا الجمال بعد الذی ظهر بسلطان القدرة و القوة و الاستجلال انه لهو الحق و ما سويه معدوم عند احدٍ من عباده و مفقود لدی ظهور انواره ان اسرعوا الی کوثر الفضل و لا تکنون من الصابرين و من توقف اقل من آن لیحبط الله عمله و یرجعه الی مقر القهر فبئس مثوی المتوقفین " .

نمونه هفتم : آیات و کلماتی در الواح نازله که نسبت اراده و انجام و یا اقدام به عملی به انسان داده شده است مانند : " من اراد " ، " من اعرض " و در زیارتنامه حضرت اعلی و حضرت بهاء الله نازل : " مَنْ فَازَ " ، " مَنْ آمَنَ " ، " مَنْ عَرَفَكَ

... مَنْ فَازَ بِلِقَائِكَ ... فَطُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِكَ ... فَوَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَانْكَرَكَ وَكَفَرَ
بِآيَاتِكَ وَجَاهَدَ بِسُلْطَانِكَ وَحَارَبَ بِنَفْسِكَ وَاسْتَكْبَرَ لَدَى وَجْهِكَ وَجَادَلَ بَبْرْهَانِكَ وَفَرَّ مِنْ حُكُومَتِكَ وَ
اِقْتِدَارِكَ " .

نمونه هشتم : تعالیم اخلاقی و نصایح قلم اعلیٰ در تهذیب نفس و استکمال روح :
کلمات مکنونه و نصایح قلم اعلیٰ به انسان نمونه دیگری از دارا بودن اراده انسان به

ص ۹۹

ارتکاب عمل خیر و شر و انتخاب راه رسیدن به سعادت و شقاوت است : " ای دوست
در روضه قلب جز گل عشق مکار و از ذیل بلبل حب و شوق دست مدار * مصاحبت ابرار را
غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار " : " ای دوستان رضای خود را
بر رضای من اختیار کنید و آنچه برای شما نخواهم هرگز نخواهید ... " ، " ای پسر
خاک جمیع آنچه در آسمانها و زمین است از برای تو مقرر داشتم مگر قلبی که محل
نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم و تو منزل و محل مرا بغیر من گذاشتی *
چنانچه در هر زمان که ظهور قدس من آهنگ مکان خود نمود غیر خود را یافت اغیار دید
و لامکان بحرم جانان شتافت ... " ، " ای بنده من ملک بیزوال را بانزالی از دست
منه و شاهنشهی فردوس را بشهوتی از دست مده ... " .

نمونه هائی از آیات الهی که در آنها ، اراده الهی و نیز مختار بودن انسان توأم
نازل گردیده است

نمونه اول در لوح آخر شهر صیام ۱۲۶ قوله الاعلیٰ : " طُوبَى لِمَنْ أَقْبَلَ إِلَيْكَ فَوَيْلٌ لِمَنْ أَعْرَضَ وَكَفَرَ
بِكَ وَبِآيَاتِكَ فِي هَذَا الظُّهُورِ الَّذِي فِيهِ أَسْوَدَتْ وَجْوهُ مَظَاهِرِ النَّفْسِ وَابْيَضَّتْ وَجْوهُ مَطَالِعِ الْإِثْبَاتِ يَا
مَالِكَ الْأَسْمَاءِ وَ الْأَصْفَاتِ وَ فِي قَبْضَتِكَ زِمَامُ الْمَوْجُودَاتِ " .

معتقدات اهل بها در مسائل قضا و قدر ، جبر و اختیار و حدود اختیارات انسان در
آثار مبارکه

معتقدات اهل بها در مسئله جبر و اختیار که در متون الواح دیده می شود ، تبیینات
مولای حنون حضرت عبدالبهاء است که ابواب تشتت آراء و عقاید و استنباطات فردی را
بکلی مسدود فرموده و جواب روشن و بی نیاز تحقیق بیشتری را به عالم انسانی عنایت

فرموده است . بنظر میرسد که رؤس تبیینات مبارکه به اختصار عبارتند از :

ص ۱۰۰

(۱) در معنی قدر : در لوحی میفرمایند قوله الاحلی ۱۲۷ : " قَدْرُ استعداد و لیاقت و اندازه خود اشیا است زیرا معنی قدر اندازه است و قضای الهی که عبارت از حکم ربانی در حقایق اشیا است بقدر و اندازه اشیا ظاهر میشود . "

(۲) حدود اختیارات انسان : در مفاوضات میفرمایند قوله الاحلی ۱۲۸ : " اموری در تحت اختیار انسان است مثل عدل و انصاف و ظلم و اعتساف مختصرا اعمال خیریه و افعال شرّیه این واضح و مشهود است که اراده انسان در این اعمال مدخلی عظیم دارد . "

(۳) مسئولیت در مقابل اختیار : در مفاوضات بیان میفرمایند که اعمال و افعالی که در تحت اختیار انسان است در مقابل عمل و اقدام به آن مسؤول نتایج حاصله از آن است ۱۲۹ : " اما در اعمال خیریه و شرّیه مخیر است و باختیار خویش ارتکاب آن نماید مثلاً اگر خواهد بذکر خدا مشغول گردد و اگر خواهد بیاد غیر مالوف شود ممکن است که از نار محبة الله شمعى برافروزد و میسر است که محب عالم گردد و یا مبغض بنی آدم شود و یا بحب دنیا پردازد و یا عادل شود و یا ظالم گردد این اعمال و افعال در تحت تصرف خود انسان است لهذا مسؤول از آن " .

(۴) بشر عجز صرف است : در مطالعه و تعمق در بقیه بیانات مبارکه در مفاوضات چنین مفهوم میگردد که داشتن اراده و اختیار در انسان و ارتکاب اعمال خیر و شر دلیل بر دارا بودن قدرت در انسان نیست . زیرا پس از اینکه بیانات مبسوطی در اختیار به ارتکاب اعمال برای انسان قائلند ، در ادامه تبیینات مبارکه به عجز و نا توانی انسان اشاره میفرمایند قوله العزیز ۱۳۰ : " اما مسئله دیگر در میانست و آن اینکه بشر عجز صرف است و فقر بحت توانائی و قدرت مخصوص حضرت پروردگار است و علو و دنو بسته بمشیت و اراده جناب کبریا ... و همچنین جمیع حرکات و سکنات انسانی مستمد از مدد رحمان ولکن اختیار خیر و شر راجع به انسان " .

ص ۱۰۱

تحقیقی در دو فقره از آیات و بیانات الهی که از یک جهت سلب اختیار و اراده از انسان و از جهتی دیگر ، بیان امریه ایست که در آن امر و تکلیف به اجرای او امر

الهی شده در عین حال اجرای آن اوامر و نواهی موکول به مراتب ایمان و درجه ایقان

به مظهر امرالله شده است در تغمّس در بحور بیکران و بینهایت عمیق الواح قلم
اعلی با بیانات و آیاتی مواجه میشویم که در ظاهر آن هر دو جنبه های جبر و اختیار
را در آنها مشاهده میکنیم - زیارت هر یک از آنها به تنهایی (بدون ارتباط آن با
سایر بیانات الهیه) از آن کلمات نازله همان معانی ناشی میشود که به ادراک زائر
آیات میرسد و آن معنی به ظاهر آیات و بیانات مبارکه است . و چون بیان دیگری را
زیارت کنیم که در عین حال که معنی ظاهری آن حاکی از مقصد و منظور دیگری است .
ولی در حقیقت تاویل و توضیح کلی یا جزئی برای فهم و درک آن بیان بخصوص و نیز
سایر الواح نازله از قلم اعلی است . ذکر چند نمونه از این قبیل بیانات مبارکه
مطلب را روشن میکند . (۱) در کتاب مستطاب اقدس در بند ۳ نازل قوله تعالی : " یا
ملاء الارض اعملوا انّ اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی كذلك
نزل الامر من سماء مشیت ربکم مالک الادیان " و نیز در بند ۴ نازل قوله تعالی :
" اعملوا حدودی حبا لجمالی " . (۲) در لوح اشراقات نازل قوله جلّ بیانه : " و
اما العصمة الكبرى لمن كان مقامه مقدساً عن الاوامر والنواهي ومنزهاً عن
الخطا والنسيان انه نور لا تعقبه الظلمة و صواب لا يعتريه الخطاء لويحكم على
الماء حكم الخمر و على السماء حكم الارض و على النور حكم النار حق لا ريب فيه و
ليس لاحد ان يعترض عليه او يقول لم و بم و الذي اعترض انه من المعرضين في
كتاب الله رب العالمين انه لا يسئل عما يفعل و كل عن كل يسئلون انه اتى من
سماء الغيب و معه راية يفعل ما يشاء و جنود القدرة و الاختيار و لدونه ان يتمسك
بما امر به من الشرائع و الاحكام لو يتجاوز عنها على قدر شعرة واحدة ليحبط عمله " .

ص ۱۰۲

توجیه و تحقیق در دو آیه نازله در کتاب اقدس امر به اجرای حدود است . و بسی
واضح است که برای مؤمن بامر الله حکم جبری است و اطاعت آن لازم و واجب و در
اینصورت بنده مؤمن را هیچ اختیاری نیست (تحقیق در اوامر و نواهی در نوع دهم از
انواع و روش شناخت بیان بررسی اجمالی شده است) . در این تحقیق مقصد اینست که
الزام در اجرای اوامر را به جبر پنداریم و یا اینکه اجرای اوامر را بدون لم و بم
مسئولیت وجدانی و ایمانی خود بدانیم . این حقیقت غیر قابل انکار است که انسانی

که به مظهر ظهور و شارع دین ایمان ندارد ، برای او نه جبری است نه اختیاری .
 زیرا او در حلقه مومنان نیست که بر او حکمی و امری شود و آن در قبل با توضیحاتی
 باختصار باستناد بیانات الهیه داده شد - خداوند انسان را آزاد در انتخاب قرار
 داده است و در عین حال نتایج و عقوبت آنرا به او با آیات اندازیه بیان فرموده
 است . آنچه میماند کیفیت مومن به جمال قدم جل اسمه الاعظم است که در انتخاب
 اوامر و احکام مخیر است یا مجبور . در زیارت آیات نازله در کتاب الله و قسطاس
 اعظم پس از امر به احکام و اجرای حدود در نهایت صراحت و صرامت ، حصول خیر برای
 عامل را خداوند بیان فرموده است . بنظر میرسد که مطالعه تطبیقی آیات مقدسه فوق
 را به اینصورت میتوان بیان کرد : حکم الهی به بندگان جنبه جبریّه دارد و بلاشک
 برای هر مومنی لازم الاجراء است . زیرا اولاً بیان شان امریه دارد و تخلف و
 سرپیچی از آن اوامر جایز نیست و در قبال عدم اجرای آنها یا خسران و عقوبت ابدی
 است و یا اینکه خسران و عقوبت معنوی ، و قصاص و جزا برای نواهی و پاداش و عطوفت
 الهی برای اقدام به اوامر الهی که در آنها خیری وجود دارد مانند اجرای صوم و
 صلاّه و امر به تبلیغ و محبّت و داد با اهل عالم و عفت و عصمت و امانت و پرهیز
 از کذب و افترا و تشبّث به تقوی و نظایر آن - برای هریک از اوامر و نواهی و
 اجرای حدود در آیات الهی حکمتی مقرر فرموده اند که میتوان گفت عبارتند از : (۱)
 احکام و حدود الهی را

ص ۱۰۳

چراغهای عنایت و رحمت الهی در مابین عباد قرار داده اند . پس با اطمینان خاطر
 اطاعت موجد خیر است ، زیرا اوامر نازله عنایت و رحمت الهیست . (۲) حدود الهی را
 " عرف قمیصی " بیان فرموده اند . پس هر مومنی ، با اجرای حدود الله قمیص شارع و
 مظهر جمال و کمال الهی را استشمام مینماید . البته بسی واضح و مبین است که
 استشمام عرف قمیص مظهر الهی برای هر عبد ایشان منتهای آرزو و نهایت آمال است .
 (۳) حق لِمَ و بِمَ را از انسان ، در مقابل هر نوع از بیانات و آیات الهیه سلب
 فرموده اند و دلیل بر آنرا " عصمت کبری " که جزء ذاتیات شارع امر است و از هر
 گونه خطا و نسیان مبری است بیان فرموده اند . و این بدیهی است ، که هر بیانی که
 من جانب الله بوسیله مظهر الهی نازل شود چون در آن خطائی نیست فوز به آن خیر

است . پس اوامر و لو بظاهر در آن جبر و سلب اراده از انسان است ولی در حقیقت آن پزشک دانا درد را شناخته و نسخه درمان عنایت فرموده لذا اوامر نهایت درجه لطف و عنایت خداوند است .

بیان در معنی آزادی و حد آزادی برای انسان تحقیق در اینکه حدود آزادی برای انسان تا چه اندازه است موضوعی است که برای هر صاحب رای و فردی متفاوت است و بستگی تام دارد به : وسعت فکر و پرورش دایره عقل و ملاحظات او در محیطی که در آن زیست میکند و از حوادث و اتفاقات آن متأثر میگردد و نیز با یقین میتوان گفت که مرتبط است با درجه ایمان بامر مبارک و مراتب عرفان و تمسک به اوامر و نواهی . در اینصورت ، برای هر نوع انسانی یک مقیاس سنجش و ارزیابی وجود دارد که با آن حدود آزادی و خواسته های خود را در محدوده قوانین مدنی که بر جامعه ای که در آن زندگی میکند و حکمفرما است تعیین مینماید و انتظاراتش را می خواهد که برآورده شود . و چون بتعداد انسانهایی که در همان جامعه ، انتظارات متفاوت و گوناگونی وجود دارد به آسانی میتوان نتیجه گرفت که شمار حدود آزادی و

ص ۱۰۴

خواسته های انسانی متفاوت است . و چون اینگونه خواسته ها مبنای بشری و غیر الهی دارد همه آنها نسبی است و لزوما متضمن سعادت شخص آزادی خواه نیست . زیرا در آن نوع از جویای آزادی و آزادی خواهی تمنیات انسانی است که به رنگها و الوان هواهای نفسانی و مادی و نظایر آن در خواسته ها و تمنیات انسان جلوه گر میگردد و بازتاب و ثمرات مخرب آن بالمال هرج و مرج روحی و بی بند و باری است . در لوحی اینگونه از تمنیات نفسانی را با این کلمات گهر بار و آموزنده بیان میفرمایند قوله جلّ بیانه ۱۳۱ :

" دشمن شما چیزهای شما است که بخواهش خود آن را یافته اید و نگاه داشته اید و جان را بان آلوده اید " . در لوح العالم (دنیا) آزادی حقیقی را تمسک به آیات منزله از قلم اعلی بیان فرموده اند قوله جل بیانه : " الحمد لله حق جل جلاله بمفتاح قلم اعلی ابواب افنده قلوب را گشوده و هر آیه از آیات منزله بایست مبین از برای ظهور اخلاق روحانیه و اعمال مقدسه " این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه نبوده و نیست * باید اهل عالم طرا بانچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند تا بازادی حقیقی فائز شوند " .

تبیین و معنی آزادی و اقسام آن در خطابه ای که حضرت عبدالبهاء در بوایست ایراد فرمودند به سه قسم آزادی اشاره فرموده اند قوله الاحلی ۱۳۲ : " آزادی سه قسم است آزادی الهی است که بذات باری مخصوص است و اوست مختار مطلق کسی او را مجبور نمیتواند نمود در هیچ شانی از شئون . یک آزادی اروپائیه است که انسان هرچه میخواهد میکند بشرطی که بدیگری ضرر نرساند این حریت طبیعی است و اعظم درجه آن در عالم حیوان این شان حیوان است ... اما آزادی سوم در تحت سنن و احکام الهیه است این حریت عالم انسانی است که قطع علاقه قلبی از جمیع اشیاء میکند از جمیع مشقات و احزان آسوده میشود هر قدر انسان وجدانش ترقی میکند قلبش آزاد تر میشود و روحش مستبشر تر در دین الله حریت افکار هست زیرا حاکم بر وجدان

ص ۱۰۵

نیست غیر از خدا اما بدرجه که خارج از آداب نباشد در دین الله حریت اعمال نیست از قانون الهی نمیتواند انسان تجاوز نماید ولو ضرری بغیر نرساند چه مقصود از قانون الهی تربیت غیر و خود است چه عندالله ضرر خود و غیر یکسان و هر دو مذموم است "

بیان در معانی و مقصود از جنت ، نعیم و نار ، قیامت و معاد این نوع از بیان در روش هفدهم مورد تحقیق و بحث قرار گرفته است .

بیان در طلب مغفرت و آمرزش و اینکه باید از حق طلب آمرزش کرد نه غیر او
در امر بهائی روشهای مرسوم عفوگناهان در نزد روسای کلیسا بکلی مردود شناخته شده است - جمال اقدس ابهی در بشارت نهم در لوح مقدس بشارات ابواب اینگونه اعمال و منزلت خواهی روسای کلیسا را که هزاران سال سبب تحت نفوذ و در اراده خود قرار دادن سرنوشت دنیوی و روحانی امت نصاری بوده است منسوخ ، عزت عباد را به آنان اعطا فرموده و طلب مغفرت و آمرزش را فقط از طریق تشبث فردی به ساحت درگاه و بارگاه بی انباز الهی مقرر فرموده اند . اینست بیان مبارک قوله الاعلی : " (بشارت نهم) باید عاصی در حالتیکه از غیر الله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند * نزد عباد اظهار خطایا و معاصی جائز نه چه که سبب و علت آمرزش و عفو الهی نبوده و نیست * همچنین این اقرار نزد خلق سبب حقارت و

ذلت است و حق جل جلاله ذلت عباد خود را دوست ندارد انه هو المشفق الكريم *

عاصی باید مابین خود و خدا از بحر رحمت رحمت طلبد و از سماء کرم مغفرت مسئلت کند

و عرض نماید " * إِلَهِي إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِدَمَاءِ عَاشِقِيكَ الَّذِينَ اجْتَدَبَهُمْ بَيَانُكَ الْأَحْلَى بِحَيْثُ قَصَدُوا الذَّرْوَةَ
 أَعْلَى مَقَرِّ الشَّهَادَةِ الْكُبْرَى وَبِأَسْرَارِ الْمَكْنُونَةِ فِي عِلْمِكَ وَبِاللَّائِلِي الْمَخْزُونَةِ فِي بَحْرِ عَطَائِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ
 لِأَبِي وَآمِي وَإِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ أَيْ رَبِّ تَرَى جَوْهَرَ الْخَطَاءِ أَقْبَلَ إِلَى

ص ۱۰۶

بَحْرِ عَطَائِكَ وَالضَّعِيفَ مَلَكُوتَ اقْتِدَارِكَ وَالْفَقِيرَ شَمْسَ غَنَائِكَ أَيْ رَبِّ لَا تُخَيِّبْ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَلَا تَمْنَعْهُ
 عَنْ فَيُوضَاتِ أَيْامِكَ وَلَا تَطْرُدْهُ عَنْ بَابِكَ الَّذِي فَتَحْتَهُ عَلَيَّ مَنْ فِي أَرْضِكَ وَسَمَاءِكَ آه آه خَطِيئَاتِي
 مَنَعْتَنِي عَنْ التَّوَجُّهِ إِلَى خِباءِ مَجْدِكَ قَدْ عَمِلْتُ مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَتَرَكْتُ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِ الْأَسْمَاءِ
 أَنْ تَكْتُبَ لِي مِنْ قَلَمِ الْفَضْلِ وَالْعَطَاءِ مَا يَقْرُبُنِي إِلَيْكَ وَيُطَهِّرُنِي عَنْ جَرِيرَاتِي أَلَّتِي حَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَفْوِكَ
 وَغُفْرَانِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْفَيَاضُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْفَضَالُ ". جهت مزید اطلاع رجوع کنید به لوح
 نصیر نازله از قلم اعلی با مطلع " هو البهی الأبهی " صفحه ۱۶۶ الی ۲۰۲ چاپ مصر . در صفحه ۱۹۸ .
 " اَی رَبِّ فَارْسِلْ عَلَيَّ نَسَائِمَ الْغُفْرَانِ ... " و با اعراب در اذکار المقربین جلد اول صفحه ۸۳ . طبع
 طهران . ۱۰۴ بدیع تألیف جناب عبدالحمید اشراق خاوری .

در ادعیه و مناجاتهای نازله از قلم اعلی که در ادعیه حضرت محبوب و اذکار
 المقربین ، و نیز مناجاتهای حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله عموماً حاوی طلب عفو و غفران به
 درگاه خدای متعال و مظهر جمال و کمال و صفات او حضرت بهاء الله جل کبریائه است .

بیان در رعایت احترام علمای سایر ادیان

جمال کبریائی به آن گروه از علمای سایر ادیان که اعمال و کردارشان از هواهای
 نفسانی و حب ریاست به دور میباشد به نیکی یاد فرموده و احترام ایشان را لازم
 شمرده اند .

در لوح العالم (دنیا) میفرمایند قوله عز کبریائه : " یا حزب الله علمای
 راشدین که بهدایت عباد مشغولند و از وساوس نفس آماره مصون و محفوظ ایشان از انجم
 سماء عرفان نزد مقصود عالمیان محسوب * احترام ایشان لازم " حضرت ولی محبوب
 امرالله علمای مذکور در بیان مبارک را تبیین فرموده اند که مقصود علمای سایر
 ادیان است (مراجعه فرمائید به توقیع منبع " ظهور عدل الهی ") .

نوع هفتم : اصول و مبادی اداری

در این قسمت بذکر کلیات پرداخته و به چند اصل که جنبه تعمیم در کلیه نظامات تشکیلات اداری بهائی دارد اکتفا میشود .

ص ۱۰۷

اصل اول مؤسس تشکیلات و مؤسسات بهائی شارع امر اعظم است . تاسیس بیت عدل محلی و بیت عدل عمومی .

اصل دوم سریان و جریان قوه قدسیه متتابع از دو ظهور الهی در مؤسسات اداری بهائی : حضرت شوقی افندی ربانی ولی عزیز امرالله در سه اثر جاودانی که برای اهل بهاء و عالم انسانی بودیعه گذارده اند ، بیان فرموده اند که تاسیسات اداری بهائی از نفثات قدسیه الهیه بهره مند و مستفیض است و این وجه ممیزه و غیر قابل مقایسه و انطباق آن است با مؤسسات مذهبی و غیر مذهبی گذشته و کنونی عالم . این سه اثر جاودانی : لوح قرن خطاب باحبای شرق ، گاد پاسز بای (توقیع قرن بدیع) و توقیع دوربهائی ترجمه از زبان انگلیسی خطاب باحبای غرب است . در لوح قرن و گادپاسز بای بیانات مشابهی در اینخصوص است . در لوح قرن میفرمایند قوله الاحلی : " قوه قدسیه که در مدینه طیبه شیراز نقطه بیان در سته ستین بآن بشارت داده و در طی سته تسع در ارض مقدسه در زندان طهران متولد گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سر در سته ثمانین بمنتهی درجه قدرت در حقایق کائنات سریان و نفوذ نموده و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غربیه را بحرکت آورده پس از افول کوبک میثاق این قوه ساریه دافعه نافذه در مشروعات و مؤسسات بهیه پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور گشت " - مشابه این بیان مبارک با اندک تفاوتی و توضیح بیشتری در منشاء و مبداء قوه قدسیه و سریان آن در مؤسسات بهائی در فصل چهاردهم گادپاسز بای (ترجمه) بیان گردیده است : " قوه قدسیه الهیه که در سته ستین در شیراز تولد یافت و در ارض طابوعان جدید حاصل نمود و شعله اش در مدینه الله و ارض سر مرتفع گردید و نفحات مسکیه اش عالم غرب را معطر و اقطار شاسعه جهانرا معنبر ساخت اکنون با طلوع عصر تکوین در مشروعات و مؤسسات بهیه این امر نازنین

ص ۱۰۸

بمنزله مجاری و قنوات جهة ایصال فیض نامتناهی الهی بجهان بشری است حلول نمود " -
در اصل توقیع بزبان انگلیسی هیکل مبارک قوه قدسیّه را به " روح همیشه زنده و
حیات بخش) بیان فرموده اند . مسائل در تحقیق این بیان احلای مبارک عبارتند از :
مسئله اول : قوه قدسیّه الهیه ساریه در موسسات بهائی از دو جوهر مجرد الهی
استفاضه مینماید (۱) قوه نافذه و ساریه ، (۲) قوه دافعه . تاثیر تصمیمات متخذه
در تشکیلات اداری بهائی در تحت قیادت بیت العدل اعظم در حفظ و صیانت امر بهائی .
مسئله دوم : تداوم و استمرار لاینقطع نفثات قدسیّه و نیروی حیات بخش امر پس از
صعود شارع امر از عالم شهود .

اصل سوم اساس تصمیمات متخذه در موسسات اداری بهائی بر مبنای شور و رای اکثریت
بوده و کل موظف باطاعت اند . از حضرت بهاء الله است در اشراق سوم در لوح
اشراقات قوله جل بیانه : " آسمان حکمت الهی بدو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت "
مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را بیقین تبدیل نماید اوست سراج نورانی در
عالم ظلمانی راه نماید و هدایت کند از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و
خواهد بود و بلوغ و ظهور خود بمشورت ظاهر و هویدا " . بیان مبارک حضرت عبدالبهاء
در اینخصوص در باره فریضه اصحاب شور نیز مؤید بر این اصل است قوله الاحلی ۱۳۴ :
" و چون اختلاف آراء ظاهر شود رجوع باکثریت آراء کنند و کل اکثریت را مطیع و منقاد
گردند " . بیان مبارک حضرت ولی امرالله در اطاعت کامل از رای اکثریت نقل قسمتی
از بیانات حضرت عبدالبهاء را فرموده اند قوله الاحلی ۱۳۵ : " بفرموده حضرت
عبدالبهاء رای اکثریت ندای حق بوده و قابل احتجاج نیست " .
اصل چهارم در دور بهائی فرموده اند قوله الاحلی ۱۳۶ : " عصر تکوین دور بهائی به

ص ۱۰۹

ارتفاع نظم اداری مخصّص گشته و این نظم بمثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر
گرانهای امرالله است ... این نظم عامل اصلیه ایست که این شرع انور را به مرحله
نهایی وارد خواهد کرد "

نوع هشتم : بیان در ذکر معرضین و ناکثین و خسران معاندین و مخالفین امرالله

طبقه بندی اعدای امر و معاندین

معرضین و معاندین و ناکثین و اعداء امرالله را بر اساس مستندات تاریخی و نوع بیانات در الواح مبارکه در طبقات چندی میتوان شناسائی نمود باین شرح :

(۱) اعداء و دشمنان امرالله که دارای مشاغل و مناسب دولتی و حکومتی بوده اند ، مانند ناصرالدین شاه و مادر او ، میرزا تقی خان صدر اعظم ناصرالدین شاه ، سلطان عبدالعزیز و سلطان عبدالحمید امپراطوران عثمانی و فواد پاشا و عالی پاشا صدر اعظم و وزیر خارجه دولت عثمانی ، میرزا سعید خان سفیر ایران در دولت عثمانی و غیره .

(۲) علمای اسلام مانند : شیخ محمد تقی نجفی ملقب به ابن ذئب ، حاجی محمد کریم خان کرمانی ، سعیدالعلما در مازندران ، ملا محمد ممقانی و شیخ الاسلام تبریز و نیز علمای محلی در گوشه و کنار ایران که فتوا و تحریکات خصمانه آنان سبب سفک دم مطهر شهدای امر در عصر رسولی شد .

(۳) معرضین اهل بیان : این عده از افراد را میتوان به دو دسته تقسیم نمود . دسته ای که به مخالفت علنی با من یظهره الله پرداختند که به ناکثین عهد اعلیٰ موسومند و با قبول ادعاهای واهی و بی اساس یحیی ازل ، خود را به او منسوب نمودند و از فیض جدید محروم گشتند در راس این گروه میرزا یحیی ازل ، سید محمد اصفهانی و اولاد یحیی ازل و جمعی از حروف حی ، هادی دولت آبادی و دسته ای قلیل که بابی باقی ماندند و ایمان نیاوردند .

ص ۱۱۰

آیات و الواح نازلہ در انذار و خسران اعداء امرالله این نوع از الواح مبارکه را

که خطاب مستقیم و یا غیر مستقیم است ، به چند طبقه میتوان تقسیم بندی نمود :

۱ - انذارات بملوک و سلاطین ارض

۲ - انذار به علمای اسلام بصورت های فردی و دسته جمعی

۳ - انذارات به " قوم " ، مردم معمولی یا بعبارتی " عامه " این انذارات پس از

اینکه آنانرا به امر جدید دعوت فرموده اند در صورت عدم اقبال و رد دعوتشان در حق

آنان نازل گردیده است .

۳ - معرضین بیان ، لحن الواح دارای وجوه نصیحت ، انذار و تذکر عاقبت حال آنان در صورت عدم اقبال بامر مبارک است . خطابات قلم اعلی به این جمعیت و گروه بصورت های خطاب فردی و دسته جمعی است .

نمونه هائی از الواح و آیات اندازی و خطابات قهریه که در اول و یا در متن لوح خطاب در آنها الفاظ " وِیْلٌ " ، " اَیَّاکُمْ " ، " اِتَّقُوا " نازل گردیده باین شرح است :

(۱) در زیارتنامه نازل شده است قوله الاعلی ۱۳۷ : " فَوِیْلٌ لِّمَنْ ظَلَمَكَ وَانْكَرَكَ وَكَفَرَ بِآیَاتِكَ وَجَاهَدَ بِسُلْطَانِكَ وَحَارَبَ بِنَفْسِكَ وَاسْتَكْبَرَ لَدَى وَجْهِكَ وَجَادَلَ بِبِرْهَانِكَ وَفَرَّ مِنْ حُكُومَتِكَ وَاقْتَدَارَكَ وَكَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فِی الْوَحِ الْقُدُسِ مِنْ اِصْبَعِ الْأَمْرِ مَكْتُوبًا " .

- بنظر میرسد که این انذار عمومیت دارد و همه کسانی را شامل میشود که به مظهر امر اقبال ننموده و با ایشان مخالفت کرده اند .

(۲) در لوح ایوب در نصرت امرالله در هدم کسانی که ایمان نیاورده اند نازل گردیده قوله الاعلی ۱۳۸ : " فَسَوْفَ يُظْهِرُ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَيَفْصِلُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَيَرْفَعُ أَعْلَامَ الْهُدَايَةِ وَيَهْدِمُ أَثَارَ الْمُشْرِكِينَ مَجْمُوعًا " .

(۳) در سوره هیکل نیز بیان اعلاى مشابهی نازل گردیده قوله الاعلی ۱۳۹ : " اَیَّاکُمْ اِنْ تَتَوَقَّفُوا فِی هَذَا الْجَمَالِ بَعْدَ الَّذِیْ ظَهَرَ بِسُلْطَانِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ وَالْإِسْتِجْلَالِ اِنَّهُ لَهُوَ الْحَقُّ وَمَا سِوَاهُ مَعْدُومٌ "

ص ۱۱۱

عِنْدَ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِهِ وَ مَفْقُودٌ لَدَى ظُهُورِ انوارِهِ اِنْ اسْرَعُوا اِلَى كَوْنِ الْفَضْلِ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ مِنْ تَوَقَّفِ اَقْلٍ مِنْ اِنْ لِيَحْبِطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ يَرْجِعَهُ اِیْ مَقَرَّ الْقَهْرِ فَبئْسَ مَثْوًى الْمَتَوَقِّفِينَ "

(۴) در لوح برهان آیات مهیمنی در انذار عمومی به معرضین و منکرین و غفلت کنندگان از دعوت جدید الهی نازل شده است قوله الاعلی ۱۴۰ : " وَ وِیْلٌ لِّلْمُعْرِضِينَ وَ وِیْلٌ لِّلْمُنْكَرِينَ وَ وِیْلٌ لِّلْغَافِلِينَ " .

(۵) در لوحی در عاقبت و حال معرضین بیان نازل گردیده قوله الاعلی ۱۴۱ : " يَا عَلِیُّ اِنَّ الْقَوْمَ فِیْ خُسْرَانٍ عَظِیْمٍ اَسْمَعْ نِدَاءَ الْمَظْلُومِ اِنَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ الْمَهِیْمُنُ الْقِیُومُ مَقَامِیْکَ هَزَارَ عَلِیُّ بِکَلِمَةٍ اَشْخَقَ خَلْقٌ مِشْرِیْمٌ مَعْرِضِیْنِ بَیَّانٍ اَزْ اَنْ گَزَشْتَهُ اَنْدَ وَ بَهْ اَوْهَامِ حِزْبِ شِیْعَه تَمْسُکَ جَسْتَهْ اَنْدَ ... بَکُوْازِ حَقِّ بَتَرَسِیْدِ وَ اَزْ بَرایِ دُوْیُومِ اَزْ بَرایِ خُودِ عَذَابِ اَبَدِیِّ اَخْتِیَارِ مَکْنِیْدِ " .

۶) در لوح برهان انذار خصوصی به مخاطب لوح " رقصاء " نازل گردیده قوله الاعلیٰ ۱۴۲ : " ویل لك یا ایّها المشرك بالله " .

تحقیق در مسائل در بیانات مبارکه

اینک میپردازد به مسائلی که پس از مطالعه و شناخت نوع بیان میتوان در آنها تحقیق نمود . لازم به یاد آوری است که با مطالعه تاریخ امر در عصر رسولی ، استنتاج این حقیقت بدیهی و واضح است که در مقایسه با ادیان قبل و ظهورات گذشته اعدا و معرضین این ظهور اعظم ، قوی تر ، مخاصم تر ، معاند تر ، و از نظر تعداد و جمعیت بمراتب بیشتر بوده بهمین مناسبت تعداد این نوع الواح و آثار مبارکه نسبت بادیان قبل بیشتر است . موضوع اول : تاریخ و شرح وقایع و اشخاص و افراد اعم از روسای دول و ادیان و یا افراد که بمخالفت این امر اعظم قیام نمودند و مطالعه در عاقبت حال و نتایج حاصله از

ص ۱۱۲

اقدامات آنان در سیر پیشرفت امر اعزّابهی .

مرجع اصلی تحقیق و الهام بخش در این زمینه ، روشهایی است که حضرت ولیّ امرالله در توقیعات و الواح مبارکه بکار برده اند .

موضوع دوم : درجات انحطاط و خسران اعداء که در متون الواح الفاظ و کلماتی از قبیل " ویل " ، مشرک بودن معرضین و غیره بکار رفته است .

موضوع سوم : تحقیق در علل اعراض .

موضوع چهارم : تحقیق در این بیان مبارک : " و یهدم آثار المشرکین مجموعاً " و ارجاع متوقفین در امر مبارک " اقلّ من انّ " " مقررّ قهر " .

مراجع تحقیق : ۱ . کتاب بدیع ، ۲ . الواح وصایای حضرت عبدالبهاء . ۳ . لوح قرن خطاب به احبای شرق . ۴ . لوح سنه ۱۰۵ . قاموس الواح سنه ۱۰۱ و ۱۰۵ تالیف جناب اشراق خاوری . ۵ . خطابات قلم اعلیٰ در شان نزول الواح ملوک و سلاطین تالیف جناب محمد علی فیضی .

نوع نهم : بیان در ذکر کتب آسمانی قبل

در آثار مبارکه ذکر کتب آسمانی قبل بکثرت آمده است . بحث اصلی در این مسئله ، صحت مندرجات کتب آسمانی قبل است و در این قسمت به یک بیان از قلم اعلیٰ و نیز به

چند بیان از قلم مرکز تبیین اشاره میشود . نمونه هائی از این قبیل از آثار تبیینی در این قسمت اجتناب ناپذیر است زیرا برای تبیین مسائلی است که از قلم شارع امر بهائی نازل گردیده و حضرت عبدالبهاء روح العالمین له الفداه و حضرت شوقی افندی ربانی ولی امرالله جل سلطانہ در باره این موضوع مطالب بسیار پر اهمیتی بیان فرموده اند که آگاهی به آنها برای تحقیق و درک عمیق تری در آثار قلم ابھی ضروری است .

ص ۱۱۳

بیان مبارک در باره کتب آسمانی جمال قدم جل اسمہ الاعظم در لوحی میفرماید قوله

تعالی ۱۴۲ : " حق جل جلاله در هر ظهور تصدیق کتب خود را که از قبل نازل شده نموده چنانچه رسول الله روح ما سواه فداه تصدیق تورات و انجیل را فرموده اند و همچنین در این ظهور تصدیق فرقان و مادونه از کتب مقدسه شده و لکن توراتی را که حق قبول نموده نفس کلماتی است که از لسان کلیم من عند الله جاری شده این مقام حال مختصر ذکر شد اگر حق جل جلاله بخواهد از بعد مفصلاً از قلم اعلی جاری خواهد شد " .
(و نیز مراجعه فرمائید به بیانات مبارکه تبیینی حضرت عبدالبهاء مندرج در مائده آسمانی جلد ۵ صفحه ۹۹ و ظهور عدل الهی در باره قرآن مجید .)

نوع دهم : تمثیلات ، اشعار ، و قصص اقوام قبل در الواح مبارکه : در خصوص این نوع بیانات مبارکه رساله جامعی توسط محقق ارجمند جناب دکتر وحید رافتی تالیف گردیده که علاقمندان میتوانند به آن مراجعه و بهره های فراوان حاصل نمایند .

نوع یازدهم : بیان در امر تبلیغ

طبقه بندی بیانات الهیه در امر تبلیغ

بنظر میرسد که این قبیل از بیانات الهیه را میتوان به پنج طبقه تقسیم و در بیانات الهیه تحقیق نمود . (۱) بیانات الهیه در امر به تبلیغ و آن بوجه امریه و تکلیفی نازل شده است . (۲) بیانات الهیه در روش تبلیغ و معرفی امر الهی که بوجه نصیحت و راهنمایی نازل شده است . (۳) بیانات مبارکه در مقام مبلغ . (۴) بیانات مبارکه در شرایط مبلغین . (۵) بیانات مبارکه در دعا و طلب تأیید برای مبلغین و امر تبلیغ .

بیانات الهیه در امر به تبلیغ بیانات قلم اعلیٰ در اینخصوص و مسائل در ارتباط به آن بکثرت نازل گردیده و در مجلدات آثار قلم اعلیٰ و نیز در مجلدات مائده آسمانی درج گردیده است و به دو نمونه از آن که در مائده آسمانی جلد چهارم درج گردیده و از الواح بسیار مهم در امر تبلیغ است اکتفا میشود قوله جل بیانه ۱۴۴ : " امروز روز

ص ۱۱۴

تبلیغ است و کل باو مامور تا مخلصین بمقامی که در کتاب الهی نازل شده فائز شوند من احبی نفسا فکانما احی الناس جمیعاً و حیوتیکه در کتاب الهی مذکور است حیوة افئدة و قلوبست بعرفان محبوب اگر نفسی باینمقام فائز نشود از میتین محسوب لذا باید در لیالی و ایام دوستان حق جهد بلیغ نمایند که شاید گمگشتگانرا بسبیل مستقیم هدایت نمایند و تشنگانرا از این ریحی حیوان بچشانند هر نفسی باینمقام فائز شد از جواهر وجود لدی الله مذکور " . و در لوحی دیگر نازل قوله العزیز ۱۴۵ : " بایست مستقیم بر امر الله و بقدر وسع در تبلیغ امرش جهد نما که الیوم اقرب قربات در نزد سلطان اسماء و صفات این رتبه بلند اعلیٰ است " .

بیانات مبارکه در روش تبلیغ و معرفی امر الهی به عالم در بررسی متون الواح

مبارکه در موضوع تبلیغ ، بنظر میرسد که اساس تبلیغ در امر بهائی به سه روش بنا نهاده شده است از این قرار : تبلیغ باعمال ، تبلیغ به بیان ، و تبلیغ به نوشتن . الف ، در لوحی میفرماید قوله تعالیٰ ۱۴۶ : " یا اسمی الجمال اگر نفسی در مشرق زمین باشد و آنجناب در مغرب و اراده نماید بعرفان الله فائز گردد بر آنجناب حتم است مع استطاعت که بآن ارض توجه نماید و ریحی حیوان را بقدر استطاعت و قابلیت او بر او مبذول دارد ای جمال اگر در آیات منزله از سماء فضل تفکر نمائی شهادت میدهی که حق جل و عز بانچه امر فرموده و میفرماید همان مصلحت عباد بوده و خواهد بود البته باید تبلیغ امر نمائی و بخدمت مشغول گردی طالبان بحر هدایت را محروم ننمائید و لکن باندازه عطا نمائید بهترین ثمری که بشجره بیان منسوب است این کلمه مبارکه است تخمهای حکمت را در اراضی طیبه باندازه و مقدار مبذول دارید انشاء الله بحرارت نار کلمه الهیه جمیع را مشتعل نمائی و بشطر اقدس دعوت کنی از قبل قلم اعلیٰ وصایای لاتحصی فرموده و حالهم میفرماید ای جمال بشفقت پدری با جمیع اهل ارض معاشر باش و همچنین از ثدی حکمت جمیع را تربیت نما در هیچ حالی از

احوال از حکمت چشم برمدار اوست سبب اعلاى امر و او علّت سکون اضطراب و قوّه قلوب و اطمینان نفوس بوده و خواهد بود " .

روش اول : **تبلیغ به اعمال و تسخیر قلوب به تقوى الله**

روش دوم : **تبلیغ به حکمت و بیان** بیانات مبارکه در اینکه تبلیغ باید با حکمت باشد ، بکثرت در الواح مبارکه نازل شده است و این را اصل روش و راه جذب قلوب بیان فرموده اند . (توضیح و یادآوری این نکته ضروری است که در الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء مقصود و منظور از حکمت و بیان را کاملاً و مبسوطاً تبیین فرموده اند که بآن بیانات مبارکه باید رجوع نمود تا رعایت حکمت در تبلیغ تعبیر به سکون در مواردی نگردد .) نمونه هائی از این نوع از الواح مبارکه را زیب این قسمت مینماید :

نمونه اول ، **تبلیغ به بیان با حکمت** : در لوح الاحباب میفرمایند قوله تعالى ۱۴۷ :
 " بَلِّغُوا الْعِبَادَ مَا عَرَفْتُمْ مِنْ أَمْرِ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنُ كَذَلِكَ وَصَّيْنَاكُمْ فِي الزَّبَرِ وَاللُّوْحِ تَمَسَّكُوا فِي التَّبْلِيغِ بِحَبْلِ الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ كَذَلِكَ يَعْلَمُكُمْ مَالِكُ الْإِدْيَانِ " .
 نمونه دوم ، فتح قلوب با تبلیغ بلسان : در سورة الاعراب میفرمایند قوله تعالى ۱۴۸ :
 " ان افتحوا يا قوم مدائن القلوب بسيف اللسان باسم ربكم المقتدر العزيز المنان " .

نمونه سوم ، **تخلق به حیات بهائی** (منقطع بودن از اراده شخصی . هواهای نفسانی و تمسک به اراده الهی و دارا بودن تقوى و انقطاع) و **لسان به تبلیغ با حکمت و بیان** :
 در کلمات فردوسیة میفرمایند قوله جلّ و عزّ ۱۴۹ : " اسئلك يا محبوب افئدة العارفين و مقصود المقربين ان تجعل اوليائك منقطعین عن ارادتهم متمسکین بارادتک ای ربّ زینهم بطراز التقوى و نورهم بنور الانقطاع ثم ایدهم بجنود الحکمة و البیان لاعلاء کلمتک بین خلقتک و اظهار امرک بین عبادک " .

نمونه چهارم ، در لوح برهان خطاب به احبای الهی میفرمایند قوله جل بیانہ ۱۵۰ :
 " يا احباء الله اشربوا من عين الحکمة و سيروا فى رياض الحکمة و طيروا فى هواء الحکمة

و تكلموا بالحكمة و البيان كذلك يا مكرم ربكم العزيز العلام " .

نمونه پنجم ، مدارا و سازش با مردم در مثنوی مبارک اشارتی است به روش تبلیغ که در آن مدارا و سازش با مردم در الغای بتدریج کلمات الهیه به انسان ها است تعلیم میفرمایند . گرچه این بیان مبارک خطاب به ذات اقدس خودشان است ولی بنظر میرسد استنتاج به روش مبارک برای عباد او نیز در تبعیت از بیان مبارک در چگونگی گفتگو و مباحثات تبلیغی ضرورت دارد ، قوله جل بیانه ۱۵۱ :

" گفت الله ای مرد نکو رمز حق در نزد نادانان مگو "

" الله ای لسان الله راز نرم نرمک گوی و با مردم بساز "

نمونه ششم ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی اهل بهاء را امر به تبلیغ و تسخیر قلوب میفرمایند قوله الاعلی : " یا اهل البهاء سَخِّروا مدائن القلوب بسیوف الحكمة و البيان " .

نمونه هفتم ، در لوحی امر به تبلیغ فرموده و روش تبلیغ را به حکمت به اینصورت بیان میفرمایند قوله العزيز ۱۵۲ : " بخدمت امر قیام نمائید و گمگشتگان بادیه ضلالت را بافق هدایت دلالت کنید ... اکثری از ناس رضیعند ، باید ایشانرا اولاً بلبن حکمت و باغذیه لطیفه تربیت نمود و بعد باغذیه قویه ، " كَذَلِكَ تَقْتَضِي الْحِكْمَةُ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْمُرَبِّي الْعَلِيمُ " .

روش سوم : **پرهیز از مجادله** در کتاب بدیع نازل قوله العزيز ۱۵۳ : " تبلیغ امر بمواعظ حسنه و بیانات شافیه بوده و خواهد بود نه بمجادله و محاربه " .

روش چهارم : در لوحی تبلیغ به نوشتن رساله بر حقانیت امر را فرموده اند قوله العزيز ۱۵۴ : " ای علی ندایت بسیار محبوبست بنویس و بگو و بخوان ناس را بشطر پروردگار عالمیان بحرارت و جذبی که جمیع را مشتعل نماید " .

روش پنجم : روش کلی تبلیغ که همه روشهای نازله در یک تعلیم نازل گردیده است : در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۱۵۵ : " باید احبای الهی بحکمت و بیان بر این امر

خطیر اقدام کنند بعضی را باقوال و بعضی را بافعال و اعمال و بعضی را باخلاق تبلیغ نمایند و بشطر احدیه کشانند اعمال حسنه و اخلاق روحانیه بنفسها مبلّغ امراند بعضی از این محزون نباشند که عالم نیستند و کسب علوم ظاهره ننموده اند

... هر یک از احبای الهی که بافق باقی فی الحقیقه اقبال نمود باو افاضه میشود
 آنچه سبب هدایت بریه باشد بگوای احبای من شما اطبای معنوی بوده و هستید و باید
 بحول و قوه الهیه بدریاق اسم اعظم امراض باطنیه امم و رمد عیون اهل عالم را
 مداوا نمائید و شفا بخشید تا کل بشاطی بحر اعظم در ایام مالک قدم توجه نمایند و
 باید کل بقمیص امانت و رداء دیانت و شعار صدق و راستی ظاهر و باطن خود را مزین
 نمایند تا سبب علو امر و تربیت خلق گردد این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره
 نیامده چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری بلکه لاجل ظهورات کمالیه در انفس
 انسانی و ارتقاء ارواحهم الی المقامات الباقیه و ما یصدقه عقولهم ظاهر و مشرق
 شده تا آنکه کل فوق ملک و ملکوت مشی نمایند "

بیانات مبارکه در مقام مبلغ در لوحی میفرمایند قوله عزّ بیانه ۱۵۶ : " امروز
 خادم امر الهی و مبلغ آیاتش از اعلی الخلق در کتاب مذکور " . و نیز در لوحی دیگر
 مقامی بس عظیم " رتبه بلند اعلی " برای مبلغ و امر تبلیغ را وسیله قرب به مظهر
 الهی بیان فرموده اند ۱۵۷ : " بایست مستقیم بر امرالله و بقدر وسع در تبلیغ
 امرش جهد نما که الیوم اقرب قربات در نزد سلطان اسماء و صفات این رتبه بلند اعلی
 است " .

شرایط مبلغین در لوحی میفرمایند قوله عزّ بیانه ۱۵۶ : " شرط مبلغین تقدیس و
 تنزیه است و همچنین توکل و انقطاع طوبی لمن تزیّن بطراز الانقطاع فی تبلیغ
 امرالله مالک الابداع طوبی از برای عبادیکه خالصا لوجه الله قصد بلاد نمایند
 لاجل تبلیغ امر و انتشار آثار لعمرالله ارض بقدم آن نفوس افتخار نماید " .
 در لوح دیگری در جواب عریضه که بحضور مبارک تقدیم گردید در جواب لوحی نازل

ص ۱۱۸

که در آن مبلغین را از اینکه تبلیغ را وسیله ابراز وجود و کسب مقام و امثالهم
 نمایند بشدت منع فرموده و مقصود از تبلیغ را انحصارا " نفس اعلاء " بیان فرموده
 اند . قسمتی از این لوح منبع زیب این قسمت میگردد قوله العزیز ۱۵۸ : " اینکه
 مذکور نمودی مبلغین و قائمینرا موید فرماید بر تقدیس و تنزیه و امانت و دیانت و
 تکلم بما نزل فی الالواح اینکلمه انجناب لدی العرش بطراز قبول و رضا مزین گشت،
 از حق بطلب و میطلبم اهل بها را موفق دارد بر حفظ آیاتیکه سبب ارتفاع عباد است

... جناب اسم الله ج هم در این مقام کلمه عرض نمود که باصغاء فائز و بنور قبول منور قوله نوشته اند که حدود کردستان بسیار مستعد و مبلغ لازم دارد اما بشرط آنکه نفس اعلاء امر را منظور دارد و برای خود بساطی پهن ننماید فی الحقیقه این کلمه و کلمه آنجنابرا باید بعضی از مبلغین ملاحظه نمایند و بان ناظر باشند و بان تمسک جویند امرا من لدی الله الامر الحکیم ... آنچه الیوم لازم باید ایادی امر الهی عباد را بمطلع نور توحید حقیقی راه نمایند و بافق ظهور وحده ناظر باشند و بمثابة حزب قبل هر یوم صنمی اخذ نمایند هذا نُصَحِي لَهُمْ " .

نوع دوازدهم : در جنت و دوزخ و معاد و عوالم بعد از مرگ در لوح هفت پرش در

جواب سؤال یکی از احبای الهی میفرمایند قوله الاعلی ۱۵۹ : " (پرش پنجم) از پل صراط و بهشت و دوزخ بوده * پیمبران براستی آمده اند و راست گفته اند آنچه را پیک یزدان خبر داده پدیدار شده و میشود * عالم بمجازات و مکافات برپا * بهشت و دوزخ را خرد و دانائی تصدیق نموده و مینماید چه که وجود این دو از برای آن دو لازم * در مقام اول و رتبه اولی بهشت رضای حق است * هر نفسی برضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب * و بعد از عروج روح فائز میشود بانچه که آمده و خامه از ذکرش عاجز است * صراط و میزان و همچنین جنت و نار و آنچه در کتب الهی مذکور و مسطور است نزد اصحاب بصر و مردمان منظر اکبر معلوم و مشهود است

ص ۱۱۹

* حین ظهور و بروز انوار خورشید معانی کل در یک مقام واقف و حق نطق میفرماید بانچه اراده میفرماید * هریک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل جنت مذکور * و همچنین از صراط و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده اند گذشته و رسیده * و یوم ظهور یوم رستخیز اکبر است * " . برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به روش هفدهم (متشابهات) .

نوع سیزدهم : بیانات مبارکه در عدل ؛ عدالت ؛ قسطلس اعظم ؛ تعدیل معیشت ؛ بیت العدل ؛ رجال بیت العدل ؛ شفقت ؛ انصاف ؛ مدارا ؛ ارکان استقرار عدل الهی ؛
موسسات امریه و اجرای عدالت

بیانات الهیه در این مواضع تا آنجا که بنظر این حقیر می رسد عموماً در مسائل

تزکیه نفس و ارتفاع جنبه الهی از کیفیات نفسانی در انسان و در روابط مردم با یکدیگر و نیز در تاسیس ارکان عدل در جوامع انسانی و حصول به وحدت عالم انسانی که مرکز تبیین مولای شفیق و حنون حضرت عبدالبهاء آنرا محور تعالیم امر مقدس بهائی بیان فرموده اند - و نیز تاسیس موسسات و مشروعاتی که استقرار عدل الهی و اجرای عدالت بعهد آن مشروعات قرار گرفته و در مستقبل ایام با گسترش و استقرار هرچه بیشتر آن به انسجام و مرحله از تکامل لازم خواهند رسید (برای این قسمت از مسائل و بیانات تبیینی در اشاره به مستقبل ایام و اهداف و مسئولیتهای مشروعات بهائی که خود بحثی جداگانه و خارج از هدف و مقصود این قسمت است لازم است به توقیعات حضرت شوقی افندی ربانی ولی امرالله جل سلطان به زبانهای فارسی ، عربی و انگلیسی که کاشف لثالی مخزونه در استقرار عدل الهی و اجرای عدالت و نیز به دستخطهای بیت العدل اعظم الهی مراجعه نمود) . تحقیق دیگری که کمک شایانی به اهمیت مسئله عدل و اجرای عدالت در عالم می نماید ، نظری اجمالی به مسئله عدل و عدالت در اسلام و احادیث و روایاتی که در آن اخبار و بشارات به اجرای عدل و استقرار عدالت در

ص ۱۲۰

مستقبل ایام به امت اسلام داده شده است . پس از مقدمه میپردازد به مباحث و مسائلی که در این قبیل از بیانات مبارکه نازل شده است .

مبحث الفاظ و لغات معانی هریک از الفاظ با استخراج از کتب معتبره لغت باختصار
بشرح ذیل است :

عدل - عدالت معانی عدل و عدالت در لغتنامه های معتبر به این شرح است :

۱ . لغتنامه دهخدا ۱۶۰ : عدل . مقابل ستم ، مقابل بیداد . داد . مقابل جور . نقیض جور . مقابل ظلم . نصف . قسط . عوض . بدل . معادل . مقابل . برابر . داد دادن . صفتی است از صفات خدایتعالی ، و آن صفتی است که بواسطه آن دنیا و مافیها قرار و پایدار است (قاموس کتاب مقدس) . داد دهنده ، قاضی و حاکمی که در صدور احکام خود مراعات حق کند . پاداش دادن . برابری و بی تفاوت بودن هر دو کفه ترازو . حق ، راست . درست . میزان . عدالت . انصاف امری بین افراط و تفریط . مساوات در مکافات به نیکی نیکی ، و به بدی بدی ، داوری به حق .

۲ . قاموس محیط ۱۶۱ : العدل ضد الجور . ج اعدال و عدلاء .

۳ • لسان العرب ۱۶۲ : ما قام فى النفوس انه مستقيم ، و هو ضد الجور . قال ابن الاثير : هو بالفتح ، ما عادله من جنسه ، و بالكسر ما ليس من جنسه .

۴ • التعريفات ۱۶۳ : (العدل) عبارة عن الامر متوسط بين طرفى الافراط و التفريط و فى اصطلاح النحويين خروج الاسم عن صيغة الاصلية الى صيغة اخرى ... و قيل العدل مصدر بمعنى العدالة و هو الاعتدال و الاستقامة و هو الميل الى الحق . (العدالة) فى اللغة الاستقامة و فى الشريعة عبارت عن الاستقامة على طريق الحق بالاجتناب عما هو محظور دينه .

۵ • المفردات فى غريب القرآن ۱۶۴ : عدل : العدالة و المعادلة لفظ يقتضى معنى المساواة و يستعمل باعتبار المضايقة و العدل و العدل يتقاربان .

ص ۱۲۱

قسطاس اعظم در كتاب مستطاب اقدس اشاره صريح به كتاب الله (كتاب مستطاب اقدس)

است در بند ۹۹ كتاب الله را وسيله توزيع و سنجش حق (قسطاس الحق) در روابط

آنچه در ميان مردم (عند الامم) قرار فرموده است قوله تعالى : " قل يا معشر

العلماء لا تنزوا كتاب الله بما عندكم من القواعد و العلوم انه لقسطاس الحق بين

الخلق قد يوزن ما عند الامم بهذا القسطاس الاعظم و انه بنفسه لو انتم تعلمون "

چون بنا به تصريح و امر حضرت عبدالبهاء اعراب گذارى به آيات كتاب مستطاب اقدس

منع شده است « قُسطاس . قِسطاس » با توجه به اينكه هر دو تلفظ داراي معانى مشابهى اند ، با

قاف مضموم و مكسور ، بنظر ميرسد كه هر دو اعراب صحيح است و در مراجعه به متن آيه

و تشابه آن در متن و موضوع ميرساند كه تلفظ قاف مكسور بيشتر قريب به يقين است .

مبحث لغت و الفاظ (۱) در لغتنامه دهخدا ۱۶۵ : تعداد زيادى از معانى قسطاس -

قسطاس مستخرج از ساير لغتنامه ها به اين شرح نوشته شده است .

قسطاس ميزان . كيان و ترازو . راست تر ترازوها . اقوام الموازين . ترازوى عدل

هر ترازو كه باشد . ميزان العدل اى ميزان كان : وزنوا بالقسطاس المستقيم (آيه

۳۵ از سوره ۱۷) برخى گويند اين كلمه عربى و ماخوذ از قسط بمعنى عدل است و گروهى

آنها رومى معرب دانند .

قُسطاس ترازو ، ترازوى بزرگ . (۲) در المفردات فى غريب القرآن ۱۶۶ : و القِسطاسُ

المِيزانُ و يُعبر به عن العدالة كما يعبر عنها بالمِيزان ، قال : (وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ) .

قرآن کریم : در سوره بنی اسرائیل آیه ۱۷/۳۵ نازل قوله تعالى : **" وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا "** . ترجمه از کشف الایات : و تمام کنید پیمانه را چون پیمائید وزن کنید بترازو و قپان درست . و نیز سوره شعراء آیه ۲۶/۱۸۲ .

ص ۱۲۲

بیت العدل بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی : بند ۳۰ کتاب مستطاب اقدس و یاد داشت شماره ۵۱ ، و نیز به تصریح در اشراق هشتم از لوح اشراقات نازل شده که مقصود از بیت عدل که در آن مصلحت وقت عباد بانان ارجاع شده بیت العدل عمومی (بیت العدل اعظم) است .
رجال بیت العدل در کتاب مستطاب اقدس اعضای بیت العدل اعظم به صورت دسته جمعی و گروهی خطاب و نامیده شده اند . در بند ۵۲ میفرماید قوله تعالى : **" يا رجال العدل كونوا رعاة اغنام الله "** . و نیز در اشراقات و ورق نهم از کلمات فردوسیة ، جمعا به **" رجال "** نامیده شده اند .

شفقت در آثار مبارکه در تربیت و رفتار و کردار انسان با دیگران بکثرت استعمال شده و معنی آن در لغتنامه ها به شرح ذیل است :

- (۱) فرهنگ معین ۱۶۷ : مهربانی ، دلسوزی . ترحم . نرم دلی
- (۲) لغتنامه دهخدا ۱۶۸ : (ماخوذ از تازی) مهربانی . مهر . بر . رحمت . رأفت . عطوفت . عنایت و نوازش و دلنوازی و ملاطفت .
- التعريفات جرجانی ۱۶۹ : (الشفقة) هي صرف الهمّة الى ازالة المكروه عن الناس .
- انصاف** (۱) لغتنامه دهخدا ۱۷۰ : داد دادن . عدل کردن . نصف کردن و برابر داشتن که بر هیچ طرف زیادی نشود . برابری داشتن بین دو طرف و معامله کردن با آنها بعدل .

مدارا لغتنامه دهخدا ۱۷۱ : رعایت کردن و صلح و آشتی نمودن . سلوک ملایمت . آرامی . نرمی . رفق . مماشات . تسامح . بردباری . تحمل . خضوع و فروتنی .
عدل و عدالت در اسلام در این قسمت از تحقیق به دو مقصد اصلی بیشتر تاکید میگردد . آیات قرآن در مسئله عدل و عدالت و احادیثی که با این مسئله مرتبط است . در تحقیق در احادیث نیز ، به چند مقصد اصلی مساعی نگارنده معطوف گردیده : (۱)

موعود اسلام و بشاراتی که در مقام و حیطة اقتدار او در اجرای ماموریت بنا بر روایات و اخبار در باره ایشان نقل گردیده است . (۲) اخبار و احادیثی که در آنها در اجرای عدل و استقرار عدالت توسط آن بزرگوار ، روایت و نقل قول از حضرت ختمی مرتبت ص و ائمه هدی شده است .

عدل در قرآن کریم

(۱) سوره نحل آیه ۹۰/۱۶ قوله تعالى : "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ".

(۲) شوری آیه ۱۵/۴۲ قوله تعالى : "وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم".

اهل سنت و جماعت و نیز شیعیان در انتظار استقرار عدل الهی بر ارض اند

تحقیق در معارف اسلامی نشان می‌دهد که با تأکیدی که در آیات قرآنی در رعایت انصاف و حکم به عدل در میان مسلمین شده است . و نیز بررسی تاریخی حکام شرع و قضات و محاکم شرعی و قضائیه در قرون اولیه اسلام . و نیز بررسی احادیث نبوی منقول در کتب معتبره حدیث در میان اهل سنت و اخبار و احادیث ماثوره از ائمه هدی در نزد شیعیان جای هیچگونه شبهه ای را که جوامع اسلامی در مستقبل ایام آرزو و انتظار استقرار عدل الهی را داشته و دارند باقی نمی‌گذارد . اینک به چند نمونه از احادیثی که در میان دو مذهب بزرگ اسلام در باره قائم و مهدی و حیطة اقتدار و یفعل ما یشاء بودن ایشان و نیز در استقرار عدل در مستقبل ایام بشاراتی بصراحت گردیده نقل میگردد و بر طالبین حقیقت و سالکین سبیل ایمان پوشیده نماند که مقصد از نقل احادیث اثبات امرالله و احتجاج به احادیث نیست ، بلکه مقصد اینست که در احادیث مروی و متفق القول هر دو مذهب بزرگ اسلام ، موعود اسلام برای استقرار عدل در مستقبل ایام ظاهر خواهد شد و روش و طرقی را که برای خود برگزینند همان روش و سنت حضرت محمد ص و پیغمبر اولی العزم است .

احادیث نبوی در انتظار و استقرار عدل و ظهور مهدی عادل در میان مذاهب سنی

در کتب معتبره احادیث

نمونه اول : حدیث شماره ۴۲۸۲ ، کتاب المهدی در سنن ابی داود ۱۷۲ : ... عن

عبدالله ، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال " لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا " قال زائدة في حديثه " لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ " [ثم اتفقوا] " حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْي " أو ((من اهل بيتي ، يواطىء ، اسمه اسمي ، واسم أبيه اسم أبي " زاد في حديث فطر " يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً)) وقال في حديث سفيان ((لَا تَذْهَبْ ، أَوْ لَا تَنْقُضِ ، الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ، يَواطِئُ اسْمَهُ اسْمِي)) .

نمونه دوم حدیث شماره ۴۲۸۳ ، کتاب المهدی در سنن ابی داود ۱۷۳ : ... عن علی رضی الله تعالی عنه ، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ((لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا)) .

نمونه سوم : حدیث شماره ۴۲۹۰ ، کتاب المهدی در سنن ابی داود ۱۷۴ : " ... عن ابی اسحاق ، قال : قال علی رضی الله عنه و نظر إلى ابنه الحسن فقال : إن ابني هذا سيد كما سماه النبي صلى الله عليه وسلم وسيخرج من صلبه رجل يُسَمَّى باسم نبيكم يشبهه في الخلق ولا يشبهه في الخلق ، ثم ذكر قصة : يملأ الارض عدلاً ، وقال هارون : ثنا عمرو بن ابی قيس ، عن مطرف بن طريف ، عن ابی الحسن ، عن هلال بن عمرو ، قال : سمعت علياً رضي الله عنه يقول : قال النبي صلى الله عليه وسلم ((يخرج رجل من وراء النهر يقال له الحارث بن حَرْثٍ على مقدمة رجل يقال له منصور يُوَطَّىء ، أَوْ يُمْكَنُّ ، لِأَلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَكَنتُ قُرَيْشٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَبَ عَلَيَّ كُلُّ مُؤْمِنٍ نَصْرَهُ)) او قال « إجابته » .

ص ۱۲۵

احادیث مروی از ائمه هدی در انتظار ظهور حضرت قائم و استقرار عدل بر کره ارض

احادیث منقول در کتب معتبره حدیث که در آنها به کیفیت دعوت و سیره دعوت و مقصد از دعوت در ارتباط با عدل و عدالت است بالاجمال نقل میگردد . ماخذ استخراج این قبیل از احادیث ، کتاب نوادر الاخبار تالیف المحدث الکبیر محسن بن مرتضی الفیض کاشانی از علمای مشهور و معتبر قرن یازدهم هجری است که ماخذ احادیث نقل شده در این کتاب از کتب معتبره شیعه مانند : اکمال ، شیخ صدوق ؛ بصائر الدرجات ، صفار قمی ؛ الخصال ، شیخ صدوق ؛ الارشاد ، شیخ مفید ؛ غیبت ، طوسی و غیره و نیز از

كتاب نجم الثاقب استخراج شده است .

نوادير الاخبار ، كتاب ابناء القائم ، باب سيرته عليه السلام اذا ظهر امره ١٧٥ :

(١) حديث شماره ٥ - الاكمال - عن الصادق عليه السلام : ((اذا قام القائم (ع)

دعا الناس إلى الاسلام جديدا وهداهم إلى امر قد دثر ، فضل عنه الجمهور و
انما سمي القائم مهدياً لأنه يهدي إلى أمر مضلول عنه ، و سمي بالقائم لقيامه بالحق)) .

(٢) حديث شماره ٧ - الغيبة - عن الزكي عليه السلام قال : ((اذا قام القائم أمر

بهدم المنار و المقاصير التي في المساجد . قال الراوي : فقلت في نفسي لأي معنى
هذا ؟ فأقبل علي ، فقال : معنى هذا انها محدثة مبتدعة لم بينها نبي ولا حجة))

(٣) حديث شماره ١١ - العياشي - عن الكاظم عليه السلام في قوله تعالى : " وله

اسلم من في السموات و الارض طوعاً و كرهاً " قال : ((أنزلت في القائم إذا خرج

باليهود و النصرى و الصابئين و الزنادقة و أهل الردة و الكفار في شرق الأرض و

غربها فعرض عليهم الاسلام فمن أسلم طوعاً أمره بالصلوة و الزكاة و ما يؤمر به

المسلم و يحب لله عليه ، و من يسلم ضرب عنقه حتى لا يبقى في المشارق و

المغارب احد الا وحده الله .

قيل : ان الخلق أكثر من ذلك ؟ قال : أن الله إذا أراد أمراً قلّ الكثير و كثير القليل)) .

ص ١٢٦

(٤) حديث شماره ١٥ و عنه عليه السلام (عن الباقر عليه السلام) : (يقوم قائم) بامر جديد ،

و كتاب جديد ، و سنة جديدة ، و قضاء (جديد) على العرب شديد

، و ليس شأنه إلا القتل لا يستبقي أحداً و لا يأخذه في الله لومة لائم)) .

(٥) حديث شماره ١٦ - و عنه عليه السلام (عن الباقر عليه السلام) : " إذا قام

القائم أهل البيت قسّم بالسوية ، و عدل في الرعية ، فمن أطاعه فقد أطاع الله ،

و من عصاه فقد عصى الله ، و إنما سمي المهدي (مهدياً) لأنه يهدي إلى أمر خفي ،

و يستخرج التوراة و سائر كتب الله عزّ و جلّ من غار بانطاكية و يحكم بين أهل

التوراة بالتوراة ، بين أهل الانجيل بالانجيل ، و بين أهل الزبور بالزبور ، و

بين أهل القرآن بالقرآن ... و يملأ الأرض عدلاً و قسطاً و نوراً كما ملئت ظلماً و

جوراً و شراً)) .

(٦) نوادر الاخبار كتاب أنباء قائم ، باب حليته عليه السلام . باب حديث شماره ٥

- و فی روایت نبویه : ((المهدی رجل من ولدی لونه لون عربی ، و جسمه جسم اسرائیلی ، علی خدّه الأيمن خال كأنه كوكب درّی یملاً الارض عدلاً كما ملئت جوراً ، یرضی فی خلافته اهل الأرض و أهل السماء و الطیر فی الجو)) .

(۷) نقل حدیث از کتاب نجم الثاقب ۱۷۸ : " نیز روایت است از امام صادق علیه السلام که فرمود : والله گویا نظر میکنم به سوی آن حضرت یعنی قائم علیه السلام بین رکن و مقام که بیعت میگیرد از مردم بر کتابی جدید و در کافی روایت شده از امام باقر علیه السلام که فرمود در تفسیر آیه شریفه ((و لقد اتینا موسی الکتاب فاختلف فیه)) که اختلاف کردند در آن یعنی بنی اسرائیل چنان که اختلاف کردند این امت در کتاب و زود است که اختلاف کنند در کتابی که با قائم علیه السلام است که می آورد آن را تا اینکه انکار می کنند آن را جماعت بسیاری از مردمان پس آنها را پیش می طلبد و گردن ایشان میزند ... " .

(۸) نقل حدیث دیگری در کتاب نجم الثاقب ۱۷۹ : " در عیون روایت است از امام رضا علیه السلام که فرمود چون آن حضرت خروج کند روشن شود زمین به نور پروردگار

ص ۱۲۷

خود و گذاشته شود میزان عدل میان مردم پس ظلم نمی کند احدی احدی را " .
توجیه : احادیث فوق به صراحت نشان میدهد که موعود مذهب شیعه نفس مقدسی است که به ارادة الله ظاهر میشود و دارای کتاب و شرع جدید است و حکم میکند بر اهل شرق و غرب . ماموریتش جهانی است و استقرار عدلش بر همه عالم است (ظلم نمیکند احدی احدی را) . و چون بر هر نفس حقیقت بین که با چشم انصاف به این مسئله پراهمیت که استقرار عدل جهانی و رفع ظلم است نظر کند در می یابد که برای استقرار چنین امر عظیمی تدارک و وسائل و سازمانهایی ضروری است که لازمه اش مبنای الهی بودن است . و این بدیهی است که استقرار عدل و عدالت در این عصر و عصور آینده نه با شمشیر بران و نه با اجرای عدل به آن نحوی که از ظاهر عبارات در احادیث مروی مفهوم میشود امکان پذیر است . شاهد بر این مدعا نزاع و کشمکش های یکقرن اخیر در میان امت اسلام و ممالک اسلامی است که از آلات حرب بدوی از قبیل شمشیر و نظایر آن در آن کشمکش های فی مابین استفاده نشده است . و امروزه یک کشور اسلامی را نمیتوان بعنوان نمونه نام برد که سپاهش به آلات حرب دوره عرب جاهلیه مجهز باشد .

و اسلحه خانه های کشورهای اسلامی و انبارهای مهماتشان لبریز از آلات حرب خانمان برانداز ساخته شده در کشورهای غربی است . پس اگر اجرای عدالت در جامعه را که مقصد اصلی از احادیث نبوی و ائمه هدی است و در بشارات به ظهور حضرت قائم به تصریح به آن اشاره شده است منظور و اراده الهی دانیم ، لازم آید که من جانب الله و سائلی فراهم گردد که حصول به این مقصود را تسریع نماید . و این بنده حقیر باستناد نصوص مبارکه آن لوازم و وسائل را که بفرموده قلم ملهم تبیین امرالله حضرت عبدالبهاء که در تعریف دین فرموده اند " دین روابط ضروریه منبعث از حقایق اشیاء است " و نقشه طرح شده آن بقلم وحی حضرت بهاء الله جل ذکرة و مهندس بدیعی حضرت عبدالبهاء و مجری تمهیدات و ارکان اولیه اش ، حضرت ولی امرالله

ص ۱۲۸

و مجری و حافظ و حارس و نگهبان و سالار و فرمانده ابدی البنیانش دیوان رفیع البنیان و قوی الارکان بیت العدل اعظم ، ملهم به الهامات الهیه و تحت حراست و صیانت حضرت ربّ اعلیٰ جل ذکرة است که عالم اسلام قرنهای چشم براه استقرار عدالت وسیله آن محیی رم بوده اند و اساس متین و رزینش را کره ثانی ظهور حضرت نقطه اولی یعنی جمال اقدس ابهی جل ذکرة در ام الکتاب شریعت بهائی بنام بیت العدل بنیان نهاده است . در حال حاضر عیون قاصره و عقول نابالغه عالم کنونی از رویت و ادراک این دیوان عدل الهی (که تحقق و عود استقرار عدل در عالم امکان منوط به وجود آن است) بی بهره اند . و باید دعا بدرگاه حضرت احدیت نمود که عالم بخود آید و به ارزش لا نهایی این گوهر دری و تابناک آگاه گردد و لزوم وجود بی همالش بر اهل امکان و روسای ارض شناخته گردد و حرارت انوار عالم تابش که استقرار وحدت عالم انسانی و عدل مودوعه در شریعت اسلام که در امر بهائی یکی از ارکان احکام الهی است بر همه اهل عالم بفضل الهی حرارت بخش نوع انسان گردد .

ارکان استقرار عدل الهی و موسسات امریه در اجرای عدالت

بنظر میرسد بر اساس نصوص الهیه ارکان عدل و موسساتی که عهده دار نظم عالمند ، در راس آن احکام کتاب مستطاب اقدس ، اوامر الهیه در الواح نازله و بیت العدل اعظم واضع قوانینی که در ارتباط با عدل است . و نیز خطوط اصلی یک نظم جهانی برای عالم بشریت ، که در الواح تبیینی حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله به

تفصیل بیان گردیده است .

مطلعه الواح مبارکه نشان میدهد موسساتی که توسط شارع امر بهائی تاسیس و تحت قیادت بیت العدل اعظم در سرتاسر نقاط عالم تاسیس شده و خواهند شد یعنی بیوت عدل محلی که مولای حنون حضرت ولی امرالله در توقیعات مبارکه چگونگی تشکیل و نوع وظائف و مسئولیتهای آن و مراحل بلوغ و کمال آنرا ترسیم فرموده اند . و در حال

ص ۱۲۹

حاضر جامعه بشری از تشکیل و قوام گرفتن آن بی خبر است و نیز محافل ملیّه و نیز محاکم شرعی که در لوح منیع ۱۱۰ تشکیل آنرا در نقشه دهساله اعلان فرمودند موسسات بهیه الهیه اند که اصابع قدرت ملّیک مقتدر آنرا وضع و اساس استقرار عدل در عالم امکانند - در حال حاضر عالم انسانی به مرحله از بلوغ اجتماعی نرسیده است که دیوان عدل الهی را با شروحي که در باره آن توسط حضرت ولی امرالله در توقیعات مبارکه بلسان فارسی و بخصوص در توقیعات مبارکه بلسان انگلیسی مانند توقیع دور بهائی و توقیعات :

The Unfoldment of World Civilization ; The World Order of Baha'u'llah ; The Goal of a New World Order and the Golden Age of the Cause of Baha'u'llah .

بیان فرموده اند ادراک نماید . آنچه بدیهی و خالی ازهر شبهه ای برای هر فرد بهائی و نیز محققینی که در این مسئله بخصوص (ظهور و استقرار عدل الهی) در حال حاضر و در مستقبل ایام مجدانه تحقیق خواهند نمود ، تحقق آنست و استقرار آن اراده الله و از سماء قضاء و حتمی الوقوع است .

بیانات مبارکه در عدل و عدالت

لوح رضوان العدل در لوح رضوان العدل قلم اعلی در معنی عدل و عادل و ظالم مطالب کلی و اساسی را که لازمه فهمیدن « عدل » است بیان فرموده اند . طبقه بندی بیانات مبارکه در این لوح امع اعلی باختصار بشرح ذیل است قوله تعالی و شأنه ۱۸۰ :

(۱) در اینکه با ظهور اعظم بهائی خدای عادل روح عدل در جمیع خلایق دمید : " هذا لوح فيه بعث الله اسمه العادل و نفخ فيه روح العدل في هياكل الخلائق اجمعين ليقومن كل على العدل الخالص " .

(۲) **در اینکه جمالقدم جل کبریائه مبدء عدل الهی است :** " ان يا هذا الاسم انا جعلناك مبدء عدلنا و مرجعه بين عبادنا المقربين و بك يظهر عدل كل عادل ... ان يا هذا الاسم ان افتخر في نفسك بما جعلناك مشرق عدلنا بين العالمين " .

ص ۱۳۰

(۳) **در معنی عدل و مراتب و مقامات آن :** " ان يا اهل الارض فاعلموا بان للعدل مراتب و مقامات و معانی لاتحصی ولكن انا نرّش عليكم رشحا من هذا البحر ليظهركم عن دنس الظلم ... فاعلموا بان اصل العدل و مبدئه هو ما يامر به مظهر نفس الله في يوم ظهوره ... قل انه لميزان العدل بين السموات و الارضين ... و من العدل اعطاء كل ذي حق حقه " .

(۴) در اینکه در این ظهور الهی در عالم ملک کسانی مبعوث می شوند که خیمه و سایبان ظلم را برچیده و بساط عدل را گسترش میدهند : " فسوف نبعث الله منك مظاهرا في الملك و بهم نطوى شراع الظلم و نبسط بساط العدل بين السموات و الارضين و بهم يمحوا الله آثار الظلم عن العالم " .

(۵) **دعوت ملوک به اجرای عدل و بآنان فرمان داه اند که مظاهر عدل باشند :** " ان

يا ذلك الاسم انا جعلناك زينته للملوك طوبى لهم ان يزینوا هياكلهم بك و يعدلوا بين الناس بالحق الخالص و يحكموا بما حکم الله في كتابه المحکم القديم ... ان يا معشر الملوك زينوا رؤسكم باكاليل العدل ليستضي من انوارها اقطار البلاد كذلك نامركم فضلا من لدنا " .

(۶) **خطاب به ملوک ارض** که در آینده خدا ملوکي ظاهر میکند که تکیه میزنند بر کرسی عدل و حکم میکنند بخلق بهمان طور که برای خودشان حکم میکنند : " يا معشر السلاطين فسوف يظهر الله في الارض ملوكا يتكئون على نمارق العدل و يحكمون بين الناس كما يحكمون على انفسهم " .

(۷) **دعوت عالم انسانی به اینکه عادل باشند** و بعدل رفتار کنند و بطراز عدل مزین شوند : " زينوا يا قوم هياكلكم برداء العدل ... و كذلك الادب و الانصاف ... قل يا قوم زينوا هياكلكم بطراز العدل ثم احكموا بما حکم الله في الالواح و لا

تكونن من المتجاوزين .

ص ۱۳۱

(۸) در اینکه غیر مومنین به این امر الهی از حصن عدل خارج و نامشان در الواح عزّ الهی جزء ظالمین نوشته شده است : " و من لم يؤمن به انه قد خرج من حصن العدل و كتب اسمه من الظالمين في الواح عزّ حفيظ " .

(۹) در اینکه مجادلین و محاربین با مردم از رضوان عدل الهی خارج شده اند : " ان الذين يجادلون ويحاربون مع الناس اولئك خرجوا عن رضوان العدل و كانوا من الظالمين في الواح عزّ حفيظ " .

نمونه هائی از بیانات مبارکه در مسئله عدل و انصاف

نوع اول ، تعلیم و نصایح الهیه به اهل عالم (۱) در لوح کلمات فردوسیّه نازل قوله العزیز : " کلمة الله در ورق ششم از فردوس اعلى سراج عباد داد است او را بیادهای مخاف ظلم و اعتساف خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد در این کلمه علیا بحر حکمت الهی موج " . (۲) در لوح طرازات نازل قوله العزیز : طراز دوم معاشرت با ادیان است ... طوبی از برای نفوسیکه بحبل شفقت و رافت متمسکند و از ضغینه و بغضاء فارغ و آزاد اینمظلوم اهل عالم را وصیت مینماید ببردباری و نیکوکاری " . (۳) و ایضا در لوح طرازات نازل قوله العزیز : " طراز سوم ... در جمیع احوال بعدل و انصاف ناظر باشید " . (۴) و نیز در همان لوح امنع نازل قوله العزیز : " طراز پنجم در حفظ و صیانت مقامات عباد الله است باید در امور اغماض نکنند بحق و صدق تکلم کنند اهل بها باید اجر احدی را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند و بمثابه حزب قبل لسان را بید گوئی نیالایند ... باید بانصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست لعمر الله کلمه انصاف بمثابه آفتاب روشن و منیر است از حق میطلییم کل را بانوارش منور فرماید " . (۵) در لوح اشراقات نازل قوله جل کبریائه : " اشراق اول ... اهل ثروت و اصحاب عزّت و قدرت باید حرمت دین را باحسن ما یمکن فی الابداع ملاحظه نمایند دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل

عالم چه که خشية الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید اگر سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد نیّر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز ماند " ۰ (۶) ایضا در لوح اشراقات نازل قوله جل کبریائه : " اشراق سیّم اجرای حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم آسمان حکمت الهی بدو نیّر روشن و منیر مشورت و شفقت و خیمه نظم عالم بدو ستون قائم و برپا ، مجازات و مکافات . " (۷) و نیز در همان لوح امنع نازل قوله جل کبریائه : اشراق هشتم " یا حزب الله مربی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه اند از برای حیات اهل عالم " .

نوع دوم ، تعالیم الهیه در عدل و داد به حکام و رؤسای ارض در لوح کلمات فردوسیّه نازل قوله جل بیانه : " کلمة الله در ورق چهارم از فردوس اعلیٰ یا حزب الله از حق جل جلاله بطلبید مظاهرسطوت و قوت را از شر نفس و هوی حفظ فرماید و بانوار عدل و هدی منور دارد . "

نوع سوم ، **ینبوع عدل و عدالت در امر بهائی** در بررسی اجمالی در الواح الهی ، آن فقره از آیات الهی که بنظر میرسد ارتباط مستقیم با استقرار عدل در عالم دارد عبارتند از : **لوح العالم** : باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند . "

لوح اشراقات : " اشراق هشتم ... هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی لذا امور به بیت عدل راجع تا آنچه مصلحت وقت دانند معمول دارند ... برکل اطاعت لازم امور سیاسیه کل راجعست به بیت عدل و عبادات بما انزله الله فی الكتاب . " **لوح العالم** : " جمیع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دیعه گذارند و باطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود . " .

زکاة ، بند ۱۴۶ کتاب مستطاب اقدس قوله تعالی : " قد کتب علیکم تزکیة الاقوات و

ما دونها بالزکوة هذا ما حکم به منزل الایات فی هذا الرّق المنیع " . و نیز در

ملحقات کتاب مستطاب اقدس ، رساله سؤال و جواب ، سؤال ۱۰۷ - در لوحی از الواح

نازل قوله تعالى " و در باره زکات هم امر نمودیم کما نزل فی الفرقان عمل نمایند " .
 مجریان اصلی عدالت در عالم در متن الواح مبارکه با چند تعلیم و اوامر الهیه آشنا
 میشویم که بنظر میرسد مجریان عدالت و مسئولین امور در جهان آینده در ظلّ مدنیّت
 امر بهائی اند . در لوح العالم ، هسته اصلی و مرکزی آنرا امنای بیت العدل و
 رؤسای عادل و سلاطین تصریح فرموده اند . قسمتی از بیان مبارک در ارتباط با این
 مسئله اینست قوله الاعلیٰ : " در اصول احکام که از قبل در کتاب اقدس و سائر الواح
 نازل امور راجع بسلاطین و رؤسای عادل و امنای بیت عدل شده * و منصفین و متبصرین
 بعد از تفکر اشراق نیر عدل را بعین ظاهر و باطن در آنچه ذکر شده مشاهده نمایند * " .
 طرق اجرای عدالت و مراجع و موسسات عدلیّه در امر بهائی مراجعه کنید به آثار
 حضرت ولی امرالله بلسان های فارسی و انگلیسی که در سطور قبل اسم برده شد و نیز
 بنظر میرسد طرقی که احتمالاً در آینده توسط بیت العدل اعظم شیدالله بنیانه و
 ارکانه وضع خواهد گردید و اکنون به آن دسترسی نیست .

تبیین حضرت عبدالبهاء در مسئله عدل ، مجازات و مکافات حضرت عبدالبهاء در خطابه
 ای مشروحا به مسئله اجرای عدل و عوامل و عناصری که در جوامع عالم به گونه در
 اجرای عدل موثرند و دوام و بقای عدالت بآن بستگی دارد بیانات مبسوطی فرموده اند
 که در روش هشتم در مسئله مجازات و مکافات درج شده است مراجعه فرمائید .

ص ۱۳۴

تبیین حضرت ولی امرالله جل سلطانه در عدل و مجازات و مکافات در توقیع منیع "

قد ظهر یوم المیعاد " در ضمن متشکل شدن نظم بدیع جهان آرای الهی امر بهائی در
 مقدمه و در قسمتی از توقیع منیع مبارک تحت عنوان ' This judgement of God ' در
 باره عدل و مجازات و مکافات بیانات مبسوطی فرموده و چند نمونه از آثار قلم اعلیٰ
 را نیز شاهد آورده اند که مطالعه آن درک عمیقتری در مبادی روحانی و بینش وسیعتری
 به انسان در چگونگی و تحقق نظام اجتماعی آینده بدست میدهد .

نوع چهاردهم : شهادت های در الواح : شهادت های در الواح از اهم مسائلی است که در
 الواح مبارکه نازل گردیده است . تحقیقات مقدماتی در اینخصوص نشان میدهد که اصولاً
 بیانات مبارکه که با شهادت آغاز و یا شهادت دادن به چیزی در آن نازل گردیده بطور

اعم در مسائل اصول و مبادی امر مبارک است - ادعیه و مناجاتهای مبارکه سرشار و مملو از این قبیل بیانات است .

مبحث الفاظ و معانی اول ، شهادت : : (الف) در فرهنگ معین ۱۸۱ : ۱ - گواهی دادن . ۲ - کشته شدن در راه خدا ، شهید گردیدن . ۳ - گواهیی که در آن شک و ریب و غرضی نباشد و از روی اخلاص و راستی ادا شود ، (ب) در کشاف اصطلاحات فنون ۱۸۲ : بالفتح و الهاء المخففة لغة خبر قاطع كما في القاموس و شرعا اخبار بحق للغير على آخر عن يقين ... * و عند الصوفية هي عالم الملك كما في كشف اللغات .

اقسام شهادتهای در الواح مبارکه شهادت : اشهد ، اشهد ان ، اشهد الله ، شهادت در اصول و مبادی امر ، شهادت در وجوب و وحدانیت خدا ، شهادت به اینکه حضرت بها الله جل ذکرة و حضرت رب اعلى جل ذکرة مظهر وحدانیت و فردانیت الهی اند .

نمونه هائی از شهادتهای در الواح

نمونه اول : شهادت خدا به وجود خود و وحدانیت خود : در صلوات وسطی نازل قوله تعالى : " شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ " . بنظر میرسد که شهادت خدا به وجود ذات

ص ۱۳۵

اقدسش که نیست خدائی بجز او مشابه آیه ۳/۱۷ نازله در قرآن کریم در سوره آل عمران است قوله تعالى : " شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ " .

نمونه دوم : شهادت بنده به یکتا بودن و بی همتا بودن خدا : در صلوات وسطی نازل قوله تعالى : " أَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَفِرْدَانِيَّتِكَ وَبِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ " .

نمونه سوم : شهادت بنده (مخلوق) به اینکه خدا مقدس از توصیف و شناخته شدن و ادراک است - در مناجاتی میفرمایند قوله الاعلى ۱۸۳ : " الهيا معبودا مسجودا

مقتدرا شهادت میدهم که تو بوصف ممکنات معروف نشوی و باذکار موجودات موصوف نگردی ادراکات عالم و عقول امم بساحت قدست على ما ينبغي راه نیابد و پی نبرد " .

نمونه چهارم : شهادت مومن بامر بهائی که با ظهور حضرت اعلى جل ذکرة الاعلى و جمال اقدس ابهى سلطنت الهیه ظاهر شد : در زیارتنامه نازل قوله تعالى ۱۸۴ : " أَشْهَدُ أَنَّ بِكَ ظَهَرَتْ سُلْطَنَةُ اللَّهِ وَاقْتِدَارُهُ وَعَظَمَةُ اللَّهِ وَكِبْرِيَاءُهُ " .

نمونه پنجم : شهادت بنده به اینکه کسیکه به معرفت و لقاء جمال اقدس ابهی فائز شد بمعرفت و لقاء خدا فائز شده است : در زیارتنامه نازل شده است قوله تعالی ۱۸۴ : " أَشْهَدُ بَأَنَّ مَنْ عَرَفَكَ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ فَازَ بِلِقَائِكَ فَقَدْ فَازَ بِلِقَاءِ اللَّهِ " .

نمونه ششم : شهادت مومن بامر بهائی به اینکه مشابه و نظیر مظلومیت حضرت ربّ اعلی و جمال اقدس ابهی در عالم وجود دیده نشده است : در زیارتنامه نازل شده است قوله تعالی ۳۱ : " أَشْهَدُ بَأَنَّ مَا رَأَتْ عَيْنُ الْأَبْدَاعِ مَظْلُومًا شَبَهَكَ كُنْتُ فِي أَيَّامِكَ فِي غَمَرَاتِ الْبَلَايَا مَرَّةً كُنْتُ تَحْتَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَ مَرَّةً كُنْتُ تَحْتَ سُيُوفِ الْأَعْدَاءِ " .

نوع پانزدهم : بیانات مبارکه در علم : علم الهی ، علم شیطانی ، علوم و فنون و صنایع ، علومیکه بحرف ابتدا شود و بحرف منتهی گردد ، دانائی ، عالم حقیقی و جاهل

بنظر نگارنده ، مروی اجمالی در بیانات مبارکه نشان میدهد که لفظ علم با معانی

ص ۱۳۶

مختلف و مقاصدی متفاوت نازل شده است . برای پرهیز از طول کلام نمونه هائی از بیانات مبارکه را با تقسیم بندی هائی که توسط قلم اعلی و تبیینات مبارکه حضرت عبدالبها جل ثنائه و نیز شرح مختصری از معنی علم در کتب لغت و علوم اسلامی تا آنجائیکه مربوط به معارف امر میشود درج نموده و برای مزید اطلاع مراجع و ماخذی که ممکن است مراجعه و مطالعه آنها سودمند واقع شود معرفی میگردد .

تقسیم بندی علم در ایقان شریف در باره علم (آنچه مصطلح بین مردم است و بنظر میرسد که علوم دینی است که هنوز هم مدارس علوم مذهبی را که این قبیل از علوم در آنها تدریس میشود حوزه های علمیه و مدارس علوم اسلامی نامیده شده اند) میفرمایند قوله الاعلی ۱۸۵ : " و علم بدو قسم منقسم است * علم الهی و علم شیطانی * آن از الهامات سلطان حقیقی ظاهر * و این از تخیلات انفس ظلمانی باهر * و معلّم آن حضرت باری * و معلّم این وسوس نفسانی " .

تقسیم بندی دیگر علم در آثار مبارکه در بیانات مبارکه علوم نافعه است که در دو لوح مقدس تجلیات و طرازات در باره آنها بیانات صریحه نازل شده است . " تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است علوم بمنزله جناح است از برای وجود و مرقّات است از برای

صعود تحصیلش بر کل لازم ولکن علومیکه اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومیکه بحرف ابتدا شود و بحرف منتهی گردد " . " طراز ششم دانائی از نعمتهای بزرگ الهیست تحصیل آن بر کل لازم این صنائع مشهوده و اسباب موجوده از نتایج علم و حکمت اوست که از قلم اعلیٰ در زُبر و الواح نازل شده قلم اعلیٰ آن قلمی است که لثالی حکمت و بیان و صنایع امکان از خزانه او ظاهر و هویدا " .

تقسیم بندی دیگر علم در لوحی علم ، به علم ابدان و علم ادیان تقسیم گردیده قوله العزیز ۱۸۶ : " از قبل لسان حکمت باینکلمه علیا نطق نموده العلم علما علم الابدان و علم الادیان علم الابدانرا در کلمه مبارکه مقدم داشته و فی الحقیقه مقدم است چه که

ص ۱۳۷

ظهور حق و احکام الهی جمیع از برای تربیت انسان و ترقی او و حفظ اهل عالم و امثال آن بوده و خواهد بود لذا آنچه سبب و علت حفظ و صحت و سلامتی وجود انسانست مقدم بوده و خواهد بود " .

برای مزید اطلاع مراجعه فرمائید به اسرار الآثار جلد ۴ صفحات ۳۶۵ الی ۳۷۷ .
تقسیم بندی دیگر علم در الواح حضرت عبدالبهاء در آثار و الواح حضرت عبدالبهاء علم به دو قسم تقسیم شده است ۱۸۷ : " علم بر دو قسم است : علوم مادیه و علوم الهیه . علوم مادیه کشف اسرار طبیعت کند علوم الهیه کشف اسرار حقیقت نماید عالم انسانی باید تحصیل هر دو علم کند " .

معیار عالم و جاهل بودن انسان

در کتاب بدیع در باره عالم و جاهل میفرمایند قوله جل بیانه ۱۸۸ : " معرضین بالله را عالم ندانید ... الیوم اگر کل من فی السموات و الارض بتمام علوم ارض ظاهر شوند و در امر بدیع توقف نمایند از جهلا عندالله مذکور ... الیوم اطلاق اسم عالم بر احدی نخواهد شد مگر آن نفوسیکه بقمیص ایمان امر بدیع مزین شده اند " .
در بیان اسنی دیگری در کتاب بدیع فرق میان عالم و جاهل را برای اهل عالم بیان میفرمایند قوله جل و عز ۱۸۹ : " نفوسی که بایمان موفق شده اند بر کرسی علم مستقر اگر چه بحرفی از علوم ظاهره مطلع نباشند الیوم علم و جهل و اعلیٰ و ادنی و

قرب و بعد و صادق و کاذب حی و میت بالغ و رضيع عاقل و غافل بتصدیق ظهور معلوم و ممتاز میشوند من آمن به فهو اعلى العلماء ... مقصود از این بیانات آنکه بدانند که عندالله اهل علم نفوسی هستند که عالم باو شده اند و در کلمه بلی توقف ننموده اند ان نفوسند اهل علم و ادلاء ان و اهل عصمت و معدن حکمت و منبع بیان و مطلع ذکر کل اسماء خیر بان نفوس راجع مادامیکه در ظل الله مستقرند علوم ظاهریه در اینمقام معتبر نبوده و نخواهد بود . "

ص ۱۳۸

تعریف علم در کتب لغت و معارف اسلامی

الف ، در کتب لغت : (۱) در فرهنگ معین ۱۹۰ : ۱ - دانستن ۲ - یقین کردن ۳ - معرفت - دانش ، مقابل ظن جهل ۴ - یقین ۵ - هر چیز دانسته ، معلوم ، ۶ - ادراک مطلق یا حصول صور اشیاء نزد عقل . (۲) در فرهنگ علوم عقلی ۱۹۱ : علوم از نظر غایت بر دو قسم اند علوم دنیوی و دیگر علوم اخروی . علم طبیعی (علم اسفل) ، علم الهی (علم اعلى) علم لدنی (علمی که بنده از خدا آموزد) (۳) در التعریفات جرجانی ۱۹۲ : (العلم) هو الاعتقاد الجازم المطابق للواقع و قال الحكماء هو حصول صورة الشئ فی العقل ... و قيل العلم هو ادراك الشئ علی ما هو به . (۴) در المفردات فی غریب القرآن ۱۹۲ : العلم ادراك الشئ بحقیقته .

ب ، در قرآن کریم : (۱) مولف کتاب وجوه قرآن در باره علم می نویسد ۱۹۴ : بدان که علم در قرآن بر چهار وجه باشد : وجه نخستین علم بمعنی دانستن بود چنانکه خدای در سورة الانبیاء (۱۱۰ آیه) گفت . و در سورة التغابن گفت (آیه ۴) . و در سورة الاعلى گفت (آیه ۷) : و وجه دوم علم بمعنی دیدن بود چنانکه در سورة آل عمران (آیه ۱۴۲) گفت ، و وجه سیم علم بمعنی فرمان بود چنانکه در سورة هود (آیه ۱۴) گفت ، و وجه چهارم علم بمعنی شناختن بود چنانکه در سورة النمل (آیه ۶۶) گفت . (۲) برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به کتاب التبیان فی غریب اعراب القرآن تالیف ابوالبرکات بن الانباری و مراجع ذیل :

چند نمونه از مراجع و مآخذی که ممکن است سودمند واقع شوند عبارتند از :

- ۱ - در کتب مذهب شیعه : اصول کافی تالیف شیخ کلینی جلد ۱ ، کتاب فضل العلم
- ۲ - در کتب مذهب سنی : (۱) صحیح بخاری جلد اول کتاب العلم (۲) کتابهای احیاء

علوم الدین ، ربع عبادات ، کتاب العلم و نیز کیمیای سعادت ، کتاب ارکان مسلمانی ، اصل دوم - در طلب علم ، هر دو تالیف ابو حامد محمد غزالی طوسی .

ص ۱۳۹

۳ - در کتب فلسفه : (۱) کتاب درة التاج - مقدمه - فصل های اول و دوم و سوم صفحات ۱۰۲ الی ۱۸۰ . تالیف قطب الدین شیرازی (۲) شرح منظومه حکمت در " غرر فی العلم " ص ۱۸۴ ، تالیف حاج ملا هادی سبزواری .

نوع شانزدهم : امتحانات الهیه و فتن

مبحث الفاظ فتنه (جمع آن فتن) در کتب لغت بمعانی ذیل آمده است

۱ - لغتنامه دهخدا ۱۹۵ : گداختن و در آتش انداختن سیم و زر جهت امتحان ، باز داشتن کسی را از رای و نظرش . اختلاف کردن مردم در رای و تدبیر . گمراه کردن . چیزی که حال آدمی از خیر و شر آشکار گردد چنانکه در بحر المعانی در تفسیر آیه " انما نحن فتنه ... " از سوره بقره ۲/۱۰۲ چنین آمده است .

۲ - معجم الوسیط ۱۹۶ : (الفتنه) : الاختیار بالنار . و - الابتلاء

۳ - التعریفات جرجانی ۱۹۷ : الفتنه : ما یتبین به حال الانسان من الخیر و الشر .

امتحانات الهیه در ادیان قبل

مسیحیت در انجیل متی در باب ۲۶ داستان انکار پطرس رسول که بوعده الهی به امتحان افتاد و حضرت عیسی را سه مرتبه انکار کرد درج شده است .

اسلام امتحانات الهیه و فتن در قرآن کریم مذکور ، و در کتب حدیث در تحت عنوان

" کتاب الفتن " درج شده است - بعضی از مسائلی که در ارتباط با فتنه در معارف

اسلامی نوشته شده عبارتند از ایمان ، جانشینی بعد از وفات پیغمبر اکرم ، يوم القيامة و نظایر آن . برای پرهیز از تفصیل به چند نمونه از آیات قرآن و احادیث اکتفا میگردد .

امتحانات و فتن در قرآن

نمونه اول ، سوره بروج آیه ۱۰ : ۸۵ : " إِنَّ الدِّينَ فَتْنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ " .

ترجمه : بدرستی که آنان که بفتنه در انداختند مردان با ایمان و زنان با ایمان را .

نمونه دوم ، سوره بقره آیه ۲۱۷: ۲ " **وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ** **إِنْ اسْتَطَاعُوا** " ترجمه " و فتنه بزرگتر است از کشتن و همیشه کارزار میکنند با شما تا برگردانند شما را از دینتان اگر توانائی داشته باشند .

در کتب علوم قرآن

در کتاب وجوه قرآن در ردیف فتنه نوشته شده ۱۹۸ : " بدان که فتنه در قرآن بر پانزده وجه باشد : وجه نخستین فتنه بمعنی آزمایش بود چنانکه خدای در سوره العنکبوت (آیه ۲) گفت ... ، و وجه دوم فتنه بمعنی شور و شر بود چنانکه در سوره الحج (آیه ۱۱) گفت ... ، و وجه سیم فتنه بمعنی شرک بود چنانکه در سوره البقره (آیه ۷) گفت ... ، و وجه پنجم فتنه بمعنی بزه بود چنانکه در سوره التوبه (آیه ۴۹) گفت ... ، و وجه ششم فتنه بمعنی عذاب کردن بود در دنیا چنانکه در سوره النحل (آیه ۱۱) گفت ... ، و وجه هفتم فتنه بمعنی کشتن بود چنانکه در سوره النساء (آیه ۱۰۱) گفت ... ، و وجه هشتم فتنه بمعنی سوختن بود چنانکه در سوره الذاریات (آیه ۱۳) گفت ... ، و وجه نهم فتنه بمعنی برگردانیدن بود چنانکه در سوره المائدة (آیه ۴۹) گفت ... ، و وجه دهم فتنه بمعنی گم راه شدن بود چنانکه در سوره المائدة (آیه ۴۱) گفت ... ، و وجه یازدهم فتنه بمعنی دیوانه شدن بود چنانکه در سوره نون (آیه ۶) گفت ... ، و وجه دوازدهم فتنه بمعنی لغزاینیدن بود چنانکه در سوره بنی اسرائیل (آیه ۷۳) گفت ... ، و وجه سیزدهم فتنه بمعنی عبرت بود چنانکه در سوره یونس (آیه ۸۵) گفت ... ، و وجه چهاردهم فتنه بمعنی عُذر بود چنانکه در سوره الانعام (آیه ۲۳) گفت ... ، و وجه پانزدهم فتنه بمعنی خواسته و فرزند بود چنانکه در سوره التغابن (آیه ۱۵) گفت ... "

در کتب حدیث اهل سنت و جماعت در کتب سته در مسائلی چند از جمله در اشاره به ساعت و یوم قیامت احادیث از حضرت رسول اکرم نقل شده است .

نمونه اول ، سنن ابی داود ۱۹۹ : " حدثنا هارون بن عبدالله عن عبدالله ... عن النبی صلی الله علیه و سلم قال ((یَکُونُ فی هذه الامّة اربعُ فِتَنٍ فی آخرها الفناء)) در کتب حدیث مذهب شیعه در کتاب نوادر الاخبار فی ما یتعلق باصول الدین در بخش "

کتاب الفتن " تالیف ملا محسن فیض کاشانی کتاب الفتن بنقل از سایر کتب معتبره شیعه مینویسد ۲۰۰ : " المجمع - عن النبی صلی الله علیه و آله ، لما نزلت هذه الآية : ((عنکبوت ۱ : ۲۹)) قال : ((لابد من فتنة یتلی بها هذه الامة بعد نبیها لیتعن الصادق من الکاذب لان الوحی قد انقطع وبقى السیف وافتراق الكلمة الى يوم القيامة)) .

فتن و امتحانات الهیه در امر بهائی

مبحث الفاظ در الواح مبارکه الفاظی از قبیل : " فتنه " ، " فتن " ، امتحان ، امتحانات الهیه بکار رفته است .

امتحان و افتتان بنا به اراده الهی است

نمونه اول - در لوحی از حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۲۰۱ : " خداوند آفرینش حق آزمایش دارد و بس " .

نمونه دوم - در لوحی از حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۲۰۲ : " الطاف جمال غیب من دون شبهه و ریب شامل دوستانست ولی آزمایش و امتحان نیز شدید است قسم بالطاف رحمن که استخوان عبدالبهاء از خوف امتحانات جمال ابهی میگدازد و روح و قلب و جانش مضطرب ولی امید از عنایت آن محبوب مجید است که این عبد و دوستان را نا امید نفرماید و نجات بخشد " .

نمونه سوم - در لوح قرن خطاب به احبای شرق در اشاره به دعوی خلافت مجعوله

ص ۱۴۲

یحیی ازل نموده و اعراضش را نسبت به ظهور " من یتظهره الله " بیان فرموده اند ۲۰۳ : " مطلع اعراض و منبع اغماض یحیی بی حیا ... حجاب را دفعة بدرید و چون حیه رقطاء جمال کبریاء را بگزید ... و بر نفسی که خلافت و ولایت و رسالت و ما فوق آن باشاره اصبعش تحقق یافته بمحاربه قیام کرد فتنه عمیاء صمآء برپا شد " - در قاموس لوح قرن جلد دوم فاضل جلیل القدر فتنه عمیاء را مرتبط ساخته اند به توقیعی از حضرت رب اعلی خطاب به ملا احمد ابدال مراغه ای که برای مزید اطلاع بآن اثر ثمین مراجعه فرمائید .

نمونه هائی از بیانات مبارکه در فتن و امتحانات الهی و علت آن

نمونه اول در اینکه امتحانات سبب تمیز حق از باطل است ، در ایقان شریف نازل ۲۰۴ :
" امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود * تا نور از ظلمت
و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خوار از گل ممتاز
و معلوم شود * .

نمونه دوم در اینکه امتحان و افتتان سبب ظهور کمالات مؤمنین و حصاد اشرار است ،
در لوحی از حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۲۰۱ : " از امتحانات هیچوقت محزون
مگردید زیرا امتحان و افتتان حصاد اشرار و سبب ظهور کمالات ابرار است ... چه که
مقصد از ظهور نور مبین تربیت نفوس مبارکه است و این جز بامتحانات الهیه ممکن نه
اگر امتحانات الهیه نبود ابدان نفوس تربیت نمیشدند ... چون شدائد امتحان بمیان
آید نفوس منقطع گردند و منجذب بحق و متوجه الی الله و متخلق باوصاف رحمانی و
مستمد از فیوضات آسمانی شوند " .

نمونه سوم ، لوح فتنه از الواح نازله در بغداد است و نظر باهمیت مندرجات لوح
مبارک ، مضمون چند قسمت از مسائل آنرا که در عظمت ظهور من یظهره الله و موعود
بیان و کل امم است طبقه بندی مینماید بفضله و جوده ۲۰۵ :

ص ۱۴۳

اول - " ان یا فتنه البقاء " : " فتنه الله " بنظر میرسد که اشاره به خود هیکل
مبارک است که امتحان الهی از جانب خدا آمده ، برای فصل و تمیز میان ممکنات در
ظهور " مرة اخرى " حضرت اعلی در سینه مستغاث .
دوم - " فتنه " ، مضطرب میکند نفس ها را " تضطرب النفوس " و عقول را حیران میکند
" تذهل فیها العقول " ، و به لرزه در می آورد " اعراش العظمة " را .
سوم - این " فتنه " که امتحان الهی است . " یمتحن الله بها کل الذرات ثم کل
الموجودات ثم کل من فی الارضین و السموات ثم کل العالمون " .
چهارم - " و ان ذلك من فتنه یفتن بها عباد مکرمون ثم عباد مخلصون ثم ملائكة
المقربون ثم اهل ملاء العالمون " .
پنجم - از این " فتنه " همه کسانی که ادعای محبت و ایمان به خدا را دارند مواجه
با امتحان الهی میگردند " ذلك من فتنه یمحص فیها کل من یدعی المحبة و الایمان
بالله المهیمن العلی المحبوب بهذا الجمال الممتنع البهی المحبوب " .

ششم - این " فتنه " ، " یاخذ کل عارف سلیم و کل بالغ حکیم و کل مدبر علیم و کل ملک امین ثم کل نبی رسول " .

هفتم - در فقره از لوح قسم یاد میفرمایند که خدا با این " فتنه " ، کلیه کائنات به آزمایش و امتحان می افتند (با بظاهر منظور نمودن معانی الفاظ و کلمات - اگر به معانی باطن الفاظ بخواهیم توجه کنیم لازم است که مقصود را بر اساس آنچه در ایقان شریف برای معانی : ارض ، سموات و سماء ، شمس ، نجم و قمر تاویل فرموده اند توجیه نمود) : " تالله قد یفتن کل الاراضی و السموات ثم الشمس و الانجم ثم الاقمار ثم الابحار بکل سفائنھا و امواجھا و قطراتھا و ماقدر فیھا من عجائب صنع الله المہيمن القیوم " .

هشتم - قسم یاد میکنند به خدا که همه چیز به امتحان می افتد " تالله تفتن کل شیء

ص ۱۴۴

الی کل شیء بنفس شیء " .

نهم - این فتنه و امتحانات در این ظهور " نباء اعظم " از حال حاضر تا ابد الابد ادامه خواهد داشت " و انی لو اذکر هذا النباء الاعظم و ظهورات فتنه و امتحاناته الاقوم من یومئذ الی ابدالاباد " .

نوع هفدهم : بیان در اعطای القاب و نام به الواح و آثار نازله ، مؤمنین و خادمین

امرالله و ناکصین عهد و اعداء امر بهائی ، اماکن و شهرها

در آثار مبارکه قلم اعلیٰ به زیارت بیاناتی نائل میشویم که در آن جمال کبریائی به عده ای از اجله مومنین و خادمان جانفشان امر در عهد رسولی خطاب به آنان و یا در بیاناتی که ذکر آنان شده است مشمول عنایات الهی گردیده و به القاب و عناوینی خاص ملقب شده اند که بعد از عنایت آن القاب و اسماء ملقبین در میان احبای الهی به اسماء و القابی شهر مشهور گردیدند مانند لقب " نبیل اعظم " . در راس و فوق همه القاب اعطائی ، القاب و عناوین و صفات ملکوتی است که شارع امر بهائی به مولای بی همتا فرزند ذکور ارشد خود حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه عنایت فرموده است .

القاب به خویش (جمال قدم) رجوع کنید به آثار مبارکه و الواح تبیینی و نافه مکنون بخش پنجم

تالیف این عبد و سایر تالیفات بهائی .

القاب به الواح و آثار مبارکه رجوع کنید به بخش اول این مجموعه

القاب به حضرت عبدالبهاء القاب و اسماء و صفاتی خاص که توسط شارع اعظم به حضرت عبدالبهاء عنایت شده است در مرتبه خاص قرار دارد و اهمیت آن را به وضوح و آشکارا در سه اثر فنا ناپذیر بسهولت می توان یافت . در کتاب قرن بدیع ، لوح قرن خطاب به احبای شرق ، دوربهای و مقدمه کتاب مستطاب اقدس توسط مصدر کل خیر

ص ۱۴۵

بیت العدل اعظم شیدالله ارکانه و بنیانه .

القاب و اسماء حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه موضوعی است که همه احبای الهی با آن آشنائی کامل دارند و برای اختصار القاب مبارکه را درج مینماید : " سرکار آقا " ، " غصن الله الاعظم " ، " غصن الله الاعظم العظیم " ، " سرالله " ، " من طاف حوله الاسماء " ، " غصن اعظم " ، " غصن القدس " ، " الفرع المنشعب من هذا الاصل القديم " ، " الذى انشعب من هذا الاصل القديم " ، " حرز العالمین " ، " من اراده الله " .

القاب به انبیاء و اولیاء ظهورات قبل

(۱) حضرت محمد رسول اکرم را در لوحی ملقب فرموده اند به ۲۰۶ : " مظهر القدم و فخر الامم محمد المصطفی " . (۲) در ایقان شریف حضرت علی علیه السلام را ملقب فرموده اند به ۲۰۷ : " سلطان بقا " . (۳) حضرت امام حسین علیه السلام به : " فخر الشهداء " در زیارتنامه حضرت سید الشهداء نازل قوله تعالی ۲۰۸ : " و آه آه یا فخر الشهداء و محبوبهم " .

القاب به مومنین و خادمین امرالله

(۱) در لوحی به یکی از احبای الهی او را عبدالبهاء یاد نموده اند قوله العزیز ۲۰۹ : " یا احبائی انا خرجنا من القصر و كان معنا انفس معدودات ، و منهم الغصن الاکبر و عن ورائه الغصنان و اخى و ابن اخى الآخر و عن ورائهم محمد قبل علی من اهل الصّاد و عبدالبهاء الذى فاز بلقاء الله المهيمن القيوم و الذى سمى بالحسن " . (۲) " نورین نیرین حسنین " در لوح شیخ محمد تقی نجفی و سایر الواح مبارکه باعزاز دو برادر ارجمند سلطان الشهداء و محبوب الشهداء ، (۳) آقا بزرگ خراسانی (حامل لوح سلطان) ملقب به ۲۱۰ : " فخر الشهداء " " حضرت بدیع " (۴) " اسم الله الجود " ، " جناب اسم جود " ۲۱۱ . (بنظر میرسد که مقصود از تسمیه " اسم الله

الجود " و " اسم جود " مشابهت نام مخاطب " جواد " با " جواد " که یکی از اسماء الله است بوده باشد . (۵) آقا محمد علی

ص ۱۴۶

قائنی ملقب به ۲۱۲ : " نبیل اکبر " ، (۶) سید اسماعیل زواره ملقب به ۲۱۳ :
" ذبیح " . (۷) حاجی ابوالحسن اردکانی امین حقوق در لوح دنیا به لقب ۲۱۴ : " امین "
(۸) ، جناب ملا حسین بشرویه ای اول من آمن ، در ایقان شریف نازل قوله العزیز ۲۱۵ :
" لولاه ما استوی الله علی عرش رحمانیته و ما استقر علی کرسی صمدانیته " .
(۹) آقا سید یحیی دارابی از اجله مومنین صدر امر مبارک ، در ایقان شریف به ۲۱۶ :
" وحید عصر و وحید زمان " . (۱۰) حاجی عبدالمجید نیشابوری از شهدای امر و والد
جناب بدیع ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی (ابن ذئب) به : " ابا بدیع " . (۱۱)
جناب محمد علی زرنندی ملقب به " نبیل اعظم " و در سورة الدّم به : " هد هد السباء "
(۱۲) زین المقربین در لوح اشراقات به " اسم الله " . (۱۳) شیخ محمد علی
قزوینی فرزند شیخ محمد قزوینی که از قلم حضرت اعلی به " نبیل " ملقب گردید (شرح
حال پدر و پسر هر دو در محاضرات درج شده است) در کلمات فردوسی به : " نبیل ابن
نبیل " . (۱۴) حاجی محمد اسمعیل ذبیح کاشانی ، در لوح رئیس به : " انیس " .

القاب به ناکثین عهد و اعداء امر بهائی

(۱) یحیی ازل ملقب به : مطلع اعراض ، سامری جهل . (۲) و (۳) شیخ محمد باقر ،
محمد حسین (دو تن از علما و فقهای اصفهان و از معاندین لدود الله) در لوح
برهان به ۲۱۷ : " ذئب " و " رقصاء " . " ۴ " شیخ محمد تقی نجفی مخاطب لوح مهیمن
شیخ محمد تقی نجفی ملقب به ۲۱۸ : " ابن ذئب " .

القاب به اراضی و شهرها

(۱) مازندران ، در لوح ابن ذئب به : " ارض میم " . (۲)
طهران ، در کثیری از الواح مبارکه و لوح ابن ذئب به : " ارض طا " (در الواح
فارسی) و " ارض الطاء " (در الواح عربی) . (۳) اصفهان ، در لوح ابن ذئب به :
" ارض صاد " . (۴) عشق آباد در لوح ابن ذئب به : " مدینه عشق " . (۵) یزد ، به
: " ارض یاء " (۶) کرمان به : " ارض کاف " . (۷) خراسان به : " ارض خاء "
(۸) کربلا به : " ارض طف " .

ص ۱۴۷

(۹) اسلامبول در لوح ابن ذئب به : " مدینه کبیره " . (۱۰) ادرنه به : " ارض سر " .
(۱۱) شیراز به ۲۱۹ : " ارض شین " بغداد ، به : " مدینه الله " .
(۱۳) عکا ، در لوح ابن ذئب به : " مدینه مبارکه مشرفه " . (۱۴) زندان عکا به :
" سجن اعظم " . (۱۵) زندان سیاه چال طهران به : " سجن الطاء " .
در اکثری از الواح مبارکه تبیینی این القاب و اسماء نیز بکار رفته و در محاضرات
قاموس های لوح مبارک قرن و لوح مبارک ۱۰۵ نیز با شروحو درج شده است .

نوع هیجدهم : بیانات مبارکه در باره : گوش - آذان - سمع - شنیدن - شنوائی -
اصغاء - چشم - دیدن - بینائی - بصر - ابصار - . قلب - فواد - افئده - دل - صدر

در بررسی آیات الهی در کلیه ادیان عموماً و در معارف اسلامی و معارف امر مبارک
خصوصاً ، دو حس از ادراکات پنجگانه در انسان که بینائی و شنوائی اند برای اخذ
کلام جدید الهی در مرتبه و اهمیت خاصی قرار گرفته اند . اهمیت این دو حس از حواس
پنجگانه که مانند درب ورودی برای رسیدن هر نوع علم و اطلاعی به قوای دماغی و
عقلی انسان است موضوعی است که شرح در باره آن در کتب علوم طبیعی و نیز فلسفه و
منطق (علوم عقلی) از حد شمارش و احصا خارج است و موضوع مستقیم این قسمت از
بررسی الواح مبارکه نیست ، دو مرکز دیگر احساسات و عواطف انسانی که در ادیان
الهی به آن اشاره شده است " قلب ، دل ، فواد ، سینه و صدر " است که در معارف
امری و بیانات مبارکه برای تزکیه نفس و حصول ایمان به مرکز امر و سدره الهی
دارای اهمیت خاصی است . در ابتدا چند نمونه از آیات الهی در ادیان قبل در اینجا
ذکر میشود و سپس نمونه هایی از بیانات مبارکه در هر مورد زیب این قسمت میگردد .

ص ۱۴۸

الفاظ فوق در انجیل و قرآن کریم

انجیل متی باب ۱۳ : (۱۳) از اینجهه با اینها بمثلها سخن میگویم که نگرانند و
نمی بینند و شنوا هستند و نمیشنوند و نمیفهمند * (۱۴) و در حق ایشان نبوت اشعیاء

تمام میشود که میگوید بسمع خواهید شنید و نخواهید فهمید و نظر کرده خواهید نگریست و نخواهید دید * (۱۵) زیرا قلب این قوم سنگین شده و بگوشها بسنگینی شنیده اند و چشمان خود را برهم نهاده اند مبدا بچشمها به بینند و بگوشها بشنوند و بدلهای بفهمند و بازگشت کنند و من ایشانرا شفا دهم * (۱۶) لیکن خوشا بحال چشمان شما زیرا که می بینند و گوشهای شما زیرا که میشنوند * (۱۷) زیرا هر آینه شما میگویم بسا انبیاء و عادلان خواستند که آنچه شما می بینید به بینند و ندیدند و آنچه میشوید بشنوند و نشنیدند .

چند نمونه از آیاتی که الفاظ فوق بکثرت در قرآن نازل شده است عبارتند از : (۱) فواد : سوره قصص آیه ۲۸/۱۰ . (۲) دل ، دیدن : سوره نجم آیه ۵۳/۱۱ : " مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى " (۳) سمع ، بصر ، فواد : سوره بنی اسرائیل آیه ۱۷/۳۶ : " وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا " . (۴) افئده : سوره ابراهیم آیه ۱۴/۴۳ ، (۵) سمع : سوره انفال آیه ۸/۳۱ : " وَإِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ " . ترجمه : " و چون خوانده شود بر ایشان آیت های ما گویند بحقیقت شنیدیم اگر میخواستیم هر آینه می گفتیم مانند این را نیست مگر افسانه های پیشینیان " .

(۶) اذان (گوشها) سوره بقره آیه ۲/۱۹ : " يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ " ، (۷) سوره نوح آیه ۷۱/۶ . (۸) قلب - گوش . سوره بنی اسرائیل آیه ۴۸ : " وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا " . ترجمه : و قرار دادیم بر دلهایشان پوششها مبدا که بفهمند آنرا و در گوشهایشان گرانی " . (۹) صدر سوره هود آیه ۱۱/۵ : " إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ " ترجمه : " بدurstیکه او دانا است بذات سینه ها " .

ص ۱۴۹

(۱۰) عین (چشم) - صدر ، سوره مؤمن (غافر) آیه ۴۰/۱۹ : " يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ " . ترجمه : " میداند خیانت چشمها را و آنچه پوشیده میدارند سینه ها " .

(۱۱) بصیر (بینا) : سوره قیامت آیه ۷۵/۱۴ : " بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ " .

ترجمه : بلکه انسان بر خودش بینا است " - (۱۲) سمع - بصر - فواد :

سوره نحل آیه ۱۶/۷۸ : " وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ " . برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به قرآن کریم .

بصر لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی نجفی ، کسانی که مظهر ظهور جدید را شناخته

اند صاحب بصر بیان فرموده اند قوله العزيز : " هذا يوم فيه وجد كل ذی شم عرف نسمة الرحمن فی الامکان و سرع کل ذی بصر الی فرات الرحمة ربه مالک الملوك " . در لوح ابن ذئب به حواس اصلی پنجگانه و نیز قلب و صدر که همه آنها وسیله اصغاء و رسیدن کلام جدید الهی است اشاره می فرمایند قوله العزيز : " بگوئید ای قوم امروز آفتاب بیان از افق سماء مشرق و نور ظهور مکلم طور امام ادیان ساطع و لامع * صدر و قلب و سمع و بصر را بکوشتر بیان رحمن مقدس و مطهر سازید و بعد توجه نمائید " .

چشم - دیدن - دل

نمونه اول ، در لوحی نازل قوله العزيز ۲۲۰ : " امروز روز ابصار و آذان و قلوبست از حق بخواهید تا این سه را مالک شوید و از حجابات مقدس دارید چه که حجاب رقیق بل ارق بصر را از مشاهده و آذنا از اصغاء و قلب را از تفقه منع نماید " " چشم سر را پلک بان نازکی از دیدن جان و آنچه در اوست بی بهره نماید دیگر پرده آز اگر بر چشم دل فرود آید چه خواهد کرد " .

نمونه دوم ، در لوحی نازل قوله العزيز ۲۲۱ : " (ای بنده یزدان) چشم جان بگشا تا روی دوست بینی " " (ای بنده یزدان) بی آرایش جان بستایش پروردگار زبان بگشا

ص ۱۵۰

زیرا از کلک گهر بار تو را یاد نمود اگر پی باین بخشش بری خود را پاینده بینی " نمونه سوم ، در کلمات مکنونه است قوله العزيز (ای صاحب دو چشم) چشمی بر بند و چشمی برگشا " " (ای مردگان فراش غفلت) ... اگر فی الجملة بصر بگشائی صد هزار حزن را از این سرور خوشتر دانی " " (ای پسر هوی) بحجاب نفس خود چنان محتجب ماندی که چشمت بجمال دوست نیفتاد " .

گوش - اذان - سمع - شنیدن - شنوائی - اصغاء در آثار مبارکه شنیدن و استماع کلمة الله

و پیام الهی و نیز قابل بودن برای شنیدن (شنوائی) بکثرت نازل شده است .

نمونه اول ، در لوحی نازل ۲۲۲ : " قسم بمطلع اسم اعظم اگر ناس خرق حجاب کنند و اقل من آن بسمع فطرت نداء الله را که از یمین بقعه نورا مرتفعست اصغما نمایند کل بقلوب منیره بشطر محبوب توجه کنند " .

نمونه دوم ، در لوحی نازل قوله العزيز ۲۲۳ : " ایدوستان یزدان آواز یکتا خداوند

بی نیاز را بگوش جان بشنوید تا شما را از بند گرفتاریها و تیره گی تاریکیها آزاد فرماید " گوش هوش فرا دار تا زمزمه سروش ایزدی بشنوی " - " ای خردمند اگر پند خداوند بشنوی از بند بندگان آزاد شوی و خود را برتر از دیگران بینی " " زمزمه از آوازه های خوش جانان آوردیم اگر بگوش جان بشنوند " و در لوحی دیگر نازل قوله العزیز ۲۲۳ : " گوش نه گوشی است که بدیده از آن نگرانی * چشم نهان باز کن تا آتش یزدان بینی * و گوش هوش فرا دار تا گفتار خوش جانان بشنوی " .

نمونه سوم ، در لوح رئیس نازل قوله تعالی ۲۲۴ : " ان یا رئیس اسم نداء الله الملك المهيمن القيوم " .

نمونه چهارم ، در لوحی نازل قوله تعالی ۲۲۵ : " ایدوست چون گوش کم یاب است

ص ۱۵۱

چندی است که خامه در کاشانه خود خاموش مانده کار بجائی رسیده که خاموشی از گفتار پیشی گرفته و پسندیده تر آمده * " .

در چند نمونه از بیانات مبارکه دیده میشود که " گوش و سمع " را نیز بوسیله لفظی دیگر برای درک مقصود از بیانات مبارکه بیان فرموده اند مانند : " گوش جان " ، " سمع فطرت " و " گوش هوش " .

نوع نوزدهم بیانات مبارکه در باره : مائده - طعام . آب - ماء ، چشمه - عین -

کوثر - رحیق - شراب - خمر - باده - جام - خم ، - ساقی - ساغر - خم

در الواح بسیاری الفاظ فوق با معانی معنوی از قلم اعلی جاری شده است و ارتباط آن با معارف ادیان قبل عموماً و معارف اسلامی خصوصاً قابل ملاحظه ، و بررسی آنها به درک مطالب مندرجه در آیات نازله کمک مینماید . احبای عزیز الهی با این قبیل از بیانات مبارکه آشنائی و اطلاع کامل دارند و در این قسمت نمونه هائی از این قبیل بیانات مبارکه درج میگردد .

رزق - مائده - طعام

این الفاظ در روش هفدهم در قسمت تاویل آیات و مندرجات کتب قبل باختصار تحقیق شده است .

آب - ماء - چشمه - عین - عیون - کوثر در آثار مبارکه الفاظ فوق به همراه لفظ یا

الفاظ دیگری که معنی و مقصود از نزول آنها میرساند بصورت های ذیل نازل گردیده

است : " آب حیوان " . " آب زندگانی " . " ماء انقطاع " . چشمه های
بخشش " . چشمه حیات " . " عیون حیوان " . کوثر جمال " . " کوثر فم " . " کوثر
حبیه " . " کوثر بیان " . " کوثر بقا " . " کوثر وصل " . " کوثر ایمان " . " کوثر حق " .
" کوثر یزدانی " . " کوثر روحانی " . کوثر درخشنده " . " کوثر علم " . " کوثر معارف الهی " .

ص ۱۵۲

نمونه هائی از این قبیل بیانات مبارکه درج میگردد .
نمونه اول ، در لوحی نازل قوله العزیز ۲۲۶ : " حمد خدا را که عیون حیوان غیبی
که در حجاب ستر الهی مستور بود بتائیدات روح القدس علوی از حقایق کلمات جاری و
ساری گشت * بلی چشمه حیات مشهور که بعضی از عباد در طلب او شتافتند حیات ظاهری
عنصری بخشید * و این چشمه حیات که در کلمات سبحانی جاری و مستور است حیات باقی و روح
قدسی بخشید * مبداء و محل آن چشمه ظلمات ارض است * و مبداء و سبب این
چشمه جعد محبوب * " " امر بخلق جدید و صنع بدیع گشت * " " در این حین نسیم صبای
قدسی از سبای فردوس معنوی بوزید و غبار لطیف معطری از گیسوی آن حوری روحانی آورد
و در آن ساعت چند قطره شراب نورانی از کوثر جمال رحمانی در آن غبار چکید " .
نمونه دوم ، در لوحی نازل قوله العزیز ۲۲۷ : " هوا الباقی بقاء نفسه أظْهَرْتُ ماءَ الْحَيَوانِ مِنْ كَوْثَرِ قَمِي " .
نمونه سوم ، در لوح ابن ذئب نازل قوله العزیز : " شاید از کوثر انسان بیاشامند و
بانچه الیوم سبب تقرب الی الله است فائز گردند " .
نمونه چهارم ، در مناجات مشهوری در ادعیه محبوب است قوله العزیز ۲۲۸ : " بچه
لسان ترا شکر نمایم غافل بودم آگاهم فرمودی ... مرده بودم از آب حیات زندگی
بخشیدی پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری شده تازگی عطا کردی " .
نمونه پنجم ، در مناجاتی نازل قوله العزیز ۲۲۹ : " بگو ایدوستان خود را از دریای
بخشش یزدانی دور منماید چه که او بسیار نزدیک آمده آنکه پنهان بود آمده و خوب
آمده بر یکدستش آب زندگانی و بردست دیگر فرمان آزادی " .
نمونه ششم ، و نیز در مناجاتی مشهور در ادعیه محبوب نازل قوله العزیز ۲۳۰ : " از

ص ۱۵۳

آب " و جعلنا من الماء کل شیء حی ما را محروم منما " .

نمونه هفتم ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی او را نصیحت میفرمایند که به آیات نازل در این امر مبارک تفکر نماید قوله العزیز : " حال بهتر آنکه آن جناب خود را بماء انقطاع که از معین قلم اعلی جاری شده طاهر نمایند و لوجه الله در آنچه از قبل و بعد ظاهر شده و یا نازل گشته تفکر کنند و بعد به حکمت و بیان در اخمداد نار ضغینه و بغضاء که در قلوب احزاب عالم مکنون است بقدر مقدور ساعی و جاهد شوند " .

رحیق - شراب - خمر - باده - جام - ساقی - ساغر - خم - کاس - قدح

ماخذ بعضی از الفاظ فوق در قرآن و الواح مبارکه الفاظ شراب ، کأس ، خمر و غیره در قرآن و الواح نازل شده است . چند نمونه از این قبیل آیات نازل ذکر میشود .

(۱) رحیق : سوره المطففین آیه ۸۳/۲۵ قوله تعالی : " یُسْقَوْنَ مِنْ رَحِیقٍ مَخْتُومٍ " ، (۲)

شراب : سوره دهر آیه ۲۱ : " وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا " . ترجمه : " و آشامید

ایشانرا پروردگارشان شرابی پاکیزه " ، (۳) کأس : سوره دهر (الانسان) آیه ۷۶/۵ : " إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا " . ترجمه : " بدرستی که نیکان میاشامند از جامی که باشد امتزاج آن با کافور بهشت "

، (۴) کأس - ابریق - کوب (قدح) : سوره واقعه آیه ۵۶/۱۸ : " بِكُؤَابٍ وَأَبَارِیقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَّعِیْنٍ " ، (۵) خمر : سوره محمد آیه ۴۷/۱۵ .

در آثار مبارکه بکثرت الفاظ رحیق و جام و کاس و غیره بکار رفته است مانند :

"خمر بقا" ، " رحیق الوحی " ، " کاس وصال " ، " کاس حب " ، " کاس عرفان " ، " رحیق حیوان " ، " رحیق حیات " و غیره ، نمونه هائی از بیانات مبارکه که الفاظ فوق در شرح و توصیف امر و ظهور جدید کلام الهی و دعوت ناس به امرالله و نیز بوجوه دیگر نیز نازل شده و بکار رفته زیب این قسمت میگردد .

ص ۱۵۴

نمونه اول ، در لوح شیخ محمد تقی نجفی او را دعوت بامر مبارک میفرمایند قوله جلّ کبریاؤه : " یا شیخ براستی میگویم ختم رحیق مختوم باسم قیوم برداشته شد خود را محروم منما " .

" یا شیخ در آنچه ذکر شده تفکر فرما شاید بقوت اسم قیوم از رحیق مختوم بیاشامی و بیابی آنچه را که کل از ادراکش عاجزند " .

نمونه دوم ، در لوح لیلہ تولد مبارک نازل قوله الاعلی ۲۳۱ : " كَذَلِكَ نَنْطِقُ لِسَانُ الْقَدَمِ فِيهِذَا الْيَوْمِ الَّذِي فِيهِ فَكَّ الرَّحِیقُ الْمَخْتُومُ " .

نمونه سوم ، در زیارتنامه حضرت سید الشهداء امام حسین نازل قوله العزیز ۲۳۲ :
" و هذا يوم فيه ظهر النبأ العظيم الذى بشر به الله و النبیون و المرسلون *
وفیه سرع المقربون الى الرحیق المختوم و شربوا منه باسم الله المقتدر المہيمن
القیوم " .

نمونه چهارم ، در لوحی نازل قوله العزیز ۲۳۳ : " أَلْئكَ شَرِبُوا رَحِیقَ الْأَسْتِقَامَةِ " .
نمونه پنجم ، در لوحی نازل قوله العزیز ۲۳۴ : " و آنجناب لله الحمد مع من أحببني
و فاز بلقائى و شربَ رحیق وصالی " .

نمونه پنجم ، در هفت وادی نازل قوله العزیز ۲۳۵ : " ای رفیق تا بحدیقه این معانی
نرسی از خمر باقی این وادی نجشی و اگر چشی از غیر چشم پوشی و از باده استغنا
بنوشی و از همه بگسلی و باو پیوندی و جان در رهش بازی و روان رایگان بر افشانی " .
نمونه ششم ، در مثنوی مبارک نازل قوله العزیز ۲۳۶ :

" گروزد بر تو نسیمی زین سبا جان فانیت کشد جام بقا
" گرتوزین ظلمات نفست بگذری بی تعب از خمر حیوان بر خوری
نمونه هفتم ، در یکی از ابیات نازله از قلم مبارک است قوله الاعلی ۲۳۷ :
" باز و بده جامی اینساقی عطشانرا زانساغر باقی ده اینفانی دورانرا "

ص ۱۵۵

نمونه هشتم ، در قصیده ساقی از غیب بقا نازل قوله العزیز ۲۳۸ :
" ساقی از غیب بقا برقع بر افکن از عذار تا بنوشم خمر باقی از جمال کردگار "
" آنچه در خمخانه داری نشکند سفرای عشق وان شراب معنوی ساقی همی بحری بیار "
" تا نگردي فانی از وصف وجود ای مرد راه کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار "
و نیز مراجعه کنید به قصائد و غزلیات و ابیات مبارکه که در مجلد چهارم مائده
آسمانی که الفاظ فوق بکثرت بکار رفته است .
نمونه نهم ، در لوح العالم (لوح العالم) نازل قوله الاعلی ۲۳۹ : " یا ایها الشارب رحیق بیانی " .
نمونه دهم ، در لوحی خطاب به یکی از احبای الهی نازل قوله العزیز ۲۴۰ : " یا تاج الدین
اذا شربت رحیق الوحی من هذا القدح المبین " .

نوع بیستم ، بیانات مبارکه در بشارت بظهور خویش و وعده ظهور من یظهره الله و
نزول کتاب و شرع جدید

در قصیده رشح عما در زندان سیاه چال طهران ، قصیده عز و ورقائیه در سلیمانیه و الواح نازله قبل از اظهار امر علنی در بغداد به وجوهی مختلف به اشاره و به وضوح نازل شده است . صورت و نام های این الواح مبارکه در کتاب گنج شایگان درج گردیده است . برای اختصار به چهار نمونه از بیانات قلم اعلی که به اشارات و تصریح بظهور مهمن من یظهره الله و موعود بیان نازل گردیده است قناعت میگردد .

نمونه اول ، قصیده ساقی از غیب بقا ۲۳۸ :

" ساقی از غیب بقا برقع برافکن از عذار تا بنوشم خمر باقی از جمال کردگار "
 " تا که این مستور شیدائی در آید در خروش تا که این مخمور ربانی برآید زین خمار "
 " تا ببینی طور موسی طائف اینجا آمده تا ببینی روح عیسی را ز عشقش بیقرار "

ص ۱۵۶

" تا بیایی دفتر توحید از زلفین دوست تا بخوانی مصحف تجرید از خدین یار "
 نمونه دوم ، قصیده رشح عما ۲۴۱ :

" رشح عما از جذبه ما میریزد سروفا از نغمه ما میریزد "
 " بهجت مل از نظره کل شد ظاهر اینرمز ملیح از رنه را میریزد "
 " کوثر حق از کاسه دل گشته هویدا وین ساغر شهد از لعل بها میریزد "
 " آتش موسی بین بیضه بیضا بین سینه سینا بین کز کف سنا میریزد "
 " طف ظهور است این رشح ظهور است این لحن طیور است این کز عین فنا میریزد "
 نمونه سوم ، در یکی از غزلیات مبارکه نازل قوله العزیز ۲۴۲ :

" گاه کنی دعوی که منم جلوه محبوب بعالم گه گوئی که منم خود آنطلعة سبحانی "
 " چون از تو وزد بر جان رائحه جانان بر هر چه کنی دعوی گوید که به از آنی "
 " درویش مدر زین بیش پرده اسرار کز شهر فغان خیزد و ز عالم حیوانی "
 نمونه چهارم ، در ایقان شریف که قبل از اظهار علنی و در دوره اظهار امر خفی نازل شده در چند موضع به ظهور من یظهره الله و موعود بیان به وضوح و نیز بالصراحه و ایما و اشاره فرموده اند و نیز در متون بیانات مبارکه حرکات مفسده آمیز و اعراض یحیی ازل بدون اینکه نامی از او برده شود بسهولت قابل تشخیص است . قوله الاعلی ۲۴۳ :
 " عالم هستی بجمیع این عنایات حامله گشته تا کی اثر این عنایت غیبی در خاکدان ترابی ظاهر شود * و تشنگان از پا افتاده را بکوثر زال محبوب رساند * و

گمگشتگان صحرای بعد و نیستی را بسرادق قرب و هستی معشوق فائز گرداند " (برای بیان کامل مبارک به صفحات ۴۵ الی ۴۷ ایقان شریف مراجعه فرمائید) " در اینوقت از اهل بیان و عرفاء و حکماء و علماء و شهدای ان استدعا مینمایم که وصایای الهی را که در کتاب فرموده فراموش ننمایند * و همیشه ناظر باصل امر باشند که مبدا حین ظهور آن جواهر الجواهر * و حقیقة الحقائق * و نور الانوار متمسک ببعضی عبارات کتاب شوند و بر او وارد بیاورند

ص ۱۵۷

آنچه را که در کور فرقان آمد " " قسم بخدا که این حمامه ترابی را غیر این نغمات نغمه هاست * و جز این بیانات رموزها که هر نکته از آن مقدس است از آنچه بیان شد * و از قلم جاری گشت تا مشیت الهی چه وقت قرار گیرد که عروسهای معانی بی حجاب از قصر روحانی قدم ظهور بعرصه قدم گذارند * " سبحان الله در اول یکی از کتب خود که آن را قیوم اسماء نامیده * و اول و اعظم و اکبر جمیع کتب است اخبار از شهادت خود میدهند * و در مقامی این آیه را ذکر فرموده اند (یا بقیة الله قد فدت بکلی لک) " " همچنین در تفسیر هاء تمنای شهادت خود را نموده اند * (کانی سمعت منادیا ینادی فی سري افد احب الاشياء الیک فی سبیل الله کما فدی الحسین علیه السلام فی سیلی) " " در همین آیه نسیم انقطاعی مکنون شده که اگر بوزد جمیع هیاکل وجود جان را انفاق نمایند * و از روان در گذرند و از فقها و علمای بیان استدعا مینمایم که چنین مشی نمایند و بر جواهر الهی و نور ربانی و صرف ازلی و مبدء و منتهای مظاهر غیبی در زمن مستغاث وارد بیاورند آنچه در این کور وارد شد و بعقول و ادراک و علم متمسک نشوند و بان مظهر علوم نامتناهی ربانی مخاصمه ننمایند " " باری امیدواریم که اهل بیان تربیت شوند * و در هوای روح طیران نمایند * و در فضای روح ساکن شوند حق را از غیر تمیز دهند * و تلبیس باطل را بدیده بصیرت بشناسند * اگر چه در این ایام رائج حسدی وزیده که قسم بمربی وجود از غیب و شهود که از اول بنای وجود عالم با اینکه ان را اولی نه تا حال چنین غل و حسد و بغضائی ظاهر نشده و نخواهد شد " " و این عبد در اول ورود این ارض چون فی الجملة بر امورات محدثه بعد اطلاع یافتم از قبل مهاجرت اختیار نمودم * و سر در بیابان فراق نهادم * " " بخود مشغول بودم * و از ما سوی غافل از

اینکه کمند قضای الهی اوسع از خیال است * و تیر تقدیر او مقدس از تدبیر * سر را
از کمندش نجات نه و اراده اش را جز رضا چاره نه * قسم بخدا که این مهاجرتم را
خیال مراجعت نبود *

ص ۱۵۸

" باری تا آنکه از مصدر امر حکم رجوع صادر شد و لابد تسلیم نمودم و راجع شدم " (لازم
به ذکر این مطلب است که ادوارد براون در یکی از تالیفاتش " از مصدر امر حکم رجوع
صادر شد " را مقصود یحیی ازل دانسته که از نظر امر مبارک و الواح تبیینی بکلی مردود بوده و قابل و
لایق اعتنا نبوده و نیست) .

نوع بیست و یکم : قلم - اصبع - اصابع

در الواح مبارکه به کثرت الفاظی بکار رفته است که منزل و وسیله نزول آیات را ذکر
فرموده اند و بنظر میرسد که علت ذکر آن اینست که آنچه نازل شده من عند الله است .
نمونه هائی از این قبیل الفاظ با ذکر چند نمونه از بیانات الهی بشرح ذیل است :

(۱) " قلم الهی " و " قلم بیان " در لوح ابن ذئب . (۲) " قلم رحمن " (۴) " قلم
امر " . (۵) " قلم قدم " در لوح سلطان ۲۴۴ . (۶) " اصبع الامر " در زیارتنامه ۲۴۵ ،
(۷) " اصابع القدرة " (۸) " انام القدرة " در کلمات مکنونه عربی . (۹)
" اصابع مشیه " در لوح ناپلئون سوم ۲۴۶ . (۱۰) " من هذا القلم القدم الازلی الابدی
(۱۱) " یا قلم الامر (۱۲) " یا قلم القدس " در لوح ایوب ۲۴۷ . (۱۳) " یا قلم
الاعلی " (۱۴) " قلم مظلوم " در لوح العالم (لوح دنیا) (۱۵) و (۱۶) " قلم
الامضاء " و " قلم الاقدم القدیم " در سورة الدم ۲۴۸ ، در اکثری از الواح
مبارکه . ذکر قلم گردیده و منحصر به نمونه های فوق نیست و همه احبای الهی با آن
آشنائی کامل دارند .

نوع بیست و دوم : بیان در اینکه احبا باید عامل باشند به آنچه مورد

رضای خدا و مظهر الهی است

در الواح بسیاری جمال قدم جل جلاله به این مطلب اشاره فرموده اند . یک نمونه از
این قبیل تعالیم و اوامر مبارکه در لوحی است که خطاب به یکی از احبای الهی نازل
گردیده قوله العزیز ۲۴۹ : " قلم اعلی ذکر رضا میفرماید و او را بما یُحِبُّ و یرضی امر

مینماید " و در کلمات مکنونه نازل : " (ای دوستان) رضای خود را بر رضای من اختیار مکنید .

نوع بیست و سوم : بیانات مبارکه در اینکه قوای عالم قادر به جلوگیری و توقف در

پیشرفت امر جدید نیست

در ایقان شریف و الواح خطاب به روسای ارض و الواح متعددی به نیروی لایزالی و قوای مکنونه در امر جدید اشاره فرموده و به تصریح و روشنی کامل این مطلب را بیان فرموده اند . این قبیل بیانات مبارکه که یک وجه آن انداز و آگاه نمودن عامه ، ملوک و روسای ارض ، و وجه دیگر آن صورت اطمینان بخشی در پیشرفت و تعالی امرالله به مومنین امر مبارک دارد و در آثار تبیینی نیز این قبیل بیانات در الواح حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی امرالله بصورت‌های نقل مستقیم و یا مضمون آن بوضوح دیده می شود - برای نمونه چند فقره زیب این قسمت میگرد .

نمونه اول ، لوحی میفرماید قوله الاعلی ۲۵۰ : " اگر جمیع عالم بکمال جد و جهد متفق شوند بر اطفای نورالله و اخمداد نار کلمه الهیه قادر نخواهند بود و خود را عاجز مشاهده نمایند " . بنظر میرسد که " اطفای نورالله " در بیان مبارک فوق اشاره به آیه ۳۲ / ۹ در سوره توبه در قرآن کریم است که در ایقان شریف نیز به آن اشاره فرموده اند قوله تعالی : " يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يُتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ " .

نمونه دوم ، در لوح خطاب به پاپ خطابات مهیمنی است که او را آگاه میفرماید (مضمون بیانات مبارکه عالمگیر شدن امر بهائی است) قوله الاعلی ۲۵۱ : " تالله الحق لو يحرقونه في البرانه من قطب البحر يرفع راسه وينادي انه اله من في السموات والارض و لو يلقونه في بئر ظلماء يجدونه في على الجبال ينادي قد اتى المقصود بسلطان العظمة والاستقلال و لو يدفنونه في الارض يطلع من افق السماء و ينطق باعلى النداء قد اتى

البهاء بملکوت الله المقدس العزيز المختار و لو يسفكون دمه كل قطرة منه تصيح و تدعوا لله بهذا الاسم الذى به فاحت نفحات القميص في الاشطار " .

این قسمت از کلمات الهی در توقیع منیعی از حضرت ولی مقدس امرالله نیز نقل شده است که سبب انشراح صدور و اطمینان بخشی قلوب احبای الهی است .

نمونه سوم ، در لوح ناپلئون نازل قوله تعالى شانه ۲۵۲ : " لویسترونی فی اطاق التراب یجدوننی راکبا علی السحاب و داعیا الی الله المقتدر القدير " این بیان مبارک را در لوح ابن ذئب نیز نقل فرموده اند .

نوع بیست و چهارم : طرد اعداء داخلی امرالله

در الواح مبارکه بیاناتی زیارت می شود که مظهر امرالله حکم طرد ناقضین عهد اعلی و فتنه انگیزان و مفسده جوین در صدر امر را صادر فرموده اند . سید محمد اصفهانی یکی از این قبیل مردودین است . در لوح ابن ذئب در باره این فرد نازل قوله العزیز : " سید محمد یکی از خدام بود ، در ایامیکه حسب الخواش دولت علیه عثمانی بآن شطر توجه نمودیم همراه بود و بعد از او ظاهر شد آنچه که لعمرالله قلم اعلی گریست و لوح ندبه نمود لذا طردش نمودیم و بمیرزا یحیی پیوست و عمل نمود آنچه را که هیچ ظالمی ننمود ترکناه و قلنا اخرج یا غافل * " .

نوع بیست و پنجم : بیانات مبارکه در معرفت سلطان قدم ، تعالیم و نصایح مشفقانه

کلی که در تزکیه نفس و ترقی و تعالی انسان و آسایش اهل عالم نازل شده است

در بررسی الواح مبارکه بیاناتی زیارت میشود که در آنها جمال کبریائی مخاطب لوح و اهل عالم را نصیحت کلی فرموده اند . از امهات این قبیل از بیانات مبارکه یک فقره در لوح ابن ذئب و نیز قسمتی از کتاب ایقان است :

ص ۱۶۱

تعلیم اول در ایقان شریف قوله الاعلی ۲۵۳ : " ای برادر من شخص مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سیل معرفت سلطان قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزّه فرماید * و صدر را که سریر ورود و جلوس محبت محبوب ازلی است لطیف و نظیف نماید * و همچنین دل را از علاقه آب و گل یعنی از جمیع نقوش شبیهه * و صور ذلیله مقدس گرداند * بقسمی که آثار حب و بغض در قلب نماند که مبدا حب او را بجهتی بیدلیل میل دهد * و یا بغض او را از جهتی منع نماید " " و باید در کل حین توکل بحق نماید * و از خلق اعراض کند * و از عالم تراب منقطع و بگسلد * و برب الارباب در بندد * و نفس خود را بر احدی ترجیح ندهد

* و افتخار و استکبار را از لوح قلب بشوید * و بصبر و اصطبار دل بندد * و صمت را شعار خود نماید * و از تکلم بی فایده احتراز کند * چه زبان ناری است افسرده * و کثرت بیان سمی است هلاک کننده نار ظاهری اجساد را محترق نماید * و نار لسان ارواح و افنده را بگدازد * اثر آن نار بساعتی فانی شود * و اثر این نار بقرنی باقی ماند * و غیبت را زلالت شمرد * و بان عرصه هرگز قدم نگذارد * زیرا غیبت سراج منیر قلب را خاموش نماید * و حیات دل را بمیراند * بقلیل قانع باشد * و از طلب کثیر فارغ * مصاحبت منقطعین را غنیمت شمارد * و عزلت از متمسکین و متکبرین را نعمت شمرد * در اسحار باذکار مشغول شود * و بتمام همت و اقتدار در طلب آن نگار کوشد * غفلت را بنار حب و ذکر بسوزاند * و از ما سوی الله چون برق در گذرد * و بر بی نصیبان نصیب بخشد * و از محرومان عطا و احسان دریغ ندارد * رعایت حیوان را منظور نماید * تا چه رسد بانسان و اهل بیان * و از جانان جان دریغ ندارد * و از شماتت خلق از حق احتراز نجوید * و آنچه برای خود نمی پسندد برای غیر نپسندد *

ص ۱۶۲

و نگوید آنچه را وفا نکند * و از خاطئان در کمال استیلاء درگذرد * و طلب مغفرت نماید * و بر عاصیان قلم عفو در کشد * و بحقارت ننگرد زیرا حسن خاتمه مجهول است * ای بسا عاصی که در حین موت بجوهر ایمان موفق شود و خمر بقا چشد و بملا اعلی شتابد * و بسا مطیع و مومن که در وقت ارتقای روح تقلیب شود * و باسفل درکات نیران مقریابد *

تعلیم دوم ، در لوح ابن ذئب قوله الاعلی : " کن فی النعمة منفقاً * و فی فقدها شاکراً * و فی الحقوق امیناً و فی الوجه طلقاً * و للفقراء کنزاً * و للاغنیاء ناصحاً * و للمنادی مجیباً * و فی الوعد وفیاً * و فی الامور منصفاً * و فی الجمع صامتاً * و فی القضاء عادلاً * و للانسان خاضعاً * و فی الظلمة سراً * و للمهموم فرجاً * و للظلمان بحراً * و للمکروب ملجاء * و للمظلوم ناصراً و عضداً و ظهراً * و فی الاعمال متقیاً * و للغریب وطناً * و للمریض شفءاً * و للمستجیر حصناً * و للضریر بصراً * و لمن ضل صراطاً * و لوجه الصدق جمالاً * و لهیکل الامانة طرازاً * و لبيت الاخلاق عرشاً و لجسد العالم روحاً * و لجند العدل رایة * و لافق الخیر

نورا * و للارض الطيبة رذاذا * و لبحر العلم فلکا * و لسماء الکرم شمسا * و لراس
الحکمة اکیلا * و لجبین الدهر بياضا * و لشجر الخضوع ثمرا * " .

نوع بیست و ششم : بیانات مبارکه در رسیدن وحی الهی

موضوع رسیدن وحی الهی به جمال کبریائی و اینکه آنچه از قلم حضرت بهاء الله جل
کبریائه نازل شده کلام الله است مطلبی است که برای رسیدن به فوز ایمان به مصدر
امر و نیز حقانیت ظهور از همه ادله و براهین محکمتر و واضح تر است . در اکثری از
الواح نازله مشابه آیاتی در قرآن کریم (بقره آیه ۲/۲۳) : **" وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا
بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ "** ، بنی اسرائیل آیه ۴۱ : **" ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ "** و در سوره نجم آیه های ۴ و
۵۳/۱۰ **" (۴) إِنَّهُ هُوَ الْوَحِيُّ يُوحَىٰ . (۱۰) فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ "** و نظایر آن شارع امر بهائی
دعوی رسیدن وحی و اینکه آیات نازله از قلم حضرت ایشان

ص ۱۶۳

کلام الله است تصریح فرموده و این خود محکمترین سندی است برای حقانیت مظهریت
ایشان . برای اختصار چند نمونه از بیانات و آیات نازله که در آن جمال قدم جلّ
جلاله برای اولین بار در تاریخ ادیان بوضوح رسیدن وحی را از جانب خداوند و
همچنین چگونگی آنرا بیان فرموده اند و احبای الهی با همه آن کلمات الهی آشنائی
کامل دارند درج مینماید .

نمونه اول ، در لوح ابن ذئب نازل قوله تعالی و شانه : **" در ایام توقف در سجن ارض
طا اگر چه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولکن بعضی از اوقات که دست
میداد احساس میشد از جهت اعلای راس چیزی بر صدر میریخت بمثابة رودخانه عظیمی که
از قله جبل باذخ رفیعی بر ارض بریزد و بآنجهت از جمیع اعضاء آثار نار ظاهر و در
آن حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصغاء آن احدی قادر نه "** .
در این بیان مبارک رسیدن وحی و نیز کیفیت آن نیز از قلم مبارک نازل شده است طوبی
للسامعین .

نمونه دوم ، در لوح سلطان نازل قوله الاعلی ۲۵۴ : **" يَا سُلْطَانُ إِنِّي كُنْتُ كَاَحِدٍ مِنَ الْعِبَادِ وَ رَاقِدًا عَلَى
الْمِهَادِ مَرَّتَ عَلَىٰ نَسَائِمِ السُّبْحَانِ وَ عَلَّمَنِي مَا كَانَ لَيْسَ هَذَا مِنْ عِنْدِي بَلْ مِنْ لَّدُنْ عَزِيزٍ عَلِيمٍ وَ أَمَرَنِي
بِالنَّدَاءِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ "** .

نمونه سوم ، در لوح ابن ذئب (شیخ محمد تقی نجفی) نازل قوله الاعلی : **" در شبی**

از شبها در عالم رویا از جمیع جهات اینکلمه علیا اصغاء شد انا ننصرک بک و بقلمک
لا لاتحزن عما ورد علیک و لا تخف انک من الامنین " .

نمونه چهارم ، در لوحی نازل قوله تعالی ۲۵۵ : " تالله قد کنت راقدا هزنتی
نفحات الوحی و کنت صامتا انطقنی ربا المقتدر القدير * لولا امره ما اظهرت نفسی
قد احاطت مشیتة مشیتی و اقامنی علی امر به ورد علی سهام المشرکین " .

ص ۱۶۴

نوع بیست و هفتم: درباره بعضی از اجله مؤمنین امرالله

نمونه اول: **اول من آمن جناب ملا** آیات عظمیه ای در منقبت جناب ملا حسین بشرویه‌ئی نازل
گردیده که به بیان مبارک جمال قدم اکتفا می‌گردد. در ایقان شریف نازل. قوله جل و عز " **و کبر و علی**
اول من آمن به و بآياته الذي جعلته عرشا لا استواء كلمتك العلواء و محلا لظهور اسمائك الحسني و
مشرقاً

لا شراق شمس عنايتك و مطلعاً لطلوع اسمائك و صفاتك و مخزناً للتالي علمك و احكامك و علي
آخر

من نزل اليه الذي كان وفوده عليه كوفوده عليك و ظهوره فيه كظهورك فيه الا انه استضاء من انوار
وجهه و سجد لذاته و اقر لعبودية نفسه و على الذينهم استشهدوا في سبيله و فدوا انفسهم حبا لجماله "
(رساله تسبیح و تهلیل لوح ششم. حین افطار صفحه ۷۵)

نمونه دوم: **جناب آقا بزرگ بدیع فخرالشهداء: (آثار قلم اعلی جلد اول (کتاب مبین) صفحات)**
نمونه سوم:

نوع بیست و هشتم: **بیانات مبارکه در باره " سجن " ، " سجن طاء " ،**

" سجن اعظم " ، " سجن اخری " و راسخ ماندن مومنین در ظل امرالله

در پایان این قسمت بنظر این حقیر رسید که در تقسیم بندی انواع بیانات مبارکه
نبذه از بیانات قلم اعلی در باره سه سجنی که متجاوز از سی سال از حیات مبارک در
آنها گذشت و ثمره آن نزول الواح سماوی که حاوی تاسیس شرعی جدید و تعالیم و اوامر
الهی و ایجاد و تاسیس مدنیته جدید برای عالم انسانی در کور پانصد هزار ساله امر
مشعشع بهائی است از میان انبوه کثیری از آثار الهی به چند نمونه که دارای حلاوت
خاصی است انتخاب و زیب این قسمت می‌گردد .

نمونه اول ، لوحی است که در آن به مسائلی اشاره فرموده اند که مستقیماً ذکر
 سجنهای ارض طا (زندان سیاه چال طهران) و ارض آخری (عکا) و ارض آخر (ادرنه)
 در آنها شده است اکتفا می گردد . این لوح مقدس ، بنام لوح ابن احمد ازغندی در
 رساله تسبیح و تهلیل درج و توسط عالم جلیل القدر جناب اشراق خاوری علیه بهاء الله
 اعراب گذاری شده و تلاوت آن ، روح را منبعث و مذاق جان را حلاوتی تمام
 میبخشد ، قوله تعالی ۲۵۶ : " اِلٰهِيْ اِلٰهِيْ اَسْأَلُكَ بِسَجْنِكَ الْاَعْظَمِ وَبِسَجْنِكَ فِيْ
 اَرْضِ الْطَّاءِ وَبِسَجْنِ اُخْرٰى فِيْ اَرْضِ اُخْرٰى وَبَاٰتِكَ الْكُبْرٰى بِاَنْ تُؤَيِّدَنِيْ وَ اَحْبَابُكَ عَلٰى مَا يَنْبَغِيْ لِاَيَّامِكَ
 وَيَلِيْقُ لِمَقَامِكَ . اَيُّ رَبِّ تَرَانِيْ مُّقْبِلًا اِلَيْكَ وَ مُتَمَسِّكًا بِكَ قَدَّرَ لِيْ مَا يَقْرِبُنِيْ اِلَيْكَ فِيْ كُلِّ الْاَحْوَالِ اِنَّكَ
 اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْفَضَالُ اَسْأَلُكَ يَا اِلَهَ الْوُجُوْدِ وَ مَا لَكَ الْغَيْبِ وَ الشُّهُوْدِ بَرَايَاتِ اَيَّاتِكَ وَ اَعْلَامِ قُدْرَتِكَ وَ
 سُلْطَانِكَ بِاَنْ تَجْعَلَنِيْ ثَابِتًا رَاسِخًا قَائِمًا مُّسْتَقِيْمًا عَلٰى اَمْرِكَ الَّذِيْ بِهِ اَرْتَعَدَتْ فَرَائِصُ الْعُلَمَاءِ وَ اَضْطَرَبَتْ
 اَفْعَدُهُ الْفُقَهَاءُ وَ زَلَّتْ اَقْدَامُ الْحُكَمَاءِ اِلَّا الَّذِيْنَ اَنْقَذَتْهُمْ اَيَادِيْ الطَّافِكِ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلٰى مَا تَشَاءُ لَا
 اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ الْمُهَيِّمُ الْقَيُّوْمُ " .

ص ۱۶۵

نمونه دوم در لوحی نازل قوله جلّ و عزّ ۲۵۷ : " بِسْمِ اللّٰهِ الْاَقْدَسِ الْاَبْهٰى فاعلم
 بانا وردنا فی السجن الاکبر لیخرجوا العباد عن سجن النفس و الهوى و يتوجهوا
 الی منظر ربهم العزيز الکریم و يدعوا العباد عن افق هذا البلاء الی الله مالک
 الاسماء لعلّ تاخذهم نفحات کلمات فاطر السماء " .

نمونه سوم ، در لوحی بافتخاریکی از مومنات نازل قوله الاعلی ۲۵۸ :

(بسم الله الباقي)

" ان يا امتی ذکر اسمک تلقاء العرش و اشرقت علیک شمس الفضل "

و هذا اللوح من اشراقها ان الارض تحدث عند الله اخبارها

قد سكن الغلام فی سجن عکا

و المخلصون يجدون

عرف القميص

من ارجائها "

ص ۱۶۶

مشخصات کتب و مأخذ

- | ردیف | نام کتاب و مؤلف |
|------|---|
| ۱ | مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶۸ و ۲۶۹ ، چاپ مصر . |
| ۲ | ایقان ص ۳۶ |
| ۳ | مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶۹ ، چاپ مصر . |
| ۴ | مجموعه الواح مبارکه ص ۲۳۶ ، چاپ مصر . |
| ۵ | آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۶۶ . |
| ۶ | آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۲۱۸ و ۳۱۹ . |
| ۷ | اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۷۴ . |
| ۸ | مجموعه الواح مبارکه ص ۷۴ . چاپ مصر . |
| ۹ | مراجعه کنید بنظرات مؤلف در دیباچه ناسخ التواریخ جلد اول ص ۲ الی ۷ . |
| ۱۰ | اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۶ . |
| ۱۱ | مبادی فقه و اصول ص ۲ . تألیف دکتر علیرضا فیض . |
| ۱۲ | فرهنگ معین جلد ۳ ص ۴۷۶۰ |
| ۱۳ | ادعیه محبوب ص ۳۳۴ |
| ۱۴ | اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۷۴ و ۲۲۳ . مجموعه الواح مبارکه ص ۲۵۷ و ۲۵۹ ، چاپ مصر . |
| ۱۵ | رساله تسبیح و تحلیل ص ۱۴ و ۱۵ . لجنه ملی نشر آثار امری سنه ۱۰۵ . |
| ۱۶ | المسند ج ۲ ص ۵۲۴ حدیث بشماره ۷۵۶۸ ، تألیف احمد حنبل کتاب الاسماء و الصفات ص ۴ و ۵ ، تألیف بیهقی . |
| ۱۷ | رساله تسبیح و تهلیل . لوح دوم ص ۲۳ |
| ۱۸ | رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۶۸ . |

ص ۱۶۷

- | | |
|----|--|
| ۱۹ | ادعیه محبوب ص ۳۳۴ |
| ۲۰ | (۱) اصول کافی جلد ۱ کتاب التوحید باب حدوث الاسماء ص ۱۵۱ و باب معانی الاسماء و اشقاقها ص ۱۵۴ ، تألیف ثقة الاسلام کلینی . (۲) کتاب الاسماء |

والصفات تالیف ابی بکر حسین بن علی بیہقی .

- ۲۱ ادعیه محبوب ص ۳۳۴ .
۲۲ ادعیه محبوب ص ۳۱۹ .
۲۳ ادعیه محبوب ص ۳۶۰ .
۲۴ اذکار المقربین جلد ۱ ص ۱۰۵ .
۲۵ لئالی حکمت جلد ۲ ص ۱۵۴ .
۲۶ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۱۲ .
۲۷ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۳۲۴ .
۲۸ اقتدارات مجموعہ الواح مبارکہ ص ۱۵۸ و ۱۵۹ .
۲۹ ادعیه محبوب ص ۳۶۸ .
۳۰ ادعیه محبوب ص ۳۱۹ .
۳۱ زیارتنامہ ایام تسعہ ص ۲۲۹ .
۳۲ اذکار المقربین جلد ۱ مناجات شمارہ ۶ ص ۴۶ .
۳۳ ادعیه محبوب ص ۳۵۵ .
۳۴ ادعیه محبوب ص ۳۲۶ .
۳۵ ادعیه محبوب ص ۳۲۷ .
۳۶ ادعیه محبوب ص ۳۵۹ .
۳۷ اذکار المقربین جلد ۱ مناجات شمارہ ۴ ص ۱۰۳ .
۳۸ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۳۰۷ .

ص ۱۶۸

- ۳۹ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۳۷۲ .
۴۰ اذکار المقربین جلد ۱ مناجات شمارہ ۲۶ ص ۷۶ .
۴۱ ادعیه محبوب ص ۳۵۳ .
۴۲ اقتدارات مجموعہ الواح مبارکہ ص ۱۳۱ .
۴۳ ادعیه محبوب ص ۳۶۸ .
۴۴ ادعیه محبوب ص ۳۱۹ .
۴۵ ادعیه محبوب ص ۳۲۴ .

- ۴۶ ادعیه محبوب ص ۳۴۱ .
- ۴۷ ادعیه محبوب ص ۴۴۰ .
- ۴۸ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۰۸ ، چاپ مصر .
- ۴۹ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۶ ، چاپ مصر .
- ۵۰ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۶ ، چاپ مصر .
- ۵۱ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۵۵ و ۱۵۶ .
- ۵۲ ادعیه محبوب ص ۴۰۹ .
- ۵۳ مجموعه الواح مبارکه ص ۱۸ ، چاپ مصر .
- ۵۴ مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۲ ص ۱ .
- ۵۵ مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۴۵۵ ، طبع لانگهایم آلمان .
- ۵۶ مائده آسمانی ج ۴ ص ۴۸۷ . طبع طهران سنه ۱۰۴ بدیع .
- ۵۷ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۰۷ ، چاپ مصر .
- ۵۸ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۳۸ ، چاپ مصر .
- ۵۹ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۴۶ ، چاپ مصر .
- ۶۰ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۵۵ .

ص ۱۶۹

- ۶۱ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۳ ، چاپ مصر .
- ۶۲ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۰۵ .
- ۶۳ رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۶ .
- ۶۴ رساله تسبیح و تهلیل ص ۵۷ .
- ۶۵ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۶۳ ، چاپ مصر .
- ۶۶ اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۷ و ۱۸ .
- ۶۷ مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۹۵ .
- ۶۸ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۲۸ .
- ۶۹ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۶ .
- ۷۰ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۴۱۷ .
- ۷۱ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۴۱ .

- ۷۲ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۵۹ .
- ۷۳ آثار قلم اعلیٰ جلد ۴ صفحه ۲۷۱ .
- ۷۴ رساله تسبیح و تهلیل لوح ششم افطار ص ۵۵ و ۵۶ .
- ۷۵ آثار قلم اعلیٰ جلد ۴ ص ۱۱ .
- ۷۶ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۳۵ .
- ۷۷ آثار قلم اعلیٰ جلد ۴ ص ۲۱۸ .
- ۷۸ آثار قلم اعلیٰ جلد ۴ ص ۴۱۹ .
- ۷۹ کتاب بدیع ص ۲۰۵ و ۲۰۶ .
- ۸۰ ایقان ص ۱۲۵ و ۱۲۶ .
- ۸۱ لوح اشراقات . اشراقات مجموعه الواح مبارکه . ص ۳۰۳ و ۱۵۴ و ۱۲۴ و ۷۸ .
- ۸۲ لوح کلمات فردوسیہ . اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۲۱ .

ص ۱۷۰

- ۸۳ لوح دنیا ، مجموعه الواح مبارکه ص ۲۹۲ . چاپ مصر .
- ۸۴ مائده آسمانی ج ۸ ص ۱۸۹ .
- ۸۵ امر و خلق ص ۱۵۰ ، تالیف فاضل مازندرانی .
- ۸۶ ایقان ص ۷۵ .
- ۸۷ مائده آسمانی ج ۸ ص ۹۵ .
- ۸۸ مائده آسمانی ج ۸ ص ۱۸۸ .
- ۸۹ ایقان ص ۸۶ .
- ۹۰ لغتنامه دهخدا ج ۲۱ ص ۴۸۳ .
- ۹۱ التعریفات سید علی بن محمد جرجانی ص ۶۹ .
- ۹۲ لغتنامه دهخدا ج ۴۲ ص ۲۶۲ .
- ۹۳ کتاب مستطاب اقدس بند ۲ .
- ۹۴ کتابمستطاب اقدس بند ۱۷ .
- ۹۵ کتاب مستطاب اقدس بند ۷ .
- ۹۶ مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۳۰۴ .
- ۹۷ استخراج از توقیع مبارک در اخبار امری شماره ۸- ۷ سنه ۱۱۶ بدیع .

- ۹۸ فرهنگ معین ج ۱ ص ۱۲۱۵ .
 ۹۹ فرهنگ معین ج ۱ ص ۱۶۹ .
 ۱۰۰ فرهنگ معین ج ۲ ص ۲۶۴۲ .
 ۱۰۱ فرهنگ معین ج ۲ ص ۲۶۸۵ .
 ۱۰۲ التعريفات سيد علي بن محمد جرجاني ص ۷۵ .
 ۱۰۳ فرهنگ معین ج ۱ ص ۱۱۱۶ .
 ۱۰۴ التعريفات سيد علي بن محمد جرجاني ص ۷۵ .

ص ۱۷۱

- ۱۰۵ سنن ابی داوود ج ۴ حدیث شماره ۴۶۹۱ ص ۲۲۲ .
 ۱۰۶ همان ماخذ همان ج حدیث شماره ۴۷۱۰ ص ۲۲۸ .
 ۱۰۷ همان ماخذ همان ج حدیث شماره ۴۷۰۸ .
 ۱۰۸ اصول کافی ج ۱ ، کتاب التوحید باب الجبر و القدر حدیث شماره ۱۰ ص ۱۲۲ .
 ۱۰۹ همان ماخذ حدیث شماره ۱۲ ص ۲۲۴ .
 ۱۱۰ همان ماخذ حدیث شماره ۸ ص ۲۲۱ .
 ۱۱۱ رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۶۹ .
 ۱۱۲ رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۶۸ .
 ۱۱۳ رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۷۲ .
 ۱۱۴ رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۹۲ .
 ۱۱۵ ادعیه محبوب ص ۳۲۶ .
 ۱۱۶ ادعیه محبوب ص ۳۵۹ .
 ۱۱۷ اذکار المقربین ج ۱ ص ۳۴ .
 ۱۱۸ مجموعه الواح مبارکه ص ۱۲۹ و ۱۳۰ . چاپ مصر .
 ۱۱۹ لئالی حکمت ج ۱ لوح شماره ۸۷ ص ۱۲۷ .
 ۱۲۰ لئالی حکمت ج ۱ لوح شماره ۸۸ ص ۱۲۸ .
 ۱۲۱ لئالی حکمت ج ۱ لوح شماره ۹۳ ص ۱۳۴ .
 ۱۲۲ ادعیه محبوب ص ۳۶۶ .
 ۱۲۳ لئالی حکمت ج ۱ لوح شماره ۱۳ ص ۱۸۳ .

۱۲۴ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ (کتاب مبین) ص ۳۷ .

۱۲۵ زیارتنامه ، ایام تسعه ص ۲۲۸ .

۱۲۶ رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۸ .

ص ۱۷۲

۱۲۷ امر و خلق ، تالیف فاضل مازندرانی ص ۶۲ .

۱۲۸ مفاوضات ص ۱۸۷ .

۱۲۹ مفاوضات ص ۱۸۷ .

۱۳۰ مفاوضات ص ۱۸۸ .

۱۳۱ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۵۲ ، چاپ مصر .

۱۳۲ مائده آسمانی جلد ۵ ص ۱۷ .

۱۳۳ مائده آسمانی جلد ۸ ص ۶۰ .

۱۳۴ مکاتیب ج ۲ ص ۵۰۷ .

۱۳۵ نظامات بهائی ص ۵۴ (استخراج از فریضه اصحاب شور ص ۶۹) .

۱۳۶ دور بهائی ص ۹۵ .

۱۳۷ زیارتنامه ، ایام تسعه ص ۲۲۹ .

۱۳۸ لوح ایوب ایام تسعه ص ۲۶۴ .

۱۳۹ سوره هیکل آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۳۷ .

۱۴۰ لوح برهان ، مجموعه الواح مبارکه ص ۶۵ ، چاپ مصر .

۱۴۱ مائده آسمانی جلد ۴ باب چهارم ص ۲۸۸ و ۲۸۹ .

۱۴۲ لوح برهان ، مجموعه الواح مبارکه ص ۶۴ ، چاپ مصر .

۱۴۳ مائده آسمانی جلد ۸ ص ۱۵۱ .

۱۴۴ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۲۴۲ .

۱۴۵ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۲۹۵ .

۱۴۶ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۲۴۲ و ۲۴۳ .

۱۴۷ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۱۱ .

۱۴۸ آثار قلم اعلیٰ جلد ۴ ص ۶۵ .

ص ۱۷۳

- ۱۴۹ اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۱۴ .
۱۵۰ مجموعه الواح مبارکه ص ۶۱ . چاپ مصر .
۱۵۱ آثار قلم اعلی جلد ۳ ص ۱۶۹ .
۱۵۲ لئالی حکمت جلد ۲ لوح شماره ۸۸ ص ۱۸۱ .
۱۵۳ کتاب بدیع ص ۲۱۵ .
۱۵۴ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۳۰۱ .
۱۵۵ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۶۶ .
۱۵۶ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۲۴۴ .
۱۵۷ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۲۹۵ .
۱۵۸ لئالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۱۵۱ ص ۲۶۲ .
۱۵۹ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۴۴ ، چاپ مصر .
۱۶۰ لغتنامه دهخدا جلد ۳۰ صفحات ۱۲۱ و ۱۲۲ .
۱۶۱ قاموس محیط جلد ۴ ص ۱۳ .
۱۶۲ لسان العرب جلد ۱۱ ص ۴۳۰ و ۴۳۲ - تالیف ابن منظور . دار صادر .
۱۶۳ التعریفات جرجانی ۰ ص ۶۳ . انتشارات ناصر خسرو .
۱۶۴ المفردات فی غریب القرآن ص ۳۲۵ ، تالیف راغب اصفهانی .
۱۶۵ لغتنامه دهخدا جلد ۳۴ ص ۲۸۸ .
۱۶۶ المفردات فی غریب القرآن ص ۴۰۳ . تالیف راغب اصفهانی .
۱۶۷ فرهنگ معین جلد ۲ ص ۴۰۵۲ .
۱۶۸ لغتنامه دهخدا جلد ۲۷ ص ۴۳۲ .
۱۶۹ التعریفات جرجانی . ص ۵۶ . انتشارات ناصر خسرو .
۱۷۰ لغتنامه دهخدا جلد ۸ ص ۴۰۸ .

ص ۱۷۴

- ۱۷۱ لغتنامه دهخدا جلد ۴۰ ص ۶ .
۱۷۲ سنن ابی داوود ج ۴ ص ۱۰۶ .
۱۷۳ سنن ابی داوود ج ۴ ص ۱۰۷ .

- ۱۷۴ سنن ابی داوود ج ۴ ص ۱۰۸ .
- ۱۷۵ نوادر الاخبار ص ۲۷۱ الی ۲۷۶ . تالیف ملا حسین فیض کاشانی .
- ۱۷۶ نوادر الاخبار ص ۲۸۴ .
- ۱۷۷ نوادر الاخبار ص ۲۲۲ .
- ۱۷۸ نجم الثاقب ص ۱۱۱ ، تالیف حاج میرزا حسین طبرسی نوری .
- ۱۷۹ نجم الثاقب ص ۱۲۰ .
- ۱۸۰ آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۲۹۹ الی ۳۱۹ .
- ۱۸۱ فرهنگ معین جلد ۲ ص ۲۰۹۵ .
- ۱۸۲ کشف اصطلاحات فنون جلد ۱ ص ۷۳۷ .
- ۱۸۳ ادعیه محبوب ص ۳۲۰ .
- ۱۸۴ ایام تسعه ص ۲۲۸ .
- ۱۸۵ ایقان ص ۵۲ .
- ۱۸۶ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۸۰ .
- ۱۸۷ پیام ملکوت ص ۸۶ .
- ۱۸۸ کتاب بدیع ص ۱۳۸ .
- ۱۸۹ کتاب بدیع ص ۱۴۴ .
- ۱۹۰ فرهنگ معین جلد ۲ ص ۲۳۴۲ .
- ۱۹۱ فرهنگ علوم عقلی ص ۴۰۸ ، ۴۱۲ ، ۴۱۶ .
- ۱۹۲ التعریفات جرجانی ص ۶۷ ، انتشارات ناصر خسرو .

ص ۱۷۵

- ۱۹۳ المفردات فی غریب القرآن ص ۳۴۳ ، تالیف راغب اصفهانی .
- ۱۹۴ وجوه قرآن ص ۲۰۷ ، تصنیف : حبیب تفسیری ، به کوشش دکتر محقق
- ۱۹۵ لغتنامه دهخدا ج ۲۲ ص ۵۷ و ۵۹ .
- ۱۹۶ معجم الوسیط ج ۲ ص ۶۷۳ .
- ۱۹۷ التعریفات جرجانی ص ۷۱ .
- ۱۹۸ وجوه قرآن ص ۲۱۶ الی ۲۱۸ ، تصنیف : حبیب تفسیری .
- ۱۹۹ سنن اب داوود ج ۴ حدیث بشماره ۴۲۴۱ ص ۹۴ .

- ۲۰۰ نوادر الاخبار ص ۱۵۵ ، تالیف ملا محسن فیض کاشانی .
- ۲۰۱ مائده آسمانی ج ۵ ص ۳۶ .
- ۲۰۲ مائده آسمانی ج ۵ ص ۳۷ .
- ۲۰۳ لوح قرن ص ۵۱ .
- ۲۰۴ ایقان ص ۷ .
- ۲۰۵ مائده آسمانی ج ۴ ص ۴۳۸ .
- ۲۰۶ لئالی حکمت ج ۲ ص ۸۱ .
- ۲۰۷ ایقان ص ۷۷ .
- ۲۰۸ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۰۴ ، چاپ مصر .
- ۲۰۹ لئالی حکمت ج ۱ ص ۱۲۲ (لوح ۸۳) .
- ۲۱۰ لوح ابن ذئب و گاد پاسزبای ترجمه ج ۲ ص ۲۶۴ . وانگلیسی ص ۱۹۹ .
- ۲۱۱ لئالی حکمت ج ۲ صفحه ۳۲۵ . و نیز " اسم جود " در کلمات فردوسی .
- ۲۱۲ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۷ و ۵۲ چاپ مصر - گنج شایگان . ص ۱۴۰ .
- ۲۱۳ لوح ابن ذئب
- ۲۱۴ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۸۵ . چاپ مصر .

ص ۱۷۶

- ۲۱۵ ایقان ص ۱۷۳ .
- ۲۱۶ ایقان ص ۱۷۳ و ۱۷۴ .
- ۲۱۷ مجموعه الواح مبارکه ص ۶۳ . چاپ مصر .
- ۲۱۸ لئالی حکمت ج ۳ ص ۲۳۱
- ۲۱۹ لئالی حکمت ج ۳ ص ۳۲۳ .
- ۲۲۰ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۲ .
- ۲۲۱ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۴۹ و ۲۵۱ . چاپ مصر .
- ۲۲۲ لئالی حکمت ج ۳ ص ۲۶۹ .
- ۲۲۳ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۴۷ و ۲۴۹ و ۲۵۲ .
- ۲۲۴ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۱۱۲ .
- ۲۲۵ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶۶ . چاپ مصر .

- ٢٢٦ مجموعه الواح مبارکه ص ٢٧٢ و ٢٧٣ . چاپ مصر .
٢٢٧ لئالی حکمت ج ٢ لوح ٤٣ ص ٧٦ .
٢٢٨ ادعیه محبوب ص ٣٢٣ و ٣٢٤ .
٢٢٩ ادعیه محبوب ص ٣٠٤ .
٢٣٠ ادعیه محبوب ص ٣٤٢ .
٢٣١ ایام تسعه صفحه ٤٦ .
٢٣٢ مجموعه الواح مبارکه ص ٢٠٣ . چاپ مصر .
٢٣٣ لئالی حکمت ج ١ لوح ٢٠ ص ٦٥ .
٢٣٤ لئالی حکمت ج ٢ لوح ١٨٩ ص ٣٢٣ .
٢٣٥ آثار قلم اعلیٰ ج ٣ ص ١٢٣ .
٢٣٦ آثار قلم اعلیٰ ج ٣ ص ١٦٦ و ١٧١ .

ص ١٧٧

- ١٣٧ مائده آسمانی ج ٤ ص ٣٧٠ .
٢٣٨ مائده آسمانی ج ٤ ص ٣٩٢ .
٢٣٩ مجموعه الواح مبارکه ص ٢٨٧ . چاپ مصر .
٢٤٠ لئالی حکمت ج ٣ لوح ١٤٢ ص ٢٢١ .
٢٤١ مائده آسمانی ج ٤ ص ٢٦٨ .
٢٤٢ مائده آسمانی ج ٤ ص ٣٧٥ و ٣٧٦ .
٢٤٣ ایقان ص ٤٧ ، ٧١ ، ٧٢ ، ١٣٦ ، ١٨٠ ، ١٨١ ، ١٩٢ ، ١٩٥ .
٢٤٤ مجموعه الواح مبارکه ص ١٢٠ و ١٣٨ . چاپ مصر .
٢٤٥ ایام تسعه ص ٢٢٩ .
٢٤٦ آثار قلم اعلیٰ ج ١ (کتاب مبین) ص ٤٧ .
٢٤٧ ایام تسعه ص ٢٨٠ و ٢٨٨ .
٢٤٨ آثار قلم اعلیٰ ج ٤ ص ١٢ و ١٤ .
٢٤٩ لئالی حکمت ج ١ لوح ٨٧ صفحه ١٢٧ .
٢٥٠ لئالی حکمت ج ١ صفحه ١٧٧ .
٢٥١ آثار قلم اعلیٰ ج ١ صفحه ٤٢ .

۲۵۲ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ صفحه ۵۲ .

۲۵۳ ایقان صفحه ۱۴۸ .

۲۵۴ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۶۷ .

۲۵۵ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۲۴ . چاپ مصر .

۲۵۶ رساله تسبیح و تهلیل ص ۲۱۰ .

۲۵۷ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۳۹۷ .

۲۵۸ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۳۷۷ .

ص ۱۷۸

روش چهارم حجت و استدلال در الواح

ص ۱۷۹

حجت و استدلال در الواح

حجت و استدلال در آثار قلم اعلیٰ و حضرت ربّ اعلیٰ و حضرت عبدالبهاء بکثرت اقامه شده است . در الواح مبارکه در حقانیت ظهور جدید با استدلال و حجت ۱ پرداخته اند که مقصود از آن اثبات ۲ مطلوب ۳ (حقانیت ظهور جدید) مطروحه در متن لوح است . در اهمیت حجت و استدلال در آثار مبارکه به چند نمونه اشاره می‌گردد .

(۱) در کتاب اقدس خدا میفرماید قوله تعالیٰ ۱ : " قل هذا لظهور تطوف حوله الحجة و البرهان کذلک انزله الرحمن ان انتم من المنصفین " .

(۲) در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه : " الحمد لله سخر شمس البیان بقدرته و قمر البرهان بسلطانه " .

روشهای استدلال در آثار بنظر می‌آید که استدلال و حجت به دو قسم نازل گردیده است :

(۱) استدلال عقلی . (۲) استدلال نقلی - مواضع مورد استدلال در آثار : بنظر

میرسد ، مسائل مورد استدلال (مطلوب) باختصار باین شرح است :

(۱) استدلال و بکار بردن حجت در حقانیت ظهور . (۲) استدلال و حجت در موضوع عصمت

کبری ، علم لدنی و لزوم مربی الهی برای عالم انسانی . (۳) استدلال و حجت در

اثبات الوهیت و خلقت و مقامات ربوبیت مظاهر مقدسه و ارتباط آنان با خدا .
 اشاره مختصری در اقسام حجت یا استدلال از کتب کلاسیک منطق ، شناخت حجت و نمونه
 های استدلال در الواح مبارکه را آسان میکند - استدلال عموماً بر حسب تقسیم بندی
 های متداوله در کتب منطق به سه قسم اصلی تقسیم شده است ۳ :
 اقسام حجت یا استدلال در کتب منطق
 (۱) قیاس ۴ . (۲) تمثیل ۵ . (۳) استقراء ۶ .

1. Reasoning Argument . 2. Affirmation . 3. Objective . 4. Deduction . Analogy . 6. Induction .
 5.

ص ۱۸۰

قیاس حجتی است که از قوائد کلی که مورد تصدیق و صحت آن مسلم است از معلوم به
 تصدیق مجهول رسیدن است . این روش مورد پسند منطقیون است .
تمثیل گاهی حکم در باره چیزی را که مورد قبول و محقق است به موجب شباهتی
 که بین آن دو شیء است به چیز دیگری تعمیم میدهند .
استقراء حجتی است از قضایای جزئی مورد قبول به تعمیم آن به قضایای کلی
 رسیدن است .

در این مختصر به شرحی کوتاه در روش قیاس قناعت میگردد .
 انواع قیاس (صناعات خمس) : قیاس بر حسب اینکه از چه نوع مقدماتی تشکیل شود و
 متناسب با آن مقدمات بنامی نامیده میشود . و دارای پنج نوع است که آنرا باصطلاح
 منطقیون صناعات خمس مینامند و عبارتند از :

(۱) برهان . Demonstration

(۲) جدل . Dialectique

(۳) سفسطه . Sophestique

(۴) خطابه . Rethorique

(۵) شعر . Poetrique

از انواع پنجگانه فوق ، سفسطه از نظر منطقیون روشی ناپسند و مذموم و عمل آن حق

جلوه دادن باطل است و مورد قبول الهیون و فلاسفه نیست . از چهار قسم باقی مانده به بررسی کوتاهی در روش برهان که در آثار مبارکه بکار رفته است پرداخته و سپس اشاره به دو روش استدلال عقلی و نقلی نموده و چند نمونه از الواح مبارکه را زیب این قسمت از شناخت بیان مینماید .

برهان برهان قیاسی است که مقدمات استدلال از قضایای یقینی است و نتیجه آن نیز کاملاً متقین خواهد بود و محلی برای شک نمودن نیست .

ص ۱۸۱

برهان بدو قسم در کتب منطق تقسیم ده است برهان لَمّی و برهان اِنّی
تعریف برهان لَمّی در این روش از علت پی بوجود معلول برده میشود و نیز گفته شده است که علت ثبوت و هم علت اثبات شیء را بیان میکند .
تعریف برهان اِنّی در این روش برهانی از معلول پی به علت میبرند و نیز گفته شده است که اثبات را بیان نمیکند .

تعریف قضیه (مرکب تام خبری Proposition , Sentence) ۴ : قضیه گفتاری است که احتمال صدق و کذب در آن برود (مراد از صدق ، مطابقت آن با واقع است ، و مراد از کذب عدم مطابقت آن با واقع میباشد) .

تقسیم بندی قضیه (۱) قضیه حملی و تعریفش آن است که در آن چیزی را بدون هیچ شرطی ، استناد داده میشود به چیز دیگری . (۲) قضیه شرطی و تعریفش آن است که حکم به ثبوت یا سلب نسبتی شود به شرط تحقق نسبتی دیگر قضیه حملی دارای دو جزء اصلی (دو حدّ) است و در تعریف دیگری در کتب درسی منطق دو طرف است . یکی حدی یا بتعریف دیگر طرف اول و آن را موضوع مینامند و دیگری حدی یا بتعریف دیگر طرف دوم که به طرف اول استناد داده میشود و آن را محمول مینامند . نسبت بین دو طرف اول و طرف دوم را رابطه مینامند . در قضیه شرطی ، طرف اول را مقدم و طرف دوم را تالی و نسبت بین آنها را رابطه میگویند .

تعریف دلالت ۵ : " هر چیزی که ذهن انسان را متوجه چیز دیگری کند دالّ خوانده میشود و شیء دوم را ((مدلول)) گویند و عملی که انجام گرفته است ((دلالت)) نامیده میشود .

دلالت عبارت است از شناخت اشیاء به نحوی که آن شناخت ، ذهن را متوجه چیز دیگری کند . "

تعریف مفهوم و مصداق ۶ : " مفهوم عبارت است از معنی یا صورت ذهنی منتزع از اشیاء خارجی . مصداق عبارت از وجود خارجی مفهوم ، و چیزی است که مفهوم بر آن

ص ۱۸۲

منطبق میشود . "

تعریف متباین و مترادف ۷ : اگر دو لفظ با یکدیگر سنجیده شوند دو حالت در این سنجش وجود دارد : الفاظ برای موضوع واحدی وضع شده اند ، که در این صورت آنها را ((مترادف)) گویند و این هنگامی است که همه الفاظ در ردیف یکدیگر و همه دارای یک معنا باشند . (۲) " هر لفظی معنایی بخصوص خود دارد . این الفاظ را نسبت یکدیگر متباین گویند . "

تعریف نوع - جنس - فصل (۱) نوع ۸ : عبارت است از حقیقت مشترک بین افراد متکثر که تکررشان فقط به عدد باشد ، مانند لفظ انسان . (۲) جنس ۸ : عبارت است از حقیقت مشترک بین افراد متکثر که دارای تکرر حقیقی (نه تکرر عددی) باشند مانند جنس انسان و جنس حیوان . (۳) فصل ۹ : موجب امتیاز یک نوع از انواع مشارک میشود مانند ناطق که فصل انسان است . یعنی موجب جدا شدن و امتیاز یافتن انسان از انواعی که با آن در حیوانیت شریکند میشود .

استدلال عقلی استدلال عقلی در آثار مبارکه به روش برهان اِنّی و برهان لَمّی در اثبات الوهیت ، لزوم مربی انسانی ، در اثبات وجود روح ، ارتباط مظاهر الهی و خدا و امثالهم بکثرت استعمال شده است . الواح قلم اعلی در مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر در اثبات الوهیت ، و نیز مفاوضات ، مکاتیب و خطابات حضرت عبدالبهاء ، منابع و گنجینه هائی از درر ثمینة بروش های استدلالی است که در تاریخ ادیان بی مثل و نظیر است .

استدلال نقلی روش استدلال نقلی در آثار مبارکه ، استناد به آیات و کلمات در کتب مقدسه قبل مانند قرآن کریم ، تورات ، انجیل و احادیث و اخبار اسلامی گردیده است . در تالیفات علمای بهائی مانند کتاب فرائد و کتاب تبیان و برهان و کتاب دلیل و ارشاد

این نوع احتجاجات فراوان دیده میشود که گنجینه و منابعی بسیار غنی برای آموزش و شناخت و بکار بردن روشهای استدلال نقلی است . در ایقان شریف که حضرت ولی امرالله آنرا فکّ رَحیق مختوم بیان فرموده اند استدلالیه ایست که مواد قیاس آن جزء مقبولات امم اسلام و مسیحی است . نام چند نمونه از آثار بهائی که نمونه هائی از روشهای استدلال نقلی در آن بکار رفته عبارتند از : (۱) استدلال به بشارات تورات و انجیل در ایقان شریف . لوح هرتیک . مفاوضات (۲) استدلال به آیات قرآنی و احادیث و اخبار اسلامی در ایقان شریف . جواهر الاسرار . مکاتیب حضرت عبدالبهاء . کلمات فردوسیة . اشراقات .

نمونه هائی از استدلال در آثار مبارکه

استدلال به وجود خدای متعال و واجب الوجود به روش استدلال نقلی و قیاس به طریقه برهان انی در ایقان شریف میفرمایند قوله العزیز ۱۰ : " آنچه در آسمانها و زمین است محال بروز صفات و اسمای الهی هستند چنانچه در هر ذره آثار تجلی آن شمس حقیقی ظاهر و هویدا است که گویا بدون ظهور آن تجلی در عالم ملکی هیچ شیئی بخلعت هستی مفتخر نیاید * و بوجود مشرف نشود * چه آفتابهای معارف که در ذره مستور شده * و چه بحرهای حکمت که در قطره پنهان گشته * خاصه انسان که از بین موجودات باین خلع تخصص یافته * و باین شرافت ممتاز گشته چنانچه جمیع صفات و اسمای الهی از مظاهر انسانی بنحواکمل و اشرف ظاهر و هویدا است . و کل این اسماء و صفات راجع باوست اینست که فرموده ۱۱ (الانسان سرّی و انا سرّه) " و آیات متواتره که مدل و مشعر بر این مطلب رقیق و لطیف است در جمیع کتب سماویّه و صحف الهیه مسطور و مذکور است چنانچه میفرماید (سربهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم) " " باری از این بیانات معلوم شد که جمیع اشیاء حاکی از اسماء و صفات الهیه هستند * هرکدام بقدر استعداد خود مدل و مشعرند بر معرفت الهیه بقسمیکه احاطه کرده

است ظهورات صفاتیّه و اسمائیّه همه غیب و شهود را " .

مطالب استدلالی (مواد قیاس) را ممکن است باین شرح شناسائی نمود :

(۱) برهانی‌انی که در آن از معلول به علت رسیدن است و آن اشاره به نشانه‌های (آیات) خلقت است که شامل اشیاء و انسان و بصورت اعم مخلوقات است از هر قسم و نوع. (۲) ماده دیگری از قیاس که در این استدلال بکار گرفته شده، نقل آیه شریفه و بسیار مشهور "سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ". در سوره فصلت السجدة آیه ۴۱/۵۳ است. نقل آیه یک دلیل نقلی است که از مقبولات در اسلام است و بمعنی دیگر بهائیان و مسلمانان به آن ایمان دارند و خود آیه نیز یک نوع برهان‌انی است. این آیه شریفه در الواح جمال قدم در استدلال به وجود و هستی خدا نقل گردیده و آنرا بنام‌های "آیات عزّ آفاقیه" و "ظهورات قدس انفسیه" ذکر فرموده اند ۱۲.

استدلال بروش نقلی و برهان‌لمی

در مناجاتی در ادعیه محبوب است ۱۳: "این نهالهای وجود بید عنایت تو غرس شده حال وقت ترقی و نمو است و منتظر نیشان عنایت تو و ربیع مکرمت تو بوده و هست از آب "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" [بنظر میرسد نقل آیه ۲۱/۳۰ سوره انبیاء است] ما را منع منما آثار کرمت از قبل در دانی و قاصی و مطیع و عاصی مشاهده شد و حال موجود و مشهود پس ببرهان ثابت شد کرمت محدود نبوده و عفوت توقف نکرده و جودت از موجودات منع نشده در هر حال آثار فضل بی منتهایت بابصار عدل و انصاف مشاهده شده و میشود * "

قیاس برهانی که مواد قیاس از مقبولات ادیان است

خطابه حضرت عبدالبهاء در معبد یهودیان سانفرانسیسکو (کالیفرنیا) ۱۲ ماه اکتبر ۱۹۱۲ - ۱۴: در بیان و استدلال به اینکه: "دین سبب ترقی و تعالی عالم انسانی است". بیانات مبارکه حضرت سرالله الاعظم و روشهای استدلال عقلی بکار رفته در نهایت درجه کمال، ایجاز و بلاغت است.

ص ۱۸۵

توجیه در این خطابه مبارک، مطلوب اینست که: "دین سبب ترقی فوق العاده عالم انسانی است". بنظر نگارنده، روش برهانی بکار گرفته شده برهان‌انی و در عین حال از مقبولات ادیان است. که از علت که تاثیر وجود دین در ادوار تاریخ بر روی جوامع بشری است. و نتایج حاصله از آن بروش‌انی (تاثیر دین بر تمدن) بیان گردیده است. چند نمونه در این مورد از بیانات مبارکه شاهد آورده میشود:

تاسیس مدنیت الهی: "بسبب دینی که از برکت آن انبیاء از آن عاقله (عائله حضرت

ابراهیم) پیدا شد ... موسائی ظهور نمود هارون داود سلیمان و انبیای الهی از آن عائله ظاهر شدند ارض مقدسه در تصرف آنها آمد مدنیت کبری تاسیس گشت بسبب دین الهی که تاسیس شده بود پس دین سبب عزت است دین سبب ترقی و مدنیت است دین سبب سعادت عالم انسانی است " - دلائل ذکر شده همه از مقبولات اهل کتاب و قرآن است .

روش برهان اِنّی در خطابه مبارک شرح وقایع تاریخی و ذکر فقر و ذلت و توحش و جهالت قوم یهود قبل از ظهور حضرت موسی و نجات و حصول کمالات انسانی و عزت و ترقی آنان و تاثیر آن در تمدن انسانی بعد از ظهور حضرت موسی را بیان و استدلال فرموده اند .

برهان به روش قیاس در احکام در این روش از یک حکم کلی نتیجه مصادیق محدود

میتوان گرفت و عبارت دیگر از یک قضیه مسلم (حکم) و مورد قبول قضیه یا حکم دیگری را استدلال و استنتاج نمودن است . مثال آن ، حرمت اشتغال بکار در یوم صعود جمال قدم است . حضرت عبدالبهاء اشتغال بکار در یوم صعود حضرت بهاء الله را حرام فرموده اند " یوم شهادت حضرت اعلی نیز در زمان حیات عنصری حضرت بهاء الله در عداد یکی از ایام محرمه بود . بر این قیاس حضرت عبدالبهاء صعود جمال اقدس ابهی را نیز به ایام محرمه اضافه فرمودند " یاد داشت شماره ۱۳۹ کتاب

ص ۱۸۶

مستطاب اقدس) . لوح مبارک حضرت عبدالبهاء در اینخصوص اینست ۱۵ : " هو الله ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید ... در ایام سنه نه روز اشتغال بشغلی فی الحقیقه جائز نه بعضی نصوص الهیه و بعضی قیاس بآن یوم ... " .

ص ۱۸۷

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف	نام کتاب و مؤلف
۱	کتاب مستطاب اقدس بند ۱۳۶
۲	اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲
۳	اقتباس و استخراج از دو کتاب کلاسیک منطق صوری : تالیف دکتر محمد خوانساری . انتشارات دانشگاه طهران . و منطق : تالیف استاد محمد رضا

- مظفر ترجمه : منوچهر صانعی دره بیدی ، انتشارات حکمت .
- ۴ اقتباس از : منطق صوری تالیف دکتر محمد خوانساری صفحه ۱۰۰ .
- ۵ منطق تالیف استاد محمد رضا مظفر ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی ص ۴۶ .
- ۶ منطق تالیف استاد محمد رضا مظفر ص ۸۸ .
- ۷ منطق تالیف استاد محمد رضا مظفر ص ۶۰ .
- ۸ منطق تالیف استاد محمد رضا مظفر ص ۱۰۶ و ۱۰۲ .
- ۹ اقتباس از : منطق صوری تالیف دکتر محمد رضا خوانساری ص ۷۷ .
- ۱۰ ایقان ص ۷۵ و ۷۶ .
- ۱۱ قاموس ایقان جلد ۱ ص ۱۲۰ .
- ۱۲ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۰۸ ، چاپ مصر .
- ۱۴ خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ص ۹۸ .
- ۱۵ گنجینه حدود و احکام . لجنه ملی نشریات امری سنه ۱۰۳ بدیع ص ۱۱۲ .

ص ۱۸۸

روش پنجم

آیات اعزاز و اکرام - آیات تذلیل و تحقیر -

آیات لعن و نفرین

ص ۱۸۹

آیات اعزاز و اکرام - آیات تذلیل و تحقیر - آیات لعن و نفرین

این نوع آیات الهی ، در اعزاز آیات نازل از قلم حضرت باب اعظم و اعزاز و اکرام حضرت عبدالبهاء و نیز مومنین ، خادمین و مقبلین بامر مبارک است که در انفاق جان و مال و عمر برای اعلاى کلمة الله و امر جدید از هیچگونه فداکاری کوتاهی ننموده اند خطاب و نازل گردیده است . آیات تذلیل و لعن و نفرین اغلب خطاب به گروه و جمعیت و مجامع و نیز خطاب انفرادی به مخاصمین ، معاندین و ناکشین عهد اعلی نازل گردیده است .

نمونه هائی از این قبیل آیات که در متن الواح مبارکه زیارت شده برای مزید اطلاع درج میگردد :

نوع اول **در اعزاز و تکریم فرد مشخص معین و مومن بامر مبارک** : در لوح العالم

(لوح دنیا) در اعزاز جناب ملا علی اکبر ایادی و جناب حاجی ابوالحسن اردکانی
امین حقوق الله میفرمایند قوله جلّ بیانه : " (بسمی الناطق فی ملکوت البیان
(حمد و ثنا سلطان مبین را لایق و سزااست که سجن متین را بحضور حضرت علی قبل
اکبر و حضرت امین مزین فرمود و بانوار ایقان و استقامت و اطمینان مزین داشت
علیهما بهاء الله و بهاء من فی السموات و الارضین " .

نوع دوم **خطاب به فرد در تذلیل و تحقیر** که مخاطب از زمره اعدا و مخاصمین امر
مبارک است .

نمونه اول ، در لوح قناع خطاب به حاجی محمد کریم خان کرمانی میفرمایند قوله عزّ
بیانه ۱: " یا ایّها المعروف بالعلم و القائم علی شفا حفرة الجهل " " قل یا
ایّها الجاهل انظر فی کلمات الله " " قل یا ایّها الغافل اسمع تغنی الوراق علی
افنان سدرۃ المنتهی " .

نمونه دوم ، در کتاب بدیع مخاطب را تحقیر فرموده و با کلمات و لحنی شدید او را
که بخود اجازه داده تا انتقاد از بیانات قلم اعلی نماید سرزنش و تحقیر فرموده اند که

ص ۱۸۹

لازمست برای اطلاع به بیان کامل مبارک در جواب مهملات و انتقادات مخاطب کتاب
بدیع مراجعه نمود . اینست قسمتی از آیات تحقیر خطاب به او قوله العزیز ۲ : " ای
زاغ ارض جُرّزه حکایت از طوطی مصر احدیه منما ای طنین ذباب از صریر قلم اعلی ذکر
مکن که عرض خود میبری و زحمت ما میاری " .

نوع سوم در تحقیر جمعی معرضین بیان : جمال کبریائی در کتاب بدیع در ردّ بر
پیروان میرزا یحیی ازل که او را مرات تام و بعد از او واحدا بعد واحد در نسل او
محدود دانستند و آنرا به بیان حضرت نقطه اولی نسبت میدادند بعد از اینکه باستناد
بیانات حضرت اعلی ادعاهای سخیف و بی اساس آنها را رد فرموده اند در قسمتی از
پاسخ به مخاطب کتاب بیانات قهر آمیز و تحقیر کننده ای به معرضین بیان داه اند
قوله الاعلی ۳ : " بگوای ظالم بی خبر این تحدیدات در کجای از بیان مسطور است که

القا نموده افترا بر حق بسته که مرات حاکی بالتمام از نسل یکی خواهد بود و ان را هم حضرت رب اعلیٰ در فلان حصر نموده قل افتريت ربّ العرش و الكرسيّ الرفيع از اين كلمات حقيقت عرفان من القى اليك و اوحى اليك معلوم شده افرين خوب يد منبسطه الهيه را مغلول نموده ايد يتكلمون بمثل اليهود و لا يشعرون خاك بر فم امثال ان قائلين و طين بر راس نا بالغين که تنزيه امر و تقدیس كلمات الهيه را بغبار جهل و تحديد آلوده نموده اند لم يزل امرالله مقدس از اين حدود بوده والله الذي لا اله الا هو که از پست ترين اهل ملل قبل محتجب تر مشاهده میشوند .

نوع چهارم در اعزاز جمعی از مومنین بامر مبارک و تذلیل مشرکین

نمونه اول ، در زیارتنامه است قوله جل بیانه ۴ : " صَعَدَ الْمُخْلِصُونَ إِلَى الذَّرْوَةِ الْعُلْيَا وَالْمُشْرِكُونَ إِلَى الدَّرَكَاتِ السُّفْلَى " .

نمونه دوم ، در لوح رضوان الاقرار نازل قوله عزبیانه ۵ : " لان احبائي هم لثالي الامر و من دونهم حصاة الارض " .

ص ۱۹۱

نمونه سوم ، در لوحی میفرمایند قوله الاعلیٰ ۶ : " طوبى لكم يا احبائي ان لكم حسن مآب " .

نوع پنجم **در لعن معرضین از اهل بیان** ، در دوره بعد از اظهار امر علنی و مخالفتها و معاندتهای یحیی ازل و تابعینش قلم اعلیٰ در الواح بسیاری آن گمراهان را سرزنش و توبیخ و لعن و نفرین فرموده اند . نمونه های بسیاری در کتاب بدیع با لحنی شدید در ردّ شبهات میرزا مهدی گیلانی از ازلیان نازل گردیده است .
نمونه اول ، قوله العزيز ۷ : " ملاحظه نما که چه قدر غافلند این نفوس که شمس معانی با منتهی علو عظمت و جلال از افق حقیقت طالع و مشرق شده او را بقدر ما يظهر من صلب البقر هم ندانسته اند بگو لعنت بر شما و بر حیای شما قد شقّ هیکل الاحدية رداء العظمة من ظلمکم یا ملاء العنود " .

نمونه دوم ، در کتاب بدیع به آن گروه از اهل بیان که تبعیت از یحیی ازل نموده و " مرات " را وسیله حجاب و محرومیت در اقبال به من يظهره الله قرار داده اند بیانات شدیدی خطاب فرموده اند قوله العزيز ۸ : " اليوم نفوسیکه در هتک حرمت بیان ساعیند چنانچه دیده و شنیده اید آن نفوس نظر بحماقت مریدین خود ادعای امر نموده اند

لعن الله عَلَى الذين تجاوزوا عن حدود البيان و هتكوا حرمة الله و نقضوا ميثاقه و كفروا بنقطة الاولى و محبوه و مقصوده الذى ظهر باسمه الابهى بين الارض و السماء " .

نوع ششم **نفرین های در الواح** معاندین و ناکثین عهد اعلیٰ با اعمال و رفتارهای خصومت آمیز و القاء شبهات سبب نارضایتی و آزردهی خاطر مبارک را فراهم آوردند . در بیاناتی که در کتاب بدیع به مخاطب آیات و جمع معرضین بیان نازل شده این نوع از کلام حق را بوضوح نشان میدهد . نمونه اول . قوله جل ثنائه ۹ : " لعنت کند خدا آن شیطانی که او و تو هر دو را اغوا نموده و برای ریاست ظاهره چه مقدار مفتریات بحق نسبت داده انشاء الله امیدواریم که بگندم ری مرزوق نشود " .

نمونه دوم ، و نیز در کتاب بدیع مخاطب را نفرین میفرمایند ۱۰ : " فوالله آنچه از آن

ص ۱۹۲

ملحد خبیث شنیده کذب صرف و افتراء بحت بوده و نمیدانی که بنفس که مؤانس شده تالله الحق یفر الجحیم من نفسه و يستعید الحساب بالله من وجهه و لقاءه بحق ایشان که اگر یک کلمه صدق این عباد از این دو نفس استماع نموده و نمیدانی چه کرده اند بکل ظلم قیام نمودند و بعد نظر بالقای شبهه در قلوب ناس و ستر اعمال مردود شنیعه خود مفتریاتی بحق نسبت داه اند که احصای آن ممکن نه امیدوارم که در دنیا و آخرت خیر نه بینند و بعداب دنیا قبل از عذاب آخرت معذب شوند " .

نوع هفتم **در اعزاز و احترام به بیانات و آیات حضرت ربّ اعلیٰ جل ذکره** جمال

کبریائی در بیانات مبارکه شان در هر موضع و محلی که نقل قول آیات و بیانات حضرت نقطه اولی جل ذکره را فرموده اند . قبل از نقل بیان مبارک کلمات احترام آمیزی نازل شده است مانند : " قوله عز بهائه " ، " قوله عز ذکره و ثنائه و عز کلمة " ، " قوله جلّ و عزّ " ، " قوله عزّ بیانه " ، " قوله عزّ ذکره " ، " قوله عزّ اجلاله " ، " قوله عزّ قوله " ، " قوله عزّ اعزازه " ، " قوله عزّ اعزازه و جل کبریائه " . در آیات نازله در کتاب بدیع کلمات و عبارات فوق قبل از نقل بیانات حضرت ربّ اعلیٰ جلّ عظمته نازل گردیده است .

بنظر میرسد که این قبیل از آیات الهی که برای تنبیه و آگاهی معرضین و مخالفین امرالله نازل شده مبین قسمتی از ایام حیات مبارک است که چگونه اعدای من یتظهره الله بهر وسیله متشبه میشدند تا اطفاء نار امر الهی نمایند . و نیز نشان دهنده اقدامات بیحاصل معرضین است که اعمالشان در تاریخ امر مبارک ثبت شده است . حوادث

امر در دوره اقامت و سرگونی مبارک در بغداد و نیز فصلی در کتاب قرن بدیع (ترجمه گاد پاسز بای) که تحت عنوان : " طغیان میرزا یحیی و ابلاغ عمومی امر حضرت بهاء الله در ادرنه " ترجمه شده باجمال از آن ایام سخت که هجوم مخالفین داخلی معرضین بیان شدیدتر از هجوم معاندین خارج از امر بود حکایت مینماید .

ص ۱۹۳

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف نام کتاب و مولف

- ۱ مجموعه الواح ص ۶۷ . چاپ مصر .
- ۲ کتاب بدیع ص ۳۰۱ .
- ۳ کتاب بدیع ص ۱۷۰ و ۱۷۱
- ۴ رساله ایام تسعه ص ۲۲۸ .
- ۵ آثار قلم اعلی جلد ۴ ص ۵۴ .
- ۶ مائده آسمانی جلد ۴ ص ۲۴۲ .
- ۷ کتاب بدیع ص ۱۷۲ .
- ۸ کتاب بدیع ص ۴۰۶ و ۴۰۷ .
- ۹ کتاب بدیع ص ۲۶۰ و ۲۶۱ .
- ۱۰ کتاب بدیع ص ۱۳۵ .

ص ۱۹۴

روش ششم علوم عقلی

ص ۱۹۵

علوم عقلی

بنظر میرسد که مسائل و اصطلاحات فلسفی و کلامی در مبادی روحانی ، اصول عقاید و

خدا شناسی در الواح مبارکه نازل شده است . مسائلی از قبیل الوهیت و ربوبیت ، ارتباط خالق و مخلوق ، علت خلقت انسان ، توحید ، واجب و ممکن ، قدیم و حادث ، عوالم مجردات ، نفس ناطقه یا روح انسانی ، وجدانیات ، اخلاقیات و خلق و خوی انسانی و مکارم نفس در آثار مبارکه بتفصیل و ایجاز نازل گردیده است .

مسائل کلامی و فلسفی در اثبات وجود خدا (واجب الوجود) ، صفات خدا و اسماء الله (نامها و وصفاتی که خدا به آنها خوانده و نامیده شده است) ، طرق شناخت و معرفت خدا و مظاهر اسماء و صفات خدا (مظاهر الهیه) ، علت خلقت حدوث روح و بقای روح پس از خرابی و تحلیل بدن بروشهای استدلال و حجت (روش فلاسفه مشاء) و یا بطریقه شهود (روش فلسفه اشراق) ، و استدلالات عقلی و نقلی (روش متکلمین) نازل گردیده است . مطلب دیگری که از اهمیتی خاص برخوردار و اصولاً پایه و اساس تحقیق در آثار الهی در این قبیل از بیانات الهیه است بیان مبارک جمال قدم در لوح حکمت است - اساس و منشاء حکمت و فلسفه را انبیای الهی معرفی فرموده اند قوله الاعلیٰ ۱ : " ان اسَّ الحکمة و اصلها من الانبیاء " . بنظر نگارنده محور اصلی این نوع تعالیم که اسَّ اساس مسائل مطروحه در علوم عقلی است ، حکم اول و آیه اول کتاب مستطاب اقدس و الواح تجلیات و اشراقات است که شناخت واجب الوجود و معرفت و شناسائی خدای متعال منوط بمعرفت مظهر خدا در عالم امر و خلق است و حضرت عبدالبهاء در کثیری از الواح مبارکه تبیین این اصل را فرموده اند و از جمله در لوحی میفرمایند قوله الاحلیٰ ۲ : " (ثم اعلم) ان الحقیقة الرّحمانیة الّتی عبر بغیب الغیوب و مجهول النعت و المنقطع الوجدانی * قد تقدس عن کل ذکر و بیان " .

روشهای مطالعه و تحقیق در این قبیل از الواح مبارکه را بنظر میرسد که میتوان بشرح

ص ۱۹۶

ذیل در یک مقدمه و چند موضوع کلی طبقه بندی نمود :

- (۱) مبحث الفاظ . (۲) واجب الوجود . (۳) اسماء الله - اسماء الحسنی . (۴) صفات ثبوتیه یا کمالیه . (۵) صفات تنزیهی یا سلویه یا جلالیه . (۶) ارتباط مظاهر الهیه و خدا . (۷) طرق شناخت و رسیدن به معرفت خدا .

روشهای پیشنهادی تحقیق

تحقیق در صفات ذات مانند : علیم ، بصیر ، حی و غیره .

تحقیق در صفات فاعلی مانند : اراده و قدرت ، خالقیت .
 تحقیق در الفاظ و معانی : معنی توحید ، توحید ذات ، توحید صفات و ارتباط آن با
 مظهر ظهور الهی ، علم (به معانی خاص و عام) ، علم الهی ، علم شیطانی ، علوم
 ظاهره (در مقابل علم الهی) ، جهل ، حجاب ، عقل اول ، وجود ، موجود ، عدم ،
 امکان ، تصادف ، اتفاق ، نیستی بحث ، عدم محض ، بسیط ، بسیط الحقیقه ، مرکب و
 ترکیب ، تحلیل ، فنا ، بقا علت ، علیّت ، معلول و امثال آن .
 تحقیق در الفاظ قدیم ، حادث و ارتباط آن با خلقت عالم

مجردات و عوالم تجرید در آثار مبارکه در موضعی به سه عالم حق و امر و خلق و در
 مواضع دیگر به دو عالم مُلک و ملکوت اشاره شده است . چون مقصود در این نوع
 شناسائی عوالم مجردات است به توضیح مختصری در عوالم ملکوت اشاره می‌گردد . عالم
 مجردات و آنچه که بان از مسائل وجدانیات به آن تعلق میگیرد . در الواح مبارکه به
 عالم ملکوت اشاره شده است . این عالم با وجود اینکه از مجردات است ذکر مراتب در
 آن گردیده مانند ، ملکوت اسفل و ملکوت اعلی و ملکوت ابهی .

نفس ناطقه – روح انسانی

مسئله نفس ناطقه یا روح انسانی ، در اصالت وجود روح و ارتباط آن با هیکل عنصری
 انسان ، حدوث نفس و بقای روح پس از خرابی بدن ، مراتب ارتقای روح در عوالم بعد

ص ۱۹۷

اجرای تعالیم مبارکه و حدود و احکام برای تذهیب و استکمال نفس و نیز کیفیات نفس
 در آثار مبارکه به کثرت نازل گردیده است . آشنائی با مسائل نفس ناطقه و تحصیل آن
 کمک شایانی مینماید به درک عمیقتری در این طبقه از معارف در امر بهائی . بعنوان
 مثال میتوان از دو اثر فنا ناپذیر خطابات حضرت عبدالبهاء و مفاوضات نام برد .
 مسائل مطروحه در اثبات و وجود نفس ناطقه و مراتب آن دارای دو جنبه سهل و ممتنع
 است . و تجربه نشان داده و محققین در مطالب این دو اثر ثمین به آسانی دریافته اند
 که انسان در طول مطالعه در حدود مقدمات ذهنی و علمی خود به مقصود مبارک
 آشنا و نزدیک میشود و خود را مستفیض و سیراب از کوثر لایزال علم حضرت سرالله
 الاعظم احساس میکند . ولی پس از گذشت زمانی نه بالنسبه طولانی لزوم شدید در خود
 احساس میکند که همان مطالبی را که آموخته و ملکه ذهن نموده بود نیاز مبرم در

مطالعه مجدد آن دارد . نگارنده علت آن را در دو مسئله تجربه نموده است . اول اینکه ، مسائل فلسفی در موضوع روح یا باصطلاح فلاسفه علم اسفل ، گفتگو و مباحثات در مجردات و ارتباط آن با بدن است ، از فم مطهر و ملهم حضرت عبدالبهاء برای همه طبقات انسانی بیان گردیده و مطالعه آن برای گروه خاصی نیست . به بیانی دیگر اینکه از فیلسوف ، متکلم و عالم تا شخص معمولی با معلومات و سواد متعارف بتواند بسهم خود از این گنجینه های اسرار الهی بهره مند و مستفید گردند . دوم اینکه : آگاهی و آشنائی به مقدمات علوم عقلی و الفاظ و اصطلاحات در آن که به کثرت در آثار قلم اعلی و حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه بکار رفته است و نیز آشنائی به روش های استدلال برهانی و قیاسی ، مراتب ادراک و احساس در انسان و حیوان و نبات ، سبب تسهیل در جذب و فهم بیانات مبارکه میگردد . کمک دیگر آن ، در ملکه شدن و بروش علمی درک نمودن و رسیدن بمصادیق است در ذهن انسان بگونه ای که مطالب کلامی را همانطور در ذهن ضبط و ثبت میکند که مقدمات ریاضی از قبیل اعمال چهارگانه جمع ، ضرب ، تفریق ، و

ص ۱۹۸

تقسیم از ذهن انسان با معلومات ابتدائی نیز بالنسبه در ذهن باقی می ماند .

حدوث نفس ناطقه

اعتقادات اهل بها در معارف امر بهائی در لوح اول رئیس نازل گردیده قوله جل بیانه ۳ : " اعلم ان النفس التي يشارك فيها العباد انها تحدث بعد امتشاج الاشياء و بلوغها كما ترى النقطة انها بعد ارتفاعها الى المقام الذي قدر فيها يظهر الله بها نفسها التي كانت مكنونة فيها ان ربك يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد " . برای تفصیل بیشتر و تبیین بیان مبارک لازم است به کتاب مفاوضات ، بیان مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه ، در موضوع (آیا روح و عقل در انسان حین ولادت ظهور نموده اند) مراجعه نمود

حدوث نفس در معارف اسلامی حکمای متالهین سنی و شیعه معتقد به حدوث نفسند بحدوث

بدن . برای آگاهی بنظرات آنها میتوان به کتبی مانند اصول کافی ، گوهر مراد تالیف ملا عبدالرزاق لاهیجی و کتاب روانشناسی شفا : تالیف شیخ رئیس ابوعلی سینا (ترجمه اکبر دانا سرشت) و کتاب النفس و الروح و شرح قواهما : تالیف فخرالدین رازی و سایر کتب نظیر آن مراجعه نمود .

اخلاق - کیفیات نفسانی - مکارم نفس - مقام انسان - انسان کامل - حیات بهائی - اجرای حدود

روش مطالعه و طبقه بندی الواح در این قسمت ، بدون هیچ شبهه ، برای حصول و رسیدن به تقوای کامل و شناسائی (معرفت) ، ایمان به مظهر امرالله و اجرای حدود است که انسان را نمونه کامل حیات بهائی تربیت نموده و بمقام بلند ۴ : " وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا " (بنظر میرسد اشاره به سوره مریم آیه ۵۷/۱۹ است) و سعادت حقیقی رساند .

ص ۱۹۹

مبحث الفاظ و آشنائی با اصطلاحات اخلاقی

در مطالعه و تحقیق در مسائل اخلاقی و تهذیب نفس دیده می شود که الفاظ و اصطلاحاتی در الواح مبارکه بکار رفته است که تحصیل معانی آنها بانطور که مقصود کلمات الهی است لازم بنظر میرسد ، بعضی از این قبیل الفاظ در معارف اسلامی و کتب فلاسفه الهیون نیز با معانی مشابهی بکار رفته است . چند نمونه از این قبیل الفاظ که در الواح مبارکه بکار رفته اند عبارتند از : اخلاق ، تقوی ، پرهیزکاری ، تباه کاری ، صدق ، سعادت ، شقاوت ، انقطاع ، حلم و امثال آن ، در اینجا شرح کوتاهی را که توسط یکی از محققین معاصر در باره کلمه اخلاق تحقیق نموده است و ممکن است در شناخت معنی و مقصود از لفظ اخلاق سودمند باشد درج میشود ۵ : کلمه " اخلاق " در زبان عربی جمع " خلق " بسکون لام و خُلُق " بضم لام است که به معنی طبع و طبیعت و سجه آمده است (به نقل از لسان العرب ذیل " خلق ") و تعریفی که در اخلاق فلسفی از آن شده از عهد باستان تا دوره های متاخر تقریباً یکسان و یک نواخت بوده است مثلاً جالینوس در تعریف آن میگوید : " الْخُلُقُ حَالٌ لِلنَّفْسِ دَاعِيَةٌ لِلْإِنْسَانِ إِلَى أَنْ يَفْعَلَ أَفْعَالِ النَّفْسِ بِلا رَوِيَّةٍ وَلا اخْتِيَارٍ " ... برای علم اخلاق تعریف های گوناگونی شده از جمله : "هُوَ عِلْمٌ بِالْفَضَائِلِ وَ كَيْفِيَّةُ اقْتِنَائِهَا لِتَحْلِي النَّفْسِ بِهَا ، وَ بِلَرِّذَائِلِ وَ كَيْفِيَّةُ تَوْقِيهَا لِتَحْلِي عَنْهَا " (به نقل از دائرة المعارف اسلام چاپ جدید ذیل " اخلاق ") .

مراتب استکمال نفس و تهذیب اخلاق - مومن حقیقی

در مطالعه اجمالی در الواح مبارکه ، بنظر میرسد که میتوان استنتاج نمود که مراتب و غایت استکمال نفس در ایمان و معرفت به خدای متعال و مظهر او است که در نوع سوم

بیان مورد مطالعه مختصر قرار گرفت . تحقیق و مطالعه دو فقره از بیانات مبارکه به فهم مسئله کمک مینماید ، اول بیان مبارک است در صفحات ۷۵ الی ۷۷ در ایقان و دوم

ص ۲۰۰

در لوح نصیر ، درجات کمال و غایت رشد روحانی انسان را شرح و بیان فرموده اند ، قوله جل بیانه ۶ : " خوشا بحال آنکه کلمات الله را اصغاء نماید و از کل من فی الارض و السماء و از آنچه در او خلق شده خود را مطهر نموده بمدینه بقا که فناء قدس اعز ابهی است وارد شود * فهنیئا للموقنین والواردین * و طوبی لمن ینظر کلمات الله ببصره و لا بلغت الی اعراض العالمین * چه که هر نفسی را الیوم بمثل این عالم خلق فرموده ایم چنانچه در عالم مُدن مختلفه و قراء متغایره و هم چنین از اشجار و اثمار و اوراق و اغصان و افنان و بحار و جبال و کل آنچه در او مشهود است همین قسم در انسان کل این اشیاء مختلفه موجود است * پس یکنفس حکم عالم بر او اطلاق میشود ولکن در مؤمنین شئونات قدسیه مشهود است * مثلاً سماء علم و ارض سکون و اشجار توحید و افنان تفرید و اغصان تجرید و اوراق ایقان و ازهار حب جمال رحمن و بحور علمیه و انهار حکمیه و لئالی عز صمدیه موجود * و مؤمنین هم دو قسم مشاهده میشوند از بعضی این عنایات الهیه مستور چه که خود را بحجبات نالایقه از مشاهده این رحمت منبسطه محروم داشته اند و بعضی بعنایت رحمن بصرشان مفتوح شده و بلحظات الله در آنچه در انفس ایشان ودیعه گذاشته شده تفرّس می نمایند و آثار قدرت الهیه و بدایع ظهورات منیع ربانیه را در خود ببصر ظاهر و باطن مشاهده مینمایند و هر نفسیکه باین مقام فائز شد یوم یغنی الله کلاً من سَعَتِه فائز شده فائز شده و ادراک آن یوم را نموده و بشانی خود را در ظل غنای رب خود مشاهده مینماید که جمیع اشیاء را از آنچه در آسمانها و زمین مخلوق شده در خود ملاحظه مینماید بلکه خود را محیط بر کل مشاهده کند لو ینظر ببصر الله * و اگر نفسی از این نفوس بثبوت راسخ متین در امر الله قیام نماید هر آینه غلبه مینماید بر کل اهل این عالم * " . در بیان مبارک دیگری در لوح اول رئیس ، بیان میفرمایند که نفس انسانی ، در دو جهت میتواند بمیل و اراده صاحب آن پرواز کند ، قوله تعالی ۷ : " و اعلم ان للنفس جناحین ان طارت فی هواء

ص ۲۰۱

الحب و الرضا تُنسَبُ الى الرحمن و ان طارت فى هواء الهوى تُنسَبُ الى الشيطان *

" بنا به حکم کتاب اقدس (آیه ۲) پس از فوز به عرفان مشرق وحی الهی ، اطاعت از آنچه که به انسان امر شده و نتیجه آنرا سبب اعظم برای نظم در عالم و حفظ انسان قرار فرموده اند .

امر الهی در کتاب اقدس آیه ۴ " انا امرناکم بکسر حدودات النفس و الهوى "

مراتب رسیدن و فوز به سعادت در لوحی از حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۸ :

"سعادت در علم است و علم در تقوی و تقوی در انقطاع و تنفraz از جمیع زخارف دنیا و انقطاع عشق الهی آرد و عشق تلاوت آیات و مناجات خواهد ، و جذبه آیات تهذیب اخلاق کند ، یعنی صدق در راه حق و انصاف با خلق و قهر با نفس و صحبت با نیکان و دوری از جاهلان و حرمت مهتران و شفقت با کهتران و نصیحت با دوستان و حلم با دشمنان و بذل با فقیران و محبت با اهل جهان و هدایت گمگشتگان ، اینست سعادت عظمی و عطیه کبری و موهبت لایفنی ، فطوبی للعاملین "

یک نمونه پیشنهادی برای تحقیق در حیات بهائی : محقق میتواند روابط ضروریه و موجود در میان کلیه تعالیم اخلاقی و احکام را نسبت بیکدیگر شناسائی نموده و به تحقیق در نتایج حاصله از آنها بپردازد . برای نمونه میتوان به تحقیق در روابط ظاهر و پنهان در میان چند تعلیم ذیل و اجتماع آنها با یکدیگر و عکس آن و نتایج حاصله از آن پرداخت .

سؤال : آیا قبول و ایمان و متخلق بودن به یک تعلیم و یا چند امر الهی از تعالیم و اوامر ذیل ، بدون تخلق و ایمان به سایر تعالیم برای دو مقصود یکی فوز به سعادت ابدیه که آن رضای الهی است و دیگری استقرار مدنیت امر بهائی و وحدت نوع بشر در عالم که آن مقصد اعلای ظهور اعظم بهائی است امکان پذیر است ؟

(۱) در کلمات مکنونه عربی است ، قوله الاعلی : " أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي الْإِنصَافُ " .

ص ۲۰۲

(۲) در لوح طرازات نازل ؛ قوله عزّ بیانه : " طراز چهارم فی الامانة آنها باب الاطمینان لمن فی الامکان " .

(۳) در لوح طرازات نازل ؛ قوله جلّ بیانه : " طراز دوم معاشرت با ادیان است بروح و ریحان و اظهار ما اتی به مکلم طور و انصاف در امور "

(۴) در لوح اشراقات نازل ' قوله العزيز : " اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است لازال باتفاق آفاق عالم بنور امر منور".

(۵) در لوح اشراقات نازل، قوله الاعلی : " اشراق سیم اجرای حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم".

(۶) در لوح اشراقات نازل، قوله جلّ بیانه : اشراق چهارم جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است و قائد و سردار این جنود تقوی الله بوده اوست دارای کلّ و حاکم بر کلّ".

چنانچه اتحاد و اتفاق عباد را در تعالیم اخلاقی و روحانی فوق محور آن تعالیم مبارکه قرار دهیم و تصوّر جامعه متحد الوجدان را بنمائیم که کلیّه آحاد و افراد عالم در ظلّ وحدت عالم انسانی به حیات ظاهری ادامه میدهند ، آیا در چنین جامعه‌ای میتوان از مطرّز بودن به امانت که آنرا «باب الاطمینان لمن فی الامکان» قرار فرموده‌اند غفلت نمود؟ آیا امکان پذیر است که بدون اعمال پسندیده شخص بتواند خود را منصوب به جامعه متحد الوجدان داند؟ تحقیق در این مسائل و استخراج نتایج حاصله از مطالعه همه جانبه تعالیم مبارکه دارای عواید بسیاری است که مسؤولیتهای فردی را در قبال جامعه جهانی کاملاً روشن نموده و انسان را با آگاهی به نتایج مثبت آن و عواقب معکوس آن ، بدون هیچگونه تعلّلی تسلیم بلا شرط به اجرای حدود و تعالیم الهی مینماید.

کیفیات نفسانی در آثار مبارکه نصوص بیاری است در باره نفس ناطقه و روح انسانی.

ص ۲۰۳

در این قسمت باختصار آن مباحثی از کیفیات نفسانی که در علوم عقلی تحت عنوان (کیفیات نفسانی) از آن بحث شده و در آثار مبارکه نیز بکثرت نازل گردیده است بالاجمال اشاره میگردد .

مبحث لغات و الفاظ

لغتنامه دهخدا ۹ : جان ، روح ، روان ، قوه ای که بدان جسم زنده زنده است .
حقیقت شیئی و هستی و عین هر چیز ، عین هر چیزی ، خود هر چیزی ، تن جسد . شخص .

التعریفات ۱۰ : در تعریف نفس : نفس انسانی ، نفس ناطقه ، نفس قدسیه ، نفس اماره ، نفس لواحه ، نفس مطمئنه .

النفس : هى الجوهر البخارى اللطيف الحامل القوة الحياة والحس و الحركة الارادية و سمّاها الحكيم الروح الحيوانية فهو جوهر مشرق للبدن فعند الموت ينقطع ضوءه عن ظاهر البدن و باطنه و اما فى الوقت النوم فينقطع عن ظاهر البدن دون باطنه فثبت ان النوم و الموت من جنس واحد لان الموت هو الانقطاع الكلى و النوم هو الانقطاع الناقص فثبت ان القادر الحكيم دبر تعلق جوهر النفس بالبدن على ثلاثة اضرب الاول ان بلغ ضوء النفس الى جميع اجزاء البدن ظاهره و باطنه فهو اليقظة و ان انقطع ضوءها عن ظاهره دون باطنه فهو النوم او بالكلية فهو الموت .

النفس الانسانية : هو كمال اول لجسم طبيعى الى من جهة ما يدرك الامور الكليات و يفعل الافعال الفكرية .

النفس الناطقة : هى الجوهر المجرد عن المادة فى ذواتها مقارنة لها فى افعالها و كذا النفوس الفلكية فاذا سكنت النفس تحت الامر و زایلها الاضطراب بسبب معارضة الشهوات سميت مطمئنة و اذا لم يتم سكونها و لكنها صارت موافقة للنفس الشهوانية و معترضة لها سميت لوامة لانها تلوم صاحبها عن تقصيرها فى عبادة مولاه و ان تركت

ص ٢٠٤

الاعتراض و اذعنت و اطاعت لمقتضى الشهوات و دواعى الشيطان سميت امارة .
النفس القدسية : هى التى لها ملكة استحضار جميع ما يمكن للنوع او قريبا من ذلك على وجه يقينى و هذا نهاية الحدس .

النفس الامارة : هى التى تمثيل الى الطبيعة البدنية و تامر باللذات و الشهوات الحسية و تجذب القلب الى جهة السفلية فهى الماوى الشرور و منبع الاخلاق الذميمة
النفس اللوامة : الذى هى تنورت بنور القلب قدر ما تنبعت به عن سنة الغفلة كما صدرت عنها سينة بحكم جبلتها الظلمانية اخذت تلوم نفسها و تتوب عنها .
النفس المطمئنة : هى التى تم تنورها بنور القلب حتى انخلعت عن صفاتها الذميمة و تخلقت باخلاق الحميدة .

لسان العرب ١١ : نفس : الروح : و بينهما فرق ليس من غرض هذا الكتاب ، قال ابو اسحق : النفس فى كلام العرب يجرى على ضربين : احدهما قولك خَرَجَتْ نَفْسُ فلان أى فى رُوحه ، و فى نفس فلان ان يفعل كذا و كذا أى فى رُوعه ، و الضرب الآخر معنى

النفس ، فيه معنى جملة الشيء و حقيقته ، ... و الجميع من كل ذلك أنفُس و نفُوس ... و نفس الشيء : ذاته .

کیفیات نفسانیّه

در شرح کیفیات نفسانیّه چنین آمده است ۱۲ : (۱) کیف نفس انسانی و آن کیفیات و حالات عارضه بر نفس ناطقه است " (۲) " کیفیات نفسانسه علوم و ادراکات نفسند " . (۳) از جمله کیفیات نفسانیّه عبارتند از : غریزه وجدان ، لذت و الم (حسی و خیالی و وهمی و عقلی) ، قدرت و اراده ، و نظایر آن . (۴) حکماء الهی ادراکات نفس را از طریق علوم بدیهی و نظری دانسته اند و موضوع علوم بدیهی را به اقسامی مانند : (۱) اولیات (۲) مشاهدات (۳) فطریات (۴) تجربیات (۵) حدسیات (۶) متواترات تقسیم بندی نموده اند که درک آنها برای نفس که از فکر و استدلال بی نیاز اند .

ص ۲۰۵

تحقیق در الفاظ « هوئ » - « وهم »

لفظ هوئ در آثار مبارکه بکثرت بکار رفته است . مطالعه اجمالی در الواح مبارکه نشان میدهد که : علل بسیاری از اعتراض ها و عدم اقبال نفوس در اثر توجه به خواسته های نفسانی بعضی از عباد بوده است . در آثار مبارکه اشاراتی بسیار دیده می شود که غلبه نفس و هوئ را بر انسان سبب چیره شدن بر عقل بیان فرموده اند . در کلمات مکنونه است : " ای بیگانه با یگانه " شمع دلت برافروخته دست قدرت من است آنرا بادهای مخالف نفس و هوئ خاموش مکن " . برای روشن شدن مطلب ، تحقیقی اجمالی در باره لفظ " هوئ " که در کتب فلسفی و اخلاقی و لغتنامه ها مبادرت میگردد . برای نمونه ، رساله تحقیقی توسط یکی از محققین کنونی در لفظ " هوئ " چنین است ۱۳ : ((دانشمندان معتقد بودند که همچنانکه در شفای امراض جسمانی علل و اسباب پیدا شدن آن بیماری ها باید کشف گردد تا با اضداد آن درمان شود . در بهبودی بیماری که عارض نفس انسان میشود و آن را جایگاه رذائل می سازد باید آن رذائل شناخته شوند که بتدریج از نفس زدوده گردند و جای آن را فضائل بگیرد و از این روی است که هدف و غایت طب روحانی را اصلاح اخلاق نفس دانسته و معتقد بودند که این طب روحانی باید عدیل و قرین طب جسدانی باشد و در این طب است که آدمی باید

به دو عنصر متضاد در وجود خود یعنی " عقل " و " هوی " پی ببرد و بداند که همه فضائل از عقل سرچشمه میگیرد . و در برابر همه رذائل به " هوی " مرتبط میشود و عقل باید حاکم و زمام و متبوع باشد تا بدینوسیله هوی محکوم علیه و مزموم و تابع عقل گردد . و آدمی به درجات سعادت نائل شود)) . (طب روحانی ، مقصود کتاب ، طب روحانی تألیف محمد بن زکریای رازی است) . در ادامه این بحث مؤلف نقل قسمت دیگری از آرای دانشمندان یونانی و اسلامی را به این شرح ادامه داده است ۱۴ :

ص ۲۰۶

(دانشمندان میگویند آنچه که از مواد هوی باشد از آفات عقل است و نفس ناطقه را ناتوان و نفس شهوانیه و غضبانیّه را نیرومند میگرداند و از این روی معتقدند که با راهنمایی عقل هوی باید ذلیل و مقهور گردد ... رای و اندیشه هوائی بدون حجتی آشکارا و عذری واضح بلکه به صرف میل و حب نفس مورد متابعت قرار میگیرد در حالی که رای عقلی با دلیلی واضح و عذری هویدا پیروی میشود .)

معانی هوی و هواء در کتب لغت و تفسیر (۱) در همان رساله تحقیقی در لفظ " هوی " نوشته شده ۱۵ : اهل لغت یکی از معانی آن را کام و آرزوی نفس دانسته اند (وجوه قرآن ، تألیف حبیبش تفسیری) . و در تفسیر آیه شریفه " و افئدتهم هواء " گفته شده : " انه لا عقول لهم " (لسان العرب ، تألیف ابن منظور ، ماده " هوی ") . و در ادب فارسی و عربی هم " عقل " و " هوی " در برابر هم بکار برده شده است ابن درید شاعر عرب گوید :

وَ أَفَةُ الْعَقْلِ الْهَوَى فَمَنْ عَلَا عَلَى هَوَاهُ عَقْلُهُ فَقَدْ نَجَا

ناصر خسرو می گوید :

وگر عنان خرد داده ای بدست هوی چو اسب لانه سرافشان و بی عنان شده ای

(۲) در لغتنامه دهخدا به نقل از کتب لغت نوشته شده ۱۶ : خواهش دل ، خواست دل به آنچه نشاید .

ماخذ کلمه " هوی " در قرآن مجید : (۱) سوره نازعات آیه های ۴۰ و ۷۹/۴۱ . قوله تعالی: "وَأَمَّا مَنْ

خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ. فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ."

وَهُمْ ، در کتب لغت : (۱) در لغتنامه دهخدا ۱۷ : گمان بغلط بردن ، به غلط تصور

کردن ، گاه بر قوت وهمیه از حواس باطنی اطلاق میشود و شان آن ادراک معانی جزئیه متعلق به محسوسات است . (۲) در التعریفات جرجانی ۱۸ " الوهم " ، هو ادراک المعنی الجزئی المتعلق بالمعنی المحسوس . " الوهمیات " هی قضایا کاذبه یحکم بها الوهم فی امور غیر محسوسه .

ص ۲۰۷

نمونه هایی از بیانات قلم اعلیٰ که در آن اصطلاحات و الفاظ در ارتباط با کیفیات نفسانیه بکار رفته است

نمونه اول : در لذات وهمی ، در کلمات مکنونه است ۱۹ : " (ای پسران آمال)
جامه غرور را از تن برآرید . "

نمونه دوم : ایضا در لذات وهمی ، در کلمات مکنونه است ۱۰ : " (ای پسران وهم)
بدانید چون صبح نورانی از افق قدس صمدانی بر دمد البته اسرار و اعمال شیطانی که
در لیل ظلمانی معمول شده ظاهر شود و بر عالمیان هویدا گردد . "

نمونه سوم : در اوهام و حکم الهی و پرهیز از آن : در کتاب مستطاب اقدس نازل
قوله الاعلیٰ : " تمسکوا باوامر الله و احکامه و لاتکونوا من الذین اخذوا اصول
انفسهم و نبذوا اصول الله و روائهم بما اتبعوا الظنون و الاوهام " (بند ۱۷) و
نیز مراجعه کنید به آیات نازله مشابه در بندهای ۲۵ ، ۳۷ ، ۴۱ ، ۱۶۵ ، ۱۶۷ کتاب
مستطاب اقدس .

نمونه چهارم : در هوای نفس ، در کلمات مکنونه است ۲۱ : " (ای سازج هوی) حرص
را باید گذاشت و بقناعت قانع شد زیرا که لازال حریص محروم بوده و قانع محبوب و مقبول " .
نمونه پنجم : در تقابل و تضاد عقل و هوی در ایقان شریف است ۲۲ : " و بقسمی
بادهای هوی و نفس غالب شده که سراجهای عقل و فواد را قلوب خاموش نموده " و نیز
در ایقان شریف است ۲۳ : " و با اینکه حکم الهی را یک میدانند از هر گوشه حکمی
صادر میشود * و از هر محلی امری ظاهر * دو نفس بر یک حکم ملاحظه نمیشود * زیرا جز
هوی الهی نجویند . "

نمونه ششم : در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالیٰ بند ۲ : " انا امرناکم بکسر
حدودات النفس و الهوی لا ما رقم من القلم الاعلیٰ انه لروح الحیوان لمن فی الامکان " .
ایضا در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالیٰ بند ۱۷ : " کفوا انفسکم عن الاکل و

الشرب من الطلوع الافول اياكم ان يمنعكم الهوى عن هذا الفضل الذى قدر فى الكتاب " .
 نمونه هفتم : در لوح احمد فارسی در نهایت ملاطفت او و عالمیان را نصیحت
 میفرمایند قوله الاعلی ۲۴ : " ای احمد چشم ودیعه من است او را بغبار نفس و هوی
 تیره مکن " . " ای بندگان بمبداء خود رجوع نمائید و از غفلت نفس و هوی برآمده
 قصد سینای روح در این طور مقدس از ستر و ظهور نمائید " " نصائح مشفقه ام را
 بگوش مقدس از کبر و هوی بشنوید و بچشم سرّ و سر در بدیع امرم ملاحظه نمائید " **فطرت**، در کتب لغت : (۱) در التعریفات جرجانی : الجبلۃ التهمینة لقبول الدین .
 (۲) در لغتنامه دهخدا ۲۵ : سرشت که بچه در آن آفریده شده در رحم . از روی سرشت و
 خلقت .

فطرت ، در آثار مبارکه (۱) در ایقان شریف اشاره به انسانهایی است که (بنظر
 نگارنده) قبول استعداد دین و نفسهایشان خالی از هوی و وهمیات است . اینست بیان
 مبارک قوله جل بیانه ۲۶ : " حال این بنده رشحی از معانی اینکلماترا ذکر مینمایم
 تا اصحاب بصیرت و فطرت از معنی آن بجمیع تلویحات کلمات الهی و اشارات بیانات
 مظاهر قدسی واقف شوند تا از هیمنه کلمات از بحر اسماء و صفات ممنوع نشوند * و از
 مصباح احدیه که محل تجلی ذاتست محبوب نگردند " (برای مزید اطلاع مراجعه کنید
 به کتاب بدیع صفحه ۲۷۶)

مقامات نفس در الواح مبارکه در لوح رئیس در جواب به سؤال از نفس ناطقه در
 مقدمه جواب به سائل اشاره میفرمایند به اقسام نفس و نامهای آنها به این شرح قوله
 الاعلی ۲۷ : " و اما سئلت عن النفس * فاعلم ان للقوم فیها مقالات شتی و مقامات
 شتی * و منها نفس ملکوتیة * و نفس جبروتیة * و نفس لاهوتیة * و نفس الهیة
 * و نفس قدسیة * و نفس مطمئنة * و نفس راضیة * و نفس مرضیة * و نفس ملهمة * و نفس

لّوامة * و نفس أمانة * لكل حزب فیها بیانات * انا لا نحب ان نذكر ما ذکر من قبل
 عند ربک علم الاولین و الاخرین " .

توجیه : در ادامه لوح مبارک سه کیف از اقسام کیفیات نفسانیه را بیان میفرمایند ،
 قوله الاعلیٰ ۲۸ : " و انها اذا اشتعلت بنار محبة الله تسمى بالمطمئنة والمرضية و ان
 اشتعلت بنار الهوى تسمى بالامارة كذلك فصلنا لك تفصيلا لتكون من المتبصرين " .
 برای حصول به معرفت الله انسان باید شان و حد خود را بشناسد
 در کتاب بدیع در جواب اعتراضات بی پایه و از روی جهل و بغض و کین میرزا مهدی
 گیلانی که دعوی من یظهره الهی جمال قدم را وسوس شیطانی و هوای نفس پنداشته و
 آنرا : " خلل در اعتقادات انداخته فتنه نوی برپا نموده " در مکتوبش نگاشته است
 میفرمایند قوله العزیز ۲۹ : " هیچ ملاحظه نموده که چه نوشته مقصود از این بیان
 چه و مقصود که ولكن از سجد اهل الله نبوده که فوق شان خود تکلم نمایند من لم
 يعرف حده و شانه لم يعرف ربه " قدر و شان انسان از کلماتش ظاهر و فی الحقیقه
 کلمه مرات نفس است " .

کتاب و مراجع تحقیق در علم النفس و روح در معارف اسلامی

بعضی از کتبی که میتواند به آشنائی با اصطلاحات و تعاریفات موجوده در کتب حکماء
 متالیهین و متکلمین اسلامی سودمند واقع شود نام برده میشود . و همانطور که در
 اکثری از مواضع مورد بحث در این رساله به آن قویا اشاره و تاکید گردیده همانا
 عقیده اهل بها است که اینقیل از کتب تا مرحله و مرتبه قابل اعتبار و استناد است
 که با آثار و معارف امر مبارک و نصوص و مبادی امر بهائی منافات نداشته و شروح و
 مندرجات آنها مغایر اصول و اعتقادات امر بر اساس بیانات تبیینی در امر مبارک
 نباشد . کتبی که میتوان به آن مراجعه نمود عبارتند از : (۱) المباحثات : تالیف
 حکیم ابوعی سینا ، تحقیق و تعلیقه محسن بیدارفر . انتشارات بیدارفر . (۲) اشارات
 و تنبیهات جلد اول

ص ۲۱۰

(نمط هفتم) : تالیف حکیم ابوعلی سینا ، ترجمه و شرح دکتر حسن ملکشاهی .
 انتشارات سروش . (۲) کتاب النفس و الروح و شرح قواهما : تالیف فخرالدین محمد بن
 عمر رازی ، تحقیق دکتر محمد صغیر حسن المعصومی . اسلام آباد . (۴) کتاب گوهر
 مراد (فصل یازدهم) : تالیف ملا عبدالرزاق لاهیجی . انتشارات اسلامیه . (۵)
 فرهنگ علوم عقلی : تالیف دکتر سید جعفر سجادی . انتشارات انجمن اسلامی حکمت و

فلسفه ایران شماره ۷۲ . (۶) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی : تالیف دکتر سید جعفر سجادی ، کتابخانه طهوری . (۷) حکمت الهی ، اصطلاحات جوهر نفس ناطقه صفحات ۳۳۱ الی ۳۳۳ . تالیف مهدی الهی قمشه .

ص ۲۱۱

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف	نام کتاب و مؤلف
۱	مجموعه الواح مبارکه ص ۴۶ ، چاپ مصر .
۲	مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۲ ص ۸۹ .
۳	مجموعه الواح مبارکه ص ۹۸ ، چاپ مصر .
۴	ادعیه محبوب ص ۳۲۶ .
۵	سلسله دانش ایرانی شماره ۳۹ ص ۴۷ ، دومین بیست گفتار از دکتر مهدی محقق
۶	مجموعه الواح مبارکه ، ص ۱۸۱ ، چاپ مصر .
۷	مجموعه الواح مبارکه ، ص ۹۹ ، چاپ مصر .
۸	اخلاق بهائی . ص ۲۶۲ ، تالیف محمد علی فیضی .
۹	لغتنامه دهخدا جلد ۴۴ ص ۶۶۱ و ۶۶۲ .
۱۰	التعريفات جرجانی ص ۱۰۷ .
۱۱	لسان العرب جلد ۶ ، صفحات ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۶ ، تالیف ابن منظور .
۱۲	حکمت الهی ص ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ : نگارش مهدی الهی قمشه . انتشارات اسلامی
۱۳	سلسله دانش ایرانی شماره ۳۹ ص ۷۶ دومین بیست گفتار از دکتر مهدی محقق
۱۴	سلسله دانش ایرانی شماره ۳۹ ص ۸۴ دومین بیست گفتار از دکتر مهدی محقق
۱۵	سلسله دانش ایرانی شماره ۳۹ ص ۸۵ دومین بیست گفتار از دکتر مهدی محقق .
۱۶	لغتنامه دهخدا جلد ۴۵ ص ۳۴۶ .

ص ۲۱۲

۱۷	لغتنامه دهخدا جلد ۴۵ ص ۲۶۸ .
۱۸	التعريفات جرجانی ص ۱۱۲ .
۱۹	ادعیه محبوب ص ۴۵۲ .

- ۲۰ ادعیه محبوب ص ۴۶۳ .
- ۲۱ ادعیه محبوب ص ۴۵۳ .
- ۲۲ ایقان ص ۲۳ .
- ۲۳ ایقان ص ۲۴ .
- ۲۴ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۱۷ و ۳۲۱ و ۳۲۲ ، چاپ مصر .
- ۲۵ لغتنامه دهخدا جلد ۳۳ ص ۲۷۸ .
- ۲۶ ایقان ص ۲۲ .
- ۲۷ مجموعه الواح مبارکه ص ۹۷ ، چاپ مصر .
- ۲۸ مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر . ص ۹۹ چاپ مصر .
- ۲۹ کتاب بدیع ص ۶ و ۷ و ۴۲ .

ص ۲۱۳

روش هفتم

تفسیر - تاویل - شرح معضلات و متشابهات

در کتب مقدسه

ص ۲۱۴

تفسیر - تاویل - شرح معضلات و متشابهات در کتب مقدسه

این نوع از بیانات مبارکه در الواح الهی ، بنظر میرسد که نتیجه استدعا و درخواست مومنین از حضور مبارک و یا تعلق گرفتن اراده الهی به تاویل و تفسیر اسرار الهی در اثبات گحقانیت امر مبارک نازل شده است . این طبقه از الواح و آثار مبارکه ، گنجینه لایزالی از کشف رموز و اسرار الهی است (که قرون و اعصار متمادی علما و محققین بسیاری در علوم ادیان برای کشف آنها صرف اوقات نموده و به آنچه رسیدند سراب بود و خیال ، و نه رسیدن به مطلوب حقیقی) در جواهر الاسرار و ایقان شریف و متون الواح متعددی تاویل و شرح کتب مقدسه نازل گردیده است . در لوحی ۱ ، کشف این اسرار الهی را به " **فَلْکَ رَحِیقْ مَخْتوم** " بیان فرموده اند .

مقصود از تاویل و تفسیر را در عبارات ساده و کوتاه که موافق با معارف اسلامی است

باین شرح میتوان بیان نمود :

تأویل در معنی و مقصود از تاویل تعریفاتی است به این شرح : (۱) التعريفات جرجانی ۲ : فی الاصل الترجیع و فی الشرع صرف اللفظ عن معناه الظاهر الى معنی یحتمله اذا كان المحتمل الذي يراه موافقا بالكتاب و السنة مثل قوله تعالى يخرج الحي من الميت ان اراد به اخراج الطير من البيضة كان تفسير او ان اراد اخراج المومن من الكافر او العالم من الجاهل كان تاويلاً - ترجمه تعریف فوق در لغتنامه دهخدا ۳ :

" در شرع باز گرداندن لفظ از معنی ظاهر بمعنی احتمال آنست بشرط آنکه محتمل را موافق کتاب و سنت بیابند مانند قول خدای تعالی ۴ " يخرج الحي من الميت " اگر بدان بیرون آوردن پرنده از بیضه اراده شود تفسیر خوانند و اگر بدان اخراج مومن از کافریا علم از جاهل اراده شود تاویل است . و نیز در ادامه شرح تاویل در لغت نامه دهخدا از قول ماتریدی گفته : تاویل تفسیر باطن لفظ است و ماخوذ است از اول - و نیز از قول راغب اصفهانی نوشته : تفسیر معانی قرآن را کشف کند و مراد را بیان سازد خواه بحسب لفظ باشد

ص ۲۱۵

و خواه بحسب معنی ، و تاویل بیشتر در معانی است .

تفسیر در تعاریفات جرجانی در مقصود از تفسیر نوشته شده : تفسیر فی الاصل هو الکشف و الاظهار و فی الشرع توضیح معنی الایة و شانها و قصتها و السبب الذی نزلت فیه بلفظ بدل علیه دلالت ظاهرة .

ترجمه تعریف فوق در لغتنامه دهخدا ۶ : در اصل بمعنی آشکار ساختن و هویدا کردن در شرح عبارتست از توضیح معنی آیه و شان و قصه آن و سبب نزول آیه با لفظی که دلالت ظاهر و آشکار بر آن داشته باشد . و نیز در همان ماخذ معانی دیگری برای تفسیر گفته شده است ۶ : هویدا کردن - آنچه که معنی را روشن کند - شرح کردن غامضی را - علم تفسیر دانشی است که بدان نزول آیات (قرآن) و شئون و قصه های آن و اسباب نازل شونده آیات در آنها شناخته شود و آنگاه دانستن ترتیب مکی بودن و مدنی بودن و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ ... و حلال و حرام و وعده و وعید و امر و نهی و جز اینها (نقل از کشف اصطلاحات فنون) .

چه کسانی علم تاویل را میدانند

در قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۳/۷ میفرماید قوله تعالى: "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ" (ترجمه: اوست که فرو فرستاد بر تو کتابی را از آن آیاتی است محکم که آنها اصل کتابند و دیگر متشابهاتند پس اما آنان که در دل‌های ایشان میلی بباطل است پس پیروی میکنند آنچه متشابه است از آن برای طلب فتنه و برای تاویلش و نمیدانند تاویلش را مگر خدا و ثابتان در دانش) در شرح و تفسیر این آیه شریفه دو نظریه در نزد علمای اسلام وجود دارد باین شرح:

نظریه اول ۷: "در مقام قرائت بر کلمه "الله" وقف کنیم و "الراسخون" را مبتدا بگیریم. نظریه دوم ۷: ولی بنا بر قرائت دیگر که "وراسخون" را عطف به الله دانسته اند اشکالی در میان نیست و راسخ در علم کسی است که در علم ریشه دارد... که افراد کاملش همان پیغمبر و امامان هدی صلی الله علیه و آله میباشند. تاویل در مذهب شیعه اسلام شیعیان به استناد اخبار ائمه معتقدند که راسخون در علم حضرت محمد پیغمبر اکرم ص و ائمه هدی علیهما سلام میباشند و استناد کامل آنان به

ص ۲۱۶

اخبار ذیل است: (۱) حضرت صادق فرمود ۸: "نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَنَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ". (۲) و نیز حدیث دیگری در اصول کافی نقل شده است ۹: یکی از امام محمد باقر صا صادق علیهما سلام راجع به قول خدای عزوجل (۳، ۶) " (و جز خدا و راسخون در علم تاویل قرآن را نمیدانند) فرمود: "پیغمبر صل الله علیه و آله بهترین راسخ در علم است".

و نیز در حدیث بشماره ۳ در اصول کافی حضرت صادق فرمود ۱۰: "الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأُئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ".

مقصود و معنی تاویل در دیانت بهائی

مقصود از تاویل جمال کبریائی در کتاب بدیع میفرمایند قوله العزيز ۱۱: "مقصود از جمیع تاویلات و تفاسیر و معانی کلمات و آیات آن بوده که معرفت حق حاصل شود" حضرت بهاء الله جل ذکرة در ایقان شریف در شرح و تفسیر و تاویل آیه شماره ۵ سوره آل عمران چنین میفرمایند قوله عز بیانه ۱۲: "و این معلوم است که تاویل کلمات

حمامات ازلیه را جز هیاکل ازلیه ادراک ننمایند * و نغمات ورقاء معنویه را جز سامعه اهل بقا نشنود ... چنانچه میفرماید (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) معذلك تاویل کتاب را از اهل حجاب مستفسر شدند و علم را از منبع او اخذ نمودند " - جمال کبریائی مقصود از این آیه شریفه در قرآن کریم را تعمیم به کلیه متشابهات در کتب عهد عتیق و عهد جدید فرموده اند و از جمله حجابات نفسیه قوم یهود را در عرفان و شناسائی حضرت مسیح بر طبق علائم ظهور مندرجه در عهد عتیق بعثت ندانستن معنی حقیقی و تاویل صحیح علائم ظهور توسط علمای یهود بیان فرموده اند . جمال کبریائی در تأویل آیه های ۲۹ ، ۳۰ و ۳۱ باب ۲۴ انجیل متی در ایقان شریف ، در سه مورد کاملاً صریح و روشن ، تاویل آیات الهی را مخصوص صاحبان وحی و الهام

ص ۲۱۷

بیان فرموده اند : جمال کبریائی پس از تاویل کلمات انجیل و معانی مستوره در آن میفرماید قوله عز بیانه ۱۲ : " كَذَلِكَ نَعْلَمُكَ مِنْ تَاوِيلِ الْاِحَادِيثِ وَنَلْقَى عَلَيْكَ مِنْ اسرار الحكمة لتطلع بما هو المقصود " . و نیز در کتاب بدیع بیان مشابه دیگری نازل در اینکه احدی جز نفس ظهور معنی و مقصود کلمات الهی را نمیداند قوله العزيز ۱۱ : " بنص نقطه بیان روح ما سواه فداء حرام است بر مستظلمین شجره بیان که حرفی از کلمات الله را تاویل نمایند و یا تفسیر کنند چه که احدی مطلع نه مگر نفس ظهور " . مراتب تاویل در کتاب بدیع مراتبی برای تاویل بیان فرموده اند قوله العزيز ۱۴ : " از برای تاویل مراتب لانهایه بوده یک تاویل برضای حق بوده و یک تاویل اعتراضا علی الحق از برای کلمات الهیه تاویلات لانهایه ولكن احدی بان مطلع نه الا الله " .

نمونه هائی از بیانات مبارکه در تاویل کتب قبل

نمونه اول ۱۵ : تاویل فرموده های حضرت مسیح ع انجیل متی باب ۲۴ : " (۲۹) وَحَالًا بَعْدَ الضَّيْقَةِ تِلْكَ الْأَيَّامُ ، تُظْلِمُ الشَّمْسُ وَ يَحْجُبُ الْقَمَرُ ضَوْعَهُ ، وَ تَهَاوَى النُّجُومُ مِنَ السَّمَاءِ ، وَ تَتَزَعَزَعُ قُوَّاتُ السَّمَاوَاتِ . (۳۰) وَ عِنْدَئِذٍ تَظْهَرُ آيَةُ ابْنِ الْإِنْسَانِ فِي السَّمَاءِ ، فَتَتَحَبَّبُ قِبَائِلُ الْأَرْضِ كُلِّهَا ، وَ يَرَوْنَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا عَلَى سَحَابٍ رَالسَّمَاءِ بِقُدْرَةٍ وَ مَجْدٍ عَظِيمٍ (۳۱) وَ يُرْسِلُ مَلَائِكَتَهُ بِصَوْتِ بُوقٍ عَظِيمٍ " نقل مندرجات انجیل در کتاب مبارک ایقان به این صورت است ۱۶ : (و للوقت من بعد

ضيق تلك الايام تظلم الشمس والقمر لا يعطى ضوءه والكواكب تتساقط من السماء و
قوة الارض ترتج حينئذ تظهر علامات ابن الانسان فى السماء وينوح كل قبائل الارض
ويرون ابن الانسان آتيا على سحب السماء مع قوة و مجد كبير ويرسل ملائكته مع
صوت السافور العظيم) لازم به ذكر اين مسئله است كه جمال كبريائى و حضرت
عبدالبهاء در نقل مندرجات كتب مقدسه در بعضى موارد رعايت نقل كلمه به كلمه را
نفرموده اند . و در اين آيات منقول از انجيل نيز بهمين نهج است . و در هيچ موضعى
عدم رعايت نقل كلمه به كلمه

ص ۲۱۸

سبب تغيير معنى نشده است ^۱ لازم به توضيح است كه مندرجات اناجيل اربعه بيانات
شفاهى حضرت مسيح است و مولفين هريك تعاليم حضرت مسيح و تاريخ آن ايام را (با
استفاده از نوشتجات اوليه) با جملات و عباراتى متفاوت درج کرده اند . تحقيقات
تاريخى در تاريخ و تدوين اناجيل اربعه توسط علمای مسيحى نشان ميدهد كه انجيل
مرقس اولين انجيل نوشته شده و انجيل متى و لوقا بعد از انجيل مرقس نوشته شده و
منبع آندو انجيل مرقس بوده و انجيل يوحنا آخرين انجيل در ميان اناجيل اربعه است
۱۷ . مشابه مندرجات فوق ، در انجيل مرقس باب ۱۳ شماره هاى ۲۴ الى ۲۷ كه متن
عبارات كاملا متفاوت ولى در معنى نزديك بيكدیگرنه اينست ۱۵: " (۲۴) وَلَكِنْ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ ، بَعْدَ
تِلْكَ الضَّيْقَةِ ، تُظْلَمُ الشَّمْسُ وَيَحْجُبُ الْقَمَرُ ضَوْؤُهُ (۲۵) وَتَهَاوَى نُجُومُ السَّمَاءِ ، وَتَتَزَعَّرُ الْقُوَّاتُ الَّتِي
فِي السَّمَاوَاتِ . (۲۶) وَعِنْدَئِذٍ سَيُؤْفَئِضُونَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِيًا فِي السَّحَابِ بِقُدْرَةٍ كَثِيرَةٍ وَ مَجْدٍ .
حضرت بهاء الله جل ذكره در شرح و تاويل و مقصود اصلى آيات فوق الذكر در ايقان
شريف ميفرمايند قوله العزيز ۱۸ : " و علمای انجيل چون عارف بمعانى اين بيانات

۱ - برای نمونه مراجعه كنيد به مكاتيب حضرت عبدالبهاء جلد اول صفحه ۱۰۲ كه در تفسير و معنى لقاء الله لوح مفصلی از
قلم مبارك صادر شده است . در لوح مذکور هيكل مبارك نقل يكي از آيات قرآن كريم را فرموده اند به اين عبارات : "
اعلموا انكم ملائكة يوم القيامة " آيات قرآن در اشاره به بيان مبارك در سوره بقره آيه ۲۲۳ : " اعلموا انكم ملائكة و بشر
المومنين " و نيز در همان سوره آيه هاى ۴۳ و ۲۵۰ و سوره هود آيه ۳۱ نازل شده است . و نيز رجوع كنيد به نafe مكنون تأليف
نگارنده در قسمت تعليقات .

ص ۲۱۹

و مقصود مودعه در این کلمات نشدند * و بظاهر آن متمسک شدند - لهذا از شریعه فیض محمدیه و از سحاب فضل احمدیه ممنوع گشتند * و جهال آن طائفه هم تمسک بعلمای خود جسته از زیارت جمال سلطان جلال محروم ماندند * زیرا که در ظهور شمس احمدیه چنین علامات که مذکور شد بظهور نیامد " حال این بنده رشی از معانی اینکلماترا ذکر مینمایم تا اصحاب بصیرت و فطرت از معنی آن بجمیع تلویحات کلمات الهی و اشارات بیانات مظهر قدسی واقف شوند تا از هیمنه کلمات از بحر اسماء و صفات محروم نشوند * و از مصباح احدیه که محل تجلی ذاتست محجوب نگردند " .

تاویلات مبارکه در مندرجات انجیل را ۱۹ " تلویحات کلمات الهی و اشارات بیانات مظاهر قدسی " توصیف فرموده اند . و چند فقره از این تاویلات عبارتست از :

" ضیق تلك الايام "

(الف) ترجمه کلمات انجیل در ایقان ۲۰ : " بعد از تنگی و ابتلا که همه مردم را احاطه مینماید " .

(ب) ترجمه کلمات در انجیل بلسان فارسی : " و فورا بعد از مصیبت آن ایام " .

(ج) تاویل در ایقان ۲۱ : " یعنی وقتی که ناس در سختی و تنگی مبتلا شوند * و این در وقتی است که آثار شمس حقیقت و اثمار سدره علم و حکمت از میان مردم زائل شود * و زمام ناس بدست جهال افتد " " باری مقصود از ضیق ضیق از معارف الهیه و ادراک کلمات ربانیه است که در ایام غروب شمس و مرایای او عباد در تنگی و سختی افتند * و ندانند بکه توجه نمایند " .

" تظلم الشمس والقمر لا يعطى ضوءه والكواكب تتساقط من السماء "

(الف) ترجمه کلمات در ایقان ۲۰ : " شمس از افاضه ممنوع میشود * یعنی تاریک میگردد * و قمر از اعطای نور باز میماند * و ستاره های سماء بر ارض نازل میشوند * و ارکان ارض متزلزل میشود " .

ص ۲۲۰

(ب) ترجمه در انجیل بلسان فارسی : " آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فروریزند و قوتهای افلاک متزلزل گردد " .

(ج) تاویل شمس و قمر در ایقان ۲۲ : " مقصود از شمس و قمر که در کلمات انبیاء مذکور است منحصر باین شمس و قمر ظاهری نیست که ملاحظه میشود بلکه از شمس و قمر معانی بسیار

اراده فرموده اند که در هر مقام بمناسبت آن مقام معنی اراده میفرمایند * مثلاً یکمعنی از شمس شمسهای حقیقتند که از مشرق قدم طالع میشوند * و بر جمیع ممکنات ابلاغ فیض میفرمایند * " " و در مقام دیگر مقصود از شمس و قمر و نجوم علمای ظهور قبلند که در زمان ظهور بعد موجودند و زمام دین مردم در دست ایشان است * و اگر در ظهور شمس اخری بضیای او منور گشتند لهذا مقبول و منیر و روشن خواهند بود و الا حکم ظلمت در حق آنها جاری است اگر چه بظاهرها دی باشند " - بعنوان نمونه میتوان از جناب سید یحیی دارابی که بامر مبارک اقبال نمود و درخشید و معرضینی مانند " شیخ محمد باقر ملقب به " ذنب " و " محمد حسین ملقب به رقصاء " و شیخ محمد تقی نجفی ملقب به " ابن ذنب " که زمام دین در دستشان بود و در الواح مبارکه (لوح برهان و لوح ابن ذنب) " حکم ظلمت در حق آنها جاری گشت " .

ذکر این نکته بنظر ضروری میرسد که برای تحقیق و اطلاع به آنچه که علمای ادیان و مذاهب در تالیفات خود و تاویلاتشان نسبت به کتب مقدسه قبل گفته و نوشته اند مراجعه نمود زیرا آگاهی به نظرات و معتقداتشان سودمند بوده که آن با اصل تحری حقیقت در امر مبارک بهائی نیز موافقت دارد ولکن ، پس از فوز به ایمان و عرفان شمس حقیقت جمال قدم جل اسمه الاعظم ، لازم بنظر میرسد که برای پرهیز و دوری از تاثیر و القای شبهات و نظرات غیر معصوم آنها ، باین بیان مبارک توجه تام و خاص داشت ، قوله جل بیانه ۲۳ : " بنام خداوند دانا یا ورقتی علیک بهائی و عنایتی ، امروز روز ظهور است و مکلم طور بر عرش بیان مستوی ، طوبی از برای نفسیکه افسانهای علمای

ص ۲۲۱

جاهل و اوهامات عباد غافل او را از افق اعلی منع ننمود و از کوثر عرفان که از قلم رحمن جاریست محروم نساخت ، حمد کن مقصود عالمیانرا که ترا تائید فرمود بر اقبال و ایمان . "

فرق میان آیات محکم و متشابه

در کتاب بدیع فرق آیات محکم و متشابه را بتصریح بیان فرموده اند قوله الاعلی ۲۳ : " بدانکه از محکم و متشابه ما بین هر حزبی ذکری مذکور و تفصیلی موجود چنانچه در کتب ثبت است و تفصیل آن موجب تطویل خواهد شد ولکن عند الحق آیات محکومات آن

است که مقصود الهی از نفس آیه مستفاد شود و در اثبات آن محتاج ببرهان و ذکر دیگر نباشد " .

کدام آیات تاویل پذیرند ؟

در کتاب بدیع در باره آیات محکمت که در الواح الهی نازل بوضوح مقصود از آیات محکمت را بیان فرموده اند قوله العزیز ۲۴ : " آیات محکمت اوامر الهیه است که در الواح نازل لاشک فی ذلک " باستناد یادداشت شماره ۱۳۰ کتاب مستطاب اقدس : " حضرت بهاء الله در بسیاری از الواح تفاوت بین آیات متشابهات و آیات محکمت را بیان فرموده اند . متشابهات آیاتی است که قابل تاویل است و محکمت اوامر الهی است که معنای آنها واضح و اهل بهاء مامور به اجرای آنها هستند . " برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به مطلب ثانی در صفحه ۳۵۲ کتاب فرائد .

منابع و مراجع تحقیق

- (۱) در آثار مبارکه و بطبع رسیده : کتاب مستطاب ایقان ، کتاب مستطاب بیان ، جواهر الاسرار . کتاب مفاوضات ، مکاتیب حضرت عبدالهیه . و بیانات نازله در الواح مبارکه نازله از قلم اعلی . تبیینات حضرت ولی امرالله .
- (۲) نویسندگان بهائی : فرائد . تبیان و برهان . دلیل و ارشاد . اقداح الفلاح . محاضرات

ص ۲۲۲

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف نام کتب و مولف

- ۱ لوح لیلہ تولد ، ایام تسعه ص ۴۶ .
- ۱ التعریفات جرجانی ص ۲۲ طبع انتشارات ناصر خسرو .
- ۳ لغتنامه دهخدا جلد ۱۲ ص ۲۷۸ .
- ۴ سوره یونس آیه ۳۲ .
- ۵ التعریفات جرجانی ص ۲۸ .
- ۶ لغتنامه دهخدا جلد ۱۴ ص ۸۱۴ و ۸۱۵ .
- ۷ اصول کافی تالیف ثقة الاسلام کلینی جلد اول کتاب الحجة حاشیه ص ۳۱۰

- ۸ اصول کافی تالیف ثقة الاسلام کلینی جلد اول کتاب الحجۃ حدیث شماره ۱
ص ۳۰۹ .
- ۹ اصول کافی تالیف ثقة الاسلام کلینی جلد اول کتاب الحجۃ ترجمه حدیث
شماره ۲ ص ۲۰۸ و ۲۰۹ .
- ۱۰ اصول کافی تالیف ثقة الاسلام کلینی جلد اول کتاب الحجۃ ص ۳۰۹ .
- ۱۱ کتاب بدیع ص ۲۱ .
- ۱۲ ایقان ص ۱۴ .
- ۱۳ ایقان ص ۲۵ .
- ۱۴ کتاب بدیع ص ۲۰ و ۲۱ .
- ۱۵ انجیل بلسان عربی ISBN 086660400_6
- ۱۶ ایقان ص ۱۹ و ۲۰ .
- ۱۷ The Origins of christianity , A Historical introduction to the New
Testament By Schuyler Brown . Revised Edition 1993 , oxford University Press.
- ۱۸ ایقان ص ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ .
- ص ۲۲۳
- ۱۹ ایقان ص ۲۳ .
- ۲۰ ایقان ص ۲۰ .
- ۲۱ ایقان ص ۲۲ و ۲۵ .
- ۲۲ ایقان ص ۲۶ و ۲۸ .
- ۲۳ لثالی حکمت جلد ۲ لوح بشماره ۷۰ ص ۱۵۱ .
- ۲۴ کتاب بدیع ص ۲۶ .

ص ۲۲۴

روش هشتم آیات انذار و خوف وعید

ص ۲۲۵

آیات انذار و خوف و عید

انذار در لغت بمعنی ترسانیدن و اطلاع دادن به خوف و بیم از چیزی است . منذر به معنی بیم کننده ، آگاه سازنده و آنکه میترساند . در قرآن مجید در آیات متعددی نازل گردیده و در موضعی خدای متعال خود را منذر نامیده است . در سوره صاد آیه ۳۸/۶۵ میفرماید قوله تعالى : " قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِن إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ " . و نیز در سوره لیل آیه های ۱۳ و ۱۴ میفرماید : " وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى (۱۴) فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى " بنظر میرسد که در الواح مبارکه نیز به همین مقصود - یعنی تنبیه و آگاهی اهل عالم ، معرضین و علمای عصر در دوره ظهور برای اجرای تعالیم و حدود الهی و فوز به سعادت ابدی بکار رفته است .

طبقه بندی آیات انذار

انذار عام در عاقبت حال معرضین به ظهور اعظم در سوره هیکل میفرمایند قوله عزّ بیهانه ۱ : " ایاکم ان تتوقفوا فی هذا الجمال بعد الذی ظهر بسلطان القدرة و القوة و الاستجلال انه لهُو الحق و ما سویه معدوم عند احد من عباده و مفقود لدی ظهور انواره " .

انذار خاص تحقیق اجمالی در الواح طبع شده و در دسترس نشان میدهد که این طبقه از بیانات اندازیه به سه جمعیت و گروه خاصی نازل گردیده بشرح ذیل :

انذار به علماء و فقهای ادیان بنظر میرسد که انذارات عموماً به علماء و فقهای اسلام و حکماء ارض و انتباه و تذکر به عاقبت حال آنان در صورت امتناع و اقبالشان به ظهور جدید نازل شده است . در لوحی میفرمایند قوله عزّ بیهانه ۲ : " قل یا معشر العلماء تالله قد اتی الوعد و مکلم الطور استوی علی عرش الظهور و ینطق بإعلی النداء بین الارض و السماء ... طوبی لقومٍ تقربوا و آمنوا و ویلٌ لكل غافلٍ محجوبٍ " .

ص ۲۲۶

انذار به امراء ، ملوک و رؤسای ارض و ذکر عاقبت حال و خسران مآل آنان

در لوح رئیس میفرمایند ۳ : " ان یا رئیس اسمع نداء الله الملك المهيمن القيوم انه ینادی بین الارض و السماء و یدع الكل^۱ الى المنظر الابهی و لا یمنعه قباعك و لا نباح من فی حولك و لا جنود العالمین " " فسوف تبدل ارض السّر و مادونها و تخرج من ید الملك و یظهر الزلزال و یرتفع العویل و یظهر الفساد فی الاقطار و

تختلف الامور بما ورد على هؤلاء الاسراء من جنود الظالمين " .
 و نیز در لوحی میفرمایند قوله الاعلی ٤ : " عالم را غبار ظنون و اوهام احاطه
 نموده بشانیکه از مشرق وحی الهی و مطلع علوم ربانی غافل و محرومند و بکمال قدرت
 و قوت در اطفاء نور و اخماد نار سدره مشغول و لکن الله منعتهم بجنود الغیب و
 الشهاده و اخذهم امرا من عنده " " و چه مقدار از امراء و وزراء مع ملکهم و
 سلطانهم بنار راجع معذلک احدی متنبه نشد سوره مبارکه رئیس شاهد و گواه است بر
 آنچه ذکر شد " .

انذار به اهل بیان و ناکشین عهد اعلی در لوحی که ذکر احبای دولت آباد در آن
 مذکور است ، اهل بیان را انذار فرموده و نیز به آن دسته از اهل بیان که عجل را
 بجای جمال رحمن برگزیده اند بیانات قهریه شدید الحنی نازل گردیده است قوله
 الاعلی ٥ : " یا علی ان القوم فی خسران عظیم اسمع نداء المظلوم انه لا اله الا
 هو المهيمن القيوم " " قل یا قوم قد ظهر و ما لا ظهر فی الابداع انظروا الی بحر
 بیانه و سماء فضله و شمس ظهوره و لا تكونوا من المعرضین بگواز حق بترسید و از
 برای دو یوم از برای خود عذاب ابدی اختیار مکنید " .

١ - در مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر صفحه ٨٧ " يدعو الخلق " نوشته شده است .

ص ٢٢٧

انذار به عاقبت انسان پس از اقبال و ایمان به مظهر الهی و بعد تخلف و سرپیچی از
تعالیم الهی و احکام شریعت الله بطوریکه از مطالعه در آثار مبارکه در این مطلب
 مفهوم میگردد این است که از جمله قیودی که انسان مومن را متمسک به حبس الله و
 اجرای حدود و تعالیم الهی مینماید خشیه الله ، تقوی الله و خوف و عید است . خوف
 و عید را یکی از دو اساس نظم عالم بیان فرموده اند . در کلمات فردوسی در ورق
 پنجم میفرمایند قوله جل بیانه : " عطیه کبری و نعمت عظمی در رتبه اولی خرد بوده
 و هست اوست حافظ وجود و معین و ناصر او خرد پیک رحمن است و مظهر اسم علام باو
 مقام انسان ظاهر و مشهود اوست دانا و معلم اول در دبستان وجود " " اوست خطیب اول
 در مدینه عدل و در سال نه جهانرا بشارت ظهور منور نمود اوست دانای یکتا " " و
 چون باراده رحمانی بر منبر بیان مستوی بدو حرف نطق فرمود از اول بشارت وعد ظاهر

و از ثانی خوف وعید و از وعد و وعید بیم و امید باهر و باین دو اساس نظم عالم محکم و برقرار تعالی الحکیم ذوالفضل العظیم " . (در باره وعد و وعید مراجعه کنید به قرآن کریم سوره های ابراهیم ۱۷ : ۱۴ ، ۱۱۲ - سوره طه : ۲۰/۱۱۲ ، - سوره ق ۴۵ ، ۲۸ ، ۲۰ ، ۵۰/۱۴) .

خشیه الله - تقوی الله

تعلیم روحانی دیگر - خشیه الله و تقوی الله است ، از مطالعه اجمالی در بیان مبارک در اشراق اول اینطور بنظر میرسد که ترس از خدا را سبب حفظ انسان بیان فرموده اند قوله جل بیانه : " دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم چه که خشیه الله ناس را بمعروف امر و از منکر نهی نماید " . بیانات و نصایح الهی در مسئله خشیه الله عموماً با کلمات : " اتقوا الله " و " خافوا " در آثار مبارکه نازل شده است . نمونه هایی از بیانات مبارکه درج میگردد : نمونه اول ، در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه ۶ : " اتقوا الله و خافوا عن الذی کان مقتدر علیکم و علی ارواحکم و اجسادکم " .

ص ۲۲۸

نمونه دوم ، در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه ۷ : " قل یا قوم خافوا عن الله و لا تفسدوا فی الارض و لا تكونن من المفسدین " .

خطابه حضرت عبدالبهاء در خوف مکافات

حضرت عبدالبهاء خطابه مفصل و مشروحی در شرح و تبیین مسئله خوف و مکافات بیان فرموده اند ۸ . در این خطابه مبارک ، مفاهیم خوف ، عقوبت ابدی و امید بمکافات ابدی (خوف وعید) ، فقدان خوف مجازات و امید مکافات در حکومت های استبدادی که منجر به بیعدالتی در جوامع میگردد و نیز دو نوع مجازات و مکافات سیاسی و الهی را بیان فرموده اند - بیان مبارک که بنظر این قاصر نسخه اجرای عدالت در مدنیت الهی در امر بهائی است زیب این قسمت میگردد .

نطق مبارک در منزل مستردریفوس

شب شنبه ۲۶ ذیقعد ۱۳۲۹ مطابق نوامبر ۱۹۱۱

هو الله

" انسان باید در عالم وجود امید بمکافات و خوف از مجازات داشته باشد علی الخصوص

نفوسی که مستخدم در حکومتند و امور دولت و ملت در دست آنهاست مامورین حکومت اگر چنانچه امید مکافات و خوف از مجازات نداشته باشند البته عدالت نمیکنند مکافات و مجازات مانند دو عمود میماند که خیمه عالم بر آن بلند است لهذا مامورین حکومت را رادع از ظلم خوف از مجازات است و شوق امید بمکافات ملاحظه میکنید در حکومت استبداد چون خوف مجازات و امید مکافات نیست لهذا امور حکومت بر محور عدل و انصاف دوران ندارد مکافات و مجازات دو نوع است یک مکافات و مجازات سیاسی و یک مکافات و مجازات الهی البته اگر نفسی معتقد مکافات و مجازات الهی باشد و همچنین

ص ۲۲۹

در تحت مکافات و مجازات سیاسی البته آن شخص اکمل است زیرا مانع و رادع از ظلم اگر خوف الهی و بیم مجازات یعنی رادع معنوی و سیاسی باشد البته این اکمل است بعضی از مامورین که خوف انتقام دولت و خوف از عذاب الهی دارند البته ملاحظه عدالت را بیشتر نمایند علی الخصوص اگر نفسی خوف عقوبت ابدی و امید بمکافات ابدی داشته باشد البته این نفس بنهایت همت در فکر اجراء عدل است و بیزار از ظلم زیرا انسانی که معتقد است اگر ظلم کند در عالم باقی بعذاب الهی معذب میشود البته از ظلم و اعتساف اجتناب نماید علی الخصوص معتقد اینکه اگر بعدالت پردازد مقرب درگاه کبریا میگردد و حیات ابدیه مییابد و داخل در ملکوت الهی میشود و رویش بانوار فضل و عنایت حق روشن میشود پس اگر مامورین دولت متدین باشند البته بهتر است زیرا اینها مظهر خشیه الله اند و از این کلام مقصودم این نیست که دین در سیاست مداخلی دارد دین ابداء در امور سیاسی علاقه و مداخلی ندارد زیرا دین تعلق بارواح و وجدان دارد و سیاست تعلق بجسم لهذا رؤسای ادیان نباید در امور سیاسی مداخله نمایند بلکه بتعدیل اخلاق ملت پردازند نصیحت کنند و تشویق و تحریص بر عبودیت نمایند اخلاق عمومی را خدمت کنند احساسات روحانی بنفوس دهند تعلیم علوم نمایند و اما در امور سیاسی ابداء مداخلی ندارند حضرت بهاء الله چنین میفرماید در انجیل است که آنچه مال قیصر است بقیصر بدهید و آنچه مال خدا است بخدا باری مقصود این است که در ایران مامورین متدینین بهائی نهایت عدالت را ملحوظ دارند چونکه از غضب الهی میترسند و برحمت الهی امیدوارند ولکن دیگران ابداء مبلاتی ندارند آنچه از دستشان برآید از ظلم فروگذار نمی نمایند از این سبب است که ایران اینطور در زحمت است من

امیدم چنانست جمیع احبای الهی مظاهر عدل باشند در جمیع امور زیرا عدل مختص
بارباب حکومت نیست تاجر نیز باید در تجارت عادل باشد اهل صنعت باید در صنعت خویش
عادل باشد جمیع بشر از کوچک و بزرگ باید بعدل

ص ۲۳۰

و انصاف پردازند عدل این است که باید از حقوق خود تجاوز نکنند و برای هر نفسی
آنها بخواهند که برای خویش خواسته اند این است عدل الهی الحمد لله آفتاب عدل از
افق بهاء الله طالع شد زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول
ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده از برای جمیع اصناف بشر مقامی مقرر که باید از
آن تجاوز نکنند مثلاً میفرماید که اهل هر صنعتی را در صنعت خود عدل لازم یعنی
تجاوز از استحقاق خود نکند و اگر تعدی در صنعت خویش نماید مثل پادشاه ظالم است
تفاوت ندارد و هر نفسی در معاملات خود عدالت را ملاحظه نداشته باشد مثل رئیس
ظالم است پس معلوم شد هر یک از بشر ممکن است هم عادل باشد هم ظالم لکن امیدم
چنان است تمام عادل باشید و همه فکرتان این باشد که با عموم بشر آمیزش کنید و
نهایت عدل و انصاف در معاملات خود مجری دارید همیشه حقوق دیگران را بیش از حقوق
خود ملاحظه داشته باشید و منفعت دیگران را مرجح بر منفعت خود بدانید تا مظاهر
عدل الهی شوید و بموجب تعالیم بهاء الله عمل نمائید بهاء الله مدت حیات خود را
در نهایت مشقت و زحمت و بلا بگذرانید بجهت اینکه تمام تربیت شوند عادل شوند و
بفضائل عالم انسانی متصف گردند نورانیت ابدیه یابند عدالت الهیه بجوئید رحمت
پروردگار باشید مظاهر الطاف الهی شوید که شامل کل بشر است لهذا من در حق تمام
دعا میکنم " .

ص ۲۳۱

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف نام کتاب و مولف

- ۱ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۳۷ .
- ۲ لئالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۷۱ ص ۱۳۹ .
- ۳ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۱۳ و ۱۱۴ .

- ۴ مائده آسمانی جزء چهارم طبع طهران سنه ۱۰۴ بدیع ص ۵۱۹ .
- ۵ مائده آسمانی جزء چهارم طبع طهران سنه ۱۰۴ بدیع ص ۲۸۸ .
- ۶ لثالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۴ ص ۱۱ .
- ۷ لثالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۱۸ ص ۵۰ .
- ۹ خطابات مبارکه ص ۲۸۶ .

ص ۲۳۲

روش نهم

آیات در بشارت وعد

ص ۲۳۳

آیات در بشارت وعد

نوع دیگری از بیانات الهی در الواح مبارکه ، آیاتی است که در آنها بشارات و خبرهای نوید بخش به اهل عالم افاضه گردیده و تحقق بشارات در عوالم ملک و ملکوت را حتمی الوقوع اعلان فرموده اند ، و نیز تحقق بشارات در عالم ملکوت را از برای انسان در صورت اجرای تعالیم مبارکه و تسلیم بلا شرط به آستان الهی ، منوط به اراده و فضل الهی قرار فرموده اند - تحقیقی باختصار در این دو مسئله انجام میگردد .

طبقه بندی آیات در بشارات وعد

بشارت وعد وعد در لغت به معنی نوید و خبر نیکو است - مطالعه مقدماتی در الواح مبارکه نشان میدهد که بشارت وعد برای فوز به خیر در این عالم و عوالم ملکوت است . در الواح و ادعیه بسیاری رجای عبد از آستان الهی را ، مقدر داشتن " خیر الاخره و الاولی " از جانب خداوند بیان فرموده اند . نوید و بشارات عموماً مفاهیم و حقایق روحانی است - نوید به مؤمنین ، آنچه از ظاهر بیانات الهیه مفهوم میگردد ترقیات روحانی و تکامل روح انسانی و تزیین او به طراز اوامر و معرفت مظهر ظهور الهی است . در کلمات فردوسی در ورق پنجم همانطور که در روش هشتم بدان اشاره رفت " وعد " را یکی از دو اساسی که نظم عالم به آن محکم است قرار فرموده اند . چند نمونه از آیات الهی که در آنها نتیجه " وعد " در عالم ملک و ملکوت است درج

میگردد : در لوحی میفرمایند (دعای صبح) قوله الاعلی ۱ : " اَی رَبِّ فَانْزِلْ عَلَیْنَا مَا یَجْعَلُنَا غَنِیًّا عَمَّا سِوَاكَ وَ مُنْقِطِعًا عَنْ دُونِكَ ثُمَّ اَكْتُبْ لَیَّ وَ لِاحِبَّتَیَّ وَ ذَوِی قُرَابَتَیَّ مِنْ كُلِّ ذَكَرٍ وَ اَنْتَی خَیْرَ الْآخِرَةِ وَ الْاُولٰی " . و نیز در لوحی (دعای صبح)

میفرمایند ۲ : " اَی رَبِّ قَدِّرْ لَیَّ مِنْ قَلَمِكَ الْاَعْلٰی خَیْرَ الْآخِرَةِ وَ الْاُولٰی " . و در لوحی از الواح صیام نازل شده است ۳ : قوله جل بیانه : " تَرَانِیْ یَا اِلٰهَی مُتَمَسِّكًا بِاسْمِكَ الْاَقْدَسِ الْاَنْوَرِ الْاَعَزِّ الْاَعْظَمِ اَلْعَلِیِّ الْاَبْهٰی وَ مُتَشَبِّهًا بِذِیْلِ تَشَبَّهَ بِهِ مَنْ فِی الْآخِرَةِ وَ الْاُولٰی " .

ص ۲۳۴

بشارت در پیشرفت و تقدم و تعالی امرالله و عالمگیر شدن امر بهائی

بیانات وافر و نوید بخشی در تقدم امر مبارک ، غلبه و استیلای روحانی امر بهائی نازل گردیده است که نمونه هائی از این طبقه از آثار مبارکه درج میگردد - برای مزید اطلاع در الواح تبیینی میتوان به مکاتیب حضرت عبدالبهاء و توقیعات سنه ۱۰۵ و ۱۱۰ و ظهور عدل الهی و سایر توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله بزبان انگلیسی مراجعه نمود .

در سوره هیکل جمال کبریائی میفرمایند قوله جل بیانه : " فسوف یظهرالله هؤلاء فی الارض و یرفع بهم ذکرة و ینشر آثاره و یشیت کلماته و یعلن آیاته رغما للذینهم کفروا و انکروا و کانوا بایاته یحجدون " .

بیانات و الواحی که رضایت الهی و ایمان به مظهر امرالله را با کلمه " طوبی " آغاز و یا در متن و خاتمه لوح به مؤمنین وعده فرموده اند

این قبیل از بیانات مبارکه از محکمی خاصی برخوردار است و تاریخ صدر امر مبارک نشان میدهد که الواح نازله و ارسالی به احبای عصر رسولی تا چه اندازه در تکمیل ایمان و تشویق احبای الهی به خدمت و تبلیغ و وحدت مومنین امر مبارک و راسخ بودن در عهد اعلی تاثیر کلی داشته است . برای تحقیق بنظر میرسد که الواح تبیینی و توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله و همچنین شان نزول و ارسال الواح مبارکه کمک بسیاری به تحقیق در این قبیل از الواح مبارکه مینماید . چند نمونه از بیانات الهی زیب این قسمت میگردد .

نمونه اول ، در لوح منیعی که از حلاوت خاصی برخوردار است لفظ " طوبی " بتکرار نازل و در هر مورد برای بیان مطلب خاصی بکار رفته است طوبی للسامعین ، قوله

العزیز ۵ : " طوبی از برای نفوسیکه در ظل سدره طوبی ماوی گرفته اند ... و طوبی از برای

ص ۲۳۵

رجالیکه سطوت ابطال ایشان را از غنی متعال منع نمود . و طوبی از برای اولیائیکه بنور ایقان منورند و در ظل سدره آرمیده اند ، طوبی از برای حزیکه از عالم گذشته اند و بافق اراده مالک قدم ناظرند ، و طوبی از برای اصحابیکه مترصد اجرای اوامرالله بوده و هستند ، ... طوبی از برای عشاق که از آفاق و بحر و برگذشتند و بذروع علیا و غایه قصوی فائزگشتند ، طوبی از برای حزیکه احزاب عالم ایشانرا از اصغاء حقیف سدره منتهی محروم نساخت ... و طوبی از برای نفوسیکه در راه دوست یکتا حمل بلایا نمودند ... طوبی از برای عبادیکه در این پیدا بکلمه مبارکه لبیک یا اله العالم ناطق گشتند ، و طوبی از برای رجالیکه از کوثر این ارض نوشیدند و در ظل اشجار آرمیدند ، طوبی از برای مسافرین که در این عصر یوم نهم شهر صیام نیر اعظم از اعلی افق عالم بآن توجه نمود و پرتوافکند ... طوبی لَهُ قَدْ نَطَقَ بِالْحَقِّ وَ اَنَا الشَّاهِدُ الْعَلِیْمُ " . . . نمونه دوم . در زیارتنامه نازل قوله العزیز ۶ : " فَطُوبَى لِمَنْ اَمَنَ بِكَ وَ بَايَاتِكَ وَ خَضَعَ بِسُلْطَانِكَ وَ شَرَّفَ بِلِقَائِكَ وَ بَلَغَ بِرِضَائِكَ وَ طَافَ فِي حَوْلِكَ وَ حَضَرَ تَلَقَاءَ عَرْشِكَ " . . . نمونه سوم ، در لوح اقدس لفظ " طوبی " را ابتدا به مخاطب لوح که خرق اوهام و حجاب نمود و به امر مبارک مومن گشت در فقره از الواح نازل فرموده و بنظر میرسد که در خاتمه لوح مقصود از آنرا در بیانات حضرت مسیح ع و ارتباط آن با مندرجات انجیل (رجوع کنید به انجیل متی ترجمه عربی و فارسی ۱۲ - ۳ : ۵) اشاره فرموده و مسیحیان عالم را دعوت به امر جدید و ظهور اب آسمانی میفرمایند قوله تعالی و شانه ۷ : " طوبی لك يا ايها المقبل الى الوجه بما خرقت الاحجاب و كسرت الاصنام و عرفت موليك القديم ... ذكر من قبلي من سمى بالمراد قل طوبى لك يا مراد بما نبذت مرادك و اخذت مراد العالمين قل طوبى لراقد انتبه من نسماى طوبى لميت حى من نفحاتى طوبى

ص ۲۳۶

لعین قرت بجمالی طوبی لقاصد قصد خباء عظمتی و کبریائی طوبی لخائف هرب الی ظل قبایی طوبی لعطشان سرع الی سلسبیل عنایتی طوبی لجائع هرع عن الهوی لهوائی و حضر

عَلَى المائدة التي نزلتها من سماء فضلى لاصفيائى طوبى لذيلى تمسك بحبل عزى و
 لفقير استظل فى سرادق غنائى طوبى لجاهل اراد كوثر علمى و لغافل تمسك بحبل ذكرى
 طوبى لروح بعث من نفحتى و دخل ملكوتى طوبى لنفس هزتها رائحة وصلوى واجتذبتها الى
 مشرق امرى طوبى لاذن سمعت و للسان شهدت و لعين رات و عرفت نفس الرب ذى المجد و
 الملكوت و ذى العظمة و الجبروت طوبى للفائزين طوبى لمن استظاء من شمس كلمتى
 طوبى لمن زين راسه باكليل حبى طوبى لمن سمع كبرى و قام لنصرتى بين شعبى طوبى لمن
 فدى نفسه فى سبيلى و حمل الشدائد لاسمى طوبى لمن اطمئن بكلمتى و قام بين الاموات
 لذكرى طوبى لمن انجذب من نغماتى و خرق السبحات بقدرتى طوبى لمن وفى بعهدى و ما
 منعتة الدنيا عن الورود فى بساط قدسى طوبى لمن انقطع عن سوائى و طارفى هواء حبى
 و دخل ملكوتى و شاهد ممالك عزى و شرب كوثر فضلى و سلسيل عنايتى و اطاع بامرى و
 ما سترته فى خزائن كلماتى " .

بشارات در ترقى علوم و صنايع و علت آن

در آثار مبارکه بتصريح بياناتى در ترقى علوم و صنايع و علوم بديعه نازل گرديده
 است . جمال كبريائى در سوره هيكل به اين بيانات جليله ناطق قوله الا اعلى ٨ : " سوف
 نبعث منك ذا علوم بديعه و ذا صنايع قويه و نظهر منهما ما لا خطر به قلب احد من
 العباد " . و نيز در طراز ششم در لوح طرازات تصريح كاملى بر اين مطلب ميفرمايند :
 " اين صنايع مشهوده و اسباب موجوده از نتايج علم و حكمت اوست كه از قلم اعلى
 در زبر و الواح نازلشده قلم اعلى آن قلمى است كه لئالى حكمت و بيان و صنايع
 امكان از خزانه او ظاهر و هويدا ، امروز اسرار ارض امام ابصار موجود و مشهود " .

ص ٢٣٧

مشخصات كتب و مآخذ

ردیف نام كتاب و مؤلف

- ١ رساله تسبيح و تهليل ، فصل ٤ از باب ٨ لوح اول ص ١٦٧ و ١٦٨ . تاليف
 عبدالحميد اشراق خاورى ، طبع لجنه نشر آثار امرى سنه ١٠٥٥ بديع .
- ٢ رساله تسبيح و تهليل ، فصل ٤ از باب ٨ لوح دوم ص ١٦٩ .
- ٣ رساله تسبيح و تهليل ، فصل ٤ از باب ٢ لوح پنجم ص ٤٣ .
- ٤ آثار قلم اعلى جلد ١ (كتاب مبين) ص ١١ .

- ۵ ایام تسعه ص ۳۲۸ .
 ۷ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۴۳ و ۱۴۴ .
 ۸ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۲۵ .

ص ۲۳۸

روش دهم اوامر و نواهی در الواح

ص ۲۳۹

اوامر و نواهی در الواح

نظری اجمالی و مروری به اختصار در بیانات الهیه در این نوع از کلام الهی تا حدودی که بنظر این عبد میرسد انحصارا برای تحقیق در نوع کلام است و مقصد از آن طبقه بندی به آن مقصود که وظایف روحانی و ایمانی بهائیان و مومنین به امر مبارک طبقه بندی شود نیست که آن در کتب و الواح الهیه و ملحقات کتاب مستطاب اقدس درج گردیده و اجرای آن اوامر و تکالیف الهیه و وظیفه وجدانی و روحانی هر فرد بهائی است و مسئولیت هر فرد در مقابل شارع امر و بیت العدل اعظم است . مقصد از تحقیق و مطالعه این سطور چنانچه ملحوظ نظر مبارک احبا واقع گردد ، مطالعه این نوع از بیانات الهیه در الواح مبارکه است و شروع و توضیحات نگارنده ولو مستند به نصوص مبارکه باشد دارای سندیت نیست . و در صورتی که بسبب مطالعه این سطور سؤال و یا ابهامی ایجاد گردد ، البته اظهر من الشمس است که باید از مصدر تشریع کسب تکلیف نمود که آن کلام حق است و در آن نه خطائی است و نه اعوجاجی ، پس از این مقدمه ، بیان این توضیح ضروری است که بر اساس تحقیقات و مطالعه شخصی نگارنده در آثار و الواح الهیه که نشان میدهد که احبای الهی مکلفند باطاعت و اجرای دو نوع تعلیم روحانی و شرعی (اوامر و نواهی و تکالیفی که هر روزه در زندگی روز مره در مقابل آنها قرار گرفته ایم) - این عبد به این نتیجه رسید که لازم است این قبیل از بیانات مبارکه را موظف به اطاعت و مکلف به اجرای آن میباشیم از نظر نوع امر و یا نهی از عملی و نظایر آن مطالعه تطبیقی نماید . حاصل این تحقیق در چند قسمت

اختصاراً بشرح ذیل با ارائه نمونه هائی از الواح مبارکه درج میگردد .
در بدو تحقیق لازم است که این مطلب خاطر نشان گردد که در بررسی متون الواح الهی
چنین مفهوم میگردد که هر کلام الهی بیانی است امریه و اجرا و نهی از عملی از
تکالیف شرعی و وجدانی است و در اقدام به امر الهی نباید درنگ و سستی و تعلل

ص ۲۴۰

نمود . در اهمیت و تاثیر اطاعت از اوامر الهی و نیز در عقوبت عدم اطاعت از اوامر
و نواهی الهی در تجلی اول در لوح تجلیات میفرمایند قوله الاعلی : " منغمسین بحر
بیان باید در کل حین باوامر و نواهی الهی ناظر باشند اوامرش حصن اعظم است از
برای حفظ عالم و صیانت امم نورا لمن اقر و اعترف و نارا لمن ادبر و انکر " .
مطلب دیگر اینست که اوامر و احکام الهیه هر یک در نهایت صراحت و دور از ابهام
است و در صورت مشاهده ابهامی هر فرد بهائی در گذشته میتواندست از مرکز تبیین (با
توجه به اینکه مسائل و سئوالات متعددی را حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله
موکول به رای بیت العدل اعظم فرموده اند) و در حال حاضر و قرون آینده از ساحت
رفیع بیت العدل اعظم کسب تکلیف نماید . توضیح دیگری که بیان آن لازم بنظر میرسد
اینست که این قبیل از مطالعه و تحقیق انحصاراً در اوامر و نواهی و تکالیفی است که
در الواح مبارکه نازل شده و بجز چند مورد خاص مانند آیه امریه (بلّغوا الناس)
مستخرج از کتاب مستطاب اقدس ، هیچگونه تحقیقی در آن مدینه الهیه نشده است .

مباحثی که لازم به تحقیق است : تکلیف ، تکالیف - امر - نهی

مبحث الفاظ و لغات

تکلیف (۱) التعریفات ۱ : الزام الکلفة علی المخاطب . (۲) لغتنامه دهخدا ۲ : چیزی
از کسی درخواستن که در آن رنج بود . ارتکاب هر کاری که فوق طاقت باشد . امر و
نهی خدای مر بنده را . حق و فرض و کاری که باید بجای آورده شود و واجب بود . جمع
، تکالیف . (۳) کشاف اصطلاحات فنون ۳ : التکلیف ، کالتصریف عند جمهور الاصولیین
هو الزام فعل فیه مشقة و کلفة ... و عند البعض ایجاب اعتقاد کون الفعل حکم من
الاحکام الشرعیة فعلى هذا المندوب و المکروه و المباح من الاحکام التکلیفیة .
((تکلیف)) در کتب اصول الدین در اسلام در کتاب اصول الدین تالیف عبدالقاهر

تمیمی بغدادی ۴ : التکلیف فی اللغة مأخوذ من الکلفة و هی التعب و المشقة یقال منه

ص ۲۴۱

تکلف الامر اذا فعله علی کلفة ز مشقة فهذا اصله فی اللغة . ثم اطلق التکلیف فی الشرع علی الامر و النهی لان الامور بالفعل یفعل ما امر به علی کلفة من غیر ان یدعوه الیه طبعه . و اذا صحت هذه المقدمة فی معنی التکلیف قلنا معناه : توجه الخطاب بالامر و النهی علی الخاطب ... و قد قال اصحابنا ان التکلیف الذی یجب به شیء او یحرم به شیء انما هو امر الله تعالی و نهیه . و لا یجب بامر غیره شیء و لا یحرم بنهی غیره شیء . و انما وجب علی کل امة طاعة نبیها و اتباع امره و اجتناب نهیه .

اقسام تکلیف بنظر میرسد که تکالیف الهیه به چند وجه در الواح و آیات الهی نازل شده است : امر و نهی و خبر . قسم اول تکلیفی که در آن امر الهی به اجرای حکم و یا فریضه نازل شده است مانند آیه مبارک در کتاب مستطاب اقدس بند دهم ، قوله تعالی : " قد فرض علیکم الصلوة و الصوم من اول البلوغ امرا من لدی الله ربکم و رب آبائکم الاولین " . قسم دوم تکلیفی که در آن نهی ارتکاب به عملی است مانند آیه مبارکه در بند ۱۹۰ کتاب مستطاب اقدس قوله تعالی : " قد حرّم علیکم شرب الافیون انا نهیناکم عن ذلك نهیا عظیما فی الکتاب و الذی شرب انه لیس منی " . قسم سوم تکلیفی که در وجوب چیزی نازل شده است مانند آیه اول کتاب مستطاب اقدس قوله تعالی : " ان اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق من فاز به قد فاز بكل الخیر " .

امر (۱) لغتنامه دهخدا ۵ ، فرمودن . ضد نهی . دستور دادن . فرمان . حکم . کار . حادثه . واقعه (جمع : امور) - در اصطلاح دستور زبان فارسی دستور دادن اجرای کاری است و آن بر دو قسم است امر حاضر که دلالت میکند بر فرمودن کاری به مخاطب (دوم شخص) مفرد ، امر حاضر غالبا همان ریشه فعل است . امر حاضر دو صیغه دارد ، مفرد ، جمع : کن ، کنید . ، و غالبا با " ب " استعمال میشود : بخوان ، بخوانید - در اصطلاح علم اصول فقه عبارت است از طلب فعل بقول بر سیل استعلا .

ص ۲۴۲

کشاف اصطلاحات فنون ۶ : الامر بفتح الالف و سکون المیم فی لغة العرب عبارة عن

استعمال صیغ الامر کنزال و انزل و لینزل ... و در اصطلاح متصوفه امر بالفتح عالمی است که موجود بیماده و مدت گشته باشد مثل عقول و نفوس و این را عالم امر و عالم ملکوت و عالم غیب میخوانند (۴) لسان العرب ۷ ، امر: الامر معروف ، نقیض النهی . أمرة به و امره و الامر: واحد الامور . و الامر: الحادثة و الجمع امور .

الفاظ و کلماتی که در الواح قلم اعلیٰ معنی حکم و امر را دارند

نظری اجمالی در الواح مبارکه نشان میدهد که کلمات و الفاظ ذیل در بیاناتی که بکار برده شده اند وجه امریه دارند و اهل بها را به اجرای عملی مکلف و یا نهی از عملی را اخبار مینمایند .

امر امر به اجرا و یا نهی از عملی در آثار بنظر میرسد که به چهار قسم نازل شده است : قسم اول امر به صیغه . قسم دوم امر به ماده امر . قسم سوم ، الفاظ و کلماتی که در بیانات الهیه اجرای عملی و یا نهی از ارتکاب به عملی را به بندگان تکلیف میفرمایند . قسم چهارم در وجوب و حرمت در احکام . در این قسمت هریک باختصار بررسی میگردد .

قسم اول ، امر حاضر : در این قسم ، فعل امریه از صیغه امر آن فعل آمده است . نمونه اول ، ۸ " ان يا هذا الاسم تمسك بالاسم الاعظم ثم انطق بالحكمة والبيان بين ملاء الامكان " . نمونه دوم ، در لوح الاحباب ۹ : " بلغوا العباد ما عرفتم من امر ربكم " . نمونه سوم ، آیه مبارکه در کتاب مستطاب اقدس (بند ۱۲۰) : " زينوا رؤسكم باكلیل الامانة والوفاء " . نمونه چهارم ، بیان مبارک در لوح العالم (دنيا) ۱۰ : " قلنا و قولنا الحق عاشروا مع الاديان كلها بالروح والريحان " . نمونه پنجم ، در کلمات مکنونه است ۱۱ : " (ای پسر عز) در سبیل قدس چالاک شو و بر افلاک انس قدم گذار قلب را بصیقل روح پاک کن و آهنگ ساحت لولاک نما " . نمونه ششم ، آیه مبارکه نازله در بند ۷۴ کتاب

ص ۲۴۳

کتاب مستطاب اقدس قوله تعالى : " تمسكوا بحبل اللطافة على أن شأن لا يرى من ثيابكم آثار الاوساخ هذا ما حکم به من كان الطيف من كل لطيف " . نمونه هفتم در احترام والدین در لوح اشرف نازل قوله الاعلیٰ ۱۲ : " قل يا قوم عززوا ابویکم و

وقروهما و بذلك ينزل الخير عليكم من سحاب رحمة ربكم العلى العظيم " . نمونه هشتم در تأكيد به ترس از خدا ، در لوح اشراقات نازل قوله جل بيانه : " يا جليل وصّ العباد بتقوى الله تالله هوالقائد الاول فى عساكر ربك و جنوده الاخلاق المرضية و الاعمال الطيبة " .

قسم دوم ، **امر با ماده امر** در اين قسم از اوامر الهيه ، صيغه امر حاضر و فعل مضارع و فعل غايب در الواح نازل شده است . مانند : " امرناكم " : " امر " ، " امرت " ، " يأمركم " ، و غيره . چند نمونه از اين قسم از اوامر الهيه عبارتند از :
نمونه اول : در بشارت يازدهم در لوح بشارات است قوله الاعلى : " (بشارت يازدهم) تحصيل علوم و فنون از هر قبيل جائز و لكن علوميكه نافع است و سبب و علت ترقى عباد است كذلك قضى الامر من لدن آمر حكيم " . نمونه دوم : " در لوح اشراقات نازل قوله الاعلى : " ان الذين قاموا بعده على الامر و جب عليهم ان يعملوا ما امروا به فى الكتاب " .
نمونه سوم : در لوح اشراقات نازل قوله عز بيانه : " يا جليل ... انا امرنا العباد بالمعروف و هم عملوا ما ناح به قلبى و قلمى " .

نمونه چهارم در كتاب مستطاب اقدس در بند ۲ نازل قوله تعالى : " انا امرناكم بكسر حدودات النفس و الهوى لا ما رقم من القلم الاعلى انه لروح الحيوان لمن فى الامكان " .
نمونه پنجم : " در بند ۶۴ كتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالى : " يا ملاء الانشاء لا تتبعوا انفسكم انها لا مارة بالبعى و الفحشاء اتبعوا مالك الاشياء الذى يامرکم بالبر و التقوى انه كان عن العالمين غنيا " .

نمونه ششم : در لوحى امر به حب به خدا و خشنودى قلوب اهل عالم ميفرمايند

ص ۲۴۴

قوله الاعلى ۱۳ : " انا نوصى الكل بالحكمة و البيان فى امر ربهم الرحمن كما وصيناهم من قبل انه لهو الناصح الامين تلك كلمة انزلناها فى الواح شتى ينبغى لكل من امن بالله فى هذا الظهور ان يتمسك بها و يكون من الراسخين و نهينا الكل عن ما لا يحبه الله و امرناهم بما تفرح به افئدة الامم انه لهو المشفق الكريم عاشروا يا احبائى بالروح و الريحان كل الاديان اياكم ان تجعلوا كلمة الله علة لاختلافكم او سببا لظهار البغضاء بينكم قل اتقوا الله يا ملاء الارض و لا تكونوا من الغافلين انه يامرکم بما تجدون منه عرف الروح لو كنتم من العارفين " .
نمونه ششم ۱۴ : در لوح طب ميفرمايند قوله العزيز : " بگو اليوم دو امر محبوب و

مطلوب است * یکی حکمت و بیان * و ثانی الاستقامه علی امر ربکم الرحمن * هر نفسی باین دو امر فائز شد عندالله از اهل مدینه بقا محسوب و مذکور چه که باین دو امر امر الهی مابین عباد ثابت شده و خواهد شد " .

انواع اوامر الهی

بنظر میرسد که اوامر الهی در یک تقسیم بندی دیگر به چند معنی و مقصود به کار رفته است . آن معانی که بسهولت قابل شناسائی در بیانات و آیات الهیه هستند عبارتند از :

۱ - **وجوب** ، امری که اجرای آن از واجبات است و بنظر میرسد که ترک آن برای انسان از معاصی است . مانند حکم صوم و صلاة و غیره .

۲ - **امری** که جنبه ارشادی و نصیحت دارد که بر طبق بیانات مبارکه به " نصایح قلم اعلی " در نزد اهل بها معروف است . مانند : تقوی و پرهیزکاری ، تعاون و تعاضد ، حقوق والدین ، اتحاد و محبت ، خلوص نیت و ادب ، خضوع و خشوع و نظایر آن .

۳ - **امری** که در آن جنبه تنبیه و انتباه و تهدید و انذار ، و پرهیز و نظایر آن دارد ، مراجعه کنید بروش هشتم .

قسم سوم : **الفاظ و کلماتی** که در بیانات الهیه اجرای عملی و یا نهی از ارتکاب عملی و

ص ۲۴۵

یا منع در اقدام به فکر و یا عملی را به بندگان تکلیف میفرمایند .

الف : **الفاظی** که مؤمنین و اهل بها را به اجرای وظیفه و یا امری مکلف مینماید . چند نمونه از این قبیل الفاظ و کلمات عبارتند از : باید ، واجب و لازم ، فرض . چند نمونه از بیانات الهیه که اجرای امری را با استعمال الفاظ فوق نازل فرموده اند عبارتند از :

نمونه اول ، **باید** در لوح العالم در لزوم تمسک به آیات و بیانات الهیه نازل قوله جلّ بیانه : " حق جل و جلاله بمفتاح قلم اعلی ابواب افتده و قلوب را گشوده و هر آیه از آیات منزله بایست مبین از برای ظهور اخلاق روحانیه و اعمال مقدسه * و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه نبوده و نیست * باید اهل عالم طراً بانچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند تا بازادی حقیقی فائز شوند " .

نمونه دوم **باید** در لوح تجلیات ، تجلی اول ، مقصد از تغمس در بیانات الهیه را که

عرفان به خدا و اسم اعظم و عمل به او امر است ، به این شرح بیان فرموده اند قوله الاعلی :
" ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق از آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل بانچه
امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته منغمسین بحر بیان باید در کل حین باو امر و نواهی
الهی ناظر باشند " .

نمونه سوم ، **واجب و لازم** در بشارت پنجم در لوح بشارات است قوله الاعلی : " این
حزب در مملکت هر دولتی ساکن شوند باید بامانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار
نمایند * هذا ما نزل من لدن آمر قدیم * بر اهل عالم طراً واجب و لازم است اعانت
این امر اعظم که از سماء اراده مالک قدم نازل گشته " .
نمونه چهارم ، **فرض** در بشارت چهارم در لوح بشارات است قوله الاعلی : " هر یک از
حضرات ملوک و فقههم الله بر حفظ این حزب مظلوم قیام فرماید و اعانت نماید * باید
محبت و خدمت باو از یکدیگر سبقت گیرند * این فقره **فرض** است بر کلّ طوبی للعاملین " .

ص ۲۴۶

ب : الفاضی که مؤمنین و اهل بها را از ارتکاب عملی نهی و باز میدارد .

نمونه هائی از این قبیل الفاظ و کلمات عبارتند از : حرّم ، لیس ، مبدا ، زنهار
زنهار ، لا نفی ، اتقوا ، نباید حرف میم و نون نفی وقتی بر سر فعلی در آید ،
پرهیزید ، بر حذر ، اجتنبوا ، لا تتبعوا ، جائز نه ، لن ، و نظایر آن . چند نمونه
از بیانات الهیه که نهی از ارتکاب و یا مبادرت به عملی را با بکار رفتن الفاظ
فوق نازل فرموده اند عبارت از :

نمونه اول ، **لیس** در لوح اشراقات در اطاعت از بیانات مظهر امر الهی است قوله عز
بیانه : " لیس لاحد ان يعترض علیه او يقول لم وبم الذی اعترض انه من المعرضین
فی کتاب الله رب العالمین " . و نیز در لوح اشراقات است : " لیس لاحد ان يتجاوز
عن حدود الله و سننه و الذی تجاوز انه من الخاطئين فی کتاب الله رب العرش العظيم " .
نمونه دوم ، **زنهار زنهار** در لوحی از حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۱۵ : " ای یاران
الهی زنهار زنهار از اختلاف زیرا بنیان الهی از اختلاف برافتد و شجره مبارکه از
اریاح اختلاف از ثمر باز ماند " .

نمونه سوم ، **لانفی** (۱) در لوح حکماء نازل ، قوله تعالی ۱۶ : " قل یا احباء

الله لا تعلموا ما يتكدر به صافى سلسبيل المحبة وينقطع به عرف المودة " ۰ (۲)
 در لوحی از الواح عید اعظم رضوان نازل گردیده ، قوله جل بیانه ۱۷ : " لَا تَنْظُرِ الْخَلْقَ إِلَّا بِعَيْنِ الرَّأْفَةِ وَ
 الْوَدَادِ " ۰ (۳) و نیز در لوح مبارک ایوب نازل گردیده
 ، قوله جل بیانه ۱۸ : " وَأَنْتُمْ يَا مَلَأَ الْأَرْضِ قَدْ كُنْتُمْ عَنْ كُلِّ ذَلِكَ مَحْرُومًا اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُفْسِدُوا
 فِي أَرْضٍ حِكْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ اصْغُوا كَلِمَةَ الَّتِي كَانَتْ مِنْ سَمَاءِ الْقُرْبِ مَنْزُولًا " .
 نمونه چهارم ، **حرف نون و نفی** در لوح خلیل میفرمایند قوله تعالى ۱۹ : " ای خلیل
 در جمیع الواح سداد که ذکر ایام شداد در او شده کل عباد را بنصایح مشفقانه

ص ۲۴۷

نصیحت نمودیم که احدی متعرض احدی نشود و نفسی با نفسی مجادله ننماید " .
 نمونه پنجم ، **حرف میم نفی** (۱) در لوح تجلیات خطاب به اهل بیان میفرمایند قوله جل بیانه :
 " بگو ای اهل بیان از روی نفس و هوی تکلم **نمائید** " . (۲) در لوحی
 میفرمایند ۲۰ : " جان گنجینه راز من است او را بدست آزمسپارید " . (۳) در لوحی
 میفرمایند قوله الاعلی ۲۱ : " زبان برای گواه یزدان است آن را بیاد گمراهان میلانید " ۰
 نمونه ششم ، پرهیزید در لوحی نازل قوله الاعلی ۲۲ : " (ای بندگان) تن بی
 روان مرده است * و دل بی یاد یزدان پژمرده * پس بیاد دوست بیامیزید و از دشمن
 پرهیزید * دشمن شما چیزهای شما است که بخواهش خود آن را یافته اید و نگاه داشته
 اید و جان را بآن آلوده اید " .

ج ، **منع** از اقدام به عملی و یا در سرپروراندن فکری و تعقلی است که آنرا مجاز
 اعلان نفرموده اند و انسان از ارتکاب به آن عمل منع شده است . مانند ، منع در
 تاویل آیات الهی و منع در دخالت در امور سیاسیه و نقض عهد و میثاق و منع از سرپیچی
 از اوامر و دستورات محفل روحانی و نظایر آن که مرتکب مشمول مجازات دنیوی نیز میشود .
قسم چهارم : وجوب و حرمت در احکام :

نوع اول از قسم چهارم ، در وجوب به اجرای تکلیفی که انجام آن فریضه هر مومنی است
 . اجرای آن اداعت از حکم الهی است . در آن اجرا بنا بنصوص مبارکه حکمتهای بالغه
 الهی نهفته (مراجعه کنید به بند ۴ الی ۹ کتاب اقدس) و از عبادات است و دارای
 اجر معنوی است ولی ترک آن از معاصی است و در عالم خلق مجازات و قصاصی در آثار

موجود نیست . مانند حکم صلاة و حکم صوم .
نوع دوم از قسم چهارم ، در وجوب به اجرای تکلیفی است که انجام آن فریضه هر مومنی
است . اجرای آن اطاعت از امر الهی است . در آن اجرا بنا بنصوص مبارکه

ص ۲۴۸

حکمت‌های بالغه الهی نهفته و دارای اجر معنوی و سعادت در این عالم است و اطاعت از
آن رضای الهی است . و در عالم خلق مجازات و قصاصی در آثار موجود نیست و بنظر
میرسد که منوط به حکم و امریت العدل اعظم است . و انند وجوب اطاعت والدین .
نوع سوم از قسم چهارم ، در حرمت ارتکاب به حکمی است (از نواهی) که ارتکاب به
آن نهی شده و از معاصی است و در صورت عدم اطاعت ، مرتکب به آن مستوجب قصاص ، و
جریمه و حد است . مانند حکم زنا و قتل و غیره .

نوع چهارم از قسم چهارم ، در حرمت ارتکاب به حکمی است (از نواهی) که ارتکاب به
آن نهی شده و از معاصی است و در صورت عدم اطاعت برای مرتکب به آن مجازاتی در
الواح تصریح نشده و بنظر میرسد که مجازات قصور در اجرای آن با بیت العدل اعظم باشد .

نمونه هائی از بیانات مبارکه که با افعال امریه نازل گردیده

نمونه اول ۲۲۳ : " (موج چهارم) میفرماید یا معشر الاحباب ضعوا ما ینزلکم و
خذوا ما یرفعکم بهذا الاسم الذی به هاج عرف الله المقتدر المهیمن القیوم " .
نمونه دوم ۱۱ : (ای پسر تراب) کور شوتا جمالم بینی * و کر شوتا لحن و صوت
ملیحم را شنوی * و جاهل شوتا از علمم نصیب بری * و فقیر شوتا از بحر غنای
لایزالم قسمت بیزوال برداری " .
نمونه سوم در کلمات مکنونه عربی ۲۴ : " (یا ابن الإنسان) کُنْ لِي خَاضِعًا لِأَكُونَ لَكَ
مُتَوَاضِعًا، وَكُنْ لِأَمْرِي نَاصِرًا لِتَكُونَ فِي الْمُلْكِ مَنصُورًا " .

ص ۲۴۹

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف نام کتاب و مؤلف

۱ التعریفات ص ۲۹ ، تألیف السید علی بن محمد الجرجانی .

۲ لغتنامه دهخدا جلد ۱۴ ص ۹۷۸ .

- ۳ کشف اصطلاحات فنون تالیف تهانوی جلد ۲ ص ۱۲۵۵ .
- ۴ اصول دین ص ۲۰۷ ، تالیف عبدالقاهر بن طاهر التمیمی البغدادی
دارالکتب العلمیه ، بیروت ، لبنان .
- ۵ لغتنامه دهخدا جلد ۸ ص ۱۷۵ و ۱۷۶ .
- ۶ کشف اصطلاحات فنون تالیف تهانوی جلد ۱ ص ۶۸ و ۶۹ .
- ۷ لسان العرب جلد ۴ ص ۲۶ و ۲۷ - کشف اصطلاحات فنون تالیف تهانوی
جلد ۲ ص ۲۶ ، تالیف ابن منظور .
- ۸ لثالی حکمت جلد ثانی ص ۲۴۵ ، لوح شماره ۱۲۵ .
- ۹ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۱۱۱ .
- ۱۰ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۸۹ . چاپ مصر .
- ۱۱ مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر . ص ۳۷۵ .
- ۱۲ حیوة بهائی ص ۴۲ ، تالیف عنایت الله سهراب . موسسه ملی مطبوعات امری
۱۲۲ بدیع .
- ۱۳ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۲۵ ، چاپ مصر .
- ۱۴ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۲۵ . چاپ مصر .
- ۱۵ مائده آسمانی جلد ۹ ص ۱۵۲ . تالیف عبدالحمید اشراق خاوری .
- ۱۶ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۸ . چاپ مصر .
- ۱۷ ایام تسعه ص ۲۵۸ و لوح سوم در فصل پنجم) .

ص ۲۵۰

- ۱۸ ایام تسعه ص ۲۶۴ .
- ۱۹ گنجینه حدود و احکام ص ۱۰۵ .
- ۲۰ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶۵ . چاپ مصر .
- ۲۱ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۵۳ . چاپ مصر .
- ۲۲ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۵۲ . چاپ مصر .
- ۲۳ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۶۳ . چاپ مصر .
- ۲۴ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶ . چاپ مصر .

روش یازدهم

بیانات الهیه در معرفی مقامات ظهورین و ارتباط دو ظهور اعظم

بیانات الهیه در معرفی مقامات ظهورین و ارتباط دو ظهور اعظم در آثار و الواح اشارات و اعلانات صریح در باره مقام مبارک ، مقام حضرت رب اعلی و ارتباط و عظمت دو ظهور پیاپی ، بکثرت نازل شده است . این قبیل از آیات الهی سندی وثیق در حقانیت شارع و شریعت بهائی است . نمونه هائی از آثار مبارکه درج میگردد .

در معرفی مقام مبارک و ظهور جدید در سوره هیکل میفرمایند قوله الاعلی ۱ :

"قل لا یری فی ظهوری الا ظهور الله و لا فی قدرتی الا قدرة الله لو انتم من العارفين "

در معرفی مقام حضرت ربّ اعلی در لوحی از الواح صیام میفرمایند قوله الاعلی ۲ : " کَبِّرِ اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهِي عَلٰی مَظْهَرِ هُوِيَّتِكَ وَ مَطْلَعِ اَحَدِيَّتِكَ وَ مَعْدِنِ عِلْمِكَ وَ مَهْبِطِ وَحْيِكَ وَ مَخْزَنِ اِلْهَامِكَ وَ مَقَرِّ سُلْطَتِكَ وَ مَشْرِقِ اَلْوَهْيَتِكَ اَلنَّقْطَةِ الْاُولٰی وَ اَلطَّلَعَةِ الْاَعْلٰی وَ اَصْلِ الْقَدِيْمِ وَ مُحْيِي الْاَمَمِ " .

اعلان ظهور و تحقق بشارات و وعود الهی در ادیان قبل

بنظر نگارنده این طبقه از الواح مبارکه در مرتبتی استثنائی در میان آثار شارع امر است . زیرا بیانات مبارکه در اعلان ظهور جدید و نسخ شرایع و احکام قبل فتح باب جدیدی است در تاریخ ادیان . از نقطه نظری دیگر ، بیانات و خطابات مبارکه روشی بدیع در اعلان ظهور و تبلیغ و معرفی امر مبارک به اهل عالم است . که مخاطب با مخاطبین الواح بطور کلی کلیه آحاد و افراد جامعه بشری ، رؤسای ادیان ، اولیای امور و مقامات حکومتی و ملوک ارض را در بر میگیرد . سبک نگارش الواح در مقایسه با الواح نصحیه و نظایر آن بکلی متفاوت است و دارای هیمنه و لحن تحبیب و التفات آمیز برای مقربین و مقبلین و قهر آمیز توأم با اندازات شدید برای معرضین و معاندین دارد .

روش دیگری که میتوان این قبیل آثار اعلان ظهور را مطالعه و تحقیق نمود این است که عموماً ، اشاره به تعالیم روحانی است و جنبه کلی دارد و در مقابل جنبه خبری آن

بشدت قوی ، مهیمن و در کمال بلاغت و فصاحت اعلان ظهور گردیده است . یک نمونه

ص ۲۵۳

از این قبیل الواح مبارکه ، لوح اقدس است که در آن اعلان و خبر ظهور ، تحقق وعود الهیه . تنبیه و هشدار به مسیحیان (ملأ ابن) و مسائلی از این قبیل در آن نازل گردیده است . اینک بطور اختصار میپردازد به طبقه بندی مسائل مندرجه در لوح مبارک اقدس قوله تعالی ۳ :

- ۱ - در بیان اینکه آنچه در لوح ذکر شده وحی و انزال از سوی خداوند است : " هذا اللّوح الاقدس نزل من الملكوت المقدس لمن اقبل الى قبلة العالم الذي اتى من سماء
- ۲ - در اشاره به فتح ابواب ملکوت : " قل انا فتحنا لكم ابواب الملكوت " .
- ۳ - اعلان ظهور جدید و اشاره به ظهور ثانی مسیح : " قل انه اتى من السماء كما اتى منها اول مرّة " .
- ۴ - اعلان ورود مظهر کلی الهی به اراضی مقدسه و سرزمین موعود : " قد اتصل نهر الاردن بالبحر الاعظم والابن فى الوادى المقدس ينادى لبك و الطور يطوف حول البيت و الشجر ينادى قد اتى المقصود بمجده المنيع " . (برای مزید اطلاع و تبیین حضرت عبدالبهاء در باره اتصال نهر اردن به بحر اعظم مراجعه فرمائید به مائده آسمانی جلد چهارم) .

۱ " و عند ما يعود ابن الانسان فى مجده و معه جميع ملائكته " انجيل متى باب ۲۵ ، شماره ۳۱ .
" و عندئذ تظهر آية ابن الانسان فى السماء . فتتجلب قبائل الارض كلها ، و يرون ابن الانسان آتياً على سحب السماء بقدرة و مجد عظيم " انجيل متى باب ۲۴ شماره ۳۰ .

ص ۲۵۴

- ۵ - در اشاره به آمدن پدر آسمانی ۱ : " قل قد جاء الاب و كمل ما وعدتم به فى ملكوت الله " .
- ۶ - بنظر میرسد که بیان مبارک در اشاره به صدای فریاد رس شخص قبطی از حضرت موسی در قرآن مجید ۲ سوره قصص آیه ۱۷ و نیز اشاره به عقوبت ناس در روز بازپسین در سوره فاطر ۲ . " قل اما سمعتم صوت الصارخ الذى كان ينادى فى برية البیان و

بیشترکم بریکم الرحمن " . در انتهای لوح نیز اشاراتی است به مندرجات انجیل و اخبار و وعده یوم الله ۴ .

در این قسمت به چند نمونه از انواع بیان اکتفا گردید زیرا مقصود تحقیق و شناخت نوع بیان و پیغام الهی است و تحقیق در کلیه مسائل مندرجه در لوح مبارک نیست .

در معرفی مقام حضرت عبدالبهاء غصن الله الاعظم

بیانات قلم اعلی در معرفی حضرت عبدالبهاء از چنان هیمنه و اهمیتی برخوردار است که تحقیق در آنها مستلزم به توجیحات و بیانات تبیینی است و در عقل و تصور این حقیر نگنجد . به دو نمونه از بیانات الهی در سوره غصن اکتفاء و برای تحقیق بیشتر و درک آن مقام عظیم الشان که در آثار به سر الله ملقب گردیده است میباید به

۱ - انجیل متی باب ۲۳ شماره ۳۹ "فَإِنِّي أَقُولُ لَكُمْ إِنَّكُمْ لَن تَرَوْنِي مِنَ الْآنَ ، حَتَّى تَقُولُوا : مُبَارَكُ الْآتِي بِأَسْمِ الرَّبِّ ! " و رساله دوم پطرس باب ۳ شماره ۱۲ " مُنْتَظِرِينَ ((يَوْمَ اللَّهِ)) الْأَبَدِيَّ " - ۲ . سوره قصص آیه ۲۸/۱۷ فَاصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ " - ۳ . سوره فاطر ۳۴ : ۳۵ " وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا " . (تحقیق در ارتباط بیان مبارک با آیات مذکوره در قرآن تا حدودی دشوار و بنظر میرسد که چون آیات نازله در این لوح ، اشاره به وعود در کتب آسمانی است . شاید مقصود از صوت صارخ ، فریاد رسی رب الجنود در یوم الله باشد " إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ " (سوره فاطر آیه ۲۸) . ۴ - انجیل متی باب ۵ شماره ۸ : " فَإِنَّهُمْ سَيَرَوْنَ اللَّهَ " .

ص ۲۵۵

بیانات و تبیینات حضرت ولی امرالله جل سلطانه در توقیع دوربھائی مراجعه نمود . دو فقره از بیانات حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی در سوره غصن و در لوحی دیگر زیب این قسمت میگردد .

اول ۴ : " قل قد انشعب بحر القدم من هذا البحر الاعظم فطوبى لمن استقر في شاطئه ويكون من المستقرين وقد انشعب من سدره المنتهى هذا الهيكل المقدس الابهى غصن القدس فهنيئا لمن استظل في ظله وكان من الراquدين " .

دوم ۵ : " انا جعلناك حرزا للعالمين و حفظا لمن في السموات و الارضين و حصنا لمن آمن بالله الفرد الخبير " .

در ارتباط دو ظهور اعظم

بیانات الهی در ارتباط دو ظهور در الواح مبارکه بسیار است و در این قسمت به دو

بیان مبارک در سوره هیکل و کتاب بدیع و بیان مبارک حضرت اعلی در کتاب مستطاب
بیان اکتفا میگردد :

نمونه اول ، در سوره هیکل میفرمایند قوله الاعلی ۶ : " الذی ظهر مرة بعد اولی باسمه الابهی " .
نمونه دوم ، در کتاب بدیع با جملات و عباراتی بدیع ارتباط معنوی هیکل اقدس با
حضرت نقطه اولی جل اسمہ الاعلی را به اهل بیان اعلان میدارند قوله جل بیانه و عز
کبریائه ۷ : " یا قوم انه روحی و انا روحه و لم یزل کان مشیتی مشيته لا تفرقوا
بینی و بینہ و کَلَّمَا یظهر من عنده لکان محبوب قلبی و فوادی لو انتم من الموحدين
این بدایع کلمات الهی که از سحاب فیض رحمت رحمانی نازل شده این عبد ذکر نموده که
شاید عباد غافلین بشعور آیند و قیاس بنفس نمایند و آنقدر مشعر شوند که معرضین
از این آیات بدع ربانی معارض و محارب با حق بوده و خواهند بود " .

ص ۲۵۶

نمونه سوم در بیان فارسی میفرمایند قوله الاعلی ۸ : " بعد از غروب این شمس غیر
از من یظهره الله مقتدر بر این نحو ظهور از ظهور الله نیست " .
منابع و مآخذ مطالعه در الواح و آثار مبارکه برای تحقیق در ارتباط دو ظهور اعظم
اول ، آثار قلم اعلی : (۱) مجموعه اقتدارات ص ۸۲ و ۸۸ و ۱۰۸ و ۱۳۵ . (۲) آثار
قلم اعلی ج ۴ : سورة الدم ص ۱۱ - لوح رضوان الاقرار ص ۴۳ الی ۴۶ و سورة الاصحاب
ص ۲۱۸ و ۲۲۳ - لوح وفا ص ۴۱۹ - سورة البیان ص ۳۹۶ . (۳) لوح صیام ص ۴۸ و ۵۵ و ۵۶
(رساله تسبیح و تهلیل لوح ششم صیام) . (۴) لوح نصیر (مجموعه الواح مبارکه چاپ
مصر ص ۱۷۲) .
دوم ، در آثار حضرت ربّ اعلی جل ذکره : کتاب مستطاب بیان فارسی : الباب التاسع و
العشر من الواحد ثانی .
سوم : آثار حضرت عبدالبهاء : مکاتیب ج ۲ ص ۲۹۰ .
چهارم : آثار حضرت ولی امرالله : توقيع دور بهائی (ترجمه) ص ۲ و اصل توقيع
بزبان انگلیسی ص ۵ طبع محفل ملّی امریکا .

ص ۲۵۷

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف نام کتاب و مؤلف

- ۱ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۲۸ .
- ۲ رساله تسبیح و تهلیل لوح ششم از الواح صیام ص ۵۵ و ۵۶ . تالیف فاضل جلیل القدر عبدالحمید اشراق خاوری . لجنة نشر معارف امری سنه ۱۰۵ بدیع
- ۳ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۳۸ الی ۱۴۰ .
- ۴ ایام تسعه ص ۳۶۱ . تالیف فاضل جلیل القدر عبدالحمید اشراق خاوری . نشر سوم - ۱۲۱ بدیع - مؤسسه ملی مطبوعات امری .
- ۵ دور بهائی (ترجمه) ص ۶۱ . نشر سوم - لانگه‌این - آلمان غربی ۱۴۴ بدیع
- ۶ آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۰ .
- ۷ کتاب بدیع ص ۱۳۲ .
- ۸ کتاب مستطاب بیان فارسی . باب الاول من الواحد الرابع .

ص ۲۵۸

روش دوازدهم

اصطلاحات عرفانی در آثار مبارکه

ص ۲۵۹

اصطلاحات عرفانی در آثار مبارکه

الفاظ و اصطلاحات عرفانی در الواح مبارکه بکثرت بکار رفته و مطالعه مقدماتی در این قبیل آثار نشان می‌دهد که در مواضع اعلان ظهور امر مبارک ، بیان حقایق مجرده ، رموز و دقایق اسرار الهی - در مسئله توحید و معرفت حق نازل گردیده است . آثار در دسترس و طبع شده که در آنها این قبیل الفاظ و اصطلاحات بکثرت بکار رفته است عبارتند از : هفت وادی ، چهار وادی ، قصیده عز ورفائیه ، لوح سلمان ، مثنوی مبارک ، قصیده رشح عما ، ساقی از غیب بقا - قصائد و غزلیات مبارکه و نیز در متون الواح مبارکه در ضمن بیانات نصیحیه بکثرت میتوان ملاحظه نمود - شناخت این قبیل از بیانات الهی مستلزم مطالعه سایر الواح مبارکه و نیز الواح تبیینی است تا در مراجعه به فرهنگ ها و لغتنامه هائی که معانی و مقصود از این قبیل الفاظ و

اصطلاحات عرفانی که در خارج از معارف امر درج شده است ، شاخص و مبنای اخذ معنی لفظ و اصطلاح به تنهایی قرار نگیرد - بررسی الواح نازله بوضوح نشان میدهد که الواح سماوی درس زهد ، صوفیگری و عرفان (به آن مفهوم که در کتب اهل تصوف و عرفان بلسان های فارسی و عربی از ابتدای تولد و رشد و نمو آن از بدو معارف اسلامی) تعلیم نمیدهد . که آن بنا به شهادت کتب و مسلک های تصوف عرفانی موجوده افزوده شدن به قشرهای سایر مذاهب و فرق در اسلام است . بیانات مبارکه جمال کبریائی در الواح سلمان ، هفت وادی و نصیر ، محقق را در اینخصوص هدایت کامل مینماید قوله الاعلیٰ ۱ : " ای سلمان * آنچه عرفا ذکر نموده اند جمیع در رتبه خلق بوده و خواهد بود چه که نفوس عالیه و افتده مجرده هر قدر در سماء علم و عرفان طیران نمایند از رتبه ممکن و ما خلق فی انفسهم بانفسهم تجاوز نتوانند نمود * کل العرفان من کل عارف و کل الاذکار من کل ذاکر و کل الاوصاف من کل واصف یتتهی الی ما خلق فی نفسه من تجلی ربه * و هر نفسی فی الجملة تفکر نماید خود تصدیق مینماید باینکه از برای

ص ۲۶۰

خلق تجاوز از حد خود ممکن نه و کلّ امثله و عرفان از اول لا اول بخلق او که از مشیت امکانیه بنفسه لنفسه لا من شیء خلق راجع * فسبحان الله من ان یُعَرِّع عرفان احدا و ان یرجع الیه امثال نفس * لم یکن بینہ و بین خلقه لا من نسبة و لا من ربط و لا من جهة و اشارة و دلالة و قد خلق الممكنات بمشیتہ الّتی احاطت العالمین * حق لم یزل در علو سلطان ارتفاع وحدت خود مقدس از عرفان ممکنات بوده و لا یزال بسمو امتناع ملوک رفعت خود منزّه از ادراک موجودات خواهد بود * جمیع من فی الارض و السماء بکلمه او خلق شده اند و از عدم بحث بعرضه وجود آمده اند چگونه میشود مخلوقیکه از کلمه خلق شده بذات قدم ارتقاء نماید * " . در هفت وادی ، حلول و یا تنزیل حق را بکلی مردود اعلام میفرمایند قوله الاعلیٰ ۲ : " و دیگر آنکه مباد در این بیانات رایحه حلول و یا تنزلات عوالم حق در مراتب خلق رود و بر آنجناب شبهه شود زیرا که بذاته مقدس است از صعود و نزول و از دخول و خروج " . و در لوح نصیر در باره زهد و زاهد نازل قوله الاعلیٰ ۳ : " زینهار بمظاهر اسماء و هیاکلیکه خود را بعمایم ظاهریّه و البسۀ زهدیه می آریند از حق ممنوع مشو و غافل مباش الیم

ملکوت اسماء در حول شجره امر طائف و بحر فی مخلوق * و دیگر آنکه زهدیکه محبوب حق بوده آن اقبال بحق و اعراض از ماسواه بوده و خواهد بود نه مثل این عباد که از حق غافل و بدون او مشغول شده مسرورند و اسم آن را زهد گذارده اند .

نمونه هائی از اصطلاحات و بیانات عرفانی در الواح

(۱) در لوحی در توصیف خداوند و اراده الهی میفرمایند قوله تعالی ۳ " تموجات ابحر اسمیه از اراده اش ظاهر " . و نیز در همان لوح میفرمایند : " ظهورات یمایم صفتیه از امرش باهر " . در شرح بیانات مبارکه فوق میفرمایند ۴ : " عرفان موجودات و وصف ممکنات از اول لا اول الی آخر لا آخر راجع به اینمقام بوده و احدی را از این مقام بلند اعلی که مقام عرفان و لقای آن شمس احدیت و آفتاب حقیقت است تجاوز و ارتقاء

ص ۲۶۱

ممکن نه . * چه که وصول بغیب لایدرک بالبدیهه محال و ممتنع بوده * پس تموجات آن بحر باطن در ظاهر اینظهور سبحانی مشهود " .

(۲) **غُرَاب** ۵ : بمعنی زاغ و در اصطلاح سالکان رمزی از دوری و سیاهی است .

در هفت وادی میفرمایند ۶ : " و این طایر هوای الهی را غراب کین در کمین " .

(۳) **سیر آفاق و آنفس** : اشاره به آیه ۴۱/۵۳ سوره فصلت " **سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...** " .

میفرمایند قوله تعالی ۷ : " کل اشیاء در مقامی آیات الهی بوده و خواهند بود علی قدر مراتبها در مقام تجلی سلطان مجلی در ملکوت اسماء و صفات از برای کل اثبات آیتیت میشود در این صورت غیر آیات چیزی مشهود نه " .

(۴) **ازل ازال** ۵ : عبارت از بقاء وجود است مطلقا و آن مسبوق به عدم نیست و افتتاح آن از عدم نی .

(۵) **ایمان ثابته** ۵ و ۸ : (جمع عین) که در اصطلاح عرفا صور علمیه و در اصطلاح

حکما ماهیات است - برای مزید اطلاع به شرح کنت کنز از یراعه مرکز میثاق در مکاتیب جلد ۲ صفحه ۱۰ مراجعه فرمائید .

(۶) **افتادگی** ۵ : ظهور حالت و عدم قدرت بر عبودیت .

(۷) **ایقان** ۵ : علم به شیء بواسطه استدلال .

(۸) **باران** ه : کنایه از فیض حق و رحمت شامله اوست که از عالم غیب بر ممکنات فایض گردد.

(۹) **بحر عطا** ه : فیض دائم حق .

(۱۰) **سرگشته** ه : حیران و شیفته بارگاه عظمت الهی .

(۱۱) **سمندر** ه : مرغ آتشخوار : سمندر رمزی است از عشق آتشین و شورانگیز که عاشق در راه وصل بدان میسوزد .

ص ۲۶۲

در لوحی از حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۹ : " ای سمندر نار موقده در سدره سینا " .

(۱۲) **قفس** ه : تن آدمی ، نفس اماره و دنیا .

(۱۳) **گلخن** ه : نفس اماره و دنیا و تن آدمی .

(۱۴) **فیض اقدس** ه : تجلی حق به حسب اولیت ذات و باطنیت اوست ، که همواره به واسطه فیض مقدس که تجلی به حسب ظاهریّت و آخریت حق ، و قابلیت اعیان است ، به اعیان و اسماء واصل شود .

(۱۵) **فیض مقدس** ه : فیض مقدس مترتب بر فیض اقدس است . زیرا به واسطه فیض اقدس ،

اعیان ثابته و استعدادهای اصلی آنها در عالم علم تحصیل می آید ، از فیض مقدس تعبیر به نفس رحمانی وجود منبسط هم شده است . بالجمله مرتبه تجلیات اسماء که موجب ظهور و بروز مقتضیات اعیان در خارج است . فیض نامیده اند به عبارت دیگر فیض مقدس عبارت از تجلی وجودی است که موجب ظهور " ما یقتضیه تلک الاستعدادات " در خارج می شود و منزّه از شوائب کثرت آسمانی است .

(۱۶) **فنا** ه : نیستی ، محو شدن ، در اصطلاح یعنی فنای بنده در حق .

(۱۷) **دقیقه** ه : به معنای سر دقیق است که هر کس بر آن آگاه نشود .

(۱۸) **عَنْقَاء** ه : مرغ افسانه ای ، انسان کامل را نیز عنقا گویند که یافت ناشدنی است . اشاره بی نشانی صرف نیز هست .

در بیانات مبارکه بوضوح ملاحظه می شود که بعد از ظهور مظهر الهی بدنبال مسلک عارفان و صوفیگری رفتن و حق را از آن طریق (عقاید وحدت وجود و نظایر آن) شناختن در نزد حق مردود است . و مجاهده و اشتغال به این قبیل امور انسان را از

عرفان شمس حقیقت و جوهر علم (علم الهی) محروم نماید و در لوح سلمان تاکید میفرماید که ۱۰ : " الیوم بحور معانی بکینونتها و اصلها ظاهر شده دیگر احتیاج

ص ۲۶۳

بکلمات قبل نبوده و نیست " " معارف قبل را بقبل بگذار " . در لوح سلمان در اینخصوص اشاراتی است بغایت صریح و روشن . در این لوح امنع میفرماید ۱۱ : "یاری جمیع اشیاء را مظاهر تجلی ذاتی حق میدانند * و تجلی را هم سه قسم ذکر نموده اند * ذاتی و صفاتی و فعلی * و قیام اشیاء را بحق قیام ظهوری دانسته اند * و اگر این مطالب بتمامها ذکر شود سامعین را بشانی کسالت اخذ نماید که از عرفان جوهر علم محروم مانند * و همچنین بکون اعیان ثابت در ذات قائل شده اند * چنانکه یکی از حکمای عارف گفته ((حقائقُ الاشياء کائنة فی ذاته تعالیٰ بنحو أشرف ثم أفاضها)) چه که معطی شی را فاقد شی ندانسته اند و میگویند محال است * چنانچه ابن عرب در این مطلب شرحی مبسوط نوشته * و حکمای عارفین و متاخرین بمثل صدر شیرازی و فیض و امثالها در رضراض ساقیه ابن عرب مشی نموده اند * فطوبی لمن یمشی علی کتیب الاحمر فی شاطئ هذا البحر الذی بموج من أمواجه مَحِیَّتِ الصُّورُ و الأشباح عَمَّا توهّموه القوم * فیا حبذا لمن عَرَى نفسه عن کلّ الاشارات و الدلالات و سَبَحَ فی هذا البحر و غمراته و وصل بحیتان المعانی و لئالی حِکمه التي خلقت فيه * فنعیما للفائزین * و هر نفسیکه معتقد بر بیانات عرفا بوده و در آن مسلک سالک شده موسی و فرعون هر دو را از مظاهر حق دانسته * منتهی آنست که اول را مظهر اسم هادی و عزیز و امثال آن * و ثانیرا مظهر اسم مُضِلّ و مُدِلّ و امثال آن * و لذا حکم جدال ما بین این دو محقق * و بعد از خلع تعینات بشریه هر دو را واحد دانسته اند چنانچه در اصل جمیع اشیاء را واحد میدانند * و مجمل آن از قبل ذکر شد * این مطالب قوم که بعضی از آن مجملا بیان شد و لکن * ای سلمان قلم رحمن میفرماید * الیوم مثبت و محقق این بیانات و مُبْطَل آن در یکدرجه واقف چه که شمس حقیقت بنفسها مشرق و از افق سماء لایزال لایح است * و هر نفسیکه بذکر این بیانات مشغول شود البته از عرفان جمال رحمن محروم ماند " .

ص ۲۶۴

توجیه : از بیانات مبارکه استنباط میشود که راه حصول معرفت خدا انحصارا از طریق عرفان به مظهر الهی در هر دوره و اقبال به شریعت و عمل به احکام الهیست . و این بیانات مبارکه محلی برای راههای فرعی و انشعابی برای افراد باقی نمیگذارد . و آیات نازله در کتاب مستطاب اقدس در طرق حصول عرفان خداوند و نیز تجلی اول و تجلی دوم در لوح مقدس تجلیات آنچه که لازمه حصول به معرفت حق است برای ابناء انسان فراهم آورده است و هنیئا للمقبلین .

ص ۲۶۵

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف	نام کتاب و مؤلف
۱	مجموعه الواح مبارکه ص ۱۴۲ . چاپ مصر .
۲	آثار قلم اعلیٰ جلد ۳ ص ۱۱۴ .
۳	مجموعه الواح مبارکه ص ۲۸۹ . چاپ مصر .
۴	مجموعه الواح مبارکه ص ۳۱۲ . چاپ مصر .
۵	فرهنگر اصطلاحات و تعبیرات عرفانی ، تالیف دکتر سید جعفر سجادی کتابخانه ظهوری .
۶	هفت وادی ، آثار قلم اعلیٰ جلد ۳ ص ۱۳۵ .
۷	منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله لوح شماره ۹۲ ص ۱۲۲ .
۸	فرهنگ علوم عقلی . تالیف دکتر سید جعفر سجادی . کتابخانه ظهوری .
۹	منتخباتی از مکاتیب عبدالبهاء ص ۲۴۳ الی ۲۴۴ .
۱۰	مجموعه الواح مبارکه ص ۱۳۸ و ۱۴۳ . چاپ مصر .
۱۱	مجموعه الواح مبارکه ص ۱۴۰ . چاپ مصر .

ص ۲۶۶

روش سیزدهم

ذکر مقامات انبیاء و اولیاء و

معروضین در ظهورات قبل

ذکر مقامات انبیاء و اولیاء و معرضین در ظهورات قبل

در آثار مبارکه ذکر انبیاء ، ائمه اطهار و اولیاء و اصحاب اولیه مظاهر قبل در ادیان سلف بکثرت آمده است . در تحقیقات مقدماتی ، بنظر میرسد که ذکر آنان در مسائل متعدد و مواردی که شرح حال آنان بصورت اسناد تاریخی که مقبول عامه است (برای هر قوم و امتی از مقبولات آن قوم کلام حق نازل شده است) برای آگاهی اذهان و قبول به آنچه مظهر الهی بیان فرموده ، در الواح ذکر شده است . نمونه هائی از این قبیل الواح مبارکه با علت ذکر اشخاص آورده میشود :

در بیان اینکه در انسان دو جهت الهی و نفسانی وجود دارد و نام بردن بعضی از نفوس در ادیان قبل

الواح نازله در ارتباط با این موضوع فراوان است و برای آگاه نمودن عباد ، حق به ذکر حقایق تاریخی و نمونه هائی از این دو جنبه و کیفیات نفسانی در انسان پرداخته است . در لوحی اشارتی است به این مسئله و ذکر علل آن .

(۱) امام جعفر صادق ع ، اسمعیل و موسی و فرزندان امام صادق ع : در لوحی شرح این مطلب را با نقل احوال حضرت اسمعیل فرزند ذکور حضرت صادق ع امام ششم را فرموده اند که چگونه پس از اینکه به مقام وصایت و امانت برگزیده شد ، بعد او را حضرت صادق عزل فرمود . اینست بیان مبارک قوله الاعلی ۱ : " دو جهت در انسان موجود است جهتی الی الله و جهتی الی نفسه وقتیکه لحاظ عنایت بجهت اول ناظر ذکر مینماید در باره او آنچه را که فوق آن در عالم خلق موجود نه یا عندلیب علیک بهائی بگو در حضرت اسمعیل ابن حضرت صادق ع چه میگوئی این همان اسمعیل است که حضرات اسمعیلیه باو متمسک و متشبثند انحضرت او را امام و وصی فرمود و حکم در اینفقره ثابت بعد عزلش نمودند " . و نیز در کتاب بدیع نیز ذکر انتصاب و عزل اسمعیل بن صادق گردیده است قوله جل و عز ۲ : " در اسمعیل بن حضرت صادق چه

میگوئی بعد از آنکه بجمیع ولایات نوشته که او بعد از من امام است و پیشوای خلق

بعد از مدتی اموری از او ظاهر شد و حضرت او را عزل فرمودند که مخصوص زراره و بعضی از اصحاب عرض کردند یا ابن رسول الله این امر بزرگی است چگونه میشود شخصی امام خلق باشد و حق و بعد باطل شود حضرت ذکر بدا فرمود برو و روایت کلینی را بین " .

ماخذ اسلامی بیان مبارک در معارف شیعه ۳ : احادیثی که در ابتدا حضرت صادق اسمعیل را جانشین و بعد عزل نمود در کتب معتبره شیعه نقل گردیده و نقل کلیه آن اخبار و احادیث و جانشینی امام موسی کاظم خارج از موضوع و حوصله این ساله است .

برای نمونه بنقل چند حدیث اکتفا میگردد . (۱) در کتاب التوحید شیخ صدوق " باب البداء " حدیثی از حضرت امام صادق روایت شده ۳ : " و من ذلك قول الصادق عليه السلام : ما بدا لله بداء كما بدا له في اسماعيل إبنی " . (۲) در بحار الانوار مرحوم مجلسی ، کتاب التوحید جلد ۴ " باب البداء و النسخ " از قول امام صادق علیه السلام چند حدیث نقل گردیده ۴ : حدیث شماره ۶۹ : " و من کتاب المذکور (کتاب زید النرسی) عن عبيد بن زرقا ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : ما بدا لله بداء اعظم من بداء بدا له في اسماعيل إبنی " - در ذیل حدیث شماره ۷ ص ۱۲۳ (بسط کلام لرفع شکوک و اوهام) : " فی روایة رووها عن جعفر الصادق عليه السلام انه جعل اسماعيل القائم مقامه بعده فظهر من اسماعيل ما لم يرتضه منه فجعل القائم مقامه موسى عليه السلام فسئل عن ذلك فقال : بدا لله في اسماعيل " . (۳) در بحار الانوار مرحوم مجلسی در کتاب تاریخ امام جعفر صادق علیه السلام در باب " احوال ازواجه و اولاده " و " باب مکارم اخلاق ابيه " رفتار و سلوک اسماعیل نقل شده است مراجعه فرمائید . (۴) در کتاب توضیح الملل (ترجمه ملل و نحل شهرستانی) در باره تصریح امامت به اسماعیل در فصل " اسماعیلیه " نوشته شده ۶ : زیرا که در اول امام جعفر صادق رضی الله عنه - " امامت " را باو (که پسر بزرگتر بود) تصریح فرمود .

ص ۲۶۹

بنظر میرسد نام اسمعیل برای این ذکر شده است که وصایت بظاهر یحیی مشابه وصی قرار گرفتن اسمعیل پسر حضرت صادق بود که اراده الهی بآن تعلق نگرفت و بدا حاصل شد .

(۲) عایشه زوجه حضرت رسول اکرم ص در لوحی در باره زوجه حضرت رسول اکرم (عایشه) که در زمان حیات حضرت رسول الله مورد عنایت و احترام کلیه مسلمین بود و بعد از اینکه به مخالفت با حضرت علی علیه السلام برخاست مورد لعن و شماتت طرفداران

حضرت علی علیه السلام و شیعیان قرار گرفت . در لوحی میفرمایند قوله الاعلیٰ ۷ :
 "در باره حرم رسول الله تفکر نمایند آنحضرت روح ماسویه فداه فرموده کلمینی یا
 حمیراء کلمی و اینکلمه علیا که از مشرق فم اراده مولی الوری جاری برکمال عنایت
 و شفقت حضرت حاکمست و حال حزب شیعه میگویند در باره اش آنچه را که کل میدانند
 آیا آن قبول را سبب چه و این رد حزب شیعه را علت چه یکی از مطارنه انطاکیه گفته
 نفسیکه در انتها مردود میشد در ابتدا رسول شما چرا او را قبول فرمود و محرم فراش نمود " .
 ماخذ اسلامی بیان مبارک و نظرات و اعتقادات مذاهب سنی و شیعه نسبت به مقام و
 منزلت عایشه زوجه حضرت رسول اکرم

الف ، در نزد اهل سنت و جماعت در کتب معتبره احادیث نبوی (کتب سته) در فضائل و
 مناقب عایشه در نزد اهل تسنن به " ام المؤمنین " معروف و احادیث بسیاری ثبت
 شده است . در صحیح مسلم ، کتاب الفضائل در باب فضائل عایشه از قول حضرت رسول
 اکرم نقل شده ۸ : عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ
 فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ"
 در کتب معتبره اهل سنت و جماعت عایشه مقامی بلند و قابل تکریم دارد و او را
 عایشه رضی الله نام میبرند و احادیث مروی از پیغمبر اکرم که راوی عایشه است

ص ۲۷۰

بیشمار و از احادیث بسیار معتبر است و آنچه از او در کتب سته از قبیل صحیح بخاری
 ، صحیح مسلم ، سنن ابی داود و غیره روایت شده در میان مسلمین اهل سنت و جماعت از
 اعتبار و استحکامی زیاد برخوردار و مورد استفاده برای شرح مسائل و تنظیم اصول و
 فقه مذهب سنی قرار گرفته است . برای مزید اطلاع قسمتی از مندرجات تاریخ حبیب
 السیر در باره عایشه درج میگردد ۹ : عایشه رضی الله عنها باتفاق علما از جمله
 مفتیان صحابه بود و بمزید عقل و فطانت از سایر امهات مؤمنین امتیاز تمام داشت و
 بعضی از فضلا رضی الله عنهم روایت نموده اند که رسول صلی الله علیه و سلم در
 شأن وی فرمود که (خذوا ثلثی دینکم عن هذه الحمیراء) لاجرم جمعی کثیر از صحابه
 و تابعین از صدیقه حدیث روایت نموده اند و از عروة بن الزبیر رضی الله عنها
 مرویست که گفت من ندیدم هیچ احدی را بمعانی قرآن و فریضه و احکام حلال و حرام و

شعر عرب و علم نسب اعلم از عایشه رضی الله عنها ... از حضرت رسالت مآب پرسیدند که دوست ترین آدمیان نزد تو کیست فرمود که عایشه " .

ب ، در مذاهب امامیه : عایشه زوجه حضرت رسول ص در میان شیعه بعثت مخالفتهايش با خلافت حضرت علی علیه السلام به نیکویی نام برده نشده است . برای نمونه میتوان به مندرجات حیات القلوب جلد ۲ و بحار الانوار " کتاب تاریخ نبینا و احواله باب احوال عایشه و حفصه که هر دو از تالیفات مرحوم محمد باقر مجلسی است مراجعه نمود . قسمتی از کتاب حیات القلوب در بیان احوالات عایشه و حفصه (زنان حضرت رسول اکرم) به این شرح است . ۱ : ابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است سه کس بودند که بر حضرت رسول ص دروغ بسیار می بستند ابوهریره و انس بن مالک و عایشه . و ابن بابویه و برقی بسند معتبر از امام محمد باقر ع روایت کرده اند که چون حضرت قائم آل محمد ع ظاهر شود عایشه را زنده گردانند تا آنکه او را حد بزند و تا اینکه انتقام بکشد برای حضرت فاطمه ع ... (برای مزید اطلاع مراجعه

ص ۲۷۱

کنید به حوادث و تاریخ جنگ جمل میان حضرت علی و گروه عایشه و طلحه و زبیر به تاریخ حضرت علی ع در بحار الانوار) .

(۲) **طعیمه** در لوحی در باره عاقبت حال و مآل یکی از مؤمنین دوره حضرت رسول اکرم که در ابتدا مورد عنایت و مرحمت حضرت رسول اکرم بود و بعد مورد غضب الهی قرار گرفت اشاراتی میفرمایند قوله جلّ بیانه ۱۱ : " یکی از اجله انصار که موسوم بطعیمه بود بعد از طلوع نیر حجاز از افق یثرب آنچه داشته با مهاجرین مساوات نموده و بعد مع کمال تقرب ظاهر شد از او آنچه که عین حقیقت گریست بعد از ظهور عمل مردود یهود اجتماع نمود و حضرت متفکر و متحیر چه که در اول امر چنین امور سبب اضطراب و انقلاب عباد است در آن حین جبرئیل نازل و این آیه را تلاوت نمود **إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِثِينَ خَصِيمًا** " . (سوره نساء آیه ۱۰۵/۴)

ماخذ اسلامی طعیمه ۱۲ : علت نزول آیه شریفه فوق در کتب تفسیر قرآن به تفصیل شرح داده شده است . برای اختصار قسمتهائی از تفسیر ابوالفتح رازی را که در باره طعیمه و علت نزول آیه نوشته شده است درج مینماید : کلبی روایت کرد از ابو صالح از عبدالله عباس که گفت این آیت در مردی انصاری آمد نام او طعیمه بن ابیرق که

درعی بدزدیده بود از همسایه که او را قناده بن النعمان گفتند " .

(۴) **هاروت و ماروت** در لوح سلمان ذکر هاروت و ماروت گشته که در اول مقرب درگاه الهی بودند و بعد بمعارضه با حق پرداختند و از مقامات داده شده خلع گردیدند ، اینست بیان مبارک قوله الاعلیٰ ۱۳ : " ای سلمان ... ملاحظه در هاروت و ماروت نما که دو عبد مقرب الهی بودند از غایت تقدیس بملک موسوم گشتند باراده محیطه از عدم بوجود آمدند و در ملکوت سموات و ارض ذکرشان مذکور و آثارشان مشهور * و بشانی عندالله مقرب بودند که لسان عظمت بذکرشان ناطق بود تا بمقامی

ص ۲۷۲

رسیدند که خود را اتقی و اعلیٰ و ازهد از کل عباد مشاهده نمودند * بعد نسیمی از شطرا متحان وزید و باسفل نیران راجع شدند * و تفصیل این دو ملک آنچه مابین ناس مذکور است اکثری کذب و از شاطی صدق بعید است * و عندنا علم کل شیء فی الواح عزّ محفوظ * و معذک احدی بر حق اعتراض ننموده از امم آن عصر که حق جل کبریاؤه بعد از بلوغ این دو ملک بمقامات قدس قرب چرا این مقامرا اخذ فرمود " .
بنظر میرسد بیانات مبارکه ، اشاره باعراض و نکث و شکستن عهد و میثاق حضرت اعلیٰ توسط میرزا یحیی ازل است که چگونه بعد از اعراضش از مقام ظاهری که به او عنایت شده بود محروم و مورد غضب الهی قرار گرفت . برای تفصیل بیشتر به اصل لوح سلمان و تبیینات حضرت عبدالبهاء و نیز بیانات حضرت ولی امرالله در لوح قرن و گادپاسز بای مراجعه فرمائید .

هاروت و ماروت در معارف اسلامی

الف ، در قرآن کریم سوره بقره آیه ۲/۱۰۲ قوله تعالی : **"وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ "** .
ماروت ، لغتنامه دهخدا ۱۴ : فرشته ایست نگونسار در چاه بابل . (ترجمان القرآن)
. نام فرشته . نام فرشته که رفیق هاروت باشد .

هاروت ، لغتنامه دهخدا ۱۵ : نام یکی از آن دو فرشته است که در چاه بابل سرازیر آویخته بعذاب الهی گرفتارند اگر کسی بر سر آن چاه بطلب جادوی رود او را تعلیم

دهند . آقای دکتر محمد معین نوشته اند : یکی از داستانهای معمول ادبیات سامی داستان هاروت و ماروت است که از قصص بسیار کهن میباشد دو کلمه نامبرده در

ص ۲۷۳

السنه سامی ، نام دو فرشته محسوب میشده است و شگفت انگیز آنستکه همین دو نام را در ادبیات اوستائی نیز مشاهده میکنیم که به شکل دو واژه " هنرورات " (بمعنی کمال و رسائی) و " امرتات " (بمعنی جاودانی) آمده است .
برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به داستان به اختصار آن در لغتنامه دهخدا و نیز به کتب تفسیر مذاهب سنی و شیعه .

جمال کبریائی در بیانات مبارکه توضیح و اطلاعات مورد لزوم و علت ذکر این دو شخص را بیان فرموده اند و برای اهل بها همان کافی ، و ختم الکام است و مراجعه به سایر کتب انحصارا برای مزید اطلاع در این موضوع در نزد سایر امام است و بس .

در بیان تشابه معرضین در صدر اسلام و امر بهائی در لوح سلطان خطاب به ناصرالدین

شاه ، تشابه تاریخی و وقایع متشابهی که در صدر اسلام در دوران اولیه ظهور حضرت محمد ص اتفاق افتاد و علمای یهود و نصاری از قبیل علمائی مانند وهب بن راهب و کعب بن اشرف و عبدالله ابی به اعراض بر ظهور محمدی قیام نمودند ، اشاره فرموده اند .
جمال کبریائی این قسمت از تاریخ صدر اسلام را نمونه های مشابهی از اعراض طبیعی علمای وقت در این ظهور اعظم بیان فرموده اند قوله تعالی ۱۶ : " در ظهور خاتم انبیاء و سلطان اصفیاء روح العالمین فداه ملاحظه فرمائید که بعد از اشراق شمس حقیقت از افق حجاز چه مقدار ظلم از اهل ضلال بر آن مظهر عزّی الجلال وارد شده بشانی عباد غافل بودند که اذیت آنحضرت را از اعظم اعمال و سبب وصول بحق متعال میدانسته اند چه که علمای آن عصر در سنین اولیه از یهود و نصاری از آن شمس افق اعلی اعراض نمودند و باعراض آن نفوس جمیع ناس از وضع و شریف بر اطفای نور آن نیر افق معانی کمر بستند اسامی کل در کتب مذکور است از جمله وهب بن راهب و کعب بن اشرف و عبدالله ابی و امثال آن نفوس تا آنکه امر بمقامی رسید که در سفک دم اطهر آنحضرت مجلس شوری ترتیب دادند " .

ص ۲۷۴

تاریخ باختصار افراد مذکور به نقل از کتب تاریخی به این شرح است ۱۷ :

(۵) **کعب بن اشرف** " و این کعب بن الاشرف مردی بود از جهودان بنی نضیر ، و مهتر و سخن روا بود ... و مردی بود فصیح و شاعر که پدرش از بنی طی بود و مادرش از بنی نضیر ، و این روز که زید بن حارثه به در مدینه آمد به بشارت فتح ، کعب بن الاشرف به در مدینه بود و او همی گفت که از قریش فلان و فلان را بکشتند ، و مهتران قریش را نام همی برد . کعب بن اشرف گفت : این نشاید بودن ، و این همه قریش خویشان وی بودند . چون خبر درست شد ، او به مکه شد و مکیان را همی تعزیت کرد و شعرهای مرثیه گفت . و پیغمبر و یارانش را هجا کرد و باز آمد . و به مدینه هم آن روز پیغمبر را خبر آمد که او به شعر هجا گفته است . و هرگاه که بمدینه آمدی گفتی بگریید تا مردمان پندارند که محمد مرده است تا دین او را بقا نبود . " .
(در کتاب محاضرات نیز شرح احوال او از کتب معتبره استخراج و درج شده که مطالعه آن سودمند است) .

(۶) **عبدالله اُبی** از منافقان مدینه بود و تاریخ مخالفتش با پیغمبر اکرم در کتب معتبره تاریخ در باره سرگذشت منافقین ثبت شده است . برای اختصار به قسمتهائی از تاریخ اسلام (ترجمه کتاب سیره النبی تالیف ابن هشام که علل تاریخی مخالفت او را با حضرت محمد ص برشته تحریر درآورده است درج میگردد صفحات ۳۸۷ الی ۳۸۹) :
هنگامیکه رسول خدا ص بمدینه هجرت فرمود مردم آن شهر در تحت اطاعت دو نفر که خود بریاست انتخابشان کرده بودند بسر میبردند ، یکی عبدالله بن ابی بن سلول بود که هر دو قبیله اوس و خزرج بزرگی و سیادت او گردن نهاده بودند ، و دیگری ابو عامر عبد عمرو بن صیفی بود که از قبیله اوس او را بسیادت خویش انتخاب کرده بودند و او پدر حنظله غسیل الملائکه است که در جنگ احد بشهادت رسید ابو عامر در زمان جاهلیت بحال رهبانیت بسر میبرد و لباسهای پشمین بتن می

ص ۲۷۵

کرد و از اینرو مدام او را لقب راهب داده بودند . پیش از آنکه رسول خدا ص وارد مدینه شود مردم مدینه برای عبدالله بن ابی تاجی مرصع تهیه کرده بودند تا آنرا بر سر او گذارده و ویرا بریاست و سلطنت این شهر و حومه منصوب کنند . لیکن با ورود رسول خدا ص مردم از اینکار منصرف شده از دور او پراکنده شدند و بسوی آن

حضرت متوجه شدند . این جریان حسادت عبدالله بن ابی را تحریک کرد و موجب شد تا کینه اسلام و رهبر عالیقدر این دین مقدس را در دل گیرد چون عملاً مشاهده کرد با ورود رسول خدا ص بمدینه سلطنت و ریاست او بکلی پایمال شد ، ولی از آنجائیکه مردم مدینه متوجه پیامبر اسلام شده بودند و علاقه بدان حضرت پیدا کرده بودند او نیز صلاح خود را در آن دید که در صورت ظاهر همرنگ جماعت شده و اسلام آورد ولی در باطن بحال نفاق بسر میبرد و روز بروز کینه و عداوتش نسبت به رسول خدا ص زیادتر میشد . " برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به تاریخ جنگ احد در کتب معتبره تاریخ ، مانند ترجمه تاریخ طبری جلد ۳ صفحات ۱۰۵۴ الی ۱۰۵۷ ، زندگانی محمد تألیف حسنین هیکل صفحات ۴۰۸ الی ۴۲۱ ، و کتاب محاضرات صفحات ۹۶۵ الی ۹۶۸ .

(۷) **پطرس (شمعون) حواری حضرت مسیح** : در لوح اقدس در ذکر مقام و مرتبه انسان و

نیز در اینکه چگونه اقبال به مظهر الهی خلق اعلی‌کم اسفلکم و اسفلکم اعلاکم مینماید آیات بینات نازل قوله جل بیانه : " کم من الفریسین اعتکفوا فی الهیاکل باسمه و کانوا ان یتضرعوا لفراقه فلما فتح باب الوصال و اشرق النور من مشرق الجمال کفروا بالله العلی العظیم و ما قاروا ببقائه بعد الذی وعدوا به فی کتاب اشعیا و عن ورائه فی کتب النبین و المرسلین و ما اقبل منهم الی مشرق الفضل الا الذین لم یکن لهم عز بین الناس و الیوم یفتخر باسمه کلّ ذی عزّ مبین و اذکر اذ افتی علی قتله من کان اعلم علماء مصره و من آمن به من کان یصطاد الحوت فاعتبر و کن من المتذکرین " .

برای تفصیل احوال و تاریخ او میتوان به قاموس کتاب مقدس ۱۹ مراجعه نمود .

ص ۲۷۶

(۸) **بلال حبشی** در لوحی در باره یکی از ایمان آورندگان در صدر اسلام اشاره میفرماید به بلال حبشی که بدون داشتن علم و فضل به ظهور جدید ایمان آورد و یکی از علمای یهود دین خدا را نپذیرفت و به مخالفت برخاست . قوله الاعلی ۲۰ : " و همچنین در ظهور رسول ما سواه فداه علمای مکه و مدینه در سنسن اولیه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و نفوسیکه ابدا اهل علم نبودند بایمان فائز شدند * قدری تفکر فرمائید بلال حبشی که کلمه از علم نخوانده بود بسماء ایمان و ایقان ارتقاء نمود * و عبدالله ابی که از علماء بود بتفاق برخاست * راعی غنم بنفحات آیات بمقر

دوست پی برد و بممالک امم پیوست و صاحبان علوم و حکم ممنوع و محروم اینست که میفرماید * حتی یصیرَ اَعْلَانُکُمْ اَسْفَلُکُمْ و اَسْفَلُکُمْ اَعْلَاکُمْ " .

ماخذ اسلامی در احوال بلال حبشی : ۱ - در راهنمای دانشوران در معرفی باختصار بلال حبشی نوشته شده است ۲۱ : بلال با کسر بای ابجد بمعنی تری (رطوبت) از اعلام متعارفه عرب است و نام بلال بن رباح مؤذن پیغمبر است که در سال ۲۰ یا ۲۱ درگذشت . ۲ - برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به کتاب طبقات ابن سعد جلد ۳ صفحات ۱۶۵ الی ۱۷۰ ، تاریخ حبیب السیر جلد ۱ و کتاب محاضرات صفحات ۶۸ ، ۱۲۴ و ۴۸۹ .

(۹) **قیافا و حنان** در همان لوح نیز اشاره میفرمایند به اعراض علمای عصر در زمان ظهور حضرت مسیح . اینست بیان مبارک قوله جلّ عزّ بیانه ۲۰ : " در ظهور مسیح جمیع علمای عصر مع آنکه منتظر ظهور بودند اعراض نمودند * و حنان که اعلم علمای عصر بود و همچنین قیافا که اقضی القضاة بود حکم بر کفر نمودند و فتوای قتل دادند " ذکر قیافا و حنان در کتب اهل نصاری و انجیل : در انجیل نام قیافا و حنان در لوقا باب ۲ : ۳ و در یوحنا ۲۴ و ۱۳ : ۱۸ درج گردیده است . در قاموس کتاب مقدس

ص ۲۷۷

(صفحات ۷۰۵ و ۳۳۴ به این شرح درج شده است ۱۹ : قافیا . رئیس کهنه یهود بود از سال ۲۷ - ۲۶ میلادی و هنگامیکه بر مسیح حکم صلیب کردن داده شد وی نیز حاضر بود (یوحنا ۵۱ - ۴۲ : ۱۱) و این منصب یعنی ریاست کهنه مادام العمر شخص رئیس در وی برقرار بود لکن دولت رومانی در آن وقت بر حسب اراده رئیس کهنه را نصب یا عزل مینمود . چون مسیح الازار را دو باره زندگی بخشید مجمع یوم یهود در خصوص اینمطلب در تشویش افتادند و برخود بترسیدند که مبدا اینفقره اسباب کثرت امتداد قوت مسیح گردد بدان لحاظ قیافا در فکر اعدام حضرتش افتاده در موقع صحبت نبوتیرا که خود هم بر معنی و مفاد آن مطلع نبود گفت (یوحنا ۵۲ - ۵۱ : ۱۱) : و پس از آنکه مسیح را دستگیر نموده بودند او را در حضور قیافا آوردند و بعد از آنکه دشمنانش در جستجوی شهادتی که اسباب قتل او شود بودند قیافا از وی سؤال نمود که آیا تو ابن الله میباشی و چون مسیح در جواب گفت آری هماندم قیافا از این جواب روی درهم کشیده آنرا کفر انگاشت و گفت ما را دیگر چه احتیاج بشاهد است پس همگی بیک صدا فریاد نمودند که باید بمیرد (متی ۶۸ - ۶۵ : ۲۶) .

(۱۰) **حنان** : لوقا ۲ : ۳ بدان که چون یوحنا با اجرای خدمت خود شروع نموده حنا و

قیافا هر دو رئیس الكهنه بودند و عادت آنزمان بر این قرار یافته بود که هر شخصی را بلقب و منصبی که دارد خطاب نمایند اگر چه بعد از آن منصب را ترک نماید چنانکه حنا را رئیس کهنه میگفتند و حال اینکه مدتی بود که آن منصب را ترک نموده بود . و پنج تن از پسرانش نیز بدین منصب مفتخر گردیدند و خود نیز پدر زن رئیس الكهنه بود . لهذا چون قوم یهود مسیح را دستگیر نمودند اولاً او را بنزد حنا بردند تا آنکه او را از کار خود خوشنود گردانند و از آنجا ویرا بنزد قیافا کشانیدند و یوحنا ۲۴ - ۱۳ : ۲۸ .

(۱۱) **تمار** : در لوحی نازل قوله الاعلی ۲۲ : " مثلاً تمار بقاء مختار فائز شد " .

ص ۲۷۸

مأخذ تاریخی در اسلام : در کتاب الانساب تألیف ابی سعد ابی الکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی شرح حال تمار از انصار حضرت رسول درج گردیده است ۲۳ التمار : بفتح التاء المنقوطة باثنین من فوقها و تشدید المیم و فی آخرها الرائ ، هذه النسبة الى بيع التمر ، و كان جماعة يبيعونه ، و المشهور به داود بن صالح التمار مولى الانصار ، ، و يقال مولى أبی قتادة ، يروي عن سالم بن عبد الله و أمه و أبيه ، روى عنه اهل المدينة .

در کتاب نامه دانشوران شخص دیگری بنام تمار ذکر شده و بنظر میرسد که با تمار مذکور در لوح مبارک فرق دارد - شرح مختصری در باره تمار به اینصورت نگاشته شده است ۲۴ : تمار با فتح اول و تشدید میم خرما فروش را گویند و آن لقب میثم تمار است از خواص اصحاب امیر المومنین و شیخ مفید در ارشاد گفته که میثم زرخرید زنی از بنی اسد بود و امیر المؤمنین او را خرید و آزاد کرد تا آنجا که گفته امیر المؤمنین باو خبر داد که پس از من ترا بر دار آویزند و میثم در بیست و دوم ماه ذی الحجة سال ۶۰ هجری بفرمان عبیدالله بن زیاد بر دار آویخته شد .

(۱۲) **بلعم باعور** : در کتاب بدیع نازل قوله تعالى ۲۵ : " و دیگر از بلعم باعور

اطلاع نداری که بسیار از رئیس شما مشهور تر بود ولایتش که مسلم بوده مع ذلک بعد از ظهور شمس کلیم من افق ربك الرحمن الرحيم فعل ما فعل و بذلك بدل الله نوره

بالنار و انه لعلى كل شئ قدیر " .

بلعم در لغت ۲۶ : بمعنی پر خور و بسیار فرو برنده طعام (بلع کننده است) . در قاموس کتاب مقدس نوشته شده ۲۷ : بلعام . (خداوند مردم) و او پسر بعور و از اهل قریه فتور بود که در الجزیره واقع است وی در میان طایفه خود نبی مشهور و معروف و ظاهراً موحد و خدا پرست بود لکن محل تعجب است چونکه بوطن ابراهیم خلیل منسوب و در زمان او همین عبادت در نزد اهالی آنجا معروف بود . باری صیت

ص ۲۷۹

شهرت نبی مرقوم گوشزد اهالی آن زمان شده مرتبه اش بالا گرفت و از طرف مردمان بدیدن او میامدند تا مگر نبوتی مخصوص در حق ایشان کند و یا کسب و ملک و مال ایشان را برکت دهد و آنچه بیشتر شایسته و سزاوار ذکر است این که بالاق شهریار موآب نزد وی فرستاده وی را دعوت نمود که قوم اسرائیل را لعنت نماید لکن وی شبانه از خدا مسئلت نمود و اجازت برای انکار نیافت لهذا صبح از فرمان بالاق امتناع جسته علانیه گفت که خداوند مرا اذن نمیدهد که قوم اسرائیل را لعنت نماید .

مراجع و کتبی که میتواند برای مطالعه و مراجعه سودمند واقع شود

۱ - قاموس کتاب مقدس تالیف جیمز هاکس .

۲ - The Oxford dictionary of the christian church .

۳ - راهنمای دانشوران (در ضبط نامها و نسبها و نسبتها) تالیف سید علی اکبر برقعی قمی . چاپخانه تابش قم .

۴ - دائرة المعارف اسلام .

۵ - الانساب . تالیف ابی سعد عبدالکریم بن محمد ابن منصور التمیمی السمعانی . طبع دار الفکر . بیروت - لبنان .

۶ - طبقات ابن سعد . تصنیف : محمد بن سعد کاتب الواقدی .

۷ - المعارف : تالیف ، ابن قتیبہ ، منشورات شریف رضی .

۸ - رجال نجاشی ، تصنیف احمد بن علی ابن العباس النجاشی . مکتب داوری ، قم .

۹ - محاضرات : تالیف جناب عبدالحمید اشراق خاوری . مؤسسه مطبوعات امری سنه ۱۲۰ بدیع .

مشخصات کتب و مآخذ

- | ردیف | نام کتاب و مؤلف |
|------|--|
| ۱ | اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۶ . |
| ۲ | کتاب بدیع ص ۳۳۶ . |
| ۳ | کتاب التوحید ، باب البداء ص ۳۳۶ ، حدیث شماره ۱۰ . تالیف شیخ صدوق . |
| ۴ | بحار الانوار ج ۴ باب البداء و النسخ ص ۱۲۲ و ۱۲۳ . دارالکتب الاسلامیه . |
| ۵ | بحار الانوار ج ۴۷ المطبعة الاسلامیة (بحار الانوار ج حادی عشر) ص ۳۴۱ . |
| ۶ | توضیح الملل ج ۱ ص ۲۵۹ . تالیف مصطفی بن خلقداد هاشمی عباسی . |
| ۷ | اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۴ . |
| ۸ | صحیح مسلم ج ۱۵ ص ۲۱۰ . |
| ۹ | تاریخ حبیب السیر ج ۱ ص ۴۲۵ ، تالیف خواند امیر . کتابفروشی خیام . |
| ۱۰ | حیات القلوب ج ۲ ص ۶۱۱ تالیف علامه محمد باقر مجلسب . |
| ۱۱ | اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۵ . |
| ۱۲ | تفسیر ابوالفتح رازی ج ۳ ص ۲۸۰ . |
| ۱۳ | مجموعه الواح مبارکه ص ۱۳۱ . چاپ مصر . |
| ۱۴ | لغتنامه دهخدا ج ۲۹ ص ۴۳ . |
| ۱۵ | لغتنامه دهخدا ج ۴۵ ص ۵۶ و ۵۷ . |
| ۱۶ | آثار قلم اعلی جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۸۶ . |
| ۱۷ | تاریخنامه طبری (منسوب به بلعمی) ج ۱ ص ۱۵۴ ، ترجمه محمد روشن ، نشر البرز . (برای مزید اطلاع میتوان به سایر کتب تاریخ مانند : تاریخ طبری جلد ۳)
ترجمه ابوالقاسم پاینده) تالیف جریر طبری ص ۱۰۰۳ و تاریخ ابن خلدون بقیه جزء
ثانی ص ۲۲ . منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات . |

- | | |
|----|---|
| ۱۸ | آثار قلم اعلی جلد ۱ (کتاب مبین) ص ۱۳۸ . |
| ۱۹ | قاموس کتاب مقدس تالیف و ترجمه جیمز هاکس . |
| ۲۰ | مجموعه الواح مبارکه ص ۲۳۷ . چاپ مصر . |

- ۲۱ راهنمای دانشوران ص ۷۷ . تالیف سید علی اکبر برقعی قمی .
- ۲۲ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۵۶ .
- ۲۳ الانساب ج ۱ ص ۴۷۷ . تالیف تمیمی . طبع دارالفکر . بیروت .
- ۲۴ راهنمای دانشوران ج ۱ ص ۱۰۲ . تالیف سید علی اکبر برقعی قمی .
- ۲۵ کتاب بدیع ص ۲۳۷ .
- ۲۶ راهنمای دانشوران ج ۱ ص ۷۸ . تالیف سید علی اکبر برقعی قمی .
- ۲۷ قاموس کتاب مقدس ص ۱۸۷ .

ص ۲۸۲

روش چهاردهم سوگندهای الواح

ص ۲۸۳

سوگند های الواح

در متون الواح مبارکه فقراتی است که جمال کبریائی به آنچه که دارای اعلیٰ ترین مقامات و اعظم ترین مراتب در اصول و مبادی امر بهائی و ادیان سلف بالاخص در اسلام است سوگند (قسم) یاد فرموده اند در بدو امر ، چند فقره از الواحی که قلم اعلیٰ قسم یاد فرموده است زیارت می‌گردد . بعد می پردازد به نظری اجمالی در معارف اسلامی و مآخذ قسم های مشابه در قرآن کریم و نظرات علمای قرآن در شرح قسم های قرآن . سپس می پردازد به طبقه بندی مقدماتی قسم های الواح (البته همان طور که در روشهای قبل متذکر گردید تحقیقاتی مقدماتی در این موضوع نیز بر اساس الواح طبع شده و در دسترس است و محققا با مقایسه با آنچه که در حال حاضر بطبع نرسیده نمیتواند تحقیق جامعی منظور گردد) .

نمونه هائی از فقراتی از الواح که حق قسم یاد نموده است

نمونه اول : در لوحی در اتمام حجت و تاکید در حقانیت ظهور و ادعای مظهریت الهی و رسیدن وحی از جانب خدا برای صدق مدعا به خدا قسم یاد میفرمایند قوله تعالی ۱ :
 "تالله قد كنت راقدا هزنتني نفعات الوحي و كنت صامتا انطقتني ربك المقتدر القدیر" .

و نیز در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۲ : " قسم به آفتاب افق ابهی که آنچه ذکر شده لله بوده و خواهد بود و بان مامورم و الا از ایمان اهل اکوان نفعی بسلطان امکان راجع نه " .

نمونه دوم : در لوحی برای نشان دادن اعراض معرضین قسم یاد میفرمایند قوله جل بیانه ۳ : " قسم به آفتاب عز تقدیس بطغیانی ظاهر شدند که شبه آن در ابداع ظاهر نشده جمیع افعال مذمومه منهییه خود را در نزد جمیع اهل بلد بحق نسبت داده اند " .
نمونه سوم : در لوح حوریه مخاطب را به خدا قسم میدهند قوله جل بیانه ۴ : " اقسامک

ص ۲۸۳

بالله الذی لا اله الا هو " اقسامک بالله المقتدر المهیمن القیوم . "

نمونه چهارم : در سوره هیکل قسم یاد میکنند به خدای فرد واحد قوله تعالی ۵ : " فوالله الذی لا اله الا هو " .

نمونه پنجم : در لوحی بخدا سوگند میخورند که اگر معدودی از مؤمنین به اراده الهی عامل باشند امر عالمرا احاطه خواهد نمود قوله جل بیانه ۶ : " لعمرالله اگر معدودی بانچه حق اراده نموده عمل مینمودند هراینه انوار آثار قلم اعلی عالمرا احاطه مینمود " .

سوگندهای قرآن

علمای اسلام ، در مقصود از سوگند در آیات قرآنیه رسائل و کتب تالیف نموده اند که برای آگاهی به آن نظرات و تحقیقات از دو تألیف مشهور **الاتقان فی علوم القرآن** تألیف عبدالرحمن سیوطی و **التبیان** تألیف ابن قیم در این موضوع که از کتب معتبره است استفاده نموده و به رؤس تحقیقات آنان اشاره میگرد .

مقصود از سوگند و قسم سیوطی در اتقان گفته ۷ : " مقصود از سوگند تاکید و تحقیق خبر است " و نیز از قول دیگران نوشته ۷ : " قرآن به لغت عرب نازل شده ، و از عاداتهای عرب قسم خوردن برای تاکید امر است " و نیز بنقل از ابوالقاسم قشیری از علما و شاعران و صوفیان قرن پنجم هجری آورده ۷ : " خدای تعالی برای کمال حجت و دلیل و برای تاکید آن قسم یاد کرده زیرا که حکم به دو امر فیصله داده میشود : یا

به قسم یا به شهادت ، پس خدای تعالی هر دو نوع را در کتاب خود ذکر فرموده تا

حجتی برای آنها باقی نماند ، خداوند فرموده ۸ : " **شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ** " (سوره آل عمران آیه ۱۸/۳) ، و فرموده : " **قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ** " (سوره یونس آیه ۵۳)،

و از یکی از اعراب حکایت است که چون فرموده
خدای تعالی: **" وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ. قَرَّبَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ إِنَّهُ لَحَقٌّ "**
(سوره ذاریات ۲۲ و ۲۳) را شنید فریاد زد و گفت: چه کسی خدای جلیل را بخشم
ص ۲۸۵

آورده تا به سوگند یاد کردن وادار شود."

مبحث الفاظ و اقسام قسم

۱ - قسم به فتح قاف و سین و جمع آن اقسام در کتب لغت به معانی سوگند دادن و سوگند خوردن است.

۲ - حروفی که در اول مُقَسِّمِ علیه (آنچه که به او سوگند یاد میشود) آورده شده عبارتند از: **واو . باء . تاء . لام**. این حروف وقتی به اول اسم اضافه میشوند سوگند بآن اسم میشود. در کتاب التبیان (تالیف ابن قیم) بتفصیل و در الاتقان باختصار در باره انواع قسم قرآن مطالبی مندرج است. خلاصه از آنها که به مقصود و مطالعه این روش برای آشنائی با قسم های در الواح کمک میکند نقل میگردد ۸: در اتقان بنقل از کتاب التبیان گفته: اول: "چون قسم در کلام زیاد میآید اختصار شده و فعل قسم حذف میگردد، و به باء اکتفاء میشود، سپس بجای آن واو را در اسمهای ظاهر قرار داده اند، و تاء را در اسم خدای تعالی".

دوم: "وی گفته: و خداوند سبحانه تعالی - بر اصول ایمان که شناخت آنها بر خلق واجب است سوگند یاد می کند، پس گاهی بر توحید سوگند میخورد، و گاهی بر اینکه قرآن حق است، و گاه بر اینکه پیغمبر حق است، و گاهی بر جزا و وعده و تهدید، و گاهی بر حال و وضع انسان".

نمونه هائی از قسم های در قرآن سیوطی در اتقان بنقل از سایر کتب معتبره نمونه هائی از قسم های قرآن را جمع آوری و تنظیم نموده است ۹:

- ۱ - خدا به خودش قسم خورده است: **" فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ "**
(سوره معارج، ۷۰/۴۰): قسم میخورم به پروردگار مشرقها و مغرب ها که ما هرآینه توانائیم.
- ۲ - انسان ها به خدا سوگند میخورند: **يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ** (سوره توبه، ۹/۶۲): سوگند

ص ۲۸۶

میخورند به بخدا.

۳ - خدا به پیغمبر قسم یاد کرده است : **لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ** (سوره حجر ، ۱۵/۷۲) : بجان تو که ایشان هرآینه در مستیشان حیران میزیستند .

۴ - خدا قسم خورده است که قرآن حق است : **وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ** (یس ، ۳۶/۲) : قسم بآن قرآن مشتمل بر حکمت.

۵ - قسم به مخلوقات و به چیزهایی که فضیلت دارد : **وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سِينِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ** (سوره تین ، ۱-۹۵) : قسم بانجیر و زیتون * قسم بطور سینا * و این شهر امان (مکه) .

سوگند های در الواح قلم اعلیٰ

در الواح مبارکه در حقانیت و تاکید بر اهمیت و اشرفیت ظهور جدید ، در ردّ شبهات معرضین ، جلب و تجذیب و تحیب قلوب احبا ، تحذیر و تنبیه اهل بیان قسم یاد فرموده اند ، قسم به چیزهایی است که از نظر مبادی و اصول امر صاحب اعلیٰ مراتب مقامات روحانی است .

نمونه هائی از سوگندهای در الواح مبارکه

- (۱) لعمرالله : (۲) قسم به آفتاب افق تقدیس ، (۳) قسم به آفتاب افق بیان ۹ (۴) اقسامکم بالله ، (۵) لَعَمْرِي ، (۶) قسم بسلطان يفعل ما يشاء ، (۷) قسم بافتاب افق ابهی ، (۸) قسم به شمس معانی ، (۹) تالله ، (۱۰) فوالله ، (۱۱) فوالذی ، (۱۳) قسم بافتاب عزّ تقدیس ، (۱۳) قسم بجمال قدم ، (۱۴) قسم بافتاب افق اقتدار ، (۱۵) قسم بافتاب افق امر ، (۱۶) قسم بدریای علم لدنی ، (۱۷) قسم بانوار فجر تقدیس ، (۱۸) فَوْعَزْتُكَ ، (۱۹) قسم بخدا ، (۲۰) لا فَوْرَبَكَ الرَّحْمَنُ ، (۲۱) لا فَوْ نَفْسِي الرَّحْمَنُ ، (۲۲) قسم بشمس افق ظهور ، (۲۳) قسم بحزن جمال ذوالجلال ، (۲۴) قسم بافتاب معانی ، (۲۵) قسم بجمال رحمن ، (۲۶) قسم باسم اعظم ، (۲۷) قسم بذات غییم ، (۲۸) قسم بجمال ، (۲۹) قسم یاد نموده ام ، (۳۰)

ص ۲۸۷

- قسم بمطلع اسم اعظم ، (۳۱) قسم بانوار آفتاب حقیقت ، (۳۲) قسم بافتاب افق حقیقت ، (۳۳) قسم بافتاب حقیقت ، (۳۴) قسم بمالك ملكوت اسماء ، (۳۵) قسم بافتاب ظهور ، (۳۶) لعمر الرحمن ، (۳۷) قسم بانوار وجه الهی ، (۳۸) قسم بامواج بحر بیان ، (۳۹) ؟ (۴۰) فَوْعَمْرِي ، (۴۱) لَت فَوْ نَفْسِي الْمَنَّانُ ، (۴۲) قسم بنیر افق سماء معانی ، (۴۳)

قسم بافتاب افق معانی ، (۴۴) قسم بافتاب صبح عز تقدیس ، (۴۵) قسم بمربی وجود ، (۴۶) قسم به نیر عدل ، (۴۷) قسم بافتاب راستی ، (۴۸) قسم بافتاب برهان ، (۴۹) تالله لحق ، (۵۰) قسم بافتاب فجر امر ، (۵۱) قسم بذات اقدس الهی ، (۵۲) فوالذی نفسی بیده ، (۵۳) قسم بجمال علی ابهی روح ما سواه فداه ، (۵۴) قسم بافتاب افق سماء معانی ، (۵۵) فوجمالی ، (۵۶) فونفسی ، (۵۷) قسم بمربی امکان ، (۵۸) قسم بمحبوب امکان ، (۵۹) قسم بملیک آفاق ، (۶۰) لا فونفسه الحق ، (۶۱) لا فونفسی المحبوب ، لا فونفسه الرحمن ، (۶۲) قسم بافتاب عز توحید ، (۶۳) قسم بذات اقدس ابهی ، (۶۴) قسم بجمال علی اعلی ، (۶۵) فورب الارباب ، (۶۶) قسم بافتاب عز معانی ، (۶۷) فورب العالمین ، (۶۸) فوالله ، (۶۹) قسم بانوار فجر تقدیس ، (۷۰) قسم بقلم قدم ، (۷۱) قسم بحفیف سدره منتهی ، (۷۲) قسم بجمال محبوب ، (۷۳) قسم بافتاب افق باقی ، (۷۴) قسم بافتاب بیان ، (۷۵) قسم بافتاب آسمان حقیقت ، (۷۶) قسم باشرقات انوار شمس معانی ، (۷۷) لعمرالمحبوب ، (۷۸) قسم بمالك ملكوت ، (۷۹) قسم بسلطان عز اجلاله ، (۸۰) لعمری و لعمرکم ، (۸۱) قسم بلثالی بحر علم الهی ، (۸۲) قسم بانوار وجه ، (۸۳) ترا قسم میدهم بکلمه علیا و اقتدار قلم اعلی ، (۸۴) قسم بذات مقدست ، (۸۵) لا فورب آل العالمین ، (۸۶) و ، (۸۷) و ، (۸۸) اقسامک بجمالی ثم ضیائی ثم امری ، (۸۹) قسم بافتاب قدم ، (۹۰) و نفسی الحق ، (۹۱) قسم بافتاب افق باقی .

ص ۲۸۸

نمونه هائی از فقراتی از الواح که در مسائل مختلف مظهر حق تعالی قسم یاد کرده است

۱ - نمونه هائی از قسم های در الواح که برای هدایت اهل بیان و جلب و آگاه نمودن

آنان به موعود بیان قسم یاد نموده اند .

(۱) قسم بخدا ۱۰ : " قل اقسامکم بالله یا ملاء البیان بان تنصفوا فی کلمة واحدة

و هی ان ربکم الرحمن " .

(۲) قسم بخدا ۱۱ : " قل یا ملاء البیان تالله قد ظهر علی فی قمیص اخری و انه قد

سمی فی ملکوت الاسماء بالحسین و فی جبروت البقاء بالبهاء و فی لاهوت العماء

بهذا الاسم الذی ظهر علی هیکل الغلام " .

(۳) فوالله ۱۲ : " فوالله هذا لم یکن من عندی بل من لدن من ارسلنی بالحق و

جعلنی رحمة علی العالمین " .

۲ - نمونه هائی که برای اطمینان بخشی مومنین در استقامت در امر و خدمت بامر الهی

قسم یاد کرده اند

نمونه اول ، قسم بخود ۱۳ : " آخر چرا تفکر نمینمائید ایام گذشت و عمر بانتها رسید حال خود انصاف ده در آخر ایام انسان در فراش بزحمت امراض و شدت اوجاع جان بدهد بهتر است یا آنکه آن چند یومی که از عمر باقی مانده در سبیل الهی فدا نماید قسم بجمال قدم الاول خسران و الآخر روح و ریحان زهی حسرت و ندامت که نفس انسانی چند نفسی که از جان عاریتی باقی مانده در ره دوست فدا نماید و در فراش غفلت بعد از آشامیدن دواهای مکروهه منتنه ردیه تسلیم نماید " .

نمونه دوم ، قسم بامر ۱۴ : " امر بشانی عظیم است که پدر از پسر و پسر از پدر فرار مینماید ... انشاء الله باید در این ایام روحانی از نسایم سبحانی و فیوضات ربیع رحمانی محروم نمائید باسم معلوم منقطعاً عن العلوم برخیزید و ندا فرمائید قسم بافتاب افق امر

ص ۲۸۹

در آن حین فرات علوم الهیه را از قلب جاری مشاهده نمائید و انوار حکمت ربانیه را بی پرده بباید اگر حلاوت بیان رحمن را بیابی از جان بگذری و در سبیل دوست انفاق نمائی " .

نمونه سوم ، قسم بخدا ۱۵ : " تالله لو یسمعون صریر القلم الاعلی لیأخذنهم جذب الله علی شان یضعن الملك عن ورائهم ویقبلن الی الملکوت " .

۳ - قسم برای تاکید در بقای روح و ترقیات روحانیه و ورود به عوالم بعد برای

مؤمنین و غیر مؤمنین

نمونه اول ، قسم به یکی از اسماء الهی (صفت اراده و قدرت) ۱۶ : " لعمری حین الاحتضار یعرفون مافات عنهم و ینوحون و یتضرعون و كذلك بعد خروج ارواحهم من ابدانهم این بسی معلوم و واضحست که کل بعد از موت مطلع بافعال و اعمال خود خواهند شد قسم بافتاب افق اقتدار که اهل حق را در آن حین فرحی دست دهد که ذکر آن ممکن نه و همچنین اصحاب ضلال را خوف و اضطراب و وحشتی رو نماید که فوق آن متصور نه " .

۴ - قسم های مبارک در الواح در مواضع مختلف

۱ - قسم یاد فرموده اند که لحظه از ایام در دور مبارک برتری دارد بر قرون و اعصار ۱۷ :

" قسم بدریای علم لدنی که آنی از این ایام افضل است از قرون و اعصار " .

۲ - در ذکر اعمال و رفتار مردمی که بمعارضه با امر برخاسته اند : قسم بخدا ۱۸ :

" تالله یا قوم بافعالکم تحیرت سکان مدائن الاسماء و انتم فی وادالجزر هائمون و لا تشعرون " .

۳ - در لوح سلطان ، خطاب به ناصرالدین شاه برای تغییر در رفتار ظالمانه حکومتش

نسبت باحبای الهی ، قسم میدهند او را بخدا ۱۹ : " یا سُلْطَانُ أَقْسِمُكَ بِرَبِّكَ الرَّحْمَنُ بِأَن تَنْظُرَ إِلَى الْعِبَادِ بِلَحْظَاتِ أَعْيُنِ رَأْفَتِكَ وَ تَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِالْعَدْلِ لِيَحْكُمَ اللَّهُ لَكَ بِالْفَضْلِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْحَكِيمُ عَلَى مَا يُرِيدُ "

ص ۲۹۰

۴ - دعوت امرای ارض در اقبال بظهور جدید ۲۰ : " تالله لَوْ تَسْمَعُ نَعْمَاتِ الْوَرَفَاءِ الَّتِي تَعْنُ عَلَى الْأَفْنَانِ بِفُنَنِ الْأَلْحَانِ بِأَمْرِ رَبِّكَ الرَّحْمَنِ لَتَدْعُ الْمَلِكُ وَرَاءَكَ وَتَتَوَجَّهَ إِلَى الْمَنْظَرِ الْأَكْبَرِ الْمَقَامِ الَّذِي كَانَ كِتَابُ الْفَجْرِ عَنْ أَفْقٍ مَشْهُودًا " .

۵ - تشویق و ترغیب احبّا به دعوت و تبلیغ ناس بامر الهی : قسم بخدا ۲۱ : " تالله الحق اليوم يومك ان اخرج عن خلف حجابات الصمت ثم انطق بين السموات والارض و بشر الناس بهذا النبأ الذي انشقت منه اراضى الكبر و انفطرت سموات الاعراض و اندكت جمال الغل و انهدمت بيت البغضاء و اقشعرت منه جنود كل مشرك عميا " .

۶ - در بیان رسالت و مظهریت

نمونه اول ، قسم یاد میفرمایند بخدا که قلم من به اجازه الهی بحرکت آمده است ۲۲ :

" تالله قد تحرك القلم الا اعلى باذن ربكم العلى الابهى ثم استمعوا ما ينادى به لسان العظمة والكبرياء بين الارض والسماء ضعوا العلوم قد اتى المعلوم باسمه القيوم بقدره و سلطان " .

نمونه دوم ، قسم بخدا ۲۳ : " و ان كان جرمى ما ينزل على من آيات الله تالله هذا لم يكن من عندى بل من لدن عزيز جميل " .

نمونه سوم ، سوگند بخدا یاد میفرمایند که من از جانب خدا آمده ام و در دستم حجت

الهی است ۲۴ : " قل يا قوم تالله قد جئتكم عن جهة العرش بنبأ من الله المقتدر العلى العظيم و فى يدى حجة من الله ربكم و رب آبائكم الاولين " .

نمونه چهارم ، سوگند بخدا که من ظهور بعد همان رسولان قبلم ۲۵ : " تالله هذا لهو الذي قد ظهر مرة باسم الروح ثم باسم الحبيب ثم باسم علي ثم بهذا الاسم المبارك المتعالی المهيمن العلی المحبوب * وان هذا الحسين بالحق " .

ص ۲۹۱

۷ - قسم در ارتباط و وحدت دو ظهور اعظم حضرت ربّ اعلی و جمال اقدس ابهی

نمونه اول ، قسم بخدا ۲۶ : " تالله الحق قد ظهر الذي ظهر في سنة الستين وهذه من حجته قد ملأت الخافقين " .

نمونه دوم ، قسم بخدا ۲۷ : " قل يا ملاء البيان تالله قد ظهر علي في قميص اخرى وانه قد سمى في ملكوت الاسماء بالحسين وفي جبروت البقاء بالبهاء وفي لاهوت العماء بهذا الاسم الذي ظهر علي هيكل الغلام " .

۸ - قسم در مقام خویش و مظهریت

قسم بخدا ۲۸ : " قد تالله اني لمنظر الاكبر في ملاء الاعلى و الجمال الاظهر في الافق الابهی و الكلمة الاظهر عند شجرة القصوى و النبأ العظيم عند سدرۃ المنتهی و الطلعة الغیب فی جبروت القضاء و سرّ الله و امره فی ملكوت البداء و باشارة من قلمي قد ظهر حکم الکاف بین الارض و السماء و امر النون فی مدائن الاسماء " •

۹ - مقصد از ظهور جدید : در الواح مبارکه مقصد از ظهور خویش را با ذکر تعالیمی

که برای اهل عالم عنایت فرموده اند بتکرار و استمرار بیان فرموده اند در این قسمت نمونه از این مقصد الهی که با سوگند برای اطمینان بخشی بیشتر باهل عالم بیان گردیده آورده میشود :

قسم بخدا ۲۹ : " يا ملاء الارض تالله ما جئنا الا لتطهير نفوسكم من الضغينة و البغضاء يشهد بذلك من عنده ام الكتاب " .

نظری تحقیقی و تحلیلی در بیاناتی که در آن قسم دیده میشود

تحقیق اول ، در الواح مبارکه با بیاناتی مواجه میشویم که خبریه اند . در این قبیل از بیانات مبارکه دو نوع سوگند دیده میشود : اول سوگند خوردن حقّ به چیزی ، دوم سوگند دادن حقّ به چیزی ، . نمونه هائی از قسم خوردن به چیزی در حدود گنجایش

این رساله زیارت گردید . در اینجا چند نمونه از سوگند دادن به چیزی را مورد تحقیق اجمالی قرار می‌دهیم . در سوگند دادن به چیزی با دو موضوع مواجه می‌شویم موضوع اول اینکه چون قسم در فرهنگ اسلامی نهایت مرتبه اثبات صدق مدعا و یا صدق در کلام و هر نوع مکالمه عمومی در کلام دو بدو و یا در مکاتبات است . آن چیزی که در اعلی مرتبه مقام قرار دارد کسی جز خداوند نیست و در بیانات مبارکه - گروه معروضین و اعدا را قسم می‌دهند به خدا که تغییر در اعمال و عقایدشان داده شود . در لوحی خطاب به اهل بیان این قبیل از سوگند دادنهای در الواح را مشاهده می‌کنیم قوله جل بیانه ۳۰ : " اکثری از ناس بشأنی محتجبند که احتجاب ملل قبل از نظر محو شده بَعْضاً علی الله در هر حین باعتراضی جدید متمسکند با اینکه کل میدانند که باین ظهور اعظم ما نزل فی البیان ثابت و ظاهر و محقق شده و اسم الله مرتفع گشته و آثار الله در شرق و غرب انتشار یافته و بیان فارسی مخصوصاً در این ظهور امضا شده معذک متصلأ نوشته و مینویسند که بیانرا نسخ نموده اند که شاید شبهه در قلوب القا شود و معبودیت عجل محقق گردد ، ای اهل بیان اقسامکم بالله قدری انصاف دهید و بدیده پاک و طاهر در بیانات الهی نظر نمائید " .

تحقیق دوم ، در الواح مبارکه بیاناتی زیارت میشود که از نوع شکوائیه است و حکایت و ذکر از بلیات وارده و مصائب است : اول مصائب وارده به دو نفس مقدس مظهر ظهور یعنی حضرت باب اعظم و حضرت بهاء الله ، دوم مصائب و ظلمهائی که به احبای الهی وارد شده است .

تحقیق سوم ، بیاناتی زیارت میشود که کلمات امریه و تکلیفی است و ذکر قسم و سوگند برای تاکید بیشتر در اجرا و اطاعت آن اوامر تکلیفی است . از قبیل امر به تبلیغ ناس توسط احبای الهی و امر به اجرای عدالت و رعایت انصاف به رؤسای ارض و علمای وقت و امثال آن که در متون الواح مبارکه نازل شده است .

مشخصات کتب و مآخذ

ردیف نام کتاب

۱ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۳۴ ، چاپ مصر .

- ۲ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۵۷ .
- ۳ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۲۶ .
- ۴ آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۳۸۵ .
- ۵ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۱۲ .
- ۶ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۱ .
- ۷ الاتقان فی علوم القرآن ج ۲ ص ۴۲۱ ، تالیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی .
- ۸ الاتقان فی علوم القرآن ج ۲ ص ۴۲۵ .
- ۹ الاتقان فی علوم القرآن ج ۲ صفحات ۴۲۲ و ۴۲۳ .
- ۱۰ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۹۹ .
- ۱۱ آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۲۱۸ (سورة الاصحاب) .
- ۱۲ کتاب بدیع ص ۳۲۴ .
- ۱۳ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۷۸ .
- ۱۴ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۳۷ .
- ۱۵ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۶۴ .
- ۱۶ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۲۹ .
- ۱۷ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۷۱ .
- ۱۸ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۶۰ .
- ۱۹ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۶۷۰ .
- ۲۰ لوح سلطان . آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۷۰ . اعراب گذاری از روی نسخه تنظیم: عزیزالله سلیمانی اردکانی در تاریخ ۱۱۵ بدیع . مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۳۲ بدیع .

ص ۲۹۴

- ۲۱ سورة الاحزان ، آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۷۶۰ .
- ۲۲ لوح احباب . آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۱۰۴۰ .
- ۲۳ آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۱۷۰ .
- ۲۴ سورة البیان . آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۲۹۵۰ .
- ۲۵ لوح نصیر . مجموعه الواح مبارکه ص ۱۹۶ . چاپ مصر .
- ۲۶ سورة الاصحاب . آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۲۱۶۰ .

- ۲۷ سورة الاصحاب . آثار قلم اعلى ج ۴ ص ۲۱۸ .
 ۲۸ سورة القميص . آثار قلم اعلى ج ۴ ص ۳۲۲ .
 ۲۹ آثار قلم اعلى ج ۲ ص ۶۶ .
 ۳۰ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۴۵ .

ص ۲۹۵

روش پانزدهم

اساليب الواح مبارکه

فصاحت و بلاغت

ايجاز - اطناب - لحن

ص ۲۹۶

فصاحت و بلاغت - ايجاز - اطناب - لحن

در روش های قبل انواع اسلوب الواح که ارتباط تام با شان لوح و مخاطب دارد به اجمال مورد تحقیق قرار گرفت . در این روش به شناخت و تحقیق مقدماتی در اساليب انشائی و فصاحت و بلاغت در الواح مبارکه و نیز اشاره باختصار در علوم معانی و بیان خواهد گردید تا آشنائی مختصری با اصطلاحات بکار رفته حاصل گردد .

در مقدمه این فصل از مطالعه الواح مبارکه ذکر سه مطلب بنظر لازم و ضروری میرسد .

اول : جمال قدم در لوح قناع اشاراتی فرموده اند به " قواعد القوم " و علم معانی و بیان خطاب به حاج محمد کریم خان کرمانی (مخاطب لوح) . و او را سرزنش فرموده اند - مضمون بیان مبارک اینست که ۱ : تو مطلع بر قواعد و اصطلاحات قوم نیستی و به رضوان علم معانی و بیان وارد نشده ئی و فصاحت و بلاغت و مجاز و تشبیه و استعاره را نمیشناسی و من بتوالقاء میکنم تا مطلع شوی بر جهل خودت ، اگر باشی از منصفین . بعد در ادامه لوح وی را نصیحت میفرمایند که به کتب بیان و بدیع مراجعه کند تا از قواعد قوم (بنظر نگارنده اینطور میرسد که مقصود قواعد نویسندگی در قوم عرب است) مطلع شود . از مطالعه این بیان مبارک اینگونه فهمیده

میشود که قواعد قوم در فن نویسندگی مورد عنایت مبارک بوده و با توضیح دیگری که بعداً خواهد آمد تحقیق در این روش برای آشنائی به اسلوب الواح مجاهده بیهودهئی نخواهد بود .

دوم : جمال قدم جلّ جلاله در لوح قناع خطاب باو میفرمایند که در سنجش و بررسی بیان ، میزان ، آیات و الواح الهیست نه قواعد قوم ، بیان مبارک در قسمتی از لوح قناع اینست قوله جلّ بیانه ۲ : " تو و امثال تو گفته اند که کلمات باب اعظم و ذکر اتم غلط است و مخالف است بقواعد قوم * هنوز آنقدر ادراک ننموده که کلمات منزله الهیه میزان کلاست و دون او میزان او نمیشود * هریک از قواعدی که مخالف آیات الهیه است آن قاعده از درجه اعتبار ساقط " ۰

ص ۲۹۷

سوم : در مطالعه و تحقیق در اسلوب الواح مبارکه ، سعی و کوشش در این خواهد بود که : اصل و میزان و معیار سنجش بلاغت و فصاحت در الواح ، کلمات الهیست که تامة و مقیاس سنجش است و کوشش در شناخت اسلوب الواح برای آشنائی به سبک ادبی و شیوه نثر در آثار مبارکه است . و نیز با دقت کامل و توجه تام به اینکه در هر موردی که تغایری مشاهده شد با قواعد قوم ، ما بهائیان موظف به قبول بلا شرط در پذیرش کلام وحی به هر نوع وجه و سبکی که نازل گردیده میباشیم و این بیان مبارک قلم اعلی در لوح اشراقات که در مواضع متعددی در این رساله به آن استناد گردیده ، ما را کفایت میکند که مطیع صرف در بیانات الهیه باشیم . قسمتی از بیان مبارک در یفعل ما یشاء بودن مظهر الهی (دارای عصمت کبری و عصمت ذاتی است) در هر امری اینست قوله جلّ بیانه : " و اما العصمة الکبری لمن کان مقامه مقدسا عن الاوامر و النواهی و منزها عن الخطاء و النسیان انه نور لا تعقبه الظلمة و صواب لا یعتریه الخطاء " .

مباحث و تعریفات کلی در علم معانی و بیان را از کتب تالیف شده در این زمینه استخراج و تلخیص نموده تا مطالعه آن آسان و سبب کسالت نگردد .

تعریف علم بلاغت (معانی و بیان)

تعریف کلی ۳ : وسیله انتقال معانی و مفاهیم است به دیگران .

بلاغت در لغت به معانی مختلف تعریف شده است به شرح ذیل :

(۱) در لغت به معنای جوان شدن و در اصطلاح بلغاء عبارت است از ایراد کلام فصیح

به مقتضای حال شنونده ۴ . (۲) و تعریف دیگرش این است : بلاغت را از آن رو بلاغت گفته اند که معنی و مقصود را به قلب شنونده نقش میکند . . . و بلاغت صفت کلام است ۵ . (۳) و نیز تعریف شده است ۶ : در لغت چیره زبانی ، شیوا سخنی ، زبان آوری . در اصطلاح معانی بیان ، رسیدن به مرتبه کمال در ایراد کلام به رعایت مقتضای حال - بلاغت کلام ، مطابقت آنست با مقتضای حال ، و مقصود از حال امری است که سبب

ص ۲۹۸

تکلم شده است بر وجهی خاص همراه فصاحت کلام - مضمونی که از حشو و زوائد خالی باشد و همه آن نیکو و نزدیک به فهم بود .

تعریف علم معانی

تعریف علم معانی ۷ : معانی در لغت یعنی مقاصد و در اصطلاح ، اصول و قواعدی است که چگونگی کلام و مطابقت آن با مقتضای حال و مقام شنونده را می شناساند و در هر زبانی مورد استفاده قرار میگیرد و معرف ادبیات زبان است و فایده اش اینست که گوینده و نویسنده را از دقائق و حقایق فصاحت و بلاغت مخصوصا در نظم و نثر عربی و فارسی آگاه می سازد تا کلام خوب را از بد تمیز دهد ۷ . و نیز تعریف دیگری از آن اینست ۸ : معانی در لغت به معنی ، معنی ها ، مفهوم ها ، منظورها ، مدلول ها و مضمون ها - علم معانی : علمی است که شناخته میشود به آن احوال لفظ عربی و غیره به نهجی که به سبب آن مطابق باشد لفظ مقتضای حال را .

تعریف علم بیان

تعریف اول ۹ : بیان در لغت یعنی آشکار و ظاهر شدن و در اصطلاح ، علمی است که بدان ، کیفیت و چگونگی ایراد یک معنی به طرق مختلف ، آنطور که پس از رعایت مقتضای حال در وضوح دلالت بر آن معنی هم مختلف باشد ، شناخته شود . تعریف دوم ۱۰ : هویدا گشتن - آشکار شدن - شرح ، تعبیر ، توضیح - فصاحت ، زبان آوری .

تعریف علم بدیع ۱۱ : بدیع در لغت یعنی تازه و نوآورده و در اصطلاح علمی است که بدان ، وجوه محسنات کلام پس از رعایت فصاحت و بلاغت آن شناخته می شود و به وسیله آن کلام زینت و آرایش به خود می گیرد و مورد پسند شنونده واقع میگردد .

مباحثی که در علم معانی مورد بحث قرار می گیرد ۱۲ : (۱) اسناد خبری . (۲) قصر .
 (۳) انشاء . (۴) وصل و فصل . (۵) ایجاز و اطناب و مساوات .
 مباحثی که در علم بیان مورد بحث قرار می گیرد (۱) - حقیقت . (۲) مجاز .
 (۳) تشبیه . (۴) استعاره . (۵) کنایه .

فصاحت فصاحت در لغت ۱۳ : گشاده زبان شدن - سخن فصیح . و فصاحت در اصطلاح ادبی بر سه قسم است : فصاحت کلمه ، فصاحت کلام ، فصاحت متکلم - فصاحت کلمه عبارتست از سلامت آن از غرابت و تنافر حروف - فصاحت کلام ، عبارتست از خلوص آن از تنافر کلمات و ضعف تالیف و تعقید لفظی و معنوی - فصاحت متکلم عبارتست از توانائی متکلم بر تالیف کلام فصیح .

صنعت ایجاز چند تعریف برای صنعت ایجاز شده است که عبارتند از :
 تعریف اول ۱۴ : کوتاه کردن سخن - از نظر علم بلاغت در علم بدیع آنستکه لفظ اندک بود و معنی آن بسیار - تعریف دوم ۱۵ : اداء المقصود باقل من العبارة المتعارفة .
 تعریف سوم ۱۶ : ایجاز ، محصور کردن بلاغت است بر پایه حقیقت ، و آنچه از مقدار حاجت تجاوز کند زائد و داخل در باب بیهوده گوئی و خطا است .
 تعریف چهارم ۱۷ : حذف زوائد و قرب معانی دور از فهم .
 تعریف پنجم ۱۸ : ایجاز عبارتست از بیان مقصود و معنی در کوتاهترین لفظ و کمترین عبارت مشروط بر آنکه رساننده مقصود باشد .

صنعت اطناب چند تعریف برای اطناب گفته شده است :
 تعریف اول ۱۹ : مبالغت کردن در سخن .
 تعریف دوم ۱۹ : دراز دادن و طول دادن در کلام .
 تعریف سوم ۲۰ : آوردن الفاظیست زائد بر معنی و زیاده بر اقتضای تفهیم مرام .
 حقیقت ۲۱ : هرگاه لفظ بدون هیچگونه تصرفی در معنائی که برای ابتداء وضع

شده است استعمال شود آن را حقیقت گویند ، مانند لفظ شیر که برای حیوان درنده وضع

شده است .

مجاز ۲۲ : هرگاه آن (لفظ) را با قرینه به معنای دیگری استعمال کنند آن را مجاز گویند - و نیز این طور تعریف شده ۲۳ : در لغت به معنی کنایه و استعاره . کلمه که در غیر معنی خود مستعمل شود و معنی موضوع حقیقی آن متروک نشده باشد بلکه در معنی موضوع له علاقه مشابَهت یا ظرفیت یا سبب و غیر آن محقق باشد . چنانکه اطلاق شمس بر ضوء و اطلاق کل بر جزء مثلا انامل را اصابع گفتن کقوله تعالی "يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ" (سوره بقره ، آیه ۱۸/۲) و اطلاق آلت شیئی را بر آن شیئی مثلا حروف و خط را قلم گفتن .

تشبیه ۲۴ : تشبیه در لغت مانند نمودن چیزی به چیز دیگر است در صفتی که بین هر دو مشترک باشد . مثال : پرویز در صفت شجاعت مانند شیر است . و بر چهار قسم است . تشبیه محسوس به محسوس ، تشبیه معقول به معقول ، تشبیه محسوس به معقول ، تشبیه معقول به محسوس - و در کتاب آئین سخن این طور تعریف شده ۲۵ : تشبیه مشارکت دادن دو طرف است در یک امر یا در وصفی از اوصاف با الفاظ خاص و معین مانند : " علم در هدایت چون نور است " . در این مثال سه جزء وجود دارد : اول علم ، دوم نور ، سوم هدایت ، . علم را " مشبه " و نور را " مشبه به " (طرفین تشبیه) و هدایت را که امری مشترک در طرفین تشبیه است " وجه شبه " و " چون " را ادات تشبیه گویند . ادات تشبیه عبارتند از : چون ، چو ، همچون ، همچو ، مانند ، همانند ، بسان ، مثل ، مثال ، بصورت ، چنان ، بمثل ، پنداری ، گوئی ، گفتی و امثال اینها .

استعاره : در کتاب معیار البلاغه چنین تعریف شده است ۲۶ : استعاره : استعاره در لغت به معنای عاریت خواستن و در اصطلاح لفظی است که در غیر معنای اصلی خود با علاقه مشابَهت استعمال شود چنانکه گویند ، سروناز از درآمد - و در بخش دیگری از

ص ۳۰۱

کتاب با ذکر مثالی از قرآن کریم آنرا شرح داده است ۲۷ : و از آن جمله است کلام خداوند عزّ اسمّه : " أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَاحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا " (سوره انعام ، آیه ۱۲۲ : نور را بجای هدی استعمال فرموده زیرا روشن تر است . و ظلمت را بجای کفر زیرا مشهور تر است .

تفسیر ۲۸ : آن است که کلامی به طور اجمال ایراد شود و کلامی دیگر که آن را شرح دهد بدنبال آن روند .

مباحث دیگر در کلام مباحث دیگری در کلام که در آثار مبارکه نیز بکار رفته است و آگاهی به آنها سودمند است عبارتند از : (۱) جمع . (۲) تفریق . (۳) جمع و تفریق . (۴) اشاره . (۵) فقره . (۶) فصل و وصل .

جمع ۲۹ : آن است که چند چیز را در تحت یک حکم قرار دهند .

تفریق ۳۰ : تفریق آن است که بین دو چیز که از یک نوع است در حالت و صفت یا شباهت جدائی اندازند و هریک را به صفتی خاص مشخص نمایند .

جمع و تفریق ۳۱ : آن است که چند چیز در تحت یک حکم قرار دهند سپس آنها را از جهات مختلف از یکدیگر جدا کنند .

اشاره ۳۲ : اشاره آن است که با لفظی اندک معانی زیادی همراه باشد .

فقره ۳۳ : در نثر ، هربخش از عبارات آنرا فقره گویند زیرا بمنزله بیت است در نظم .

سهل و ممانع ۳۴ : سلیس و روان ، سهل و آسان ، برگزیدگی از جهت لفظ ، رسائی معانی و مفاهیم ، حسن مطلع و لیت مقطع ، تساوی تقسیم ، تعادل اطراف و جوانب کلام ، تشابه صدر و عجز و توافق آخر کلام به اول آن ... و معانی با الفاظ مطابقت داشته باشد .

بیانات مبارکه در باره سهل و ممتنع در لوحی اشاره به اسلوب سوره ملوک

ص ۳۰۲

میفرمایند قوله الاعلی ۳۵ : " حرکت قلم اعلی در میادین الواح باطوار مختلفه مشاهده میشود در مقامی مطلب بایجاز نازل این بیان موسوم است به سهل و ممتنع و در مقامی جمع مابین مقامین لذا در سوره ملوک آیات مذکوره باختصار ذکر شده و این افصح است .

نمونه هائی از الواح مبارکه

ایجاز در لوح تجلیات مراتب عرفان و استقامت در امرالله را بیان فرموده اند قوله الاعلی : " تجلی دوم استقامت بر امرالله و حبه جل جلاله بوده و آن حاصل نشود مگر بمعرفت کامل و معرفت کامل نشود مگر باقرار بکلمه مبارکه یفعل ما یشاء "

بنظر میرسد که کلمات الهی در نهایت کوتاهی و اختصار ، اصول و مبادی امر در توحید را بیان فرموده اند .

اطناب در لوح اشراقات در جواب سائل (ملا جلیل خوئی) از عصمة کبری ، در این لوح مبارک ، معانی عصمت و عصمت کبری و روابط هر فردی را با مقام آنکه دارای عصمت کبری (مظهر الهی) است با کلمات بیّنه بتفصیل بیان فرموده اند تا برای هر طبقه از افراد اهل عالم با هر نوع سوابق گذشته اعتقادات مذهبی و دینانی قابل درک و فهم بوده و محلی برای شبهه و تردید باقی نماند . قسمتهائی از بیانات مبارکه که بنظر میرسد نمونه کاملی از صنعت اطناب است درج میگردد قوله تعالی : " فاعلم للعصمة معان شتى ومقامات شتى ان الذى عصمة الله من الزلل يصدق عليه هذا الاسم فى مقام وكذلك من عصمه الله من الخطا والعصيان ومن الاعراض والكفر ومن الشرك وامثالها يطلق على كل واحد من هؤلاء اسم العصمة الكبرى لمن كان مقامه مقدسا عن الاوامر والنواهي ومنزها عن الخطاء والنسيان وانه نور لا تعقبه الظلمة و صواب لا يعتريه الخطاء لو يحكم على الماء حكم الخمر وعلى السماء حكم الارض وعلى النور حكم النار حق لا ريب فيه وليس لاحد ان يعترض عليه او يقول لم وبم والذى اعترض انه

ص ۳۰۳

من المعرضين فى كتاب الله رب العالمين انه لا يسئل عما يفعل وكلّ عن كل يسئلون انه اتى من سماء الغيب ومعه راية يفعل ما يشاء وجنود القدرة والاختيار ولدونه ان يتمسك بما امر به من الشرايع والاحكام لويتجاوز عنها على قدر شعرة واحدة ليحبط عمله " . و در ادامه این لوح منبع بار دیگر به تفصیل بیان مقام عصمت کبری را میفرمایند : " ارادة الله لم تكن محدودة بحدود العباد انه لا يمشى على طرفهم للكل ان يتمسكوا بصراطه المستقيم انه لو يحكم على اليمين حكم اليسار او على الجنوب حكم الشمال حق لا ريب فيه انه محمود فى فعله ومطاع فى امره ليس له شريك فى حكمه ولا معين فى سلطانه يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد ثم اعلم ما سويه مخلوق بكلمة من عنده ليس لهم حركة ولا سكون الا بامر واذنه " .

مجاز

نمونه اول : قلم اعلى

نمونه دوم : در مناجاتی میفرمایند ۳۶ : " از توام و بتو آمدم قلبم را بنور معرفت منیر فرما " .
تشبیه

تشبیه محسوس به معقول نمونه اول ، در کلمات مکنونه است : " قلب را به صیقل روح پاک کن " . نمونه دوم ، در مناجاتی است ۳۷ : " دریا های عالم بر رحمت محیطه ات شاهد و گواه " . نمونه سوم ، و نیز در همین مناجات تشبیه معقول (خدای تعالی) به دریای کرم و مخلوق و بنده خداوند به قطره تشبیه شده است : " ای دریای کرم قطره بشطرت توجه نموده و ای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده " . و آفتاب را که محسوس است به معقول تشبیه فرموده اند . نمونه چهارم در لوحی است قوله الاعلی ۳۸ : " نداء الله از شطر عکا مرتفع و میفرماید طوبی از برای نفوسیکه الی الله توجه نموده اند و ندای الهی را بگوش سَر و سِرّ اصغا کرده اند " .

ص ۳۰۴

تشبیه معقول به محسوس نمونه اول ، در مناجاتی میفرمایند ۳۹ : " حمد و ثنا و شکر و بها تراسزا است که گنج شناسائی را در دل ودیعه گذاری " . در این بیان معقول را که شناسائی یا معرفت الهی است به گنج تشبیه فرموده اند ، نمونه دوم ، و نیز در مناجاتی تشبیه معقول است به محسوس ۴۰ : " امروز نور ناطق و نار متکلم و خورشید حقیقی مشرق " . نمونه سوم ، و نیز در لوحی امر الهی را به شمس و موجودات را به مرایا که هر دو از محسوسات اند تشبیه فرموده اند قوله العزیز ۴۱ : " ای حسین امر حق را الیوم چون شمس ملاحظه نما و جمیع موجودات را مرایا و هریک از مرایا که بشمس توجه نمود و مقابل گشت صورت او در او ظاهر و هویدا و الیوم قلبیکه مقابل شد با جمال ابهی انوار وجه در او ظاهر و مشهود و من دون ذلک محروم بل مفقود و الیوم مقابل نشده مگر معدودی " .

تشبیه محسوس به محسوس نمونه اول ، در همان نمونه سوم از تشبیه محسوس به معقول ، انسان را که محسوس است به قطره تشبیه فرموده اند . نمونه دوم ، در لوح برهان شیخ محمد باقر نجفی را به ذئب و محمد حسین امام جمعه اصفهان را به رقشاء (ماری ترسناک با خال سفید و سیاه که مونث آن رقشاء است) تشبیه فرموده اند ، نمونه سوم ، در لوحی نازل قوله العزیز ۴۲ : " جَعَدِي حَبْلِي مَنْ تَمَسَّكَ بِهِ لَنْ يَضِلَّ " .

تشبیه معقول به معقول جمال کبریائی در ایقان شریف در شرح اسرار خلق جدید در هر ظهوری میفرماید قوله جل بیانه ۴۳ : " همچنین این نفوس هم از اکسیر الهی در آنی عالم ترابی را طی نموده بعوالم قدسی قدم گذارند * و بقدمی از مکان محدود بلا مکان الهی واصل شوند * جهدی باید تا باین اکسیر اعظم فائز شوی که در یک آن مغرب جهل را بمشرق علم رساند * ". در این بیان مبارک جهل را به مغرب و علم را به مشرق که اولی حکایت از ظلمت و دومی حکایت از نور و روشنائی است .

ص ۳۰۵

جمع در تعریف جمع آورده شد که چند چیز را تحت یک حکم قرار دهند ، جمال کبریائی در شرح اینکه همه مظاهر الهی از یک منبع ظاهر شده اند میفرماید قوله الاعلی ۴۴ : " باری این انوار از یک مصباح ظاهر شده اند * و این اثمار از یک شجر روئیده اند " " اینست که نقطه بیان روح ما سواه فداه شمس احدیه را بشمس مثال زده اند که اگر از اول لا اول الی آخر لا آخر طلوع نماید همان شمس است که طالع میشود " .

تفریق در تعریف تفریق آورده شد که بین دو چیز که از یک نوع است در حالت و صفت و شباهت جدائی اندازند و هریک را بصفتی خاص مشخص نمایند . جمال کبریائی در شرح مقامات مظاهر الهی و استدلال بر وحدت آنان در ماموریتشان من جانب الله ، بیان دیگری میفرماید مشعر بر اینکه در ظاهر ، انبیای الهی نفوس مقدسه هستند که در دور و زمان و از محلها و مکانهای متفاوت ظاهر میشوند که در ظواهر امور دنیوی با یکدیگر متفاوت اند . عین بیان مبارک اینست قوله جلّ بیانه ۴۵ : " و اگر گفته شود که بحدود اسمی و رسمی غیر همنام آنها صادق است چنانچه می بینی با اینکه یکشیء اند * با وجود این در هر کدام اسمی دیگر و خواصی دیگر و رسمی دیگر ملحوظ میشود که در غیر آن نمیشود "

مقامات جمع و تفریق در تعریف جمع و تفریق آورده شد که آن آنست که چند چیز را در تحت یک حکم قرار دهند سپس آنها را از جهات مختلف از یکدیگر جدا کنند . جمال کبریائی در ایقان شریف این مطلب را به تفصیل بیان فرموده اند و آن اینست که منبع ارسال همه آنها ذات احدیت است و همه دارای یک ماموریت و رسالت اند (مقامات جمع) ولی هر کدام به اسمی و رسمی و عهدی متفاوت از محلی متفاوت ظهور کرده اند

(مقامات تفریق) و این شرح و توجیه به تفصیل که از بیانات مقدسه حضرت نقطه اولی جل اسمہ الاعلیٰ کہ مظاهر الہی را بہ شمس مثال زدہ اند در معارف این امر مبارک آغاز و در ایقان شریف بہ بلیغ ترین و افصح ترین وجہ ممکن نازل

ص ۳۰۶

گردیدہ است . اینست بیان مبارک در ایقان شریف در ذکر مقامات جمع و فرق انبیای الہی قولہ عز بیانہ ۴۶ : " بر اولی العلم معلوم و واضح بودہ کہ چون نار محبت عیسوی حجابات حدود یهود را سوخت * و حکم آن حضرت فی الجملہ بر حسب ظاهر جریان یافت روزی آن جمال غیبی ببعضی از اصحاب روحانی ذکر فراق فرمودند * و نار اشتیاق افروختند * و فرمودند کہ من میروم و بعد می آیم * و در مقام دیگر فرمودند من میروم و میاید دیگری تا بگوید آنچه من نگفتہ ام * و تمام نماید آنچه را کہ گفتہ ام * و این دو عبارت فی الحقیقہ یکی است * لو انتم فی مظاهر التوحید بعین اللہ تشہدون * و اگر بدیدہ بصیرت معنوی مشاہدہ شود فی الحقیقہ در عہد خاتم ہم کتاب عیسی و امر او ثابت شد در مقام اسم کہ خود حضرت فرمود منم عیسی * و آثار و اخبار و کتاب عیسی را ہم تصدیق فرمود کہ من عند اللہ بودہ * در این مقام نہ در خودشان فرقی مشہود * و نہ در کتابشان غیریتی ملحوظ زیرا کہ ہر دو قائم بامر اللہ بودند * و ہم ناطق بذکر اللہ * و کتاب ہر دو ہم مشعر بر اوامر اللہ بود * از این جہت است کہ خود عیسی فرمود (من میروم و مراجعت میکنم) بمثل شمس کہ اگر شمس الیوم بگوید من شمس یوم قبلم صادق است * ... * و اگر گفتہ شود کہ بحدود اسمی و رسمی غیر ہمند آنہم صادق است چنانچہ می بینی با اینکه یکشی اند * با وجود این در ہر کدام اسمی دیگر و خواصی دیگر و رسمی دیگر ملحوظ میشود کہ در غیر آن نمیشود * و بہمین بیان و قاعدہ مقامات تفصیل و فرق و اتحاد مظاهر قدسی را ادراک فرمائید " " باری این انوار از یک مصباح ظاہر شدہ اند * و این اثمار از یک شجرہ روئیدہ اند ... انشاء اللہ از ارض نفی احتراز جوئیم * و ببحر اثبات درآئیم تا جمیع عوالم جمع و فرق و توحید و تفریق و تحدید و تجرید الہی را ببصریکہ مقدس از عناصر و اضداد است مشاہدہ کنیم ."

ص ۳۰۷

نمونه هائی از فصاحت و بلاغت در بیانات مبارکه

گرچه آنچه از قلم وحی بیرون میآید نمونه فصاحت و بلاغت است. در اینجا نمونه هائی جهت بررسی در این قسمت نقل میگردد:

نمونه اول ، لوح غلام الخلد نمونه در نهایت کمال است در شیوه نثر بلیغ و فصیح از قلم منزل آیات که مفاهیم و مقاصد ظاهره و مستوره در آن مملو از ایجاز ، مجاز ، استعاره و اطناب است قوله جل بیانه ۴۷ : " إِذَا قَدْ فَتِحَ أَبْوَابُ الْفِرْدَوْسِ وَ طَلَعَ غُلَامُ الْقُدُسِ بُنْعَبَانٍ مُبِينٍ فَيَا بُشْرَى هَذَا غُلَامُ الْخُلْدِ قَدْ جَاءَ بِمَاءٍ مَعِينٍ وَ عَلَى وَجْهِهِ نِقَابٌ نُسِجَ مِنْ أَصْبَعِ عَزِّ قَدِيرٍ ... وَ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْجَمَالِ وَ اسْتِضَاءٌ مِنْهُ أَهْلُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ ... وَ هَذَا مِنْ نُقْطَةِ فُصِّلَتْ عَنْهَا عُلُومُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ " .

نمونه دوم ، در لوح مبارک شیوه نثر و مضامین ادبی در آن برای ارتباط معنوی و روحانی با احبای الهی ، و نیز فقراتی که در متن لوح تعلیم و انتباه احبّادر کلام وحی مشاهده میشود در غایت و نهایت اعجاز است طوبی للمتفرّسین و للسامعین ۴۸ : " گوشه میخانه محبت الهی آرامگاه منزل جان است زیرا که جان رقیق و لطیف جز در هوای جانان طیر ننماید و غیر محفل دوست مقرّی نیابد ، و شکر این ساقی خمر بقا را باید در جمیع اوقات بتمام جان و روان قیام و اقدام نمود ، و معنی این شکر شکری است که گوشرا از استماع چنگ و بریط ظاهری پاک سازد تا از نواهای قدس معنوی ادراک نماید ، و چشم را از ملاحظه جمال ظاهره مکدره منع نماید تا از مشاهده جمال هوّیه نصیب بردارد ، فرخنده گوشتی که از این شاهباز هوای الهی شهناز ملکوتی را استماع فرماید و از این طلعت عراقی نواهای عزّ حجازی بشنود تا همه جسمش جان شود و تمام جسدش منزل و مقرّ جانان گردد ، و لکن قسم بخدا نمیشنود احدی و ادراک نمینماید نفسی زیرا که این مزممار احدیّه را مضرابی از جوهر روح باید و این چنگ صمدیه را آهنگ نور شاید " .

نمونه سوم ، نمونه از بیانات مبارکه که در آن شیوه فصاحت کلام و انشاء خبری (خبر از ظهور جدید به ناپلئون سوم امپراطور فرانسه) در نهایت اعجاز نازل شده است

ص ۳۰۸

قوله الاعلیٰ ۴۹ : " قل یا ملک الباریس نباء القسیس بان لا یدق النواقیس تالله الحق قد ظهر النافوس الافخم علی هیکل الاسم الاعظم و تدقه اصابع مشیة ربّک

العلیٰ الاعلیٰ فی جبروت البقاء باسمه الابهیٰ كذلك نزلت آیات ربك الاکبریٰ " .
 نمونه چهارم ، یکی از بیانات مبارکه در شرح توحید و تعلیم توحید که در شرح ذات و
 کینونیت الهی و بیان ازلیت و قدمیت و خالقیت خداوند متعال به اسلوب و روشی
 بدیع و بلیغ و فصیح نازل گردیده که جز در سایر آثار مشابه قلم اعلیٰ در تاریخ
 ادیان بیسابقه و نظیر و احبای الهی آشنائی کاملی با این لوح مقدس دارند . قوله
 الاعلیٰ ۵۰ : " هو الباهی البهی الابهیٰ حمد مقدس از عرفان ممکنات و منزله از
 ادراک مدرکات ملک عزّ بی مثالیرا سزااست که لم یزل مقدس از ذکر دون خود بوده و
 لایزال متعالی از وصف ما سوی خواهد بود " " چه بلند است بدایع ظهورات عزّ سلطنت
 او که جمیع آنچه در آسمانها و زمین است نزد ادنی تجلی آن معدوم صرف گشته و چه
 مقدار مرتفع است شئونات قدرت بالغه او که جمیع آنچه خلق شده از اوّل لا اوّل الی
 آخر لا آخر از عرفان ادنی آیه آن عاجز و قاصر بوده و خواهد بود * هیاکل اسماء لب
 تشنه در وادی طلب سرگردان * و مظاهر صفات در طور تقدیس ربّ ارنی بر لسان * موحی
 از طمطمّاح رحمت بی زوالش جمیع ممکنات را بطراز عزّ هستی مزین نموده * و نفحه از
 نفحات رضوان بی مثالش تمام موجودات را بخلفت عزّ قدسی مکرم داشته * و برشحه مطفحه
 از قمقام بحر مشیت سلطان احدیتش خلق لا نهایی بما لا نهایی را از عدم محض بعرصه
 وجود آورده لم یزل بدایع جودش را تعطیل اخذ ننموده و لا یزال ظهورات فیض فضلش را
 وقوف ندیده " .

اطوار الواح در لوحی به اطوار حرکت قلم اعلیٰ اشاراتی صریح میفرمایند قوله الاعلیٰ ۵۱ :
 " حرکت قلم اعلیٰ در میادین الواح باطوار مختلفه مشاهده میشود در مقامی مطلب بایجاز نازل
 این بیان موسوم است بسهل و ممتنع و در مقامی جمع ما بین مقامین لذا در

ص ۳۰۹

سوره ملک آیات مذکوره باختصار ذکر شده و این افصح است " .

لحن الواح روش دیگری که میتوان در اسلوب الواح مبارکه تحقیق نمود لحن الواح
 مبارکه و تغیر در لحن الواح است . این تغیرات را در طول مدت سالهای رسالت و
 حیات مبارک از شروع آن در زندان سیاه چال و اظهار امر خفی تا آخرین روزهای حیات
 ظاهری مبارک بوضوح میتوان تجربه نمود . برای سهولت در تحقیق و تشخیص لحن هر لوحی
 بنظر میرسد که لازم است به بیانات حضرت ولیّ مقدس امرالله در باره حیات مبارک در

گاد پاسزبای مراجعه شود - حضرت شوقی افندی ربانی ولی امرالله جلّ سلطانه حیات مبارک را به چهار بخش تقسیم فرموده اند به شرح ذیل ۵۲ :

مرحله اولی : دوره بیست و هفت ساله ایست که آن وجود مقدس از زندگانی مرفه و پر آسایشی که لازمه یک خاندان بزرگ و صاحب ثروت و غنا است کاملاً برخوردار بودند و در آن دوران توجه مبارک به دستگیری فقرا و اعانت مرضی و حمایت و سرپرستی ملهوفین و محتاجین معطوف بود *

مرحله ثانی : " دوره نه ساله ایست که بعنوان یکفرد بابی ممتاز و مشخص در خدمت امر حضرت باب و تبلیغ و اعلاء آنحضرت مصروف گردید " .

مرحله ثالث : " زندان چهار ماهه طهران است که آن هیکل اعزّ اطهر را بمخاطرات عظیمه گرفتار و باحزان و آلام شدید مبتلا ساخت و چون نزدیک بانتهی رسید با ظهور قوای ساریه فائضه خلاقه که نتیجه شروق تجلیات الهی و سطوع انوار یزدانی بود مخلد و جاویدان گردید " .

مرحله چهارم : " با تبعید مبارک از ایران بعراق آخرین و مثمرترین مرحله از مراحل چهارگانه حیات مبارک آغاز گردید " .

بنظر نگارنده ، در یک تقسیم بندی فرعی دیگر که در متن توقیع منبع گاد پاسزبای در شرح تاریخ حیات مبارک بان اشاره شده است - نزول الواح و آیات در مراحل حیات

ص ۳۱۰

مبارک از شروع حرکت از طهران به عراق عرب و اقامت دهساله در بغداد و کردستان و سپس حرکت از بغداد بطرف اسلامبول و خاتمه سرگونی در عکا تا انتهای حیات ظاهری و مفارقت ظاهری با عالم انسانی و احبای الهی ، توسط عالم جلیل القدر جناب عبد الحمید اشراق خاوری در کتاب گنج شایگان ، تنظیم و تقسیم بندی شده و الواح مبارکه درج شده است . نمونه هائی از این قبیل از الواح الهی با بررسی باختصار در چگونگی تغییر لحن الواح که در آنها از نزول وحی و رسالت و اثبات امر جدید و نصایح و اندازات به روسای ارض و مکاتبات و مراسلات و ارسال جواب به مراسلات و عریضه های احبا و تشویق آنان در راسخ ماندن در امر و سرپرستی و حمایت و ارشاد اهل بیان و نفی و طرد معرضین و ناقضین عهد اعلی و لحن مهیمن در اعلان امر و اوامر و نواهی درج میگردد .

اول : دوران حیات مبارک در ایران و بغداد قبل از هجرت به کردستان عراق .
 دوم : دوران دوساله هجرت به کردستان عراق (سلیمانیه) .
 سوم : دوران اقامت در بغداد بعد از مراجعت از کردستان عراق .
 چهارم : دوران اقامت دوازده روزه در باغ نجیب پاشا و اظهار امر علنی .
 پنجم : اقامت در اسلامبول .
 ششم : اقامت در ادرنه (ارض سر) قبل از فصل اکبر و طرد میرزا یحیی .
 هفتم : اقامت در ادرنه بعد از فصل اکبر و تطهیر ذیل امرالله از لوث ناکشین عهد
 حضرت ربّ اعلیٰ جلّ اسمه الاعلیٰ .
 هشتم : اقامت و مسجونیت در عکا و سجن اعظم قبل از نزول کتاب مستطاب اقدس .
 نهم : اقامت و مسجونیت در عکا و سجن اعظم بعد از نزول کتاب مستطاب اقدس .
 زیارت و مطالعه و بررسی الواح مبارکه در هریک از مقاطع زمانی فوق نشان دهنده
 تغییر الحان و سبک انشائی و موضوعی است که از قلم وحی جاری و ساری و نازل شده
 است .

ص ۳۱۱

بنظر میرسد که این قسم از روش مطالعه آثار مبارکه برای تحقیق و بررسی الحان کلیه
 الواح از توانائی فرد و یا گروهی خارج و مستلزم زمانی طولانی و ابداع روشی علمی
 است که از عهده توانائی این حقیر بی مقدار خارج است . ولی برای آنکه اشاراتی
 مختصر به تغییرات لحن الواح شده باشد با اقرار و اذعان به قصور و بضاعت ناچیز
 نگارنده ، به ذکر چند نمونه از الواح و آثاری که در طول سالهای سرگونی نازل شده
 و شناخت مقدماتی اسلوب و لحن الواح کاملاً متمایز مشاهده میشود خواهد پرداخت .
 انا کلّ بفضل و عونه آمنون .

سبک و لحن و اسلوب الواح نازله در مراحل نه گانه حیات مبارک

۱ - دوران حیات مبارک در ایران و بغداد قبل از هجرت به کردستان عراق .
 نمونه اول در ایران ، زندان سیاه چال طهران : " قصیده رشح عما " قسمتهائی از این
 قصیده در سایر روشهای این مجموعه درج گردیده و در این قسمت دو بیت از ابیات آن
 درج میگردد قوله الاعلیٰ ۵۲ :

"شمس طراز از طلعت حقّ کرده طلوع سر حقیقت بین کز وجهه ما میریزد "

"یوم خدا از جلوه ربّ شد کامل این نغز حدیث از فتنه طا میریزد"

توضیح در بررسی این ابیات و سایر ابیات نازل در این قصیده متعالی آنچه که بوضوح بنظر میرسد اعلان مظهریت است که خویش را " طلعت حقّ " خوانده و در سالهای بعد در ایقان شریف و سایر الواح سماوی آنرا شرح و معنی فرموده اند و اشاره به یوم الرب در کتب عهد قدیم و جدید و " ایام الله " در قرآن مجید را " یوم خدا " بیان فرموده و اغلب ابیات وجه خبری و اعلان ظهور سرّی و علّنی دارد .

نمونه دوم **لوح کلّ الطعام** منزل در بغداد . به قسمتهائی از این لوح که در تفسیر آیه ۳/۹۳ سوره آل عمران نازل شده در روشهای قبل اشاره گردید - در کتاب گنج شایگان در باره این لوح مطالبی به این شرح درج گردیده ۵۴ : " این لوح بعربی نازل شده و در

ص ۳۱۲

آن شرحی مبسوط از مصائب و بلاهای وارده بر هیکل مبارک و عناد و فساد مفسدین مذکور گردیده و در همین لوح است که حضرت قدوس را به نقطه الاخری ذکر و آیه قرآن را به چندین وجه تفسیر فرموده اند . از جمله اسرائیل را به نقطه اولی و طعام را به علم الهی تاویل فرموده اند .

توضیح متن کاملین لوح در ردیف " ل " باب چهارم مائده آسمانی جزء ۴ صفحات ۴۴۲ الی ۴۵۲ درج گردیده است .

۲ - دوران دوم در کردستان عراق در سلیمانیه " قصیده عز ورفائیه " چند بیت از ابیات این قصیده که وجه خبری و اعلان ربوبیت و مظهریت و بشارت " طوبی " به فائزین لقاء الله و واردین به مدینه شرع جدید و شهادی امرالله داده اند درج میگردد ، قوله الاعلی ۵۵ :

" اجذبتنی بوارق انوار طلعة لظهورها کل الشمس تخفّت
بنفختها صور القیام تنفخت بنفختها ظل الفمام تمّرت
بلمعتها طور البقاء تظهرت لغرتها نور البهاء تجلت
و من حرقتی نار الوقود توقدت و من زفرتی نور الشهود تدوّت
و من حرقلبی دمع عینی حاکیا و من زفر سرّی صفر وجهی تدلّت
کل الالوه من رشح امری تالھت و کل الربوب عن طفح حکمی تربت
فطوبی للفائزین عن حسن وفائهم فطوبی للواردین فی شرع بدیعة

فطوبیٰ للعاشقین فی سفک دمائهم فطوبیٰ للوائقین عن حبل عطوفتی

فطوبیٰ للمخلصین فی ما سرعوا عن کل الجهات فی ظل ربوبتی "

توضیح در مطالعه لحن لوح بوضوح اعلانات مظهریت و ربوبیت و نیز بیان احساسات مبارک در دوران سخت مهاجرت در کردستان و وجه خبری آن در اعلان ظهور و نیز شرع جدید کاملاً مشهود است .

۲ - دوران اقامت در بغداد بعد از مراجعت از کردستان عراق . تعداد سی لوح منیع در

ص ۳۱۳

کتاب گنج شایگان ذکر گردیده و از میان آن الواح الهی ایقان و یک لوح دیگر را برای تحقیق در لحن و اسلوب آیات نازله انتخاب و بررسی کوتاهی میگردد . نمونه اول ، " ایقان شریف " شرح مبسوطی که مولای توانا و حنون حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در باره مندرجات کتاب مستطاب ایقان در گاد پاسز بای تحریر فرموده اند جای هیچگونه محلی برای بحث و صحبت باقی نمیگذارد . آنچه که در اینجا به آن اشاره می شود تاثیر کلام و بیان مولای توانا در باره ایقان شریف است که از نظر لحن و سبک این کتاب مقدس مختصری نگاشته میشود . در گادپاسز بای سبک نگارش آنرا :

A model of Persian prose , of a style at once original , chaste and vigorous , and remarkably lucid both cogent in argument and matchless in its irresistible eloquence , this book setting forth in outline the grand Redemptive Scheme of God , occupies a position unequalled by any work in the entire range of Baha'i literature , except the Kitab-i-Aqdas , Baha'u'llah's Most Holy Book .

(God passes By Page 138)

توضیح در استدلال به حقانیت ظهور حضرت ربّ اعلیٰ جلّ ذکره روشهای نگارش و بیانات

مبارکه مملو از استدلالات عقلی و نقلی و ذکر مقبولات و مسلمات که برای مومنین سایر ادیان قابل قبول باشد بکار رفته است . و احاطه مبارک در معارف اسلامی و علوم قرآن و حدیث خارج از ذکر و توانائی و بیان است . سبک و لحن دیگری که در آن زیارت می شود و در روش سوم به آن اشاره شد لحن اخبار و اعلان ظهور جدید و موعود بیان در پرده و نیز بی حجاب کاملاً مشهود است . اقتباس از این روش و سبک احتجاج و اثبات حقانیت امر در آثار و نوشتجات نویسندگان بهائی پس از نزول ایقان شریف

كاملاً دیده می شود .

نمونه دوم ، سورة القميص ۵۶ : این لوح قبل از ایام رضوان نازل شده ولی مندرجات لوح دلالت بر اعلانات ربوبیت و مظهریت دارد و خطابات و بیانات مهیمنه در باره مقام مبارک خود به اهل بیان نازل فرموده اند . چند فقره از آیات این سوره مبارکه در اشاره به مطالب فوق درج میگردد قوله الاعلی : " قل تالله اذا قد فتح باب القدس عن یمین الفردوس و طلع عنه جمال القدم بسلطان مبینا و هذا هو الذی جعله الله بشیراً للموحدین

ص ۳۱۴

و نذیراً للمشرکین و انه لسراج الله بین السموات و الارض " فسبحان الذی نزل الایات بالحقّ کما نزلت علیّ علیّ بالحقّ و من قبله علیّ محمد رسول الله و من قبله علیّ الروح و من قبله علیّ الکلیم " " قل انا وصیناکم فی البیان بان لا تکفروا بایات الله و کلّ عنده بمقدار قل انا ما نزلنا البیان الا لهذا النبء الذی کان مسطوراً برحیق القدس علیّ الواح " " قد سمعنا نداء الرحمن مرّة اخرى عن جهة العرش فوق الرضوان بان یا جمال القدم اقسامک بجمالی ثم ضیائی ثم امری بان لا تصمت عن نعماتک الاحلی ثم صرف الآیات علیّ لحنک الاخری " " قل تالله قد ظهر جمال الاولی مرّة اخرى تجلی من نور من انوار وجهه اقل من سمّ الابره علیّ من فی السمّوات و الارض " .

توضیح در فقره اول بوضوح مشاهده می شود که جمال کبریائی دعوی عالی و عظیمی را

اعلان میفرمایند و خود را بشیری که سراج خدا در بین زمین و آسمان است و خدا ایشان را " جعله الله " به این ماموریت برانگیخته است . در فقره دوم بیان در حقانیت خود و آیات نازله از قلم مبارک میفرمایند و آن آیات را نزول کلام الهی اعلان فرموده و مشابه و نظیر آیاتی که بر حضرت ربّ اعلیّ و حضرت محمد رسول الله ص و حضرت مسیح روح الله و حضرت موسی کلیم الله بیان میفرمایند . در فقره سوم اهل بیان را نصیحت میفرمایند که بیان نازل مگر برای این ظهور " هذا النبء " در فقره چهارم بوضوح ذکر وحی و رسالت جدید از " قد سمعنا نداء الرحمن مرّة اخرى " که اشاره بظهور مبارک است (پس از کرّه اولی ظهور حضرت ربّ اعلیّ) اظهر من الشمس است . و در قسمت آخر ذکر ظهور مبارک شده که همان ظهور حضرت نقطه اولی است در کرّه اخری و نیز اشاره ای است به حدیث حجابهای نور که در الواح متعددی حدیث حجاب ها

را در متن الواح نازل فرموده اند و حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در گاد پاسزبای
 قسمتهائی از بیانات مبارکه را در اعلان ظهور اعظم نقل فرموده اند قوله الاحلی :
 "The " Myriad veils of light " Whithin which His glory had been wrapped , were, at that
 historic hour , partially lifted , vouchsafing to mankind " an infinitesimal glimmer " of the
 effulgence of His " peerless , His most sacred and exalted Countenance." (God passes by ,
 page 151)

ص ۳۱۵

(برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به کتاب نامه مکنون تالیف نگارنده بخش دوم ، فصل
 چهارم صفحات ۹۱ الی ۹۵) . در الواح نازله در بعد نیز به وحدت این دو ظهور
 اشاراتی بسیار و صریح شده است که در روشهای دیگر به آن اشاره گردید .

۴ - دوران اقامت دوازده روزه در باغ نجیب پاشا و اظهار امر علی .

سورة الصبر ۵۷ : این لوح منیع که باعزاز حاجی محمد تقی ملقب به ایوب در روز اول
 عید رضوان سنه ۱۲۷۹ هـ . ق نازل شده - چند فقره از آیات نازله در این سوره در باره
 ظهور امر جدید زیب این قسمت میگردد قوله تعالی و شانه ۵۸ : " قُلْ قَدْ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا
 بَعْدَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ سَيُرْسِلُ مِنْ بَعْدِي إِلَىٰ آخِرِ الدِّينِ لَا آخِرَ لَهُ بِحَيْثُ لَنْ يَنْقُطَعَ الْفَضْلُ
 مِنْ سَمَاءِ الْعِزَّةِ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ " " سَتَسْمَعُونَ نِدَاءَ السَّامِرِيِّ مِنْ بَعْدِي
 وَ يَدْعُوكُمْ إِلَى الشَّيْطَانِ إِذَا لَا تَقْبَلُوا إِلَيْهِ ثُمَّ اقْبَلُوا إِلَى جَمَالٍ عَزَّ وَجَلَّ ... وَ إِنَّكَ أَنْتَ
 يَا حِينَ لَا تَغْفَلُ عَنْ هَذَا الْحَيْنِ الَّذِي حَانَ بِالْحَقِّ وَ فِيهِ يَهْبُ نَسْمَةُ اللَّهِ عَنْ جَهَةِ قُدْسٍ
 غَرِيبًا وَ إِنَّكَ أَنْتَ يَا آيَتَهَا السَّاعَةُ بَشِّرِي بِهِذِهِ السَّاعَةِ الَّتِي قَامَتْ فِيكَ ... أَنْ يَا أَيُّهَا الْيَوْمُ
 نُورِ الْمُمَكِّنَاتِ بِهَذَا الْيَوْمِ الدَّرِيِّ الْمَشْرِقِيِّ الْأَلْهِيِّ الَّذِي كَانَ عَنْ أَفْقِ الْعِرَاقِ فِي شَطْرِ الْأَفَاقِ مَشْهُودًا".

توضیح در فقره اول بوضوح امتداد ارسال رسل را که یکی از مبادی روحانی امر مبارک
 است بیان میفرمایند و در فقره بعد به اهل بیان اعلان شنیدن " سامری جهل " را
 اخبار میفرمایند که بر اساس تبیینات حضرت ولی امرالله جل سلطانہ بنظر میرسد که همان ندای
 اعراض میرزا یحیی ازل باشد . و در ادامه لوح اشاره بظهور مبارک و تحقق وعده " ساعة "
 در آیات متعددی در قرآن کریم است که بر اساس بیان مبارک نور آن از افق عراق
 عالم را منور خواهد نمود .

۵ - اقامت در اسلامبول .

یکی از آثار نازله مثنوی مبارک است . چند بیت از ابیات نازله درج میگردد قوله تعالی ۵۹: ص ۳۱۶

" ای جمال الله برون آ از نقاب تا برون آید زمغرب آفتاب
نافه علم لدنی برگشا مخزن اسرار غیبی برگشا
تا زمشکت بو برند این مردگان تا ز خمرند خوش شوند این بیهشان
تا برون آید بکلی از حجاب بر درد امکان و هستی را نقاب
تا که انوار رخت آید عیان پر کند نورت زمین و آسمان
بابی از رضوان معنی برگشا سد مکن این باب از بحر خدا
تا درآیم بی حجاب اندر جهان تا کنم رمزی ز احسانت بیان
گفت الله الله ای مرد نکو رمز حق در نزد نادانان مگو
الله الله ای لسان الله راز نرم نرمک گوی و با مردم بساز "

توضیح مثنوی مبارک بسیار مفصل است و از میان ابیات نازله قسمتهائی که آواهای ربوبیت و دعوی جدید و چگونگی اعلان آن به اهل عالم بیان شده انتخاب گردید .

۶ - **اقامت در ادرنه** (ارض سر) قبل از فصل اکبر و طرد میرزا یحیی .

سورة الدّم ، قوله تعالى و شانه ۶۰ : " هذه سورة الدّم قد رشحنا من بحر الغیب
لیکون آية ظهوری بین الخلائق اجمعین ... یا قوم هذا مقام الذی یطفون فی حوله اهل
ملاء الاعلی ثم اهل سرادق البقاء ثم الذین سکنوا خلف لجج الکبرياء "
توضیح در اول و آغاز این لوح امنع اشاره به نزول آن از منبع غیب است و آن را
نشانه ظهور مبارک خود در میان اهل عالم و مقام مبارک خویش را مقامی که در حول آن
ملاء اعلی طواف میکنند اعلان میفرمایند .

۷ - اقامت در ادرنه بعد از فصل اکبر (در کتاب بدیع آنرا " تفریق کبری " بیان
فرموده اند) و تطهیر ذیل امرالله از لوث ناکثین عهد حضرت رب اعلی جلّ اسمه الاعلی .
کتاب بدیع ، قبل از درج قسمتهائی از این لوح منبع شرح کوتاهی که در
کتاب گنج شایگان توسط جناب اشراق خاوری تحریر شده نقل میگردد ۶۱ : ((این لوح در
سال

ص ۳۱۷

۱۲۸۳ هـ . ق . در ادرنه بعد از فصل رهیب اکبر در جواب شبهات یکی از معرضین بیان که

مقیم اسلامبول بود از لسان اطهر بنام آقا محمد علی تنباکو فروش اصفهانی نازل شده. حضرت ولی امرالله در فصل وقایع آن در کتاب قرن بدیع ص ۱۷۲ بیانی به این مضمون میفرمایند: "از جمله آثار مهمه صادره از قلم جمالبارک کتاب بدیع است که در ردّ مفتریات و اعتراضات میرزا مهدی رشتی و جواب اعتراضات اهل بیان نازل شده و مانند کتاب ایقان که در اثبات دعوت الهیه حضرت باب از قلم مبارک نازل شده دارای اهمیت و مقامی عظیم است" ((قسمتی از کتاب بدیع که برای تحقیق در اسلوب آن انتخاب شده اینست قوله تعالی ۶۲: "قوله عظم غله پس چنین شخصی اگر خود و اصحابش در تقریر و تحریر مدعی آن شوند که برتری از ربّ اعلی جسته و هست زهی تناقض و خلاف صریح با مدّعی اول است ادّعی دو امر متناقض از شخصی بزرگ بلکه از هر ذی شعوری قبیح است هیچ عاقلی ادّعی دو امر متناقض صریح نمینماید خصوص اگر ادّعی آن نماید که ربّ اعلی از یک کلمه من ایجاد شده پناه بر خدا که یک فی الجملة تجلّی اشخاص بزرگ ببعضی بجهت امتحان چه ادعاها بروز مینماید و جمعی از عوام هم باور مینمایند و بل تصور تصدیق میکنند انتهی قل للمشرکین اذا لو تسمعون منی فابکوا علی انفسکم ثم نوحوا لقلة عقولکم و درایتکم ذکر امثال آن معرضین در کتاب قبل و بعد نازل قوله تعالی کمثل الحمار یحمل اسفار بگو تناقض وجود خود شما است او را از میان بردار تا جز توحید صرف و تفرید بحث مشاهده نمائی اگر تو بخواهی این ادعا را بفهمی و آنچه فرموده ادراک نمائی که شاید بمنبع معین قدس لا یزال وارد شوی اینست قوله عزّ جلاله یا قوم انی لجمال علی بینکم و نفس محمد فیکم و کینونة الروح بین السموات و الارض ان انتم تعرفون و این همان مطلبی است که بعینه نقطه بیان فرموده ان اراده نفس این اراده بوده و خواهد بود و ان مشیّت بعینه همین مشیّت بوده و خواهد بود و این مشیّت و اراده بعینه همان مشیّت و اراده بوده و خواهد بود ذکر

ص ۳۱۸

تناقض من غیر شعور نموده چه که فی الحقیقه در حق جمیع انبیاء این تناقض را ثابت نموده زیرا که هر نبی بعدی در ظل نبی قبل بوده و با ثبوت ظلّیت ادّعی برتری نموده که نعوذ بالله بقول مشرکین تناقضست و از درجه اعتبار ساقط حاشا ثم حاشا قل یا ایّها النّائم علی فراش الشهوات و المسترضع عن ثدی الغفلة و الجهل و الهویّ تناقض را در ساحت اقدس مظاهر مقدسه الهیه راه نبوده و نخواهد بود این تناقض در

نفس خلق است نه در امر حق بپذیر قول این عبد را و نفس خود را از نقل حمل این اشارات و کلمات نجات ده تا خفیف شده بهوای قدس روحانی پرواز نمائی و بمقر مقدس از تحدیدات بشریه وارد شوی تا آن ساحت را مقدس از ذکر تناقض و اضداد و انقلاب و اختلاف و محاربه و مکالمه و مجادله و اشاره و دلّاله یابی " " و دیگر ذکر عوام نموده بودی و اینکه بلا تصور تصدیق میکنند حال تو انصاف ده این عبد حال شش سینه میشود که لیلا و نهارا در خدمت حاضرم و با هریک معاشر بوده و هستم و آنچه بچشم خود دیده ام میگویم و شما محض قول یک مفسد خبیث ملحدی که اسمان سایه نینداخته بر مفسدی مثل او حال این عباد بلا تصور تصدیق حق نموده اند یا تو فوالله حمیر بر عقل و درایت آن نفس مشرک که این کلمات را بتوالقا نموده میخندد چه جای انسان مع ذلک این عباد را عوام دانسته و ذکر نموده که بلا تصور تصدیق حق نموده ایم یقین تو خود را عالم میدانی اولاً اینکه این مطلب از کجا بر شما معلوم شد چه که خدمت جمال ابهی نرسیده اید هیچ منصفی چنین ارتکابی ننموده که ندیده و نرسیده بمجرد حرف اخبث ناس و افسدهم بر دارد من غیر شعور آنچه از قلم جاری میشود نوشته و بشهرها بفرستد کاش بقول طلبه های مدرسه هم عمل مینمودند چه که نزد آن طایفه تصدیق منوط بسه تصور بوده اول موضوع و ثانی محمول و ثالث نسبت حکمیه و بعد تصدیق ثابت میشود و جاری میگردد آن موضوعی که تو فهمیده چه بوده و آن محمول کدام است فوالله ارتکبت ما لا ارتکبه احد من الجاهلین بلی این عباد

ص ۳۱۹

تصدیق مظاهر الهیه از قبل نموده و از بعد هم بفضل الله و منه خواهد نمود و انشاء الله از عنایت و مکرمت او بهیچ حجابی محتجب نشویم و بهیچ منعی ممنوع نگردیم فوالله آنچه از آن ملحد خبیث شنیده کذب صرف افتراء بحث بوده و نمیدانی که بَنَفَس که موانس شده ای تالله الحقّ یقرّ الجحیم من نفسه و یستعید الحسبان بالله من وجهه و لقائه ... امیدوارم که در دنیا و آخرت خیر نینند و بعذاب دنیا قبل از عذاب آخرت معذب شوند " .

توضیح نقل بیانات مبارکه اسلوب انشائی و لحن کلام الهی است و تحلیل مسائل مندرجه خارج از مقصود از روشهای مطالعه در این قسمت است - بیانات مبارکه در جواب مفتریات و اعتراضات مخاطب ، از لحن شدید و ملامت آمیزی که در ضمن رد اتهامات

معرضین بیان بزبانی ساده و بصراحتی که قابل فهم باشد و در عین حال از موضعی بسیار قوی و مهیمن در هریک از الفاظ و کلمات نازلہ دیدہ میشود کہ جز از مظاهر الہی بیان و اظهار آن ممکن نیست . شبہات معرض را بروش منطق و برہان معمول و رایج در میان اہل کلام و علما (بحث مفہوم ، تصور و تصدیق در منطق) با استدلالی قوی جواب فرمودہ و برای او عذاب دنیا و آخرت خواستار گردیدند .

۸ ، **اقامت و مسجونیت در عکا و سجن اعظم** قبل از نزول کتاب مستطاب اقدس سورہ ہیکل ، قولہ جلّ اعزّازہ ۶۳ : " سُبْحَانَ الَّذِي نَزَّلَ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ سُبْحَانَ الَّذِي يَنْزِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْعُرُونَ " قل انّی لصراط اللہ لمن فی السّموات و الارض طوبی لقوم یسرعون سُبْحَانَ الَّذِي يَنْزِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ سُبْحَانَ الَّذِي يَنْطِقُ مِنْ جَبْرُوتٍ الْأَمْرِ لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا عِبَادٌ مُكْرَمُونَ سُبْحَانَ الَّذِي يُحْيِي مِنْ يَشَاءُ بِقَوْلِهِ كُنْ فَيَكُونُ " " تَاللّٰهِ هَذَا الْمَحْبُوبُ الْعَالَمِينَ وَلَكِنْ أَنْتُمْ لَا تَفْقَهُونَ هَذَا لَجَمَالِ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ سُلْطَانِهِ فَيَكْمُنَ أَنْ أَنْتُمْ تَعْرِفُونَ وَ هَذَا لِسِرِّ اللَّهِ وَ كَنْزِهِ وَ أَمْرِ اللَّهِ وَ عَزَّ لِمَنْ فِي مَلَكُوتِ الْأَمْرِ وَ الْخَلْقِ أَنْ أَنْتُمْ تَعْقِلُونَ " .

ص ۳۲۰

توضیح : فقرات انتخاب شدہ از آیات نازلہ در آغاز و شروع سورہ ہیکل است و بوضوح دیدہ میشود کہ آیات کوتاہ و شیوہ انشاء و نثر در آیات این سورہ امع دارای نظم و ہم آہنگی است و آیات نازلہ با یکدیگر متجانس و ہم صدائی دارند . و مشابہ آن در قرآن کریم زیارت می شود .

۹- **اقامت و مسجونیت در عکا و سجن اعظم** بعد از نزول کتاب مستطاب اقدس .
نمونہ اول لوح مقدس تجلیات قولہ الاعلیٰ : " تجلّی اول کہ از آفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حق جل جلالہ بودہ و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر بمعرفت اسم اعظم " .
تجلّی دوم استقامت بر امراللہ و حبہ جل جلالہ بودہ و آن حاصل نشود مگر بمعرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر باقرار بکلمہ مبارکہ یفعل ما یشاء " .

توضیح در قسمت انتخاب شدہ بوضوح ملاحظہ میشود کہ قلم مقدس جمال اقدس ابھی یکی از مبادی روحانی در امر بھائی را کہ در کتاب مستطاب اقدس (بند ۱ و بند ۴۷) نازل شدہ با شیوہ و نثر دیگری برای مؤمنین و عالمیان بیان فرمودہ اند .
نمونہ دوم ، لوح مقدس دنیا قولہ الاعلیٰ ۶۴ : " یا افنانی علیک بھائی و عنایتی *

خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت " " بگوای
 دوستان حکمت را از دست مدهید نصائح قلم اعلیٰ را بگوش هوش بشنویید * عموم اهل عالم
 باید از ضرر دست و زبان شما آسوده باشند " ، " امروز روز ظهور لثالی استقامت است
 از معدن انسانی " یا حزب العدل باید بمثابه نور روشن باشید و مانند نار سدره
 مشتعل * این نار محبة احزاب مختلفه را در یک بساط جمع نماید * و نار بغضاء سبب و
 علت تفریق و جدال است " .
 در این بیان مبارک نیز تاکید و شرح تعالیم روحانی و اجتماعی را بیان فرموده و
 گسترش و عالمگیر شدن امر را به احبای الهی اخبار میفرمایند و بیانات مبارکه را
 "نصائح قلم اعلیٰ" بیان فرموده اند .

ص ۳۲۱

مشخصات کتب و ماخذ

ردیف	نام کتاب و مولف
۱	مجموعه الواح مبارکه ص ۶۷ . چاپ مصر .
۲	مجموعه الواح مبارکه ص ۷۸ . چاپ مصر .
۳	معیار البلاغه ص ۲ . انتشارات دانشگاه طهران . شماره ۲۱۹۰ .
۴	معیار البلاغه صفحات ۲ و ۳ .
۵	معیار البلاغه ص ۸۱ .
۶	لغتنامه دهخدا ج ۱۱ . صفحات ۲۲۴ و ۲۲۵ .
۷	معیار البلاغه ص ۴ .
۸	لغتنامه دهخدا ج ۴۱ . ص ۶۷۷ .
۹	معیار البلاغه ص ۴ .
۱۰	فرهنگ معین ج ۱ . ص ۶۱۶ .
۱۱	معیار البلاغه ص ۴ .
۱۲	آئین سخن ، تألیف دکتر ذبیح الله صفا ، انتشارات ققنوس .
۱۳	لغتنامه دهخدا ج ۳۳ . ص ۲۶۶ .
۱۴	لغتنامه دهخدا ج ۸ ص ۵۴۵ .
۱۵	التعريفات جرجانی ص ۱۸ .

معيار البلاغه ص ٢٦٤ .	١٦
معيار البلاغه ص ١٣ .	١٧
آئين سخن ص ٤٣ .	١٨
لغتنامه دهخدا ج ٧ ص ٢٩٠٦ .	٢٩
آئين سخن ص ٤٤ .	٢٠

ص ٣٢٢

معيار البلاغه ص ١٩ .	٢١
معيار البلاغه ص ١٩ .	٢٢
لغتنامه دهخدا ج ٢٩ . ص ٤٢٠ .	٢٣
معيار البلاغه صفحات ١٦ و ١٧ .	٢٤
آئين سخن ص ٤٩ .	٢٥
معيار البلاغه ص ١٩ .	٢٦
معيار البلاغه ص ٣٦٤ .	٢٧
معيار البلاغه ص ٢٦ .	٢٨
معيار البلاغه ص ٦١ .	٢٩
معيار البلاغه ص ٦٢ .	٣٠
معيار البلاغه ص ٦٣ .	٣١
معيار البلاغه ص ٢٧ .	٣٢
معيار البلاغه ص ٢٧ .	٣٣
معيار البلاغه ص ٩ .	٣٤
اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٢٦ .	٣٥
ادعيه محبوب ص ٣٣٠ .	٣٦
ادعيه محبوب ص ٣٧٣ .	٣٧
اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٥٩ .	٣٨
ادعيه محبوب ص ٣٥٢ .	٣٩
ادعيه محبوب ص ٣٨٣ .	٤٠
مائده آسمانی جزء ٤ ص ٢٩٤ .	٤١

۴۲ لئالی حکمت ج ۲ ص ۷۶ . لوح ۴۱ .

ص ۳۲۳

- ۴۳ ایقان ص ۱۲۳ .
- ۴۴ ایقان ص ۱۲۵ .
- ۴۵ ایقان ص ۱۷ .
- ۴۶ ایقان صفحات ۱۶ و ۱۲۵ .
- ۴۷ رساله ایام تسعه ص ۹۲ .
- ۴۸ لئالی حکمت ج ۲ لوح ۱۵۶ ، صفحات ۲۷۴ و ۲۷۵ .
- ۴۹ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ (کتاب مبین) ص ۴۷ .
- ۵۰ مجموعه الواح مبارکه ص ۳۰۷ . چاپ مصر .
- ۵۱ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۳۲۶ .
- ۵۲ گاد پاسزبای (ترجمه) ج ۲ ص ۸۸ ، طبع طهران .
- ۵۳ مائده آسمانی جزء ۴ ص ۳۶۸ .
- ۵۴ گنج شایگان ص ۷ ، تالیف عبدالحمید اشراق خاوری .
- ۵۵ گنج شایگان ص ۱۲ . آثار قلم اعلیٰ ج ۳ ص ۱۹۶ .
- ۵۶ گنج شایگان ص ۴۱ ، آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۳۲۶ و ۳۳۳ و ۳۳۶ و ۳۴۳ و ۳۴۷ .
- ۵۷ گاد پاسزبای ص ۱۴۰ .
- ۵۸ رساله ایام تسعه ص ۲۷۷ و ۳۰۳ .
- ۵۹ آثار قلم اعلیٰ ج ۲ ص ۱۶۸ .
- ۶۰ گنج شایگان ص ۸۱ . آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۱ .
- ۶۱ گنج شایگان ص ۹۷ .
- ۶۲ کتاب بدیع ص ۱۲۵ الی ۱۲۷ و ۱۳۴ و ۱۳۵ .
- ۶۳ آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۲ الی ۴ .
- ۶۴ مجموعه الواح مبارکه ص ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۹۱ . چاپ مصر .

ص ۳۲۴

روش شانزدهم کلمات و آیات قرآن

و

احادیث اسلامی در الواح

ص ۳۲۵

کلمات و آیات قرآن و احادیث اسلامی در الواح

آیات قرآنی و احادیث نبوی و اخبار ائمه اطهار در الواح مبارکه بکثرت بکار رفته است . آنچه که در مطالعه آثار قلم اعلیٰ بوضوح قابل تشخیص و فهم است اینست که ذکر آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و اخبار ائمه هدی در موارد مختلفی برای اثبات حقانیت ظهور ، استدالات کلامی در توحید و اسماء الله و نظایر آن نقل و بیان گردیده است که در ذیل به آن اشاره خواهد گردید - نظر باینکه تعداد آیات شریفه قرآنی و احادیث ماثوره از حضرت رسول اکرم و اخبار و احادیث ائمه هدی در آثار امر مقدس بهائی بشمار است . و نیز بهمان روش صاحب امر ، مرکز تبیین حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه نیز در الواح مبارکه تعداد بشمار از مسائل امریه را با ذکر و نقل آیات قرآنی و احادیث اسلامی شرح و توضیح فرموده اند . جای هیچگونه شک و ابهامی نیست که آنها جزئی از آثار مقدسه است و دانستن آن لازم و ضروری است . نظر باهمیتی که در دانستن این موضوع برای محققین احساس می شود بیانات حضرت ولی امرالله " مبین آیات الله " در ارتباط معارف بهائی و اسلامی ضروری بنظر میرسد .

بیانات حضرت ولی امرالله در باره اسلام ، قرآن مجید

و حضرت مجید (ص) و ائمه اطهار

حضرت ولی امرالله جلّ سلطانه در دو توقیع منیع " قد ظهر یوم المیعاد " و " ظهور عدل الهی " به این مطلب اشاره فرموده اند قوله الاحلی :
" قد ظهر یوم المیعاد " ، در قسمتهائی از این توقیع منیع حضرت ولی امرالله به اصول و معتقدات اهل بها بر اساس آثار حضرت مبشر و شارح امر بهائی اشاره فرموده

اند رؤس این مسائل که برای آشناسائی اهل بهاء تبیین گردیده عبارتست از : حقانیت حضرت محمد ص شارع و دیانت اسلام ، قرآن کریم و عترت پیغمبر اکرم و حقانیت

جانشینی

ص ۳۲۶

حضرت رسول اکرم ص امامان معصوم ، و دیانت اسلام را "parent religion" امر بهائی اعلان فرموده و اساس ایمان به امر بهائی را قبول دیانت‌های اسلام و مسیحیت و یهودیت را لازم و ضروری شمرده اند .

"Islam from which the Faith of Baha'u'llah has sprung even as did Christianity from Judaism"

(THE PROMISED DAY IS COME , page 78

"Indeed the essential prerequisites of the admittance into the Baha'i fold of Jewws . Zoroastrians , Hindus ,Buddhists , and the followers of other ancient faiths , as well as of agnostics and even atheists , is the wholehearted and unqualified acceptance by them all of the divine origin of both Islam and Christianity , of the prophetic functions of both Muhammad and Jesus Christ , of the legitimacy of the institution of the imamate , and the primacy of St. Peter , the prince of the Apostles ,"

(THE PROMISED DAY HAS COME , page 110)

"As to Muhammad the Apostle of God , let none among His followers who read these pages , think for a moment that either Islam , or its Prophet , or His Book , or His appointed successor , or any of His authentic teachings , have been , or are to be in any way , or however slight a degree , disparaged ... the following tributes paid by Baha 'u'llah in the Kitab_i iqan to Muhammad and His lawful successors ... all proclaim in no uncertain terms , the true attitude of the Baha'i Faith towards its parent religion."

(THE PROMISED DAY IS COME , page 108)

" ظهور عدل الهی " در قسمتی از این توقیع منبع تدارکاتی که افراد بهائی برای

اجرای وظایف تبلیغی بعهدہ میگیرند تعلیم و بیان فرموده ، مطالعه و آشنائی با

اصول و مبانی دیانت اسلام را پس از تاکید در فراگیری ، آموختن و آگاهی به اصول و

معارف امر بهائی از ضروریات تدارکات لازم برای تبلیغ بیان فرموده اند - و نیز

صحت کامل مندرجات قرآن کریم را به عنوان یگانه و منحصر بفرد از کتب مقدسه قبل در

ردیف کتب مقدسه امر بابی و بهائی تاکید کامل فرموده اند .

The teaching campaign inaugurated throughout the states of the North American Republic and the Dominion of Canada , acquires , therefore , an importance , and is invested with an urgency , that cannot be overestimated , Launched on its course through the creative energies released by the Will of Abdu'l-Baha...

I feel , be carried out in conformity with certain principles , disigned to

insure its efficient conduct , and to hasten the attainment of its objective .

Those who participate in such a campaign , whether in an organizing capacity , or workers to whose care the execution of the task itself has been committed , must , as an essential preliminary to the discharge of their duties , thoroughly familiarize

ص ۳۲۷

themselves with the various aspects of the history and teachings of their Faith. In their efforts to achieve this purpose they must study for themselves , conscientiously and painstakingly , the literature of their Faith , delve into its teachings , assimilate its laws, and principles , ponder its admonitions , tenets and purposes , commit to memory certain of its exhortations and prayers, master the essentials of its administration , and keep abreast of its current affairs and latest developments. They must strive to obtain , from sources that are authoritative and unbiased , a sound knowledge of the history and tenets of Islam — the source and background of their Faith — and approach reverently and with a mind purged from preconceived ideas the study of the Qur'an which , apart from the sacred scriptures of the Babi and Baha'i Revelations , constitutes the Only Book which can be regarded as an absolutely authenticated Repository of the Word of God.”

(THE ADVENT OF DIVINE JUSTICE , Page 48 , First pocket — size edition)

روشهای پیشنهادی تحقیق

مسائل در این روش تحقیق را به سه قسمت میتوان تقسیم بندی و تحقیق نمود : (۱) موارد و علت ذکر آیات قرآنی و احادیث در الواح ، (۲) بیاناتی در الواح که در آن نقل آیات قرآن است ، (۳) بیاناتی که در آن نقل احادیث و اخبار اسلامی است . موارد و علت ذکر آیات قرآنی و احادیث اسلامی مطالعه و دقت در آثار مبارکه نشان میدهد که ذکر آیات قرآن و احادیث در چندین نوع مختلف از الواح مبارکه بکار رفته است . برای اختصار در کلام ، موارد ذیل به سهولت قابل شناسائی و تفکیک است .

- ۱ - در اثبات حقانیت امر مبارک از طریق استدلال نقلی در ایقان شریف ، استدلال به حقانیت ظهور را مستند به آیات قرآن و احادیث فرموده اند که از مقبولات در اسلام است . در سایر الواح مبارکه نیز نقل احادیث در اثبات امر مبارک بکثرت بکار رفته است .
- ۲ - در مقامات جمع و فرق انبیاء الهی و ارتباط آنان با ایزد متعال ماخذ اصلی و غنی در این مسئله نیز کتاب مستطاب ایقان است .
- ۳ - در شرح توحید و عرفان حضرت احدیت .

ص ۳۲۸

- ۴ - در خیر آخرت و معاد و حیات انسان در علم ملک و ملکوت
- ۵ - نصایح و تعالیم روحانی
- ۶ - احکام و حدود

بیانات در الواح که در آن نقل آیات قرآن گردیده است

کلمات و آیات قرآن کریم در الواح مقدسه قلم اعلیٰ بکثرت بکار رفته است و آن بصورت های یک کلمه ، ترکیب دو کلمه ، جزئی از آیه شریفه ، مضمون آیه (ترجمه و یا بلسان عربی) و یا یک و یا چند آیه در متن الواح مشاهده میشود . این قبیل از کلمات و آیات در متن لوح در مواضعی اشاره به قرآن و یا اینکه در پرانتز و در مواردی بدون هیچگونه اشاره و ذکر دیده میشود .

بطور کلی شناخت این نوع الفاظ ، کلمات و آیات در الواح مقدسه بستگی تام به میزان آشنائی ، تسلط و اطلاع نسبی محقق دارد به کلمات الهی در قرآن کریم و نیز اسلوب آشنائی آن . نمونه های ارزنده و کاملاً مفید تحقیقات عالم تحریر و فاضل جلیل المقام عبدالحمید اشراق خاوری است که ابواب اینگونه تحقیق در معارف امر مبارک را برای نسل های آینده گشود که کار تحقیق را برای مطالعه مشابه در الواح تسهیل مینماید . بکار رفتن کلمات و آیات قرآنیه چنین بنظر میرسد که قلم اعلیٰ با نزول این نوع از الواح مبارکه ، اولاً نشان دهنده وحدت ادیان در اصول و اساس اعتقادات در ادیان است . و ثانیاً برای توجیه و توصیف آیات منزله برای اهل عالم به آیات قرآنیه که از مقبولات در عالم اسلام است احتجاج فرموده اند - اینک میپردازد به :

نمونه هائی از بیانات مبارکه

نمونه های یک کلمه از کلمات قرآن در الواح رحمت ، عرش ، کریم ، غفار ، قیوم ، صباغ ، ساعة ، حاقة ، واقعة ، اللهم و امثالهم . بنظر میرسد که این نوع کلمات عموماً

ص ۳۲۹

یکی از صفات و اسماء الهی و یا از متشابهات قرآن است . و نیز بنظر میرسد که با مراجعه به کتب لغت ، شاید نتوان به مقصود اصلی و عمق مطلب پی برد و لازم است که برای حصول به مقصد مراجعه به سایر الواح مبارکه و الواح تبیینی نمود .

نمونه اول : " صباغ " در لوحی میفرمایند قوله الاعلی ۱ : " ای عبدالله سباق میدان معانی و بیان و صباغ من فی الامکان میفرماید در آنچه از قبل نازل فرمودیم تفکر کن (صَبْغَةُ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً) ، و مقصود از این صبغ صبغ فلزات نبوده و نیست بلکه تزئین قلوب صافیه است بصبغة الله و آن تقدیس و تنزیه نفوس است از الوان مختلفه دنیا ، جهد نما تا در این صنعت اکبر کامل شوی و ناسرا بصبغ الهی مزین داری " . در متن لوح مشاهده میشود که قلم اعلی کلمه " صباغ " را در متن لوح بکار برده اند و نیز آیه شریفه ۱۳۲ در سوره بقره را تاویل فرموده اند ؛ اعراب (" صَبْغَةُ " و " صَبْغَةُ ") در متن لوح با اعراب این دو کلمه در قرآن در سورة بقره آیه ۲/۱۳۸ ((صَبْغَةُ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً)) متفاوت است .

(برای تفسیر این آیه در معارف مذهب شیعه مراجعه کنید به اصول کافی جلد ۳ کتاب الایمان و الکفر باب (فی أَنَّ الصَّبْغَةَ هِيَ الْإِسْلَامُ) صفحه ۲۳ در سؤال از مقصود از آیه ۱۳۸ سورة بقره : ((صَبْغَةُ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً)) سه حدیث نقل شده است مراجعه فرمائید .

نمونه دوم : " ساعة " در لوحی در تحقق وعود قرآن نازل قوله العزيز ۲ : " قد اتت الساعة و هم یلعبون ... قد وقعت الواقعة و هم عنها یقرون و جائت الحاقة و هم عنها معرضون " . در قرآن کریم آیات بسیاری در علائم یوم قیامت نازل شده است . چند نمونه از آیاتی که کلمه مقدسه فوق در آن زیارت میشود در روش هفدهم متشابهات درج گردیده است .

نمونه های دو کلمه از آیات قرآن در الواح : مقام محمود ، سدره منتهی ، علام الغیوب ، مکانا علیاً ، فالق الاصباح ، ناقة بیضاء ، اشرح صدري ، کلمه طیبه ، صوت الصارخ ۳ ، طوعا و کرها ، و امثال آن . چند نمونه از الواح نازله که الفاظ و

کلمات دو حرفی در آن بکار رفته بشرح ذیل است :

نمونه اول : " **مقام محمود** - **علام الغیوب** " در ورق دهم از کلمات فردوسیّه میفرمایند

ص ۳۳۰

قوله جلّ بیانه : " سبحان الذی خلق الخلق و هو الحق **علام الغیوب** قد نزل ام الكتاب و الوهاب فی **مقام محمود** قد طلع الفجر و القوم لا یفقهون " .

توضیح : (۱) مقام محمود اشاره به آیه ۱۷/۷۹ در سوره اسراء است قوله تعالی : " **أَنْ يَبْعَثَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا** " . در کتب تفسیر قرآن در شرح آن مطالب بسیاری نوشته شده است . در تفسیر منهج الصادقین در معنی آن گفته : " مراد کمال قرب و مرتبه است و نهایت رفعه درجه " ۰ (۲) علام الغیوب اشاره به آیاتی نظیر آیه ۹/۷۸ در سوره توبه است قوله تعالی : " **وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ** " و آیات مشابه آن . همانطور که اشاره رفت بعضی از ترکیبات دو کلمه اشاره به اسماء و صفات الهی است و شناخت آنها در الواح مبارکه نسبتا آسان است .

نمونه دوم : " **مَکَانًا عَلِیًّا** " در مناجات بسیار آشنا برای احبای الهی در ادعیه محبوب در ذکر ارتفاع و ترقی انسان است قوله الاعلیٰ ۴ : " هر که را بلند کنی از ملک بگذرد و بمقام ((**وَرَفَعْنَاهُ مَکَانًا عَلِیًّا**)) رسد " اشاره به ارتفاع مقام حضرت ادریس در قرآن کریم در سوره مریم است ۵۶- ۱۹/۵۷ . قوله تعالی : " (۵۶) **وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (۵۷) وَرَفَعْنَاهُ مَکَانًا عَلِیًّا** " .

نمونه سوم : " **ناقة البیضاء** " در لوحی از قلم اعلی نازل قوله تعالی ۵ : " اذا فانصفوا فی انفسکم علی دین القیم فی حب هذا الغلام الذی ركب علی ناقة البیضاء بین الارض و السماء " . " ناقة بیضاء " اشاره به آیه ۱۱/۶۴ در سوره هود در قرآن است : " **وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ** " و نیز آیه ۷/۷۳ سوره اعراف ذکر ناقة شده است . برای تفسیر آیه لازم است به تبیین حضرت عبدالبهاء مندرج در مائده آسمانی جلد دوم مراجعه نمود .

نمونه چهارم : " **اشرح لی صدري** " در لوح اشراقات بیان مبارکی است در ارتباط با یکی از آیات قرآن ، قوله تعالی " آه آه لم ادريا الهی و سندی و رجائی هل قدرت لی ما

تقریبه عینی وینشرح به صدری و یفرح به قلبی " .

و نیز در مناجاتی حضرت عبدالبهاء میفرمایند قوله الاحلی ۴۶ : " و اشرح صدری
بایاتک الباهرة من مطالع الظهورات " . اشاره به آیه ۲۵/۲۰ در سوره طه است : قوله
تعالی : " قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي " .

نمونه پنجم : " فَالِقُ الْإِصْبَاحِ " در لوح خطاب به پاپ در اعلان ظهور مبارک
میفرمایند قوله عز بیانه ۷ : " یا ملاء الانجیل ان اعمروا السبیل قد اقترب الیوم
الذی فیه یتّی الرب الجلیل ان استعدوا للدخول فی الملکوت کذلک قضی الامر من لدی
الله فالق الاصباح " . بنظر میرسد که اشاره به آیه ۹۵-۹۶ در سوره انعام است قوله تعالی : « (۹۵) اِنَّ
اللهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى الَّذِیْ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَمِیْتِ وَمُخْرِجُ الْمِیْتِ مِنَ الْحَیِّ ذَٰلِکُمْ اللهُ فَآنِیْ تُؤْفَکُوْنَ (۹۶)
فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّیْلَ سَکَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِکَ تَقْدِیْرُ الْعَزِیْزِ الْعَلِیْمِ » .

نمونه ششم : " وجوه ناضره " در لوحی در ضمن نصیحت به احبای الهی در پرهیز از
استکبار و سلوک با محبت و وداد با یکدیگر اشاره میفرمایند به یکی از آیات قرآن
کریم در اهمیت ایام الله و ظهور الله ، اینست بیان مبارک قوله تعالی ۸ : " قلم
اعلیٰ میفرماید * ای دوستان حق مقصود از حمل این رزایای متواتره و بلایای متتابعه
آنکه نفوس موقنه بالله با کمال اتحاد با یکدیگر سلوک نمایند بشانیکه اختلاف و
اثنیت و غیرت از مابین محو شود الا در حدودات مخصوصه که در کتب الهیه نازل
شده * انسان بصیر در هیچ امری از امور نقصی بر او وارد نه آنچه وارد شود دلیل
است بر عظمت شان و پاکی فطرت او * مثلاً اگر نفسی لله خاضع شود از برای دوستان
الهی این خضوع فی الحقیقه بحق راجع است چه که ناظر بایمان او است بالله * در
این صورت اگر نفس مقابل بمثل او حرکت نماید و یا استکبار از او ظاهر شود شخص
بصیر بعلو عمل خود و جزای آن رسیده و میرسد و ضرر عمل نفس مقابل بخود او راجع
است *

و همچنین اگر نفسی بر نفسی استکبار نماید آن استکبار بحق راجع است * نعوذ بالله
من ذلک یا اولی الابصار * قسم باسم اعظم حیف است این ایام نفسی بشئون عارضیه
ناظر باشد * بایستید بر امر الهی و با یکدیگر بکمال محبت سلوک کنید * خالصا لوجه
المحجوب حجابات نفسانیه را بنار احدیه محترق نمائید و با وجوه ناضره مستبشره با

یکدیگر معاشرت کنید *

توجیه : ترکیب دو کلمه در متن لوح مبارک (وجوه ناضرة) ، بنظر میرسد اشاره به آیتین ۲۲ و ۷۵/۲۳ در سوره قیامت است. قوله تعالى : "(۲۲) **وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ** (۲۳) **إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ** "

نمونه هفتم : "**فاعزنا بثالث**" در الواح مبارکه نقل از قسمتهائی از آیه ۳۶/۱۴ در سوره یس است . قوله تعالى : "**إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ** " .

در مناجاتی میفرمایند قوله تعالى ۹ : " شجره عما در حرکت است و سدره وفا در بهجت تا دوحه بقا در ارض احدیه مغروس شود و ورقه نورا از فنون لقا بورقاء مقرون گردد که شاید از موانست این دولطیفه ربانی و دو دقیقه صمدانی طلعت ثالثی پیدا شود تا نتیجه (فعزنا بثالث) در عرصه ظهور مشهود آید والسلام " . جمال کبریائی در تفسیر این آیه شریفه لوحی نازل فرموده اند برای مزید اطلاع مراجعه کنید به مائده آسمانی جلد چهارم صفحه ۸۲۰) .

نمونه هشتم : "**لن ترانی**" در لوحی در اینکه حتی مظاهر الهی نیز بکنه ذات و معرفت خدا پی نمیرند قسمتی از آیه قرآن را در متن لوح ذکر فرموده و به آن استناد میفرمایند قوله الاعلی ۱۰ : " صد هزار موسی در طور طلب بندای لن ترانی منصق " .

سوره اعراف ، آیه ۷/۱۴۳ قوله تعالى : "**وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي** " .
ص ۳۳۳

نمونه نهم : **موتوا بغیظکم** : در لوح ایوب نازل قوله عز ذکره و عز ثنائیه ۱۱ : "**قُلْ يَا مَلَأَ الْبُغْضَاءِ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ هَذَا مَا قُضِيَ بِالْحَقِّ مِنْ قَلَمٍ عَزْ دُرِيًّا** " .
سوره آل عمران آیه ۳/۱۱۹ : "**هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** " .

قسمتی یا جزئی از آیه شریفه قرآن در لوح نازل شده است شناخت این قبیل از بیانات مبارکه آسان تر از انواع قبل است . آشنائی با اسلوب و نوع تحریر بیانات مبارکه و اسالیب قرآن ، تحقیق در این نوع از الواح را آسان مینماید . چند نمونه از این قبیل آیات الهی ذکر میگردد :

نمونه اول : در کلمات فردوسیة در ورق ششم میفرمایند قوله الاعلیٰ : " سراج عباد داد است ... اگر عالم باین طراز مزین گردد شمس کلمه یوم یعنی الله کلا من سعته از افق سماء دنیا طالع و مشرق مشاهده شود و مقام این بیان را بشناسید چه که از علیا ثمره شجره قلم اعلیٰ است " . اینک این سؤال پیش میآید که چگونه قسمتی از آیه قرآن (یعنی الله کلا من سعته) در این بیان مبارک شناخته شود ؟ بنظر میرسد که به دو طریق میتوان آیه را شناسائی نمود . اول اینکه ، لفظ " کلمه " در بیان مبارک خود میسراند که عبارت بعد از " کلمه " نقل از مآخذی است . دوم اینکه ، " یعنی الله " و " سعته " از الفاظ و کلمات بسیار بکار رفته در قرآن است . با مراجعه به کشف الایات بسهولة آیه مأخذ عبارات فوق شناخته میشود . و آن اشاره به آیه ۱۳۰/۴ در سوره نساء است: **"وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلاًّ مِّنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا"** ؛ و سوره انعام آیه ۱۴۷: **"فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ"** نمونه دوم : در لوحی از دعاهای صبح قسمتی از آیات قرآن با مختصر تغییری مناسب با مسائل و مقصد لوح نازل شده است قوله عز بیانه ۱۲: **"ثُمَّ اعْصِمْنَا يَا مَحْبُوبَ الْإِبْدَاعِ وَمَقْصُودَ الْإِخْتِرَاعِ بِعِصْمَتِكَ الْكُبْرَىٰ مِنَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مَّظَاهِرَ الْخَنَاسِ وَيُوسُوسُونَ فِي**

ص ۳۳۴

صُدُّورِ النَّاسِ " در سوره ناس آیات ۱ الی ۵ نازل گردیده قوله تعالى : " (۱) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۲) مَلِكِ النَّاسِ (۳) إِلَهِ النَّاسِ (۴) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۵) الَّذِي يُّوسُوسُ فِي صُدُّورِ النَّاسِ " . نمونه سوم : در لوحی میفرمایند قوله الاعلیٰ ۱۲ : **"قُلْ يَا قَوْمُ خَافُوا عَنِ اللَّهِ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُفْسِدِينَ"** . در سوره بقره آیه ۲/۱۱ در قرآن نازل شده است . قوله تعالى : **"وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ "** . و آیه مشابه در سوره اعراف است ۷/۸۵ **"وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا "** . مضمون این آیه نیز در الواح الهی نقل شده است.

نمونه چهارم : در لوحی میفرمایند قوله الاعلیٰ ۱۴: **"وَهَذَا مَا قَصَصْنَا لَكَ عَنِ الَّذِينَ هُمْ كَفَرُوا وَأَعْرَضُوا بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ مِنْ كُلِّ الْأَشْطَارِ ، وَمَكُرُوا عَلَى اللَّهِ عَلَى مَا هُمْ كَانُوا مُقْتَدِرًا عَلَيْهِ وَ مَا مَكَرَ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي تَبَارٍ ، كَمَا تَرَى الْيَوْمَ لَمَّا جَاءَتْهُمْ عَلَىٰ بِالْحَقِّ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرَاتِ قَالُوا مَا وَعَدْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا إِذَا اسْتَكْبَرُوا عَلَيْهِ وَفَرُّوا كَحَمْرِ فَرَارٍ ..."** در این لوح مبارک روش اعراض معرضین به امر مبارک از سوی عامه که ظهور جدید

(مانند صدر اسلام) را مابین با معتقدات آباء و اجدادی خود دانسته اند و از کلام الهی و مظهر جدید مانند خران فرار میکنند — که بنظر میرسد اشاره ای است به آیات سوره مدثر آیه های ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ است زیرا در ابتدای آن میفرمایند «وَمَا قَصَصْنَا لَكَ» قوله تعالى: (۴۸) فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (۴۹) فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ (۵۰) كَانَهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ (۵۱) فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ. ترجمه: پس چیست مر آنها را که از پند گرفتن روگردانند گویا ایشانند خرهای رمنده که گریخته باشند از شیر — ایقان ۱۶: جمال کبریائی در ایقان شریف نیز به آیات فوق استناد میفرماید. نمونه پنجم: در لوحی، در مراتب انسان و ارزش او به دو آیه در قرآن کریم اشاره میفرماید قوله تعالى ۱۵: "و بعد از خلق کل ممکنات و ایجاد موجودات بتجلی اسم یا

ص ۳۳۵

مختار انسان را از بین امم و خلایق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بود اختیار نمود چنانچه در حدیث قدسی مشهود و مذکور است و بخلعت مکرمت **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ** و برداء عنایت و موهبت **فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ** مفتخر و سرافراز فرمود. "سوره تین آیه ۴/۹۵، و سوره مومنون آیه ۱۴/۲۳. نمونه ششم: در لوحی احبای الهی را در مقابل بلایای وارده به صبر و شکیبائی دعوت میفرمایند و ارزش و مقام صبر را استناد میفرمایند به آیه در قرآن کریم قوله الاعلیٰ ۱۷: "و اگر ناس بدیده بصیرت ملاحظه نمایند مشهود شود که این محن و بلایا و مشقّت و رزایا که بر مخلصین و مومنین نازل و وارد است عین راحت و حقیقت نعمت است * ... * پس در هیچ وقت و احیان از نزول بلایا و محن محزون نباید بود و از ظهورات قضایا و رزایا مهموم و مغموم نشاید شد بلکه بعروة الوثقی صبر باید تمسّک جست و بحبل محکم اصطبار تشبّث شود * زیرا اجر و ثواب هر حسنه را پروردگار باندازه و حساب قرار فرموده مگر صبر را که میفرمایند * **(إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)** * (سوره زمر آیه ۱۳/۳۹).

نمونه هفتم: **در بشارت به ظهور**. (۱) قسمتی از آیه در متن تفسیر الم و آیه نور ذکر شده است قوله تعالى ۱۸: "و ثم خلق الاحديه فی هیکل القدسیه امرالله بان يذكر الناس بلقائه فی قیامة الاخری و یبشرهم بمقام قدس محمود فی مقر الذی یتجتمع فيه ملاء العالمین و ارواح المقربین و یرفع فيه غمام الفضل و المومنون حیثند بفرح الله یفرحون و هذا ما هو الموعود فی الواح عز محفوظ فی قوله عز سلطانه یوم

یاتی ربك او بعض آیات ربك و هذا ما وعدوا به كل فى السموات و الارض " (۲) در متن لوح قسمتی از آیه ۶/۱۵۹ در سوره انعام است . در لوح ایوب نازل قوله الاعلى ۱۹ : " قُلْ يَا مَلَأَ الْجُحَالِ اَمَا نَزَّلْنَا مِنْ قَبْلُ يَوْمَ يَأْتِي اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ فَاِذَا جَاءَ فِي غَمَامٍ اَلْمَرِّ عَلَىٰ هَيْكَلٍ عَلَىٰ بِالْحَقِّ اَعْرَضْتُمْ وَ اسْتَكْبَرْتُمْ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا وَ اَمَا نَزَّلَ يَوْمَ يَأْتِي رَبُّكَ اَوْ بَعْضُ اَيَاتِ رَبِّكَ وَ اِذَا جَاءَ

ص ۳۳۶

بَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ بِمَ اَعْرَضْتُمْ عَنْهَا وَ كُنْتُمْ فِي حُجُبَاتٍ اَنْفُسِكُمْ مَحْجُوبًا". در سوره انعام ۶/۱۵۹ قوله تعالى : " هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا اَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ اَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ اَيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِي اِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ اِنْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ".

نمونه هشتم : در لوحی بشارت بظهور الله میفرماید قوله تعالى ۲۰ " قد خسر الذين كفروا بالله و ظهوره و انكروا ما نزل من ملكوته العزيز البديع".

بنظر میرسد که در آغاز لوح مبارک قسمتی از آیه ۶/۳۱ در سوره انعام نازل شده است قوله تعالى : " قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً".

نمونه نهم : در ایقان شریف در استدلال به اینکه حجت بالغه در هر ظهوری آیات الهی است ، اشاره به دو آیه شریفه (۱ و ۲/۲۳) در سوره بقره میفرماید ۲۱: " اَلَمْ ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ " و " وَاِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَاتَّبِعُوْا سُوْرَةَ مِّنْ مِّثْلِهٖ".

و در انتهای استدلال بیانی میفرماید که در ایقان در داخل علامت نقل قول است قوله العزيز ۲۱ : " خلاصه حجت و برهان ایه منزله اعظم از آنست که این علیل تواند اقامه دلیل نماید ((والله يقول الحق و هو يهدي السبيل * و هو القاهر فوق عباده و هو عزيز الجميل)) - فاضل جلیل القدر عبدالحمید اشراق خاوری این موضوع را در قاموس ایقان جلد ۴ صفحه ۱۶۸۱ تحقیق فرموده : (" وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ" در سوره انعام در دو آیه از همین سوره یعنی آیه ۶/۱۸ و ۶/۶۱ نازل شده و آخر هر دو آیه با آنچه در اینجا فرموده اند فرق دارد بنا براین این آیه را جمالقدم جل جلاله از لسان مبارک خود ذکر فرموده اند و مناسب حال و مقام از لسان مبارک جاری شده است نه آنکه استشهادی برای اثبات مطلبی از قرآن مجید باشد).

مضمون آیه و الفاظ آیه قرآن در لوح نازل گردیده است شناخت اینگونه از آیات و الواح

مبارکه بسهولة ممکن نیست و بنظر میرسد لازم است که محقق در معارف اسلامی

ص ۳۳۷

اطلاعات اولیه را کسب کند . مطالعه و تحقیق در چند نمونه از این قبیل بیانات نازله برای آشنائی با این روش از تحقیق کمک مینماید .
نمونه اول : در قسمتی از لوح سلطان ، خطاب به احبای سلطان آباد اراک در مواردی که دسته و جمعیتی بمعارضه و مجادله و عمل به مکر بامر الهی و ظهور مبارک قیام و اقدام نموده اند ، میفرمایند قوله جل بیانه ۲۲ : " و منهم من اعرض و طغی فی نفسه و بغی علی الله جهرا و کان من المشرکین و مهم من اراد بان یمکرفی امرالله و به یدخل غل الغلام فی صدور الذین هم آمنوا لیزلّهم عن الصراط و یبعدهم عن هذا الشاطی المقدس المنیر و بذلك اجتمعوا علی ما وسوس الشیطان فی صدورهم و مکروا مکرا فسوف یظهرالله مکرمهم .

توجیه بنظر میرسد بیانات مبارکه اشاره به آیات ذیل در قرآن کریم است : (۱) سوره الناس آیه ۵/۱۱ قوله تعالی : " الَّذِی یُؤَسِّسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ " . (۲) سوره آل عمران آیه ۵۴/۳ قوله تعالی " وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ " . (۳) آیه ۳۰ / ۸ سوره انفال قوله تعالی : " وَإِذْ یَمْكُرُ بِكَ الَّذِینَ كَفَرُوا لَیُثْبِتُوكَ أَوْ یَقْتُلُوكَ أَوْ یُخْرِجُوكَ وَیَمْكُرُونَ وَیَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ " .

نمونه دوم : در سورة القميص در آغاز لوح ، آیه ، اعلان جهری به ظهور مبارک و خطاب به اهل البهاء است و در ادامه این لوح بغایت مهیمن ، اشاره به اینست که خدا آیات را به ایشان نازل فرموده است همانطور که به حضرت اعلی و حضرت محمد و حضرت عیسی و حضرت موسی نازل فرمود و با نزول آیات الهی به انسان حیات بخشید .

فقراتی از بیانات مبارکه و قسمتی از آغاز لوح مبارک اینست قوله الاعلی ۲۳ : " ان یا اهل البقاء فی الملاء الاعلی اسمعوا نداء الله عن هذا النسیم المتحرك فیهذا الهواء الخفیف تحت هذا السماء الرقیق اللطیف وانه لمودن الناس بالحج الاعظم فی هذا الكلمة الاکبر ... فسبحان الذی نزل الایات بالحق کما نزل علی علی بالحق و من قبله علی محمد رسول الله

ص ۳۳۸

قبله علی الروح و من قبله علی الکلیم علی انه لا الله الا هو له

الامر فی جبروت البقاء یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی و انه هو باقی لا یفنی " .
 بنظر میرسد که بیانات مبارکه در احیای انسان پس از ایمان به مظهر الهی اشاره به
 آیه ۲۸/۲ در سوره بقره در قرآن کریم است ، قوله تعالی: " کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللّهِ وَ کُنتُمْ اَمْوَاتًا فَاحْیَاکُمْ ثُمَّ
 یُحْیِیْکُمْ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ " و نیز سایر آیات مشابه در قرآن.
 نمونه سوم : ترجمه مضمون آیه ۱۴/۲۴ در سوره ابراهیم در قرآن کریم در لوح مبارک آمده
 است ، در لوح العالم کلمه الهی را به شجر تشبیه فرموده اند . آیه فوق از آیات
 بسیار مشهور و آشنا در الواح قلم اعلی و نیز در الواح تبیینی حضرت عبدالبهاء و
 حضرت ولی امرالله جل سلطانه است . در لوح مذکور جمال کبریائی میفرمایند قوله جلّ
 بیانه ۲۴ : " یا حزب الله وصایای دوست یکتا را بگوش جان بشنوید کلمه الهی
 بمثابة نهالست مقرر و مستقرش افنده عباد * باید آنرا بکوثر حکمت و بیان تربیت
 نمائید تا اصلش ثابت گردد و فرعش از افلاک بگذرد * " - اصل آیه شریفه در قرآن
 کریم در سوره ابرهیم آیه ۱۴/۲۴ این است ، قوله تعالی : " اَلَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا کَلِمَةً طَیِّبَةً کَشَجَرَةٍ
 طَیِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ "

توجه : در نزد مسلمین از اهل سنت و مذهب شیعه و کلیه فرق اسلام برای هر یک از
 آیات قرآنی تفاسیر و مقاصدی و شان نزولی قائل شده اند که این قبیل از معارف
 اسلامی بر اساس معتقدات مذهبی در هر یک از فرق اعم از اعتقادات کلامی و یا در
 اصول و فروع تعبیرات و تفسیرهای گوناگونی گردیده است که مورد قبول برای سایر
 فرق نیست - نتیجه این قبیل تفاسیر که مورد قبول سایر فرق نیست سبب گردیده است که
 در حال حاضر متجاوز از بیست و پنج تفسیر معتبر و یا بیشتر (آنچه که در دسترس
 نگارنده است) در میان مسلمین و در مدارس مذهبی و حوزه های علمیه مورد تحقیق و
 تدریس قرار میگیرد . با توجه به این مقدمه و اینکه آیات

ص ۳۳۹

قرآن از هر نوع در متون الواح و آیات الهی در آثار قلم اعلی بنا باراده الهی
 برای مقصود و جهتی نازل گردیده و محقق بهائی را لزومی نیست که سعی نماید تا
 ارتباطی مستدل در مقصود از بکارگرفتن آیات قرآنی توسط شارع امر بهائی و مفسرین
 قرآن جستجو و کشف نماید . این مسئله بدیهی است زیرا : مفسرین دارای عصمت نیستند
 تا به اقوال و تفاسیرشان اعتماد نمود ، کما اینکه تناقضات بیشماری در اینمورد در

تفاسیر مفسرین با مذاهب مختلفه مشاهده میشود و این تناقضات در میان تفاسیر مذاهب اشعری و معتزله در اهل سنت بوضوح یافت میشود و نیز تفاسیر مفسرین شیعه نیز با تفاسیر اهل سنت هماهنگی و موافقت کامل ندارد . پس شارع امر که آیات نازل از قلم اعلای او کلمات وحی است و ناسخ کتب قبل ، و خود دارای عصمت ذاتی و مصون از خطا و نسیان است حقیقت و مقصود از انزال آیه و احتجاج به آن را بعلت دارا بودن علم لدنی انحصارا او میداند که راسخ در علم و به آن عالم است . و در الواح مبارکه به این احتجاج و یا مسئله مطرحه در لوح را بآن وسیله بیان میفرماید . این توجیه در مورد بکار رفتن احادیث اسلامی در آثار مبارکه که بعد از این میاید نیز صادق است .

بیان مبارک در روش صحیح تفسیر آیات قرآن در لوح مبارک «تفسیر سورة الشمس» در این قسمت لازم بنظر میرسد که بیانی از قلم اعلی در مورد طرق فهم آیات قرآن که در تفسیر سورة الشمس نازل فرموده اند زیب این قسمت گردد تا در تحقیقات در مسائلی از امر مبارک که آیات قرآن در آنها وجود دارد راهنمای کاملی باشد در حصول به درک آن فقره از آیات الهی قوله تعالی ۲۵ : " ثم اعلم بان المفسرين الذين فسروا القرآن كانوا صنفين صنف غفلوا عن الظاهر وفسروه على الباطن * و صنف فسروه على الظاهر و غفلوا عن الباطن ولو نذكر مقالاتهم و بياناتهم لتأخذك الكسالة بحيث تمنعك عن قراءة ما كتبناه لك لذا تركنا اذكارهم في هذا المقام * طوبى للذين اخذوا الظاهر و الباطن اولئك عباد آمنوا بالكلمة الجامعة * فاعلم من اخذ الظاهر و ترك الباطن انه جاهل * و من اخذ الباطن و ترك الظاهر انه غافل * و من اخذ الباطن بايقاع الظاهر عليه فهو عالم كامل * "

ص ۳۴۰

بیاناتی که در آن نقل احادیث و اخبار اسلامی است در ابتدای این بخش از روشهای

مطالعه الواح ، باختصار گفته شد که بنظر میرسد ، ذکر احادیث را مقاصدی چند بوده ، از جمله : (۱) در بیان توحید و طرق حصول به معرفت حق . (۲) اثبات حقانیت امر جدید و ظهور کلی الهی ، احتجاج به مقبولات و مسلمات که از اهم آنها ذکر ادله نقلی است در میان امت اسلام . ادله نقلی ، و مقصود از آن احتجاج به قرآن و احادیث است . در میان اهل سنت و جماعت ، احادیث مروی از حضرت رسول اکرم ص و در میان مذهب شیعه ، احادیث نبوی و اخبار احادیث ماثوره از ائمه اطهار است - اطلاع و آگاهی به این قبیل از احادیث و ماخذ آنها در معارف اسلامی که در آثار مبارکه مندرج است به تزئید معلومات و درک عمیقتری از آثار کمک مینماید . (۳) مقامات

انبیای الهی و ارتباطشان با یکدیگر . (۴) مراتب مقام انسان و نظایر آنست . برای تحقیق در هریک از مواضعی که نقل به احادیث و اخبار گردیده ، لازم است به کلیه آثار مبارکه مراجعه نمود و این چند سطر مقدماتی است برای آشنائی و مقصود جمع احادیث و طبقه بندی آنها در آثار مبارکه نمیباشد .

نمونه هائی از آثار مبارکه که در آن نقل احادیث اسلامی است

اینک میپردازد به نمونه هائی از آثار مبارکه و احادیث نقل شده در آثار و ماخذ احادیث و روایات و اخبار در کتب معتبره اهل سنت و مذهب شیعه .

نمونه اول : **مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ** . در بیان و شرح توحید و طرق حصول معرفت خدا : در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۲۶ : " وَأَمَّا مَا سَأَلْتِ فِي الْحَدِيثِ الْمَشْهُورِ (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ) معلوم آنجناب بوده که این بیان را در هر عالمی از عوالم لانهایه باقتضای آنعالم معانی بدیعه بوده که دون آن را اطلاع و علمی بان نبوده و نخواهد بود و اگر تمام آن کما هو حقّه ذکر شود اقلام امکانیه و ابحر مدادیّه کفایت ذکر ننماید * ولکن مقصود اولیه از

ص ۳۴۱

عرفان نفس در اینمقام عرفان نفس الله بوده در هر عهد و عصری زیرا که ذات قدّم و بحر حقیقت لم یزل متعالی از عرفان دون خود بوده * لهذا عرفان کل عرفاء راجع بعرفان مظاهر امر او بوده * و ایشانند نفس الله بین عباد و مظهره فی خلقه و آیه بین بریته " .

ماخذ حدیث : نقل این حدیث در بیانات مبارکه در لوح مذکور و نیز در سایر الواح مبارکه برای نشان دادن طرق حصول معرفت خدا است . تحقیق مختصری که نگارنده در یافتن ماخذ و مرجع این حدیث نموده بشرح ذیل است و تحقیق کامل مستلزم مساعی دقیقتر و جامعتری است که در حال حاضر در دست مطالعه است .

- (۱) **ماخذ حدیث در کتب اهل سنت و جماعت** این حدیث در کتاب کشف الاسرار تالیف ابوالفضل رشید الدین میبدی جلد پنجم صفحه ۷۲۹ در تفسیر آیه های ۶۰ الی ۸۲ سوره الکهف قرآن کریم از قول حضرت رسول ص نقل نموده است . و در ذیل فهرست احادیث نبوی در صفحه ۳۷۲ فهرست کشف الاسرار با علامت (حدیث ؟) درج گردیده است .
- (۲) **ماخذ حدیث در کتب اهل تصوف :** این حدیث در اکثر کتب از تالیفات صوفیه از قول

حضرت رسول اکرم نقل گردیده است از جمله کتب معروف که این حدیث را به حضرت رسول اکرم نسبت داده اند عبارتند از :

- ۱ - تمهیدات عین القضاة همدانی در صفحات ۱۲ ، ۵۶ ، ۶۱ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۷۶ ، ۲۲۱ ، ۲۷۱
 - ۲ - قدسیه (کلمات بهاء الدین نقشبند) تالیف خواجه محمد بن پارسای بخارائی صفحه ۶۲ .
 - ۳ - ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار صفحه ۲۶ ، تالیف کمال الدین حسین خوارزمی
- شارح مثنوی مولانا . این حدیث به این صورت نقل شده ۲۷ : " چون دانستی که به حکم " من عرف نفسه فقد عرف ربه " معرفت حضرت سبحانی موقوف است بر معرفت

ص ۳۴۲

نفس انسانی ، " - در پایان این کتاب در شرح احادیث در صفحه ۳۸۴ مطالبی به این شرح در باره این حدیث و مآخذ آن درج گردیده است که دانستن و اطلاع بر آن ممکن است مفید واقع گردد : " من عرف نفسه فقد عرف ربه - سنائی در حدیقه بیته نیز در بیان آن سروده .

در ره قهر و عزت صفتش کنه تو بس بود بمعرفتش

طریحی در مجمع البحرين ص ۱۵۳ - آنرا از کلمات حضرت علی ع دانسته ، همچنین اسدی در کتاب غرر و در رج ۴ ص ۱۹۴ - آنرا جزء فرمایش های حضرت علی بیان میکند - ولی امام صاغانی در رساله خود (بنام احادیث موضوعه) آنرا جزء احادیث موضوعه می شمارد (نقل از تعلیقات حدیقه ص ۸۵ و در چهار مقاله ص ۱۶ و مقالات شمس ص ۲۱ و ص ۵۶ آمده) و مولانا آنرا حدیث نبوی دانسته است و مینویسد . " بعد از آن یاران گفتند که یا رسول الله هر نبی معرف من قبله بود تو خاتم النبیین معرف تو که باشد گفت " من عرف نفسه فقد عرف ربه " در التصفیه فی احوال المتصوفه ص ۳۶۹ - آمده است . مولانا در فیه ما فیه این عبارات را آورده و به علی علیه السلام نسبت داده و در مثنوی آنرا به پیغمبر منسوب داشته است و چنین میگوید .

بهر این پیغمبر آن را شرح ساخت کان که خود بشناخت یزدان را شناخت

و نیز در شرح نهج البلاغه ج ۴ ص ۵۴۷ به علی علیه السلام و در کنوز الحقایق ص ۹ و بعض مآخذ به پیغمبر اکرم منسوبست . مؤلف اللؤلؤ المرصوع (ص ۸۶) آنرا از احادیث موضوع می شمارد . مضمون این حدیث نیز در غالب اشعار عرفا دیده میشود . در مصباح الهدایه ص ۹۰ می نویسد چنانکه در حدیث صحیح است " من عرف نفسه الخ " .

۴ - **کیمیای سعادت** ۲۸ : ابو حامد غزالی ، در فصل شناختن خدای تعالی فصلی را به معرفت نفس اختصاص داده و این حدیث را نقل نموده است : " در شناختن نفس خویش - بدان که کلید معرفت خدای عز و جل معرفت نفس خویش است ، و برای

ص ۳۴۳

این گفته اند : من عرف نفسه فقد عرف ربه " . و در فصلی دیگر نیز به این حدیث اشاره میکند : " بدانکه در کتب پیمبران گذشته معروفست این لفظ ، که با انسان گفت : یا انسان اعرف نفسك ، تعرف ربک و در اخبار و آثار معروفست که : من عرف نفسه فقد عرف ربه ... " . امام محمد غزالی در نقل این حدیث ، اشاره به اینکه این حدیث نبوی است ننموده و به ذکر (در اخبار و آثار معروفست) قناعت کرده است .

(۲) **ماخذ حدیث در کتب شیعه** : نگارنده سعی نمود که ماخذ این حدیث را در کتب

معتبره حدیث از قبیل اصول کافی تألیف ثقة الاسلام کلینی و کتاب الوافی تألیف ملا محسن فیض کاشانی و کتاب التوحید در بحار الانوار مجلسی و انوار التوحید شیخ صدوق استخراج و درج نماید و تاکنون موفق به یافتن آن نگردیده است . همانطور که در شماره ۱ - ۳ در قسمت شرح احادیث مندرجه در کتاب ینبوع الاسرار ، ثبت گردیده ، کتب معتبر دیگری که این حدیث را به حضرت علی ع استناد داده است شرح نهج البلاغه است - مؤلف دیگری که این حدیث را از فرموده های حضرت علی علیه السلام دانسته و از قول آن حضرت نقل نموده شیخ رجب برسی است که در تألیف خود بنام مشارق انوار الیقین فی اسرار المومنین نقل نموده ۲۹ : " فصل یقول الربّ الجلیل فی الانجیل : اعرف نفسك ایها الانسان تعرف ربک ، ظاهرک للفناء و باطنک انا . و قال صاحب الشریعة : اعرفکم بریه اعرفکم بنفسه ، و قال امام الهدیه من عرف نفسه فقد عرف ربه " .

تحقیق نگارنده در کتاب التوحید شیخ صدوق در " باب انه عز و جل لا یعرف الا

به صفحه ۲۸۵ " ، حدیث شماره ۲ بنظر میرسد که با مقصود حدیث قرابت دارد . این حدیث برای

مزید اطلاع درج میگردد . " عن احمد بن محمد بن خالد ، عن بعض اصحابنا ، عن علی

بن عبّنه بن قیس ابن سمعان بن ابی ربیحة مولی رسول الله ص رفعه ، قال سئل

امیر المومنین ع : بم عرف ربک ؟ فقال : بما عرفتني ... " ، این حدیث در بحار

ص ۳۴۴

مجلسی جز" ثالث صفحه ۲۷۰ در باب ۱۰ در کتاب التوحید بشماره ۸ نیز درج شده است .
 مولف دیگری که این حدیث را از فرموده های حضرت علی دانسته و آنرا نقل نموده ،
 ملا عبدالله مدرس زنوزی متوفی بسنه ۱۲۵۷ ه . ق . در کتاب انوار جلیه است ۳۰ .
 مولف در صفحات ۸۹ ، ۱۵۰ ، ۲۲۸ و ۲۲۷ این حدیث را درج نموده است . در صفحه ۲۲۸ می
 نویسد : (پس در نزد او هویدا و آشکار می شود سر " من عرف نفسه فقد عرف ربه ")
 که از مشکات ولایت وارد است ، متذکر و متفطن باش) و در صفحه ۳۲۷ استناد آنرا
 در بحثی در توحید ، به این شرح به حضرت علی داده است : از اینجا ظاهر میشود :
 ... نیز سرکلام قدسی نظام " کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی
 اعرف " ، و از اینجا نیز منکشف می شود : سرکلام خاتم نبوت " من رآنی فقد رای
 الحق " و سرکلام خاتم ولایت " من عرف نفسه فقد عرف ربه " . لازم به یاد آوری
 است که این حکیم الهی که سه سال قبل از ظهور حضرت نقطه اولی جل ذکره وفات نمود ،
 در مسئله توحید و عرفان مظاهر الهی نظرات قریب و مشابهی با امر بهائی دارد که
 طالبین می توانند به کتاب او مراجعه نمایند .

ماخذ حدیث در کتاب مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار ۳۱ : عبدالله شبر
 متوفی در سنه ۱۲۴۲ ه . ق . در تالیف خود بر اساس عقاید علمای اسلام این حدیث را
 از قول حضرت محمد ص در کتابش نقل کرده است : " ما رویناه عن جملة من علمائنا
 الاعلام و فضلائنا الکرام ، و اشتهر بین الخاص و العام من قول النبی صلی الله
 علیه و آله افضل الصلاة و اتم السلام : من عرف نفسه فقد عرف ربه .
ماخذ حدیث از نظر امر بهائی : در چند لوح از الواح مبارکه این حدیث ذکر شده ولی
 اشاره صریحی بنام گوینده حدیث نشده است . در ایقان شریف به نقل از سلطان بقا
 اشاره شده قوله الاعلیٰ ۳۲ : " چنانچه سلطان بقا روح من فی سرادق العماء فداه

ص ۳۴۵

میفرماید (من عرف نفسه فقد عرف ربه) " - در قاموس ایقان جلد ۴ صفحه ۱۵۲۸ ،
 فاضل جلیل القدر اشراق خاوری آنرا از فرموده های حضرت امیر ع درج نموده است : "
 مقصود از سلطان بقاء که ذکر فرموده اند حضرت امیر المومنین علیه السلام است " .
 نمونه دوم : در مراتب عبودیت و توحید : در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه ۳۳ :

"أَيْ رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ وَأَبْنُ أَمَتِكَ". نیز در صلاة کبیر قنوت اول است. قوله عز بیانه: "أَيْ رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ".

توجیه: بنظر میرسد اشاره به حدیث نبوی است: "اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک، ناصینی بیدک. ماض فی حکمک، عدل فی قضائک...".
ماخذ حدیث ۳۴: این حدیث در کتاب حدیث المسند الجامع جلد ۲ بشماره ۴۳۰۶ در صفحه ۳۳ از قول حضرت رسول اکرم روایت گردیده است.

نمونه سوم: در مقامات انبیای الهی، وحدت انبیاء و ارتباط آنان با یکدیگر: در لوحی میفرمایند قوله جل بیانه ۳۵: "طُوبَىٰ بِمَا فُزْتُمْ فِي هَذَا الْغَيْدِ الْأَعْظَمِ بِخَلْعِ الْعِرْفَانِ وَآمَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ الرَّحْمَنَ وَرَبِّمَا جَاءَ بِهِ فَخْرُ الْأَكْوَانِ وَسَلْتَانُ الْإِمْكَانِ الَّذِي بِهِ جَدَّدَتِ الْأَدْيَانُ وَمَرَّتْ نَفَحَاتُ الْغُفْرَانِ عَلَى أَهْلِ الْأَعْصِيَانِ، الَّذِي زَيْنَ رَأْسِهِ بِإِكْلِيلٍ (لَوْلَاكَ) أَلَنَّا طُقُ فِي مَقَامِ الصَّحْوِ (مَا عَرَفْنَاكَ) وَفِي مَقَامِ الْمَحْوِ (أَنَا هُوَ وَهُوَ أَنَا إِلَّا أَنَّهُ مُقَدَّسٌ عَنْ ذِكْرِنَا وَإِيَّاكَ)".

نمونه چهارم: در لوح بسیار مشهور و معروفی که با "هو البهی الابهی جواهر توحید و لطائف تمحید متصاعد بساط حضرت سلطان بیمثال و ملیک ذوالجلالی است... " آغاز میشود، در ارتباط مقام انبیای الهی که حق تعالی آنان را: "از دو عنصر خلق فرماید عنصر ترابی ظاهری و عنصر غیبی الهی" در بیان عنصر الهی آنان اشاره میفرماید به چند حدیث نبوی ۳۶: "و دو مقام در او خلق فرماید یک مقام حقیقت که مقام لا ینطق الا عن الله ربه است که در حدیث میفرماید (لی مع الله حالات انا هو و هو انا الا انا و هو هو)".

ص ۳۴۶

توجیه و تحقیق در این لوح منبع مقام مظهریت و ربوبیت خویش را از نقطه نظر قربیت و ارتباطشان با خدای متعال با الفاظ و کلماتی که در یکی از احادیث نبوی در ارتباط مظهر الهی و خداوند وجود دارد بیان فرموده اند. در بررسی و تحقیق در این قسمت از لوح مبارک، ملاحظه میشود که قسمتهائی از بیانات مبارکه در داخل پراکنش نوشته شده است. و این خود میرساند که نقل بیانی است از ماخذی و یا نوشته. در بررسی و جستجو برای یافتن این قبیل از بیانات، بنظر میرسد آه بیان یا نقل قسمتی از آیات در قرآن کریم و یا قسمتهائی از یکی از احادیث اسلامی است - اینک می پردازد برای نمونه به تحقیق در "لولاک".

«لولاك» ۳۷ : جمال کبریائی این حدیث را در ایقان شریف نیز به تفصیل در مسئله

الوہیت و ارتباط مظاهر ظهور بیان فرموده اند .

ماخذ حدیث (۱) در قاموس ایقان در جلد سوم صفحه ۱۴۰۲ ، تالیف عالم و محقق جلیل القدر جناب عبدالحمید اشراق خاوری در باره این حدیث باین شرح تحقیق شده است : " و از جمله ابوالحسن البکری به اسناد شہید ثانی این حدیث را در کتاب الانوار نقل فرموده از اینقرار کہ حضرت امیر فرمودند : " ... لولاك لما خلقت الافلاك من احبك ... " .

(۲) این حدیث در مجلد پانزدهم بحار الانوار تالیف مرحوم محمد باقر مجلسی

در تاریخ نبینا ص ، باب بدا خلقه و ما يتعلق بذلك " شماره ۴۸ صفحه ۲۷ به این صورت درج گردیده است : " قال الشيخ أبو الحسن البكري أستاذ الشهيد الثاني قدس الله روحهما في كتابه المسمى بكتاب الانوار : " فروي عن امير : كان الله ولا شئ معه ، فأول ما خلق نور حبيبه محمد ص قبل خلق الماء والعرش والكرسي والسموات والأرض واللوح والقلم والجنة والنار والملائكة وآدم وحواء بأربعة العشرين وأربعمائة الف عام ، فلما خلق الله تعالى نور نبينا محمد ص بقي ألف عام بين يدي الله عز وجل واقفاً يسبحه وبحمده ، والحق تبارك وتعالى ينظر إليه ويقول : يا عبدى أنت المراد

ص ۳۴۷

والمريد ، وأنت خيرتي من خلقي ، وعزتي وجلالي لولاك ما خلقت الافلاك ، من احبك ، أحببته ، ومن أبغضك أبغضته ، فتلاً نور وارتفع شعاعه ، ... " . (حسن البکری از علمای اهل سنت و اشعری المذهب . مستخرج از حاشیہ همین حدیث) .

مراتب مقام انسان . مقصد از خلقت انسان و « انسان کامل »

در ایقان شریف به چند حدیث نبوی در باره مقام انسان استناد فرموده اند کہ در نوع سوم و ششم به آن اشاره گردید مراجعه فرمائید . و نیز در کلمات مکنونہ اشاره ایست به یکی از احادیث نبوی قولہ جل بیانہ : " (ای پسر عز) در سبیل قدس چالاک شو و بر افلاک انس قدم گذار قلب را بصیقل روح پاک کن و آہنگ ساحت لولاک نما " . بنظر میرسد کہ " لولاک " اشاره بہ حدیث در بارہ حضرت رسول است کہ باختصار توضیح دادہ شد . «حصاة فی کفہ» در لوحی خطاب بیکي از احبا باسم محمد در استدلال و اعلان امر

مبارک اشاره ایست بیکی از احادیث نبوی که در متن لوح دو کلمه از حدیث که به صراحت اشاره به حدیث نبوی است نقل گردیده است قوله الاعلیٰ ۳۷ : " قل انّ الحِصاة تسبّح فی هذا الکفّ البیضاء المنیر " . و نیز در لوحی از الواح صیام اشاره به ظهور اعظم است قوله تعالیٰ ۲۹ : " لا تَجْعَلُنَا مَحْرُومًا عَمَّا قَدَرْتَهُ فِیْ هَذَا الظُّهُورِ الَّذِیْ بِهِ یَنْطِقُ كُلُّ شَجَرَةٍ بِمَا نَظَقَ سِدْرَةُ السَّیْنَاءِ لِمُوسٰی کَلِمَکِ وَ یُسَبِّحُ کُلُّ حَجَرٍ بِمَا سَبَّحَ بِهِ الْحِصَاةُ فِی قُبْضَةِ مُحَمَّدٍ حَبِیْبِکَ " .

ماخذ حدیث این حدیث در کتب معتبره احادیث اهل سنت و مذهب شیعه نقل شده است . در بحار الانوار مرحوم مجلسی جلد ۱۷ صفحه ۳۷۹ ، کتاب تاریخ نبینا ص ، باب معجزاته ص انه اخذ الحصى فی کفه فقالت کل واحدة : سبحان الله و الحمد لله ولا

ص ۳۴۸

اله الا الله و الله اکبر " . نقل حدیث دیگری در ذیل همان ماخذ بشماره ۴۹ نیز روایت شده است . برای مزید اطلاع مراجعه کنید به کتاب نافه مکنون تألیف نگارنده فصل چهارم از بخش دوم .

توجیه : تحقیق در اینکه کلمات بکار رفته در بیان مبارک ، اشاره بیکی از احادیث نبوی است ، ظاهراً آسان بنظر نمی‌رسد ، اطلاع به احادیث اسلامی و آشنائی به روش تحقیق در احادیث تاحدودی به حصول مقصد کمک مینماید .

«حجابهای نور» در تفسیر آیه ۲۴/۳۵ سوره نور در قرآن کریم ، جمال کبریائی بیاناتی نازل فرموده اند در مقام و مرتبه خویش و امر مبارک قوله تعالیٰ ۴۰ : " یا ایها السائل الامل فی تلک الایام التی فیها اشرفت شمس العنایة عن مشرق الاحدیة و اضابت سراج الهویة فی مشکوة القدسیة لن تشهد هذه الایة الا فی هیکل الذی استره الله خلف سراق العزة فی رفرف قرب محبوب اما تشهد کیف او قده الله لنفسه بنار نفسه فی مشکوة البقا و حفظه بمصباح القدرة بین الارض و السماء لثلا یهب علیه نسמת الشریکیة و ظهر منه النور عن خلف سبعین الف حجاب علی قدر سم الابره و استضاء منه زجاجات وجود الممكنات " .

و نیز بیان مشابه دیگری است در لوح حکمت قوله تعالیٰ ۴۱ : " انک عاشرت معی و رایت شمس سما حکمتی و امواج بحر بیانی **اذکنا خلف سبعین الف حجاب من النور** ان ربک لهو الصادق الامین " . و نیز در لوح دیگری اشاره به حجابهای نور میفرمایند قوله

الاعلیٰ ۳۸ : " قل ان جمال الله قد اخرج عن حجب النور فتبارك الله سلطان السلاطين".

ماخذ حدیث (۱) در صحیح مسلم در کتاب الایمان ۴۲ : "... حِجَابُهُ النُّورُ وَفِي رِوَايَةٍ... النَّارُ لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا أَنْتَ إِلَيْهِ بِصَرَّةٍ مِنْ خَلْقِهِ (۲) در کتاب التوحید

شیخ صدوق در باب عظمة الله جلّ جلاله ، در قسمتی از حدیث بشماره ۱ از حضرت رسول اکرم ص در شرح هفت آسمان و حجابهای نور به این شرح درج شده است ۴۳ : " وَهِيَ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ يَذْهَبُ نُورُهَا بِالْأَبْصَارِ . (۳) ابن عربی در فتوحات مکیّه در سبحات الوجه * الجواب وجه الشیء ذاته

ص ۳۴۹

و حقیقتش فهی انوار ذاتیه بینا و بینها حجب الاسماء الالهیه و لذا قال کل الشیء هالک الا وجهه

... فقال ان لله سبعین حجابا او سبعین الف حجاب من نور و ظلمة لو كشفها لاحرق

سبحات وجهه ما ادركه بصره من خلقه " . (۴) شرح حجابهای نور و احادیث منقول در

کتب شیعه درج شده است . در کتاب حیات القلوب تالیف علامه مجلسی در قسمت تاریخ

حیات و داستان معراج حضرت محمد ص درج گردیده و آن قسمت که ارتباطی مستقیم

با بیان مبارک در تفسیر آیه ۲۵ سوره نور دارد در اینجا نقل میگردد ۴۵ : " بسند معتبر دیگر از

" از حضرت موسی بن جعفر ع روایت کرده است که حضرت رسول ص فرمود که در شب

معراج جبرئیل مرا بنزد درختی برد که مثل آن در عظمت و بهجت ندیده بودم

... و نوری از انوار حق تعالی آن درخت را احاطه کرده بود پس جبرئیل گفت

این سدرۃ المنتهی است که پیغمبران پیش از تواز این مکان تجاوز نمیتوانستند کرد

و حقتعالی بمشیت خود ترا از این مکان خواهد گذرانید تا بنماید بتو آیات بزرگ خود را ...

پس بتایید ربانی بالا رفتم تا بزیر عرش الهی رسیدم و از آنجا پرده سبزی برای من آویختند

که وصف آن در نور و ضیاء و حسن و بها نمی توانم کرد پس در آن پرده

در آویختم و آن پرده مرا بالا کشید تا پرده دار خلوت خانه قدس گردیدم

در حرمسرای عزت ببال رفعت پرواز کردم تا بمرتبه رسیدم که صداهای ملائکه را نمیشنیدم

و از خود تهی گردیدم ... پس زمانی حقتعالی مرا مهلت داد تا بخود آمدم

و از حیرت و دهشت رهائی یافتم و بتوفیق حقتعالی چشم سر را بستم و دیده دل را گشودم و

بدیده دل ملکوت آسمان و زمین را می دیدم ... و بدیده دل بقدرته سوزنی از انوار جلال

بدیده دل بقدرته سوزنی از انوار جلال حق مشاهده میکردم ... " . (۴) حدیث دیگری

در بحار الانوار ۴۶ : در باره معراج و حجابهای نور نقل شده است مراجعه فرمائید .

توجیه : از ظاهر الفاظ و کلمات بکار برده شده در حدیث مذکور سهولت و وضوح

ص ۳۵۰

مفهوم می‌گردد که اسرار الهی در قالب الفاضلی که نیاز بتاویل دارد بیان شده است .
در این امر مبارک مقصد از ملائکه و تاویل معراج در الواح مبارکه به تصریح و بدون
هیچگونه ابهامی توسط قلم اعلیٰ و الواح تبیینی توجیه و بیان گردیده است .

بیانات حضرت ولیّ امرالله در اشاره به حدیث حجابهای نور

در خاتمه این مطلب بیانات احادی حضرت شوقی افندی ولیّ امرالله جل سلطانه
که در توقیع منبع گادپاسزبای و لوح منبع ۱۰۵ بدیع در شرح اظهار امرعلنی جمال کبریائی نقل
و اشاره به حدیث حجابهای نور گردیده است زیب این قسمت مینماید .
قرن بدیع (ترجمه گاد پاسزبای) قوله الاحلی ۴۷ : " سلطان ظهور از خلف
(الف الف حجاب من النور) قدم بیرون نهاد و بقدر ((سَمَّ اِبْرَه)) از انوار وجه
منیر بر عالم و عالمیان مکشوف ساخت " .

لوح سنه ۱۰۵ نیز این بیانات مهیمه از یراعه توانای حضرت ولیّ امرالله صدور یافت
قوله الاحلی ۴۸ : " دعوت سرّی مظهر کلی الهی بدعوت جهری پس از خروج از بیت اعظم
در حین مهاجرت از مدینه الله بمدینه کبیره مبدل گشت و سنین مهلت منقضی شد و
مکّم طور بر عرش ظهور واضحاً مشهوداً جالس گشت سفینه حمراء بر بحر احمر جاری شد
... و سلطان ظهور مالک يوم الدّین بفرموده آن مبشر فرید امر عظیم در انتهای واحد
و ابتدای ثمانین از خلف سبعین الف الف حجاب من النور قدم بیرون نهاد و از سرّ
مستسر علی قدر سَمَّ الْاِبْرَه از طور اکبر ظاهر و مکشوف نمود " .

علم الحديث برای آشنائی مختصری به علم حدیث قسمتهائی از مندرجات تاریخ ادبیات

ایران تالیف دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه طهران را که در کمال بیطرفی ،
مستند و محققانه نوشته شده درج مینماید ۴۹ : " حدیث علمی است که بیاری آن اقوال
و افعال و احوال پیغامبر ص شناخته میشود و خود بدو علم رواية الحديث و درایة
الحديث منقسم میگردد . علم رواية الحديث علمی است که از کیفیت اتصال احادیث

برسول الله از حیث احوال روات آنها در ضبط و عدالت و نظائر آنها بحث میکند و

ص ۳۵۱

باصول الحديث نیز معروفست . علم درایة الحديث علمی است که از معنی و مفهوم الفاظ و مراد از آنها بحث میکند و مبتنی است بر قواعد زبان عربی و ضوابط شرعی ، مراد از علم الحديث پیروی از آداب نبوی و دوری از اعمالی است که در نزد او مکروه بوده است . این علم از جهت اهمیت وافری که داشته مانند سایر علوم شرعیه شعب و فروع متعددی پیدا کرده است مانند علم شرح الحديث - علم اسباب ورود الاحادیث و ازمنه و امکانه - ناسخ الحديث و منسوخه - علم تاویل اقوال النبی - علم رموز اقوال النبی - علم غرائب لغات الحديث - علم تلفیق الاحادیث - علم رواة الاحادیث - علم النظر فی الاساتید ، و غیره ... ظهور این علم بدین گونه بوده است که چون حضرت رسول مربی منحصر مسلمین بود در زمان حیات خویش هم آیات قرآنی را که اوامر و نواهی الهی است بمردم ابلاغ میکرد و هم در مواردی که مسلمین در مسائل مختلف مثل فهم معانی قرآن یا کیفیت اجراء احکام و نظائر این امور اشکالی داشتند ، مشکلات آنان را رفع مینمود یا از پیغامبر اکرم در موارد مختلف اقوال و افعالی صادر میشد که سرمشق مسلمانان در اقوال و افعالشان قرار میتوانست گرفت و بدین ترتیب مقدار کثیری سنت و دستور و قول از پیامبر اسلام باقی ماند که عده ای از صحابه آنها را از حفظ داشتند و روایت میکردند و هنگامی که فتوحات مسلمین شروع شد و مسلمانان در ممالک اسلامی پراکنده شدند بنشر این احادیث مبادرت شد چنانکه احادیث و سنن نبوی بسرعت در سراسر کشور اسلامی رواج یافت .

در آغاز کار مسلمانان فقط بحفظ و نقل احادیث متوجه بودند و توجهی بضبط آنها در کتب نداشتند و بهمین سبب در آن دوره که تا اواخر عهد اموی امتداد یافت اختلاط احادیث صحیح باسقیم و مجعول بشدت جریان داشت ولی اندک اندک برای رهایی احادیث و سنن از خلل و تباهی ضبط آنها شروع شد و در نیمه اول قرن دوم گروهی از مدونین بزرگ حدیث ظهور کردند و مجموعه هائی ترتیب دادند که از آنجمله اند :

ص ۳۵۲

ابن جریح در مکه و محمد بن اسحق و مالک بن انس در مدینه ... از میان این مجموعه

های نیمه اول قرن دوم اکنون جز موطا مالك بن انس در دست نیست ... ذکر این نکته لازم است که در قرن اول و دوم بر اثر کشاکش های شدید سیاسی و کلامی میان مسلمانان و در نتیجه مدون نبودن احادیث و بعضی علل دیگر بسیاری احادیث مجعول متداول گردید و کثرت این احادیث بدرجه یی رسید که تحقیق در احادیث و حتی استناد بانها را دشوار ساخت . باین سبب در قرن سوم فکر نقد احادیث و تمیز انواع آنها (صحیح ، حسن ، ضعیف ، مرسل منقطع ، معضل ، شاذ ، غریب و غیره) از یکدیگر و ذکر رجال حدیث و حکم نسبت بانان بمیان آمد و دوره تالیف کتب صحاح فرا رسید چنانکه امام محمد بن اسمعیل البخاری (م ۲۵۶) کتاب معروف خود الجامع الصحیح و ابوالحسن مسلم بن الحجاج نیشابوری (م ۲۶۱) کتاب صحیح خود و ابن ماجه ابو عبدالله محمد بن یزید القزوی (۲۰۹ - ۲۷۲) کتاب سنن و ابی داود (م ۲۷۵) کتاب سنن و الترمذی (م ۲۷۹) کتاب جامع و النسائی (م ۳۰۲) کتاب سنن خویش را تالیف کرد و این شش کتاب که ارکان اساسی علم حدیث در میان عامه است بنام " کتب الستة " مشهورند و اضح کتب حدیث شمرده میشوند و احيانا کتاب المسند امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱) را هم بر آنها میافزایند . این نکته قابل توجه است که شماره احادیث مقبول ائمه و فقها بر اثر وجود احادیث مجعول تفاوت میکرد . مثلاً امام ابو حنیفه بنا بر نقل ابن خلدون از میان جمیع احادیث در حدود هفده حدیث را پذیرفت و مالک در کتاب الموطا در حدود سیصد حدیث و احمد بن حنبل در کتاب مسند خود پنجاه هزار حدیث را روایت کرده و صحیح دانسته است . بعضی از محدثین در روایت جنبه افراط پیمودند و گاه کار ثبت و ضبط احادیث پانصد ششصد هزار و میلیون میرسید . مسلم نیشابوری کتاب صحیح خود را از روی سیصد هزار حدیث مسموع ترتیب داد و امام بخاری از روی ششصد هزار حدیث و حال آنکه از این میان در حدود ۹۲۰۰

ص ۳۵۳

حدیث را پذیرفت " - برای تفصیل بیشتر و مزید اطلاع مراجعه کنید به مقدمه شارح صحیح مسلم (امام النوری) در جلد اول (صحیح مسلم) و نیز برای مزید اطلاع مراجعه کنید به مقدمه فتح الباری بشرح صحیح بخاری تالیف عقلانی در فصل چهارم و فصل دهم . و نیز مراجعه کنید به کتاب تاریخ ابن خلدون ۵۰ : جلد اول الفصل السادس فی علوم الحدیث .

مآخذ احادیث منقولہ در الواح الہی در پایان این قسمت لازم است یاد آوری شود کہ احادیث منقول در معارف امر بهائی و در الواح مبارکہ قلم اعلیٰ خصوصاً جزء لا ینفک بیانات مبارکہ است و برای حصول بہ جوہر کلام ، لازم است کہ ماخذ و اطلاعات کلی در بارہ حدیث منقول در ہر بیان را باختصار بدست آورد .

کتاب معتبرہ حدیث در نزد اہل سنت و جماعت

احادیث مروی از حضرت رسول اکرم را در کتب حدیث جمع آوری شدہ توسط علمای اہل سنت کہ مورد قبول عامہ اہل سنت و جماعت و بہ " کتب ستہ " مشہور است میتوان یافت و استخراج نمود ، مولفین این کتب و نام و تالیفاتشان بشرح ذیل است :

- ۱- صحیح بخاری (امام محمد بن اسمعیل بخاری) : این کتاب حدیث بانضمام شروح آن تحت عنوان : فتح الباری بشرح صحیح الامام ابی عبد اللہ محمد بن اسمعیل البخاری لشیخ الاسلام قاضی القضاۃ الحافظ ابی الفضل شہاب الدین احمد بن علی بن محمد بن حجر العسقلانی الشافعی . ناشر : دار احیاء التراث العربی . بیروت - لبنان . در ۱۳ جلد .
- ۲- صحیح مسلم : تالیف : امام ابوالحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری : بشرح ، النوی الامام الحافظ الاوحد القدوة شیخ الاسلام محی الدین ابوزکریا یحیی ابن شرف بن مری الحزامی الحواری الشافعی . ناشر : دار احیاء التراث العربی . بیروت - لبنان . در ۱۸ جلد .
- ۳- سنن ابی داود : تالیف الامام الحافظ المنصف المتقن ابی داود سلیمان ابن الاشعث

ص ۳۵۴

السجستانی الازدی ، ناشر : مکتبۃ الریاض الحدیثۃ بالریاض . در ۴ جلد . شامل ۵۲۷۴ حدیث .

۴- الجامع : تالیف ، محمد بن عیسی الترمذی

۵- السنن : احمد بن شعیب النسائی .

۶- السنن : عبد اللہ محمد بن یزید العربی (ابن ماجہ) .

۷- مسند : تالیف الامام احمد بن حنبل ابی عبد اللہ الشیبانی . ناشر : دار احیاء

التراث العربی . بیروت - لبنان . در ۹ جلد (شامل دو جلد فہرست) . شامل ۲۷۱۰۰ حدیث (این کتاب حدیث را نیز احیاناً بر آنها می افزایند) .

۸ - کتاب جامع دیگری بنام **المسند الجامع** ، حاوی کتب ستة و سایر کتب معتبره حدیث مانند موطا مالک بن انس و مسائید حمیدی و السنن الدارمی و غیره که نام آنها در جلد اول نام برده شده : ناشر ، دار الجلیل - بیروت . طبع اول ۱۹۹۳ م . در ۲۰ جلد و شامل ۱۷۸۰۲ حدیث است .

۹ - **المعجم المفهرس لالفاظ الحديث النبوی** (عن الكتب الستة و عن مسند الدارمی و موطا مالک و مسند احمد بن حنبل : تالیف ا. ج . ونسنگ . ناشر ، دارالدعوة . استامبول . این کتاب فهرست احادیث کتب ستة و سایر کتب معتبره حدیث است که برای تحقیق و مراجعه سودمند است .

۱۰ - کلیه احادیث فوق در برنامه کامپیتری بزبانهای عربی و ترجمه آن بانگلیسی توسط شرکت " حرف " در قاهره مصر تهیه و قابل دسترس است .

کتب معتبره در نزد مذهب شیعه (۱) اصول کافی در ۴ جلد - تالیف ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی متوفی بسال ۳۲۹ ه . ق . (۲) **من لایحضره الفقیه** در ۶ جلد - تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی ملقب به

ص ۳۵۵

شیخ صدوق متوفی بسال ۳۸۱ ه . ق . (۳) **الاستبصار** در ۴ جلد . (۴) **التهدیب** در ۱۰ جلد و هر دو کتاب تالیف ابی جعفر بن الحسن الطوسی ملقب به شیخ طایفه ، متوفی بسال ۴۶۰ ه . ق . . (که به کتب اربعه در نزد شیعه معروف و مورد قبول شیعه دوازده امامی است) . (۵) **وافی** و (۶) **نوادیر الاخبار** ، تالیف ملا محسن فیض کاشانی متوفی بسال ۱۰۹۱ ه . ق . (۷) **معانی الاخبار** ، (۸) **کمال الدین** ، (۹) **اسرار التوحید** و (۱۰) **الخصال** ، تالیف شیخ صدوق . (۱۱) **بحار الانوار** در ۲۶ جلد تالیف محمد باقر مجلسی متوفی بسال ۱۱۱۱ ه . ق . (۱۲) **وسائل الشیعه** ، (۱۳) **اثبات الهداة** ، تالیف شیخ محمد بن الحسن الحرّ عاملی متوفی بسال ۱۱۰۴ ه . ق . (۱۴) **غیبت** ، تالیف شیخ طائفه طوسی . (۱۵) **الارشاد** در دو جلد ، تالیف محمد بن النعمان ملقب به شیخ مفید متوفی بسال ۴۱۲ ه . ق . (۱۶) **الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة** ، تالیف شیخ محمد بن الحسن الحرّ عاملی متوفی بسال ۱۱۰۴ ه . ق . (در این کتاب عقاید مذهب

شیعه در مسئله رجعت و اثبات آن و احادیث و اخبار مربوطه نقل و مسائلی در ارتباط با این موضوع بحث و یا دلائل نقلی ، مؤلف سعی به اثبات آن نموده است . (۱۷)

عوامل (جلد غیت) ، تألیف شیخ عبدالله بحرانی . (۱۸) **الشافی فی الامامة** تألیف الشریف المرتضی علی بن الحسین الموسوی ، متوفی بسال ۶۳۲ هـ . ق . . (۱۹) **نجم الثاقب** (در احوال امام دوازدهم ولی عصر ، تألیف حاج میرزا حسین طبرسی نوری سال تألیف بعد از سال ۱۳۰۳ هـ . ق . است که مؤلف اقدام به تألیف آن نموده است . (۲۰)

مصباح الانوار فی حل مشکلات الاخبار ، تألیف سید عبدالله شبر ، متوفی بسال ۱۳۴۲ هـ . ق . (۲۱) **اعلام الوری** ، تألیف حسن طبرسی . (۲۲) روضه کافی ، تألیف شیخ کلینی .

توضیح بیان مبارک در باره مقامات ائمه (امامان مذهب شیعه) : جمال کبریائی در لوح شیخ محمد تقی نجفی مجتهد اصفهانی در تفسیر آیه ۴/۵۹ سوره النساء در تاویل اولی الامر میفرمایند قوله تعالی : " و همچنین در آیه مبارکه (**أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ**)

ص ۳۵۶

وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) مقصود از این اُولی الامر در مقام اول و رتبه اولی ائمه صلوات الله علیهم بوده و هستند ایشانند مظاهر قدرت و مصادر امر و مخازن امر و مخازن علم و مطلع حکم الهی " .

توجیه : این تاویل مبارک موافق عقاید شیعه است . برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به اصول کافی جلد اول ، کتاب الحجة ، باب فَرَضِ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ حدیث شماره ۷ بنقل از حضرت صادق ع .

نظرات علمای مذهب شیعه در باره احادیث مورد قبول اهل تسنن

نقل احادیثی که توسط بعضی از صحابه و نزدیکان حضرت رسول در کتب معتبره حدیث درج گردیده و در کتب حدیث مؤلفین شیعه نقل نگردیده و اصولا نقل احادیث و راویان آنها از طریق ائمه اطهار و راویانی (سیزده تن صحابه) است که جانب حضرت علی ع را بعد از وفات حضرت رسول اکرم ص گرفته اند . بعنوان مثال نقل هیچیک از احادیث ثبت شده از طریق عایشه زوجه پیغمبر اکرم ص در کتب اربعه دیده نمیشود . در این جا یک نمونه از نظرات علمای شیعه در باره روایات از طریق اهل سنت و جماعت در کتاب

الایقاظ من الیهجة بالبرهان علی الرجعة تألیف شیخ حسن حرّ عاملی درج می‌گردد ۵۱ :

باب اول مقدمه ششم : " شیخ کلینی در باب " اختلافات حدیث " در حدیثی طولانی از عمر بن حنظله نقل میکند که گفت بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم : اگر هریک از دو خبر مخالف را ، معتمدان از شما نقل کنند چه باید کرد ؟ فرمود : هریک حکمش موافق قرآن و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله ، و مخالف سنیان است بگیری . و آنرا که مخالف کتاب و سنت و موافق سنیان است رها کنید ، گفتم : اگر هر دو فقیه (که در مرافعه حکم میکنند) حکم واقعه را از کتاب و سنت گرفته باشد و حکم یکی موافق سنیان و حکم دیگر مخالف آنها باشد چه کنیم ؟ : فرمود مخالف سنیان را بگیر که هدایت در همان است (تا آخر حدیث) " (ترجمه متن در ذیل اصل متن عربی) و نیز در باب اول ، مقدمه دهم مینویسد : مقدمه دهم

ص ۳۵۷

اینکه در مورد معارضه و مخالفت دو حدیث ، در روایات زیادی دوازده وجه برای ترجیح یکی از آنها وارد شده ، دلیلهای عقلی چندی هم موافق آنها است و ما مختصراً باین وجوه اشاره میکنیم : ۱ - مخالف یک خبر با سنیان - و موافقت دیگری با آنان ۲ - مخالفت با مشهورترین مذاهب سنیان - و موافقت دیگری با آن ... " . الی آخر . (برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به اصول کافی جلد ۱ ، کتاب الفضل العلم . باب اختلاف الحدیث . و نیز باب الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب) .

نظرات علمای مذهب سنی نسبت به سایر مذاهب اسلام در کتاب الفرق بین الفرق تألیف ابو منصور عبدالقاهر بغدادی نقل چند حدیث از حضرت رسول اکرم در جدائی امت اسلام در باب نخستین (ترجمه کتاب) نوشته شده است ۵۲ : فرمود پیغمبر خدا : لیاتین علی امتی ما اتی علی بنی اسرائیل ، تفرق بنو اسرائیل علی اثنتین و سبعین ملة و ستفرق امتی علی ثلاث و سبعین ملة ، تزید علیهم ملة ، کلهم فی النار الا ملة واحدة ، یعنی بر پیروان من همان رود که بر بنی اسرائیل رفت و بدان سان که ایشان بهفتاد و دو گروه گرویدند امت من نیز به یک گروه بیشتر بهفتاد و سه گروه شوند و همه آنان در دوزخ باشند ، مگر یکدسته که رستگار گردند . چون از وی پرسیدند که ای پیغمبر خدای آن دسته کیانند ؟ فرمود : ما انا علیه و اصحابی یعنی اندسته که من و یارانم برآئیم ... حدیث کرد ما را قتاده از انس از پیغمبر که فرمود : ان بنی اسرائیل

افترقت على احدى و سبعين فرقة و ان امتى ستفرق على اثنتين و سبعين فرقة كلها في النار الا واحدة و هى الجماعة . يعنى ((همان سان كه بنى اسرائيل بهفتاد و يك گروه گرویدند ، پیروان من نیز بهفتاد و دو گروه گردند و همه ایشان در دوزخند جز یک گروه و آن دسته سنت و جماعت هستند .)) .

ص ۳۵۸

نظرات علمای مذهب شیعه نسبت بسایر مذاهب اسلام

در کتاب نوادر الاخبار فیما یتعلق باصول الدین ، تالیف فیض کاشانی حدیثی از حضرت علی علیه السلام نقل گردیده باین شرح ۵۳: " الأمالی - عن أمير المؤمنين عليه السلام قال : " افترقت اليهود على أحدى و سبعين فرقة ، سبعون منها فى النار ، و واحدة ناجية فى الجنة ، و هى التى تبعت يوشع بن نون وصى موسى ، و افترقت النصارى على اثنتين و سبعين فرقه ، أحدى و سبعون فى النار و واحدة فى الجنة و هى التى تبعت شمعون وصي عيسى و ستفرق ، هذه الامة على ثلاث و سبعين فرقة ، اثنتان و سبعون فى النار و واحدة فى الجنة و هى التى تبعت وصى محمد و ضرب بيده على صدره " / برای اطلاع به عقاید بهائیان در باره مندرجات این حدیث مراجعه فرمائید به بیانات تبیینی حضرت ولی امرالله جل سلطانه که در اوائل این روش (شانزدهم) که از لوح قد ظهر يوم الميعاد به زبان انگلیسی استخراج و درج گردیده است . و نیز در باره فرقه ناجیه برای اطلاع بیشتر و پاسخ علمای شیعه به اهل سنت مراجعه کنید به کتاب (مصائب النواصب در رد نواقص الروافض) تالیف قاضی سید نورالله شوشتری تحت عنوان : فرقه ناجیه کدام است .

۷ در کتب حدیث سته مورد قبول اهل سنت و جماعت ذکر احادیث منقول از ائمه اطهار (بجز حضرت علی ع) نگردیده و راویان حدیث همه از اصحاب حضرت رسول ص اند . توجیه و نتیجه حمد و سپاس بیکران جمال قدم جل جلاله را که میثاق حی غلیظ و سطوت میثاقش اهل بها را از اینگونه پریشان فکریها و تفرقه افکنی های عقیدتی بری ساخت و تبیینات حضرت غصن اعظم و حضرت ولی امرالله ابواب اینگونه نفاق افکنی ها را بکلی مسدود فرمودند . تا احبای الهی در ظل شجره انیسا در اصول و مبادی و احکام و نظم اداری متحد العقیده و فکر ، از حیات روحانی و جسمانی در این عالم متنعم و هر یک جزئی از عناصر و عوامل حصول به وحدت عالم انسانی باشند .

فهرست نمونه هائی از احادیث ذکر شده در الواح قلم اعلیٰ

۱ - حدیث حضرت رسول اکرم ص : " سَتَرْنَ رَبِّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ الْبَدْرَ فِي لَيْلَةِ اَرْبَعَةِ عَشَرَ " (الف) ماخذ لوح : این حدیث در لوح شیخ محمد تقی نجفی در باره بشارات به ظهور جمال قدم به آن استناد شده است و نیز در مکاتیب جلد اول صفحه ۱۰۴ ، حضرت عبدالبهاء این حدیث را در اشاره بیوم القيامة و لقاء الله ذکر فرموده اند . (و نیز در تاریخ نبیل ، نبیل اعظم این حدیث را نقل فرموده است) .

ب (ماخذ حدیث : این حدیث در کتاب فتح الباری بشرح صحیح مسلم به این صورت نقل شده است ۵۴ : حدیث اول ، حدثنا عمر بن عون اسماعیل قیس عن جریر قال كنا جلوسا عند النبی ص اذ نظر الى القمر ليلة البدر قال انکم سترون ربکم کما ترون هذا القمر ... " . حدیث دوم ، " ... عن جریر بن عبد الله قال قال النبی ص : انکم سترون ربکم عیانا " ، حدیث سوم ، " حدثنا جریر قال خرج علينا رسول الله ص ليلة البدر فقال انکم سترون ربکم يوم القيامة کما ترون هذا الاتضامون فی رویته " . توضیح ، حدیث مذکور در الواح مبارکه ، در بدو امر بنظر میرسد که مضامین حدیث موافق با احادیث منقول است ولی عین عبارات احادیث نقل نگردیده است . عسقلانی شارح صحیح بخاری در حاشیه صحیح بخاری وجوه مختلفه این حدیث را باین شرح نقل نموده است : " حدثنا جریر (قوله كنا جلوسا عند النبی صلی الله علیه و سلم) فی رواية جریر عن اسمعيل فی تفسیر سوره ق كنا جلوسا ليلة مع رسول الله صلی الله علیه و سلم (قوله ليلة البدر) فی رواية احق ليلة اربع عشرة ... " .

۲ - حدیث حضرت امام حسین ع : " اَیْکُونُ لَغَیْرَکَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَیْسَ لَکَ حَتّٰی یَکُونُ هُوَ الْمَظْهَرُ لَکَ عَمِیتَ عَیْنٍ لَا تَرٰکَ " .

(الف) ماخذ لوح : این حدیث حضرت سید الشهداء امام حسین در بشارات به ظهور در لوح شیخ محمد تقی نجفی به آن استناد شده است .

ب (ماخذ حدیث ۵۵ : از جمله کتبی که این حدیث از قول امام حسین علیه السلام نقل

گردیده در " کلمات مکنونه " تصنیف حکیم متأله و عارف و محقق مشهور محمد محسن فیض کاشانی است که در لوح سلمان جمال کبریائی نامش را جزء " حکمای عارفین و متاخرین " ذکر فرموده اند : " و قال سید الشهداء الحسین ابن علی صلوات الله علی جده و ابيه و امه و اخیه و علیه و بنیه فی دعاء عرفة کیف یستدل علیک بما هو فی وجوده مفتقر الیک ایكون لغيرک من الظهور ما لیس لک حتی یكون هو المظهر لک ، متى غبت حتی تجتاح الی دلیل یدل علیک ، و متى بعدت حتی تكون الاثار هی التي توصل الیک عمیت عین لا تراء و لا تزال علیها رقیبا و خسرت صفقة عبد لم تجعل لهمن حبک نصیبا " .

۳ - حدیث حضرت رسول اکرم ص : " لنا مع الله حالات نحن فیها هو و هو نحن و هو هو و نحن نحن " .

(الف) ماخذ لوح : این حدیث نبوی در باره مقام و رابطه میان خدای تعالی و حضرت محمد در لوح سیخ محمد تقی نجفی برای توجیه مقام انبیای الهی و ارتباط آنان با خدای متعال به آن اشاره و استناد شده است .

(ب) ماخذ حدیث ۵۶ : این حدیث در کلمات مکنونه مرحوم فیض کاشانی علیه الرحمة در قسمتی از کتاب تحت عنوان ((کلمة فیها اشارة الی معنی الفناء فی الله و البقاء بالله)) بعد از ذکر مقدمه بشرح ذیل درج شده است : " اهل معرفت گویند مراد بفناء عبد در حق نه فناء ذات اوست بلکه فناء جهت بشریت اوست در جهت ربوبیت حق چه هر چه بنده را جهتی از حضرت الهیه هست ((و لكل وجهة هو مولیها) و این فنا حاصل نمی شود مگر بتوجه تام بجناب حق مطلق تا جهة حقیقت غالب شود و جهت خلقت مقهور گردد ... و عن الصادق علیه السلام انه کان یصلی فی بعض الايام فخر مغشیا علیه فی اثناء الصلوة فسئل بعدها عن سبب غشیته فقال ما زلت اردد هذه الایة (فی هامش

ص ۳۶۱

النسخة المطبوعة یعنی ایاک نعبد و ایاک نستعین) حتی سمعتها من قاتلها و فی روایة من المتکلم بها و روى عنه علیه السلام أنه : قال لنا حالات مع الله هو فیها نحن ، و نحن فیها هو ، و مع ذلك هو هو و نحن نحن " .

۴ - حدیث حضرت صادق ع : " العبودية جوهره کنهها الربوبية "

(الف) ماخذ لوح : این حدیث در لوح شیخ محمد تقی نجفی در مسئله الوهیت بدان

احتجاج گردیده است .

ب (ماخذ حديث ۵۷ : این حدیث در کتاب " مصباح الشریعة " للامام جعفر صادق (ع) در الباب الثانی بشرح ذیل از قول حضرت امام صادق (ع) درج گردیده است : " قال الصادق علیه السلام : " العبودية جوهر كنهها الربوبية ، فما فقد من العبودية وجد في الربوبية ، و ما خفي عن الربوبية اصيب في العبودية " لازم به ذکر این مطلب است که بحث مفصلی در باره این حدیث در بحار الانوار مرحوم مجلسی و کتاب مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار تألیف سید عبدالله شبر بعمل آمده است . ولی آنچه مورد قبول است همانا کلمات وحی و بیانات مبارکه در نقل این حدیث است که در لوح ابن ذئب به آن استناد شده است .

۵ - " قول حضرت امیر در جواب اعرابی که از نفس سؤال نموده فرموده (و ثالثها **اللاهوتية الملكوتية و هي قوة لاهوتية و جوهرة بسيطة حية بالذات**) الی ان قال علیه السلام (فهي ذات الله العليا و شجرة طوبى و سدرة المنتهى و جنة المأوى) . الف (ماخذ لوح : این فرموده حضرت علی ع در لوح محمد تقی نجفی در مسئله الوهیت به آن استناد شده است .

ب (ماخذ حديث ۵۸ : این حدیث در کتاب کلمات مکنونه فیض کاشانی از قول حضرت امیر علیه السلام بشرح ذیل نقل شده است : " روی ان اعرابيا سال امیر المومنین علیه السلام عن النفس ، فقال له : عن ای نفس تسال فقال یا مولای : هل النفس انفس

ص ۳۶۲

عديدة فقال نعم نفس نامية نباتية ، و نفس حسية حيوانية ، و نفس ناطقه قدسية ، و نفس الهية ملكوتية ... فقال یا مولای ، و ما النفس الناطقة القدسية قال : قوة لاهوتية ، بدو ايجادها عند الولادة الدنيوية مقرها العلوم الحقيقة الدينية ، موادها التائيدات العقلية ، فعلها المعارف الربانية ، و سبب فراقها تحليل الالات الجسمانية فاذا فارقت عادت الى مامنه بدات عود مجاورة لا عود ممازجة فقال : یا مولای : و ما النفس اللاهوتية الملكوتية الكلية فقال قوة لاهوتية و جوهرة بسيطة حية بالذات اصلها العقل منه بذات و عنه دعت و اليه يعود بالكمال فهي ذات الله العليا ، و شجرة طوبى ، و سدرة المنتهى ، و جنة الماوى من عرفها لم يشق ، و ما هوى ، و من جهلها ضل سعيه و غوى " .

۶ - حدیث حضرت صادق ع در باره یوم ظهور قائم : "اذا قام قائمنا اشرق الارض بنور ربها"

الف (ماخذ لوح : این حدیث در لوح شیخ محمد تقی نجفی از قلم اعلی در باره اهمیت یوم ظهور قائم به آن استناد شده است . و نیز در الواح بسیاری ، از جمله در لوحی اشاره به " اشرق الارض بنور ربها " که جزئی از آیه ۶۹ سوره زمر در قرآن کریم است . در بشارات بظهور جدید فرموده اند قوله الاعلی ۵۹ : " هذا يوم فيه اشرق الارض بنور الله مقصود العارفين و السماء بايات الله العزيز الحميد " .

ب (ماخذ حدیث ۶۰ : (۱) این حدیث در کتاب الارشاد شیخ مفید جلد ۲ باب ۴۰ " در ذکر علامات و نشانه های ظهور حضرت قائم علیه السلام " حدیث شماره ۲ نقل گردیده است : " و روی المفضل بن عمر قال : سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : ان قائمنا اذا قام اشرق الارض بنور ربها ، و استغنى العباد عن ضوء شمس ، و ذهب الظلمة ، ... " (۲) در تفسیر صافی تالیف ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر آیه ۶۹ سوره الزمر : "وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءُ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ " ، نقل تفسیر حضرت صادق ع را باین صورت

ص ۳۶۳

نقل فرموده است ۶۱ : " و القمى عن الصادق عليه السلام فى هذه الآية قال رب الارض امام الارض قيل فاذا خرج يكون ما ذا قال اذا يستغنى الناس عن ضوء الشمس و نور القمر و يحتبزون بنور الامام عليه السلام " .

۷ - حدیث حضرت صادق ع : "يسند القائم ظهره الى الحرم ويمد يده المباركة فترى بيضاء من غير سوء ويقول هذه يد الله ويمين الله و عن الله بامر الله"

الف (ماخذ لوح : این حدیث در لوح شیخ محمد تقی نجفی در بشارات بظهور و مقامی که قائم به آن خود را می نامد در پاسخ ایراد و اعتراض مخالفین و معرضین امر بان استنتاج شده است .

ب (ماخذ حدیث ۶۲ : این حدیث در جلد سیزدهم بحار الانوار مرحوم مجلسی در ((باب ما يكون عند ظهوره عليه السلام " برواية المفضل بن عمر ")) به این شرح از قول حضرت صادق علیه السلام درج گردیده است : " قال المفضل : يا سيدى فبغير سنة القائم عليه السلام بايعوا قبل ظهوره و قبل قيامه ؟ فقال عليه السلام : يا مفضل

کَلَّ بَيْعَةَ قَبْلَ الظُّهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْعَتُهُ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَخُدَيْعَةٌ ، لَعَنَ اللَّهُ مَبَايِعَ لَهَا وَالمَبَايِعَ لَهُ ، بَلْ يَا مَفْضِلُ يَسْنَدُ الْقَائِمِ عَلَى السَّلَامِ إِلَى الْحَرَمِ ، وَيَمْدُ يَدُهُ فَتَرَى بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَيَقُولُ : هَذِهِ يَدُ اللَّهِ وَعَنْ اللَّهِ ، وَبِأَمْرِ اللَّهِ ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ : إِنْ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ " .

۸ - حدیث حضرت علی ع : " انا الذي لا يقع عليه اسم ولا صفة "

الف (مآخذ لوح : این حدیث در لوح شیخ محمد تقی نجفی در رد اتهامات الوهیت و ذکر بیانات مشابهی توسط حضرت علی ع به آن احتجاج شده است .

ب (مآخذ حدیث : در خطبه از حضرت علی امیر المومنین ع که آغاز آن با " انا عندی مفاتیح الغیب ، لا یعملها بعد رسول الله إلا أنا " شروع میشود در اواخر خطبه در ضمن معرفی خویش میفرماید " انا المعنى الذي لا يقع عليه اسم ولا شبه " .

ص ۳۶۴

۹ - " كيف اعبد رباً لم أره "

الف (مآخذ لوح : این حدیث در لوح شیخ محمد تقی نجفی در باره اعتقادات امر بهائی در توحید و معرفت خدا بان اشاره شده است . و نیز در لوحی از قلم احلای حضرت عبدالبهاء در مکاتیب جلد اول صفحه ۱۰۲ الی ۱۰۸ در مسئله لقاء الله و رویت خدا در روز قیامت که از اعتقادات مسلمین است نقل و تاویل گردیده است .

ب (مآخذ حدیث ۶۴ : این حدیث در " باب فی ابطال الروية " کتاب التوحید در اصول کافی از قول حضرت علی ع نقل گردیده است . حدیث شماره ۶ ص ۱۳۱ : عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ : جَاءَ حَبْرٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ! هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ حِينَ عَبْدَتْهُ ؟ قَالَ : فَقَالَ : وَيْلَكَ مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ ، قَالَ : وَكَيْفَ رَأَيْتَهُ ؟ قَالَ : وَيْلَكَ لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ فِي مُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقِّقِ الْإِيمَانِ ! " ، و نیز در کتاب التوحید شیخ صدق در " باب ما جاء في الروية "

صفحه ۱۰۹ در ردیف (۶) و صفحه ۳۰۸

حدیث شماره ۲ . در کتاب التوحید ، " باب نفی الروية " بحار الانوار مرحوم مجلسی جلد ۴ صفحه ۴۴ حدیث شماره ۲۲ و نیز صفحه ۵۲ حدیث شماره ۲۸ نقل گردیده است .

۱۰ - حدیث نبوی : " المؤمن حي في الدارين " .

الف (مآخذ لوح : این حدیث در ایقان شریف ۶۵ و نیز در لوحی که با ۶۶ : " هو العزيز الجميل "

آغاز میشود نازل گردیده است .

ب (ماخذ حدیث ۶۷: این حدیث در کتب مذاهب شیعه و سنی از قول حضرت رسول اکرم نقل گردیده است . از جمله در کشف الاسرار میبیدی ، کلمات مکنونه فیض کاشانی و نیز شرحی در باره آن در قاموس ایقان جلد ۳ صفحه ۱۴۱۷ درج گردیده است .

۱۱ - حدیث امام باقر ع : " قَالَ: إِنَّ حَدِيثَ آلِ مُحَمَّدٍ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَعْبَدَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ ... " .

الف (ماخذ لوح ۶۸ : جمال کبریائی در ایقان شریف در بیان اینکه علمای اسلام به معانی و مقصود اصلی اخبار و احادیث در علامات ظهور قائم پی نبرده و بر حسب ادراک

ص ۳۶۵

خود معنی و بیان مینمودند اشاره فرموده اند .

ب (ماخذ حدیث ۶۹ : این حدیث در اصول کافی جلد ۲ کتاب الحجة صفحه ۲۵۳ در " بَابُ فِيمَا جَاءَ أَنَّ حَدِيثَهُمْ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ " از حضرت رسول اکرم توسط حضرت امام باقر ع روایت شده است ،

این حدیث در اکثر کتب معتبره مذهب شیعه نقل گردیده است .

۱۲ - حدیث حضرت رسول اکرم ص : " **وَالذِي نَفْسِي بِيده** " .

الف (ماخذ لوح : (۱) جمال کبریائی در لوح بدیع در قسمتی از پاسخ به شبهات معرضین عهد بیان میفرمایند قوله الاعلی ۷۰ : " قول دیگران مبغض اولا آنکه در اصل مدعی و مطلب عرض نمایم همان حضرت باب که شما رب اعلی میگوئید در حقیقت خود آیات خود را مقرر فرموده اند و بایات اثبات حقیقت خود فرموده و هیچ کسی را از معتقدین انکار بر این نیست و یقین است که شما هم نمیتوانید انکار نمائید بلکه تصدیق شما و دیگران حضرت باب را بایات بوده انتهی فوالذی نفسی بیده که هیچ ذی شمی از این کلمات که مرقوم داشته رایحه حق استشمام ننماید زهی حسرت و ندامت که در این ربیع روحانی بطراز بدیع مزین نشدی و از نفحات خوش رضوان معانی استشمام نمودی " در این بیان مبارک قسم یاد میکنند به کسی که نفس ایشان در دست اوست که مخاطب لوح و معرضین عهد اعلی ظهور من یظهره الله را نشناختند .

(۲) در سایر الواح مبارکه نیز این نوع قسم از قلم اعلی نازل گردیده ، از جمله در لوح سلمان در باره یحیی ازل نازل قوله جل و عز ۷۱ : " فوالذی نفسی بیده که در

ابداع شبه این نفس در حب ریاست و جاه دیده نشده " .
ب (ماخذ حدیث ۷۲ : " **والذی نفسی بیده** " از کلمات حضرت رسول اکرم ص است و در احادیث بسیاری به خدای تعالی که جان بندگان در دست اوست قسم یاد فرموده اند - از جمله در قسمتی از حدیث مفصلی که در بحار الانوار در احادیث

ص ۳۶۶

قیامت و ساعت از قول پیغمبر اکرم ص نقل گردیده و قسمتهائی از این حدیث در نوع هفدهم (مشابهاً) بشماره ۱۷ نقل شده است . و نیز برای نمونه حدیث دیگری است در مسند امام حنبل جلد ۴ بشماره ۱۲۷۳۴ روایت از انس بن مالک : " حدثنا عبدالله ... عن انس بن مالك ، ان نبی الله صل الله علیه وسلم قال : ء والذی نفسی ، بیده لا یومن عبد حتی یجب لآخیه ما یجب لنفسه من الخیر " .

احادیث و اخبار در بشارات به دو ظهور اعظم در خاتمه این قسمت چند حدیث از احادیث مذهب شیعه که در کتب معتبره علمای شیعه از ائمه اطهار در علائم ظهور قائم و قیام و خروج حسینی نقل گردیده و اظهر من الشمس بشارت به دو ظهور اعظم و ارتباط آنها با یکدیگر میدهند و نیز تاریخ امر مقدس بهائی گواهی است بر آن برای مزید اطلاع احبای عزیز درج میگردد .

قائم دین و امر جدید می آورد مانند امر جدید در زمان حضرت رسول

(۱) و روی ابوخیجة عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا قام القائم علیه السلام جاء بامر جدید ، کما دعی رسول الله علیه وآله وسلم فی بدو الاسلام الی امر جدید .

ترجمه حدیث در ذیل کتاب توسط مترجم : ابوخیجة از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود : چون حضرت قائم علیه السلام قیام کند امر تازه بیاورد چنانچه رسول خدا (ص) در ابتدای اسلام بامر تازه مردم را دعوت فرمود .
ماخذ " الارشاد " تالیف شیخ مفید ، ج ۲ ص ۳۵۹ حدیث ۶ .

(۲) ((الارشاد - عن الصادق علیه السلام - قال : اذا قام القائم دعا الناس الی الاسلام جدیداً و هداهم الی امر قد دثر و ضل عنه الجمهور ، و انما سمی القائم مهدیاً لآئنه

يَهْدِي إِلَى أَمْرِ يَضْلُونَ عَنْهُ وَ سَمِّي الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ))
ماخذ نوادر الاخبار مرحوم فيض كاشاني كتاب انباء قائم ص ٢٢٠ حديث شماره ٦ به
نقل از كتاب الاشاره شيخ مفيد . (اين حديث در كتب معتبره شيعه مانند اكمال الدين

ص ٣٦٧

و نیز در اعلام الوری صفحه ٤٣١ درج شده است .

(٣) و روی محمد بن عجلان عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اذا قام القائم عليه
السلام دعى الناس الى الاسلام جديداً ، و هداهم الى امر قد دثر ، فضل عنه الجمهور ،
و انما سَمِيَ القائم مهدياً لِأَنَّهُ يَهْدِي الى أمر مضلول عنه ، و سَمِيَ بالقائم لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ .
ماخذ " الارشاد " شيخ مفيد ج ٢ ص ٣٥٧ حديث شماره ٢ .

طول سلطنت قائم : دو حديث در باره مدت سلطنت قائم از حضرت ابی عبدالله الصادق
نقل شده است . در يك حديث مدت سلطنت قائم هفت سال و در حديث ديگر نوزده سال
روايت شده است بشرح ذيل :

(٤) **طول سلطنت قائم هفت سال :** " روی عبدالکريم الخثعمی قال : قلت لابی عبدالله
عليه السلام : كم يملك القائم عليه السلام ؟ قال : سبع سنين يطول له الايام حتى
تكون السنة من سنه مكان عشر سنين من سنينكم ... و اذا آن قيامه مطر الناس جمادى
الاحرة و عشرة ايام من رجب مطرا لم ير الخلائق مثله ... " ترجمه در پاورقى كتاب
توسط مترجم : عبد الكريم خثعمی گوید : بامام صادق عرض کردم : امام قائم عليه
السلام چند سال سلطنت کند ؟ فرمود : هفت سال ، و روزها برای آنجناب طولانی و
دراز شود بطوری که هر سال از سالهای زمان او برابری سال از سالهای شما باشد
... و چون قیام آنحضرت نزدیک شود در ماه جمادی الاخرة و ده روز از ماه رجب بر
مردم بارانی ببارد که مانند آن ندیده باشند ...

ماخذ (١) الارشاد تالیف شيخ مفيد ج ٢ ص ٣٥٥ حديث شماره ١ ، . (٢) اعلام الوری
تالیف حسن طبرسی از علمای معتبر شيعه در " الفصل الثالث " از الباب الرابع "صفحه
٤٣٢ . (٣) نوادر الاخبار تالیف ملا محسن فيض كاشاني كتاب انباء قائم ص ٢٧٩ ،
حديث شماره ١٠ . (٤) غيبت شيخ طائفه طوسی ص ٢٨٣ .

۵) **طول سلطنت قائم نوزده سال است :** " وقد روى ان مدة دولة القائم عليه السلام تسع

ص ۳۶۸

عشرة سنة يطول ايامها و شهورها على ما قدمنا و هذا امر مغيب عنا ، و انما القى
الينا منه ما يفعله الله تعالى بشرط يعلمه من المصالح المعلومة " ترجمه در
پاورقی کتب توسط مترجم : و روایت شده که مدت دولت امام قائم علیه اسلام نوزده
سال است که روزها و ماههای آن طولانی شود چنانچه گذشت . و جریان سلطنت آنبرگوار
چیزی است که اکنون از ما پوشیده و پنهان است و از امور غیبیه ایست که خدای تعالی
روی شرائط و مصالحی که خود او جل اسمه میداند انجام دهد ... " .
ماخذ الارشاد ج ۲ ص ۳۶۱ حدیث شماره ۱۲ .

قیامت برپا نشود تا قیام مهدی : " و روى يحيى بن ابيطالب عن علي بن عاصم عن

عطاء بن السائب عن ابيه عن عبدالله بن عمر قال : قال رسول الله صلى الله عليه
و آله و سلم : لا تقوم الساعة حتى يخرج المهدي من ولدى ، و لا يخرج المهدي حتى
يخرج ستون كذابا كلهم يقولون : انا نبي " . ترجمه در پاورقی کتاب توسط مترجم :
عبدالله بن عمر گوید : رسول خدا (ص) فرمود : قیامت برپا نشود تا اینکه مهدی
از فرزندان من بیاید ، و مهدی نباید تا شصت دروغگو که هر کدام گویند : من
پیغمبرم ، بیایند .
ماخذ (۱) الارشاد ج ۲ ص ۳۴۷ حدیث شماره ۲ : ۲/ (اعلام الوری حسن طبرسی الباب
الرابع ص ۴۲۶ .

نزول روح الله عیسی مسیح بعد از ظهور قائم

۶) الاكمال - عن الصادق عليه السلام قال : القائم هو الخامس من ولد ابني موسى
، ذلك ابن سيدة الاماء يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون ، ثم يظهره الله عز وجل
فيفتح (الله) يديه مشارق الارض و مغاربها ، و ينزل روح الله عيسى بن مريم (ع) فيصلی
خلفه و تشرق الارض بنور ربها ، و لا تبقى فی الارض بقعة عبد فيها غير الله الا عبد الله
فيها ، و يكون الدين كل لله و لو كره المشركون .

ماخذ نوادر الاخبار كتاب انباء قائم ص ۲۲۴ حديث شماره ۸ .

ص ۳۶۹

توضیح : برای ارتباط این حدیث با معارف امر مراجعه کنید به الواح مبارکه و الواح تبیینی و قرن بدیع .

زمان ظهور و شرایط ظهور قائم

در کتب معتبره حدیث مذهب شیعه زمان ظهور را به "ساعة" و "اشرار الساعة" مذکور در قرآن کریم بر طبق احادیث ارتباط داده اند که به نقل دو حدیث در کتاب نوادر الاخبار تالیف ملا محسن فیض کاشانی کفایت میشود .

(۷) النعمانی - عن الرضا علیه السلام قيل له متى يقوم القائم ؟ قال : ((اما متى فاجبار عن الوقت ، ولقد حدثني ابي ، عن ابيه عن آبائه عن علي عليه السلام ان النبي صلى الله عليه وآله وسلم قيل له : متى يخرج القائم من ذريتك ؟ فقال : مثله مثل الساعة)) لا يجليها الا هو ثقلت في السموات والارض لا ياتيكم الا بغتة)) .

ماخذ نوادر الاخبار ص ۲۵۲ حديث شماره ۴ ، و نیز در پاورقی نوادر الاخبار سایر منابع نیز درج شده است : در اکمال الدین : ص ۳۷۲ ، ينابيع المودة : ص ۴۵۴ و عیون اخبار الرضا : ج ۲ ص ۲۶۵ ، اعلام الوری حسن طبرسی در تفسیر سوره اعراف آیه ۱۸۷ .

(۸) الحسن بن سلیمان الحلّی باسناده عن المفضل بن عمر قال : سألت سيدي الصادق عليه السلام هل المامول المنتظر المهدي عليه السلام من وقت موقت يعلمه الناس ؟ فقال : (حاش لله ان يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا . قلت : يا سيدي ولم ذاك ؟ قال : لانه هو الساعة التي قال الله : ((ويسألونك عن الساعة قل انما علمها عند ربّي لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت في السموات والارض)) . وهو الساعة التي قال الله : ((يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا)) سوره اعراف ۱۸۷ : ۷) . وقال : ((وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ)) (سوره زخرف ۸۵ : ۴۲) ولم يقل انها عند احد وقال : " فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا)) (سوره محمد ۱۸ : ۴۷) الاية . وقال ((اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ)) (سوره قمر ۱ : ۵۴) . وقال :

((وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ . يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا))

ص ۳۷۰

وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ((سورة شوری ۱۷ و ۱۸ : ۴۲)

ماخذ: نوادر الاخبار ص ۲۵۲ حدیث شماره ۵

توضیح برای تاویل آیات قرآن کریم و الواح و آیات و ادعیه نازل که در آنها ظهور اعظمین را به " ساعه " در قرآن بیان فرموده اند مراجعه کنید به روش هیجدهم تاویل متشابهات که باختصار مطالبی گرد آوری و تنظیم شده است . و نیز مراجعه کنید به کتب استدلالیه و کتاب نافه مکنون که بیانات و آیات الهی در باره " شق القمر و ساعه بتفصیل جمع آوری و درج گردیده است .

علامات خروج قائم

۹) القمی - عن الباقر علیه السلام : فی قوله تعالى: ((إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً)) (سوره انعام ۶/۳۷)
(قال : و سيريك في آخر الزمان آيات ، منها دابة (في) الأرض ، و الدجال ، و نزول عيسى بن مريم (ع) ، و طلوع الشمس من مغربها)) .

ماخذ نوادر الاخبار ص ۲۶۰ حدیث شماره ۱ .

توضیح : در امر مبارک در الواح تبیینی ، حاجی میرزا آغاسی دجال ظهور امر حضرت باب و نزول حضرت مسیح به ظهور اعظم حضرت بهاء الله جل کبریائه تبیین گردیده است.

اصحاب قائم جوان اند

۱۰) و عن امير المؤمنين عليه السلام : ((أصحاب المهدي شباب لا كهول فيهم الا مثل كحل العين . (أ) و الملح في الزاد الملح)) .

ماخذ نوادر الاخبار ص ۲۷۰ حدیث شماره ۵ : در پاورقی کتاب ماخذ آن را والغیبه للنعمانی درج نموده است .

ص ۳۷۱

در زمان ظهور قائم مردم جاهل اند میزان جهلشان از عرب جاهلی در زمان ظهور حضرت محمد نیز شدید تر است و همه آنها کتاب خدا را بر علیه او تاویل خواهند نمود

(۱۱) و عن الصادق عليه السلام : ((إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مَا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ جَهَّالِ الْجَاهِلِيَّةِ ، قِيلَ : (و) كَيْفَ ذَلِكَ ؟ قَالَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصَّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ ، وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلَّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ ، وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ، ثُمَّ قَالَ : أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ جَوْفَ بَيْتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَالْقُرَّ)) .

ماخذ : نوادر الاخبار ص ۲۷۶ حدیث شماره ۱۶ .

اصحاب قائم از مستضعفین عبادند

در اصول کافی کتاب الحجة " باب الاشارة والنص علیّ ابي عبدالله جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیها حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل گردیده است که اصل حدیث و ترجمه و شرح آن در پاورقی کتاب مبین حقایق مسلمی است که در تاریخ جاودانی نبیل و سایر کتب تاریخ امر در باره مصائبی که مومنین و اصحاب عصر رسولی متحمل شدند ثبت شده است .

(۱۲) حدیث شماره ۱ : " الحسين بن محمد ، عن معلى بن محمد ، عن الوشاء ، عن أبان بن عثمان ، عن أبي الصباح الكناني قال : نظر أبو جعفر عليه السلام إلى أبي عبدالله عليه السلام يمشي فقال : ترى هذا ؟ هذا من الذين قال الله عز وجل : **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** " ترجمه و شرح در ذیل کتاب : ترجمه : ابی الصباح گوید : امام باقر علیه السلام بحضرت صادق نگاه کرد که راه میرفت ، فرمود : این را میبینی ؟ این از کسانی است که خدای عز وجل فرماید : " ما میخواهیم بر آنکسان که در زمین ناتوان شمرده شده اند منت نهیم و پیشوایشان سازیم و وارث زمینشان کنیم - سوره قصص آیه ۲۸/۵ " - شرح : در ذیل کتاب

ص ۳۷۲

" این آیه در باره حضرت مهدی قائم علیه السلام و امامانیکه در آن زمان رجعت میکنند تأویل شده است و مراد بناتوان شمردن در زمین اینستکه : در دنیا بایشان

ستم میکنند و حقشانرا غصب مینمایند ولی نزد خدا عزیز و بزرگوار و در آسمان صاحب قدرت و اختیارند ". ماخذ اصول کافی ج ۲ ص ۷۹.

توضیح : برای اطلاع در باره تاویل رجعت در بیانات الهیه مراجعه کنید به کتاب مستطاب بیان فارسی و الواح نازله از قلم اعلیٰ و الواح تبیینی حضرت عبدالبهاء .

چه کسانی با ظهور قائم رجوع به این عالم میکنند

چون مسئله رجعت بحثی طولانی و از حوصله این رساله بیرون است . برای اطلاع میتوان به کتاب مستطاب بیان فارسی و الواح قلم اعلیٰ مراجعه نمود . یک نمونه از احادیث رجعت که در آن اشاره و خبر ظهور حضرت بهاء الله است درج میگردد .

(۱۳) البصائر - عن الصادق علیه السلام سئل عن الرجعة أحق هي ؟ قال : ((نعم . قيل : من أول من يخرج ؟ قال : الحسين عليه السلام يخرج على اثر القائم عليه السلام قيل : ومعه الناس كلهم ؟ قال لا بل كما ذكر الله تعالى في كتابه ((يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا)) سورة نبا ۱۸ : ۷۸ . ماخذ : نوادر الاخبار ص ۲۸۶ حدیث شماره ۲ .

توضیح حضرت بهاء الله جل ثنائه و جل کبریائه در الواح متعددی ظهور اعظم خویش را به آیه مذکور در قرآن کریم در این حدیث اعلان فرموده اند .

سیرت قائم در وقت ظهور امر ایشان :

(۱۴) حدیث شماره ۵ - الاكمال - عن الصادق علیه السلام : ((إذا قام القائم (ع) دعا الناس إلى الاسلام جديداً وهداهم إلى أمر قد دثر ، فضل عنه الجمهور وإنما سمي القائم مهدياً لأنه يهدي إلى امر مضلول عنه ، و سمي بالقائم لقيامه بالحق)) . مأخذ : کتاب نوادر الاخبار ، کتاب انباء القائم ، باب سیرته علیه السلام اذا ظهر أمره صفحه ۲۷۱ ص ۳۷۳ .

(۱۵) حدیث شماره ۷ - الغيبة - عن الزكي عليه السلام قال : ((إذا قام القائم أمر بهدم المنار والمقاصير التي في المساجد . قال الراوي : فقلت في نفسي لأي معنى هذا ؟ فأقبل عليّ ، فقال معنى هذا انها محدثة مبتدعة لم بينها نبي ولا حجة)) . مأخذ : کتاب نوادر الاخبار ، کتاب انباء القائم ، باب سیرته علیه السلام اذا ظهر أمره صفحه ۲۷۲ .

(۱۶) حدیث شماره ۱۱ - العياشي - من الكاظم عليه السلام في قوله تعالى : " و له أسلم من في السموات والأرض طوعاً وكرهاً " قال : ((أنزلت في القائم إذا خرج باليهود والنصارى والصابئين والزنادقة وأهل الردة والكفار في شرق الأرض و

غربها ، فعرض عليهم الاسلام فمن أسلم طوعاً أمره بالصلوة و الزكوة و ما يؤمر به المسلم و يجب الله عليه ، و من يسلم ضرب عنقه حتّى لا يبقى في المشارق و المغرب أحد الا وّحد الله .

قيل : إنّ الخلق أكثر من ذلك ؟ قال : إنّ الله إذا أراد أمراً قلّل الكثير و كثّر القليل)) .
مأخذ كتاب نواذر الاخبار ، كتاب انباء القائم ، باب سيرته عليه السّلام اذا ظهر أمره صفحه ۲۷۳ .
۱۷) حديث شماره ۱۵ - و عنه عليه السلام (عن الباقر عليه السّلام) : ((يقوم (القائم) بأمر جديد ، و كتاب جديد ، و سنة جديدة ، و قضاء (جديد) على العرب شديد ، و ليس شأنه الا القتل لا يستبقي أحدا و لا يأخذه في الله لومة لائم)) .
مأخذ كتاب نواذر الاخبار ، كتاب انباء القائم ، باب سيرته عليه السّلام اذا ظهر أمره صفحه ۲۷۴ .

ظهور قائم برای کلیّه ادیان است و اطاعت او اطاعت خدا است و عصیان بر او عصیان بر خدا است

۱۸) حديث شماره ۱۶ - و عنه عليه السلام (عن الباقر عليه السلام) : " اذا قام القائم أهل البيت قسّم بالسّوية ، و عدل في الرّعية ، فمن أطاعه فقد أطاع الله ، و من عصاه فقد عصى الله ، و انما سمّي المهدي (مهدياً) لأنه يهدي الى أمر خفي ، و يستخرج التوراة و سائر كتب الله عزّ وجل من غار بانطاكية و يحكم بين أهل التوراة بالتوراة ، و بين أهل الإنجيل بالإنجيل ، و بين أهل الزبور بالزبور ، و بين أهل القرآن بالقرآن ... و يملأ الأرض عدلاً و قسطاً و نوراً كما ملئت ظلاماً و جوراً و شراً)) .
مأخذ كتاب نواذر الاخبار ، كتاب انباء القائم ، باب سيرته عليه السّلام اذا ظهر أمره صفحه ۲۷۵ .

۱۹) حديث شماره ۵ - و في رواية نبوية : ((المهديّ رجل من ولدي لونه لون عربي ، و جسمه جسم اسرائيلي ، على خدّه الأيمن خال كأنّه كوكب دري يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً ، يرضى في خلافته أهل الأرض و أهل السماء و الطير في الجوّ)) .
مأخذ كتاب نواذر الاخبار ، كتاب انباء القائم ، باب حليته عليه السّلام صفحه ۲۲۲ .

۲۰) نقل حديث از کتاب نجم الثاقب ۱۷۸ : " نیز روایت است از امام صادق علیه السلام که

فرمود : والله گویا نظر میکنم به سوی آن حضرت یعنی قائم علیه السلام بین رکن و مقام که بیعت میگیرد از مردم بر کتابی جدید و در کافی روایت شده از امام باقر علیه السلام که فرمود در تفسیر آیه شریفه ((وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ...)) که اختلاف کردند در آن یعنی بنی اسرائیل چنان که اختلاف کردند این امت در کتاب و زود است که اختلاف کنند در کتابی که با قائم علیه السلام است که می آورد آنرا تا اینکه انکار میکنند آن را جماعت بسیاری از مردمان پس آنها را پیش می طلبد و گردن ایشان میزند ... " . (سوره فصلت ۴۵/۴۱ . و در سوره هود ۱۱۰/۱۱) (۲۱) نقل حدیث دیگری در کتاب نجم الثاقب ۱۷۹ : " در عیون روایت است از امام رضا علیه السلام که فرمود چون آن حضرت خروج کند روشن شود زمین به نور پروردگار خود و گذاشته شود میزان عدل میان مردم پس ظلم نمی کند احدی احدی را " .

ظهور قائم ناگهانی است «بغته» و مردم بی شعورند «لا يشعرون»

در خاتمه این قسمت به دو آیه از آیات قرآنی است در انتظار ساعة و اینکه در زمان ظهور مردم در اختلاف اند در غفلت اند و لا شعورند. و نقل دو حدیث که در آن بصراحت بیان شده است که مقصود از «ساعة» يوم ظهور جدید.

در آثار قلم اعلی و ادعیه مبارکه اشاراتی است صریح به آیات و احادیث اسلامی در حقانیت و اعلان ظهور

قرآن مجید ، در اینکه وقوع «ساعة» ناگهانی است
سوره زخرف ۶۶- ۴۳/۶۷ قوله تعالى : " (۶۶) فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْيَوْمِ (۶۷) . هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ " .

معنی و مقصود از ساعة ظهور قائم است . در حدیث منقول از حضرت رضا و حضرت صادق علیهما السلام

(۲۲) النعماني - عن الرضا عليه السلام قيل له متى يقوم القائم؟ قال: أما متى فإخبار عن الوقت، ولقد حدثني أبي ، عن أبيه عن آبائه عن علي عليه السلام أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قيل له : متى يخرج القائم من ذريتك؟ فقال : مثله مثل الساعة « لا يجليها لوقتها الا هو ثقلت في السماوات والارض لا تاتيكم الا بغته » . سورة اعراف آیه ۷/۱۸۷.

مأخذ کتاب نوادر الاخبار ، کتاب انباء القائم ، باب التّمحيص و النّهي عن التّوقيت. . حدیث شماره ۴ - صفحه ۲۵۲. (نقل از کتاب کمال الدین)

(۲۳) الحسن بن سلیمان الحلّی باسناده عن المفضّل بن عمر قال : سألت سيّدي الصادق عليه السّلام هل المأمول المنتظر المهدي عليه السّلام من وقت موقت يعلمه الناس ؟ فقال حاش لله أن يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيئا . قلت : يا سيّدي و لم ذاك ؟ قال : لأنّه هو السّاعة التي قال الله ^۱ : "يَسْأَلُونَكَ عَنِ السّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ " . و هو السّاعة التي قال الله : « يَسْأَلُونَكَ عَنِ السّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ^۱ » وقال ^۲ : " وَعِنْدَهُ عِلْمُ السّاعَةِ " و لم يقل أنّها عند أحد و قال ^۳ : " فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا " و قال ^۴ : " اقْتَرَبَتِ السّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ " . و قال ^۵ : " وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمارُونَ فِي السّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ " .

قلت: فما معني يمارون ؟ قال :يقولون متى ولد و من رأى و أين يكون و متى يظهر و كلّ ذلك استعجالاً لأمرالله و شكّاً في قضائه و دخولاً في قدرته أولئك الذين خسروا الدنيا و الآخرة و انّ للكافرين لشّر مآب .
مأخذ کتاب نوادر الاخبار ، کتاب انباء القائم ، باب التّمحيص و النّهي عن التّوقيت. حدیث شماره ۵. صفحه ۲۵۲. (نقل از کتاب کمال الدین)

۱- سورة اعراف آیه ۷/۱۸۷ . ۲- سورة زخرف آیه ۴۳/۸۵ . ۳- سورة محمد آیه ۴۸/۱۸ . ۴- سورة القمر آیه ۵۴/۱ . ۵- سورة شوری آیات ۱۷ و ۴۲/۱۸ . توضیح : در زیر نویس کتاب نوادر الاخبار جزئی از آیه ۱۷ و جزئی از آیه ۱۸ استناد به آیه ۱۸ شده است. در متن نقل آیه «تكون قريبا» در اصل سورة در آیه ۱۷ موجود نیست و بنظر میرسد بیان شفاهی حضرت صادق علیه السّلام است که در متن نقل آیه دو جزء از دو آیه ۱۷ و ۱۸ است.

مشخصات کتب و ماخذ

ردیف نام کتاب و مولف

۱ لثالی حکمت جلد ۲ لوح شماره ۲۰۶ ص ۳۴۴

آثار قلم اعلیٰ جلد ۱ ص ۲۰۳ و ۲۰۴	۲
لوح اقدس ، کتاب مبین (آثار قلم اعلیٰ ج ۱) ص ۱۴۰	۳
ادعیه حضرت محبوب صفحہ ۳۳۶	۴
لثالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۳۳ ص ۶۹	۵
اذکار المقربین جلد ۲ ص ۵۶	۶
کتاب مبین ص ۴۳	۷
مجموعه الواح مبارکہ ص ۲۲۹ الی ۲۳۱ . چاپ مصر	۸
ادعیه حضرت محبوب ص ۲۹۸	۹
مجموعه الواح مبارکہ ص ۳۰۹ . چاپ مصر	۱۰
رساله ایام تسعه ص ۲۷۹	۱۱
رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۶۸ لجنه ملی نشر آثار امری طهران سنہ ۱۰۵	۱۲
لثالی حکمت جلد ۲ لوح شماره ۱۸ ص ۵۰	۱۳
لثالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۴ ص ۱۳	۱۴
مجموعه الواح مبارکہ ص ۳۲۹ . چاپ مصر	۱۵
ایقان صفحہ ۴۰	۱۶
مجموعه الواح مبارکہ ص ۳۴۴ و ۳۴۵ . چاپ مصر	۱۷
مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۵۱ طبع طهران ۱۰۴ بدیع	۱۸
رساله ایام تسعه ص ۲۷۳ و ۲۷۴ .	۱۹
آثار قلم اعلیٰ ج ۲ ص ۱۹۵ .	۲۰

ص ۳۷۶

ایقان ص ۱۵۶ و ۱۵۹	۲۱
آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۲۶۵	۲۲
آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۳۲۰ و ص ۳۳۳ الی ۳۳۴	۲۳
مجموعه الواح مبارکہ ص ۲۹۷ . چاپ مصر	۲۴
مجموعه الواح مبارکہ ص ۱۱ چاپ مصر	۲۵
مجموعه الواح مبارکہ ۳۵۱ و ۳۵۳ چاپ مصر	۲۶
ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار ص ۲۶ و ۳۸۴ .	۲۷

کیمیای سعادت ص ۹ و ۴۱ . تالیف ابو حامد محمد غزالی	۲۸
مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المومنین ص ۱۸۸ . تالیف شیخ رجب برسی .	۲۹
انوار جلیه . تالیف ملا عبدالله مدرس زنوزی . انتشارات امیر کبیر	۳۰
مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار . تالیف سید عبدالله شبر .	۳۱
جزء اول ص ۲۰۴ .	
ایقان ص ۷۶	۳۲
رساله تسبیح و تهلیل ص ۲۱۱	۳۳
المسند الجامع ، طبع : دارالجليل لطباعة والنشر و التوزيع . بیروت	۳۴
۱۹۹۳ م .	
لثالی حکمت جلد ۳ لوح شماره ۴۵ ص ۸۱ .	۳۵
مجموعه الواح مبارکه ص ۳۴۰ و ۳۴۱ . چاپ مصر .	۳۶
ایقان ص ۱۴۴ . چاپ مصر .	۳۷
مجموعه الواح مبارکه ص ۳۰۲ . چاپ مصر	۳۸
رساله تسبیح و تهلیل ، لوح چهارم ایام صیام ص ۴۱ .	۳۹
مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۵۲ .	۴۰
مجموعه الواح مبارکه ص ۴۳ . چاپ مصر	۴۱
ص ۳۷۷	
صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۴ . و ۱۳ زیر نویس .	۴۲
اسرار التوحید . تالیف شیخ صدوق ص ۲۷۷ .	۴۳
فتوحات مکیه ج ۲ ص ۱۱۰ . تالیف شیخ محی الدین (ابن عربی)	۴۴
حیات القلوب ج ۲ ص ۳۰۱ . تالیف محمد باقر مجلسی	۴۵
بحار الانوار جلد ۱۸ کتاب تاریخ نبینا ص حدیث بشماره ۳۴ ص ۳۲۶	۴۶
قرن بدیع ج ۲ (ترجمه نصرالله مودن) ص ۱۷۲ . طبع طهران	۴۷
لوح سنه ۱۰۵ ص ۲۵ لجنه ملی نشر آثار امری . طهران . ایران	۴۸
تاریخ ادبیات ایران ج ۱ صفحات ۷۱ الی ۷۵ .	۴۹
تاریخ ابن خلدون جلد اول ص ۴۴۰ . تالیف عبدالرحمن بن خلدون .	۵۰
الایقاظ من الهجعة ، باب اول مقدمه ششم ص ۱۵ و باب اول مقدمه دهم ص ۲۲	۵۱

الفرق بين الفرق ص ٣ ، تاليف ابو منصور عبدالقاهر بغدادى .	٥٢
نواذر الاخبار ص ١٥٦ حديث شماره ٥ . تاليف ملا محسن فيض كاشانى .	٥٣
فتح البارى بشرح صحيح بخارى ج ١٣ ص ٣٥٨ الى ٣٦١ تاليف عسقلانى .	٥٤
كلمات مكنونه ص ٤ . تصنيف محمد محسن فيض كاشانى .	٥٥
كلمات مكنونه ص ١١٢ و ١١٤ تصنيف محمد محسن فيض كاشانى .	٥٦
مصباح الشريعة للامام جعفر صادق (ع) . الباب الثانى صفحه ٧ .	٥٧
كلمات مكنونه تاليف محمد حسن فيض كاشانى صفحه ٧٦ و ٧٧ .	٥٨
اشراقات مجموعه الواح مباركه ص ٢٦٣ .	٥٩
الارشاد تاليف شيخ مفيد ج ٢ ص ٣٥٦ انتشارات علميه اسلاميه .	٦٠
صافى (تفسير قرآن) ج ٢ ص ٤٧٥ تاليف ملا محسن فيض كاشانى .	٦١
بحار الانوار جلد سيزدهم (الجزء الثالث و الخمسون ٥٣) ص ٥٨ .	٦٢

ص ٣٧٨

مشارك انوار يقين ص ١٧٢ . ١٧٠ تاليف الحافظ رجب برسى .	٦٣
اصول كافى تاليف شيخ كلينى ، جلد ١ ص ١٣١ ، حديث شماره ٦ .	٦٤
ايقان ص ٩٢ .	٦٥
مجموعه الواح مباركه ص ٢٥٥ . چاپ مصر .	٦٦
كلمات مكنونه فيض كاشانى ص ١٥٢ .	٦٧
ايقان ص ٦٤ . چاپ مصر .	٦٨
اصول كافى تاليف ثقة الاسلام كلينى ج ٢ ص ٢٥٣ .	٦٩
كتاب بديع صفحات ٤١ و ٤٢ .	٧٠
مجموعه الواح مباركه ص ١٤٩ . چاپ مصر .	٧١
بحار الانوار ج ٦ صفحات ٣٠٥ الى ٣٠٧ .	٧٢

ص ٣٧٩

روش هفدهم

متشابهات

ص ۳۸۰

متشابهات

مقدمه متشابهات الفاظ و لغات و عباراتی است که در معارف امر بهائی ، بمنظور افاده حقائق جوهریه و مجرد در قالب محسوسات نازل شده است . تا اینکه فهمش آسان گردد - این نوع الفاظ و کلمات و عبارات در کتب آسمانی عهد عتیق و جدید و نیز در قرآن کریم بکثرت نازل شده است . الفاظ و آیات متشابهات غالبا در مسائل خلقت ، بیان در صفات خالق عالم ، مظاهر الهیه ، مبادی روحانی ، بشارات به ظهور بعد و عوالم روح و معاد و امثال آنست . مانند ذکر گوش و چشم و دست و وجه و شعر و عرش و ماء و سحاب (ابر) و ضیق ایام و شجره لا شرقیه و لا غربیه و غیره ، اما در آیاتی که در آن به وضع قوانین شریعت ، حقوق و سیاسات و روابط مدنی در میان افراد انسانی است ، چون لفظ متشابهی را خداوند لازم نفرموده ذکر از الفاظ و کلمات متشابه در غالب محسوسات نیست . در لوحی راجع به این مطالب بیاناتی است که کاملا مقصود را میرساند ، قوله الاعلی ۱ : " مقصود از تاویل اینکه از ظاهر خود را محروم نمایند و از مقصود محتجب نمانند مثلا اگر از سماء مشیت فاغسلوا وجوهکم نازل شود تاویل نمایند که مقصود از غسل غسل وجه باطن است و باید باب عرفان او را غسل داد و طاهر نمود و امثال آن بسا میشود نفسی باین تاویلات وجهش با کمال دفر و وسع آلوده میماند و بخیال خود باصل امرالله عمل نموده و حال اینکه در اینمقام واضح و معلومست که شستن روست بآب ظاهر بعض کلمات الهی را میتوان تاویل نمود یعنی تاویلاتی که سبب و علت ظنون و اوهام نشود و از مقصود الهی محروم نماند " ، نوع دیگری الفاظ محکم و متشابه در آثار مبارکه نازل گردیده است از قبیل تعالیم اخلاقی و تهذیب نفس و ارتفاع روح انسانی و نظائر آن . مطالعه در الواح مبارکه نشان میدهد که الفاظ و کلمات متشابه در قرآن بکثرت در الواح مبارکه نیز نازل گردیده و نگارنده تمرکز در نحوه مطالعه و شناخت متشابهات در الواح را بر اساس آن قرار میدهد و

باختصار به متشابهات در سایر کتب مقدسه که در الواح مبارکه است بررسی کوتاهی می‌گردد .

متشابهات در معارف اسلامی و ماخذ آن در آیه ۳/۷ سوره آل عمران نازل گردیده قوله تعالی : " هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ " . با نزول این آیه و دو آیه دیگر در قرآن سوره هود آیه ۱/۱۱ و سوره زمر آیه ۲۳/۳۹ .

باب مطالعه در موضوع محکم و متشابه در علوم قرآن و تحقیق در اینکه کدام آیه متشابه و کدام آیه محکم است باز شد . در معنی محکم و متشابه در آیات قرآن اقوال گوناگون نقل شده است که مقصد ، تحقیق در آنها نبوده چه که در قرون و اعصار ماضیه و حال ، علمای اسلام تحقیقات جامعی نموده اند و اختلاف عقیده و آراء در این مسئله بکثرت است . آنچه مقصود است اینست که اشاره مختصری به متشابهات در قرآن برای آشنائی با مسئله متشابهات در الواح مبارکه اعم از اینکه بیاناتی در تاویل متشابهات در قرآن کریم و متشابهاتی مشابه در آثار امر بهائی است آشنائی باختصار حاصل نمود . برای اجتناب از اطاله کلام چند نمونه از اقوال علمای اسلام که در کتاب الاتقان فی علوم القرآن مندرج است آورده میشود : ۲ :

- ۱ ، محکم آنست که مراد از آن دانسته شده ، یا بظهور یا به تاویل ، و متشابه : خداوند علم آنرا به خود اختصاص داده . مانند برپا شدن ساعت قیامت ، و خروج دجال ، و حروف مقطعه اوایل سوره ها .
- ۲ . محکم آنست که معنایش واضح باشد ، و متشابه نقیض آن است .
- ۳ . محکم آنست که معنایش قابل تعقل باشد ، و متشابه خلاف آنست .
- ۴ . محکم به خودی خود معنایش مستقل است ، ولی متشابه آن است که مستقل نیست و باید به غیر خودش برگردانده شود .
- ۵ . محکم آنست که با نزول تاویلش نیز هست ، ولی مشابه جز به تاویل درک نمی‌گردد .

تاویل بعضی از متشابهات قرآن کریم در الواح قلم اعلی

در الواح و ایقان شریف آیات متشابه در قرآن که مسائل قیامت و معاد و بشارات و

امثال آنست به تفصیل نازل گردیده و اکثر احبای الهی با آن مسائل آشنائی کامل دارند و تعدادی از آنها در صفحات آینده برای نمونه درج میگردد .

روش تحقیق متشابهات در الواح مبارکه طرق مطالعه متشابهات ، در حدودی که در

معارف امر بهائی در نصوص و بیانات مبارکه موجود است باختصار اشاره نموده و آن الفاظ و آیاتی که تاویل و تبیین برای آنها در الواح مبارکه موجود نیست به دو طریق امکان پذیر است : **روش اول** که آنرا تحقیق فردی میتوان در نظر گرفت ، و راه آن مراجعه به کتب قبل و فرهنگهای لغات و الفاظ و امثالهم است . این طریقه انحصارا اختصاص به شخص طالب و محقق در امر مبارک دارد و تا حدودی که استنباط ، مغایرتی و مباینتی با اصول و مبادی امر نداشته و نیز تخطی از بیانات حضرت عبدالهء نشود بنا به نصوص مبارکه و یاد داشت شماره ۱۳۰ در کتاب مستطاب اقدس . افراد مجاز به به آن هستند ولی سندیت ندارد و در مباحثات و مذاکرات علمی نمیبایستی به انکشاف و دانسته های خود ابرام و اصرار در رأی نمود . طریقه دیگر ، استدعای راهنمائی از ساحت رفیع البیان و قوی الارکان بیت العدل است که حجت حیّ الهی در عالم امکان و مرجع مصون از خطا است . این روش معقول ترین راه و مقرون به صواب است چه که در صورت عنایت و ارسال جواب ، سندیت دارد و در آن مسئله بخصوص ختم الکلام است و میتوان در تحقیقات و یا مباحثات امری به آن استناد نمود . در اینجا لازم به ذکر دو مطلب است : اول اینکه متشابهاتی که تاویل و تبیین آنها در الواح و آثار مبارکه موجود است ، در روش هفتم باختصار ، روش تحصیل آن اشاره شد ، دوم اینکه در روش پانزدهم (اسالیب الواح) به اسلوب و بکار گرفتن مجاز در الواح مبارکه اشاره شده که کلمه در غیر معنی خود استعمال

ص ۳۸۳

گردیده . بنظر نگارنده ، اینگونه الفاظ و کلمات نمیتواند متشابه باشد . مانند این بیان مبارک در لوح غلام الخلد قوله عز بیانه ۲ : "و علی راسه تاج الجمال" که در آن هیمنه و شیوائی و قدرت و مقام صاحب ظهور مقصد است و تاج ممکن است اشاره به سلطنت روحانی جمال قدم جل جلاله باشد و یا اینکه اشاره ای به یکی از احادیث نبوی . ذکر چند نمونه از کلمات متشابه در قرآن و الواح مبارکه تا حدودی شرح مطلب را آسان مینماید .

عرش در قرآن کریم نازل شده است قوله تعالى: **"إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ"** . (سوره یونس آیه ۳/۱۰).

نمونه هائی از آیاتی که **"عرش"** در آن نازل شده اند عبارتند از: سوره هود ۷/۱۱، سوره فرقان ۵۹/۲۵، سوره سجده ۴/۳۲، سوره حدید ۴/۵۷، سوره مؤمن ۷/۴۰، سوره نمل ۲۶ و ۲۳/۲۷، سوره حاقه ۱۷/۶۹ - مترجمین قرآن **"عرش"** را در سوره نمل به تخت ترجمه نموده و در سایر سوره ها در ترجمه آیه همان کلمه عرش را بکار برده اند. در سوره نمل آیه ۲۷/۲۳ میفرماید قوله تعالى: **"إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ"** (۲۶) **"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ"** ترجمه آیه ۲۳: بدرستی که من یافتم زنی را که پادشاهی میکند ایشانرا و داده شد از همه چیز و مراو راست تختی بزرگ). و در آیه ۲۷/۲۶ همان سوره نمل اصل آیه و ترجمه آن این است: خدا نیست الهی مگر او که پروردگار عرش بزرگست.

عرش در الواح مبارکه در لوح یوم تولد، جمال کبریائی میفرمایند قوله الاعلیٰ ۴: **"قَدْ جَاءَ عِيدُ الْمَوْلُودِ وَاسْتَقَرَّ عَلَى الْعَرْشِ جَمَالُ اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْعَزِيزِ الْوَدُودِ"**.

و در لوحی دیگر کلمه عرش با معنی مشابهی که در لوح فوق است نازل گردیده، قوله جل بیانه ۵: حق فرموده که من بانسان نزدیکترم از رگ گردن او باو لذا میگوید با وجود آنکه تجلی حضرت محبوب از رگ گردن من بمن نزدیکتر است مع ایقان من باین مقام و اقرار من

ص ۳۸۴

باین رتبه من از او دورم یعنی قلب که مقرر استواء رحمانی است و عرش تجلی ربانی " در ایقان شریف به وجه دیگری نازل گردیده است قوله عزّ بیانه ۶: **"از آن جمله جناب ملا حسین است که محل اشراق شمس ظهور شدند * لولاء ما استوی الله علی عرش رحمانیته و ما استقر علی کرسی صمدانیته"**. جمال قدم جل کبریائه در لوحی کلمه عرش را تاویل فرموده اند. این لوح منیع در مائده آسمانی جلد چهارم صفحه ۳۴۵ مندرج است به آن مراجعه فرمائید. معنی و مقصود دیگری از عرش: در لوحی میفرمایند قوله تعالى ۷: **"ذَكَرْتُ لَدَى الْعَرْشِ بُوْدَهُ وَخَوَاهِدُ بُوْد"** بنظر میرسد که بر طبق این بیان مبارک مقصود هیکل مقدس جسمانی مبارک جمال قدم جلّ جلاله است.

معانی و مقصود از عرش : امرالله . کلمه الله . نفس ظهور . اول من آمن جناب
ملاً حسین بشرویه حرف حرف حی . معانی دیگر "عرش" در الواح نزولی :
در کتاب بدیع در باره عرش نازل قوله الاعلی ۸ : " مقصود از عرش در اینمقام امرالله بوده و خواهد بود
و
کلمه الله بوده و خواهد بود ... و در یکمقام عرش نفس ظهور است ... و در مقام
دیگر عرش اول من آمن است و اول من حضر و اول من بعث " .

طبقه بندی متشابهات در الواح مبارکه

در مقدمه و ابتدای این بخش اشاره گردید که متشابهات در الواح مبارکه در مسائل و
موضوعاتی است که در آنها از مبادی روحانی و اصول و نیز مسائل اخلاقی در متون
الواح نازل شده است . بنظر نگارنده اینقبیل از الفاظ و کلمات را به سه طبقه و
نوع میتوان تقسیم بندی نمود تا تحقیق و مطالعه آنها تا حدودی آسان و در نظم خاصی
قرار گیرد به این شرح :

نوع اول - اسماء الله (صفات ذات) ، حمد و تسبیح و تهلیل خدا و مظهر او و نیز
در عوالم خلقت و آفرینش .

نوع دوم - آیات و الواحی که در آن مسائلی از قبیل : جنت و نار ، معاد و رجعت
بشارت وعد و خوف وعید ، شراب ، سندس و استبرق ، ختم رحیق مختوم ، قطره
سوداء : لوح محفوظ ، ملاء اعلی و نظایر آن نازل گردیده است .

ص ۳۸۵

نوع سوم - ادعیه و مناجاتهای قلم اعلی و نیز الواحی که در آن مطالب و تعالیم
روحانی در استکمال و ارتفاع روح انسانی و تهذیب و تزکیه نفس و تلطیف روح و حسن
رفتار و قبح عادات مضره و نظایر آن نازل گردیده است .

نمونه هائی از متشابهات در الواح مبارکه

نوع اول - اسماء الله و آیات صفات ذات - صفات و اسماء مظهر الهی در

عالم و امر و خلق

کلمات متشابه از این نوع عموماً برای تصور قابل فهم خداوند است که تشبیه حقایق مجرد خارج از قوه تعقل و تصور انسان است به محسوس ، تا فهم و درکش آسان باشد . و بنظر میرسد که منشاء آن که در اینمورد بتفصیل اشاره شد تورات و قرآن و احادیث نبوی است .

تورات سفر پیدایش باب اول : (۲۶) و خدا گفت آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم ... (۲۷) پس خدا آدم را بصورت خود آفرید او را بصورت خدا آفرید ایشانرا نرو ماده آفرید - (تمام مندرجات تارگوم ترجمه بزبان آرامی) در این مورد دارای تفاوتهایی با مندرجات ترجمه تورات به زبان یونانی دارد برای مزید

اطلاع و نمونه مراجعه کنید به : CK. Barret , By The New Testament Background

در قرآن در سوره آل عمران آیه ۳/۶ خدا میفرماید قوله تعالی : **" هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ "** . در احادیث نبوی در حدیث مروی از حضرت رسول اکرم ص است که فرمود ۹ : « خلق الله آدم علی صورته » .

حضرت بهاء الله جل کبریائه در کلمات مکنونه عربی به این مسئله بتفصیل اشاره میفرماید قوله عزبیانه ۱۰ : **" كُنْتُ فِي قَدَمِ ذَاتِي وَأَزَلِيَّةً كَيِّنَوْتِي ؛ عَرَفْتُ حُبِّي فِيكَ "**

ص ۳۸۶

خَلَقْتُكَ ، وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مِثَالِي وَأَظْهَرْتُ لَكَ جَمَالِي . "

نوع دوم - در مسائل عالم بعد و حیات ابدیه

این طبقه از متشابهات اکثراً تعالیمی است که در آن اصول اعتقادات ایمانی - از قبیل عرفان و لقای مظهر الهی که به جنت و اعراض بر او به خسران عظیم و نظایر آن اشاره و تعلیم داده شده است از فضل جمال قدم جل جلاله ، تاویل این قبیل از متشابهات در الواح مبارکه به صراحت و در نهایت روشنی و بدور از هرگونه شبهه توسط شارع امر و نیز در الواح حضرت عبدالهء بیان گردیده است . و براین اساس جامعه متحد الفکر و متفق الاعتقاد بهائی از تفرقه های فکری و عقیدتی مبری و منزله در همه اعصار و قرون باقی خواهد ماند . نمونه هایی از این قبیل نصوص مبارکه عبارتند از :
نمونه اول ، **خسران** . در لوحی میفرماید قوله عزبیانه ۱۱ : **" إِنَّ الَّذِينَ أَعْرَضُوا سَوْفَ**

يَرَوْنَ أَنْفُسَهُمْ فِي خُسْرَانٍ عَظِيمٍ .

نمونه دوم ، **رضوان – جنت** . در کلمات مکنونه ذکر رضوان و جنت و تاویل آن نیز نازل شده است ۱۰ : " رِضْوَانُكَ حُبِّي وَجَنَّتُكَ وَصَلِي فَأَدْخُلْ فِيهَا وَلَا تَصْبِرْ . "

نمونه سوم ، **نجات – هلاک** در کلمات مکنونه ذکر نجات و هلاک انسان و تاویل آن نیز نازل گردیده است ۱۲ : " حُبِّي حِصْنِي مَنْ دَخَلَ فِيهِ نَجَا وَأَمِنْ وَمَنْ أَعْرَضَ غَوَى وَهَلَكَ . "

نمونه چهارم ، **وعد – وعید** . در ورق پنجم و ورق ششم در کلمات فردوسی به بشارت وعد و خوف وعید که در قرآن و کتب الهی نازل شده است اشاره میفرمایند قوله عز بیانه :

" ورق پنجم – خرد پیک رحمان است و مظهر اسم علام باو مقام انسان ظاهر و مشهود اوست دانا و معلم اول در دبستان وجود و اوست راهنما و دارای رتبه علیا از یمن تربیت او عنصر خاک دارای گوهر پاک شد و از افلاک گذشت اوست خطیب اول در مدینه عدل و در سال نه جهان را بشارت ظهور منور نمود اوست دانا یکتا که

ص ۳۸۷

در اول دنیا بمرقاة معانی ارتقاء جست و چون باراده رحمانی بر منبر بیان مستوی بدو حرف نطق فرمود از اول بشارت وعد ظاهر و از ثانی خوف وعید و از وعد و وعید بیم و امید باهر و به این دو اساس نظم عالم محکم و برقرار تعالی الحکیم ذوالفضل العظیم "

" ورق هشتم – دار التعلیم باید در ابتدا اولاد را بشراط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و بطراز اوامر مزین دارد" **تاویل و تبیین کلمات متشابه " وعد و وعید "** در آثار حضرت عبدالبهاء : در نطقی در

منزل آقای دریفوس (مراجعة کنید به روشهای ۸ و ۹) مقصود از بشارت وعد و خوف وعید را با بیانی ساده و قابل فهم برای عامه بیان فرموده اند . بیانات جامع ایشان در مسئله مکافات (پاداش) و خوف از عقوبت (عذاب الهی) در این عالم برای حسن نظام در امور بین مردم . و نیز در عالم بعد و مقصود از وعد و وعید نازله در الواح مبارکه کاملاً روشن و واضح و قابل فهم است . نحوه اجرای عقوبت و جزای خوف وعید نیز کاملاً در آثار بتصریح بیان گردیده است . قصاص منصوص در کتاب مستطاب اقدس و رساله سؤال و جواب و آنچه که منصوص نیست بر اساس نصوص مبارکه به بیت العدل عمومی راجع . و اینطور که از بیانات حضرت ولی امرالله مستفاد میشود قصاص

و سایر مسائل شرعی به محاکم شرعی که در آینده تشکیل خواهد شد ارجاع خواهد گردید.
نمونه پنجم ، **بعث - حشر**. در لوح العالم (لوح دنیا) جمال کبریائی ظهور امر جدید را که در سنه تسع به آن بشارت داده شد " ندا " و ظهور الهی را برای کلیه اهل عالم اعلان فرموده اند قوله الاعلیٰ ۱۳ : " این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه نبوده و نیست * باید اهل عالم طرّاً بانچه نازل شده ظاهر گشته تمسک نمائید تا بازادی حقیقی فائز شوند * گیتی بانوار نیر ظهور منور " . و در ادامه لوح مبارک اشاره ای است صراح براینکه **بعث و حشر** مندرجه در انجیل و قرآن کریم و سایر اعمی که

ص ۳۸۸

به یوم حشر معتقدند همانا اقبال بامر جدید است این فقره از بیان مبارک این است
قوله الاعلیٰ : " حال اکثر اهل بلاد مستعدند از برای اصغاء کلمه علیا که **بعث و حشر** کل بان منوط و معلق است "

تأویل مبدء . معاد . حشر . نشر . صراط . جنت . نار

در لوحی باتصریح کامل مقصود از " **حشر و نشر و جنت و نار** " را بیان میفرمایند قوله تعالیٰ ۱۴ : " و اما آنچه سؤال نمودی از مبدء و معاد و حشر و نشر و صراط و جنت و نار کلاً حق لاریب فیها و موقن بصیر در کل حین جمیع این مراتب و مقامات را بچشم باطن و ظاهر مشاهده مینماید ... و لکن مقصود الهی از حشر و نشر و جنت و نار و امثال این اذکار که در الواح الهیه مذکور است مخصوص است بحین ظهور مثلاً ملاحظه فرما که در حین ظهور لسان الله بکلمه تکلم میفرماید و از این کلمه مخرجه عن فمه جنت و نار و حشر و نشر و صراط و کل ما سئلت و ما لا سئلت ظاهر و هویدا میگردد و هر نفسیکه بکلمه بلی موفق شد از صراط گذشت و بجنت رضا فائز و همچنین محشور شد در زمره مقربین و مصطفین و عندالله از اهل جنت و علیین و اثبات مذکور و هر نفسی که از کلمه الله معرض شد در نار و از اهل نفی و سجین و در ظل مشرکین محشور اینست ظهورات این مقامات که در حین ظهور بکلمه ظاهر میشود و لکن نفوسیکه موفق شده اند برضی الله و امره بعد از خروج ارواح از اجساد باجر اعمال در دار اخری فائز خواهند شد چه آنچه در این دنیا مشهود است استعداد زیاده بر این موجود نه اگر چه کل عوالم الهی طائف حول این عالم بوده و خواهد بود و لکن

در هر عالمی از برای هر نفسی امری مقدر و مقرر و همچه تصور مکن که آنچه در کتاب الله ذکر شده لغو بوده فتعالی عن ذلک قسم بآفتاب افق معانی که از برای عباد جنت های لا عدل لها بوده و خواهد بود ولکن در حیات اولی مقصود از جنت رضای او و دخول در امر او بوده بعد از ارتقاء مومنین از این دنیا بجنّات لا عدل لها وارد و به نعمتهای لا تحصی متنعم و آن جنان ثمرات افعالیست که در دنیا بان عامل شده " .

ص ۳۸۹

در بررسی اجمالی در بیان فوق بنظر کاملاً صریح و روشن میرسد که در تعالیم اصول و مبادی ، در عوالم خلق و ملکوت ، دو جنت از برای انسان مقرر شده است : جنت در حیات ظاهری و آن عرفان به کلمه الهی و رضای مظهر اوست و دیگر جنت در عوالم بعد از حیات ظاهری که حصول آن منوط به اعمال مومن است در طول حیات جسمانی . نمونه ششم ، **یوم جزاء** . یوم جزاء که یوم قیامت و حشر و نشر مردگان است در الواح مبارکه تاویل گردیده است . در لوحی میفرمایند ۱۵ قوله جل بیانه : " باعلی النداء کل را بافق اعلی دعوت نمودیم ولکن غافلین و معرضین نپذیرفتند از حق جل جلاله مسئلت نما شاید عباد را تأیید فرماید و قوت و قدرت بخشد تا از مرقاة اسماء صعود نمایند یعنی بگذرند و قصد سماء معانی کنند ... حزب قبل از تجارت اسماء چه ربی تحصیل نمودند و بچه فوزی فائز گشتند در یوم جزاء کل از حقیف سدره منتهی محروم مشاهده شدند و شجره مبارکه را بایادی بغی و فحشا قطع نمودند و بر منابر بلعن و سب مشغول بوده و هستند " .

نوع سوم - کلمات متشابه در تعالیم اخلاقی و تهذیب روح و نفس انسانی

کلمات و آیات متشابه در این نوع طبقه بندی ، عموماً در ادعیه و الواح نصحیه نازل گردیده است . ذکر چند نمونه از این قبیل متشابهات به روشن شدن موضوع کمک مینماید . چند نمونه از این قبیل متشابهات عبارتند از :

نمونه اول ، در مناجاتی میفرمایند قوله عز بیانه ۱۶ : " از بدایع فضلت مسئلت مینماید آنچه را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و پرورش از دفتر عالم محو نشود . سحاب اوهام او را ستر ننماید و غمام ظنون او را از اشراق باز ندارد " . بنظر میرسد که کلمات ذیل از متشابهاتند و دارای معانی خارج از معنی ظاهری لفظ و کلمه

دارند و لازم بنظر میرسد که برای درک و فهم آنها به سایر الواح مبارکه مراجعه نمود تا به

ص ۳۹۰

مقصود حقیقی قلم اعلیٰ آشنائی حاصل نمود : (۱) دفتر عالم ، (۲) سحاب اوهام ، (۳) غمام
ظنون .

نمونه دوم ، **لقا** در مناجاتی ذکر لقا شده است قوله عز بیانه ۱۷ : " بذکرت زنده ام و

بامید لقای موجود و پاینده " . **لقا** در این بیان مبارک از متشابهات است زیرا
مناجات مبارک برای یک دوره حداقل یکهزار ساله و کور عظیم پانصد هوار ساله نازل
گردیده و نمیتواند به معنی لقای ظاهری باشد . لذا لازم است که به سایر آثار
مبارکه مراجعه نمود و مقصود از آن را یافت و چون مقصود از لقا در کتاب ایقان و
سایر الواح مبارکه بصراحت به ایمان به مظهر الهی تاویل گردیده است به گمان قریب
به یقین برای لقا تاویل دیگری نمیتوان یافت .

نمونه سوم ، **بقعه نوره** در لوحی میفرمایند قوله عز بیانه ۱۸ : " یا ایها
المقبل ان استمع النداء من شطر بقعة النوراء من سدرۃ المنتهی " . مقصود از بقعه
نوراء را میبایستی در سایر آثار جستجو نمود تا از استنباط شخصی بدور باشد حضرت
ورقای شهید در بیتی به آن اشاره فرموده اند : " در بقعه بیضاست عجب بزم وصالی
ای جای تو خالی " .

نمونه هائی از کلمات متشابه در الواح نازله ۱ - اصبع امر ۲ - اصابع قدرت ۳ -
جعد محبوب ۴ - ید عنایت ۵ - شَعْر ۶ - شعرات ۷ - عرش فردانیت ۸ - عرش
عظمت ۹ - عرش رحمت ۱۰ - عرش ظهور ۱۱ - عرش بقاء ۱۲ - بمدد تراب خلق نمودم
۱۳ - قائم ۱۴ - قیوم ۱۵ - فاطر سماء ۱۶ - فاطر السموات و الارضین ۱۷ -
جمال ۱۸ - بین ایادی مشیتك و ارادتك (صلات کبیر) ۱۹ - کوثر حیوان ۲۰ -
سبحانك من ان تصعد الی سماء قریك ۲۱ - کافور ۲۲ - کافور صمدیتك ۲۳ - طیب
بهجت ۲۴ - جنة هویه ۲۵ - کافور الجمال ۲۶ - هیکل ۲۷ - خمر جمال ۲۸ -
قد انفتحت روحی لروحك و ذاتی لذاتك و جسمس لجسمك .

ص ۳۹۱

۲۹ - و اینست بصر من امام وجه تو . ۳۰ - بادیه های عدم . ۳۱ - لوح ختم . ۳۲ - یفعل
 مایشاء . ۳۳ - لوح زیرجدی . ۳۴ - قلزم الکبرياء . ۳۵ - قلزم الروح . ۳۶ - عقبه
 زمردی وفا . ۳۷ - اهل فسطاط . ۳۸ - حوریات البقا و غرف الحمراء . ۳۹ - اصابع
 الياقوت . ۴۰ - يوم جزاء . ۴۱ - شجرة انيسا . ۴۲ - فردوس اعظم . ۴۳ - در سطر
 هشتم از اسطر قدس که در لوح پنجم از فردوس است . ۴۴ - لوح یاقوتی . ۴۵ - الواح
 زیرجدی . و نظایر آن که اغلب آنها تبیین گردیده و در جزوات مائده آسمانی مندرج
 است .

نمونه هائی از تاویل متشابهات در کتب تورات و انجیل و قرآن که در الواح مبارکه نیز نازل و به ظهور جدید تصریح شده است

مطالعه مقدماتی در الواح و آثار مبارکه نشان میدهد که متشابهات مذکوره در کتب
 ادیان قبل در دو طبقه از الواح مبارکه بان اشاره شده و تاویل گردیده است . طبقه
 ای از الواح که در متن الواح کلمه متشابهی بکار رفته و مقصد از آن نیز به تلویح
 و یا به تصریح بیان گردیده است . طبقه دیگری از الواح موجود است که در آثار شارع
 و الواح تبیینی ، متشابهات ادیان قبل تاویل گردیده و صراحتاً به تاویل آن نیز
 اشاره گردیده است . این نوع تاویلات که برای روشن شدن حقایق مستوره در کلمات
 الهی در کتب قبل است از اهمیت شایانی برخوردار است که به " فک رحیق مختوم " و
 نظایر آن آثار بآنها اشاره شده و کشف اسرار بیشماری است که قرنهای متمادی مورد
 گفتگو و مجادله و مباحثه و انشاء و تالیفات کثیره توسط علمای ادیان قبل بوده است
 و اکنون بفضل الهی آن مسائل بکلی حل و بزیر کلام وحی تاویل و تشریح گردیده است
 . به نمونه هائی از این قبیل متشابهات که تاویل آنها در آثار مبارکه موجود است
 اشاره میگردد .

(۱) ایام . (۲) ایام الله . (۳) حشر . (۴) صبغة الله . (۵) نفی و اثبات . (۶) قبر . مراقد . قبور .
 (۷) عرش . (۸) وراء . (۹) سدرۃ المنتهی . (۱۰) جنت . نعیم . رضوان .

ص ۳۹۲

(۱۱) جحیم . (۱۲) معاد و رجعت . (۱۳) نار . (۱۴) شق القمر . (۱۵) نجم . (۱۶) سماء .

(١٧) سموات . (١٨) شيطان . (١٩) فعزنا بثالث . (٢٠) مالك يوم الدين . (٢١) مالك يوم التناد . (٢٢) انشقت السماء . (٢٣) يوم التغابن . (٢٤) والجبال فدكتا . (٢٥٥) تشق الارض . (٢٦) نشر . متشابهات در اناجيل اربعة : (٢٧) بعد الضيقة . (٢٨) تظلم الشمس . (٢٩) يحجب القمر ضوءه . . (٣٠) تنهاوى النجوم من السماء . (٣١) فتتحب قبائل الارض كلها . (٣٢) يرون ابن الانسان آتيا على السماء . (٣٣) الشمس والقمر بحسبان . (٣٤) فلا اقسام برب المشارق والمغارب . (٣٥) اذا السماء انفطرت . (٣٦) يوم تبدل الارض غير الارض . (٣٧) والسموات مطفيات بيمينه . (٣٨) ملائكة . (٣٩) خلف العرش . (٤٠) كبريت احمر . (٤١) يوم تاتي السماء بدخان مبين . (٤٢) سر التنكيس . (٤٣) قيوم . (٤٤) بيست چهار پير . (٤٥) سبع مثاني . (٤٦) يوم خسيس . (٤٧) وحش . (٤٨) كوثر . (٤٩) ديك العرش . (٥٠) نوم و سكر (٥١) موت و حيات . (٥٢) يخرج الحي من الميت . (٥٣) كافور . (٥٤) نان و خمر . (٥٥) ثالث . (٥٦) ان الله سبعين الف حجاب من نور و ظلمة ، لو كشف لا حرق سبحات وجهه ما انتهى اليه بصره من خلفه (حديث نبوى) . (٥٧) وهى سبعون الف حجاب يذهب نورها بالابصار (حديث نبوى) . (٥٨) ان بين الله و بين خلقه سبعين الف حجاب (حديث نبوى) . (٥٩) نفخه صور . (٦٠) نقره ناقور . (٦١) كف سنا . (٦٢) لقاء الله . (٦٣) يوم الله . (٦٤) نباء عظيم . (٦٥) قد جاء ربك . (٦٦) سترون ربكم كما ترون البدر فى ليلة اربعة عشر (حديث نبوى) . (٦٧) لوح محفوظ . (٦٨) اما الآن فانى عائد الى ارسلنى ، ولا اخذ منكم يسالنى : اين تذهب ؟ . لاني ان كنت لا اذهب . (انجيل) . (٦٩) سموات و الارض . (٧٠) سموات والارضين . (٧١) الواح القدس . (٧٢) مبداء والماب . (٧٣) قيامت . (٧٤) عصا . (٧٥) دخان . (٧٦) ثعبان . (٧٧) ابرو غمام . (٧٨) حروف مقطعه قرآن : (٧٩) مرت الجبال . (٨٠) مائده . (٨١) فقر و غنا . (٨٢) مدينه . (٨٣) انفطار سماء . (٨٤) مشرق و مغرب . (٨٥) لا شرقيه ولا غريبه . (٨٦)

ص ٣٩٣

(١١) ينوح كل قبائل الارض (انجيل) . (٨٧) ملائكة . (٨٨) كبريت احمر . (٨٩) تحريف و " يحرفون الكلم عن مواضعه " در سوره نساء آيه ٤٨ . (٩٠) سلطنت . (٩١) طامه كبرى . (٩٢) سبحات جلال . (٩٣) " خاتم النبيين " در سوره احزاب آيه ٤٠ . (٩٤) تاويل

سؤال از آیه " فیومئذ لا یسال من ذنبه انس ولا جان " (سوره رحمن آیه ۲۹) .

(۹۵) " دارالسلام " در آیه ۵ سوره یونس : " والله یدعوا الی دارالسلام " .

(۹۶) " علم " و " راسخون فی العلم " سوره آل عمران آیه ۳/۷ . (۹۷) ساعت . (۹۸)

اشراف الساعة . (۹۹) لوح محو و اثبات . (۱۰۰) بعث . (۱۰۱) فطرت ، (۱۰۲) فطرت

الله . (۱۰۳) اُولی الامر (سوره نساء آیه ۵۹/۴) ((أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)) .

نتیجه مقصود از تحقیق در الواح مبارکه برای آگاهی به معانی و مقاصد مستوره در

متشابهات است (اعم از آنکه متشابهات ، کلمات نازله در آیات الهی و یا اینکه

متشابهی در کتب مقدسه قبل است) . بنظر میرسد ، تحقیقی که منجر به حصول حقیقت

خواهد گردید اینست که در صورت مواجهه با این قبیل از کلمات ، به سایر الواح

نازله و الواح تبیینی مراجعه نمود و با استعانت از آن بیانات مبارکه به حقایق و

منظور الهی از کلمات متشابه آگاهی و اطلاع حاصل شود . در اینجا ذکر چند اصل در

معارف امر بهائی ضرورت کامل دارد . اول اینکه : تعالیم و نصوص الهیه اجازه تاویل

و تفسیر و اخذ معنی باطنی را به هیچ فردی (اعم از عالم و محقق مومن و محقق غیر

مومن و یا عضویت در موسسات امری) را نداده است و کسی تحت عنوان آزادی فکر و

عقیده و نظایر آن مجاز به تعبیر و تفسیر متشابهات در امر بهائی نیست و نمیتواند

بگوید که مقصود از این بیان در آثار بهائی چنین و چنان است و در عقاید خود اصرار

ورزد . تائید این گفتار بیان صریح و روشن حضرت عبدالبهاء است قوله الاحلی ۱۹ :

کلمه از تاویل و تلویح و تشریح نیفزایند " . و نیز شارع امر بهائی در ام الکتاب شریعت الله

منع اکید در تاویل کلمات الهیه فرموده است . در بند ۱۰۵ میفرماید قوله تعالی : " ان

ص ۳۹۴

الذی یأول ما نزل من سمآء الوحی و یخرجه عن الظاهر أنه ممن حرف کلمة الله

العلیا و کان من الاخسرین فی کتاب مبین " . نظر به اینکه در آیه شریفه دیگری در

کتاب مستطاب اقدس امر به تدبر و تعمس در بیانات الهیه گردیده (بند ۱۸۲) قوله

تعالی : اغتمسوا فی بحر بیانی لعل تطلعون بما فیہ من لئالی الحکمة و الاسرار " .

این بیان اعلی ، احبای الهی را مکلف به تعمق در آثار برای کسب فیض و اطلاع بر

جواهر و لئالی مستوره در حکمت الهی مینماید . و تائید بر آن یاد داشت شماره ۱۳۰

در ملحقات کتاب مستطاب اقدس است که فرموده است : " اما این نصوص قاطعه مانع از

آن نیست که افراد احباء از مطالعه و غور و تعمق در آثار الهی و حصول استنباطات شخصی خود داری نمایند . ولی البته مطابق بیانات مبارکه فوق و تمایزی فاحش بین نصوص قاطعه و استنباطات شخصیه موجود است . آنچه افراد از بیانات مبارکه بر حسب فهم و ادراک خویش استنباط نمایند نتیجه فکر بشری است و هرچند ممکن است در کشف حقایق امریه موثر و مفید باشد ولیکن فاقد اعتبار و سندیت است " • این توضیح و امر بیت العدل اعظم که در ام الکتاب گنجانیده شده است ، ابواب گشودن هر نوع از روش های مسلکی و عقیدتی را بکلی مسدود نموده و در حقیقت یکی از طرق اصلی اجرای عهد و میثاق الهیست که همه افراد در ظل شجره انیسا متحد الفکر و عقیده مجتمع بوده و خواهند بود .

مقصود از تشابهات در کتب الهیه در ایقان شریف جمال کبریائی پس از تاویل تعدادی

از اهمّ تشابهات در انجیل و قرآن کریم . مقصود از ذکر تشابهات در کتب مقدسه قبل را امتحانات الهیه در بین عباد و آنرا سنت و روش الهی بیان فرموده اند قوله تعالی ۲۰ : " اینست اسرار کلمات که بیحجاب کشف و ظاهر گشته تا ادراک صبح معانی فرمائی * و سراجهای ظنون و وهم و شک و ریب را بقوّت توکل و انقطاع خاموش نمائی * و مصباح جدید علم و یقین در مشکاة قلب و دل بر افروزی * و از

ص ۳۹۵

جميع این کلمات مرموزه * و اشارات مُلغزه که از مصادر امریه ظاهر میشود مقصود امتحان عباد است چنانچه مذکور شد تا معلوم شود اراضی قلوب جیده منیره از اراضی جروزه فانیه * و همیشه این از سنت الهی در میان عباد بوده چنانچه در کتب مسطور است * " .

نمونه هائی از تاویل تشابهات در:

قرآن کریم ؛ کتب عهد قدیم و انجیل در آثار قلم اعلیٰ

نمونه های انتخاب شده از تشابهات مندرجه در کتب قبل ، تشابهاتی است که اساس و مبانی ایمانی و اصول دین در میان امم مسیحی و اسلام است و سبب و احتیاج آنان در گذشته و حال گردیده تا به مظهر و رسول بعدی ایمان نیاورند و در حجاب غفلت باقی بمانند - اعتقادات و تعبیرات و مقصود و معنی الفاظ متشابه ذیل از نظر معتقدین به

ادیان قبل بکلی با آنچه از کلام وحی الهی از قلم اعلی نازل گردیده متباین و متناقض است و مورد اعتنا نیست . برای تفصیل بیشتر و مزید اطلاع لازم است که به الواح تبیینی که اکثر آنها توسط عالم تحریر و فاضل جلیل القدر عبدالحمید اشراق خاوری در مجلدات مائده آسمانی درج شده مراجعه نمود . و نیز استدلالات کلامی در مقصود از آیات محکم و متشابه بقلم توانای حضرت ابوالفضائل گلپایگانی در کتاب فرائد ، اعانت لازم و کافی برای درک بیشتر و حصول به نتیجه می نماید .

خاتم النبیین

مآخذ " خاتم النبیین " در قرآن و احادیث

۱ - سوره احزاب آیه ۴۰/۳۳ قوله تعالى : " مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا " .

۲ - حدیث نبوی : حدثنا عبدالله ، حدثني ابي ، ثنا عفان ، ثنا عبدالواحد بن زياد ، ثنا المختارين فلفل ، ثنا انس بن مالك قال : قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : ((ان الرسالة و النبوة قد انقطعت ، فلا رسول بعدى و لا نبى ، قال : فشق ذلك على الناس ،

ص ۳۹۶

قال : قال : ولكن المبعثرات ، قالوا : يا رسول الله و ما المبعثرات ؟ قال : روي الرجل المسلم و هي جزء من اجزاء النبوة)) .

مأخذ . مسند احمد بن حنبل جلد ۴ صفحه ۱۷۱ حدیث شماره ۱۳۴۱۲ .

تاویل " خاتم النبیین " در آثار قلم اعلی

مقدمه ، مسئله بدئیت و خاتمیت و اولیت و آخریت همه انبیای الهی در ایقان شریف نازل گردیده جمال کبریائی در شرح مقامات جمع و فرق و فصل رسولان و مظاهر مقدسه الهی ، ارتباط آنان با یکدیگر را که همه از یک مبداء اند با استدلالات کلامی و ادله عقلی و نقلی بیان فرموده اند . بنظر میرسد که این قسمت از بیانات الهیه اساس و پایه وحدت انبیای الهی و از اصول و مبادی روحانی در این امر اسنی است و در بخش سوم به آن اشاره شد ، اینست بیان مبارک قوله الاعلی ۲۱ : " پس نظر را از حدودات ظاهر و منزه کن تا همه را بیک اسم و یک رسم و یکذات و یک حقیقت

مشاهده نمائی * " " باری این انوار از یکمصبح ظاهر شده اند * و این اثمار از یک
 شجره روئیده اند * فی الحقیقه فرقی ملحوظ نه و تغییری مشهود نه ((کل ذلك من فضل
 الله یوتیه من یشاء من خلقه)) انشاء الله از ارض نفی احتراز جوئیم * و بحر
 اثبات درآئیم تا عوالم جمع و فرق و توحید و تفریق و تحدید و تجرید الهی را
 ببصریکه مقدس از عناصر و اضداد است مشاهده کنیم * و باعلی افق قرب و قدس حضرت
 معانی پرواز نمائیم پس از این بیانات معلوم شد که اگر در آخر لا آخر طلعتی بیاید
 و قیام نماید بر امریکه قیام نمود بر آن طلعت اول لا اول هر آینه صدق طلعت اول
 بر طلعت آخر میشود زیرا که طلعت آخر لا آخر قیام نمود بهمان امر که طلعت اول لا
 اول بر آن قیام نمود * " و همچنین از این بیان صادق میاید ذکر ختمیت بر طلعت
 بدء و بالعکس زیرا که آنچه طلعت ختم بر آن قیام مینماید بعینه همان است که جمال
 بدء بر آن قیام فرموده * و این مطلب با اینکه چه قدر واضح است نزد شاربان صهبای
 علم و ایقان مع

ص ۳۹۷

ذلك چه مقدار از نفوس که بسبب عدم بلوغ باینمطلب بذکر ((خاتم النبیین)) محتجب
 شده از جمیع فیوضات محجوب و ممنوع شده اند با اینکه خود آن حضرت فرمود ((اما
 النبیین فانا)) و همچنین فرمودند ((منم آدم و نوح و موسی و عیسی)) چنانچه ذکر
 شد مع ذلک تفکر نمینمایند بعد از آنکه بر آن جمال ازلی صادق میاید با اینکه
 فرمودند ((منم آدم اول)) همین قسم صادق میاید که بفرمایند منم آدم آخرو
 همچنانکه بدا انبیا را که آدم باشد بخود نسبت دادند همین قسم ختم انبیا هم بان
 جمال الهی نسبت داده میشود و این بسی واضح است که بعد از آنکه بدء النبیین بر آن
 حضرت صادق است همان قسم ختم النبیین صادق آید * و باین مطلب جمیع اهل ارض در این
 ظهور ممتحن شده اند چنانچه اکثری بهمین قول تمسک جسته از صاحب قول معرض شده اند
 و نمیدانم این قوم از اولیت و آخریت ملکی باشد هنوز که اسباب ملکی باخر نرسیده *
 پس چگونه آخریت بر آن ذات احدیت صادق میاید بلکه در این رتبه اولیت نفس آخریت و
 آخریت نفس اولیت باشد باری همان قسمی که در اول لا اول صدق آخریت بر آن مرئی غیب
 و شهود میاید همان قسم هم بر مظاهر او صادق میاید و در حینیکه اسم اولیت صادق
 است همانحین اسم آخریت صادق * و در حینی که بر سریر بدئیت جالسند همانحین بر عرش

ختمیت ساکن * و اگر بصر حدید یافت شود مشاهده مینماید که مظهر اولیت و آخریت و ظاهریّت و باطنیّت و بدئیّت و ختمیت این ذوات مقدسه و ارواح مجردة و انفس الهیه هستند * " و اگر نغمه ((انی رسول الله)) برآرند این نیز صحیح است و شکی در آن نه * چنانچه میفرماید * (ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله) * و در اینمقام همه مرسند از نزد آن سلطان حقیقی و کینونیت ازلی * و اگر جمیع ندای ((انا خاتم النبیین)) برآرند آنهم حق است و شبهه را راهی نه و سبیلی نه زیرا که جمیع حکم یک ذات و یک نفس و یک روح و یک جسد و

ص ۳۹۸

یک امر را دارند * و همه مظهر بدئیّت و ختمیت و اولیت و ظاهریّت و باطنیّت آن روح الارواح حقیقی و ساذج السواذج ازبند * " . و نیز در لوح شیخ محمد تقی نجفی بیان اعلاّی دیگری در تاویل خاتم النبیین نازل فرموده اند قوله العزیز : " براستی میگویم امروز کلمه مبارکه و لكن رسول الله و خاتم النبیین بیوم يقوم الناس لرب العالمین منتهی شد * " . تاویل خانم النبیین در لوح مبارک ایوب " سورة الصبر " ، بیان اسنی دیگری است قوله العزیز ۲۲ : " قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ الْخَاتَمُ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحُ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ كَذَلِكَ ذُكِرَ مَعْنَى الْخَتَمِ مِنْ لِسَانِ قُدْسٍ مَنِيعاً كَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ حَبِيبَهُ خَاتِماً لِمَا سَبَقُوهُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ فَاتِحاً لِمَا يَأْتِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ مِنْ بَعْدُ " . نظر باینکه در بعضی از استدلالیه های نوشته شده مسئله فرق میان رسول و نبی را برای نفی مسئله خاتمیت و احتجاج باحادیث و آیات در قرآن باین منظور آیه خاتم النبیین دلالت بر ختم رسالت و کلام وحی نیست . این قبیل از استدلالات نظرات شخصی است و با استدلال و تاویل بیانات مبارکه مغایرت دارد . در الواح متعددی جمال قدم حضرت محمد ص را خاتم اصفیاء و نظائر آن نام برده اند . استدلال بروش مقامات فرق و جمع و تفصیل و اولیت و آخریت و بدئیّت و ختمیت تشریح شده در ایقان شریف از اصول انتقادات بهائی است که تعمق در آن بیانات مبارکه لازمه رسیدن به مقصود اصلی در مسئله خاتمیت مذکوره در قرآن کریم است .

عصا - ثعبان - ید بیضاء

ماخذ در کتب ادیان قبل

تورات ، سفر خروج باب چهارم : (۱) و موسی در جواب گفت همانا مرا تصدیق نخواهند

کرد و سخن مرا نخواهند شنید بلکه خواهند گفت یهوه بر تو ظاهر نشده است * (۲) پس خداوند بوی گفت آن چیست در دست تو. گفت عصا * (۳) گفت آنرا بر زمین بینداز و چون آنرا بزمین انداخت ماری گردید و موسی از نزدش گریخت

ص ۳۹۹

* (۴) پس خداوند بموسی گفت دست خود را دراز کن و دمشرا بگیر پس دست خود را دراز کرده آنرا بگیرت که در دستش عصا شد * (۵) تا آنکه باور کنند که یهوه خدای پدران ایشان خدای ابراهیم خدای اسحق و خدای یعقوب بتو ظاهر شد * (۶) خداوند دیگر باره وی را گفت دست خود را در گریبان خود بگذار چون دست بگریبان خود برد و آنرا بیرون آورد اینک دست او مثل برف مبروص شد * .
قرآن کریم : سوره قصص آیه ۳۱ و ۳۲ / ۲۸ ، سوره طه آیه های ۱۷ الی ۲۴ / ۲۰ و سوره شعراء آیه های ۳۱ الی ۳۳ / ۲۶ .

در قاموس ایقات در تحت عنوان " عصای امر " شرح مبسوطی نوشته شده که قسمتی از آن درج میگردد ۲۳ : " در سوره مومن و طه و غیرها نیز داستان موسی و عصا و ثعبان و ید بیضاء نازل شده است ، مفسرین سنی و شیعه اغلب عصا را بهمان معنی ظاهری گرفته اند و گفته اند که عصای چوبی بود و بشکل ازدها بظاهر در آمد و لکن بعضی از محققین عصا را بمعنی شریعت و امر الهی گرفته اند ... " .

تاویل " عصا " - " ثعبان " - " بیضاء " در آثار قلم اعلیٰ در ایقان شریف در ضمن

حکایت انبیای الهی ، اشاره میفرمایند به ظهور حضرت موسی ع و ذکر عصا و ید بیضاء مذکور در تورا و قرآن کریم - آنچه که مسلم است بیانات مبارکه مقصود تاویل عصا و ید بیضاء نیست ، بلکه در ضمن شرح حکایت انبیای الهی بوضوح تاویل متشابهات فوق مفهوم میگردد . اینست بیان مبارک قوله الاعلیٰ ۲۴ : " و بعد زمان او منقضی شد تا نوبت بموسی رسید * و آن حضرت بعصای امر و بیضای معرفت از فاران محبت الهیه با ثعبان قدرت و شوکت صمدانیه از سینای نور بعرصه ظهور ظاهر شده و جمیع من فی الملک را بملکوت بقا و اثمار شجره وفا دعوت نمود " .

برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به قاموس ایقان جلد دوم صفحه ۱۰۱۸ و کتب تفسیر قرآن و تاریخ ابوالفداء جلد اول و قصص الانبیاء مرحوم مجلسی و تاریخ طبری (

ترجمه)

ص ۴۰۰

جلد اول . مندرجات این قبیل از کتب تاریخی حاوی حواشی بسیاری است که بنظر میرسد اغلب آنها از حقیقت بدور است و اسناد و مدارک تاریخی معتبری ندارد .

« شمس » - « قمر » - « نجوم »

مأخذ "شمس" . "قمر" در کتب ادیان قبل

انجیل متی ۲۹ : ۲۴ .

قرآن کریم در آیات بسیاری شمس و قمر و نجم نازل شده است که بعضی از آیات

بمعانی ظاهری و آیاتی نیز تاویل پذیر و از متشابهات است . بعنوان نمونه به

معنای ظاهری در سوره فصلت آیه ۴۱/۳۷ : " وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ

وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ " (ترجمه) : و از آیت‌های شب است و روز و

آفتاب و ماه سجده نکنید مر آفتاب و نه مر ماه را و سجده کنید مر خدائی را که آفرید آنها را اگر هستید

او را میپرستید) .

و بمعنای خارج از مفهوم ظاهری در سوره رحمن آیه ۵۵/۵ : " الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ " . این آیه

شریفه در ایقان شریف در صفحه ۲۹ تأویل و معنی شده است مراجعه فرمائید .

تأویل « شمس » - « قمر » - « نجوم » در آثار قلم اعلی در ایقان شریف در تاویل

متشابهات فوق میفرمایند قوله الاعلی ۲۵ : " مقصود از شمس و قمر که در کلمات انبیاء

مذکور است منحصر باین شمس و قمر ظاهری نیست که ملاحظه میشود بلکه از شمس و قمر

معانی بسیار اراده فرموده اند که در هر مقام بمناسبت ان مقام معنی اراده میفرمایند * " .

تأویل اول " شمس " ۲۵ : " یکمعنی از شمس شمسهای حقیقتند که از مشرق قدم طالع

میشوند " .

تأویل دوم « شمس » و « قمر » و « نجوم » : در ایقان شریف با نقل قسمتی از دعای

ندبه و صحه به مندرجات آن * (این الشموس الطالعه این الاقمار المنيرة * این الانجم الزاهرة) *

ص ۴۰۱

بیان میفرمایند که ۲۶: پس معلوم شد که مقصود از شمس و قمر و نجوم در مقام

اولیه انبیاء و اولیاء و اصحاب ایشانند که از انوار معارفشان عوالم غیب و شهود

روشن و منور است * " .

تأویل سوم « شمس » و « قمر » و « نجوم » ۲۶ : " و در مقام دیگر مقصود از شمس و قمر و نجوم علمای ظهور قبلند که در زمان ظهور بعد موجودند و زمام دین مردم در دست ایشان است * " و اطلاق شمس بر آن علما بمناسبت علو و شهرت و معروفیت است *
 تأویل چهارم « شمس » و « قمر » و « نجوم » ۲۷ : " و در مقامی هم مقصود از اطلاقات شمس و قمر و نجوم علوم و احکام مرتفعه در هر شریعت است * مثل صلاة و صوم که در شریعت فرقان بعد از اخفای جمال محمدی از جمیع احکام محکمت و اعظمتر است *
 " و در حدیث هم اطلاق شمس و قمر بر صوم و صلوة شده چنانچه میفرماید * الصوم ضیاء و الصلوة نور * .

ملائکة

مأخذ « ملائکة » در قرآن کریم (۱) سوره بقره آیه ۲/۲۱۰ قوله تعالى : " هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ " ؛
 (۲) سوره بقره آیه ۲/۳۰ قوله تعالى : " وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً " ؛
 (۳) در موضعی پیغام آورندگان خدا ذکر شده است ، در سوره حجر آیه ۸ / ۱۵ میفرماید قوله تعالى :
 " مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ " ؛ (۴) و در موضع دیگری ملائکة بعنوان رسانندگان وحی ذکر شده است ؛ سوره فاطر آیه ۳۵/۱ قوله تعالى : " الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ " ؛ (۵) و نیز در سوره نحل آیه ۱۶/۲ ، رسانندگان وحی از طرف خدا " يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ " .
 تأویل ملائکة در معارف مذاهب شیعه و سنی چون اعتقادات مذاهب سنی و شیعه در باره وجود فرشتگان خارج از بحث متشابهات است و اقوال و احادیث در این

ص ۴۰۲

موضوع خارج از حوصله و موضوع این رساله است به ذکر چند نمونه از آیات قرآن کریم در باره ملائکة و یک تفسیر اکتفا میگردد .
 تفسیر منهج الصادقین تفسیر آیه ۲/۳۰ سوره بقره در تفسیر منهج الصادقین که مشابه تفسیر بیضاوی است به این شرح است ۳۸ : " و ملائکة جمع ملائکة
 است بنا بر اصل ، زیرا که آن اصل ملک است که بجهت کثرت استعمال تخفیف همزه کرده اند ، مانند شمائل که جمع (شمال) است که بعد از تخفیف شمال شده . و « تا » برای تأنیث جمع است . و ملائکة مقلوب مآلک است مأخوذ از ألؤکة که بمعنی رسالتست ، زیرا

که ملائکه واسطه اند میان حق تعالی و مردمان ، پس ایشان رسل الله اند نسبت
 بانبیا، و در حکم رسل الله نسبت بباقی مردمان . و عقلا را در حقیقت ایشان
 اختلافست بعد از اتفاق علما برآنکه ذوات موجوده اند قائم بانفسها پس اکثر اهل
 اسلام برآنند که اجسام لطیفه اند که قادرند برتشکل باشکال مختلفه . و استدلال
 بر این آنست که انبیاء مرسل ایشان را باین اشکال میدیده اند . و طائفه از نصاری
 گفته اند که آنها نفوس فاضله بشریه اند که مفارق باشد از ابدان . و زعم حکماء
 آنست که جواهر مجردة اند که در حقیقت مخالف نفوس ناطقه اند ... "

سایر منابع تحقیق- برای مزید اطلاع رجوع کنید به الراح تبیینی حضرت عبدالبهاء
 و کتب تفسیر قرآن و البیان فی غریب القرآن جلد اول ، تالیف ابوالبرکات بن الانباری
 و بحار الانوار مجلسی و تحقیق فاضل جلیل القدر جناب اشراق خاوری در قاموس
 ایقان جلد چهارم صفحه ۱۵۲۰.

تأویل ((ملائکه)) در آثار قلم اعلیٰ (۱) در ایقان شریف نازل قوله الاعلیٰ ۲۹ :

"مقصود از این ملائکه آن نفوسی هستند که بقوه روحانیه صفات بشریه را بنار محبت
 الهی سوختند * و بصفات عالین و کروبیین متّصف گشتند * " " باری چون این وجودات
 قدسیّه از عوارض بشریه پاک و مقدّس گشتند * و متخلّق باخلاق روحانیین و متّصف باوصاف
 مقدّسین شدند لهذا اسم ملائکه بر آن نفوس مقدّسه اطلاق گشته * باری اینست معنی این
 کلمات که هر فقره آن بایات واضحه و دلیلهای متقنه و براهین لائحہ اظهار شد * "

ص ۴۰۳

«جنت» - «بهشت» - «نار» - «جهنم»

ماخذ جنت نار در کتب ادیان قبل در قرآن بعنوان نمونه (۱) سوره بقره آیه ۲/۲۵ قوله تعالی :
 " وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ
 رَزَقُوا " (۲) قرآن کریم سوره فجر آیه ۸۹/۲۳ قوله تعالی : " وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى
 لَهُ الذِّكْرَى " .

تأویل «جنت» - «نار» در آثار قلم اعلیٰ

جنت (۱) در کلمات مکنونه عربی نازل قوله الاعلیٰ ۱۰ : " يَا ابْنَ الْوُجُودِ رِضْوَانُكَ حُبِّي

وَجَنَّتْكَ وَصَلِيَّ " ۰ (۲) در لوحی نازل قوله الاعلیٰ ۳۰ : " واما الجنة حق لا ريب فيه و هي اليوم في هذا العالم حبّی و رضائی و من فاز به لينصره الله في الدنيا و بعد الموت يدخله في جنة عرضها كعرض السموات و الارض و يخدمه حوريات العزو التقديس في كلّ بكور و اصیل و يستشرق عليه في كل حين شمس جمال ربّه " (۳) و نیز مراجعه کنید به تاویل مبارک در مقصود از " صراط " .

ابن

مأخذ «ابن» در کتب ادیان قبل

۱ . کتب عهد عتیق : حزقیال نبی : باب ۱۲ ، شماره های ۲ و ۱۷ و ۲۱ و ۲۶ و باب ۱۳ شماره ۲ .

۲ . کتب عهد جدید : انجیل : (۱) بمعنب عام ، متی ۳۷ : ۱۳ . (۲) به معنی خاص ، متی ۳۰ و ۲۷ و ۲۴ . (۳) در رساله اول پطرس رسول باب ۵ شماره ۱۴ : " و پسر من مرقس بشما سلام میرساند " .

تاویل «ابن» در آثار قلم اعلیٰ ۳۱ : " حق در کتب قبل جمیع عباد را ابن خود خوانده " .

ص ۴۰۴

موت - حیات

مأخذ «موت - حیات» در کتب ادیان قبل فاضل جلیل القدر عبد الحمید اشراق خاوری در قاموس ایقان جلد اول صفحه ۶۲۸ فصلی را به این مسئله اختصاص داده و در آن نمونه هایی از کتب عهد جدید و آیات قرآن کریم را درج فرموده است که مطالعه آن برای آگاهی باقوال نصاری و مسلمین بسیار سودمند است . در این قسمت به ذکر دو نمونه از تورات و انجیل یوحنا قناعت میگردد . (۱) در تورات در سفر تثئیه باب ۲۰ شماره ۱۵ مذکور : " بین امروز حیات و نیکوئی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم " . (۲) در باب ۵ شماره ۲۴ انجیل یوحنا حضرت مسیح فرمود : " امین امین بشما میگویم که ساعتی میاید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را میشنوند و هر که بشنود زنده گردد * " .

۱ . کتب عهد جدید : (۱) متی ۲۲ - ۲۱ ، ۸ ، (۲) لوقا : ۶۰ - ۵۹ : ۹ ، (۳) رساله اول یوحنا ۱۴ : ۳ . (۴) رساله بولس به افسسیان ۲ - ۱ : ۲ .

۲. در قرآن کریم : سوره بقره آیه ۲/۲۷ " **كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** " . و نیز در سوره آل عمران آیه ۳/۲۷ .

تأویل « موت – حیات » در آثار قلم اعلیٰ در ایقان شریف موت و حیات مذکوره در

کتب قبل را که از امهات متشابهات در انجیل و قرآن کریم است به این شرح تاویل فرموده اند قوله الاعلیٰ ۳۲ : " و همچنین هرکس از جام حب نصیب برداشت از بحر فیوضات سرمدیه و غمام رحمت ابدیه حیات باقیه ابدیه ایمانیه یافت * و هر نفسیکه قبول ننمود بموت دائمی مبتلا شد * و مقصود از موت و حیات که در کتب مذکور است موت و حیات ایمانیست " .

برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به سایر الواح قلم اعلیٰ و الواح تبیینی حضرت عبدالبهاء در مکاتیب و نیز مجلدات مائده آسمانی .

ص ۴۰۵

« رزق » – « مائده » – « طعام »

مأخذ « رزق » – « مائده » – « طعام » در قرآن کریم (۱) سوره مؤمن (غافر) آیه ۴۰/۱۳ : " هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا " .

سوره مائده آیه های ۱۱۲ و ۵/۱۱۴ " (۵/۱۱۲) **إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** " (۵/۱۱۴) **قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ** " ، طعام : سوره آل عمران آیه ۳/۹۳ . **"كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** "

تأویل « رزق – مائده – طعام » در آثار قلم اعلیٰ (۱) در ایقان شریف تاویل به

آیات و کلمات الهیه گردیده است ، قوله الاعلیٰ ۳۳ : " قدری در آن سوره مبارکه

تامل فرمائید و بفطرت اصلیه تدبر نمائید * تا قدری بر بدائع امور انبیاء ورد و

تکذیب کلمات نفی اطلاع یابید * شاید که ناس را از موطن غفلت نفسانیه بآشیان

وحدت و معرفت الهیه پرواز دهید * و از زلال حکمت لایزال * و اثمار شجره علم ذی

الجلال بیاشامید و مرزوق گردید * اینست نصیب انفس مجرد از مائده منزله قدسیه

باقیه " . (۲) و نیز در ایقان شریف در مقدمه تأویل متشابهات آیات انجیل سماوی و

قرآن کریم ، کشف اسرار مستوره در آن آیات الهی را بر اهل عالم به طعام الهی که روح انسانی بآن حیات باقیه می یابد بیان فرموده اند . و نیز آیه مذکوره در سوره مائده را برای تاکید در ادای حق مطلب نقل میفرمایند ، در این بیان مبارک ، یکی از اصول و مبادی روحانی امر بهائی که تداوم نزول وحی و ارسال رسل از جانب خدای متعال است نیز بوضوح بیان گردیده است ، قوله الاعلیٰ ۳۴ : " و اینمظلوم یک فقره آن را ذکر مینمایم * و نعمتهای مکنونه سدره مخزونه را لوجه الله بر عباد الله مبذول میدارم تا هیاکل فانیه از اثمار باقیه محروم نمانند که شاید برشعی از انهار بیزوال حضرت ذی الجلال که در دارالسلام بغداد جاری شده فائز شوند بی آنکه اجر و مزدی طلب نمایم * (إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا) (سوره الانسان ۷۶/۹) و این طعامی است که ارواح و افتده منیره باو حیات باقیه یابند * و این همان مائده ایست که میفرماید * " رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ " (۵/۱۱۴) * و این مائده هرگز از اهلش مقطوع نشود * و نفاد نجوید * و در کل حین از شجره

ص ۴۰۶

فضل میروید و از سماوات رحمت و عدل نازل میشود * " (برای مزید اطلاع مراجعه کنید به قاموس ایقان جلد ۳ صفحه ۱۴۳۰) .
در لوحی نازل قوله الاعلیٰ ۳۵ : " مِنْ أَثْمَارِ شَجَرَةٍ كَانَتْ تَنْتَبِهُ فَأَطْعَمْنِي يَا رَجَائِي ... وَبِرُوحِ الْقُوَّةِ وَالْقُدْرَةِ فَأَحْيِنِي يَا رَازِقِي " .
در لوح کل الطعام بیانات مبارکه در باره طعام به تفصیل نازل گردیده است . برای نمونه دو فقره از لوح مبارک مقصود از طعام نازله در آیه ۳/۹۳ سوره آل عمران را بیان فرموده اند قوله العزیز ۳۶ : " فاعرف بان المقصود من الطعام فی تلك الايام التي كانت الشمس طالعة فی وسط السماء ويستضيئ سراج الازلیه فی مصباح العماء ما یكون الا معرفة صاحب الامر " (برای تفصیل مراجعه کنید به بیانات مبارکه در لوح کل الطعام مندرج در مائده آسمانی جلد چهارم ص ۴۴۲ طبع طهران) .

یوم خمسين الف سنة

مأخذ « یوم خمسين الف سنة » در اسلام

۱ . قرآن کریم ، سوره المعارج آیه ۷۰/۴ قوله تعالیٰ : " تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ " .

۲ . در کتاب حدیث سنن ابی داود جلد ۴ ، کتاب الملاحم ، باب قیام الساعة . حدیث شماره ۴۳۵۰ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ((إِنِّي لَا أَرْجُوا أَنْ لَا تَعْجَزَ أُمَّتِي عِنْدَ رَبِّهَا أَنْ يُؤْخِرَهُمْ نِصْفَ يَوْمٍ)) قيل لسعد : وكم نصف ذلك اليوم ؟ قال : خمس مائة سنة .

تأویل «یوم خمسين الف سنة» در آثار قلم اعلیٰ

در لوحی نازل قوله جل کبريائه ۳۷ : "هَذَا لَطْهُورٌ يُظْهِرُ نَفْسَهُ فَيَكُلُّ خَمْسِمِائَةَ أَلْفِ سَنَةٍ مَرَّةً وَاحِدَةً" - در کتاب بدیع صفحه ۲۲۳ تأویل آنرا فرموده اند مراجعه فرمائید - و نیز این آیه توسط قلم احلای حضرت عبدالبهاء تأویل گردیده است ، در لوحی

ص ۴۰۷

میفرمایند قوله الاحلی ۳۸ : " و اما در آیه فرقان فی یوم کان مقدار الف سنة مقصد آنست که امور عظیمه و وقایع کلیه و حوادث بینهایه که ظهور و اجرایش منوط بمدت خمسين الف سنة است در آن یوم واحد مجری گردد اینست که در مقام دیگر در لمح بصر میفرماید و مقصود از این آیه یوم ظهور جمال ابهاست که بمقدار خمسين الف سنة است نه خمسين الف سنة چنانکه گفته میشود یکساعت فراق مقدار هزار سال است " .

لقاء الله

ماخذ « لقاء الله » در کتب ادیان قبل

کتب عهد عتیق (۱) ملاکی نبی ۲ و ۱ : ۳ " (۱) اینک من رسول خود را خواهم فرستاد و او طریق را پیش روی من مهیا خواهد ساخت و خداوندیکه شما طالب او میباشید ناگهان بهیکل خود خواهد آمد یعنی آن رسول عهدیکه شما از آن مسرور میباشید هان او میاید ، قول یهوه صبايوت این است * (۲) اما کیست که روز آمدن او را متحمل تواند شد و کیست که در حین ظهور وی تواند ایستاد که او مثل آتش قالگر و مانند صابون کازران خواهد بود *

انجیل (۱) انجیل متی ۳۹ : ۲۳ : " زیرا بشما میگویم از این پس مرا نخواهید دید تا بگوئید مبارک است او که بنام خداوند میاید " (۲) انجیل متی ۵:۸ : " خوشا بحال یک دلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید " * (۳) رساله دوم پطرس رسول ۱۲ : ۳ : " و آمدن روز خدا را انتظار بکشید " .

قرآن کریم سوره بقره آیه ۲/۲۱۰ قوله تعالى: "هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ".

سوره قیامت ۲۲-۷۵/۲۳: "(۲۲) وَجْهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ (۲۳) إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ"

سوره بقره آیه ۲/۴۶: "الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلاقُوا رَبِّهِمْ".

سوره های: کهف آیه ۱۸/۱۱۰، عنکبوت آیه ۲۹/۲۳، فصلت سجده آیه ۴۱/۵۴، انعام آیه ۶/۳۱.

ص ۴۰۸

خلاصه نظرات مفسرین سنی و شیعه در تفسیر آیه ۲/۲۱۰ سوره بقره

تفسیر علمای مذهب شیعه

۱. تفسیر منهج الصادقین (ملافتح الله کاشانی) ۳۹: (إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ) مگر آنکه بیايد بدیشان خدا

، یعنی عذاب او یا امر او کفوله (أَوْ يَأْتِي أَمْرُ رَبِّكَ). قرآن: سوره انعام آیه ۶/۱۵۸ – سوره نحل ۱۶/۳۳.

۲. تفسیر ابوالفتح رازی ۴۰: چون حرکت و سکون از ملزومات لوازم جسمانی است و

بطلان بر تجسم بودن خداوند واضح است بنا بر این بحکم عقل یاتی که در حق واجب

الوجود (الله) آمده بایستی آنرا معنائی کرد که شایسته الهت باشد.

۳. تفسیر صافی (ملا محسن فیض کاشانی) ۴۱: یاتیههم الله در یک مورد تفسیر بر

نزول امرالله شده است فی الظلل من الغمام.

تفسیر علمای سنی و متکلمین اشعری و معتزله

تفسیر کبیر (فخرالدین رازی) ۴۲: ترجمه خلاصه از نظرات مفسر که معتقد است در

میان مفسرین قرآن و متکلمین اسلام در تفسیر لقاء الله اتفاق آرائی نیست. روس

اقوال و وجوه آنرا به این شرح بیان نموده است:

۱. در تاویل این آیه بایستی سکوت کرد.

۲. در اینکه مراد از "هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ" ای آیات الله یعنی مراد آیات الهی است.

۳. در اینکه مقصود از تاویل آیه "هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ" ای امرالله یعنی مراد امر الهی است.

۴. وجهی دیگر وعده عذاب و حساب است.

۵. مقصود از آیه حکایت قوم یهود است و معنی آیه آنست که آنان اقبال نمی آورند

دین توراً مگر آنکه بیايد خداوند در ظلل و الغمام.

ص ۴۰۹

خلاصه عقائد محدثین ، علماء و متکلمین اسلام در ((لقاء الله)) و وعده رویت در قرآن کریم

عقائد مذهب شیعه امامیه در رویت خداوند

- ۱ . در اصول کافی جلد اول ۴۳ ، کتاب التوحید در " بَابُ فِي إِبْطَالِ الرَّؤْيَةِ " احادیث ماثوره از ائمه علیهما سلام در ابطال دیدن بچشم ظاهری را نقل نموده است .
- ۲ . خلاصه مندرجات شارح (فاضل مقداد) باب حادی عشر (از تالیفات علامه حلی) بشرح ذیل است ۴۴ :

- الف ، متکلمین معتزله و حکمای اسلام رویت ظاهری خداوند را محال میدانند .
 - ب . فرقه مجسمه و گرامیه رویت ظاهری و با دیده عنصری را جایز میدانند و آنهم بصورت مواجهه .
 - ج ، متکلمین اشاعره معتقد به تجرد خداوند هستند ولی میگویند رویت صحیح است .
 - د ، جمیع عقلا در رویت به بصر ظاهری مخالفت کرده اند .
- برای تفصیل بیشتر مراجعه کنید به مراجع ذیل :
- (۲) کتاب اسرار التوحید تالیف شیخ صدوق در باب الرد علی الثنویة و الزنادقة ،
- (۲) باب حادی عشر علامه حلی و شرح آن بنام النافع یوم الحشر لمقداد بن عبدالله سیوری ، (۳) فص ۵۸ از فصوص الحکم ابو نصر فارابی و شرح آن در کتاب حکمت الهی تالیف مهدی الهی قمشه .

خلاصه عقائد مذهب سنی در دیدن خداوند و تفسیر و تاویل آیات رویت و اختلاف عقائد

- ۱ . اثبات رویت ظاهری خداوند : در کتاب صحیح مسلم (بشرح النووی) عقائد علمای اسلام را در مسئله رویت بیان نموده و در باره آیه ۱۳ / ۵۳ سوره نجم به این شرح نوشته شده ۴۵ : " وَلَقَدْ رَأَوْا نَزْلَةَ أُخْرَى " در عنوان بحثی ((و هل رای النبی صلی الله علیه و سلم ربه ليلة الاسراء)) اختلافات در میان علمای اسلام را به این شرح بیان نموده است :

ص ۴۱۰

اختلاف السلف و الخلف هل رای نبیئنا صلی الله علیه و سلم ربه ليلة الاسراء فانكرته عائشة رضی الله عنها كما وقع هنا فی صحیح مسلم و جاء مثله عن ابی هريرة

و جماعة و هو المشهور عن ابن مسعود و اليه ذهب جماعة من المحدثين و المتكلمين و روى عن ابن عباس رضى الله عنهما أنه رآه بعينه و مثله عن أبي ذر و كعب رضى الله عنهما ... عند اكثر العلماء أن رسول الله صلى الله عليه و سلم رأى ربه بعيني راسه ليلة الاسراء لحديث ابن عباس و غيره ... " و نیز در باب اثبات روية المومنين فى الآخرة لربهم شارح ميگويد (همان ماخذ صفحه ۱۵) : " اعلم أن مذهب أهل السنة باجمعهم أن روية الله تعالى ممكنة غير مستحيلة عقلا و أجمعوا ايضاً على وقوعها فى الآخرة و أن المؤمنين يرون الله تعالى دون الكافرين و زعمت طائفة من اهل البدع المعتزلة و الخوارج و بعض المرجئة أن الله تعالى لا يراه أحد من خلقه و أن رويته مستحيلة عقلا و هذا الذى قالوه خطأ صريح و جهل قبيح ... " .

۲ . جواز رويت ظاهرى خداوند در قيامت ، در فقه الاكبر ابى حنيفة از علمای طراز اول مذهب سنى ۴۶ : " والله تعالى يرى فى الآخرة و يراه المؤمنون و هم فى الجنة باعين رؤسهم بلا تشبيه و لا كيفية و لا يكون بينه و بين خلقه مسافة " .

برای مزيد اطلاع مراجعه كنيد به شرح كتاب الفقه الاكبر ، تاليف ملا علي قارى الحنفي .

تأويل « لقاء الله » در آثار قلم اعلى و حضرت ربّ اعلى و الواح تبينى حضرت عبدالبهاء

مسئله لقاء الله ، در معارف امر بهائى از امّهات مسائل در اصول و مبادى در امر بهائى است و دليلش اينست كه در الواح مباركه نازل از اقلام وحى حضرت ربّ اعلى و جمال اقدس ابهى و نیز در الواح تبينى مركز ميثاق امر الله حضرت عبدالبهاء روحى لاحبائه الفداء ، لقاء الله مذكوره در كتب اديان سلف عموماً و در آيات قرآن كريم خصوصاً تأويل و تفسير و تبين گردیده است و برطبق نصوص و آيات نازل ، تأويلات و تبينات در

ص ۴۱۱

معنى و مقصد حقيقى از لقاء الله از جمله اساس اعتقادات امر مقدس بهائى در معنى توحيد و ايمان به هريك از مظاهر مقدسه الهى در معنى و تاويل عام لقاء الله و نیز بشارت خاص به ظهور حضرت بهاء الله و حضرت رب اعلى در قرآن كريم است - در ايقان شريف در اهميت لقاء الله ميفرمايند قوله عز بيانه ۴۷ : " مثل آنكه در كتاب مبين ربّ العالمين بعد از ذكر ختميت فى قوله تعالى * " وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ * " جميع ناس را بلقاي خود وعده فرموده چنانچه آيات مدله بر لقاي آن ملك بقا در كتاب مذکور است و بعضى از قبل ذكر شده * و خداى واحد شاهد مقال است

که هیچ امری اعظم از لقاء اصرح از آن در فرقان ذکر نیافته " . نگارنده با اقرار به ناتوانی و عجز در طبقه بندی اصولی این قبیل از آثار مبارکه به قسمی که دارای مبانی علمی در تقدم و ترتيب مسائل مندرجه در الواح مبارکه بوده و شایسته اینکه مورد استفاده و بهره گیری خوانندگان عزیز و ارجمند قرار گیرد نیست . آنچه که در این تحقیق مختصر مورد نظر و مقصود بوده اینست که رؤس مسائل و نمونه هائی از الواح مبارکه در تأویل و مقصود از لقاء الله و اشارات به اقوال در ادیان سلف را در این مسئله استخراج و درج نماید .

تأویل لقاء الله در مسئله توحید

در آثار حضرت ربّ اعلی در کتاب مستطاب بیان الباب السابع من الواحد الثالث نازل قوله الاعلی : " ذات ازل بذاته لن یدرک و لن ینعت و لم یوحّد و لن یری بوده اگرچه کل باو ادراک و وصف کرده و نعت کرده و مجد کرده و دیده میشود و آنچه که در کتب سماویه ذکر لقاء او شده ذکر لقاء ظاهر بظهور اوست که مراد نقطه حقیقت که مشیت اولیه بوده و هست "

در آثار قلم اعلی (۱) در کتاب مستطاب ایقان نازل قوله الاعلی ۴۸ : " منتهی فیض الهی که برای عباد مقدر شده لقاء الله و عرفان اوست " . (۲) و ایضا در ایقان نازل قوله

ص ۴۱۲

الاعلی ۴۹ : " و همچنین از لقاء جمالی اوست در هیکل ظهور او " .

تأویل « لقاء الله » در معنی خاص آن که ایمان به حضرت بهاء الله جلّ جلاله است

در آثار حضرت ربّ اعلی (۱) در کتاب مستطاب بیان فارسی در اباب السامع من الواحد الثالث نازل قوله الاعلی : " هرکس لقاء من یتظهره الله را درک نماید لقاء الله را درک کرده و فائز بلقاء رب شده " . (۲) و نیز در کتاب مستطاب بیان در آغاز همان باب نازل قوله الاعلی : " قد نزل الله من ذکر لقاءه او لقاء الرب انما المراد به من یتظهره الله لان الله لا یری بذاته " . (۳) در توقیع مبارک در سؤال از «من یتظهره الله» خطاب به ملا باقر حرف حیّ نازل

و از متن توقیع مبارک بوضوح مشاهده میشود که « لقاء الله » بمعنی خاص آنرا که اشاره به "فی ثمانیة سنة" بیان فرموده اند قوله الاعلی ۵۰ : " الی قوله تعالی " لَعَلَّكَ فی ثمانیة سنة یوم ظهوره تُدرک لقاء الله ان لم تُدرک اوله تُدرک اخره " .

در آثار قلم اعلیٰ (۱) در لوحی نازل قوله الاعلیٰ ۵۱ : " و الَّذِیْ اَقْبَلَ اَنْهَ مِمَّنْ فَازَ بِلِقَاءِ اللّٰهِ وَ الَّذِیْ اَعْرَضَ مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ فِیْ کِتَابِ رَبِّکَ الْعَزِیْزِ الْمَخْتَارِ " .

(۲) در زیارتنامه است قوله الاعلیٰ ۵۲ : " وَ اَشْهَدُ بِاَنَّ مَنْ عَرَفَكَ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهَ وَ مَنْ فَازَ بِلِقَائِكَ فَقَدْ فَازَ بِلِقَاءِ اللّٰهِ " . (۳) در لوح شیخ محمد تقی ، لقاء الله تأویل به لقاء مظهر ظهور امر جدید گردیده است قوله الاعلیٰ : " قدری در آیات لقاء که از مالک ملکوت اسماء در فرقان نازل شده تفکر نما شاید راه مستقیم را بیابی و سبب و علت هدایت خلق شوی * " و مقصود از این لقاء لقاء مشرق آیات و مطلع بینات و مظهر اسماء حسنی و مصدر صفات علیای حق جلّ جلاله است ، حق بذاته و بنفسه غیب منیع لایدرک بوده ، پس مقصود از لقاء لقاء نفسی است که قائم مقام اوست مابین عباد و از برای او هم شبه و مثلی نبوده و نیست چه اگر از برای او شبه و مثلی مشاهده شود کیف یثبت تقدیس ذاته و تنزیه کینونته عن الاشیاء و الامثال * " .

در الواح حضرت عبدالبهاء بنظر میرسد که حضرت عبدالبهاء در لوحی مسئله لقاء الله و آیات منقوله از قرآن در لوح شیخ محمد نجفی از قلم اعلیٰ را در لوحی با

ص ۴۱۳

روشی بدیع و بتفصیل تبیین و تشریح فرموده اند . مندرجات این لوح منیع حاوی استدلالات کلامی و نقلی است و در مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول لوح با مطلع (هوالابهی) صفحه ۱۰۲ و ۱۰۳ به بعد درج گردیده است " الحمد لله الذی تجلی فی ... اعلم ان الرؤیة فی یوم الله... " . نگارنده با عدم بضاعت ، تحقیق در این لوح مبارک را در رساله " نافه مکنون " در حدّ مقدور عقاید عدّه از علمای مذاهب شیعه و سنّی و متکلمین هر فرقه را جمع آوری نموده و طالبین میتوانند به آن اثر مراجعه فرمایند .

چند نمونه از الواحی که در آن ذکر لقاء الله و مقصود از آن بیان گردیده است

عبارتند از : کتاب مستطاب بیان : ایقان ، لوح شیخ محمد تقی نجفی ، لوح مدینه التوحید .

ایام الله

ماخذ « ایام الله » در کتب ادیان مقدّسه قبل

در کتب عهد عتیق : (۱) سفر تثئیه ۲۰ : ۳۰ " تا یهوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و با او ملصق شوی * " . (۲) مزامیر داود مزمور ۷ : ۳۷ " نزد

خداوند ساکت شو و منتظر او باش * " . (۳) مزامیر داود مزمور ۱۴ : ۳۷ " برای خداوند منتظر باش و قوی شو ، و دلت را تقویت خواهد داد . بلی منتظر خداوند باش * " (۴) ملاکی نبی ۵ : ۴ " اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد * " **در انجیل** : انجیل متی ۸ : ۵ " خوشا بحال پاک دلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید "

قرآن کریم سوره ابراهیم آیه ۵ : " وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ " - سوره جاثیه آیه ۱۳/۴۵ : " قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ " .

تاویل مفسرین اهل سنت در تفسیر کشاف زمخشری بنقل از متکلمین معتزله و علمای معتبر اسلام در ذیل «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ» اینطور تفسیر شده است : " و اندرهم بوقائعه التي وقعت على الامم قبلهم " ، سایر مفسرین نیز تاویلات و تعبیرات مشابهی را در کتب تفسیر خود نوشته اند .

ص ۴۱۴

تاویل مفسرین مذهب شیعه شیخ صدوق علیه رحمه از علمای بزرگ و معتبر شیعه در کتاب معانی الاخبار صفحه ۳۶۵ " باب معنی ایام الله عز وجل " خبری از حضرت صادق ص نقل نموده که مقصود از «ایام الله» روز قیامت و روز قیام حضرت قائم و یوم الکرة است : "حدثنا ابي - رحمة الله - قال : حدثنا عبدالله بن جعفر الحميري ، قال : حدثنا ابراهيم بن هاشم ، عن محمد بن ابي عمير ، عن مثنى الحنّاط ، عن جعفر بن محمد ، عن ابيه عليهما سلام قال : ايّام الله عز وجل ثلاثة : يوم يقوم القائم و يوم الكرة ، و يوم القيامة ."

تاویل « ایام الله » در آثار قلم اعلیٰ

(۱) در لوحی نازل قوله الاعلیٰ ۵۳ : " یا قوم یوم یوم الله است و امر امر او بقطره از بحر ممنوع نشوید " . و در لوحی دیگر نازل قوله الاعلیٰ ۵۴ : " امروز یوم الله است و حق وحده در او ناطق " .

«سما» - «سموات»

مأخذ «سما» در کتب ادیان مقدّسه قبل لفظ آسمان در کتب مقدسه قبل بکثرت آمده است و در اینجا به چند نمونه اکتفا میشود .

۱. انجیل : در اناجیل اربعه ذکر سماء بکثرت استعمال شده است . برای نمونه در

انجیل متی ۲۵ و ۳۰ و ۲۹ : ۲۴ و ۲۲ : ۲۳

۲. قرآن کریم : مندرجات آیات نازلہ در قرآن کریم نشان میدهد کہ " سماء " و

" سموات " به معنی ظاهری کہ همان " سماء " (آسمان) ظاهره است و نیز آیاتی کہ در آن " سماء " دارای معنی به باطن و یا به عبارتی از متشابهات مفهوم میگردد .

نمونه هائی از این قبیل از آیات شریفه آورده میشود : سوره انفطار ، آیه ۸۲/۱ ؛ سوره نباء ،

آیه ۷۸ / ۳۷ : رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ؛ سوره تکویر ، آیه ۸۱/۱۱ : " وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ " .

ص ۴۱۵

(ترجمه : و آنگاه کہ آسمان کنده شود) ، سوره غاشیه آیه ۸۸/۱۸ : " وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ " .

(ترجمه : و بسوی آسمان کہ چگونه بلند گردانیده شده) ، سوره سبا آیه ۳۴/۲۴ : " قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ " . (ترجمه : بگو کیست کہ روزی میدهد شما را از آسمان ها و زمین .

تأویل « سماء » در آثار قلم اعلیٰ در ایقان مبارک ، لفظ سماء را باین شرح

معنی فرموده اند قوله جل بیانه ۵۵ : " و لفظ سماء در بیانات شמוש معانی بر مراتب

کثیره اطلاق میشود * مثلاً سماء امر و سماء مشیت و سماء اراده و سماء عرفان و

سماء ایقان و سماء تبیان و سماء ظهور و سماء بطون و امثال آن * و در هر مقام از

لفظ سماء معنی اراده میفرماید کہ غیر از واقفین اسرار احدیه و شاربین کاوس

ازلیه احدی ادراک ننماید " - این نوع از الفاظ را " کلمات مرموزه " و " اشارات

مُلفَزه " برای امتحان عباد بیان فرموده اند . و در تأویل آیه ۳۹/۶۷ سوره الزمر ،

مقصود از ارض را " ارض علم و معرفت " و سموات را " سموات ادیان " تأویل فرموده اند

، قوله جل بیانه ۵۶ : " و دیگر معنی این آیه را ادراک نما کہ میفرماید * " وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ " .

* مضمون آن اینست کہ همه زمین اخذ شده در دست اوست روز قیامت * و اسمان پیچیده

شده در دست راست اوست * حال قدری انصاف میخواهد کہ اگر مقصود اینست کہ مردم

ادراک نموده اند چه حسن بر آن مرتب میشود * وانگهی این مسلم است کہ حق منبع دستی

کہ مرئی شود ببصر ظاهر و مرتکب این امورات شود منسوب بذات نیست بلکه کفریست محض

و افکی است صرف اقرار بر چنین امری * و اگر بگوئی مظاهر امر او هستند کہ در

قیامت باین امر مامور میشوند اینهم بغایت بعید است و بیفایده بلکه مقصود از ارض

ارض معرفت و علم است * و از سموات سموات ادیان * ... و همچنین ملاحظه کن که
سموات ادیان مرتفعه در قبل چگونه در یمین قدرت پیچیده شد * و سماء بیان بامرالله مرتفع گشت *

ص ۴۱۶

«ضیق» - «تنگی»

مأخذ «ضیق» - «تنگی» در انجیل

انجیل متی ۲۹ : ۲۴ "و حالاً بَعْدَ الضَّيْقَةِ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ ، تَظْلِمُ الشَّمْسُ ، وَ يَحْجُبُ الْقَمَرُ ضَوْءَهُ ، وَ تَتَهَاوَى النُّجُومُ مِنَ السَّمَاءِ ، " (ترجمه عربی) " و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند " (ترجمه فارسی)

تأویل «ضیق» - «تنگی» در آثار قلم اعلی در ایقان در تاویل آیات فوق نازل قوله

جل بیان ۵۷ : " یعنی وقتی که ناس در سختی و تنگی مبتلا شوند * و این در وقتی است که آثار شمس حقیقت و اثمار سدره علم و حکمت از میان مردم زائل شود * و زمام نفس بدست جهال افتد * و ابواب توحید و معرفت که مقصود اصلی از خلق انسانی است مسدود شود * و علم بظن تبدیل گردد * و هدایت بشقاوت راجع شود * چنانچه الیوم مشاهده میشود که زمام هر گروهی بدست جاهلی افتاده * و بهر نحو که اراده کنند حرکت میدهند * " " باری مقصود از ضیق ضیق از معارف و ادراک کلمات ربانیه است که در ایام غروب شمس و مرایای او عباد در تنگی و سختی افتند * و ندانند بکه توجه نمایند * " .
تأویل آیات فوق الذکر به امر جدید در لوحی نازل قوله الاعلی ۵۸ : " قد خسف قمر العلوم اذ اتی القيوم راکباً علی السحاب " .

«ابر» «غمام»

مأخذ «ابر» - «غمام» در کتب ادیان مقدسه قبل

(۱) انجیل متی ۳۰ : ۲۴ "و يَرَوْنَ ابْنَ الْإِنْسَانِ آتِياً عَلَى سَحَابٍ بِقُدْرَةٍ وَ مَجْدٍ عَظِيمٍ" .

ص ۴۱۷

(۲) انجیل مرقس باب ۱۳ : " (۲۳) اینک از همه امور شما را از پیش خبر دادم * (۲۴) و در آنروزهای بعد از آن مصیبت خورشید تاریک گردد و ماه نور خود را باز گیرد *

(۲۵) و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوای افلاک متزلزل خواهد گشت * (۲۶)
 آنگاه پسرانسان را ببینند که با قوت و جلال عظیم بر ارها میاید * (۲۷) در آنوقت
 فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد * " .
 (۳) قرآن کریم سوره بقره آیه ۲/۲۱۰ قوله تعالى : " هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ
 وَالْمَلَائِكَةُ وَفُضِي الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ " .

تأویل « ابر » - « غمام » در آثار قلم اعلیٰ در کتاب مستطاب ایقان تاویل سحاب و ابر
 و غمام نازل گردیده است قوله الاعلیٰ ۵۹ : " و اینکه میفرماید * (با ابر و غمام نازل میشود) *
 مقصود از ابر آن اموری است که مخالف نفس و هوای ناس است ... مثلاً
 از قبیل تغییر احکام و تبدیل شرائع و ارتفاع قواعد و رسوم عادیه و تقدم مومنین
 از عوام بر معرضین از علماء * و همچنین ظهور آن جمال ازلی بر حدودات بشریه از
 اکل و شرب و فقر و غنا و عزت و ذلت و نوم و یقظه و امثال آن از آنچیزهاییکه مردم
 را بشبهه میاندازد و منع مینماید * همه این حجابات بغمام تعبیر شده * "

ارض - تبدیل ارض

مأخذ « ارض » «تبدیل ارض» در کتب ادیان مقدسه قبل
 ارض (۱) سوره الزمر آیه ۶۷ / ۳۹ قوله تعالى : " وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ " . (۲) سوره ابراهیم آیه ۴۹ / ۱۴ قوله
 تعالى : " يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ "
 تبدیل ارض در ایقان مبارک میفرماید قوله الاعلیٰ ۶۰ : " و همچنین معنی تبدیل
 ارض را ادراک نما ... تبدیل شد اراضی آن قلوب بارض معرفت و حکمت * "
 تأویل « ارض » و « تبدیل ارض » در آثار قلم اعلیٰ در ایقان شریف معانی و مقصود

ص ۴۱۸

از ارض را تاویل فرموده اند قوله الاعلیٰ ۶۱ : " مقصود از ارض ارض معرفت و علم است * " .
« قیامت » « الساعة » « اشراط الساعة »

در الواح مبارکه به وفور در بیان ظهور جدید به " قیامت " ساعة " ، " اشراط الساعة "
 اشاره فرموده اند . و در آن بیانات سماوی سلطان قدم اشاراتی صریح به آیات

قرآنیه و احادیث اسلامی که در آن ذکر قیامت و ساعت شده است در اثبات ظهورین اعظمین آیاتی نازل فرموده اند که نمونه هائی از آنها در این قسمت آورده میشود .

قیامت و آخر زمان در کتب عهد جدید در رساله اول پطرس رسول بوضوح فهمیده میشود که مقصود از زمان آخر ظهور حضرت مسیح است باب اول : " (۱۸) زیرا میدانید که خریده شده اید از سیرت باطلی که از پدران خود یافته اید نه بچیزهای فانی مثل نقره و طلا * (۱۹) بلکه بخون گرانها چون بره بیعیب و بیداغ یعنی خون مسیح * (۲۰) که پیش از بنیاد عالم معین شد لکن در زمان آخر برای شما ظاهر گردید " .

ماخذ « قیامت » در قرآن کریم و معتقدات امت اسلام در بدو امر لازمست یاد آوری شود که معاد و قیامت از جمله اصول عقاید مسلمین است و انکار قیامت و معاد جسمانی بنا بر مندرجات کتب اصول در هر دو مذهب سنس و شیعه کفر گوئی است - نمونه هائی از آیات قرآن کریم که بنا بر عقیده مسلمین دلالت بر معاد جسمانی و روز قیامت دارد آیات ذیل اند : قرآن کریم سوره قیامت آیه ۱ و ۶/۷۵ : (۱) " لَا أَقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِيَامَةِ (۶) یَسْأَلُ آيَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ " .

اشراط الساعة در بحار الانوار مجلسی کتاب العدل و المعاد ، باب اشراط الساعة آیه ۱۵۸/۶ سوره انعام را از جمله اموری که در قیامت واقع میشود ذکر فرموده است ۶۲ :

"هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ" .

برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به همین باب

ص ۴۱۹

صفحات ۲۹۵ الی ۳۱۶ . در همین باب حدیث شماره ۹ از حضرت محمد ص نقل شده است ۶۳ :

فی خبر عبدالله بن سلام انه سأل النبی ص عن أول اشراط الساعة ، فقال : نار تحشر الناس من المشرق الى المغرب . و نیز در تفسیر ساعه ... " بنقل از تفسیر علی بن ابراهیم ساعه را قیامت و اشراط آن را نیز به این شرح تفسیر و نقل حدیث (شماره ۶) مفصلی از حضرت رسول اکرم نموده است که مندرجات آن با حوادث و وقایع ظهورین اعظمین قرابت کامل دارد ۶۴ : " فهل ينظرون إلا الساعة " یعنی القیامة " ان تاتيههم بغتة فقد جاء أشراطها " فإنه حدثني أبي ، عن سليمان بن مسلم الخشاب ، عن عبدالله بن جريح المكي ، عن عطاء بن ابي رباح ، عن عبدالله بن عباس قال : حججنا مع رسول الله ص حجة الوداع فأخذ باب الكعبة (في المصدر : بحلقه باب

(الكعبة) ثم أقبل علينا بوجهه فقال : ألا أخبركم بأشراط الساعة ؟ - وكان أدنى الناس منه يومئذ سلمان رضى الله عنه - فقال : بلى يا رسول الله ، فقال : أن من أشراط القيامة أضاعة الصلاة ، واتباع الشهوات . والميل مع الأهواء وتعظيم المال (فى المصدر : وتعليم اصحاب المال) ، وبيع الدين بالدنيا ، فعندها يذاب قلب المؤمن وجوفه كما يذوب الملح في الماء مما يرى من المنكر فلا يستطيع أن يغيره . قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان أن عندها أمراء جوراة ، ووزراء فسقة ، وعرفاء ظلمة ، وأمناء خونة ، فقال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده . يا سلمان إن عندها يكون المنكر معروفاً ، والمعروف منكراً ، وائتمن الخائن و يخون الأمين ، ويصدق الكاذب ، ويكذب الصادق ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

ياسلمان فعندها اماراة النساء والمشاورة الأماء ، وقعود الصبيان على المنابر ، ويكون الكذب طرفاً ، والزكاة مغرمًا ، والفيء مغنمًا ويجفو الرجل والديه ، ويبر صديقه ،

ص ٤٢٠

ويطلع الكوكب المذنب ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

يا سلمان وعندها تشارك المرأة زوجها فى التجارة ، ويكون المطر قيظاً ، ويغيظ الكرام غيظاً ، ...

ياسلمان : ان عندها يوتى بشيء من المشرق وشيء من المغرب يلوون أمتى (أى تختلف اخلاقهم ، فلا ترى فيهم الخلق الاسلامية) فالويل لضعفاء أمتى منهم ، والويل لهم من الله ، لا يرحمون صغيراً ، ولا يوقرون كبيراً ولا يتجاوزون عن مسيء ، اخبارهم خناء ، جثتهم جثة الآدميين وقلوبهم قلوب الشياطين ، قال سلمان : وإن هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

يا سلمان ، وعندها تكتفى الرجال بالرجال ، والنساء بالنساء ، ويغار على الغلمان كما يغار على الجارية فى بيت أهلها ، ويشبه الرجال بالنساء ، والنساء بالرجال ويركن ذوات الفروج السروج فعليه من أمتى لعنة الله ؛ قال سلمان : وإن هذا

لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

يا سلمان ان عندها تزخرف المساجد كما تزخرف البيع و الكنائس ، و يحلى المصاحف ، و تطول المنارات ، و تكثر الصفوف بقلوب متباغضة و السن مختلفه ؛ قال سلمان : و إنّ هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

و عندها تحلى ذكور امتى بالذهب ، و يلبسون الحرير و الديبا ، و يتخذون جلود النمر صفاقاً ؛ قال سلمان : و إنّ هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

يا سلمان و عندها يظهر الربا ، و يتعاملون بالغيبة و الرشاء ، و يوضع الدين ، و ترفع الدنيا ؛ قال سلمان : و إنّ هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

ص ٤٢١

يا سلمان و عندها يكثر الطلاق ، فلا يقام لله حدّ ، و لن يضر الله شيئاً ؛ قال سلمان : و إنّ هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

يا سلمان و عندها تظهر القينات و المعارف ، و يليهم أشرار أمتى ؛ قال سلمان : و إنّ هذا لكائن يا رسول الله ؟ قال : إي والذي نفسي بيده .

قيامت در كتب تفسير مذهب شيعه تاويل به آمدن رسول شده است

تاويل قيامت در كتب تفسير مذهب شيعه ٦٥ : در تفسير التبيان تأليف شيخ طوسی عليه رحمة در تفسير آیه ٤٧ / ١٠ سورة يونس " وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ " می نویسد : " اخبر الله تعالى في هذه الآية ان لكل جماعة دين واحد و طريقة واحدة كأمة محمد و امة موسى و عيسى عليهم السلام رسولاً بعثه الله اليهم و حملة الرسالة التي يؤديها اليهم ليقوم بأدائها ، و قوله " فاذا جاء رسولهم " يعنى يوم القيامة - في قول مجاهد — از تفسير شيخ طوسی بوضوح مفهوم ميشود كه آمدن رسول برای هر قومى را به " يعنى يوم القيامة " از قول مجاهد معنى فرموده است .

اشارات الساعة در کتب حدیث اهل سنت و جماعت در کتب ستة از قبیل صحیح بخاری و

صحیح مسلم و غیره ، احادیث ساعة و اشارات الساعة درج شده است برای نمونه چند حدیث که در باره اشارات الساعة از قول حضرت رسول اکرم نقل شده است از جلد سوم مسند تالیف امام احمد بن حنبل درج میشود :

حدیث شماره ۱۱۶۴۶ صفحه ۵۴۸ : حدثنا عبد الله ... عن أنس " أن عبد الله بن سلام أتى رسول الله ص مقدمه المدينة ، فقال : يا رسول الله إني سألك عن ثلاث خصال لا يعلمهن إلا نبي ؟ قال : سل ، قال : ما أول اشارات الساعة ؟ ... رسول الله : أخبرني بهن جبرئيل عليه السلام آنفاً ... قال : أما أول اشارات الساعة فنار تخرج من فتحش الناس الى المغرب " .

حدیث شماره ۱۲۱۱۸ صفحه ۶۲۰ : ... انس بن مالك قال : قال رسول الله ص : " من أشارات الساعة أن يرفع العلم ، ويثبت الجهل ، وتشرب الخمر ، ويظهر الزنا " .

ص ۴۲۲

حدیث شماره ۱۲۱۲۸ صفحه ۶۲۲ : حدثنا عبد الله ... عن أنس ، ان رسول الله ص قال : لا تقوم الساعة حتى يتباهى الناس فى المساجد " .

حدیث شماره ۱۲۳۰۴ صفحه ۴۶۸ : حدثنا عبد الله ... عن أنس " أن رجلا سأل رسول الله ص عن قيام الساعة ، و اقيمت الصلاة ، فلما قضى رسول الله ص صلاته قال : أين السائل عن الساعة ؟ فقال الرجل : ها أنا ذا يا رسول الله ، فقال : و ما أعددت لها فإنها قاتمة ، قال : ما أعددت لها من كبير عمل غير أني احب الله و رسوله ، قال : فأنت مع من أحببت " قال : فما فرح المسلمون بشيء بعد الاسلام أشد مما فرحوا به .

« قيامت » و « اشارات الساعة » در آثار قلم اعلی و حضرت ربّ اعلی

نمونه اول ، در کتاب مستطاب بیان نازل قوله الاعلی : " الباب السابع من الواحد الثانى فى بيان يوم القيامة مراد از يوم قيامت يوم ظهور شجره حقيقت است " .

نمونه دوم ، در ايقان شريف نازل قوله الاعلی ۶۶ : " و قيامت قيام آن حضرت بود بر امر الهی * " " و قيامت هم بدلائل واضحه ثابت و محقق شد كه مقصود قيام مظهر اوست بر امر او " .

نمونه سوم : در مناجاتی اشاره به قيامت ، ساعت و اشارات ساعت میفرمایند قوله

الاعلیٰ ۶۷ : " اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اَلْمُهَيْمِنُ عَلٰی الْاَسْمَاءِ وَ بِاَمْوَاجِ بَحْرِ رَحْمَتِكَ يَا فَاطِرَ السَّمَاءِ وَ بَكْتَابِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِي هَدَيْتَ بِهِ الْاُمَمَ وَ اَخْبَرْتَ فِيهِ عِبَادَكَ بِالْقِيَامَةِ وَ ظُهُورَاتِهَا وَ بِالْسَّاعَةِ وَ اَشْرَاطِهَا وَ جَعَلْتَهُ مُبَشِّرًا لِلْوَلِيِّكَ وَ مُنْذِرًا لِاَعْدَائِكَ "

« انفطار سماء » – « انشقاق سماء »

ماخذ « انفطار سماء » در کتب مقدسه ادیان قبل

- (۱) قرآن کریم سوره انفطار آیه ۸۲/۱ : " إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ "
- (۲) قرآن کریم سوره فرقان آیه ۲۵/۲۷ : " وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا "
- (۳) قرآن کریم سوره انشقاق آیه ۸۴/۱ : " إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ "

ص ۴۲۳

تأویل « انفطار سماء » – « انشقاق سماء » در آثار قلم اعلیٰ

در ایقان شریف در موضعی به انفطار سماء و انشقاق سماء اشاره فروده و آیات قرآن تاویل گردیده است .

تأویل آیه ۸۲/۱ سوره انفطار ۶۸ : " اینست که میفرماید " **إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ** " . مقصود سماء ادیانست که در هر ظهور مرتفع میشود * و بظهور بعد شکافته میگردد * یعنی باطل و منسوخ میشود * ۰۰۰ قدری تأمل فرمائید دینی که سالها مرتفع شده باشد * و جمیع در ظل آن نشو و نما نموده باشند * و باحکام مشرقه آن مدتها تربیت یافته * و از آباء و اجداد جز ذکر انرا نشنیده بقسمی که چشمها جز نفوذ امرش را ادراک نکرده * و گوشها جز احکامش را استماع ننموده * بعد نفسی ظاهر شود * و جمیع اینها را بقوت و قدرت الهی تفریق نماید و فصل کند * بلکه همه را نفی فرماید * .

تأویل آیه ۲۷ سوره فرقان : رجوع کنید به تأویل ابر و غمام – در ادامه تأویل ابر و غمام اشاره میفرمایند به آیه مذکوره قوله الاعلیٰ ۵۹ : " و اینکه میفرماید (باابر و غمام نازل میشود) مقصود از ابر آن اموری است که مخالف نفس و هوای ناس است ... مثلاً از قبیل تغییر احکام و تبدیل شرائع و ارتفاع قواعد و رسوم عادیه و تقدّم مومنین از عوام بر معرضین از علماء * و همچنین ظهور آن جمال ازلی بر حدودات بشریه از اکل و شرب و فقر و غنا و عزّت و ذلّت و نوم و یقظه و امثال آن

از آن چیزهایی که مردم را بشبهه میاندازد و منع مینماید * همه این حجبات بغمام
تعبیر شده * و اینست آن غمامی که سموات علم و عرفان کل من فی الارض بان میشکافد
و شق میگردد چنانچه میفرماید " **وَيَوْمَ تَشَقُّ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ** " .

اشاره بانفطار سماء در اعلان امر جدید در آثار قلم اعلیٰ

نمونه اول قوله عز بیانه ۶۹ : " قل يا قوم هذا يوم الذى فيه انفطرت السماء وانشت الأرض " .

ص ۴۲۴

نمونه دوم قوله العزيز ۷۰ : " قل يا قوم الى متى ترقدون قد انشت السماء واتى مالك
اليوم التناد " .

دخان

مأخذ « دخان » در کتب مقدسه ادیان قبل

در قرآن کریم سوره دخان ۹ و ۱۰/۴۴ نازل قوله تعالى : " (۹) **بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ** (۱۰)
فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ " .

تاویل « دخان » در آثار قلم اعلیٰ در ایقان شریف جمال کبریائی دخان مذکور در

آیه شریفه قرآن کریم را به تعبیراتی که با شریعت جدید میاید و باعث نسخ رسوم و
عادات جاریه در ادیان میگردد بدخان تاویل فرموده اند قوله عز بیانه ۷۱ : " و اختلافات
و نسخ و هدم رسومات عادیه و انعدام اعلام محدوده را بدخان در آیه مذکوره تعبیر
فرموده * و کدام دخان است اعظم از این دخان که فرو گرفته همه ناس را و عذابی است
برای آنها که هر چند میخواهند رفع آن نمایند قادر نیستند و بنار نفس در هر حین بعذاب
یجدید کعدبند * " - این بیان و تاویل مبارک شرح روشنی است از عذاب نار برای انسان هائی
که در یوم قیامت بواسطه عدم اقبال و ایمان به مظهر امر الهی در ظهور جدید ، در نار نفس
خودشان دچار عذاب میگردند .

«حشر» « نشر » اموری که در روز قیامت واقع میشود

«حشر» « نشر » در کتب مقدسه ادیان قبل

کتاب ایوب ، باب ۱۴ : " (۱۲) همچنین انسان میخوابد و بر نمیخیزد ، تا نیست شدن

آسمانها بیدار نخواهد شد ، و از خواب خود برانگیخته نخواهند گردید * (۱۳) کاشکه مرا در هاویه پنهان کنی ، و تا غضب فرو نشیند مرا مستور سازی ، و برایم زمانی تعیین نمائی تا مرا بیاد آوری * (۱۴) اگر مرد بمیرد بار دیگر زنده شود ، در تمامی روزهای مجاهده خود انتظار خواهم کشید ، تا وقت تبدیل من برسد * " .

ص ۴۲۵

انجیل انجیل مرقس باب ۹ : " و چون از کوه بزیر میامدند ایشانرا قدغن فرمود که تا پسرانسان از مردگان بر نخیزد از آنچه دیده اند کسیرا خبر ندهند * (۱۰) و این سخن را در خاطر خود نگاه داشته از یک دیگر سؤال میکردند که برخاستن از مردگان چه باشد * " .

در معارف اسلامی از جمله اموری که در یوم قیامت واقع میشود دمیدن در صور و حشر

(برخاستن) ناس از قبور است . علامه حلی از علمای معتبر مذهب شیعه . در یکی از مصنفات خود بنام ، " نهج الحق و كشف الصدق " فصلی را به معاد اختصاص داده و اعتقاد شیعیان در اصول دین را در مسئله معاد برشته تحریر در آورده که قسمتهائی از آن عبارتست از ۷۲ : " إن الحشر في المعاد هو لهذا البدن المشهود هذا أصل عظیم ، و إثباته من أركان الدّین ، و جاهده كافر بالإجماع ، و من لا یثبت المعاد البدنی ، و لا الثواب ، و العقاب ، و أحوال الآخرة فانه كافر إجماعاً ... و القرآن مملوء من ذكر المعاد ، و إن اختلفوا في كيفية الإعادة و الإعدام . و تفاصيل ذلك ذكرناها في كتبنا الكلامية ، لكن البحث ها هنا عن شيء واحد . و هو أن القول باثبات المعاد البدني ، الذي هو اصل الدين وركنه ، أنما يتم على مذهب الإمامية " - در باب نفخ الصور و فناء الدنيا در بحار الانوار علامه مجلسی ، كتاب العدل و المعاد ، آیات قرآن کریم را که مدلل بر قیامت ظاهری و حشر مردگان است جمع آوری فرموده و تفاسیر مفسرین اسلام را نیز درج نموده است ۷۳ : . سوره اسری آیه ۵۸ / ۱۷ ، سوره كهف آیه ۹۹ / ۱۸ ، سوره یس آیات ۴۸ - ۵۴ / ۳۶ ، سوره ق آیه ۲۰ / ۵۰ و آیات ۴۱ - ۴۴ . علامه مجلسی در همان مأخذ جلد ۷ (صفحات ۱ الی ۵۳) در " باب اثبات الحشر و کیفیتة و كفر من انكره " آیاتی از قرآن کریم را در اثبات یوم حشر و قیامت نقل فرموده است . چند نمونه از آیات فوق عبارتند از : سوره بقره ۲۵۹ و ۲/۲۶۰ ، آل عمران ۹ ، ۲۵ ، ۴۹ ، ۳/۱۵۶ ، نساء آیه ۸۷ / ۵ ، انعام ۶/۵۱ ، سوره یوسف آیه ۱۲/۱۰۷ قوله تعالى :

" أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ " .

مرحوم مجلسی ، در باب أسماء القيامة ، الفاظ و کلماتی در آیات قرآن کریم را که

دلالت بر یوم قیامت دارد درج نموده که عبارتند از ۷۴ :سوره اعراف آیه ۷/۱۸۷ " ساعة " -

سوره ص آیه ۳۸/۲۶ " يوم الحساب " - سوره مؤمن (غافر) آیه ۱۵/ ۴۰ " يوم التلاق " " يوم التناد "

- شوری آیه ۵/ ۴۲ " يوم الجمع " - تغابن آیه ۹/ ۶۴ " يوم التغابن " - نازعات آیه ۳۴/۳۴ " طامه کبری

" - مرسلات آیه ۷۷/ ۳۸ " يوم الفصل " - بروج آیه ۲/ ۸۵ " وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ " .

چه کسی علم «ساعت» را میداند در سوره لقمان آیه ۳۴/ ۳۱ نازل گردیده که علم ساعة در

نزد خدا است قوله تعالى : " إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ " .

تأویل « حشر . نشر » در آثار قلم اعلی

در ایقان شریف در مقصود از بعث و حشر و حیات و موت میفرمایند قوله عز بیانه ۷۵ :

" و مقصود از موت و حیات که در کتب مذکور است موت و حیات ایمانیست * ... چنانچه

وقتی که سراج محمدی در مشکاة احمدیه مشتعل شد بر مردم حکم بعث و حشر و حیات و موت

فرمود * ... خلاصه معنی آنکه هر عبادیکه از روح و نفخه مظاهر قدسیه در هر ظهور

متولد و زنده شدند بر آنها حکم حیات و بعث و ورود در جنت محبت الهیه میشود * و

من دون آن حکم غیر آن که موت و غفلت و ورود در نار کفر و غضب الهی است میشود * "

و نیز مراجعه کنید به بیانات مبارکه در نوع دوم از متشابهات ، نمونه پنجم و قاموس ایقان

جلد اول صفحه ۶۲۸ .

بعث از علائم یوم قیامت بعث مردگان است

مأخذ « بعث » در کتب مقدسه ادیان قبل

(۱) انجیل یوحنا ۵ : (۲۷) و از این تعجب مکنید زیرا ساعتی میاید که در آن جمیع

کسانی که در قبور میباشند آواز او را خواهند شنید * (۲۸) و بیرون خواهند آمد هر که

اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد بجهة قیامت داوری * "

(۲) اجیل متی باب ۲۲ : (۲۹) عیسی در جواب ایشان گفت گمراه هستید از این رو که

کتاب و قوت خدا را دریافته اید * (۳۰) زیرا که در قیامت نه نکاح میکنند و نه نکاح کرده میشوند بلکه مثل ملائکه خدا در آسمان میباشند * " .

(۳) انجیل یوحنا باب ۵ : " (۲۰) زیرا همچنانکه پدر مردگانرا برمیخیزاند و زنده میکند همچنین پسر نیز هر که را میخواهد زنده میکند * (۲۱) زیرا که پدر بر هیچکس داوری نمیکند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است * " .

(۴) رساله دوم پولس بقرنتیان باب پنجم : (۱۰) زیرا لازمست که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هر کس اعمال بدنی خود را بیاید بحسب آنچه کرده باشد چه نیک چه بد * .

(۵) قرآن کریم سوره حج آیه ۷ / ۲۲ قوله تعالی : " **وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ** " . (ترجمه : و آنکه قیامت آینده است نیست شکی در آن و آنکه خدا بر میانگیزد آنان را که باشند در قبرها) .

تأویل « بعث » در آثار قلم اعلی در لوح نصیریک معنی و تأویل از بعث را مبعوث نمودن رجال برگزیده در یوم قیامت تأویل فرموده اند قوله الاعلی ۷۶ : " یک نغمه از نغمات قبلم خالصاً لوجه الله بر تو و اهل ارض از مشرق کلمات اشراق مینمایم و القا میفرمایم که شاید راقدین بستر غفلت را بیدار نموده از هبوب اریاح روحانی که از افق صبح نورانیم مهبوب است آگاه نماید * و آن اینست که نقطه اولی روح من فی الملک فداة بمحمد حسن نجفی که از علمای بزرگ و مشایخ کبیر محسوب بود مرقوم فرموده اند که مضمون آن اینست که بلسان پارسی ملیح مذکور میشود * « که ما مبعوث فرمودیم علی را از مرقد او و او را بالواح مبین بسوی تو فرستادیم * و اگر تو عارف باو میشدی و ساجد بین یدی او میگشتی هر آینه بهتر بود از عبادت هفتاد سنه که عبادت نموده * و از حرف اول تو محمد رسول الله را مبعوث میفرمودیم و از حرف ثانی تو حرف ثالث

ص ۴۲۸

را که امام حسن باشد ولکن تو از این شان محتجب ماندی و عنایت فرمودیم بانکه سزاوار بود " * انتهی حال ملاحظه بزرگی امر را نمائید که چه مقدار عظیم و بزرگ است و آن علی که فرستاده اند نزد شیخ مذکور ملا علی بسطامی بوده * و دیگر ملاحظه قدرت مظهر ظهور را فرمائید که بحر فی از اسم عباد خود اگر بخواهد جمیع هیاکل احدیه و مظاهر صمدیه را خلق فرماید و مبعوث نماید " .

قبر

مأخذ «قبر» در کتب مقدسه ادیان قبل

انجیل یوحنا ۲۸ - ۲۷ : ۵ .

قرآن کریم سوره حج آیه ۷ ، سوره عادیات آیه ۹/۱۰۰ : " أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ " .

معارف اسلامی

در کتب اهل سنت و جماعت برای نمونه مراجعه کنید به (۱) کتاب اصول الدین ، اصل الحادی عشر من اصول هذا الكتاب في معرفة احكام العباد في المعاد (ص ۲۲۸ الى ۲۴۵) تالیف ابی منصور عبدالقاهر بن طاهر التمیمی البغدادی (۲) الفقه الاکبر تالیف ابی حنیفه النعمان بن ثابت الکوفی ، و شرح فقه الاکبر تالیف الملا علی القاری الحنفی (۳) کیمیای سعادت تالیف ابو حامد محمد غزالی در معرفت آخرت (ترجمه) صفحه ۷۱ و اصل اول اعتقاد اهل سنت در آخرت و صراط صفحه ۱۱۳ و نیز به تالیف دیگر او بنام احیاء علوم الدین .

در معارف مذهب شیعه برای تفصیل مراجعه کنید به : (۱) اصول کافی تالیف شیخ کلینی (۲) بحار الانوار مرحوم مجلسی " کتاب العدل و المعاد در باب البرزخ و القبر و عذابه و سئواله " ۰ (۳) گوهر مراد تالیف عبدالرزاق لاهیجی از متکلمین و علمای شیعه .

تأویل «قبر» در آثار قلم اعلیٰ (۱) در ایقان نازل قوله جل و عز ۷۷ : " چه که

آن سلطان هویه قادر است بر اینکه جمیع بیان و خلق آن را بحرفی از بدایع کلمات خود

ص ۴۲۹

قبض روح فرماید * و یا بحرفی جمیع را حیات بدیعه قدمیه بخشد * و از قبور نفس و هوی محشور و مبعوث نماید " . (۲) در هر ظهوری غافلین و معرضین به مظهر الهی به جسد مرده در قبور تأویل گردیده است . در ایقان شریف نازل قوله جل و عز ۷۸ : " و قیامت قیام آن حضرت بود بر امر الهی * و غافلین که در قبور اجساد مرده بودند همه را بخلعت جدیده ایمانیه مخّلع فرمود * و بحیات تازه بدیعه زنده نمود * " . (۳) در لوحی اشاره به مظهر امر الهی بخودشان است (محیی قبور) ، قوله الاعلیٰ ۷۹ : " أَسْأَلُكَ يَا مُحْيِي الْقُبُورِ وَمُظْهِرَ النُّورِ "

« معاد »

ماخذ معاد در اسلام رجوع کنید به قیامت و حشر و نشر و بعث
تأویل « معاد » در آثار قلم اعلی در لوح وفا نازل قوله جل بیانه ۸۰ " و اما
ما سئلت فی المعاد فاعلم بان العود مثل البدء كما انت تشهد البدء كذلك فاشهد
العود وكن من الشّاهدين بل فاشهد البدء نفس العود وكذلك بالعكس لتكون على بصيرة
منير ثم اعلم بان كلّ الاشياء فی كل حين تبدء و تعود ربك المقتدر القدير و اما
عود الذي هو مقصود الله فی الواحه القدس المنيع و اخبر به عباده هو عود
الممكنات فی يوم القيامة و هذا اصل العود كما شهدت فی ايام الله و كنت من
الشاهدين " . برای مزید اطلاع مراجعه کنید به ایقان مبارک صفحه ۶۲ و لوح مبارک
مندرج در مائده آسمانی جلد هشتم صفحه ۱۳ ، و نیز رجوع کنید به قاموس ایقان جلد ۴
" يوم معاد " صفحه ۱۸۸۶ .

« صراط »

بر اساس عقیده مسلمین ، پلی که در روز قیامت بین صحرای محشر و بهشت موعود ب رروی
دوزخ کشیده خواهد شد .
مأخذ « صراط » در اسلام قرآن کریم سوره فجر ، آیه ۸۹/۱۴ قوله تعالى : " إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ " .
ص ۴۳۰

(ترجمه ، بدرستیکه هرآینه پروردگار تو هرآینه در گذرگاه است) .
مرحوم مجلسی در باب ۲۲ کتاب العدل و المعاد در بحار الانوار کلیه احادیث نبوی و
أئمة اطهار را از کتب معتبره شیعه جمع آوری و درج نموده است . در تفسیر آیه فوق بنقل از
شیخ طبرسی مینویسد ۸۱ : " و عن الصادق علیه السلام انه قال : المرصاد : قنطرة على
الصراط لا يجوزها عبد بمظلمة " .

تأویل « صراط » در آثار قلم اعلی (۱) در ایقان شریف ، در یک موضع جنت را
ایمان به مظهر امر جدید و دوزخ ، و نار را اعراض به او بیان فرموده اند و در ضمن
تاویل قیامت و عدم ادراک آن ، « صراط » و مقصود از آن را نیز تأویل فرموده اند
قوله جل بیانه ۸۲ : " با اینکه رائج معانی احادیث را ابدا ادراک ننموده اند * و
غافل از اینکه جمیع علامات ظاهر شد * و صراط امر کشیده گشت " . (۲) در لوح سید
یوسف اصفهانی در معنی صراط میفرمایند قوله الاعلی ۱۴ : " مقصود الهی از حشر و

نشر و جنت و نار و امثال این اذکار که در الواح الهیه مذکور است مخصوص است بحین ظهور مثلاً ملاحظه فرما که در حین ظهور لسان الله بکلمه تکلم میفرماید و از این کلمه مخرجه عن فمه جنت و نار و حشر و نشر و صراط و کل ما سئلت و ما لا سئلت ظاهر و هویدا میگردد و هر نفسیکه بکلمه بلی موفق شد از صراط گذشت و بجنت رضا فائز و همچنین محشور شد در زمره مقربین و مصطفین و عندالله از اهل جنت و علین و اثبات مذکور و هر نفسی که از کلمه الله معرض شد در نار و از اهل نفی و سجین و در ظل مشرکین محشور " . (۳) در آغاز لوحی خطاب به شیخ عبدالحسین طهرانی از اعدای امرالله نازل قوله عز بیانه ۸۳ : " انه لبالمرصاد " .

«اولی الامر»

مأخذ «اولی الامر» در اسلام در قرآن کریم سوره نساء آیه ۶۲/۴ نازل قوله تعالی : " أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ "

ص ۴۳۱

تأویل «اولی الامر» در آثار قلم اعلی در لوح شیخ محمد تقی نجفی نازل قوله تبارک و تعالی : " در آیه مبارکه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ) مقصود از این اولوالامر در مقام اول و رتبه اولی ائمه صلوات الله علیهم بوده و هستند ایشانند مظاهر قدرت و مصادر امر و مخازن علم و مطالع حکم الهی * و در رتبه ثانی ملوک و سلاطین بوده اند یعنی ملوکی که بنور عدلشان آفاق منور و روشن است "

منابع تحقیق در متشابهات قرآن کریم

منابع و مراجع تحقیق متشابهات قرآن و تفسیر آیه ۶ سوره آل عمران در تالیفات محققین بهائی ، ۱ (فرائد ۲) قاموس ایقان .

منابع تحقیق در تالیفات محققین اسلام در باره متشابهات قرآن

۱) التبیان فی غریب اعراب القرآن . تالیف ابوالبرکات بن الانباری .

۲) الاتقان فی علوم القرآن ج ۲ ، تالیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی .

۳) تفسیر مجمع البیان طبرسی (از علمای معتبر مذهب شیعه) .

۴) تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن تالیف شیخ الطایفه ابی جعفر محمد بن الحسن

- الطوسی (از علمای معتبر مذهب شیعه) .
- (۵) تفسیر منهج الصادقین تألیف فتح الله کاشانی (از علمای شیعه) .
- (۶) تفسیر رازی تألیف شیخ ابوالفتوح رازی (از علمای شیعه)
- (۷) تفسیر کشاف تألیف جارالله زمخشری (از علمای معتبر مذهب سنی) .
- (۸) تفسیر کبیر تألیف امام فخر رازی (از علمای معتبر مذهب سنی) .
- (۹) تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان نظام الدین الحسن بن محمد بن القمی النیسابوری (از علمای معتبر سنی) .
- (۱۰) تفسیر روح المعانی تألیف شهاب الدین سید محمود الوسی (از علمای قرن ۱۳ هجری) .

ص ۴۳۲

- (۱۱) تفسیر روح البیان تألیف شیخ اسماعیل حقی بروسوی .
- (۱۲) انوار التنزیل و اسرار التاویل (تفسیر بیضاوی)
- (۱۳) الدر المنثور تألیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی .
- (۱۴) تفسیر طبری
- چند نمونه از منابع و مراجع تحقیق در مسائل ، معاد ، حشر و نشر ، قیامت ، صراط ، ساعة جنت و نار در کتب شیعه و اهل سنت عبارتند از :
- کتب علما و حکما و متکلمین شیعه (۱) بحار الانوار جلد ۵ و ۶ و ۷ و ۸ ، تألیف علامه محمد باقر مجلسی ، (۲) گوهر مراد ، تألیف ملا عبدالرزاق لاهیجی باب چهارم ، (۳) کتاب العرشیه تألیف صدرالدین شیرازی ملقب به ملا صدرا (ترجمه غلامحسین آهی) ، اشراق دوم در حقیقت معاد و چگونگی حشر اجساد ، الشواهد الربوبیه ، تألیف ملا صدرا ، مشهد چهارم : در اثبات معاد جسمانی ، (۴) مبداء و معاد ، تألیف ملا صدرا شیرازی (ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی) ، فن دوم ، مقاله دوم و مقاله سوم ، صفحات ۴۳۳ الی ۵۲۱ ، (۵) اسرار الحکم ، تألیف حکیم سبزواری ، باب پنجم ، در معاد و انجام شناسی ، (۷) شرح کشف المراد (علامه حلی) تألیف علی محمدی ، مبحث معاد ، صفحات ۵۰۱ الی ۵۸۹ ، (۸) کتب تفسیر قرآن .
- کتب علما و حکما و متکلمین اهل سنت و جماعت (۱) الفقه الاکبر ، تألیف ابی حنیفه ، (۲) شرح کتاب الفقه الاکبر ، تألیف الملا علی القاری الحنفی ، صفحات ۱۳۹

و ١٤٣ و ١٤٤ و ١٦٦ ، (٣) اصول الدين ، تاليف ابى منصور عبدالقاهر بن طاهر التميمى البغدادي ، الاصل الحادى عشر ... فى معرفة احكام العباد فى المعاد . صفحات ٢٢٨ الى ٢٤٥ ، (٤) كتاب احياء علوم الدين تاليف ابو حامد محمد غزالى ، الكتاب العاشر من ربع المنجيات ، (٥) النجات تاليف حكيم ابن سيناء فصل فى معاد الانفس الانسانية و فصل فى المبدء و المقال بقول مجمل . (٦) كتب تفسير قرآن .

ص ٤٣٣

مشخصات كتب و مآخذ

ردیف	نام كتاب و مؤلف
١	اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ٢٧٩ .
٢	الاتقان فى علوم القرآن ، تاليف عبدالرحمن سيوطى . ج ٢ ص ٩ .
٣	ايام تسعه ص ٩٢ .
٤	ايام تسعه ص ٤٥ .
٥	منتخباتى از آثار حضرت بهاء الله لوح ٩٣ ص ١٢٣ .
٦	ايقان ص ١٧٣ .
٧	اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ١٦٤ .
٨	كتاب بديع ص ٢٢٦ - ٢٢٥ .
٩	صحيح بخارى ج ١١ كتاب استذنان ص ٣٠٢
١٠	مجموعه الواح مبارکه ص ١٨ . چاپ مصر .
١١	لئالى حکمت ج ٣ لوح ٩٤ ص ١٧٠ .
١٢	مجموعه الواح مبارکه ص ١٩ . چاپ مصر
١٣	مجموعه الواح مبارکه ص ٢٩١ . چاپ مصر .
١٤	مائده آسمانى ج ٨ ص ١٣ و ١٤ . موسسه ملى مطبوعات امرى . سنه ١٢١ بديع
١٥	اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ٧ .
١٦	ادعيه محبوب صفحات ٣٣١ و ٣٣٢ .
١٧	ادعيه محبوب ص ٣٦٣ .
١٨	لئالى حکمت ج ٢ لوح ٨١ ص ١٦٧ .
١٩	مکاتيب عبدالبهاء ج ٢ ص ٣٤٩ .

۲۰ ایقان صفحات ۳۷ (۳۸) .

ص ۴۳۴

- ۲۱ ایقان صفحات ۱۲۷ - ۱۲۴ و ۱۳۹ - ۱۳۸ .
- ۲۲ ایام تسعه ص ۲۷۹ .
- ۲۳ قاموس ایقان ج ۲ ، صفحه ۱۰۱۹ .
- ۲۴ ایقان ص ۸ .
- ۲۵ ایقان ص ۲۶ .
- ۲۶ ایقان ص ۲۸ (۲۹) .
- ۲۷ ایقان ص ۳۰ .
- ۲۸ منهج الصادقین ج ۱ ص ۲۱۸ (تفسیر قرآن) .
- ۲۹ ایقان صفحات ۶۱ و ۶۲ .
- ۳۰ مائده آسمانی ج ۱ باب ۱۶ ص ۶۴ .
- ۳۱ اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۴ .
- ۳۲ ایقان ص ۸۶ .
- ۳۳ ایقان صفحات ۴ و ۵ .
- ۳۴ ایقان ص ۲۸ .
- ۳۵ لئالی حکمت ج ۱ ص ۵ لوح ۱ .
- ۳۶ مائده آسمانی ج ۴ ص ۴۴۸ طبع طهران سنه ۱۰۴ بدیع .
- ۴۷ لئالی حکمت ج ۱ ص ۶۵ لوح ۲۰ .
- ۳۸ مائده آسمانی ج ۲ ص ۷۷ .
- ۳۹ منهج الصادقین ج ۱ ص ۵۴۴ (تفسیر قرآن) .
- ۴۰ تفسیر رازی ج ۲ ص ۱۸ . تالیف ابوالفتح رازی .
- ۴۱ صافی (تفسیر قرآن) ج ۱ ص ۱۸۲ . تالیف ملا محسن فیض کاشانی .
- ۴۲ تفسیر کبیر ج ۶ - ۵ ص ۲۳۶ - ۲۳۳ . تالیف امام فخر رازی .

ص ۴۳۵

۴۳ اصول کافی تالیف ثقة الاسلام کلینی ، ج ۱ صفحاتی ۱۲۷ الی ۱۳۴ .

٤٤	الباب الحادى عشر تاليف علامه حلى مع شرحيه النافع فى يوم الحشر لمقداد بن عبدالله سيورى .
٤٥	صحيح مسلم بشرح النوى ج ٢ ص ٤ و ٥ .
٤٦	الفقه الاكبر تاليف ابى حنيفه النعمان بن ثابت الكوفى ، الطبعة الثانية ، بمطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية - بحيدر آباد الدكن - الهند . سنة ١٣٧٣ هـ . ق
٤٧	ايقان ص ١٣١ .
٤٨	ايقان ص ١٠٧ و نیز مراجعه كنيد به صفحات ٣ و ١٥ .
٤٩	ايقان ص ١٣٢ .
٥٠	لوح خطاب به ملا محمد باقر حرف حى ، ايام تسعه ص ١٧٤ .
٥١	آثار قلم اعلى ج ١ ص ٤١٥ .
٥٢	زيارتنامه مبارك ، ايام تسعه ص ٢٢٨ .
٥٣	اشراقات مجموعه الواح مباركه ص ٢٧ .
٥٤	اقتدارات مجموعه الواح مباركه ص ٢٧٢ .
٥٥	ايقان ص ٥٢ .
٥٦	ايقان صفحات ٣٦ و ٣٧ .
٥٧	ايقان صفحات ٢٣ و ٢٥ .
٥٨	آثار قلم اعلى ج ١ (كتاب مبين) ص ١٣٠ .
٥٩	ايقان ص ٥٥ .
٦٠	ايقان ص ٣٥ .
٦١	ايقان ص ٣٧ .
٦٢	بحار الانوار ج ٦ ص ٢٩٥ . تاليف محمد باقر مجلسى .

ص ٤٣٦

٦٣	بحار الانوار ج ٦ ص ٣١١ ، تاليف محمد باقر مجلسى .
٦٤	همان ماخذ . همان جلد حديث شماره ٦ ص ٣٠٥ و ٣٠٧ .
٦٥	التبيان ج ٥ ص ٣٨٧ ، تفسير قرآن ، تاليف شيخ طايه طوسى .
٦٦	ايقان صفحات ٨٩ و ١٣٢ .

۶۷	اذکار المقربین ج ۱ ص ۷۵ مناجات ۲۶ .
۶۸	ایقان ص ۳۴ .
۶۹	آثار قلم اعلیٰ ج ۱ (کتاب مبین) ص ۴۰۹ .
۷۰	آثار قلم اعلیٰ ج ۱ (کتاب مبین) ص ۳۸۶ .
۷۱	ایقان ص ۵۹ .
۷۲	نهج الحق و کشف الصدق ص ۳۷۶ تالیف حسن بن یوسف مطهر الحلی (علامه حلی) من منشورات دارالهجرة ، ایران ، قم
۷۳	بحار الانوار (تالیف محمد باقر مجلسی) ج ۶ ص ۳۱۶ .
۷۴	بحار الانوار (تالیف محمد باقر مجلسی) ج ۷ ص ۵۴ .
۷۵	ایقان صفحات ۸۶ و ۹۰ .
۷۶	مجموعه الواح مبارکه ص ۱۹۰ ، چاپ مصر .
۷۷	ایقان ص ۷۲ .
۷۸	ایقان ص ۸۹ .
۷۹	رساله تسبیح و تهلیل ص ۳۱۲ .
۸۰	آثار قلم اعلیٰ ج ۴ ص ۴۲۰ .
۸۱	بحار الانوار (تالیف محمد باقر مجلسی) ج ۸ ص ۶۴ .
۸۲	ایقان ص ۶۴ و ۶۵ .
۸۳	آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۳۱۲

ص ۴۳۷

روش هیجدهم

کلمات و عبارات و اصطلاحات در احادیث و
معارف مذهب شیعه در الواح مبارکه

ص ۴۳۸

کلمات و عبارات و اصطلاحات در احادیث و معارف مذهب شیعه

در الواح مبارکه

در آثار و الواح مبارکه بعضی از الفاظ و اصطلاحات و عباراتی بکار رفته است که بنظر می‌رسد مأخذ آنها در کتب و معارف مذهب شیعه است . ذکر این قبیل از الفاظ و اصطلاحات غالباً در مسائل استدلال نقلی در اثبات و استدلال بر حقانیت ظهور حضرت رب اعلی و حضرت بهاء الله جل ذکرة و نیز مسائل کلامی در اثبات مبداء ، الهیات و ادعیه نازله است . که بصورت‌های یک لفظ یا کلمه و یا قسمتی از حدیث در آثار مبارکه بکار رفته است . آشنائی با این قبیل از الفاظ برای تحصیل معارف امری بنظر ضروری می‌رسد .

نمونه هائی از این قبیل اصطلاحات و الفاظ (۱) کرّه . (۲) رجعت . (۳) حجت . (۴)

عیون صافیه . (۵) صعب مستصعب . (۶) بقیة الله . (۷) ذر . (۸) اسم اعظم . (۹) سرالمصون لرمز المکنون . (۱۰) رایات سود . (۱۱) خروج سفیانی . (۱۲) قائم . (۱۳) طلوع شمس من مغربها . (۱۴) اصحاب قائم . (۱۵) امرجدید . (۱۶) کتاب جدید . (۱۷) کنوز ارض . (۱۸) فصل الخطاب . (۱۹) کوکب درّی . (۲۰) دیک عرش . (۲۱) سُبوح قدوس ربنا الله الملك الحق المبين فلا اله غيره ربّ الملائكة و الروح . (۲۲) یأجوج و ماجوج . (۲۳) وصی عاشر . (۲۴) نبوت خاصّه . (۲۵) ولایت . (۲۶) بداء . (۲۷) ساعة . (تفسیر حضرت صادق ع امام ششم در تاویل " ساعة " مذکور در آیه ۷ سوره اعراف و ۸۵ سوره زخرف و القمر آیه ۱ و شوری آیه ۱۸ ، (۲۸) العلم سبعة العشرون حرفاً ، فجميع ما جاء به الرسل حرفاً فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين ، فاذا قائم قائمنا اخرج الخمسة و العشرين حرفاً (روایت از حضرت صادق ع) . (۲۹) لواء معقود . (۳۰) خلف الف الف حجاب نور . (۳۱) کبریت احمر (۳۲) همج رعا . (۳۳) عوجا و لا امتا (در لوح مقصود) (۳۴) ملائکه . (۳۵) عترت . (۳۶) ولی . (۳۷) و غیره . تعداد کثیری از الفاظ و اصطلاحات فوق که باراده الهی ، تاویل و شرح آنها ضرورت

ص ۴۳۹

داشته در الواح الهی مکتوب است . علمای مذهب شیعه برای این قبیل اصطلاحات و الفاظ تفاسیر و معانی دیگری نموده اند که در بعضی مواقع با شروح و تاویلات آنها در آثار بهائی مغایرت دارد و بدیهی است که هیچیک از آنها برای اهل بها سندیت ندارد . لازم بذکر این مطلب است که مراجعه به کتبی که این قبیل اصطلاحات و الفاظ مندرج است صرفاً برای

شناسائی مأخذ مسئله و یا حدیث است تا سبب تسهیل درک مسائل و مطالب نازله در الواح مبارکه حاصل گردد .

مأخذ و مراجع برای تحقیق و مطالعه

مؤلفین بهائی (۱) استدلالیه نعیم (۲) مختارات . (۳) فصل الخطاب . (۴) فرائد . (۵) قاموس قرن لوح . (۶) قاموس لوح سنه ۱۰۵ . (۷) اقداح الفلاح . (۸) قاموس ایقان . (۹) مبادی استدلال . (۱۰) تبیان و برهان . (۱۱) دلیل و ارشاد .

مؤلفین مذهب شیعه تعدادی از کتب معتبره مذهب شیعه که میتواند سودمند قرار گیرد

عبارتند از : (۱) اصول کافی (چهار جلد) ، تالیف شیخ کلینی . (۲) روضه کافی ، تالیف شیخ کلینی . (۳) غیبت ، تالیف شیخ طایفه طوسی . (۴) تهذیب ، تالیف شیخ طایفه طوسی . (۵) نوادر الاخبار ، تالیف ملا حسین فیض کاشانی . (۶) معانی الاخبار ، تالیف شیخ صدوق . (۷) خصال ، تالیف ، شیخ صدوق . (۸) اوائل المقالات فی المذهب و المختارات (شرح عقائد الصدوق) ، تالیف ، شیخ المفید محمد بن النعمان . (۹) اکمال الدین ، تالیف شیخ صدوق . (۱۰) نجم ثاقب ، تالیف حسین طبرسی نوری . (۱۱) الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة ، تالیف حسن حر عاملی . (۱۲) شرح الزيارة الجامعة الکبيرة تالیف شیخ احمد احسائی . (۱۳) بحار الانوار (بیست و شش جلد) ، تالیف محمد باقر مجلسی . (۱۴) اعلام الوری باعلام الهدی ، تالیف حسن طبرسی . (۱۵) الارشاد ، تالیف شیخ مفید . (۱۶) دائرة المعارف شیعه .

ص ۴۴۰

روش نوزدهم

تفسیر و تاویل و شرح و ارتباط مسائل و مطالب در
الواح مبارکه

ص ۴۴۱

تفسیر و تاویل و شرح و ارتباط مسائل و مطالب در الواح

برای اخذ معانی و ادراک کلمات و آیات الهی باید به مبدء امر و منزل آیات و الواح تبیینی مراجعه نمود

در متون آثار و الواح مبارکه نازل از قلم اعلی ، مطالب و مسائلی مشاهده میشود که دانستن مقصود شارع امر مقدس بهائی ضروری بنظر میرسد . در بررسی و مطالعه الواح مبارکه مشاهده میشود که جواب این قبیل از مسائل غالبا در سایر الواح مبارکه بصورت های تاویل و شرح کامل و یا بصورت غیر مستقیم ولی کاملا روشن و بدون هیچگونه ابهام و یا باقی ماندن سئوالی در ذهن انسان بیان گردیده است . در کتاب بدیع ، جمال کبریائی به این اصل که احبای الهی در صورت عدم ادراک آیات و الواح و کلمات منزله باید به مبدا آن که منزل آیات است مراجعه شود بیان صریحی فرموده اند قوله العزیز ۱ : " آنچه از آیات الهی ادراک نشود از معدن و مبدا آن سئوال نمایند مقصود از این کلمه آنکه مبدا در معنی کلمات ما بین احبای الهی اختلاف شود و بدانند که کلمات الهیه کل از نقطه واحد ظاهر و باو راجع ایاکم ان تشهدوا الاختلاف فیهن اگر چه بظاهر مختلف نازل شود در باطن بکلمه واحده و نقطه واحده راجع و منتهی چنانچه در بعضی مقام ذکر شده که احدی بمعنی کلمات الهی مطلع نه الا الله شکی نیست که این قول حق است چه که از حرفی از حروفات منزله در هر عالمی از عوالم لایتناهی اثر مخصوصی و معانی مخصوصه باقتضای آن عالم داشته و خواهد داشت و هم چنین حروفات و کلمات الهیه هریک کتر علم لدنی بوده و خواهند بود و ما اطلع بکا کتر فیهن الا الله احدی قادر بر عرفان آن علی ما ینبغی لها

ص ۴۴۲

نبوده و نخواهد بود و هم چنین در مقامی ذکر شده که کل ایات الهی را ادراک مینمایند چه که اگر صاحب این مقام نبودند حجیت آیات مبرهن نمیشد این دو بیان مختلفند بر حسب ظاهر و لکن نزد متبصرین و صاحبان ابصر جدیده معلومست که مقصود از اینکه فرموده کل ادراک مینمایند علی قدرهم و مقدارهم بوده لا علی قدر و مقدار ما نزل من لدی الله المقتدر المهیمن القیوم " - لزومی بذکر این اصل مسلم نیست که در صورت فقدان تاویل آیات در سایر الواح مبارکه نزولی ، لازم است مراجعه به الواح تبیینی که از مشکاة اقلام احلای حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله (آنچه که لازم و ضروری بوده در معارف امر ثبت است) مراجعه نمود . مطلب دیگری که قبل از شروع و پرداختن به روشهای مطالعه در این بخش یاد آوری آن ضرورت تام دارد و قسمتی از اصول اعتقادات و از مسلمات در معارف امر بهائی است این است که : در مطالعه آثار

در صورت مواجهه با مسئله و موضوعی که شرح آن در سایر الواح قلم اعلیٰ نازل شده و نیز همان مسئله و موضوع در الواح حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تبیین و تفسیر و شرح داده شده است ، بدیهی و اصل است که در مقایسه این دونوع از شروح و تاویلات آنچه که فصل المقال در حل مسئله و مقصود الهی است آن تفسیر و تاویلی است که از اقلام آن دو نفس مقدس و مرکز تبیین صادر گردیده است . دلیل شرعی آن ، اجازه و حق تاویل به مرکز تبیین است به نص صریح و قاطع شارع امر و دلیل عقلی آن اینست که از میان دو تاویل و شرح یک مسئله از مسائل مندرجه در الواح که توسط شارع نازل و تاویل گردیده ، تاویل و توضیح مرکز تبیین برای اهل بها توضیح نهائی است زیرا که ایشان با علم اینکه این مسئله در آثار شارع امر تاویل گردیده اراده به تاویل و توضیح و تبیین آن مطلب و یا مسئله بخصوص فرموده اند و تشخیص نهائی با مرکز تبیین است که در

ص ۴۴۳

الواح و آیات شارع امر بهائی نازل و در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و سایر الواح مبارکه شان تصریح و تاکید در این امر خطیر گردیده است . و از نظر جنبه ایمانی نیز کاملاً روشن و خالی از ابهام است زیرا عصمت موهوبی داده شده به مرکز تبیین او را از خطا و نسیان مبرا میدارد . (مراجعه فرمائید به عصمت کبری و عصمت در روش سوم و لوح مقدس اشراقات) .

نمونه هائی از امهات مسائل در امر مبارکه که تاویل و تفسیر آنها در سایر آثار قلم اعلیٰ نازل گردیده است

در مسئله الوهیت در اعلانات ربوبیت و مظهریت در آثار نازله در مواضع متعددی مواجه میشویم به آیات و کلماتی که در ظاهر آن اینگونه بنظر میرسد که شارع امر بهائی ادعای الوهیت به مفهوم آنچه که الهیون به آن معتقد و رایج الفاظ و اصطلاحات آنان است نموده است . در بدو امر و از ظاهر آیات نیز جز این مفهوم دیگری در ذهن خواننده مجسم نخواهد شد . تعمق و مطالعه سایر آثار و بیانات مبارکه تاویل و شرح و مقصود حقیقی منزل آیات را برای مؤمنین در این موضوع و مسئله بخصوص که از اصول و معتقدات راسخه اهل بهاء است کاملاً و بدون هیچگونه شبهه و ابهامی به اصل و منظور از بیانات مبارکه واقف میسازد . نمونه هائی از آیات نازله در مقامات

ربوبیت و الوهیت و نیز شرح کامل ان و مقصود مبارک از اظهار آن مقامات به این شرح است :

اول ، اعلانات ربوبیت و الوهیت

- (۱) در قصیده عز ورفائیه ۲ : " کل الاله من رشح امری تالتهت
وکل الربوب عن طفح حکمی تربت "
(۲) در " ساقی از غیب بقا ۲ : " تا ببینی طور موسی طائف اینجا آمده
تا ببینی روح عیسی را زعشقش بیقرار "

ص ۴۴۴

- (۳) در سوره هیکل نازل قوله تعالی ۴ : " قل لا یری فی هیکل الا هیکل الله ولا
فی جمالی الا جماله ولا فی کینونتی الا کینونتہ ولا فی ذاتی الا ذاته ولا فی
حرکتی الا حرکتہ ولا فی سکونی الا سکونہ ولا فی قلمی الا قلمہ العزیز المحمود "
(۴) ایضا در سوره هیکل نازل قوله تعالی ۵ : " ان یا هیکل الله لما نزلت جنود
الوحی برایات الایات من ملیک الاسماء .
(۵) ایضا در سوره هیکل نازل قوله تعالی ۴ : " لم ازل کنت ناطقا فی جبروت البقاء
اننی انا الله لا اله الا انا المہيمن القیوم ولا ازال انطق فی ملکوت الاسماء
اننی انا الله لا اله الا انا العزیز المحبوب " .

دوم، توضیح و شرح آیات نازله در الوهیت

- (۱) جمال کبریائی در جواب شبهات و ایرادات معرضین به ظهور جدید که با نزول این
قبیل از الواح و آثار به مبدء امر مبارک اتهام خدائی و الوهیت وارد آورده اند در
لوحی میفرمایند قوله العزیز ۶ : " الذی زین رأسه باکلیل (لولاک) الناطق فی
مقام الصحو (ماعرفناک) و فی مقام المحو (انا هو و هو انا الا انه مقدس عن ذکر
انا و ایاک) "

بنظر میرسد که در جواب اعتراضات به بیان مبارک در قصیده رشح عما و سایر آیات
مشابه نازل گردیده است . در قصیده رشح عما نازل قوله الاعلی ۷ :
" دور انا هو از چهره ما کرده بروز کور هو هو از نفخه ما میریزد "
و نیز حدیث نبوی منقول از حضرت صادق ع : " لی مع الله حالات هو انا و انا هو

الا هو هو وانا انا " این حدیث در لوح ابن ذئب و ایقان مبارک و نیز در تفسیر کنت کنز از مشکاة قلم حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه برای توجیه آیات الوهیت نقل گردیده است (برای ماخذ این حدیث مراجعه کنید به فصل شانزدهم) .

(۲) در لوح شیخ محمد نجفی نیز توضیح و تاویل مشابه دیگری در جواب معرضین و مغرضین ، شیخ را مخاطب فرموده و برای او آیات در ربوبیت را با بیانی واضح و متقن

ص ۴۴۵

تشریح فرموده اند قوله تعالی : " آنجناب یا غیر گفته سوره توحید را ترجمه نمایند تا نزد کل معلوم و مبرهن گردد که حق لم یلد و لم یولد است و بابیها بر ربوبیت و الوهیت قائلند . یا شیخ اینمقام فنای از نفس و بقای بالله است و اینکلمه اگر ذکر شود مدل بر نیستی بحث بات است " .

(۳) ایضا در همان لوح مبارک نازل قوله تعالی : " براستی میگویم و لوجه الله میگویم این عبد و این مظلوم شرم دارد خود را بهستی و وجود نسبت دهد تا چه رسد بمقامات فوق آن . انسان بصیر هر هنگام بر ارض مشی مینماید خود را خجل مشاهده میکند چه که بیقین مبین میداند که علت نعمت و ثروت و عزت و علو و سمو و اقتدار او باذن الله ارضی است که تحت جمیع اقدام عالم است * و نفسیکه باینمقام آگاه شد البته از نخوت و کبر و غرور مقدس و مبرا است * آنچه گفته شد من عندالله بوده انه شهد و یشهد و هو العليم الخبير " .

نمونه توضیح لوحی در لوحی دیگر

در لوحی شرح دو فقره از آیات الهی در سوره هیکل نازل گردیده است قوله تعالی ۸ :

(۱) **قُلْ** در معنی و مقصود از " **قُلْ** " در فقرات بسیاری در سوره هیکل میفرمایند

قوله تعالی و شانه : " و آنچه سؤال شده بود از آیه منزله در هیکل که بملوک خطاب شد صحیح همانست که نازل شد کلمه ترک نشده ... در اول این آیه قل مقدر است که چنین میشود قل لوکان القديم هو المختار الی آخر و چون از بیان رحمن معنی قل مفهوم میشود لذا ذکر نشد " .

(۲) شرح و توضیح فقراتی از لوح پاپ ۸ : " و اینکه از آیه منزله در لوح پاپا سؤال نمودید این عبارات تلویحات کلمات اینست که ذکر شده در مقامی میفرماید و اقول لکم

ان كثيرين سياتون من المشارق والمغارب ويتكثرون مع ابراهيم واسحق ويعقوب في ملكوت السموات واما بنو الملكوت فيطرحون الى الظلمة الخارجية هناك يكون البكاء و

ص ٤٤٦

صبر الانسان و در مقامی دیگر مذکور آن النور قد جاء الى العالم و احب الناس الظلمة اكثر من النور لان اعمالهم كانت شريرة لان كل من يعمل السيئات يبغض النور ولا ياتي الى النور لئلا توبخ اعماله و اما من يفعل الحق فيقبل الى النور لكي تظهر اعماله انها بالله معمولة انتهى از دو فقره مذکوره تلويح بيان مالک اسماء در آيه منزله معلوم ميشود بعضی از بيانات در بعضی از الواح راجعست بكتب قبل و ما سطر فيها " .

شرح و مقصود از بعضی الفاظ و عبارات در الواح مبارکه

در روش لغت شناسی و مباحث الفاظ باختصار گفته شد که برای حصول مقصود از بيانات مبارکه در بکار بردن الفاظ و عبارات ، در مواضعی لازم است که با مراجعه به سایر الواح به مقصود اصلی بيان مبارک اطلاع يافت . دو نمونه ذيل برای توجیه مطلب لازم بنظر ميرسد :

نمونه اول « امکان را مسخر نمائید » در توضیح و شرح یکی از بيانات الهیه در لوحی میفرمایند قوله الاعلی ٩ : " بحکمت و بیان امکان را مسخر نمایند قل یا حزب الله یقین مبین بدانید فساد و نزاع و قتل و غارت شان درندگان ارض است مقام انسان و شانش بعلم و عمل است در اکثر الواح عباد را از ما یضرهم منع و بما ینفعهم امر نمودیم یا حزب الله با جمیع احزاب عالم بمحبت و مودت معاشرت نمائید فساد و شئون آن طرا نهی شده نهیا عظیمای فی کتاب الله رب العالمین اگر چه در اول ایام از قلم اعلی نازلشد آنچه که ظاهرش مخالف امر جدید الهی است از جمله امثال اینفقرات نازل قد طالت الاعناق بالنفاق این اسیاف قدرتك یا قهار العالمین ولكن مقصود از آن نزاع و فساد نبوده بلکه مقصود اظهار مراتب ظلم ظالمین بوده و شقاوت مشرکین تا کل بدانند که ظلم فراعنه ارض بمقامی رسیده که از قلم اعلی امثال این آیه نازل و حال وصیت مینمائیم عباد الله را که از بعد ببعضی بيانات تمسک

نمایند و سبب ضرر عباد نشوند نصرت در این ظهور اعظم منحصر است بحکمت و بیان" این بیان مبارک توضیح و

ص ۴۴۷

تبیین بیان دیگری از قلم اعلیٰ است که در لوح به آن اشاره فرموده اند و اصلش در لوح قد احترق المخلصون است . در فقره از لوح مذکور میفرمایند قوله الاعلیٰ ۱۰: " قَدْ طَالَتْ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْفَاقِ أَيْنَ أَسْيَافُ انتِقَامِكَ يَا مُهْلِكَ الْعَالَمِينَ " . در قسمتی دیگر

از همین لوح مبارک بیان در شکوه از اعتراضات معرضین به امر است قوله الاعلیٰ ۱۰: " قَدْ أَرْتَفَعَ نَبَاحُ الْكِلَابِ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ أَيْنَ غَضَنَفَرُ غِيَاضِ سَطَوَتِكَ يَا قَهَّارَ الْعَالَمِينَ " - آنچه که در این قبیل از توضیحات و شروحاتی که از قلم وحی نازل و یا از مرکز منصوح آن جمال احدیه صادر میشود میتوان استنتاج نمود اینست که: در مطالبی و یا مسائلی که بظاهر تناقضی در آن مشاهده میشود استنتاج و استنباط در آن الواح مبارکه منوط به بررسی و مطالعه سایر الواح نازله و نیز الواح تبیینی است .

نمونه دوم « مقصود از نصرت » در الواح مبارکه به تصریح معنی و مقصود از نصرت امر نازل در الواح سماوی را شرح و بیان فرموده اند . چند نمونه از این قبیل از بیانات مبارکه برای رساندن مقصود کافی بنظر میرسد ۱) در لوح سلطان در معنی « نصرت » نازل شده قوله الاعلیٰ ۱۱: " مقصود از نصرت این نبوده که نفسی بنفسی محاربه یا مجادله نماید " نصرت الیوم اعتراض بر احدی و مجادله با نفسی نبوده و نخواهد بود بلکه محبوب آن است که مدائن قلوب که در تصرف جنود نفس و هوی است بسیف بیان و حکمت تبیان مفتوح شود لذا هر نفسیکه اراده نصرت نماید باید اول بسیف معانی و بیان مدینه قلب خود را تصرف نماید و از ذکر ما سوی الله محفوظ دارد و بعد بمدائن قلوب توجه کند اینست مقصود از نصرت ابداء فساد محبوب حق نبوده و نیست " - ۲) در لوح دیگری به تصریح و بیان دیگری احبای الهی را امر به « نصرت حق »

فرموده و مقصود از « نصرت حق » را نیز تبلیغ و هدایت عباد بیان فرموده اند قوله العزیز ۱۲: " در جمیع احیان بنصرت حق مشغول باشید ، یعنی هدایت عباد الی الله مالک الایجاد ، بشانی در محبة الله باید مشتعل باشید که غافلین از مشاهده آن و

حرارت آن بشطر دوست توجه نمایند و از کاس عرفان بیاشامند "

(۳) در لوح اَمِنَع دیگری امر به نصرت میفرمایند به حکمت و بیان قوله الاعلیٰ ۱۳: "قل یا ملاء الارض انصروا الرحمن بالحکمة و البیان و بالاخلاق التي بها تظهر مقامات النفوس".

(۴) در لوحی نازل قوله العزيز ۱۴): " امروز اهل فردوس اعلیٰ نفوسی هستند که ماسوی الله را معدوم دانند و مفقود شمروند ... در جمیع احوال بر کرسی اطمینان جالسند و بر سریر ایقان مستریح با کمال سکینه و وقار بر نصرت امر قیام نمایند و بجنود حکمت و بیان مدائن افئده را تصرف کنند " - برای مزید اطلاع مراجعه کنید به روش دوم.

نمونه سوم « حکمت » بمعنی روش صحیح و نتیجه بخش در تبلیغ امرالله ۱۵:

نمونه چهارم « ارض » ، بمعنی قلب . در لوح اتحاد نازل قوله الاعلیٰ ۱۵: " و

همچنین بحکمت بعضی از دوستان الهی حکمت را ملاحظه ننموده اند و از مقامش غافل شده و سبب گشتند در بعضی از بلاد ضوضاء مرتفع شد * بشنوید ندای مظلوم را و بانچه در الواح نازل شده عامل شوید تا سمع نیابید لب نگشائید و تا ارض طیبه مبارکه مشاهده نکنید بذر حکمت را ودیعه نگذارید * القاء کلمه الهی وقتی است که سمع و بصر مستعد باشند و همچنین ارض * " .

نمونه پنجم « مقصود از علماء » در لوحی مقصود از ذکر « علما » نازله در الواح مبارکه و اخبار در ظهور قائم را به این شرح بیان میفرمایند قوله الاعلیٰ ۱۶: " باب فضل بر وجوه کل مفتوح با عاصی و مطیع در ظاهر بیک قسم معاشر که شاید بدکاران بدریای بخشش بی پایان پی برند تجلیات اسم ستار بقسمی ظاهر که بدکار گمان مینمود از اختیار محسوب هیچ قاصدی محروم نماند و هیچ مقبلی ممنوع نه اعراض و اجتناب تاس را سبب علمای شیعه و اعمال ناشایسته بوده سبحان الله در کودکی میشنیدیم فلان عالم در کلمه قائم سخن میگوید که از احادیث ؟ اخبار بما رسیده یوم ظهور آنحضرت بکلمه تکلم میفرماید و نقباء کل از آن کلمه علیا اجتناب مینمایند و فرار

اختیار میکنند آیا آن کلمه چیست که اعلیٰ الخلق از حق اعراض مینمایند ای معشر جهلا آن کلمه اینست و در این حین میفرماید هو در قمیص انا ظاهر و مکنون بانا المشهود ناطق نشنیده فرار نمودید بگو اینست آن کلمه که از سطوتش فرائض کل مرتعد الا من شاء الله مقصود از علما در این مقامات نفوسی بوده که ناس را از شاطی بحر احدیه منع نموده اند و الا عالم عامل و حکیم عادل بمتابه روحند از برای جسد عالم طوبی از برای عالمیکه تارکش بتاج عدل مزین و هیکلش بطراز انصاف " . در این بیان مبارک چند مسئله اساسی را مشاهده میکنیم : « علما » و « عالم عامل و حکیم » .

اولی باعث احتجاب ناس در ظهور جدید میشود و دیگری را به روح که در هر جسد زنده ای وجود دارد تشبیه میفرمایند .

نمونه ششم « وادی نبیل » در کتاب بدیع مقصود از وادی نبیل را بیان فرموده اند قوله عزعزازه ۱۷ : " مقصود از وادی نبیل که در الواح ذکر شده نفس این ظهور اعظم بوده و خواهد بود و وادی آن ارض قدسی است که فوق طبقات جنان خلق شده و لا

یقدر ان یرد علیها الا اهل البهاء تالله انهم اهل وادی النبیل و وادی العظمة و وادی الاستقلال و وادی الجلال و وادی الاقتدار و وادی العزة و وادی البقا و وادی التقدیس و وادی التنزیه و وادی الکبریا و غیر این نفوس از وادی نبیل خارج و در تیه نفس و هوی متحیز و مبتلی " .

نمونه هفتم « جهلای ارض » در لوح امنعی مقصود از یک بیان را در همان لوح مبارک نازل فرموده اند قوله العزیز ۱۸ : " جمیع جهلای ارض ، یعنی اراضی ایران ، فتوی دادند بر سفاک دم سلطان وجود و مالک غیب و شهود ، و مقصود از جهلا علمای آن دیارند که سبب و علت اعراض و اعتراض من فی البلاد بوده و هستند " .

ردیف	نام کتاب و مولف
۱	کتاب بدیع ص ۴۰۵ و ۴۰۶ .
۲	آثار قلم اعلیٰ ج ۳ ص ۲۱۱ ، موسسه ملی مطبوعات امری ، سنه ۱۲۱ بدیع .
۳	مائده آسمانی ج ۴ ، ص ۳۹۳ ، طبع طهران ، سنه ۱۰۴ بدیع .
۴	آثار قلم اعلیٰ (کتاب مبین) ج ۱ ، ص ۱۷ ، موسسه ملی مطبوعات امری .
۵	آثار قلم اعلیٰ (کتاب مبین) ج ۱ ص ۱۸ موسسه ملی مطبوعات امری . سنه ۱۲۰ بدیع .
۶	لئالی حکمت ج ۳ ص ۸۱ .
۷	مائده آسمانی ج ۴ ، ص ۳۶۸ ، طبع طهران ، سنه ۱۰۴ بدیع .
۸	اقتدارات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۲۶ الی ۲۲۸ .
۹	اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۴ و ۱۵ .
۱۰	رساله تسبیح و تهلیل ص ۱۶۲ .
۱۱	آثار قلم اعلیٰ ج ۱ ص ۷۴ و ۷۵ .
۱۲	لئالی حکمت ج ۱ ص ۱۷۲ لوح ۱۱۳ .
۱۳	لئالی حکمت ج ۳ ص ۱۶۲ لوح ۸۶ .
۱۴	اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۲۹۵ .
۱۵	ادعیه محبوب ص ۴۰۳ .
۱۶	اشراقات مجموعه الواح مبارکه ص ۱۳۸ و ۱۳۹ .
۱۷	کتاب بدیع ص ۴۰۴ و ۴۰۵ .
۱۸	لئالی حکمت ج ۱ ص ۱۶۷ .

ص ۴۵۱

فهارس ششگانه

- ۱ - فهرست منتخباتی از مندرجات کتب عهد قدیم
- ۲ - فهرست منتخباتی از مندرجات کتب عهد جدید
- ۳ - فهرست آیات قرآن کریم
- ۴ - فهرست احادیث نبوی
- ۵ - فهرست احادیث ائمه اطهار

۶ - فهرست مشخصات کتب و مآخذ

ص ۴۵۲

فهرست منتخباتی از مندرجات کتب عهد قدیم و عهد جدید

تورات و کتب عهد قدیم

سفر پیدایش باب ۱۴ / ۲۷-۲۶ ص ۲۸۵ . سفر خروج باب ۱ / ۱ الی ۶ ص ۲۹۸ .

سفر تثنيه ۱۲۰ / ۱۵ ص ۴۰۴ ، ۲۰ ص ۴۱۲

کتاب ایوب ، باب ۱۴ / ۱۴-۱۲ ص ۴۲۴

کتاب مزامیر داود ، مزمور ۲۷ / ۷ ص ۴۱۳ ، مزمور ۲۷ / ۱۴ ص ۴۱۲

کتاب حزقیال نبی : باب ۱۲ / ۱۷ و ۲۱ و ۲۶ ص ۴۰۳ ، ۱۳ / ۲ ص ۴۰۳

کتاب ملاکی نبی : باب ۱ / ۲ و ۲ ص ۴۰۷ ، باب ۵ / ۴ ص ۴۱۲

انجیل و کتب عهد جدید

متی : باب ۱۵ / ۳ الی ۱۲ ص ۲۳۵ ، ۸ ، ص ۲۵۴ و ۴۰۷ و ۴۱۳

متی : باب ۲۱ / ۸ و ۲۲ ص ۴۰۴

متی : باب ۱۲ / ۱۳ الی ۱۷ ص ۱۴۸ ص ۴۰۲ .

متی : باب ۲۲ / ۲۹ و ۳۰ ص ۴۲۷ .

متی : باب ۲۳ / ۳۹ ص ۲۵۴ . ۲۹ ص ۴۰۷ ، ۲۲ ص ۴۱۴ .

متی : باب ۲۴ / ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ ص ۷۱۶ و ۲۱۷ ، ۳۰ ص ۴۰۲ ، ۲۹ و ۳۰ و ۳۵ ص ۴۱۴ ، ۲۹ و

۳۰ ص ۴۱۶ .

متی : باب ۲۵ / ۲۱ ص ۲۵۲ .

متی : باب ۲۶ / ۲۹ ص ۲۹ ، شماره ۶۵ الی ۶۸ ص ۲۷۷ .

مرقس : باب ۹ / ۹ و ۱۰ ص ۴۲۵ .

لوقا : باب ۲ / ۲ ص ۲۷۶ و ۲۷۷ .

لوقا : باب ۹ ، ۵۹ و ۶۰ ص ۴۰۴ .

یوحنا : باب ۱۴ / ۲ ص ۴۰۲ .

یوحنا : باب ۲۴ / ۵ ص ۴۰۴ و ۲۰ و ۲۱ ص ۴۲۷ ، ۲۷ و ۲۸ ص ۴۲۶ و ۴۲۸ .

یوحنا : باب ۱۱ / ۴۲ الی ۵۲ ص ۲۷۷ .

یوحنا : باب ۱۸ / ۱۳ و ۲۴ ص ۲۷۶ و ۲۷۷ .

رساله اول پطرس : باب ۱/۱۸ الی ۲۰ ص ۴۴۱۸ ، باب ۵/۱۴۴ ص ۴۰۳ . رساله دوم پطرس :
باب ۸/۲ ص ۲۵۴ ، ۱۲ ص ۴۰۷ .
رساله اول یوحنا : باب ۲/۱۴ ص ۴۰۴ .
رساله پولس به افسسیان : باب ۱/۲ و ۲ ص ۴۰۴ – رساله دوم پولس بقرنتیان : باب
۵/۱۰ ص ۴۲۷ .

ص ۴۵۳

فهرست آیات قرآن

۲. سوره بقره ص/ آیات

ص ۱۹ – ص ۸۲: ۲۷ و ۴۰ و ۷۴ و ۱۵۴ – ص ۹۲: ۲۵ و ۶۰ و ۸۳ – ص ۹۲: ۷۳ – ص ۱۳۹ و
۲۳۸: ۱۰۲ – ص ۱۴۸: ۱۹ و ۲۱۷ – ص ۱۴۰: ۱۹۳ – ص ۱۳۸/۳۲۹ – و ۳۰۰ – ص ۱۶۲: ۲۳ –
ص ۱۴۰: ۲۱۷ – ص ۲۱۸: ۴۶ و ۲۲۳ و ۲۴۹ – ص ۲۷۲: ۱۰۲ – ص ۲۳۴: ۱۰ – ص ۳۳۴: ۱۱ –
ص ۳۳۶: ۱ و ۲۳ – ص ۳۳۸/۲۸ – ص ۴۰۱ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۱۷/۲۱۰ – ص ۴۰۱ و ۴۰۲ و
۴۰۳: ۳۰ – ص ۴۰۳: ۲۵ – ص ۴۰۴: ۲۷ – ص ۴۰۷: ۴۶ و ۲۱۰ – ص ۴۲۵: ۲۵۹ و ۲۶۰ – ص
۴۰۱/۳۰ و ۲۱۰ –

سوره آل عمران

ص ۱۱۹/۳۳۳ – ص ۷/۳۸۱ – ص ۶/۳۸۵ – ص ۹۳/۴۰۵ – ص ۱۴۲/۱۳۸ – ص ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۱۸۱/
۵ – ص ۱۸/۲۸۴ – ص ۹۳/۳۱۱ – ص ۱۱۵/۳۳۳ – ص ۵۴/۳۳۷ – ص ۹۳/۴۰۵ – ص ۹/۴۲۵ و ۲۵۰
و ۴۹ و ۱۵۶ –

۴. سوره نساء

ص ۶۲/۴۳۱ – ص ۱۲۲/۹۲ – ص ۱۰۱/۱۴۰ – ص ۱۰۵/۲۷۲ – ص ۱۳۰/۳۳۳ – ۳۵۵ و ۳۹۳ و
۴۳۰ / ۵۹ – ص ۸۷/۴۲۵

۵. سوره مائده

ص ۷۷/۴۱ – ص ۱۳۲/۹۲ – ص ۱۰۱/۱۴۰ – ص ۱۱۲/۴۰۵ و ۱۱۴ – ص ۸۷/۴۲۵ –

٦. سورة انعام: ص ٦٢/٩٢ - ١٠٢ - ص ٩٥/٣٣١ و ٩٦ - ص ١٤٧/٣٣٣ - ص ٨٥/٣٣٤ - ص ١٨/٣٣٧ و ٦١ - ص ١٥٨/٤٠٨ - ص ٢٣/١٤٠ - ص ١٢٢/٣٠١ ص ٣١/٣٣٦ - و ١٥٨ - ص ٤٠٧/٣١
٣١ ص ٣٣٦ و ٤٠٧ - ص ٣٧/٣٧٠ - ص ١٥٦/٤١٨ - ص ٥١/٤٢٥ -

٧. سورة اعراف

ص ٣٣: ١٢ - ص ١٨٤/٦٠ - ص ١٣٤/٨٢ - ص ٧٣/٣٣٠ - ص ١٤٣/٣٣٢ - ص ٨٥/٣٣٤ -
ص ٧٣/٣٣٠ - ص ٣٦٩ و ٣٧٤ و ٤٢٦ / ١٨٧ -

٨. سورة انفال

ص ١٤٨: ٣١ - ص ٣٠/٣٣٧ -

٩. سورة توبه

ص ١٥٩: ٣٢ - : ص ٥١/٩١ - ص ٦٢/٢٨٥ - ص ٧٨/٣٣٠ -

١٠. سورة يونس

ص ٨٥/١٤٠ - ص ٥٣/٢٨٤ - ص ٣/٣٨٢ - ص ٢٥/٣٩٣ - ص ٤٧/٤٢١ -

١١. سورة هود. ص ١٤٨: ٥ - ص ٦٤/٣٣١ - ص ١/٣٨١ - ص ١٤/١٣٨ -

١٢. سورة يوسف

ص ١٠٧/٤٢٥ -

١٣. سورة رعد

ص ٢٥/٨٢ - ص ٢٠/٨٣ -

١٤. سورة ابراهيم

ص ١٤٨: ٤٣ - ص ٢٤/٣٣٨ - ص ٥/٤١٣ - ص ٤٩/٤١٧ -

١٥. سورة حجر

ص ٧٢/٢٨٦ - ص ٨/٤٠١ -

١٦. سورة نحل

ص ٩٠/١٢٣ - ص ١١٠/١٤٠ - ص ٧٨: ١٤٩ - ص ٢/٤٠١ - ص ٣٣/٤٠٨ -

١٧. سورة بنى اسرائيل (الاسرى)

ص ٣٥/١٢١ - ص ١٤٨: ٣٦ و ٤٨ - ص ١٦٢: ٤١ -

ص ٨٥/٨٠ - ص ٧٣/١٤٠ - ص ٣٦/١٤٨ - ص ٣٩/١٦٢ ص ٧٩/٣٣٠ - ص ٥٨/٤٢٤ -

١٨. سورة كهف

ص ١١٠/٤٠٧ -

ص ٢٨/٩٢ - ص ٦١/٣٤١ الى ٨٢ - ص ١١٠/٤٠٧ - ص ٩٩/٤٢٥

١٩. سورة مريم: ص ٥٧ - ٩٥ - ص ١٩٨ و ص ٣٣٠.

٢٠. سورة طه: ص ٢٥/٣٣١ - ص ١٧/٣٩٩ الى ٢٤ -

ص ٨/٦٠ - ص ١١٥/٨٢ - ص ١١٣/٢٢٧ -

٢١. سورة انبياء: ص ٦٩/٣٣ - ص ١١٠/١٣٨ -

٢٢. سورة حج

ص ١١/١٤٠ - ٧ ص ٤٢٧ و ٧/٤٢٨ -

٢٣. سورة مؤمنون: ص ١٤/٣٣٤ -

٢٤. سورة نور: ص ٣٥/٢٦ - ٣٤٨ و ٣٤٩.

٢٥. سورة فرقان:

ص ٥٩/٣٨٢ - ص ٢٧/٤٢٢ -

٢٦. سورة شعراء: ص ١٨٢/١٢١ - ص ٣١/٣٩٩ الى ٣٣ -

٢٧. سورة نمل: ص ٦٥/١٣٨ - ص ٢٣/٣٨٢ و ٢٦ -

٢٨. سورة قصص: ص ١٠/١٤٨ - ص ١٧/٢٥٤ - ص ٥/٣٧١ - ص ٣١/٣٩٩ و ٣٢ -

٢٩. سورة عنكبوت: ص ٢/١٤٠ - ص ٢٣/٤٠٧ -

٣١. سورة لقمان: ص ٣٤/٤٢٦ -

٣٢. سورة سجدہ: ص ٤/٣٨٢ -

٣٣. سورة احزاب: ص ٣٩٥ و ٤٠/٣٩٧ -

٣٤. سورہ سبا: ص ٢٤/٤١٥ -
٣٥. سورہ فاطر: ص ٨/٩١ - ص ٣١/٢٥٤ و ٣٧ - ص ١/٤٠١ -
٣٦. سورہ یس: ص ١٤/٣٣٢ - ص ٢/٢٨٦ - ص ٣٦/٤٢٤ و ٤٨ و ٥٤ -
٣٧. سورہ صافات: ص ٩٦/٩٢ -
٣٨. سورہ ص: ص ٦٥: ٢٢٥ -
- ص ٢٦/٤٢٦ -
٣٩. سورہ زمر
- ص ١٣/٣٣٥ - ص ٢٣/٣٨١ ؛ ص ٤١٥ و ٤١٧/٦٧ صص ٤١٥ -
٤٠. سورہ مؤمن
- ص ١٤٩: ١٩ - ٦٢/٩٢ - ص ٧/٣٨٢ - ص ٤٠/٤٠٥ ؛ ١٥ و ٢٤ ص ٤٢٦.
٤١. سورہ فصلت (السجدہ): ص ١٨٤ و ٢٦١: ٥٣ - ص ٣٧/٤٠٠ - ص ٥٤/٤٠٧ -
٤٢. سورہ شوریٰ: ص ١١/٦٠ ؛ ص ١٥ - ص ١٨/٣٧٠ - ٥/٤٢٦ -
٤٣. سورہ زخرف: ص ٨٥/٣٦٩ -
٤٤. سورہ دخان: ص ٩/٤٢٤ و ١٠ -
٤٥. سورہ جاثیہ: ص ١٣/٤١٣ -
٤٧. سورہ محمد: ص ١٥٣ و ٣٦٩/١٨ -
٥٠. سورہ ق: ١٩ ص ٢٢٧/٢٠١٤ و ٢٨ و ٤٥ - ص ٢٠/٤٢٤ و ٤١ و ٤٤ -
٥١. سورہ ذاریات: ص ٢٣/٢٨٤ -
٥٢. سورہ طور: ص ١١/١٤٨ - ص ٢/٤٢٦ -
٥٣. سورہ نجم: ص ٣٩/٩٢ - ص ١٦٢: ٤ و ١٠ - ص ١١/١٤٨ - ص ١٣/٤٠٩ -
٥٤. سورہ قمر: ١ ص ٣٦٩ -
٥٥. سورہ رحمن: ص ٣٦: ٥٤ - ص ٥/٤٠٠ - ص ٣٩/٣٩٢ -
٥٦. سورہ واقعہ: ص ١٨: ١٥٣ -
٥٧. سورہ حدید: ص ٤/٣٨٣ -

٦٤. سورة تغابن: ص ١٣٨/٤ - ص ٢٦/٩
٦٨. سورة نون: ص ١٤٠/٦ -
٦٩. سورة حاقه: ص ٣٨٢/١٧ -
٧٠. سورة معارج: ص ٤٠٦/٤ - ص ٢٨٦/٤٠ -
٧١. سورة نوح: ص ١٤٨/٦
٧٤. سورة مدثر: ص ٤٨/٤ الى ٥١ -
٧٥. سورة قيامت: ص ١٤٩: ١٤ - ص ٣٣٢/٢٢ و ٢٣ - ص ٤٠٧/٢٢ و ٢٣ - ص ١٨/١ و ٦ -
٧٦. سورة دهر: ص ٢١/٣٦ - ص ٩/٤٠٥ - ص ٣٠/٩٢ - ص ١٥٣/٥ -
٧٧. سورة مرسلات: ص ٣٨/٤٢٦ -
٧٨. سورة نباء: ص ٣٧/٤١٤ -
٧٩. سورة نازعات: ص ٤٠/٢٠٦ و ٤١ - ص ٣٤/٤٢٦ -
٨١. سورة تكوير: ص ١١/٤١٤ -
٨٢. سورة انفطار: ص ٤١٤ و ١/٤٢٢ - ص ١/٤٢٢ -
٨٣. سورة مطففين: ص ١٥٣: ٢٥ -
٨٤. سورة انشقاق: ص ١/٤٢٢ -
٨٥. سورة بروج: ص ١٣٩/١٠ - ص ٢/٤٢٦ -
٨٧. سورة اعلی: ص ٧/١٣٨.
٨٨. سورة غاشیه: ص ٤١٥ - ١٨ -
٨٩. سورة فجر: ص ٢٣/٤٠٣ - ص ١٤/٤٢٩ -
٩٢. سورة لیل: ص ١٣/٢٢٥ و ١٤/١٣ -
٩٥. سورة تین: ص ٤/٣٣٥ - ١/٢٨٦ و ٢ -

١٠٠. سورة عاديات: ص ٩/٤٢٨ -

١١٤. سورة ناس: ص ٥/٣٣٧ -

فهرست احاديث نبوى

- ١ - فقال النبى ص : خرج هذا من النار ص ٣٣.
- ٢ - أن لله تسعة وتسعين اسماء ص ٦٠.
- ٢ - كنت كنزا مخفيا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكى اعرف . ص ٦٥.
- ٣ - الانسان سرى وانا سره . ص ٨١ و ١٨٣
- ٤ - القدرية مجوس هذه الامة : ان مرضوا فلا تعودهم . و ان ماتوا فلا تشهدوهم ص ٩٢.
- ٥ - لا تجالسوا اهل القدر ، ولا تفاتحوهم صص ٩٢ و ٩٣.
- ٦ - " ان خلق احدكم يجمع فى بطن امه اربعين مثل ذلك ، ثم يبعث اليه ملك فيؤمر باربع كلمات ص ٩٣.
- ٧ - لَوَلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمٌ ... حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِّنِي ... ص ١٢٤.
- ٨ - لَوَلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ اِلَّا يَوْمٌ لَّبَعَثَ اللهُ رَجُلًا مِّنْ اَهْلِ بَيْتِي يَمْلأُهَا عدلا كما ملئت جورا ص ١٢٤.
- ٩ - : قال النبى صلى الله عليه وسلم : يخرج رجل من وراء النهر ... ص ١٢٤.
- ١٠ - عن النبى صلى الله عليه وسلم قال ((يَكُونُ فى هذه الامة اربعُ فِتْنٍ فى آخرها الفناء)) ص ١٤١.
- ١١ - لابد من فتنة يبتلى بها هذه الامة بعد نبئها ... الى يوم القيامة . ص ١٤١
- ١٢ - عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فَضْلُ عَائِشَةَ ... ص ٢٦٩.
- ١٣ - ص ٣٤٥.
- ١٤ - من عرف نفسه فقد عرف ربه صص ٣٤٠ الى ٣٤٥.
- ١٥ - اللهم انى عبدك وابن عبدك وابن امتك ... ص ٣٤٥.
- ١٦ - حِجَابُهُ النُّورُ ... لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبْحَاتُ وَجْهِهِ مَا أَنْتَ إِلَيْهِ ... ص ٣٤٨.
- ١٧ - وَهِيَ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ يَذْهَبُ نُورُهَا بِالْأَبْصَارِ ص ٣٤٨.
- ١٨ - ان لله سبعين حجابا او سبعين الف حجاب من نور و ظلمة لو كشفها ... ص ٣٤٩.
- ١٩ - لياتين على امتى ما اتى على بنى اسرائيل ... ستفرق امتى على ثلاث و سبعين ملة ، تزيد عليهم ملة ، كلهم فى النار الا ملة واحدة ص ٣٥٧.
- ٢٠ - امتى ستفرق على اثنتين و سبعين فرقة ص ٣٥٧.
- ٢١ - سَتَرُونَ رِبْكَمَ كَمَا تَرَوْنَ الْبَدْرَ فى ليلة اربعة عشر ص ٣٥٩.

- ٢٢ - انكم سترون ربكم كما ترون هذا القمر ص ٣٥٩.
- ٢٣ - قال النبي ص : انكم سترون ربكم عيانا ص ٣٥٩.
- ٢٤ - انكم سترون ربكم يوم القيامة كما ترون هذا الاتضمامون في رويته ص ٣٥٩.
- ٢٥ - لنا مع الله حالات نحن فيها هوو هوو نحن وهوو نحن نحن ص ٣٦٠.
- ٢٦ - خلق الله آدم على صورته ص ٣٨٥.
- ٢٧ - ان الرسالة و النبوة قد انقطعت ، فلا رسول بعدى ولا نبى ص ٣٩٥.
- ٢٨ - اما النبيون فانا ص ٣٩٧.
- ٢٩ - منم آدم ونوح وموسى وعيسى ص ٣٩٧.
- ٣٠ - أنَّ النبي ص قال ((إني لأرجو أن لا تعجز أمتي عند ربها أن يؤخرهم نصف يوم)) ص ٤٠٦.
- ٣١ - سأل النبي ص عن أول اشراط الساعة، فقال: نار تحشر الناس من المشرق الى المغرب. ص ٤١٩.
- ٣٢ - ألا أخبركم بأشراط الساعة ؟ - فقال : أنَّ من أشراط القيامة أضاعة الصلاة ، واتباع الشهوات .
والميل مع الأهواء وتعظيم المال ... وبيع الدين بالدنيا ص ٤١٩
- ٣٣ - قال رسول الله ص : " من أشراط الساعة أن يرفع العلم ، ويثبت الجهل ، وتشرب الخمر ، و يظهر الزنا ص ٤٢١.
- ٣٤ - لا تقوم الساعة حتى يتباهى الناس فى المساجد " . ص ٤٢٢.
- ٣٥ - أن رجلا سأل رسول الله ص عن قيام الساعة ... قال : فما فرح المسلمون بشيء بعد الاسلام أشد مما فرحوا به . ص ٤٢٢.

ص ٤٥٧

فهرست احاديث مروى از ائمه اطهار

- ٣٤ - لا جبر ولا قدر ولكن منزلة بينهما ص ٩٣.
- ٣٥ - لا جبر ولا تفويض ولا كين امرين ص ٩٣.
- ٣٦ - قال على رضى الله عنه و نظر إلى ابنه الحسن فقال : إن ابني هذا سيد كما سماء النبي صلى الله عليه وسلم و سيخرج من صلبه رجل يسمى باسم نبيكم يشبهه فى الخلق ولا يشبهه فى الخلق ، ثم ذكر قصة : يملأ الارض عدلاً ص ١٢٤.

- ۳۷ - عن الصادق عليه السلام : ((اذا قام القائم (ع) دعا النَّاسَ إلى الاسلام جديدا ص ۱۲۵ .
- ۳۸ - اذا قام القائم أمر بهدم المنار والمقاصير التي في المساجد . ص ۱۲۵ .
- ۳۹ - عن الكاظم عليه السلام في قوله تعالى : " وله اسلم من فى السموات والارض طوعاً وكرهاً " قال : ((أنزلت في القائم إذا خرج باليهود والنصارى والصابئين والزنادقة وأهل الردة والكفار في شرق الأرض و غربها ص ۱۲۵ و ۳۷۳ .
- ۴۰ - يقوم (القائم) بأمر جديد ، وكتاب جديد ، و سنة جديدة ، وقضاء... ص ۱۲۶ و ۳۷۳ .
- ۴۱ - إذا قام القائم أهل البيت قسّم بالسوية ، و عدل في الرعية ، فمن أطاعه فقد أطاع الله ، و من عصاه فقد عصى الله ، وإنما سمي المهدي (مهديا) لأنه يهدي إلى أمر خفي ، ويستخرج التوراة و سائر كتب الله عز و جلّ من غار بانطاكية و يحكم بين أهل التوراة بالتوراة ، بين أهل الانجيل بالانجيل ، و بين أهل الزبور بالزبور ، و بين أهل القرآن بالقرآن ... ص ۱۲۶ و ۳۷۳ .
- ۴۲ - المهدي رجل من ولدى لونه لون عربى ، و جسمه جسم اسرائيلى ... ص ۱۲۶ و ۳۷۳ .
- ۴۳ - روایت است از امام صادق عليه السلام كه فرمود : والله گویا نظر میکنم به سوى آن حضرت يعنى قائم عليه السلام بين ركن و مقام كه بيعت ميگيرد از مردم بر كتابى جديد ص ۱۲۶ و ۳۷۴ .
- ۴۴ - در كافي روايت شده از امام باقر عليه السلام كه فرمود در تفسير آيه شريفه ((ولقد اتينا موسى الكتاب فاختلف فيه)) كه اختلاف كردند در آن يعنى بنى اسرائيل چنان كه اختلاف كردند اين امت در كتاب و زود است كه اختلاف كنند در كتابى كه با قائم عليه السلام است كه مى آورد آن را تا اينكه انكار مى كنند آن را جماعت بسيارى از مردمان . ص ۱۲۶ و ۳۷۴ .
- ۴۵ - در عيون روايت است از امام رضا عليه السلام كه فرمود چون آن حضرت خروج كند روشن شود زمين به نور پروردگار خود و گذاشته شود ميزان عدل ميان مردم پس ظلم نمى كند احدى احدى را . ص ۱۲۶ و ۳۷۴ .
- ۴۶ - حضرت صادق فرمود نحن الراسخون فى العلم و نحن نعلم تاويله . ص ۲۱۶ .
- ۴۷ - يكي از امام محمد باقر يا صادق عليهما سلام راجع به قول خداى عز و جل (۳، ۶) ... فرمود : پيغمبر صل الله عليه و آله بهترين راسخ در علم است . ص ۲۱۶ .
- ۴۸ - حضرت صادق فرمود ۱۰ : الراسخون فى العلم اميرالمومنين و الائمة من بعده ص ۲۱۶ .
- ۴۹ - قول الصادق عليه السلام : ما بدا لله بداء كما بدا له فى اسماعيل ابنى ص ۲۶۸ .
- ۵۰ - ما بدا لله بداء اعظم من بداء بدا له فى اسماعيل ابن ص ۲۶۸ .
- ۵۱ - عن جعفر الصادق عليه السلام انه جعل اسماعيل القائم مقامه بعده ... فجعل القائم مقامه موسى عليه السلام ... فقال : بدا لله فى اسماعيل ص ۲۶۸ .

- ٥٢ - ابن بابويه بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است
سه کس بودند که بر حضرت رسول ص دروغ بسیار می بستند ص ٢٧٠.
- ٥٣ - سَأَلَ امير المؤمنين ع : بِمَ عَرَفْتَ رَبَّكَ ؟ فَقَالَ : بِمَا عَرَفْتَنِي نَفْسُهُ ... ص ٣٤٣.
- ٥٤ - لى مع الله حالات انا هو و هو انا الا انا و هو هو ص ٣٤٥.
- ٥٥ - لولاك لما خلقت الافلاك من احبك ص ٣٤٦.
- ٥٦ - فروي عن امير : كان الله و لا شىء معه ، ... لولاك ما خلقت الافلاك ص ٣٤٦ و ٣٤٧.
- ٥٧ - انه اخذ الحصى فى كفه فقالت كل واحدة ص ٣٤٧.
- ٥٨ - حديث حضرت صادق در «باب اختلا ت حديث» ص ٣٥٦.
- ٥٩ - عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: " افترت اليهود على أحدى وسبعين فرقة ، سبعون منها فى النار ، و واحدة ناجية فى الجنة ص ٣٥٨.
- ٦٠ - اىكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك عميت عين لا تراك . ص ٣٥٩.
- ٦١ - لنا حالات مع الله هو فيها نحن ، ونحن فيها هو ، ومع ذلك هو هو ونحن نحن ص ٣٦١.
- ٦٢ - قال الصادق عليه السلام العبودية جوهرة كنهها الربوبية ص ٣٦١.
- ص ٤٥٨
- ٦٣ - قول حضرت امير در جواب اعرابى كه از نفس سئوال نموده فرموده و ثالثها اللاهوتية الملكوتية و هى قوة لاهوتية و جوهرة بسيطة حية بالذات ص ٣٦١.
- ٦٢ - روى ان اعرابيا سال امير المؤمنين عليه السلام عن النفس ص ٣٦١.
- ٦٣ - اذا قام اشرق الارض بنور ربها ص ٣٦٢.
- ٦٤ - عن الصادق ع قال ... اذا يستغنى الناس عن ضوء الشمس و نور القمر ص ٣٦٣.
- ٦٥ - يسند القائم عليه السلام الى الحرم ، ... و يقول : هذه يد الله و عن الله ، و بامر الله ص ٣٦٣.
- ٦٦ - كل بيعة قبل الظهور القائم عليه السلام فيبعته كفر و نفاق و خديعة ص ٣٦٣.
- ٦٧ - حديث حضرت على ع : انا الذى لا يقع عليه اسم و لا صفة ص ٣٦٣.
- ٦٨ - انا عندى مفاتيح الغيب ، لا يعملها بعد رسول الله إلا أنا ص ٣٦٣.
- ٦٩ - كيف اعبد رباً لم أره ص ٣٦٤.
- ٧٠ - عن ابى عبد الله ع قال : جاء حَبْرٌ الى أمير المؤمنين صلوات الله عليه فقال : يا أمير المؤمنين ! هل رَأَيْتَ رَبَّكَ حِينَ عِبَدْتَهُ ؟ قَالَ : فَقَالَ : وَبِلَكَ مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ ، قَالَ : وَكَيْفَ رَأَيْتَهُ ؟ قَالَ : وَبِلَكَ لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ فِي مُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقِّقِ الْإِيمَانِ ! ص ٣٦٤.
- ٧١ - المؤمن حى فى الدارين ص ٣٦٤.

- ٧٢ - قال رسول الله ص ان حديث آل محمد صعب مستصعب ص ٣٦٤.
- ٧٣ - والذي نفسى بيده ص ٣٦٥ و ٣٦٦.
- ٧٤ - اذا قام القائم عليه السلام جاء بامر جديد ، كما دعى رسول الله عليه وآله وسلم فى بدو الاسلام الى امر جديد . ص ٣٦٦.
- ٧٥ - اذا قام القائم دعا الناس الى الاسلام جديدا وهداهم الى امر قد دثر وضل عنه الجمهور ص ٣٦٦ و ٣٦٧.
- ٧٦ - كم يملك القائم عليه السلام ؟ قال : سبع سنين يطول له الايام ص ٣٦٧.
- ٧٧ - وقد روى ان مدة دولة القائم عليه السلام تسع عشرة سنة يطول ايامها وشهورها على ما قدمنا وهذا امر مغيب عنا ص ٣٦٧.
- ٧٨ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : لا تقوم الساعة حتى يخرج المهدي من ولدى ص ٣٦٨.
- ٧٩ - عن الصادق عليه السلام قال : القائم هو الخامس من ولد ابني موسى ، ... ثم يظهره الله عز وجل فيفتح (الله) يديه مشارق الارض ومغاربها ، وينزل روح الله عيسى بن مريم (ع) فيصلى خلفه وتشرق الارض بنور ربها ص ٣٦٨.
- ٨٠ - عن الرضا عليه السلام قيل له متى يقوم القائم ؟ قال : اما متى فاخبار عن الوقت ص ٣٦٩.
- ٨١ - سالت سيدى الصادق عليه السلام هل المامول المنتظر المهدي عليه السلام من وقت موقت يعلمه الناس ؟ ... قال : لانه هو الساعة ... ص ٣٦٩.
- ٨٢ - عن الباقر عليه السلام ... قال : وسيريك فى آخر الزمان آيات ، منها دابة (في) الأرض ، والدجال ، ونزول عيسى بن مريم (ع) ، وطلوع الشمس من مغربها . ص ٣٧٠.
- ٨٣ - عن امير المؤمنين عليه السلام : أصحاب المهدي شباب لا كهول فيهم ص ٣٧٠.
- ٨٤ - عن الصادق عليه السلام : ان قائمنا اذا قام استقبل من جهلة الناس أشد ما استقبله رسول الله صلى الله عليه وآله من جهال الجاهلى ص ٣٧١.
- ٨٥ - حديث شماره ١ : " الحسين بن محمد ، عن معلى بن محمد ، عن الوشاء ، عن أبان بن عثمان ، عن أبي الصباح الكناني قال : نظر أبو جعفر عليه السلام إلى أبي عبد الله عليه السلام يمشي فقال : ترى هذا ؟ هذا من الذين قال الله عز وجل : **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ** " ص ٣٧١.

- ۸۶ - عن الصادق عليه السلام سئل عن الرجعة ... قال : نعم . قيل : من أول من يخرج ؟ قال : الحسين عليه السلام يخرج على اثر القائم عليه السلام ص ۳۷۲ .
- ۸۷ - أيام الله عز وجل ثلاثة : يوم يقوم القائم ويوم الكرة ، ويوم القيامة . ص ۴۱۴ .
- ۸۸ - عن الصادق عليه السلام انه قال : المرصاد : قنطرة على الصراط ص ۴۳۰ .
- ۸۹ - حديث نبوي منقول از حضرت صادق ع : " لى مع الله حالات هو انا و انا هو الا هو هو و انا انا ص ۴۴۴ .

ص ۴۵۹

مشخصات كتب و مآخذ

اول ، آثار بهائی

- ۱ - آثار حضرت بهاء الله جلّ ذكره
- (۱) كتاب مستطاب اقدس
- (۲) كتاب مستطاب ايقان. طبع بمعرفة (فرج الله ذكى الكردى) بمصر.
- (۳) آثار قلم اعلى جلد ۱ (كتاب مبين). مؤسسه ملى مطبوعات امرى سنه ۱۲۰ بديع.
- (۴) آثار قلم اعلى جلد ۲. مطبع الناصرى بمبئى سنه ۱۳۱۴ هـ . ق.
- (۵) آثار قلم اعلى جلد ۳. مؤسسه ملى مطبوعات امرى سنه ۱۲۱ بديع.
- (۶) آثار قلم اعلى جلد ۴. مؤسسه ملى مطبوعات امرى سنه ۱۲۵ بديع.
- (۷) لوح شيخ محمد تقى نجفى (ابن ذئب) جلد زركوب. بدون ناشر. ۲۸۴ - ط.
- (۸) مجموعه الواح مباركه. بسعى محي الدين صبرى كردى سنندجى كانيمشكانى. مطبعه سعادة. قاهره. مصر. فى ۹ ذوالقعدة سنه ۱۳۳۸ هـ . ق.
- (۹) اشراقات (مجموعه الواح مباركه). بى ناشر. بى تاريخ.
- (۱۰) اقتدارات (مجموعه الواح مباركه). بى ناشر. بى تاريخ.
- (۱۱) لوح سلطان. مؤسسه ملى مطبوعات امرى سنه ۱۲۰ بديع. بات اعراب گذارى و لغتنامه. تنظيم عزيز الله سليمانى اردكانى.
- (۱۲) ادعيه محبوبى. بسعى فرج الله ذكى الكردى. طبع مصر. سنه ۷۶ بديع.
- (۱۳) اذكار المقربين جلد ۱. تاليف عبدالحميد اشراق خاورى. لجنه ملى نشر آثار امرى. سنه ۱۱۴ بديع.

- ۱۴) لئالی حکمت جلد ۱. منشورات دارالنشر البهلثیة فی البرزیل . الطبعة الاولى . ۱۴۳ بدیع .
 ۱۵) لئالی حکمت جلد ۲. منشورات دارالنشر البهلثیة فی البرزیل . الطبعة الاولى . ۱۴۶ بدیع .
 ۱۶) لئالی حکمت جلد ۳. منشورات دارالنشر البهلثیة فی البرزیل . الطبعة الاولى . ۱۴۸ بدیع .
 ۱۷) منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله . لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی . لانگهائین .
 آلمان . نشر اول . سنه ۱۴۱ بدیع .

۱۸) کتاب بدیع . Zero Palm Press, 148 B.E.

- ۲ - آثار حضرت ربّ اعلیٰ جلّ ذکره
 ۱۹) کتاب مستطاب بیان فارسی . بی ناشر . بی تاریخ .
 ۳ - آثار حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائہ
 ۲۰) مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۲ . بسعی فرج الله ذکی الکردی . مطبعة (کردستان العلمیة)
 ۱۳۳۰ هـ . ق .

ص ۴۶۰

- ۲۱) مفاوضات .
 ۲۲) منتخباتی از مکاتیب عبدالبهاء . طبع محفل ملی بهائیان امریکا ۱۹۷۹ .
 ۴ - آثار حضرت ولی امرالله جلّ سلطانه
 ۲۳) لوح قرن ۱۰۱ بدیع . بی ناشر . بی تاریخ .
 ۲۴) لوح سنه ۱۰۵ بدیع . لجنه ملی نشر آثار امری . طهران سنه ۱۰۵ بدیع .
 ۲۵) قرن بدیع (گاد پاسز ذای) . لجنه ملی نشر آثار امری . نشر دوم . طهران سنه ۱۲۲ بدیع .
 ۲۶) دور بهائی . نشر سوم . لانگهائین . آلمان سنه ۱۴۴ بدیع .

27) God Passes By. Shoghi Effendi. Bahá'í Publishing Trust. Willmette. Illinois. Second Printing 1979.

28) The Unfoldment of World Civilization. Bahá'í Publishing Trust. Willmette. Illinois. Second revised edition 1974.

دوم ، آثار مؤلفین بهائی

- (۳۰) فرائد ، تالیف حضرت ابوالفضائل گلپایگانی. بنفقه الحاج عبدالکریم الطهرانی و میرزا علی محمد الشیرازی. بمطبعة هندیه بشارع المهدی بالازبکیه.
- (۳۱) رساله تسبیح و تهلیل. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. لجنه ملى نشر آثار امری. طهران. ایران. سنه ۱۰۵ بدیع.
- (۳۲) مائده آسمانی جلد ۱. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملى مطبوعات امری. طهران. ایران. سنه ۱۲۸ بدیع.
- (۳۳) مائده آسمانی جلد ۲. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. لجنه ملى نشر آثار امری. طهران. ایران. سنه ۱۰۳ بدیع.
- (۳۴) مائده آسمانی جلد ۴. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. لجنه ملى نشر آثار امری. طهران. ایران. سنه ۱۰۴ بدیع.
- (۳۵) مائده آسمانی جلد ۵. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملى مطبوعات امری. طهران. ایران. سنه ۱۲۹ بدیع. چاپ دهلی . ۱۹۸۵ میلادی.
- (۳۶) مائده آسمانی جلد ۶. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملى مطبوعات امری. طهران. ایران. سنه ۱۲۹ بدیع. چاپ دهلی . ۱۹۸۵ میلادی.
- (۳۷) مائده آسمانی جلد ۸. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملى مطبوعات امری. طهران. ایران. سنه ۱۲۱ بدیع.
- (۳۸) رساله ایام تسعه. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. لجنه ملى نشر آثار امری. طهران. ایران. سنه ۱۰۵ بدیع.
- (۳۹) گنجینه حدود و احکام. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. لجنه ملى نشریات امری. طهران. ایران. سنه ۱۰۲ بدیع.
- (۴۰) گنج شایگان . تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملى مطبوعات امری. طهران. ایران. سنه ۱۲۴ بدیع.

٤١) رحيق مختوم ج ١ . تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. لجنه ملی نشر آثار امری. طهران. ایران. سنه ١٠٣ بدیع

٤٢) رحيق مختوم ج ٢ . تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملی مطبوعات امری. سنه ١٣١ بدیع.
٤٣) پیام ملکوت. تالیف عبدالحمید اشراق خاوری. مؤسسه ملی مطبوعات امری. طهران. ایران. سنه ١٣ بدیع.

٤٤) اسرار الآثار. تالیف فاضل مازندرانی . مؤسسه ملی مطبوعات امری. سنه ١٢٧ بدیع.

٤٥) امر و خلق. تالیف فاضل مازندرانی. مؤسسه ملی مطبوعات امری. سنه ١٢١ بدیع.

٤٦) اخبار امری شمعه های ٧ و ٨. محفل ملی بهائیان ایران. سنه ١١٦ بدیع.

ص ٤٦١

٤٧) فريضه اصحاب شور. تالیف ریاض قدیمی.

٤٨) تبیان و برهان. تالیف احمد حمدي آل محمد. الطبعة الثالث. طبع في مطبعة البيان. ساحة رياض الصلح. بيروت. ١٩٦٢ میلادی.

٤٩) دليل و ارشاد. تالیف احمد حمدي آل محمد. (ترجمه عبدالحمید اشراق خاوری) . مؤسسه ملی مطبوعات امری. سنه ١٢٦ بدیع.

٥٠) حيوۀ بهائی. تالیف عنایت الله سهراب. مؤسسه ملی مطبوعات امری. سنه ١٢٢ بدیع.

٥١) اخلاق بهائی. تالیف محمد علی فیضی. مؤسسه ملی مطبوعات امری. سنه ١٢٠ بدیع.

(٥٢)

سوم ، آثار عمومی

١ - کتب مقدّسه

٥٣) کتاب مقدّس (کتب عهد قدیم و جدید). بهمت انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل. ١٩٠٤ میلادی.

٥٤) الانجیل (کتاب الحیاة. ترجمه عربی). ISBN 086660 400-6. 1982 LBI

٥٥) قرآن مجید (کشف الآيات). کتابفروشی حاج محمد علی علمی. ١٣٣٧ شمسی.

٥٦) قرآن مجید (بخط عثمانی). ناشر Harf Information Technology, Egypt. Version 1.

۲ - کتب تفسیر قرآن کریم

۵۷) تفسیر صاف. تالیف ملا محسن فیض کاشانی. منشورات المكتبة الاسلامية چاپ ششم. ۱۳۶۲ ه. ش.

۵۸) تفسیر کبیر. تالیف فخرالدین رازی. مکتب الاعلام الاسلامی. ۱۴۱۱ ه. ش.

۵۹) تفسیر منهج الصادق. تالیف فتح الله کاشانی. تصحیح علی اکبر غفاری. انتشارات اسلامیہ.

۶۰) تفسیر رازی. تالیف ابوالفتح رازی. تصحیح و حواشی مهدی الہی قمشہ. چاپخانہ محمد حسن علمی. چاپ سوم. ۱۳۴۰ شمسی.

۶۱) کشف الاسرار وعدة الابرار (معروف به تفسیر خواجہ عبد اللہ انصاری) تالیف ابوالفضل رشید الدین میبدی. بسعی و اہتمام علی اصغر حکمت. مؤسسہ انتشارات امیر کبیر. چاپ پنجم. ۱۳۷۱ ه. ش.

۶۲) التبیان فی تفسیر القرآن. تالیف ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی. ناشر مکتب الاعلام الاسلامی. ۱۴۰۹ ه. ش.

۳ - کتب اصول و احادیث اسلامی

۶۳) اصول کافی. تالیف ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق کلینی الرازی. با ترجمہ و شرح سید جواد مصطفوی. دفتر نشر فرهنگ اہل بیت علیہم السلام.

۶۴) بحار النوار. تالیف محمد باقر مجلسی. طبع دارالکتب الاسلامیہ. المکتب الاسلامیہ.

۶۵) روضہ کافی. تالیف ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحق کلینی الرازی. با شرح و ترجمہ و تصحیح فارسی حاج سید ہاشم رسولی محلاتی. انتشارات اسلامیہ.

۶۶) کتاب التوحید. تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویہ القمی (الصدوق). بتصحیح سید ہاشم الحسینی الطہرانی. منشورات جماعة المدرسين فی حوزة العلمية فی القم المقدسة.

ص ۴۶۲

۶۷) معانی الاخبار. تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویہ القمی (الصدوق). بتصحیح علی اکبر غفاری. انتشارات اسلامی وابستہ بجامعة مدرسين حوزہ علمیه قم. ۱۳۶۱ هجری شمسی.

۶۸) نوادر الاخبار فیما يتعلق باصول الدین. تالیف محسن بن مرتضی الفیض الکاشانی. تحقیق مهدی الانصاری القمی. مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاہ) ۱۳۷۰ شمسی.

۶۹) اعلام الوری بأعلام الہدی. تالیف ابی الفضل بن الحسن الطبرسی. المکتبہ الاسلامیہ. ۱۳۳۸ ه. ق. چاپخانہ حیدری.

- (٧٠) كلمات مكنونه. تاليف ذمحسن بن مرتضى الفيض الكاشاني. صححه و علق عليه الشيخ عزيز الله العطاردى القوجانى. مؤسسه انتشارات فراهانى. چاپ دوم ١٣٦٠ شمسى.
- (٧١) مصباح الشريعة للامام الصادق. منشورات مؤسسة العلمى للمطبوعات. بيروت. لبنان.
- (٧٢) نهج الحق و كشف الصدق. تاليف الحسن بن يوسف المطهر الحلى. علق عليه الشيخ عين الله الحسينى الأرموى. من منشورات دارالهجرة. ايران. قم. ١٣٧٠ هـ.
- (٧٣) نجم الثاقب. تاليف حاج ميرزا حسين طبرسى نورى. انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان (عج) قم. چاپ دوم.
- (٧٤) الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة. تاليف الشيخ محمد بن الحسن الحرّ عاملى. بتصحيح حاج سيد هاشم رسولى محلاتى.. با ترجمه فارسى بقلم احمد جنتى. المطبعة العلمية القم. ١٣٤١ شمسى.
- (٧٥) كتاب الغيبة. تاليف شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن طوسى. منشورات مكتبة بصيرتى. قم. ١٤٠٨ هـ. ش.
- (٧٦) الفقه الاكبر. تاليف أبى حنيفة النعمان بن ثابت الكوفى. الطبعة الثانية. بمطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية. بحيدر آباد الدكن. الهند. سنة ١٣٧٣ هـ.
- (٧٧) شرح كتاب الاكبر. تاليف ملا على قارى الحنفى. طبع دارالكتب العلمية. بيروت. لبنان. ١٤٠١ ..
- (٧٨) مصابيح الانوار فى حلّ مشكالات الاخبار. تاليف سيد عبدالله شبر. انتشارات كتابفروشى بصيرتى. قم. (مطبعة الزهراء. بغداد).
- (٧٩) اصول الدين. تاليف ابى منصور عبدالقاهر بن التميمي البغدادى. دارالكتب العلمية. بيروت. چاپ سوم. ١٤٠١ هـ.
- (٨٠) فتح البارى بشرح صحيح بخارى. شيخ الاسلام شهاب الدين احمد بن على بن محمد بن حجر العسقلانى. دار اخياء التراث العربى. بيروت طبع ١٩٨٨. ٤.
- (٨١) صحيح مسل. بشرح النوى. دار اخياء التراث العربى. بيروت. طبع ٢.
- (٨٢) سنن ابى داود. تاليف ابى داود سليمان بن الاشعث السجستانى. طبع دارالفكر.
- (٨٣) المسند الجامع. طبع دارالجليل لطباعة و انشرو التوزيع بيرت الطبعة الاولى. ١٩٩٢ ميلادى.
- (٨٤) مسند تاليف امام احمد حنبل.
- (٨٥) حيات القلوب. تاليف محمد باقر مجلسى. مؤسسه مطبوعات علمى. چاپ دوم ١٣٦٣.
- (٨٦) مبادئ فقه و اصول. تاليف دكتور عليرضا فيض استاد دانشگاه طهران. انتشارات دانشگاه طهران. شماره ١٨٥٠.

۴ - کتب علوم قرآن

۸۷) الاتقان فی علوم القرآن. تالیف جلال الدین عبدالرحمن سیوطی. ترجمه سید مهدی حائری قزوینی. انتشارات امیرکبیر. چاپ اول. ۱۳۶۲ ه. ش.

۸۸) المفردات فی غرائب القرآن. تالیف راغب اصفهانی. تحقیق و ضبط محمد سید گیلائی. چاپ مکتبه مرتضویه.

۸۹) وجوه قرآن. تالیف ذابوالفضل حیش تفلیسی. بکوشش دکتر مهدی محقق. انتشارات حکمت. چاپ دوم. ۱۳۹۶ ه. ش.

۹۰) التبیان فی غریب اعراب القرآن. تالیف ابوالبرکات بن الانباری.

۵ - کتب فلسفه - کلام - منطق - ادبی

۹۱) کتاب الاسماء و الصفات. تالیف ابی بکر حسین بن علی بیهقی. انتشارات دار احیاء التراث العربی. بیروت.

۹۲) شرح اسماء الحسنی. تالیف فخرالدین رازی. منشورات مکتبه الکلیات الازهریه. قاهره.

۹۳) توضیح الملل (ترجمه ملل و نحل شهرستانی). تالیف مصطفی بن خالقداد هاشمی عباسی. مقدمه و تصحیح و تحقیق و تکمیل و ترجمه سید محمد رضا جلالی نائینی. چاپ اقبال. چاپ چهارم. ۱۳۷۳ ه. ش.

۹۴) الفرق بین الفرق. تالیف ابو منصور عبدالقاهر بغدادی. ترجمه دکتر جواد مشکور. انتشارات امیرکبیر. چاپ دوم ۱۳۴۴.

۹۵) احیاء علوم الدین. تالیف ابو حامد محمد غزالی. ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی. بکوشش حسین خدیو جم. چاپ دوم. انتشارات علمی و فرهنگی.

۹۶) کیمیای سعادت. تالیف ابو حامد محمد غزالی (تصحیح آرام) کتابفروشی مرکزی. چاپ هفتم. سال ۱۳۳۵.

۹۷) منطق. تالیف محمد رضا مظفر. ترجمه منوچهر صانعی درّه بیدی. انتشارات حکمت.

۹۸) منطق صوری. تالیف دکتر محمد رضا خونساری. انتشارات دانشگاه طهران.

- ۹۹) سلسله دانش ایرانی دومین بیست گفتار شماره ۳۹. تالیف دکتر مهدی محقق. مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه طهران. ۱۳۶۹.
- ۱۰۰) حکمت الهی. تالیف مهدی الهی قمشه. انتشارات اسلامی. چاپ ششم ۱۳۶۳.
- ۱۰۱) معیار البلاغه (مقدمه ای در مباحث علوم بلاغت). تصنیف ابو هلال بن عبدالله بن سهل عسکری. ترجمه جواد نصیری. انتشارات دانشگاه طهران شماره ۲۱۹۰.
- ۱۰۲) آئین سخن. تالیف دکتر ذبیح الله صفا. انتشارات ققنوس. چاپ چهاردهم. ۱۳۶۷ شمسی.
- ۱۰۳) ينبوع الاسرار فی نصائح الابرار. تالیف کمال الدین حسین خوارزمی. باهتمام دکتر مهدی درخشان. انتشارات استادان زبان و ادبیات فارسی شماره ۷.
- ۱۰۴) مشارق الانوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین . تالیف شیخ رجب الحافظ البرسی. منشورات شریف الرضی.. المطبعة الامیر. الطبعة الاولى. سنة الطبع ۱۳۷۲ هـ. ش.
- ۱۰۵) الباب الحادی عشر. تالیف علامه حلّی مع شرحیه (النافع یوم الحشر لمقداد بن عبدالله السیوری). مقدمه و تحقیق دکتر مهدی محقق. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ سوم ۱۳۷۱ هـ. ش.
- ۱۰۶) تاریخ ادبیات ایران جلد اول. تالیف دکتر ذبیح الله صفا. انتشارات فردوس. چاپ سیزدهم. ۱۳۷۲ طهران -

ص ۴۶۴

۶- کتب عرفان و تصوف

- ۱۰۷) فتوحات مکّیه . ابی عبدالله محمد بن علی المعروف بابن عربی. دار صادر. بیروت.
- ۱۰۸) انوار جلیّه . تالیف ملا عبدالله مدرس زنوزی. بتصحیح سید جلال الدین آشتیانی. انتشارات امیر کبیر.

۷- کتب تاریخ

- ۱۰۹) ناسخ التواریخ. تالیف میرزا محمد تقی سپهر ملقب به لسان الملک. بتصحیح و حواشی محمد باقر بهبودی . کتابفروشی و چاپخانه اسلامیّه. ۱۳۵۳ شمسی.

۱۱۰) روضة الصفای ناصری. تالیف : ۱ - میر محمد بن سید برهان الدین خواند شاه الشهیر بمیر خواند ؛ ۲ - رضا قلی خان هدایت. کتابفروشی خیام . انتشارات کتابفروشیهای مرکزی. خیام . پیروز . ۱۳۳۹ شمسی.

۱۱۱) قصص العلماء. تالیف میرزا محمد تنکابنی. انتشارات علمیه اسلامیة. ۱۳۶۴ شمسی . چاپ تابش.
۱۱۲) مقدمه ابن خلدون. تالیف عبدالرحمن بن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ هشتم ۱۳۷۵ ه. ش.

۱۱۳) تاریخ حبیب السیر. تالیف غیاث الدین هماد الدین الحسینی المدعو به ، خواند میر. کتابفروشی خیام. ۱۳۶۲ شمسی.

۱۱۴) تاریخنامه طبری. منسوب به بلعمی . تصحیح و تحشیة ترجمه محمد روشن. چاپ سوم. نشر البرز ۱۳۷۳.

۸ - کتب لغتنامه و فرهنگ لغات

۱۱۵) فرهنگ فارسی. تالیف دکتر محمد معین. مؤسسه انتشارات امیرکبیر. ۱۳۵۲ ه. ش.

۱۱۶) لغتنامه. تالیف علی اکبر دهخدا. زیر نظر دکتر محمد معین. دانشگاه طهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سازمان لغتنامه.

۱۱۷) التعریفات . تالیف سید علی بن محمد جرجانی. انتشارات ناصر خسرو . طهران.

۱۱۸) لسان العرب. تالیف لابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور الافرقی المصری. دار صادر.

۱۱۹) قاموس محیط . تالیف مجد الدین محمد بن یعقوب فیروز آبادی. دارالجلیل . بیروت.

۱۲۰) آداب اللغة العربیه و تاریخها. تالیف محمد محمدی. انتشارات دانشگاه طهران شماره ۳۴۰. طهران ۱۳۳۵ شمسی.

۱۲۱) المعجم الوسیط. مجمع اللغة العربیه. انتشارات ناصر خسرو. طهران.

۱۲۲) لغت فرس. تالیف ابو منصور احمد بن علی اسدی طوسی. بتصحیح و تحشیة فتح الله مجتبائی - علی اشرف صادقی. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. چاپ اول ۱۳۶۵ ه. ش.

۱۲۳) المغرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم. تالیف لابی منصور الجوالیقی.

۱۲۴) فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تالیف دکتر سید محمد سجادی. کتابخانه طهوری. چاپ دوم ۱۳۷۲ ه. ش.

۱۲۵) فرهنگ علوم عقلی. انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران. طهران ۱۳۶۱.

- (۱۲۶) کشف اصطلاحات فنون. تالیف محمد اعلی بن تھانوی. انتشارات کتابفروشی خیام (از روی نسخه چاپ کلکتہ شال ۱۸۶۳). طبع سال ۱۹۶۷.
- (۱۲۷) راہنمای دانشوران. تالیف علی اکبر برقی. چاپخانہ تابش قم. ۱۳۲۸ ه. ش.
- (۱۲۸) قاموس کتاب مقدس. تالیف جیمز ہاکس. ناشر کتابخانہ طلوعی. چاپ دوم. طہران ۱۳۴۹ شمسی.
- (۱۲۹) الانساب. تالیف تمیمی. طبع دارالفکر. بیروت.
- (۱۳۰) المعارف. تالیف ابن قتیبہ. منشورات شریف ضی.
- (۱۳۱) رجال نجاشی. تصنیف احمد بن علی ابن العباس النجاشی. مکتب داوری. قم.

SARÍRÁT

**INTRODUCTION TO METHODOLOGY OF
THE STUDY OF THE WRITINGS OF THE
MOST EXALTED PEN**

SADEGH ERFANIAN

© 2001 Sadegh Erfanian

All rights reserved

ISBN: 978-1-59584-536-8

پشت جلد . معرفی کتاب صریحات

صریحات کاری است تحقیقی در شناخت روشهای مقدماتی بررسی و مطالعه الواح قلم اعلی . مؤلف در این اثر تحقیقی و مستند متودولوژی مطالعه و منابع تحقیق در الواح نازل از قلم وحی شارع امر مقدس بهائی را در نوزده روش مطالعه کاملاً متمایز از یکدیگر که هر روش نیز به چندین روش جزئی تقسیم بندی گردیده با ارائه نمونه هائی از بیانات مبارکه و در مواردی ارتباط الواح مبارکه با معارف ادیان عموماً و معارف اسلامی خصوصاً با روشی بدیع تهیه و تنظیم نموده و در شروح و توضیحات هر یک از روشها از نظرات و استنباطات فردی کاملاً پرهیز شده است . برای نمونه تحقیق در مخاطبین الواح و شأن نزول ، اصول و مبادی ، اوامر و نواهی ، عوالم آفرینش و خلقت ، عهد و میثاق ، عدل و عدالت در امر بهائی و عناصر لازمه برای تحقق وحدت عالم انسانی و لغت شناسی و اصطلاحات بکار رفته در متون الواح ، قسم ها و شهادتهای در الواح و روشهای شناخت آیات قرآن و احادیث که در متون الواح مبارکه نازل شده است ، حجت و استدلالات کلامی و عبارات عرفانی و بشارات وعد و خوف وعید ، انذارات به اعدا و معرضین امرالله و مسئله توحید ، الوهیت و اسماءالله و نیز متشابهات در ادیان قبل و تأویل آنها در متون الواح و سبک نگارش ، بلاغت و فصاحت در الواح ، نفس و کیفیات نفسانیه ، آیات اعزاز و تذلیل ، مقصود از عالم و جاهل ، شرح و توضیح الواح در الواح دیگر و نظایر آن که جمعا متجاوز از پانصد نوع طبقه بندی و با ارائه بیش از یک هزار نمونه از بیانات مبارکه مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است . سبک تنظیم کتاب بروش کتب کلاسیک درسی مرتب گردیده تا در صورت استفاده در کلاسهای امری از نظم و روند مناسبی پیروی شده باشد .

صادق عرفانیان تحصیلات عالی خود را در رشته مهندسی مکانیک در دانشکده فنی دانشگاه طهران پایان رسانید و از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در شهر San Jose به اخذ درجه فوق لیسانس و برد تخصصی در رشته مهندسی مکانیک از ایالت کالیفرنیا و چند ایالت دیگر نائل گردید . دروس درس اخلاق را در نزد اساتیدی نظیر بدیع الله فرید ، روحی ارباب و ریاض قدیمی پایان رسانید . مبادی و اصول امر را نزد پدر ابراهیم عرفانیان و دوره کوتاهی به همراهی سایر جوانان بهائی بعضی از الواح را نزد جناب عبدالحمید اشراق خاوری آموخت . مطالعه و بررسی الواح و آثار قلم اعلی و آثار تبیینی و تاریخ تحلیلی امر و مقدمات مبادی و اصول فقه و معارف اسلامی مانند علوم قرآن و علم کلام و حدیث و نیز مبادی و اصول معارف مسیحیت را بمدت بیست و پنج سال خود آموزی نمود و دوره کوتاهی نیز در دانشگاه UCLA با معارف اسلامی بزبان انگلیسی آشنائی حاصل نمود .

پشت جلد. معرفی کتاب

صریرات کاری است تحقیقی در شناخت روشهای مقدماتی بررسی و مطالعه الواح نازله از قلم اعلیٰ جلّ ذکره. مؤلف در این اثر تحقیقی و مستند متودولوژی مطالعه و منابع تحقیق در الواح نازله از قلم وحی شارع امر مقدس بهائی را در نوزده روش مطالعه کاملاً متمایز از یکدیگر، که هر روش نیز به چندین روش جزئی تقسیم بندی گردیده با ارائه نمونه‌خائی از الواح نازله و نیز در مواردی ارتباط الواح مبارکه با معارف ادیان قبل عموماً و معارف اسلامی خصوصاً با روشی بدیع تهیه و تنظیم نموده و در شروح و توضیحات هر یک از روشها تا حدّ مقدور از نظرات و استنباطات فردی کاملاً پرهیز گردیده است.

برای نمونه تحقیق در مخاطبین الواح و شأن نزول، اصول و مبادی، اوامر و نواهی، عوالم آفرینش و خلقت، عهد و میثاق، عدل و عدالت، عناصر مرکبه و لازمه برای تحقق وحدت عالم انسانی، لغت شناسی و اصطلاحات بکاررفته در متون الواح، قسم ها و شهادتهای در الواح، روشهای شناخت آیات قرآن و احادیث اسلامی در متون الواح، حجت و استدالات کلامی، عبارات عرفانی، بشارات وعد و خوف وعید، انذارات به اعدا و معرضین امرالله، مسئله توحید، الوهیت، اسماءالله، متشابهات در ادیان مقدسه قبل و تاویل آنها در متون الواح، سبک نگارش و بلاغت و فصاحت در الواح، مراتب نفس و کیفیات نفسانی، آیات اعزاز و تذلیل، مقصود از عالم و جاهل، شرح و توضیح الواح در الواح دیگر نزولی و نظائر آن که جمعاً متجاوز از پانصد نوع طبقه بندی و با ارائه متجاوز از یکهزار نمونه از بیانات مبارکه مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. سبک تنظیم کتاب بروش کتب کلاسیک درسی مرتب گردیده تا در صورت استفاده در کلاسهای امری از نظم و روند مناسبی پیروی شده باشد.

صادق عرفانیان تحصیلات عالی خود را در رشته مهندسی مکانیک در دانشکده فنی دانشگاه طهران پایان رسانید و از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در شهر San Jose به اخذ درجه فوق لیسانس و بُرد تخصصی در رشته مهندسی مکانیک از ایالت کالیفرنیا و چندین ایالت دیگر نائل گردید. دروس درس اخلاق را در نزد اساتیدی نظیر بدیع الله فرید، روحی ارباب و ریاض قدیمی پایان رسانید. مبادی و اصول امر را نزد پدر ابراهیم عرفانیان و دوره کوتاهی بهمراهی تعدادی از اعضای لجنه جوانان بهائی طهران بعضی از الواح را نزد جناب عبدالحمید اشراق خاوری آموخت. مطالعه و بررسی الواح و آثار قلم اعلیٰ و آثار تبیینی و تاریخ تحلیلی امر و مقدمات مبادی و اصول فقه و معارف اسلامی مانند علوم قرآن و علم کلام و حدیث و نیز مبادی و اصول معارف مسیحیت را بمدت بیست و پنج سال خود آموزی نمود و دوره کوتاهی نیز در دانشگاه UCLA با معارف اسلامی بزبان انگلیسی آشنائی حاصل نمود. در حال حاضر به مطالعه و بررسی تطبیقی در معارف امر مبارک و سایر ادیان سامی که مورد نظر حضرت ولی عزیز امرالله است و نیز به تحقیق در روشهای مطالعه آثار قلم اعلیٰ و بررسی و تحقیق در معارف اسلامی در متون الواح مبارکه و تالیف متمم قاموس ایقان اشتغال دارد.

مهندس صادق عرفانیان مدت بیست سال در ایران در لجنه و تشکیلات اداری جوانان بهائی طهران و لجنه ملی جوانان و تبلیغ ایران و نیز کتابخانه ملی بهائیان ایران افتخار عضویت داشته است - مدت پانزده سال است که در امریکا به تدریس معارف بهائی مانند تاریخ، مبادی روحانی و اداری، عهد و میثاق، آثار حضرت ولی امرالله، مبادی استدلال و کتاب مستطاب ایقان بزبانهای فارسی و انگلیسی اشتغال دارد.